



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

چهارم

فرهنگ نامه

سازمان

مطالعات اسلامی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ نامه مهدویت

نویسنده:

خدا مراد سلیمیان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۰	فرهنگ نامه مهدویت
۲۰	مشخصات کتاب
۲۰	اشاره
۲۳	اهداء:
۲۵	سخن ناشر
۲۷	فهرست مطالب
۵۱	آ
۵۱	أَجْزُ الزَّمَانِ
۵۱	اشاره
۵۴	۱. بحران معنویت
۵۴	۲. وقوع اختلاف ها و درگیری های بسیار
۵۵	۳. ظهور دجال
۵۵	۴. وقوع مصیبت های بزرگ
۵۶	۵. خروج سفیانی
۵۶	۶. ندای آسمانی
۵۶	۷. ظهور منجی بزرگ بشر
۵۶	۸. نزول حضرت عیسی علیه السلام
۵۸	۹. خروج جنبنده ای از زمین
۵۸	۱۰. هجوم یاجوج و ماجوج
۵۸	۱۱. رجعت
۶۰	۱۲. صلح و آرامش پایدار در سرتاسر جهان
۶۰	زندگی در أَجْزُ الزَّمَانِ
۶۰	اشاره

- ۶۲ ۱. دین در آخر الزمان
- ۶۲ ۲. مردان آخر الزمان
- ۶۲ ۳. زنان آخر الزمان
- ۶۳ آدینه < جمعه
- ۶۳ آستانه عسکریین علیهما السلام
- ۶۴ آستانه قیامت
- ۶۴ اشاره
- ۶۴ یک. دیدگاه پیروان اهل بیت علیهم السلام ؛
- ۶۷ دو. دیدگاه اهل سنت
- ۶۸ آفتاب پشت ابر < خورشید پشت ابر
- ۶۸ آینده پژوهی
- ۷۰ آیین جدید < دین در عصر ظهور
- ۷۱ ۱
- ۷۱ ابدال
- ۷۲ ابوالادیان
- ۷۶ ابوصالح
- ۷۷ ابوالقاسم
- ۷۸ اثنا عشری
- ۷۹ احمد
- ۷۹ احمد بن اسحاق قمی
- ۸۳ احمد بن هلال کرخی
- ۸۵ احمدیه < قادیانیه
- ۸۵ اخیار
- ۸۸ ادله رجعت < رجعت
- ۸۸ اسماعیلیه
- ۸۹ أشرط الساعة

- اصحاب قائم < یاران حضرت مهدی علیه السلام ۹۶
- اصحاب کهف ۹۶
- اقامت گاه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور < مسجد سهله ۹۷
- القیاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۹۷
- امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۹۸
- امامت و مهدویت ۱۱۲
- امام حسن عسکری علیه السلام ۱۱۴
- امام زمان < صاحب الزمان ۱۲۲
- امام شناسی < مرگ جاهلی ۱۲۴
- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف < از ولادت تا ظهور ۱۲۴
- امامیه ۱۲۵
- امدادهای غیبی ۱۲۵
- امکان رجعت < رجعت ۱۳۱
- امنیت < حکومت جهانی ۱۳۱
- انتظار فرج ۱۳۱
- انتقام ۱۴۳
- انجمن حجّتیّه ۱۴۵
- انطاکیه ۱۵۳
- اوتاد ۱۵۴
- اهل سنت و مهدی موعود ۱۵۵
- اهل سنت و ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۶۰
- اهل کتاب در عصر ظهور < دین در عصر ظهور ۱۶۴
- ایام الله ۱۶۴
- ایستادن هنگام شنیدن لقب قائم ۱۶۶
- ب ۱۷۰
- باب (علی محمد شیرازی) ۱۷۰

۱۷۷	بابیه < باب
۱۷۷	باران های پیاپی
۱۷۸	باقریه
۱۸۰	البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان
۱۸۲	بعثت امام مهدی علیه السلام < ظهور
۱۸۶	بلالی < محمد بن علی بن بلال
۱۸۶	بلالیه
۱۸۷	بهائیت
۱۹۱	البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام
۱۹۲	بیت الحمد
۱۹۴	بیت المقدس
۱۹۵	بیدا < خسف به بیدا
۱۹۵	بیعت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۹۷	بیعت نامه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۹۹	البیعه لله
۲۰۱	پ
۲۰۱	پایان تاریخ < آخر الزمان
۲۰۱	پدر حضرت مهدی علیه السلام < امام حسن عسکری علیه السلام
۲۰۱	پدر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اهل سنت
۲۰۶	پرچم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۰۸	پرچم های سیاه
۲۱۱	پیراهن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۱۵	ت
۲۱۵	تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۱۶	تاریخ عصر غیبت
۲۱۸	تاریخ غیبت کبرا

- ۲۲۰ تشرف < ملاقات با حضرت مهدی علیه السلام
- ۲۲۰ تکذیب وقت گزاران < وقت ظهور
- ۲۲۰ تَنَائُرُ النُّجُوم
- ۲۲۳ توقیع
- ۲۳۰ ج
- ۲۳۰ جبرئیل
- ۲۳۱ جدّه
- ۲۳۲ جزیره خضرا
- ۲۳۸ جزیره خضرا در ترازوی نقد
- ۲۴۱ جعفر کذاب
- ۲۴۵ جمعه
- ۲۴۷ جنگ افزارهای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف < سلاح مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- ۲۴۹ ج
- ۲۴۹ حجّت
- ۲۵۱ حجر الاسود
- ۲۵۲ حدیث غدیر
- ۲۵۲ حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام < لوح حضرت زهرا علیها السلام
- ۲۵۲ حدیث معراج
- ۲۵۴ جزز حضرت مهدی علیه السلام
- ۲۵۴ حرمت نام بردن مهدی علیه السلام < محمد
- ۲۵۴ حسن شریعی
- ۲۵۶ حسین بن روح (نوبختی)
- ۲۵۸ حسین بن منصور حلاج
- ۲۵۹ حکومت جهانی
- ۲۷۲ حکومت صالحان
- ۲۷۶ حکومت مستضعفان

۲۷۹	حکیمه خاتون
۲۸۲	حیرت
۲۸۶	خ
۲۸۶	خاتم الاوصیاء
۲۸۷	خراسانی < خروج خراسانی
۲۸۷	خردسال ترین پیشوای معصوم < امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۸۷	خروج خراسانی
۲۸۸	خروج دابۀ الأرض
۲۹۲	خروج دجال
۲۹۷	خروج سفیانی
۲۹۹	خروج سید حسنی
۳۰۰	خروج شعیب بن صالح
۳۰۱	خروج شیصبانی
۳۰۳	خروج عوف سلمی
۳۰۳	خروج مهدی علیه السلام < قیام مهدی علیه السلام
۳۰۳	خروج یاجوج و ماجوج < یاجوج و ماجوج
۳۰۳	خروج یمانی
۳۰۶	خَشَف به بَيِّدَاء
۳۰۷	خسوف و کسوف غیرعادی
۳۰۸	خضر علیه السلام
۳۰۸	خلافت موعود
۳۱۳	خورشید پشت ابر
۳۱۶	خطبه قیام
۳۱۷	خورشید مغرب
۳۱۹	خیمه
۳۲۰	د

- ۳۲۰ دابه الارض < خروج دابه الارض
- ۳۲۰ دادگستر جهان
- ۳۲۱ دانشمندان عامه و مهدی موعود
- ۳۲۲ دجال < خروج دجال
- ۳۲۲ در انتظار ققنوس
- ۳۲۴ در فجر ساحل
- ۳۲۶ دست بر سر گذاشتن
- ۳۲۶ دعای افتتاح
- ۳۲۷ دعای عهد
- ۳۲۸ دعای ندبه
- ۳۳۲ دعای سمات
- ۳۳۳ دوازده امامی < اثنی عشری
- ۳۳۳ دولت کریمه < حکومت جهانی
- ۳۳۳ دین در آخرالزمان < آخرالزمان
- ۳۳۳ دین عصر ظهور
- ۳۳۸ ذ
- ۳۳۸ ذی طوی
- ۳۴۰ ر
- ۳۴۰ رایات سود < پرچم های سیاه
- ۳۴۰ رحلت امام مهدی علیه السلام < فرجام حضرت مهدی علیه السلام
- ۳۴۰ رجعت
- ۳۴۸ رجعت کنندگان
- ۳۵۱ رکن و مقام
- ۳۵۲ رؤیت مهدی علیه السلام < ملاقات مهدی علیه السلام
- ۳۵۴ ز
- ۳۵۴ زبور داود

- ۳۵۴ زمينه سازان ظهور
- ۳۵۶ زنان آخرالزمان < آخرالزمان
- ۳۵۶ زنان و قيام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف < ياران حضرت مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف
- ۳۵۶ زندگي آخرالزمان < آخرالزمان
- ۳۵۶ زيارت آل يس
- ۳۵۷ زيارت ناحيه مقدسه
- ۳۶۰ زيارت رجبیه
- ۳۶۰ زبديه
- ۳۶۳ س
- ۳۶۳ سازمان وکالت
- ۳۶۴ سامرا
- ۳۶۶ سرداب سامرا
- ۳۶۷ سلاح امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف
- ۳۶۹ سفیانی < خروج سفیانی
- ۳۶۹ سيد حسنی < خروج سيد حسنی
- ۳۶۹ سيره حكومتی امام مهدي عليه السلام
- ۳۷۳ سيصد و سيزده
- ۳۷۶ ش
- ۳۷۶ شاهدان ولادت امام مهدي عليه السلام
- ۳۷۷ شرايط ظهور
- ۳۷۹ شريد
- ۳۷۹ شریعیه
- ۳۸۲ شعبان
- ۳۸۲ شعيب بن صالح < خروج شعيب بن صالح
- ۳۸۲ شلمغانیه
- ۳۸۴ شمائل حضرت مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف

- ۳۸۷ شمشیر < سلاح مهدی علیه السلام
- ۳۸۷ شهادت امام مهدی علیه السلام < فرجام حضرت مهدی علیه السلام
- ۳۸۷ شیخیه
- ۳۹۲ شیطان < کشته شدن شیطان
- ۳۹۲ شیصبانی < خروج شیصبانی
- ۳۹۲ شیعه
- ۳۹۶ ص
- ۳۹۶ صاحب الامر
- ۳۹۷ صاحب الدار
- ۳۹۷ صاحب الزمان
- ۳۹۹ صاحب السیف
- ۴۰۱ صاحب الغیبه
- ۴۰۲ صاید بن صید < خروج دجال
- ۴۰۲ صقیل < مادر مهدی علیه السلام
- ۴۰۲ صیحه آسمانی < ندای آسمانی
- ۴۰۳ ط
- ۴۰۳ طالقان
- ۴۰۵ طرید
- ۴۰۵ طلوع خورشید از مغرب
- ۴۰۷ طویل العمر
- ۴۱۳ طی الأرض
- ۴۱۳ طئینه
- ۴۱۷ ظ
- ۴۱۷ ظهور
- ۴۲۲ ع
- ۴۲۲ عاشورا

- ۴۲۳ عبرتایی < احمد بن هلال
- ۴۲۳ عثمان بن سعید عمری
- ۴۲۷ عدد یاران مهدی < علیه السلام سیصد و سیزده
- ۴۲۷ عدل و قسط < حکومت جهانی
- ۴۲۷ العرف الوردی فی الاخبار المهدی
- ۴۲۹ عسکریه
- ۴۳۰ عصائب
- ۴۳۰ عصر زندگی
- ۴۳۳ عقد الدرر فی اخبار المنتظر
- ۴۳۵ علایم ظهور < نشانه های ظهور
- ۴۳۵ علائم قیامت < اشراف الساعه
- ۴۳۵ علی بن محمد سمری
- ۴۳۷ غ
- ۴۳۷ غار انطاکیه < انطاکیه
- ۴۳۷ غایب < امام غایب
- ۴۳۷ غریم
- ۴۳۸ غلام
- ۴۳۸ غیبت (پنهان شدن) امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۴۵۰ الغیبه
- ۴۵۳ غیبت صغرا
- ۴۵۵ غیبت کبرا
- ۴۵۸ ف
- ۴۵۸ فترت
- ۴۵۹ فرید
- ۴۵۹ فرجام حضرت مهدی علیه السلام
- ۴۶۴ فرجام شناسی < آینده پژوهی

۴۶۴ فضیلت انتظار فرج < انتظار فرج

۴۶۴ فضیلت منتظران < منتظر

۴۶۴ فلسفه رجعت < رجعت

۴۶۴ فلسفه غیبت صغرا < غیبت صغرا

۴۶۴ فلسفه و علل غیبت < غیبت مهدی علیه السلام

۴۶۴ فواید امام غایب

۴۷۲ فوتوریسم

۴۷۵ ق

۴۷۵ قائم

۴۷۶ قادیانیه

۴۷۷ قتل نفس زکّیه

۴۷۸ قم

۴۸۳ قیامت صغرا < رجعت

۴۸۳ قیام های پیش از ظهور

۴۸۹ ک

۴۸۹ کتاب الغیبه للحجه

۴۹۱ کشته شدن شیطان

۴۹۲ کمال الدین و تمام النعمه

۴۹۶ کوفه

۴۹۸ کنیه حضرت مهدی علیه السلام < ابوالقاسم

۴۹۸ کوه رُضوی

۴۹۸ کیسانیه

۵۰۱ ل

۵۰۱ لباس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف < پیراهن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۵۰۱ لوح حضرت زهرا علیها السلام

۵۰۵ م

۵۰۵	مادر حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف
۵۱۱	متمهدی < مدعیان مهدویت
۵۱۱	مثلث برمودا < جزیره خضرا
۵۱۱	محدث
۵۱۲	محل بیعت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف < رکن و مقام
۵۱۲	محل ظهور مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف < مسجد الحرام
۵۱۲	محل قتل نفس زکیه < رکن و مقام
۵۱۲	محمد
۵۱۹	محمد بن عثمان بن سعید عمری
۵۲۱	محمد بن علی بن هلال
۵۲۱	محمد بن علی شلمغانی
۵۲۴	محمد بن نصیر نمیری
۵۲۷	محمدیه
۵۲۷	مدعیان بابیت
۵۲۹	مدعیان مهدویت
۵۳۰	مرجع تقلید
۵۳۱	مردان آخرالزمان < آخرالزمان
۵۳۱	مرکز حکومت مهدی علیه السلام < مسجد کوفه
۵۳۱	مرگ جاهلی
۵۳۴	مرگ سرخ
۵۳۴	مرگ سفید
۵۳۴	مستضعف
۵۳۷	مسجد جمکران
۵۴۲	مسجد الحرام
۵۴۲	مسجد سهله
۵۴۵	مسجد صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف < مسجد جمکران

۵۴۵	مسجد کوفه
۵۴۹	مصلاى جمعہ و جماعات در عصر ظہور < مسجد کوفہ
۵۴۹	مُضْطَر
۵۵۰	معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف
۵۵۲	معمرين
۵۵۳	مُغَيَّرِيه
۵۵۵	مقتداى مسيح عليه السلام
۵۵۷	مكيال المكارم فى فوايد الدعاء للقائم عجل الله تعالى فرجه الشريف
۵۵۸	ملاحم و فتن
۵۶۰	ملاقات با حضرت مهدي عليه السلام
۵۶۸	مليکه < مادر حضرت مهدي عليه السلام
۵۶۸	منتخب الاثر
۵۷۱	منتظر
۵۸۰	مَنْتَظَر
۵۸۱	مُنْتَقِم
۵۸۲	منصور
۵۸۲	مؤتور
۵۸۴	موسويه
۵۸۴	موعود مسيحيت
۵۸۶	موعود يهود
۵۸۹	مهدي
۵۹۰	مهدي سودانى
۵۹۱	مهدي موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف
۵۹۳	مهدويت
۵۹۳	ممهدون < زمينه سازان ظهور
۵۹۳	مهدويت پژوهى < آينده پژوهى

۵۹۳ مهدی شخصی و مهدی نوعی
۵۹۶ مهدیه
۵۹۶ میراث داری پیامبران
۵۹۹ ن
۵۹۹ ناحیه مقدسه
۶۰۰ نام های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف < محمد، احمد
۶۰۰ ناووسیه
۶۰۱ نجبا
۶۰۱ ندای آسمانی
۶۰۵ نرگس < مادر حضرت مهدی علیه السلام
۶۰۵ نزول عیسی علیه السلام
۶۰۶ نشانه های آخرالزمان < آخرالزمان
۶۰۷ نشانه های ظهور
۶۱۱ نفس زکیه
۶۱۱ نماز امام زمان علیه السلام
۶۱۴ نواب خاص
۶۱۷ نیابت خاص
۶۲۱ نیابت عام
۶۲۵ نیمه شعبان
۶۲۸ و
۶۲۸ وقاتون < وقت ظهور
۶۲۸ وقت ظهور
۶۳۵ وقت معلوم
۶۳۷ وکلای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۶۳۹ ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۶۴۶ ولایت فقیه

۶۴۹ ولی فقیه

۶۵۳ ه

۶۵۳ همسر و فرزند مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۶۶۵ هیبت حضرت مهدی علیه السلام < شمایل حضرت مهدی علیه السلام

۶۶۷ ی

۶۶۷ یاجوج و ماجوج

۶۶۹ یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۶۷۲ یا لثارات الحسین علیه السلام !

۶۷۵ کتابنامه

۶۹۱ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: سلیمیان، خدامراد، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ نامه مهدویت / خدامراد سلیمیان.

وضعیت ویراست: ویراست ۲.

مشخصات نشر: تهران: بنیاد فرهنگی مهدی موعود(عج)، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۵۰۹ ص.

شابک: ۶۸۰۰۰ ریال: ۷-۴۷-۷۴۲۸-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فایا (چاپ دوم) (برونسپاری)

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Kh.M.salimian.Farhangname mahdaviyat.

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه: [۴۹۹] - ۵۰۹؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع: مهدویت-- دایره المعارف ها

رده بندی کنگره: BP۵۱/۳۵/س۸۵ف۴ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲۰۳

شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۶۸۹۰۲

ص: ۱

اشاره

فرهنگنامه مهدویت

(ویراست دوم)

خدا مراد سلیمان

- قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهدا / کوچه آمار(۲۲) / بن بست شهید علیان / ص.پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶) / ۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش) / ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت) / فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

- تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

www.mahdi۳۱۳.com -

با قدردانی و تشکر از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فؤادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، عبدا... شریفی (مدیر فروش)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، عباس فریدی (طراح جلد)، رضا فریدی (صفحه آرا) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

حسین احمدی

۰۹۰۷۸

ص: ۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ

مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ

وَ جِئْنَا بِبِضَاعِهِ مُرْجَاهِ

فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا

إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

يوسف (١٢) آيه ٨٨

اهداء:

ص: ٣

این کتاب را با احترام و فروتنی

به یکایک مهدی یاوران مهدی باور، به ویژه جوانان، تقدیم می‌کنم.

آنان که:

وارثان یک تاریخ انتظارند؛

و در اندیشه حضور در دولت عدل جهانی،

افزون بر اصلاح خویش،

برای اصلاح جامعه نیز تلاش می‌کنند.

ص: ۴

امامت خورشید زندگی بخشی است که اعتقاد شیعه با آن گره خورده و باعث شده است تا این گروه، راه خویش را در تاریخ اسلام از کج راهه ها و بیراهه ها جدا کند. حیات، بالندگی و بقای شیعه در گرو این حقیقت بزرگ قرآنی و یادگار سترگ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

در میان امامان شیعه، امام دوازدهم از ویژگی ها و امتیازهای خاصی برخوردار است. او تنها کسی است که همه جهان را از عدل و داد، سرشار خواهد ساخت؛ همان گونه که از ظلم و بیداد پر شده است.

مهدویت، به دلیل دارا بودن ویژگی های منحصر به فرد، یکی از توانمندترین عوامل رشد جامعه دینی ما است؛ از این رو طرح درست و گسترش این فرهنگ در جامعه، باعث تعالی هرچه بیشتر جامعه و حفظ آن از فروغلتیدن در ناراستی ها، فسادها و تباهی ها است.

«مهدویت» در اندیشه اسلام و ادیان آسمانی، اندیشه ای فراگیر و پیشینه دار و نقطه اوج و کمال تاریخ بشری است. توجه جهان به این موضوع مهم در عصر حاضر و مطرح شدن اندیشه های موازی و انحرافی در این زمینه، از سوی قدرت های جهانی و اندیشمندان بشری و برداشت های غیر کارشناسانه از آن، ضرورت پاسداری از این اندیشه بنیادین اسلام را چند برابر کرده است.

در این راستا بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز آموزشی تخصصی مهدویت، به منظور ترویج و معرفی بیشتر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شناساندن فرهنگ مهدویت و آشنا ساختن جامعه _ مخصوصاً نسل نو _ با

نقش آن امام عزیز در عصر غیبت و حکومت واحد جهانی و تحکیم پایه های امامت و ولایت، تأسیس شده و اهداف مختلفی را پیگیری کرده است.

یکی از برنامه های مهم این بنیاد، تألیف و نشر کتاب و نشریه و تدوین آثار فرهنگی، علمی و ادبی درباره شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که تا کنون در بخش کتاب، بیش از چهل عنوان، تدوین و چاپ کرده است.

اکنون نیز کتاب «فرهنگنامه مهدویت» در اختیار دوستداران و عاشقان آن امام عارفان و ذخیره پیامبران قرار می گیرد. «فرهنگنامه مهدویت» تلاشی از سوی نویسندگان محترم برای تسهیل دسترسی همگان به موضوعات مهدویت است. همچنین گامی برای صیانت این فرهنگ از آسیب های گوناگون و گشودن دریچه های مختلف، به روی دانش پژوهان است.

مجموعه حاضر گامی آغازین در این زمینه به شمار می آید؛ امید است فرهیختگان با تلاش های جدید و ژرف تر، پژوهش های کامل تر و متنوع تری ارائه دهند و اقدامات پر ثمری در ترویج فرهنگ «مهدویت» به عمل آورند.

در پایان ضمن تشکر از زحمات مؤلف محترم، این نکته را یادآور می شویم که مسئولیت علمی و درستی مطالب کتاب، بر عهده مؤلف است. امید است خوانندگان گرامی با ارائه دیدگاه ها و انتقادهای خود، ما را در پر بارتر شدن این گونه آثار، یاری نمایند.

انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

فهرست مطالب

آ

آخِرُ الزَّمان ۱۷

آدینه □ جمعه ۲۶

آستانه عسکرین علیهما السلام ۲۶

آستانه قیامت ۲۷

آفتاب پشت ابر □ خورشید پشت ابر ۳۱

آینده پژوهی ۳۲

آیین جدید □ دین در عصر ظهور ۳۴

ا

أبدال ۳۵

ابوالادیان ۳۶

ابوصالح ۳۹

ابوالقاسم ۴۰

اثنا عشری ۴۱

احمد ۴۲

احمد بن اسحاق قمی ۴۲

احمد بن هلال کرخی ۴۵

احمدیه □ قادیانیه ۴۶

اخیار ۴۶

ادله رجعت □ رجعت ۴۸

اسماعیلیه ۴۸

أشراط الساعة ۴۹

اصحاب قائم □ یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۵۶

اصحاب کهف ۵۶

اقامت گاه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور □ مسجد سهله ۵۷

القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۵۷

امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۵۸

امامت و مهدویت ۷۰

امام حسن عسکری علیه السلام ۷۳

امام زمان □ صاحب الزمان ۷۹

امام شناسی □ مرگ جاهلی ۸۰

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور ۸۰

امامیه ۸۱

امدادهای غیبی ۸۱

امکان رجعت □ رجعت ۸۶

امنیت □ حکومت جهانی ۸۶

انتظار فرج ۸۶

انتقام ۹۵

انجمن حجّیه ۹۷

انطاكیه ۱۰۵

اوتاد ۱۰۶

اهل سنت و مهدی موعود ۱۰۷

اهل سنت و ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۱۳

اهل کتاب در عصر ظهور [دین در عصر ظهور] ۱۱۶

ایام الله ۱۱۶

ص: ۷

ایستادن هنگام شنیدن لقب قائم ۱۱۸

ب

باب (علی محمد شیرازی) ۱۲۱

بایه □ باب ۱۲۸

باران های پایی ۱۲۸

باقریه ۱۲۹

البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان ۱۳۰

بعثت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف □ ظهور ۱۳۱

بلالی □ محمد بن علی بن بلال ۱۳۴

بلالیه ۱۳۴

بهائیت ۱۳۵

البيان فی اخبار صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۳۹

بیت الحمد ۱۴۰

بیت المقدس ۱۴۲

بیدا □ خسف به بیدا ۱۴۳

بیعت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۴۳

بیعت نامه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۴۵

البيعه لله ۱۴۷

پ

پایان تاریخ □ آخر الزمان ۱۴۹

پدر حضرت مهدی □ امام حسن عسکری ۱۴۹

پدر مهدی و اهل سنت ۱۴۹

پرچم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۵۴

پرچم های سیاه ۱۵۵

پیراهن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۵۸

ت

تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۶۱

تاریخ عصر غیبت ۱۶۲

تاریخ غیبت کبریا ۱۶۳

تشرف □ ملاقات با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۶۴

تکذیب وقت گزاران □ وقت ظهور ۱۶۴

تَنَاطُرُ النُّجُوم ۱۶۴

توقيع ۱۶۵

ج

جبرئیل ۱۷۱

جدّه ۱۷۲

جزیره خضرا ۱۷۳

جزیره خضرا در ترازوی نقد ۱۷۸

جعفر کذاب ۱۸۰

جمعه ۱۸۴

جنگ افزارهای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف □ سلاح مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۱۸۵.

ح

حجّت ۱۸۷

حجر الاسود ۱۸۹

حدیث غدیر ۱۹۰

حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام □ لوح حضرت زهرا علیها السلام ۱۹۰

حدیث معراج ۱۹۰

حزّ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۹۲

حرمت نام بردن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف □ محمد ۱۹۲

حسن شریعی ۱۹۲

حسین بن روح (نوبختی) ۱۹۴

حسین بن منصور حلاج ۱۹۶

حکومت جهانی ۱۹۷

حکومت صالحان ۲۰۹

حکومت مستضعفان ۲۱۴

حکیمه خاتون ۲۱۶

حیرت ۲۱۹

خ

خاتم الاوصیاء ۲۲۳

خراسانی □ خروج خراسانی ۲۲۴

خردسال ترین پیشوای معصوم □ امامت حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف ۲۲۴

خروج خراسانی ۲۲۴

خروج دابّة الأرض ۲۲۵

خروج دجال ۲۲۸

ص: ۸

خروج سفیانی ۲۳۳

خروج سید حسنی ۲۳۵

خروج شعیب بن صالح ۲۳۷

خروج شیصبانی ۲۳۷

خروج عوف سلمی ۲۳۸

خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف □ قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۳۸

خروج یاجوج و مأجوج □ یاجوج و مأجوج ۲۳۸

خروج یمانی ۲۳۸

خَسَف به بَیْءاء ۲۴۰

خسوف و کسوف غیر عادی ۲۴۱

خضر علیه السلام ۲۴۲

خلافت موعود ۲۴۲

خورشید پشت ابر ۲۴۶

خطبه قیام ۲۴۹

خورشید مغرب ۲۵۰

خیمه ۲۵۲

د

دابه الارض □ خروج دابه الارض ۲۵۳

داد گستر جهان ۲۵۳

دانشمندان عامه و مهدی موعود ۲۵۴

دجال □ خروج دجال ۲۵۵

در انتظار ققنوس ۲۵۵

در فجر ساحل ۲۵۶

دست بر سر گذاشتن ۲۵۷

دعای افتتاح ۲۵۷

دعای عهد ۲۵۸

دعای ندبه ۲۵۹

دعای سمات ۲۶۱

دوازده امامی □ اثنی عشری ۲۶۲

دولت کریمه □ حکومت جهانی ۲۶۲

دین در آخرالزمان □ آخرالزمان ۲۶۲

دین عصر ظهور ۲۶۲

ذ

ذی طوی ۲۶۷

ر

رایات سود □ پرچم های سیاه ۲۶۹

رحلت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف □ فرجام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۶۹

رجعت ۲۶۹

رجعت کنندگان ۲۷۵

رکن و مقام ۲۷۷

رؤیت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف □ ملاقات مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف ۲۸۰

ز

زبور داود ۲۸۱

زمینه سازان ظهور ۲۸۱

زنان آخرالزمان □ آخرالزمان ۲۸۳

زنان و قیام مهدی □ یاران مهدی ۲۸۳

زندگی آخرالزمان □ آخرالزمان ۲۸۳

زیارت آل یس ۲۸۳

زیارت ناحیه مقدسه ۲۸۴

زیارت رجبیه ۲۸۷

زیدیه ۲۸۷

س

سازمان وکالت ۲۸۹

سامرا ۲۹۰

سرداب سامرا ۲۹۲

سلاح امام مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف ۲۹۴

سفیانی □ خروج سفیانی ۲۹۷

سید حسنی □ خروج سید حسنی ۲۹۷

سیره حکومتی امام مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف ۲۹۷

سیصد و سیزده ۳۰۰

ش

شاهدان ولادت امام مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف ۳۰۳

شرایط ظهور ۳۰۴

شریذ ۳۰۶

ص: ۹

شريعیه ۳۰۶

شعبان ۳۰۸

شعیب بن صالح □ خروج شعیب ۳۰۹

شلمغانیه ۳۰۹

شمائل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۱۰

شمشیر □ سلاح مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۱۳

شهادت امام مهدی □ فرجام حضرت ۳۱۳

شیخیه ۳۱۳

شیطان □ کشته شدن شیطان ۳۱۸

شیصبانی □ خروج شیصبانی ۳۱۸

شیعه ۳۱۸

ص

صاحب الامر ۳۲۱

صاحب الدار ۳۲۲

صاحب الزمان ۳۲۲

صاحب السیف ۳۲۳

صاحب الغیبه ۳۲۵

صاید بن صید □ خروج دجال ۳۲۶

صقیل □ مادر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۲۶

صیحه آسمانی □ ندای آسمانی ۳۲۶

ط

طالقان ۳۲۷

طريد ۳۲۹

طلوع خورشيد از مغرب ۳۲۹

طويل العمر ۳۳۰

طی الارض ۳۳۶

طیبه ۳۳۶

ظ

ظهور ۳۳۹

ع

عاشورا ۳۴۳

عبرتایی □ احمد بن هلال ۳۴۴

عثمان بن سعيد عمری ۳۴۴

عدد ياران مهدي □ سيصد و سيزده ۳۴۶

عدل و قسط □ حكومت جهانی ۳۴۶

العرف الوردی فی الاخبار المهدی ۳۴۶

عسکریه ۳۴۸

عصائب ۳۴۹

عصر زندگی ۳۴۹

عقد الدرر فی اخبار المنتظر ۳۵۱

علايم ظهور □ نشانه های ظهور ۳۵۲

علائم قیامت □ اشراف الساعه ۳۵۲

علی بن محمد سمری ۳۵۲

غ

غار انطاکیه □ انطاکیه ۳۵۵

غایب □ امام غایب ۳۵۵

غریم ۳۵۵

غلام ۳۵۶

غیبت (پنهان شدن) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۵۶

الغیبه ۳۶۶

غیبت صغرا ۳۶۹

غیبت کبرا ۳۷۱

ف

فترت ۳۷۳

فرید ۳۷۴

فرجام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۷۴

فرجام شناسی □ آینده پژوهی ۳۷۸

فضیلت انتظار فرج □ انتظار فرج ۳۷۸

فضیلت منتظران □ منتظر ۳۷۸

فلسفه رجعت □ رجعت ۳۷۸

فلسفه غیبت صغرا □ غیبت صغرا ۳۷۸

فلسفه غیبت □ غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۷۸

فواید امام غایب ۳۷۸

فوتوریزم ۳۸۶

ص: ۱۰

ق

قائم ۳۸۹

قادیانیہ ۳۹۰

قتل نفس زکیہ ۳۹۱

قم ۳۹۲

قیامت صغرا □ رجعت ۳۹۷

قیام های پیش از ظهور ۳۹۷

ک

کتاب الغیبه للحجه ۴۰۵

کشته شدن شیطان ۴۰۷

کمال الدین و تمام النعمه ۴۰۸

کوفه ۴۱۲

کَنِیْهِ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف □ ابوالقاسم ۴۱۴

کوه رَضْوِی ۴۱۴

کیسانیه ۴۱۴

ل

لباس حضرت □ پیراهن مهدی ۴۱۷

لوح حضرت زهرا علیها السلام ۴۱۷

م

مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۴۲۱

متمهدی □ مدعیان مهدویت ۴۲۶

مثلث برمودا □ جزیره خضرا ۴۲۶

محدث ۴۲۶

محل بیعت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف □ رکن و مقام ۴۲۷

محل ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف □ مسجد الحرام ۴۲۷

محل قتل نفس زکیه □ رکن و مقام ۴۲۷

محمد ۴۲۷

محمد بن عثمان بن سعید عمری ۴۳۴

محمد بن علی بن هلال ۴۳۶

محمد بن علی شلمغانی ۴۳۶

محمد بن نصیر نمیری ۴۳۸

محمدیه ۴۴۰

مدعیان بابیت ۴۴۰

مدعیان مهدویت ۴۴۲

مرجع تقلید ۴۴۳

مردان آخرالزمان □ آخرالزمان ۴۴۴

مرکز حکومت مهدی □ مسجد کوفه ۴۴۴

مرگ جاهلی ۴۴۴

مرگ سرخ ۴۴۷

مرگ سفید ۴۴۷

مستضعف ۴۴۷

مسجد جمکران ۴۴۹

مسجد الحرام ۴۵۴

مسجد سهله ۴۵۴

مسجد صاحب الزمان □ مسجد جمکران ۴۵۵

مسجد کوفه ۴۵۵

مصلاى جمعه و جماعات در عصر ظهور □ مسجد کوفه ۴۵۸

مُضْطَرَّ ۴۵۸

معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف ۴۵۹

معمرين ۴۶۰

مُغَيَّرِيه ۴۶۱

مقتداى مسيح عليه السلام ۴۶۲

مكيال المكارم فى فوايد الدعاء للقائم ۴۶۴

ملاحم و فتن ۴۶۵

ملاقات با حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف ۴۶۶

مليكه □ مادر حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف ۴۷۲

منتخب الاثر ۴۷۳

منتظر ۴۷۴

منتظر ۴۸۱

مُنْتَقِم ۴۸۲

منصور ٤٨٤

مؤتور ٤٨٤

موسويه ٤٨٥

موعود مسيحيت ٤٨٥

موعود يهود ٤٨٧

مهدى ٤٩٠

ص: ١١

مهدی سودانی ۴۹۱

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ۴۹۲

مهدویت ۴۹۴

ممهدون □ زمینه سازان ظهور ۴۹۴

مهدویت پژوهی □ آینده پژوهی ۴۹۴

مهدی شخصی و مهدی نوعی ۴۹۴

مهدیه ۴۹۷

میراث دار پیامبران ۴۹۷

ن

ناحیه مقدسه ۵۰۱

نام های حضرت □ محمد، احمد ۵۰۲

ناووسیه ۵۰۲

نجبا ۵۰۳

ندای آسمانی ۵۰۳

نرگس □ مادر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۵۰۶

نزول عیسی علیه السلام ۵۰۶

نشانه های آخرالزمان □ آخرالزمان ۵۰۷

نشانه های ظهور ۵۰۸

نفس زکیه ۵۱۲

نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۵۱۲

نواب خاص ۵۱۵

نیابت خاص ۵۱۸

نیابت عام ۵۲۰

نیمه شعبان ۵۲۴

و

وقاتون □ وقت ظهور ۵۲۷

وقت ظهور ۵۲۷

وقت معلوم ۵۳۲

وکلاى حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف ۵۳۴

ولادت حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف ۵۳۵

ولایت فقیه ۵۴۱

ولی فقیه ۵۴۳

ه

همسر و فرزند مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف ۵۴۷

هیبت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف □ شمايل حضرت ۵۵۷

ی

یاجوج و ماجوج ۵۵۹

یاران حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف ۵۶۱

یا لثارات الحسين عليه السلام! ۵۶۴

کتابنامه ۵۶۷

اسلام گرایی و گسترش اندیشه دینی در دهه های اخیر و رشد روزافزون پژوهش های اسلامی، و نیز گرایش فزاینده عموم مسلمانان _ به ویژه نسل جوان _ به مباحث مهدویت، امری مبارک و بااهمیت است؛ که زمینه مطالعات گوناگون و فراوانی را در زنجیره مباحث مهدوی فراهم آورده است.

از دیگر سو استفاده های نابجا و نادرست کژاندیشان منحرف و ناپاک از این زمینه فراهم شده، و گسترش خرافه گرایی و رواج سطحی نگری در این موضوع، ضرورت تبیین درست و واقعی آموزه های «مهدویت» را امری ناگزیر ساخته است.

این دو، افزایش منابع علمی در جنبه های مختلف موضوع، فراوانی آگاهی ها و تبیین مهدویت در قالب مجموعه هایی گسترده و قابل قبول _ همچون فرهنگنامه، دانشنامه و دایره المعارف مهدویت _ را اجتناب ناپذیر کرده است؛ به ویژه آن که امروزه کشش و جاذبه های فرامذهبی موعود منجی، و کافی نبودن منابع موجود و نیز لزوم پاسخ گویی به پرسش های نوپدید مهدوی، حساسیت موضوع را بیشتر کرده است. از این رو بر آن شدم با یاری خواهی از خداوند سبحانه و تعالی و استمداد از پیشوایان معصوم علیهم السلام و همراهی دوستان بزرگوار، با هدف گرد آوری و سامان دهی علمی آگاهی های پراکنده و فراوان و نیز پدید آوردن اطلاعات جدید متناسب با نیازهای اکنون و با هدف استفاده بهینه علاقه مندان، در این راه گامی بردارم.

نتیجه این انگیزش، کاوش و تلاش، مجموعه ای شد با نام فرهنگنامه مهدویت که در آن، بیشتر مطالب مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، و نیز مفاهیم و اعلام و برخی آثار مرتبط با آن حضرت، بحث و بررسی شد. و هر مطلب، تحت عنوانی که «مدخل» نامیده می شود _ با رعایت ضوابط و قواعد علمی فرهنگ نامه نگاری نوین _ به نگارش درآمد.

مخاطبان عمومی این نوشتار، دانش پژوهان فارسی زبان هستند؛ اما بدان معنا نیست که دیگر علاقه مندان از آن بی بهره خواهند بود، چه آن که مطالب آن، به گونه ای سامان یافته است که همگان، از اهل مطالعه بتوانند از آن بهره گیرند.

از آن جا که بررسی های نو، یافته های ارزشمندی به دنبال داشت، و نیز نقدهای قابل توجه برخی دوستان، بر آن شدم در چاپ دوباره، کاستی های آن را برطرف کرده،

یافته های نو را پیوست کنم.

خداوند را سپاسگزارم که اینک این کتاب، با اصلاح و اضافه تقدیم علاقه مندان می گردد.

ناگفته نگذرم سیر مطالعاتی و نگارشی این کمترین، در چند سال گذشته و بررسی بیش از دو هزار و پانصد روایت نورانی از ده ها منبع روایی شیعه و اهل سنت و مطالعه ده ها کتاب در موضوع مهدویت، سرمایه اساسی در تدوین و نگارش این مجموعه بوده است. و نیز انتخاب مدخل ها و کلید واژه های فرهنگنامه مهدویت، فقط مفاهیم و مقوله هایی بوده که یا ریشه قرآنی و روایی داشته یا مورد پذیرش بزرگان بوده باشد و از هر گونه مفاهیم و مقوله های وارداتی و سست که در شأن و مرتبه «فرهنگ فاخر مهدویت» نبوده، پرهیز کرده ام. دیگر آن که بی گمان، من هم در پس سال ها پژوهش، همانند دیگر پژوهندگان به برداشت ها و دیدگاه هایی در برخی مفهومی ها و مقوله ها رسیده ام؛ اما از آن جا که مخاطب چنین فرهنگی را عموم مردم فرض کرده و این مجموعه را سرآغازی برای تشنگان فرهنگ مهدویت در ورود به این فضای نورانی می دانم، ترجیح دادم کمتر به بیان دیدگاه ها و برداشت های شخصی پردازم.

در پایان، لازم می دانم یاد همه تلاش گران عرصه مهدویت را گرامی داشته، مجموعه پیش رو را ثمره ای از تلاش های ایشان بدانم. نیز از همه کسانی که زمینه فراهم آمدن این مجموعه را پدید آوردند، سپاسگزارم. از دست اندرکاران مرکز تخصصی مهدویت، به ویژه حجج اسلام والمسلمین مجتبی کلباسی (مدیر محترم مرکز)، علی مصلحی، علی اصغر کیانی، محمدصابر جعفری، محمدرضا نصوری، که در چاپ و نشر این اثر مساعدت های فراوانی کردند و حجج اسلام والمسلمین علیرضا عظیمی فر و حسین حجامی که راهنمایی های مفیدشان در اصلاح این اثر، ارزشمند بود، و دکتر حیدرعلی رستمی که با نکته سنجی های خود بخش هایی از این کتاب را رهین لطف خود نمود. و نیز پدر و مادرم که رنج دوری ام را تحمل کردند و همسر و فرزندانم که دشواری های راه را به شایستگی بر من هموار ساختند و اجازه دادند این مختصر سامان یابد.

به امید آن که این کمترین تلاش، با مهر پذیرش آن مهر پنهان، به محضر خداوند مهربان به شایستگی باریابد.

و توفیق از خداوند سبحانه و تعالی است

۲۶ تیرماه ۱۳۸۷ برابر با سیزدهم رجب ۱۴۲۹

میلاذ امیرمؤمنان علی علیه السلام

خدایمیراد سلیمان

ص: ۱۴

دوره پایانی دنیا و زمان شکل گیری ظهور و حکومت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

«آخرالزمان» ترکیبی اضافی و به معنای بخش پایانی زندگی دنیا است. توجه به «آخرالزمان» در فرهنگ بیشتر دین ها و آیین های بزرگ _ به ویژه در ادیان ابراهیمی _ به چشم می خورد. این توجه در فرهنگ اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

واژه آخرالزمان در قرآن به کار نرفته است؛ اما مطالب گوناگونی در باره آن، از آیات قابل استفاده است. قرآن کریم به طور کلی، جهانیان را به دو بخش پیشینیان و پسینیان تقسیم کرده (۱) و بـ رای هـ ر یک ویژگی هایی بیان نموده است. به نظر می رسد بتوان پسینیان را بخشی از انسان های آخرالزمان دانست.

در بـ ا ر ه آ غ _ از شک ل گیری و چگونگی انجام جهان، سخن روشنی در آیات و روایات به چشم نمی خورد؛ امـ ا آن گـ اه کـ ه سخـ ن از دوران آخرالزمان به میان می آید، همواره به دو پدیده بسیار مهم و بزرگ اشاره

ص: ۱۵

۱. ولادت و برانگیخته شدن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در جایگاه واپسین فرستاده الهی؛(۱)

۲. ظهور و قیام موعود نجات بخش، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف .

از این رو شکی نیست اینکه ما در دوران «آخرالزمان» به سر می بریم. این دوران، دارای دو ویژگی مهم و اساسی است: نخست: آخرین مرحله زندگی در دنیاست.

با سپری شدن این دوران، زندگی در دنیا به پایان رسیده، مرحله ای دیگر در نظام آفرینش آغاز می شود.

دوم: این دوران، خود به دو بخش با ویژگی های خاص تقسیم می شود.

یک. دورانی سراسر انحطاط اخلاقی، ستم و بیداد؛

دو. دورانی سرشار از معنویت در پرتو حکومت شایستگان.

بنیان های کلی باور به این دوران را همه مذاهب و گفـروه های بزرگ اسلامی پذیرفته اند، ولی در راستای وابستگی این دگرگونی ها به ظهور و قیام حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و نیز ویژگی های شخص آن مصلح جهانی، دیدگاه های ناهمگونی پدید آمده است.

شیعه دوازده امامی، با بهره گیری از آموزه های پیشوایان معصوم علیهم السلام حضرت مهدی علیه السلام را موعود امت ها و حکومت ایشان را نیکوترین فرجام زندگانی انسان ها بر زمین می داند. در این نگاه، با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، افزون بر بهره مندی مردمان آن دوران، برخی از نیک ترین و صالح ترین و نیز بدترین و تبه کارترین انسان ها که پیشتر از دنیا رفته اند، به دنیا باز می گردند، تا شایستگان، از برپایی حکومت عدل و قسط شادمان، و تبه کاران، از آن عدل جهانی آزرده خاطر گردند.(۲) و دنیا، همچنان بـر مدار دادگری خواهد گشت، تا زندگی دنیایی پایان یابد.

پیشوایان معصوم علیهم السلام، با الهام از وحی الهی و سرچشمه های آن، پیوند مهدویت و آخرالزمان را به روشنی

۱- «...أَنَّهُ يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَبِيٌّ...»، محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۱۹۹، ح ۱۲؛ همچنین ر.ک: محمد بن احمد

قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۴، ص ۳۰۶؛ محمد بن جریر طبری، تفسیر طبری، ج ۱، ص ۵۵۷.

۲- ر.ک: نگارنده، بازگشت به دنیا در پایان تاریخ .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «دنیا به انجام نمی رسد؛ مگر این که امت مرا مردی رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می شود.»^(۱)

امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز بر منبر مسجد کوفه فرمود: «اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند سبحانه و تعالی آن روز را چنان طولانی خواهد کرد، تا این که مردی از خاندانم برانگیخته شود.»^(۲)

نشانه های آخرالزمان^(۳)

در آیات قرآن و سخنان علیهم السلام معصومان علیهم السلام نشانه هایی برای آخرالزمان گفته شده است که در اصطلاح «علاهی» م آخرالزمان خوانده می شود. ختم نبوت و نزول واپسین شریعت که با ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پدیدار شد، نخستین نشانه آخرالزمان به شمار می رود؛ لذا مفسران، مقصود از نشانه های قیامت را در ذیل آیه ((فَهَلْ يُنظَرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا))؛^(۴) «آیا [کافران] جز این انتظار می برند که رستاخیز به ناگاه بر آنان فرارسد؟ و علامات آن اینک پدید آمده است.» بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانسته اند که در مقایسه با عمر جهان، فاصله بسیار کمی تا قیامت دارد.

در آخرالزمان، پدیده های فراوان دیگری نیز پیش بینی شده است، که بیشتر به دوره پایانی آن (آستانه ظهور مهدی علیه السلام) مربوط می شود که برخی از آن ها بدین قرارند:

ص: ۱۷

۱- «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲، ح ۱۴۱. نیز ر.ک:

سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۵؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۷؛ ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۱۵، ح ۱۹۴۸۴.

۲- «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنِّي»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۶. نیز

ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۴؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۲۲۷؛ سنن ابی داود،

ج ۴، کتاب المهدی، ح ۴۲۸۲.

۳- برگرفته از: دایره المعارف قرآن کریم، مدخل آخرالزمان، علی معموری، ص ۱۱۹-۱۲۴ (با تصرف).

۴- محمد (۴۷): ۱۸.

۱. بحران معنویت

پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جو حاکم بر جهان، جو ستم، گناه و فساد خواهد بود:

((اَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ))؛ (۱)

برای مردم، [وقت] حسابشان نزدیک شده است، و آنان در بی‌خوبی روی گردانند.

در این آیه، مردم آخرالزمان، به غفلت و اعراض از خداوند متّصف شده‌اند. در روایات نیز منظور از «اشراط الساعه» که در آیه ۱۸ سوره محمد صلی الله علیه و آله و سلم، به آن اشاره شده است، رواج بیش از حد کفر، فسق و ظلم دانسته شده و موارد متعددی از آن بر شمرده شده است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره ویژگی‌های انسان‌های این دوران فرمود:

زمانی بر مردم خواهد آمد... که درهم‌های آنان دینشان خواهد بود و همت ایشان شکمشان و قبله آن‌ها زنانشان. برای طلا و نقره، رکوع و سجود به جای می‌آورند. آنان همواره در سرگردانی و مستی خواهند بود. نه بـ_____ر مذهب مسلمانی اند و نه بـ_____ر مسلک نصرانی. (۲)

۲. وقوع اختلاف‌ها و درگیری‌های بسیار

یکی دیگر از نشانه‌های آخرالزمان، اختلاف‌ها و درگیری‌های فراوان میان گروه‌های گوناگون است:

((فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ))؛ (۳)

اما دسته‌های گوناگون [از میان آن‌ها به اختلاف پرداختند، پس وای بر کسانی که کافر شدند از مشاهده روزی دهشتناک. روایات، این آیه را به ظهور فرقه‌های گوناگون در جهان اسلام مربوط دانسته‌اند که در آخرالزمان پدید آمده، موجب اختلاف‌ها و_____ای بسیار خواهند شد.

آیه ((يَلْبَسُكُمْ شِيعًا وَيَذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ

ص: ۱۸

۱- انبیاء (۲۱): ۱.

۲- «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ ... دِينُهُمْ دَرَاهِمُهُمْ وَ هُمُّهُمْ بَطُونُهُمْ وَقَبْلَتُهُمْ نِسَاؤُهُمْ يَرْكَعُونَ لِلرَّغِيفِ وَيَسْتَجِدُونَ لِلدَّرْهِمِ حِيَارَى سُكَارَى لَا مُسْلِمِينَ وَلَا نَصَارَى»، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۶۶، ح ۳۱؛ ر.ک: صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۱.

۳- مریم (۱۹): ۳۷.

بَعْضٍ))؛ (۱) «... شما را گروه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی [دیگر] بچشاند» نیز به وقوع اختلاف ها و کشتار در آخرالزمان تفسیر شده است.

در این دوران، انسان های فراوانی به کـژی می گـریند، اما ایـن گونه نیست که تمام انسان ها در مسیر باطل گام بردارند؛ بلکه برخی به سبب ویژگی ها و صفاتی که در خود پدید می آورند، از نجات یافتگان این مرحله خواهند بود. در این باره وقتی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم از چهره های پیروز این دوران یاد می کند، با شگفتی تمام به حضرت علی علیه السلام چنین می فرماید:

ای علی! بدان شگفت آورترین مردم در ایمان و بزرگ ترین آنان در یقین، مردمی هستند که در آخرالزمان _ با آن که پیامبر خود را ندیده و از امام خود در پرده اند _ به نوشته که خطی سیاه بر صفحه ای سپید است، ایمان می آورند. (۲)

۳. ظهور دجال

در هر سه دین آسمانی یهود، مسیحیت و اسلام، ظهور فاسدترین و مخرب ترین جریان منحط در طول تاریخ، پیش بینی و از خطـر آن پرهیز داده شده است. دجال که تجسم کفر، فریب و گمراهی است، در آخرالزمان ظاهر شده، مردم را به پرستش خویش می خواند.

این پدیـده سرانجـام به دست عیسی علیه السلام محو و نابود خواهد شد.

۴. وقوع مصیبت های بزرگ

برخی از آیات، عذاب بر کافران و گنه کاران آخرالزمان که نزول عذاب را انکار می کنند، تطبیق داده شده است:

((إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيِّنَاتٍ أَوْ نَهَارًا مَآذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ))؛ (۳)

اگـر عذاب او شب یا روز به شما دررسد، بزهکاران چه چیزی از آن به شتاب می خواهند؟

ص: ۱۹

۱- انعام (۶): ۶۵.

۲- «يَا عَلِيُّ أَعْجَبُ النَّاسِ إِيْمَانًا وَعَظْمُهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بِسَوَادٍ عَلِيٍّ بَيَاضٍ...»، شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۶؛ همو، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۸، باب ۲۵، ح ۸.

۳- يونس (۱۰): ۵۰.

۵. خروج سفیانی

بیشتر مفسران، از ظهور لشکری طغیانگر که آخرالزمان در کشورهای اسلامی به ستم و تعدی پُرداخته، سرانجام در صحرائی بیرون از مکه، گرفتار عذاب الهی می شود، خبر داده و آیه: ((وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ))؛ (۱) «وای کاش می دیدی هنگِ اُمی را که [کافران] وحشت زده اند [آن جا که راه] گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده اند» را درباره آن لشکر دانسته اند. در روایات شیعه و سنی، نام رهبر این لشکریان، سفیانی ذکر شده است.

۶. ندای آسمانی

بنابر روایات شیعه، جبرئیل نخستین کسی است که با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت و با صدایی بلند به گونه ای که به گوش همه جهانیان برسد، این آیه را تلاوت می کند:

((أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ))؛ (۲)

فرمان خدا رسید؛ پس دیگر شتاب مکنید.

۷. ظهور منجی بزرگ بشر

مهم ترین رخداد آخرالزمان، ظهور دوازدهمین امام شیعیان علیه السلام برای رهایی انسان ها است:

((جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا))؛ (۳)

حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابودشده است.

این آیه که از پیروزی چشمگیر حق برباطل سخن می گوید، در روایات، به ظهور مهدی علیه السلام تأویل شده است.

۸. نزول حضرت عیسی علیه السلام

یکی از رخدادهای آخرالزمان، فرود آمدن عیسی علیه السلام است. مفسران با استفاده از آیات ((وَإِنَّهُ لَعَلَّمَ لِسَاعِهِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا))؛ (۴) «و همانا آن، نشانه ای برای [فهم] رستاخیز است؛ پس زنهار در آن تردید مکن! و ((وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ))؛ (۵) «و از

ص: ۲۰

٢- نحل (١٤): ١.

٣- اسراء (١٧): ٨١.

٤- زخرف (٤٣): ٦١.

٥- نساء (٤): ١٥٩.

اهل کتاب، کسی نیست، مگر آن که پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می آورد.» ظهور دوباره عیسی علیه السلام در آخرالزمان را پیش بینی کرده اند. در روایات نیز تصریح شده است که وی در بیت المقدس به نماز امام زمان علیه السلام اقتدا و در جنگ های ایشان نیز شرکت خواهد کرد.

براساس این تفسیر، فرود آمدن عیسی علیه السلام، یکی از نشانه های نزدیکی قیامت شمرده شده و از ایمان آوردن همه اهل کتاب به حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان که یکی از فرماندهان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می رود، خبر داده شده است.

۹. خروج جنبنده ای از زمین

قرآن با رمز و ابهام از خروج جنبنده ای حکایت می کند که هنگام روی گردانی مردم از معنویت، از زمین خارج شده، با مردم سخن می گوید:

((وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ))؛(۱)

و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد، جنبنده ای را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با ایشان سخن گوید که: مردم [چنانکه باید] به نشانه های ما یقین نداشتند.

در تفاسیر، مطالب بسیاری درباره این موجود شگفت بیان شده است که تا حد بسیاری غیرواقعی و بی اساس به نظر می رسد و در ظاهر، برگرفته از منابع اسرائیلی است.

۱۰. هجوم یاجوج و ماجوج

قومی وحشی و فاسد، با تخریب سد ذوالقرنین، در اندک زمانی سرتاسر جهان را پر از ظلم و فساد خواهد کرد، تا آن که بنابر روایات، در عصر ظهـور مهدی علیه السلام، به طـور کلی از بین خواهد رفت:

((حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ))؛(۲)

تـاوقـتی کـه یـا جـوج و مـا جـوج [راهشان] گشوده شود و آن ها از هر پشته ای بتازند.

۱۱. رجعت

در آخرالزمان، برخی از نیکوکاران و بدکـاران زمان های گذشته، دوباره

ص: ۲۱

زنده می شوند:

((وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا))؛(۱)

و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را ک__ه آیات م__ا را تکذیب کرده اند محشور می گردانیم.

این آیه، فقط به برانگیخته شدن عده ای از مکذبان و نه همه آن ها اشاره کرده است؛ بدین دلیل، روایات و مفسران شیعه، میان مصداق این آیه و قیامت، تفاوت قائل شده و آیه را به آخرالزمان مربوط دانسته اند که عده ای از نیکوکاران و بدکاران اعصار گذشته، زنده شده، ه__ر یک نتیجه دنیایی اعمال خویش را خواهد دید.

۱۲. صلح و آرامش پایدار در سرتاسر جهان

پس از پیروزی حضرت مهدی علیه السلام و یارانش، آرامش و معنویت بر جهان حاکم خواهد شد:

((وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا... وَ لَيَبْدُلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...))؛(۲)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که... و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند....

((إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ))؛(۳)

...زمین از آن خداست؛ آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می دهد؛ و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران است.

این آیات و آیات دیگر که از میراث بری صالح__ان و مستضعفان و جانشینی آنان در زمین یاد می کند،(۴) همگ__ی بی__انگ__ر این واقعیتند که سرنوشت این جهان، پس از جهادی الهی به امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سرانجام به دست مؤمنان افتاده و جهانیان همگی در سایه حکومت حضرت در صلح و معنویت به سر خواهند برد.

زندگی در آخرالزمان

اشاره

با توجه به ویژگی ها و نشانه های یاد شده و سخنان بزرگان دین، سیم__ای زن__دگی در آخرالزمان را می توان این گونه ترسیم کرد:

ص: ۲۲

۱- نمل (۲۷): ۸۳.

۲- نور (۲۴): ۵۵.

۳- اعراف (۷): ۱۲۸.

۴- انبياء (۲۱): ۱۰۵ و اعراف (۷): ۱۳۷ و قصص (۲۸): ۵.

۱. دین در آخر الزمان

روزبه روز عوامل فراوانی، گوهر تابناک دین را در هاله ای از غبار فرو می برند از ایـن رو در جوامع انسانی هم—واره دیـن رو به کم رنگ شدن می رود و خـرافـه ها و انحراف های فراوانی، گریبانگیر آن می شود، تا این که وقتی حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیـام کـرده، غبار از چهره دین بر گرفت، همگی گمان می کنند این دین جدیدی است کـه آن حضرت آورده است. امیرمؤمنـان علی علیه السلام این حقیقت را این گونه بیان فرمود:

ای مردم! به زودی زمانی بر شما خواهد رسید که اسلام چونـان ظرف واژگـون شده، آنچـه در آن است ریخته می شود. (۱)

۲. مردان آخر الزمان

آزمایش های خداوند سبحانه و تعالی برای زنان و مردان یکسان است؛ ولی پاره ای از روایات، به ویژه در باره مردان نقل شده است، آن گونه که در برخی روایت ها سخن از زنان به میان آمده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

مردی را می بینی هنگامی که یک روز بر او گذشته و گناه بزرگی انجام نداده است _ از قبیل فحشا، کم فروشی، کلاه برداری و یا شرب خمر _ بسیار غمگین و اندوهگین می شود. (۲)

۳. زنان آخر الزمان

امام علی علیه السلام فرمود:

در آخر الزمان و نزدیک شدن رستاخیز که بدترین زمان ها است، زنانی آشکار می شوند که برهنه و لخت هستند؛ زینت های خود را هویدا می سازند، به فتنه ها داخل می شوند و به سوی شهوت ها می گریند. به لذت ها می شتابند، حرام های الهی را حلال می شمارند و در جهنم جاودانه خواهند بود. (۳)

ص: ۲۳

۱- «أَيُّهَا النَّاسُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ يُكْفَأُ فِيهِ الْإِسْلَامُ كَمَا يُكْفَأُ الْإِنَاءُ بِمَا فِيهِ»، سيد رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳.

۲- «... وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَلَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ فُجُورٍ أَوْ بَخْسٍ مِكْيَالٍ أَوْ مِيزَانٍ أَوْ غَشْيَانٍ حَرَامٍ أَوْ شُرْبِ مُسْكَرٍ كَثِيبًا حَزِينًا...»، محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۸، ص ۴۰.

۳- «يُظَهِّرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمَنِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحِلَّاتٍ لِلْمَحْرَمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ»، شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۹۰.

نیز ن.ک: اشراف الساعه، رجعت، خروج دابه الارض، نزول عیسی، خروج یاجوج و ماجوج، آستانه قیامت.

آدینه < جمعه

آستانه عسکرین علیهما السلام

محل خاک سپاری پدر بزرگ، پدر و مادر حضرت مهدی علیهم السلام

آستانه عسکرین علیهما السلام در شهر سامرا در ۱۲۰ کیلومتری شمال بغداد و در شرق دجله قرار دارد. محل دفن امام هادی علیه السلام (۱) و امام عسکری علیه السلام، (۲) جد و پدر بزرگوار حضرت مهدی علیه السلام (۳) و نیز مقبره نرجس خاتون مادر ایشان و حکیمه خاتون عمه پدر آن حضرت، آن جا قرار دارد. در ضلع غربی آستانه، سرداب معروف به «غَیْبُهُ الْمَهْدِي»، محل پنهان شدن حضرت مهدی علیه السلام واقع شده است. (۴)

شیعه و اهل سنت، اتفاق نظر دارند که امام هادی علیه السلام پس از شهادت، در خانه خود به خاک سپرده شد. پیکر مطهر امام عسکری علیه السلام نیز پس از شهادت، در کنار مرقد مطهر پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد. (۵)

از آن جا که اطراف آن پادگان نظامی بود، شیعیان و دوستاناران خاندان عصمت و طهارت، پنهانی به زیارت آن دو امام می شتافتند. این بارگاه ملکوتی، در طول تاریخ، کانون توجه و علاقه دوستاناران خاندان وحی بوده و هم اکنون نیز یکی از مهم ترین زیارتگاه های شیعیان و هزاران عاشق شیفته است.

این مضجع شریف، در سال ۱۳۸۵ ه.ش با انفجاری بزرگ به دست دشمنان پلید مکتب اهل بیت علیهم السلام تخریب شد و دل های شیعیان را غرق حسرت زیارت و اندوه این مصیبت کرد. باشد که خشم الهی به زودی با

ص: ۲۴

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۹۸.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۱۸.

۳- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۲۳.

۴- ر.ک: یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۷۶.

۵- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۸۵ و ۳۰۱؛ شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۵۰.

قیام آخرین حجت الهی، انتقام مظلومیت آن سان ه ای سالح را از ستم پیشگان بستاند.

نی زن ک: امام عسکری علیه السلام، حکیمه خاتون، سامرا، سرداب سامرا.

آستانه قیامت

اشاره

پیش از برپایی قیامت

درباره وضعیت جهان پس از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جانشین آن حضرت و رخدادهای آستانه رستاخیز بزرگ، دیدگاه های متفاوتی ارائه شده که برخی مخالف یکدیگر است. از آن جا که جهت گیری دیدگاه ها بین شیعه و اهل سنت به طور کلی با یکدیگر متفاوت است، به هر دو دیدگاه اشاره می کنیم:

یک. دیدگاه پیروان اهل بیت علیهم السلام؛

به طور عمده دیدگاه های شیعه، با بیان های متفاوت، جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام را بر خیر و صلاح معرفی کرده است و بر این باورند غیر از این نیز از حکمت و لطف الهی انتظار نیست؛ چرا که چگونه می توان تصور کرد پس از انتظاری چندین صد ساله، یا چند هزار ساله پس از حکومتی کوتاه باز هم اوضاع به هرج و مرج منتهی شود. برخی از مهم ترین دیدگاه ها بدین قرار است:

۱. وضعیت جهان پس از حضرت

ص: ۲۵

مهدی علیه السلام بر نیک بختی است و جانشینان آن حضرت از بین رجعت کنندگان خواهند بود.

همان گونه که در محل خود اشاره شده،^(۱) یکی از باوره ای ژرف می آن شیعیان، باور به زنده شدن دو گروه از مؤمنان خالص و کافران خالص است. یکی از مسائلی که آن جا مطرح شده، حکومت ب برخی از رجعت کنندگان مؤمن است. البته چگونگی این حکومت به روشنی بیان نشده است. کسانی که ب این دید گاهند، افزون بر دلیل های فراوانی که از آیه ها و روایت ها ارائه می کنند بر این باورند روایاتی که می گوید هرگز زمین از حجت خالی نخواهد ماند، جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام را ناگزیر به دو گونه تصویر خواهد کرد:

الف. بی درنگ، قیامت بر پا شود.

ب. حجت هایی از طرف پروردگار واسطه فیض باشند. از آن جا که شمار امامان، به تصریح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیش از دوازده نفر نخواهند بود، پس کسانی که بر مردم حکومت خواهند کرد، همانا امامان علیهم السلام هستند.

۲. جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام همواره با حکومت دوازده مهدی اداره خواهد شد.

شیخ طوسی با ذکر سند از امام علی علیه السلام نقل کرده که در شبی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رحلت کرد، مطالبی را به ایشان املا نموده که در آن پس از اشاره به امامان دوازده گانه، آن گاه که به آخرین پیشوا رسید، چنین فرمود:

پس آن گاه که حضرتش [امام حسن عسکری علیه السلام] را هنگام وفات فرا رسید، پس آن [امر امامت] را به فرزندش محمد تسلیم می کند. ایشان دوازده امام هستند. بعد از او، دوازده مهدی خواهد بود...^(۲)

ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم از پدر شما شنیدم فرمود پس از قائم دوازده مهدی خواهد بود. امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا فرمود: دوازده مهدی و نفرمود: دوازده امام ولكن ایشان گروهی از شیعیان ما هستند که

ص: ۲۶

۱- ر.ک: نگارنده، بازگشت به دنیا در پایان تاریخ .

۲- «فَإِذَا حَضَرَتْهُ (الحسن) الْوَفَاءُ فَلْيَسِّرْ لَهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدٍ الْمُسَدِّدِ تَحْفِظٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَذَلِكَ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًا...»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۵۰.

مردم را به دوستی ما و شناخت حق ما دعوت می کنند. (۱)

آن حضرت به ابو حمزه نیز فرمود:

ای ابو حمزه! همانا پس از قائم، یازده مهدی از ما از فرزندان حسین خواهد بود. (۲)

۳. در جهان پس از آن حضرت، تا برپایی قیامت، حکومت فقط در دست اولیای الهی خواهد بود. دلیل این دیدگاه، روایتی است که خداوند سبحان و تعالی شب معراج به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

...پس هر آینه او را به سپاهیان خویش یاری خواهیم کرد و او را به فرشتگان خویش کمک خواهیم نمود، تا آن که دعوت برتری یابد و آفریدگان بر یکتاپرستی ام گـرد آیند. آن گـاه پادشاهی او را ادامه خواهیم داد و تا قیامت اولیایم چنین خواهند کرد. (۳)

۴. جهان پس از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست یکی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اداره خواهد شد. جابر بن یزید جعفی گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم فرمود:

و به خدا سوگند! هر آینه مردی از ما اهل بیت مدت ۳۰۹ سال حکومت خواهد کرد.

جابر می گوید عرض کردم: «این چه زمانی خواهد بود؟» آن حضرت فرمود: «پس از رحلت قائم...» (۴)

۵. روایاتی است که بدون اشاره به وضعیت جهان و جانشین حضرت مهدی علیه السلام آن را فقط در آگاهی خداوند سبحان و تعالی دانسته است. (۵)

ص: ۲۷

۱- «إِنَّمَا قَالَا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا وَ لَمْ يَقُلَا اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ لَكِنَّهُمْ قَوْمٌ مِنْ شَيْعَتِنَا يَدْعُونَ النَّاسَ إِلَى مُوَالَاتِنَا وَ مَعْرِفَةِ حَقِّنَا»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۸، ح ۵۶.

۲- «يَا أَبَا حَمْرَةَ إِنَّ مِنَّا بَعْدَ الْقَائِمِ أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًّا مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۸.

۳- «... فَلَا تُصَيِّرْهُ بِجُنْدِي وَ لَأَمُدَّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى تَعْلُو دَعْوَتِي وَ تَجْمَعَ الْخَلْقُ عَلَيَّ تَوْحِيدِي ثُمَّ لَأُدِيْمَنَّ مُلْكُهُ وَ لَأُدَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»، شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۷؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۴.

۴- «وَ اللَّهُ لِيَمْلِكَنَّ رَجُلٌ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ ثَلَاثِمِائَةٍ سِنِيهِ وَ يَزْدَادُ تِسْعًا قَالَ فَقُلْتُ لَهُ مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ بَعْدَ مَوْتِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ...»، نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۱؛ عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۶.

۵- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

همان گـ و نه کـ ه دیده شد، چهار دیدگاه اخیر، نه فقط مخالفتی با دیدگاه نخست ندارد، بلکه ه می تواند به نوعی در تأیید دیدگاه نخست باشد.

دو. دیدگاه اهل سنت

بسیاری از اهل سنت بر این باورند که پس از وفات مهدی علیه السلام هیچ خیری در زندگی نخواهد بود (۱) و دنیا به صورت هرج و مرج تا قیامت ادامه خواهد داشت. (۲)

در کتاب البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان بابی با عنوان «فی موت المهدی علیه السلام و ذکر احوال تقع بعده» سامان یافته است که در آن، چگونگی وفات آن حضرت و رخدادهایی که پس از او پدید خواهد آمد، بیان شده است و در روایاتی سخن از فتنه هـ و شرهـ ا پـ س از درگذشت آن حضرت به میان آورده است. (۳)

در عقد الدرر نیز روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به نقل از ابوسعید خدری آمده که پایان آن چنین است:

«...[حکومت مهدی] همچنان تا هفت یا هشت یا نه سال ادامه خواهد یافت سپس هیچ خیری در زندگی پس از او نیست.» (۴)

ناگفته نماند آنچه در آیات قرآن آمده است، مبنی بـ ر این کـ ه در آستانه برپایی قیامت همه چیز نابود و منهدم می شود، (۵) مقصود زمان پیوسته به برپایی قیامت است.

نیز ن.ک: آخرالزمان، اشراف الساعه، رجعت، فرجام حضرت مهدی علیه السلام .

ص: ۲۸

۱- ر. ک: ابن منادی، الملاحم، ص ۱۸۴.

۲- ر. ک: نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۰۷، ۱۰۷۱؛ سنن ابی داود، ج ۴، کتاب المهدی، ح ۴۲۸۱.

۳- متقی هندی، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ص ۹۵.

۴- «... سَبَّحَ سَبِّحًا أَوْ تَمَنَّانَ سَبِّحًا أَوْ تَسَبَّحَ سَبِّحًا ثُمَّ لَا خَيْرَ فِي الْحَيَاةِ بَعْدَهُ»، مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۲۲۰.

۵- ((وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ))، «و با خدا معبودی دیگر مخوان. خدایی جز او نیست. جز ذات او همه چیز نابودشونده است. فرمان از آن اوست. و به سوی او بازگردانیده می شوید.»،

فعالیت های پژوهشی در باره آینده جهان

«آینده»، کلید واژه، مفهوم و انگاره ای است که اندیشه و تأمل درباره آن، برای همگان جالب و پرجاذبه است. مردم دوست دارند بدانند سرنوشت چه _____ ان در آین _____ ده چگونه رقم خواهد خورد؟ آیا دنیا به سمت پیشرفت، توسعه، تعالی و تکامل حرکت می کند یا نه؟ در آینده نزدیک یا دور، زندگی بشری چگونه خواهد بود؟ آیا وعده های ادیان و مکاتب درباره آینده تحقق خواهد یافت یا نه؟ با توجه به پیشرفت مادی بشر، وضعیت تکنولوژی و صنعت چگونه خواهد بود؟

با رخ نمایی این گونه پرسش ها و صدها سؤال دیگر، توجه به آینده، ضرورت و اهمیت ویژه ای یافته است و دولت ها و صاحبان دانش و اندیشه، همواره به فکر برنامه ریزی و سیاستگذاری (در عرصه اقتصاد، سیاست، امنیت، مدیریت و...) برای آینده و پیشدستی برابر مشکلات احتمالی بوده اند و خواسته اند آینده ای مطمئن و توسعه آمیز برای کشورهای خود رقم زنند.

از طرف دیگر، پدیده ها و تحولات سری ع و شگ رفی ک _____ در عرص _____ ه بین الملل رخ داده است (مانند تحولات جهانی شدن و پیشرفت های فن _____ اوری اطلاع _____ اتی و ارتباطاتی و تشکیل دهک _____ ده جهانی و...) باعث شده است اندیشمندان و فیلسوفان توجه ویژه ای نسبت به آینده جهان داشته باشند و در باره خطرات و تحولات احتمالی هشدارهایی بدهند.

ادیان _____ به ویژه دین اسلام _____ نیز توجه ویژه ای به آینده بشر دارند و افق _____ ی روشن و امی _____ دوارانه ف _____ راروی انسان گشوده اند و آینده ای توأم با عدالت، امنیت، معنویت و پیشرفت برای جهان پیش بینی کرده اند. این وعده و بشارت به دست خاتم اوصیا، موع _____ ود آسمانی و حجت اله _____ ی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تحقق خواهد یافت.

پس مطالعه و پژوهش درباره «آینده»، در حال حاضر اهمیت و ضرورت وی _____ ژه ای ی _____ افته و «آینده پژوهی» _____ هر چند با پیشینه اندک و نوظهور _____ جایگاه مهم و برجسته ای میان علوم پیدا کرده و یکی از رشته های علمی، مطرح شده است.

در رابطه با آینده، اصطلاحات و الفاظ گوناگونی از قبیل: فرجام مندی،

آینده نگری، پیش بینی، سرنوشت باوری، آینده باوری، غیب گویی، آینده شناسی، دوران‌دیشی و... به کار می رود؛ اما آنچه اهمیت دارد «روش مند کردن پژوهش درباره آینده» و نشان دادن تصویری جامع و نزدیک به واقع از آینده است. ب_____ر ای_ن اس_اس فهم «آینده»، «تصویرسازی واقع بینانه از آینده» و «روش مند کردن پژوهش

درب_اره آین_ده»، امری بایس_ته و ضروری به نظر می رسد.

در باره مهدویت پژوهی و آینده پژوهی چند نکته قابل تأمل است:

۱. آینده پژوهی، اعم از غایت و نهایت پژوهی است. مهدویت پژوهی از این حیث، جزئی از آینده پژوهی است. البته مهدویت، آینده نهایی محسوب می شود.

۲. آینده پژوهی، کلی و مفهومی است؛ حال این که مهدویت پژوهی، مصداقی است؛ آن هم در باره همان یک مصداق تام و تمام. از طرفی جزئیات آینده جهان در نظام مهدوی، از جهات گوناگونی روشن شده است.

۳. مهدویت پژوهی، کمال پژوهی است؛ پ_س در واقع، در «مهدویت»، نهایت همراه کمال مطرح است.

بنابراین مهدویت پژوهی، علاوه بر منابع عقلی _ فلسفی و احیاناً علمی _ تجربی، به شدت در تبیین جزئیات، به منابع وحی و سنت و روش استنادی و اجتهادی وابسته است؛ برای نمونه، عقل با برهان و استدلال، غایت و علت نهایی را به صورت قطعی و حتمی برای انسان، جامعه، جهان و تاریخ پذیرفته و آن را تعمیم می دهد و نمی پذیرد این ها عبث آفریده شده باشند و این که نظام در آینده، نظامی متشکل از جمعیت، دولت، سرزمین و حاکمیت جهانی خواهد بود.

علم و تجربه های علمی، با تحلیل گذشته، به صورت احتمالی وضعیت آینده را پیش بینی می کند؛ ولی فراتر از همین احتمال کلی، پیش نمی رود و از محدوده علم تجربی، سیاسی و تاریخی خارج است. حداکثر می تواند تا این اندازه احتمال دهد که شکل جهانی و مردمی تری باشد. منابع قرآنی و سنت (احادیث)، در تبیین مبانی و شرایط و حتی شکل، شیوه ها و ساختار آینده جهان و تاریخ و وضعیت نظام سیاسی، سیاست و دولت جهانی، به کمک عقل و تجربه می آید و ب_____ص ورت یقی_نی، دانسته های عقل را تفسیر و تفصیل

داده و شکل و ساختار سیاسی آینده را تبیین و روشن می سازند و از آن خبر می دهند. (۱)

نیز ن.ک: آخرالزمان، حکومت جهانی.

آیین جدید < دین در عصر ظهور

ص: ۳۱

۱- رحیم کارگر، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۱۵ _ ۱۷.

از یاران حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

«أبدال» جمع «بَدَل» یا «بَدِيل»، عده ای معلوم از شایستگان و خاصان خدا [هستند] که گویند: هیچ گاه زمین از آنان خالی نباشد و جهان بدیشان برپا است و آن گاه که یکی از آنان بمیرد، خدای سبحانه و تعالی دیگری را به جای او برانگیزد، (۱) تا آن شمار _ که به قولی هفت و به قولی هفتاد است _ همواره کامل بماند. (۲)

برخی نیز گفته اند:

آنان، گروهی اند که خداوند سبحانه و تعالی به وسیله آن ها دین را بر پا نگه می دارد و روزی را نازل می کند. چهل نفر از ایشان در شام و سی نفر در سایر بلاد هستند. هر گاه یکی از دنیا برود، کس دیگری همانند او به جای او قرار می گیرد. (۳)

سبب این که «ابدال» نامیده شده اند، همین است که چون یکی از دنیا رود، کسی مانند او جایش را

ص: ۳۲

۱- ر.ک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۲۵.

۲- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ابدال.

۳- خلیل بن احمد، العین، ج ۸، ص ۴۵.

در روایات اسلامی آمده است:

ایشان گـروهی از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شام هستند (۲) و هنگام ظهور آن حضرت، خود را به مکه رسانده با ایشان بیعت می کنند. البته در برخی روایات، «ابدال» همان اوصیا معرفی شده اند. از خالد بن هیثم فارسی نقل شده است که به امام رضا علیه السلام عرض کرد: «مردم اعتقاد دارند که بر روی زمین ابدالی هستند؛ ایشان کیانند؟» حضرت فرمود:

راست می گویند. ابدال همان اوصیا هستند که خداوند سبحانه و تعالی ایشان را بدل پیامبران قرار داد؛ وقتی که نبوت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به پایان رسید. (۳)

درباره ویژگی این افراد گفته شده است:

آنان راهبان شب و شیران روز هستند. دل هایشان چون فولاد سخت است که میان رکن و مقام، با آخرین ذخیره الهی حضرت مهدی علیه السلام بیعت می کنند. (۴)

نیز ن.ک: یاران مهدی علیه السلام، اوتاد، اخیار، عصاب، زمینه سازان ظهور.

ابوالادیان

از شاهدان نماز حضرت مهدی علیه السلام بر پیکر امام عسکری علیه السلام

«أَبُو الْأَدْيِ» از خـدمتکاران خانه امام حسن عسکری علیه السلام بود که افزون بـرحـضور درخـانه آن بزرگـوار، سرپرست امور نامه های آن حضرت و بردن آن ها به شهرهای مختلف نیز بود. او از کسانی است که روایت شهادت امـام عسکـری علیه السلام و نمـ از خواندن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بـر آن حضرت را ذکر کرده است. وی

ص: ۳۳

۱- طریحی، مجمع البحرين، ج ۵، ص ۳۱۹.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۶؛ شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸؛ مسند ابی یعلی، ج ۱۲، ص ۲۷۰؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۱۵۹؛ ابن ابی شیبه، کتاب المصنف، ح ۱۹۰۷۰؛ صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۶۹.

۳- «صَيِّدُوا الْإِبْدَالَ هُمُ الْأَوْصِيَاءُ جَعَلَهُمُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ بَدَلَ الْأَنْبِيَاءِ إِذَا رَفَعَ الْأَنْبِيَاءَ وَخَتَمَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»،

طبرسى، الاحتجاج، ج ٢، ص ٤٣٧.

٤- «... رُهْبَانُ بِاللَّيْلِ لُيُوثُ بِالنَّهَارِ كَانَ قُلُوبُهُمْ زُبْرَ الْحَدِيدِ فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ...»، شيخ مفيد، الاختصاص، ص ٢٠٨.

گوید:

من خدمتکار امام حسن عسکری علیه السلام بودم و نامه های او را به شهرها می بردم. در آن بیماری که منجر به فوت او شد، نامه هایی نوشت و فرمود: «آن ها را به مدای ن برس ان. چهارده روز این جا نخواهی بود و روز پانزدهم وارد سامرا خواهی شد و از آن جا صدای واویلا می شنوی و مرا در محل غسل می یابی.»

پرسیدم: «ای آقای من! چون این امر واقع شود، امام و جانشین شما که خواهد بود؟» فرمود: «هر کس پاسخ نامه های مرا از تو خواست، همو قائم پس از من خواهد بود.» گفتم: «دیگر چه؟» فرمود: «کسی که بر من نماز خواند، همو قائم پس از من خواهد بود.» گفتم: «دیگر چه؟» فرمود: «کسی که خبر دهد در آن همیان چیست، همو قائم پس از من خواهد بود.» بزرگ واری آن حضرت مانع شد که از او پرسم در آن همیان چیست.

نامه ها را به مداین بردم و پاسخ آن ها را گفتم و همان گفتم که فرموده بود، روز پانزدهم به سامرا رسیدم. ناگاه صدای واویلا از سرای او شنیدم و او را بر محل غسل یافتم. برادرش جعفر بن علی را بر در سرا و شیعیان را بر در خانه اش دیدم که وی را به مرگ برادر تسلیت و بر امامت تبری ک می گویند. بخود گفتم: «اگر این امام است که امامت باطل خواهد بود؛ زیرا می دانستم او شراب می نوشد و قمار می کند و تار می زند. پیش رفتم و تبریک و تسلیت گفتم. او از من چیزی نپرسید. آن گاه عقید بیرون آمد و به جعفر گفت: «ای آقای من! برادرت کفن شده است؛ برخیز و بر او نماز بگزار!» جعفر بن علی داخل شد و برخی از شیعیان مانع شدند و حسن بن علی که معتصم او را کشت و به سلمه معروف بود اطراف وی بودند.

چون به سرا در آمدیم، حسن بن علی را کفن شده، بر تابوت دیدم. جعفر بر بن علی پیشت رفت تا بر برادرش نماز گزارد. چون خواست تکبیر بگوید، کدکی گندمگون با گیسوانی مجعید و دندان های پیوسته بیرون آمد و ردای جعفر بن علی را گرفت و گفت: «ای عمو! عقب برو که من به نه از گزاردن بدرم سزاوارترم.»

جعفر با چهره ای رنگ پریده و

زرد، عقب رفت. آن کودک پیش آمد و بر او نماز گزارد. آن حضرت کنار آرامگاه پدرش به خاک سپرده شد. سپس گفت: «ای بصری! پـاسخ نامه هـایی را که هـمراه تـو است، بیاور.» آن ها را به او دادم و بـا خود گفتم: «این دو نشـانه. باقی می ماند همیان.» آن گاه نزد جعفر بن علی رفتم؛ در حالی که او آه می کشید، حاجز و شاء به او گفت: «ای آقا من! آن کـودک کیست تـو ا بـر او اقامه حجت کنی م؟» گفت: «بـه خـدا سوگـند! هـرگز او را ندیده ام و او را نمی شناسم.»

نشسته بودیم که گروهی از اهل قم آمدند و از حسن بن علی علیهما السلام پرسش کردند. فهمیدند او در گذشته است و گفتند: «به چه کسی تسلیت بگوییم؟» مردم به جعفر بن علی اشاره کردند. آنان بر او سلام کردند و به او تبریک و تسلیت گفتند و از وی پرسیدند: «همراه ما نامه هـا و اموالی است؛ بگو نامه ها از کیست و اموال چقدر است؟» جعفر در حالی که جامه های خود را تکان می داد، برخاست و گفت: «آیا از ما علم غیب می خواهید؟» راوی گوید: خادم از خانه بیرون آمد و گفت: «نامه های فلانی و فلانی همراه شما است نیز همیانی که درون آن، هزار دینار است و نقش ده دینار آن محو شده است.» آنان نامه ها و اموال را به او دادند و گفتند: «آن که تو را برای گرفتن اینها فرستاد، همو امام است.»

جعفر بن علی نزد معتمد عباسی رفت و ماجرای آن کودک را گزارش داد. معتمد کار گزاران خود را فرستاد. صقیل جاریه را گرفتند و از وی آن کودک را طلب کردند. صقیل منکر او شد و مدعی شد باردار است، تا به این وسیله، کودک را از نظر آنان مخفی سازد. وی را به ابن الشوارب قاضی سپردند، تا این که مرگ ناگهانی عبیدالله بن یحیی بن خاقان و شورش صاحب زنج در بصره پیش آمد؛ از این رو از آن کنیز غافل شدند و او از دست آن ها گریخت. (۱)

نیز ن.ک: امام حسن عسکری علیه السلام، جعفر کذاب، امامت حضرت مهدی علیه السلام .

ص: ۳۵

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۵؛ باب ۴۳، ح ۲۵. همچنین ر.ک: نیلی نجفی، منتخب الانوار المضيئه، ص ۱۵۷؛ قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۰۱.

از کنیه های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در برخی از کتاب ها، «ابوصالح» یکی از کنیه های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است. در هیچ روایتی به این کنیه اشاره نشده است. آنچه گفته

ص: ۳۶

شده این که شاید این کنیه با استفاده از این روایت باشد که امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه راه خود را در سفر گم کردی، بانگ برآور: ای ابا صالح یا ای صالح! خداوند سبحانه و تعالی رحمتش را بر تو فرود آورد! راه را به ما نشان ده. (۱)

معروف است برخی از عرب های شه ری و بی ابان گرد، پیوسته در توسلات و یاری خواستن های خود، آن حضرت را به این اسم می خوانند و شعرا و ادبا نیز در قصیده ها و مدح های خود، از این کنیه استفاده ک کرده اند. (۲) از ای ن رو درب رخى از حکایت های مربوط به آن حضرت، عنوان «ابا صالح» یاد شده است. (۳)

نیز ن. ک: بقیه الله، حجت، خاتم الاوصیا، صاحب الامر، صاحب الدار، صاحب الزمان، صاحب الغیبه، محمد.

ابوالقاسم

از کنیه های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در برخی از روایات، ابوالقاسم، کنیه حضرت مهدی علیه السلام شمرده شده است. البته دسته ای از روایات با این بیان که آن حضرت هم کنیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، به این کنیه اشاره کرده است. از رسول گرامی اسلام نقل شده است که فرمود:

«مهدی، از فرزندان من است. نام او نام من و کنیه ام کنیه من است.» (۴)

روشن است که این کنیه، از کنیه های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده است.

در برخی از روایات نیز از آن، به روشنی یاد شده است. در کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق از عقید خادم نقل کرده است که آن حضرت، با این کنیه یاد می شد. (۵)

ص: ۳۷

۱- «إِذَا ضَلَلْتَ عَنِ الطَّرِيقِ فَنَادِ يَا صَالِحٌ أَوْ يَا أَبَا صَالِحٍ أَرْشِدُونَا إِلَى الطَّرِيقِ يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ»، شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۸.

۲- میرزا حسین طبرسی نوری، نجم الثاقب، ص ۶۰.

۳- ر. ک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۹۲.

۴- «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۱.

۵- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۳، ح ۲۴.

نیز ن.ک: القاب حضرت مهدی علیه السلام، نام حضرت مهدی علیه السلام .

اثنا عشری

پیروان دوازده امام مشخص پس از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم

«اثنا عشری» یا «دوازده امامی» پر جمعیت ترین فرقه های شیعه هستند. آنان معتقد به دوازده امامند که با حضرت علی علیه السلام آغاز می شود و به محمد بن حسن مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ختم می گردد. شیعه با بهره مندی از برهان های عقلی و آموزه های آفتابگون پیشوایان معصوم علیهم السلام، بر این باور است که در هر زمان، برای انسان ها، ناگزیر باید حجّتی (۱) از طرف خداوند سبحانه و تعالی نصب شود. (۲)

ایشان دلایل فراوانی از آیات قرآن و احادیث نبوی بر امامت علی علیه السلام اقامه کرده و امامت آن حضرت را به نص صریح، از طرف خداوند دانسته اند. همچنین معتقدند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از طـرف خـداوند، تمـام امامان دوازدهگانه را معرفی کرده است. آنان، امامان را مانند پیامبر، ملهم از جانب خدا می دانند و می گویند: امام ریاست عامّه دارد و مقام او ما فوق بشر عادی است و از آن روزی که خداوند آدم را آفرید، نور خود را در برگزیدگان خویش از حضرت نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام گرفته تا به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، خاتم الانبیا سرایت داد و از وی آن نور را به اوصیای او، امامان معصوم علیهم السلام، سریان داد. همان نور و روح خدایی است که در امام عصـر علیهم السلام تجـلّی می کند و او را از سطح بشر عادی فراتر می برد و وی را قادر می سازد که قرن ها، بلکه هزاران سال بی هیچ گزند و آزار و بدون ضعف و پیری، با بدن جسمانی که در بشر عادی موجب کون و فساد است زندگی کند و در زمان مناسب، به امر خداوند از پس پرده غیب ظهور فرماید. (۳)

نیز ن.ک: امامیه، امامت حضرت مهدی علیه السلام .

ص: ۳۸

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۸ (باب ان الارض لاتخلو من حجه).

۲- بقره (۲): ۱۲۴.

۳- ر.ک: محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۲۴.

از نام های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در برخی روایات، غیر از نام محمد،

نام های دیگری نیز برای آن حضرت یاد شده است؛ از جمله می توان به نام احمد اشاره کرد. شیخ صدوق روایتی از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل کرده که در باره دو نام آن حضرت چنین فرمود:

مردی از فرزندان من در آخرالزمان خروج می کند... برای او دو نام است: نامی پنهان و نامی آشکار. اسمی که پنهان است، احمد است و نامی که آشکار است، محمد. (۱)

نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شد که فرمود:

همانا با او بین رکن و مقام بیعت می شود. نام او احمد است... (۲)

افزون بر روایت های یاد شده می توان با استفاده از روایاتی که آن حضرت را هم نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانسته نیز این نام را برای آن حضرت مسلم دانست.

نیز ن.ک: محمد، ابوالقاسم.

احمد بن اسحاق قمی

از افراد مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام و وکلای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

احمد بن اسحاق قمی، بزرگ شیعیان قم و از اصحاب امام جواد، هادی و عسکری علیهم السلام بود. (۳) او، زمان امام عسکری علیه السلام به دیدن حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شرفیاب شد و او از وکلای حضرت عسکری علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام بود. (۴) در خاندان امامت از شأن و مرتبه والایی نیز برخوردار بود. احمد بن اسحاق گوید:

بر امام عسکری علیه السلام وارد شدم و خواستم از جانشین پس از وی

ص: ۳۹

۱- «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِّنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ... لَهُ اسْمَانِ اسْمُهُمْ يَخْفَى وَ اسْمُهُمْ يَعْْلَنُ فَأَمَّا الَّذِي يَخْفَى فَأَحْمَدٌ وَ أَمَّا الَّذِي يَعْْلَنُ

- فَمَحَمَّدٌ»، شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٦٥٣، ح ١٧.
- ٢- «إِنَّهُ يُبَايِعُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ اسْمُهُ أَحْمَدُ وَ عَبْدُ اللَّهِ وَ الْمَهْدِيُّ فَهَذِهِ أَسْمَاؤُهُ ثَلَاثَتُهَا»، شيخ طوسي، كتاب الغيبة، ص ٤٥٤.
- ٣- ر.ك: احمد بن علي نجاشي، رجال النجاشي، ص ٩١، رقم ٢٢٥؛ شيخ طوسي، رجال الطوسي، ص ٣٧٣، رقم ٥٥٢٦.
- ٤- ر.ك: شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، باب ٤٣، ش ١٦.

پرسش کنم؛ او آغاز سخن کرد و فرمود:

«ای احمد بن اسحاق! خدای سبحانه و تعالی از زمان آدم علیه السلام زمین را خالی از حجت نگذاشته است و تا روز قیامت نیز از حجت خالی نخواهد گذاشت. به واسطه او بلا را از اهل زمین دفع می کند و باران می فرستد و برکات زمین را بیرون می آورد.»

پرسیدم: «ای فرزند رسول خدا! امام و جانشین پس از شما کیست؟»

حضرت شتابان برخاست و داخل خانه شد و سپس برگشت، در حالی که بر شانه اش کودکی سه ساله بود که صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشید. پس فرمود: «ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای سبحانه و تعالی و حجت های او گرامی نبودی، این فرزندم را به تو نمی نمودم. او هم نام و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند؛ همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد. ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت، مثل خضر و ذوالقرنین است، او غیبتی طولانی خواهد داشت که هیچ کس در آن نجات نمی یابد، مگر کسی که خدای سبحانه و تعالی او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعا به تعجیل فرج موفق سازد.»

پرسیدم: «ای مولای من! آیا نشانه ای هست که قلبم بدان آرام گیرد؟» آن کودک به زبان عربی فصیح به سخن در آمد و فرمود: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمِ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ؛ من بقیت الله در زمین خدا هستم و منتقم از دشمنان اویم، ای احمد بن اسحاق! پس از مشاهده، جست و جوی نشانه مکن.»

شاد و خرم بیرون آمدم و فردای آن روز نزد امام عسکری علیه السلام بازگشتم و گفتم: «ای فرزند رسول خدا! شادی من به واسطه منتی که بـر من نهادید، بسیار است. بـفـرمایید آن سنتی که از خضر و ذوالقرنین دارد چیست؟» فرمود: «ای احمد! غیبت طولانی.» گفتم: «ای فرزند رسول خدا! آیا غیبت او به طول خواهد انجامید؟» فرمود:

«به خدا سوگند! چنین است. تا به اندازه ای که بیشتر معتقدان به او بازگردند و باقی نماند، مگر کسی که خدای سبحانه و تعالی عهد و پیمان ولایت ما را از او گرفته و ایمان را در دلش نگاهشته و با روحی از جانب خود مؤید کرده باشد. ای احمد بن اسحاق! این امری از امر الهی و رازی از رازهای خداوند و غیبی از

غیب پروردگار است. آنچه به تو دادم، بگیر و پنهان کن و از سپاسگزاران باش، تا فردا با ما در علیین باشی.» (۱)

ص: ۴۱

۱- «إِى وَ رَبِّى حَتَّى يَرْجِعَ عَن هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرَ الْقَائِلِينَ بِهِ فَلَمَّا بَقِيَ إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ عَهْدَهُ بِوَلَايَتِنَا وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَ اكْتُمُهُ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ تَكُنْ غَدًا فِي عَلِيِّينَ»، شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴، باب ۳۸، ح ۱.

احمد بن اسحاق در یکی از سفرها چون به شهر حلوان رسید، بیمار شد و آن جا وفات یافت. همراهانش او را در کفنی کـه حضرت امـام حسن عسکری علیه السلام یا حسین بن روح ـ بنا به اختلاف روایات ـ برایش فرستاده بودند، کفن کرده و همان جا به خاک سپردند.

نیز ن.ک: وکلای مهدی علیه السلام، نواب خاص، نیابت خاص.

احمد بن هلال کرخی

از پیروان اهل بیت و منحرف از مهدویت

احمد بن هلال، اهل روستای بزرگی از منطقه «نهروان» بود که میان واسط و بغداد قرار دارد. گفته شده است وی از یـاران حضرت هـادی علیه السلام یـامـام عسکری علیه السلام بود. وی مشهور به غلو و مورد لعن و نفرین ابدی است. (۱)

نخست از افراد مورد اطمینان حضرت عسکری علیه السلام و از اصحاب ویژه و روایت کننده از امامان معصوم علیهم السلام بود. ۵۴ بـار بـه زیـارت خانه خدا رفت که بیست بار آن با پای پیاده بود، امـا دچـار کـژی شد؛ بـه گـونه ای کـه حضرت عسکری علیه السلام او را بسیار نکوهش کرد و درباره اش فرمود: «از این صوفی ریاکار و بازیگر پروا کنید.» (۲)

برخی نیز این جمله را در نکوهش او، از جـانب حضرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته اند که در هر حال نشانگر پلیدی و گمراهی این مرد است. او تا زمان نیـابت محمد بـن عثمان زیست و با سماجت بسیار، سفارت آن جناب را انکار کرد. از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره لعن و نفرین بر او و لزوم بیزاری از کارهایش توقیعی صادر شد. (۳)

بیشتر کتاب های رجالی، به او لقب «عَبْرَتایی» داده اند. (۴) شیخ طوسی در کتاب الغیبه وی را «کرخی» نامگذاری کرده و به او «بغدادی» نیز گفته شده است.

احمد بن هلال تا آخر سفارت نایب نخست، دچـار کـژی نشده بود؛ ولی پس

ص: ۴۲

۱- ر.ک: احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی، ص ۸۲، رقم ۱۹۹.

۲- «اِحْدَرُوا الصُّوفِيَّ الْمُتَصَنِّعَ»، محمد بن عمر کشی، رجال الکشی، ص ۵۳۵، ش ۱۰۲۰.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۳.

٤- ابن داود حلي، رجال ابن داود، ص ٤٢٥؛ شيخ طوسي، رجال الطوسي، ص ٣٨٤؛ علامه حلي، رجال العلامة، ص ٢٠٢.

از وفات عثمان بن سعید، در نایب دوم شک کرد و نیابت او را نپذیرفت. (۱)

شیعیان هم پس از برکناری، او را نفرین شده دانسته و از وی دوری جستند. پس از مرگ وی، توقیعی از ولی عصر علیه السلام صادر شد:

خداوند سبحانه و تعالی از فرزند هلال نگذرد که بدون هماهنگی و خشنودی ما، در کار ما مداخله و فقط به میل خود عمل می کرد، تا آن که پروردگار، با نفرین ما زندگی اش را به انجام رساند. ما در زمان زندگی اش نیز انحرافش را به شیعیان خاص خود گوشزد کردیم. این را به هر کس که در باره او می پرسد، برسانید. هیچ یک از شیعیان ما معذور نیست در آنچه افراد مورد اعتماد از ما نقل می کنند، تردید کند؛ زیرا می دانند ما اسرار خود را با آنان می گوئیم.

آن حضرت در توقیعی دیگر فرمود:

ابن هلال، ایمان خود را پایدار نداشت و با آن که مدت طولانی خدمت کرد، به دست خود ایمانش را به کفر دگرگون ساخت و خدا نیز او را کیفر داد. (۲)

نیز ن.ک: مدعیان مهدویت.

احمدیه < قادیانیه

اخیار

برخی از یاران برجسته حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور از عراق

«اخیار» در لغت به معنای نیکان، برگزیدگان، نیکوتران (۳) و انسان های نیک رفتار است. در فرهنگ مهدوی گروهی از یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام و از جمله ۳۱۳ تن هستند که از عراق به آن حضرت می پیوندند و بین رکن و مقام با ایشان بیعت می کنند. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

سیصد و چند نفر به شمار اهل بدر با قائم بین رکـن و مقـام بیعت می کنند. در بین آنان نجبا از اهل مصر، ابدال از اهل شام و اخیار از اهل عراق می باشند.... (۴)

ص: ۴۳

۱- سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الصغری، ص ۵۰۲.

۲- محمد بن عمر کشی، رجال الکشی، ص ۵۳۶؛ ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۳.

۳- دهخدا، لغتنامه، اخیار.

٤- «بُيَاعُ الْقَائِمِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَتَيْفُ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرِ فِيهِمُ النُّجَبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَالْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ وَالْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ...»، شيخ طوسي، كتاب الغيبة، ص ٤٧٦، ح ٥٠٢.

نيز ن.ك: نجيا، ابدال، اوتاد، ياران حضرت مهدي عليه السلام .

ص: ٤٤

از موعود باوران غیر معتقد به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

«اسماعیلیه» به امامت شش امام اول شیعیان اثنا عشری معتقد بودند؛ اما پس از امام صادق علیه السلام بزرگ‌ترین فرزند او اسماعیل، یا فرزند او محمد را به امامت پذیرفتند. (۱) و از پذیرش امامت امام موسی کاظم علیه السلام خودداری کردند.

شیخ مفید در باره اسماعیل می‌گوید:

اسم اسماعیل، بزرگ‌ترین پس‌امام صادق علیه السلام بود و امام، او را بسیار دوست داشت و به او بیش از دیگران نیکی و محبت می‌کرد؛ ولی اسماعیل در زمان حیات پدر در «عربص» (دره ای نزدیک مدینه) از دنیا رفت. مردم، جنازه اش را به مدینه نزد امام صادق علیه السلام آوردند و در قبرستان بقیع دفن کردند. روایت شده است حضرت در مرگ او بسیار بی‌تابی می‌کرد؛ به گونه ای که با پای برهنه و بی‌ردا، دنبال تابوت او می‌رفت.

همچنین دستور فرمود تابوت او را پیش از دفن، چندین بار به زمین نهادند و هر بار حضرت می‌آمد و پارچه از روی صورتش بر می‌داشت و در روی او نگاه می‌کرد. مقصود امام علیه السلام از این کار این بود که مرگ او را پیش چشم آنان که گمان امامت و جانشینی او را داشتند، قطعی کند و شبهه آنان را درباره زنده بودنش، برطرف سازد و به آن‌ها بفهماند که اسماعیل از دنیا رفته است.

افرادی از اصحاب که او را پس از حضرت صادق علیه السلام امام می‌پنداشتند، از این عقیده بازگشتند. گک روئی اندک از مردمان بی‌خبر که نه در زمره نزدیکان امام بودند و نه از راویان حدیث آن بزرگوار گفتند: اسماعیل زن ده و امام پس از پدرش است و بر این عقیده باقی ماندند. (۲)

گروهی از شاخه اسماعیلیه (فرقه مبارکیه) هم محمد بن اسماعیل را مهدی و امام زنده غایب می‌دانند. (۳)

قرامطه (از گروه اسماعیلیه)، محمد بن اسماعیل را مه دی موعود

ص: ۴۵

۱- شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۴۹؛ دهخدا، لغتنامه، اسماعیلیه.

۲- شیخ مفید، الارشاد، ص ۵۵۳-۵۵۴.

۳- میرزا حسین طبرسی نوری، نجم الثاقب، ص ۲۱۵.

می دانستند و عقیده داشتند که وی زنده است و در بلاد روم زندگی می کند. آنان در طول تاریخ، بدنامی های بسیاری را برای شیعه به ارمغان آورده اند و هنوز هم رسوبات آن، در ذهن بسیاری از مخالفان شیعه مانده است؛ به گونه ای که عقاید قرامطیان را به شیعه نسبت می دهند. آنان، در بحرین قدرت یافته و دولت تشکیل دادند و به شدت با عباسیان مخالفت کردند. قرامطه، قائم را کسی می دانند که با رسالت و شریعت جدیدی مبعوث می شود و شریعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را منسوخ می کند. البته این فرقه، سیاسی بودند، نه مذهبی و به دنبال اهداف خاص و منافع خود بودند.

طرفداران ابوالخطاب (م ۱۳۸ ق) به خدایی امام صادق علیه السلام باور داشتند و ابوالخطاب را فرستاده او می دانستند. برخی از آنان، ابوالخطاب را قائم دانسته، گفتند: «وی نمرده است.» گروهی از پیروان وی، پس از مرگ اسماعیل، فرزندش محمد را امام دانستند و در هواداری او و فرزندانش، استوار ماندند. امام صادق علیه السلام همه این گمراهی ها را نکوهش کرده، ترک و انکار نمود.

نیز ن.ک: مدعیان مهدویت.

أشراط الساعة

حوادث طبیعی و دگرگونی های کیهانی در عصر ظهور و آستانه قیامت

أشراط جمع «شَرَط» به معنای نشانه یا ابتدای چیز است و «الساعة» به جزئی از اجزای شبانه روز گفته می شود و مقصود از آن در اینجا قیامت است؛ بنابراین، مراد از اشراط الساعة، نشانه هایی است که پیش از قیامت یا در آستانه آن، واقع می شود. (۱)

واژه اشراط در قرآن، فقط یک بار و به صورت اضافه به ضمیر "الساعة" این گونه به کار رفته است:

((فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ))

آیا آن ها جز این انتظاری دارند که قیامت ناگهان بر پا شود؛ [آن گاه ایمان آورند] در حالی که هم اکنون نشانه های آن آمده است؛ اما هنگامی که بیاید،

ص: ۴۶

۱- خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۶، ص ۲۳۵؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۵۷.

تذکر و ایمان آن‌ها سودی نخواهد داشت. (۱)

مفسران، برخی از تحولات اجتماعی

ص: ۴۷

۱- سوره محمد (۴۷): ۱۸.

و همچنین فروپاشی نظام طبیعت و درهم پیچده شدن و تبدیل آسمان و زمین پیش از ظهور قیامت را که در آیات گوناگونی به آن‌ها اشاره شده است، از نشانه‌های قیامت دانسته‌اند.

در روایات _ به ویژه روایات اهل سنت _ نیز بر تحولات اجتماعی و دگ _ رگونی های کیهانی که پیش از قیامت واقع می‌شود "اشراط الساعه" اطلاق شده است. (۱)

پی _ امبرگ _ رامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره نشانه های قیامت می‌فرماید:

به ناگزیر ده چیز، پیش از برپایی قیامت، رخ خواهد داد: خروج سفیانی، دجال، پیدا شدن دود، جنبنده، خروج قائم، طلوع خورشید از مغرب آن، فرود آمدن حضرت عیسی، ف _ رو رفتن [در زمی _ ن] در ناحیه مشرق و فرو رفتن در منطقه جزیره‌العرب و آتشی که از انتهای عدن بر می‌خیزد و مردمان را به س _ وی صحرای محش _ ر راهنم _ ایی می‌کند. (۲)

بر این اساس می‌توانیم "اشراط الساعه" را سلسله‌ای از حوادث اجتماعی و طبیعی ب _ دانیم که از زمان بعثت رسول اک _ رم صلی الله علیه و آله و سلم آغاز، و تا فروپاشی کامل نظم _ ام طبیعت ادامه می‌یابد و همه آن ه _ ا را می‌توان نشانه‌هایی از نزدیک شدن رستاخیز بزرگ دانست.

البته در برخی روایات، افزون بر موارد یادشده، از پ _ ا ره ای پدیده های اجتماعی نادرست و گ _ ناهان آشکار و عمومی نیز به عنوان اشراط الساعه نام برده شده که مشروح ترین و جامع ترین حدیث در این زمینه حدیثی است که ابن عباس از پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در داست _ ان حجه البلاغ نقل ک _ رده که

ص: ۴۸

۱- ر.ک: صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ص ۲۷۴؛ علی بن جعد، مسند، ص ۲۴۸؛ ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۸، ص ۲۶۷؛ ابن ابی

عاصم، کتاب الاوائل، ص ۱۱۴؛ نسائی، السنن الکبری، ج ۱، ص ۲۵۵؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۹، ص ۲۹۶.

۲- «عَشْرٌ قَبْلَ السَّاعَةِ لَا بُدَّ مِنْهَا السُّفْيَانِيُّ وَ الدَّجَالُ وَ الدُّخَانُ وَ الدَّابَّةُ وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَ نُزُولُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ خَسِيفٌ بِالْمَشْرِقِ وَ خَسِيفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَ نَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَعْرِ عَدْنٍ تَسْوِقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ»، کتاب الغیبه، ص ۴۳۶، ح ۴۲۶؛ ر.ک: ابن حبان، الصحیح، ج ۱۵، ص ۲۵۷.

بسیاری از مسائل را به مـا می آموزد و حاوی نکات فراوانی است.

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان این روایت را به نقل از تفسیر قمی، از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم این گونه نقل کرده است:

قمی در تفسیر خود از پدرش از سلیمان بن مسلم خشاب از عبد الله بن جریح مکی از عطاء بن ابی ریح از عبد الله بن عباس نقل کرده که گفت: با رسول خدا به زیـارت حج رفتیم، همان حجی که بعد از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در کعبه را گرفت و سپس روی نازنین خود را به طرف ما کرد و فرمود: می خواهید شما را خبر دهم از علامات قیامت؟

و در آن روز سلمان رضی الله عنه از هر کس دیگـر به آن جناب نزدیک تر بود، لذا او در پاسخ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت: بله یا رسول الله، حضرت فـرت فرمود: یکی از نشانه های قیـامت ایـن است که نماز ضایع می شود یعنی از میـان مسلمین می رود. و از شهوات پیروی می شود و مردم به سوی هواها میل می کنند، ثروت، مقـامی عظیم پیدا می کند و مردم آن را تعظیم می کنند، دیـن به دنیا فروخته می شود، در آن زمـان است که دل افراد با ایمان درونشـان، برای منکرات بسیاری که می بینند و نمی تـوانند آن را تغییر دهند آب می شود آن چنان کـه نمـک در آب حل می گردد.

سلمـان با تعجب گفت: ایـ رسول الله! بـه راستی چنین روزی خـواهد رسید؟

فرمود: آری، به آن خدایی که جانم به دست او است، ای سلمان در آن هنگام سرپرستی و ولایت مسلمانان را امرای جور به دست می گیرند امـرای کـه وزرای یـ فـاسق و سرشناسانی ستمگر و امنایی خائن دارند.

سلمـان پرسید: به راستی چنین وضعی پیش خواهد آمد ایـ رسول الله؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان. در ایـن موقع منکر، معروف، و معروف، منکـر می شود، خائن امین قلمداد می گـردد و امین خـیـانـت می کند، دروغگـو و تصدیق می شـود و راستگو تکذیب می گردد.

سلمان با حالت تعجب پرسید: یا رسـول الله بـه راستی چنین چیزی خواهد شد؟ فرمود:

آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان در آن روزگار زنان به امارت می رسند و کنیزان طرّف مشورت قرار می گزینند و کودکان بر فراز منبر می روند و دروغ نروعی زرنگ ی و زکات خسارت، و خوردن بیت المال نوعی غنیمت شمرده شود، مرد بپدر و مادرش جفا ولی به دوستش نیکی می نماید و ستاره دنباله دار طلوع می کند.

سلمان باز پرسید: یا رسول الله آیا چنین چیزی خواهد شد؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان! در این موقع زن با شوهرش در تجارت شرکت کند و باران در فصلش نیامده بلکه در گرمای تابستان می بارد و افراد کریم سخت خشمگین می گردند، مرد فقیر تحقیر می شود، در این هنگام بازارها به هم نزدیک می شوند وقتی یکی می گوید: "من چی زنی نفروختم" و آن دیگر می گوید: "من سودی نبرده ام" طوری می گویند که هر شنونده می فهمد دارد به خدا بد و بیراه می گوید.

سلمان پرسید: آیا حتماً چنین وضعی خواهد شد یا رسول الله؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است، ای سلمان در این هنگام اقوامی بر آنان مسلط می شوند که اگر لب بجنبانند کشته می شوند و اگر چیزی ننگ ویند دشمنان همه چیزشان را مباح و برای خود حلال می کنند تا با بیت المالشان کیسه های خود را پر کنند و به ناموسشان تجاوز نموده، خونشان را بریزند و دل هاشان را پاره از وحشت و رعب کنند و در آن روز مؤمنین را جز در حال ترس و وحشت و رعب و رهبت نمی بینی.

سلمان گفت: یا رسول الله آیا چنین روزگاری بر مؤمنین خواهد گذشت؟ فرمود:

آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان در این هنگام چیزی از مشرق می آورند و چی از مغرب تا امت اسلام را سرپرستی کنند، در آن روز وای به حال ناتوانان امت من، از شرقی و غربی ها و وای به حال آن شرقیان و غربیان از عذاب خدا، آری نه کوچکی را رحم می کنند و نه پاس حرمت بزرگی را دارند و نه از هیچ مقصری عفو می کنند، اخبارشان همه فحش و ناسزا است، جثه آنان جثه و بدن آدمیان است ولی دلهاشان دل های

سلمان عرضه داشت: یا رسول الله آیا چنین روزی خواهد رسید؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان، در این هنگام مردان بـه مردان اکتفاء می کنند و زنان به زنان و همان طوری که پدر و اهل خانواده نسبت به دختر غیرت به خرج می دهند نسبت به پسر نیز غیرت به خرج می دهند، مردان به زنان شبیه می شوند و زنان به مردان و زنان بر مرکب ها سوار می شوند که از طرف امت من لعنت خدا بر آنان باد.

سلمان از در تعجب پرسید: یا رسول الله آیا چنین وضعی پیش می آید؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان، در این هنگام مساجد طلا کاری و زینت می شود آن چنان که کلیساها و معبد یهودیان زینت می شود، قرآن ها به زیور آلات آرایش و مغازه ها بلند وصف ها طولانی می شود اما با دل هایی که نسبت به هم خشمگین است و زبان هایی که هر یک برای خود منطقی دارد.

سلمان پرسید: یا رسول الله آیا این وضع پیش می آید؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است، در آن روز مردان و پسران امت من با طلا خود را می آرایند و حریر و دیبا می پوشند و پوست پلنگ کالای خرید و فروش می گردد.

سلمان پرسید: یا رسول الله آیا این نیز واقع خواهد شد؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است، ای سلمان در آن روز ربا همه جا را می گیرد و یک عمل آشکار می شود و معاملات با غیبت و رشوه انجام می شود و دین خوار و دنیا بلند مرتبه می شود.

سلمان گفت: یا رسول الله آیا این نیز واقع خواهد شد؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان در این هنگام طلاق زیاد می شود و هیچ حدی جاری نمی گردد و البته خدای تعالی از این بابت هرگز متضرر نمی شود.

سلمان عرضه داشت: یا رسول الله آیا این نیز واقع خواهد شد؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمـان در ایـن زمـان کنیزان آوازه خـوان و نـوازنده پیدا می شوند و اشرار امت من بر امت، ولایت و حکومت می کند.

سلمان پرسید: یا رسول الله آیا

چنین وضعی خواهد شد؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان در این موقع اغنیای امت من صرفاً به منظور گردش و تفریح به حج می روند و طبقه متوسط برای تجارت و فقرا به منظور خودنمایی و ریا حج می روند، در این هنگام است که اقوامی قرآن را برای غیر خدا می آموزند و آن را نوعی مزمار و آلت موسیقی اتخاذ می کنند، اقوامی دیگر به تعلم فقه اسلامی می پردازند امـا برای غیر خدا در آن روزگـا از زنـا زادگـا ان زیاد می شوند با قرآن آوازه خوانی می کنند و بر سر دنیا سر و دست می شکنند.

سلمان عرضه داشت: یا رسول الله آیا چنین وضعی خواهد شد؟ فرمود: آری به خدایی سوگند که جانم به دست او است ای سلمان این وقتی است که حرمت ها و قرق ها شکسته شود و مردم از روی آگاهی و عمد در پی ارتکاب گناه باشند و اشرار بر اختیار مسلط شوند، دروغ فاش و بی پرده و لجاجت ها ظاهر گردد و فقرا فقر خود را علنی کنند، مردم در لباس به یکدیگر مباحثات کنند و باران در غیر فصل بیارد و مردم شطرنج و نرد و موسیقی را کاری پسندیده بشمارند و در مقابل امر به معروف و نهی از منکر را عملی نکوهیده بدانند تا آن جا که یک فرد با ایمان ذلیل ترین و منفورترین فرد امت شود و قاریان عابدان را ملامت کنند و عابدان قاریان را این مردمند کـه در ملکـوت آسمـان ها رجس و نجس نامیده می شوند.

سلمـان از در تعجـب بـپـرسید: یا رسول الله آیا چنین وضعی پیش می آید؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان در این هنگـام است که توانگـا رهیچ دلواپسی جز فقیر شدن ندارد، حتی یک گدا در طول یک هفته یعنی بین دو جمعه درخواست می کند و کسی نیست که چیزی در دست او بگذارد.

سلمان باز پرسید: یا رسول الله آیا چنین روزگاری خواهد رسید؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم در دست او است ای سلمان در این زمان رویبضه تکلم می کنند، پرسید: یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو، رویبضه چیست؟ فرمود: چیزی و کسی بـه سخن در می آید و در امور عـامـه سخن می گـوید که هرگز سخن نمی گفت، در این هنگام است که مردم، دیگر زیاد زنده نمی مانند

ناگهان زمین نعره ای می کشد و هر قومی چنین می پندارد که زمین تنها در ناحیه او نعره کشید بعد تا هر زمانی که خدا بخواهد هم چنان می مانند و سپس واژگونه می شوند و زمین هـ رچـ ه در دل دارد بیـرون می ریزد _ و خود آن جناب فرمود: یعنی طلا- و نقره را _ آن گاه با دست خود به ستون هایی که در آن جا بود اشاره نموده و فرمود مثل این، ولی در آن روز دیگر نه طلایی فائده دارد و نه نقره ای، این است معنای آیه: ((فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا))؛ علامت هایش بیامد. (۱)

نیز ن.ک: آخرالزمان، خروج سفیانی، خروج دجال، خروج دابه الارض، طلوع خورشید از مغرب، نزول عیسی علیه السلام .

اصحاب قائم < یاران حضرت مهدی علیه السلام

اصحاب کهف

از رجعت کنندگان و یاران حضرت مهدی علیه السلام

در قصه های قرآنی «اصحاب کهف»، نام گروهی از مؤمنان است که از ستم پادشاهی مشرک به غاری پناه بردند و سالیانی دراز به خواب عمیقی فرو رفتند. بر پـ ایه روایات، این پـ ادشاه مشـرک «دقیانوس» و محل واقعه «افسوس» دانسته شده است. (۲) داستان این گروه، با اشاراتی کوتاه اما پر مغز، در آیه های نخستین سوره «کهف» یاد شده است. در آن آیات، سخن از یکتاپرستانی است که برای گریز از پرستش خدایان دروغین، به غاری پناه بردند تا از گزند ستمکاران بت پرست برهند. خوابی که آنان را در ربود، به فرمان پروردگار سالیانی به طول انجامید و در ایـن مدت، چنان هیبتی داشتند که کسی را یارای نزدیک شدن و نگرستن به آنان نبود و آنان را بیدار می پنداشتند.

این خفتگان سالیانی چند را (بر پایه آیات قرآنی، ۳۰۹ سال) در همان حال

ص: ۵۳

۱- محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۶۴۹ _ ۵۵۲.

۲- ر.ک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۴۱۱؛ حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۳۶۰.

گذراندند. چون به خواست الهی از خواب برخاستند، چنان گمان بردند که فقط روزی یا نصفی از روز را خواب بوده اند. چون یکی از ایشان، برای فراهم آوردن غذا به شهر در آمد، مردم از حال شکفت انگیزشان آگاهی یافتند و بر آن شدند بر در غار آنان، مسجدی به پا

سازند. (۱) در روایات، آنان را گروهی از یاران حضرت مهدی علیه السلام دانسته اند که در ایام بازگشت، از حکومت جهانی عدل و قسط، بهره وافر خواهند برد. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

هنگامی که قائم صلی الله علیه و آله و سلم از پشت این خاانه ظهر کند، خداوند همراه او ۲۷ تن بر می انگیزد که چهارده تن از قوم موسی علیه السلام هستند، و هشت تن از اصحاب کهف و مقداد و جابر انصاری و مؤمن آل فرعون و یوشع بن نون وصی موسی. (۲)

اگر چه اهل سنت به شدت با اعتقاد به رجعت مخالفند اما برخی از مفسران آن ها به زنده شدن اصحاب کهف در دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده اند. (۳)

نیز ن.ک: رجعت، رجعت کنندگان، یاران مهدی علیه السلام، ظهور.

اقامت گاه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور < مسجد سهله

القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

القاب، جمع لقب است و لقب، نام دوم انسان است که با آن خوانده می شود و در آن، مراعات معنا، لازم است به خلاف نام اول که شاید بدون مراعات معنا باشد؛ مانند امیرالمؤمنین که لقب علی علیه السلام است.

استفاده از لقب، گاهی برای مدح و

ص: ۵۴

۱- ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۵۴.

۲- «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ مِنْ ظَهْرِ هَذَا الْبَيْتِ بَعَثَ اللَّهُ مَعَهُ سَبْعَةَ وَعِشْرِينَ رَجُلًا مِنْهُمْ أَرْبَعَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ قَوْمِ مُوسَى وَأَصْحَابِ الْكَهْفِ ثَمَانِيَةً وَالْمِقْدَادُ وَجَابِرُ الْأَنْصَارِيِّ وَمُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ وَيُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَصِيُّ مُوسَى»، ر.ک: طبری، دلائل الامامة، ص ۲۴۸؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۶۶.

۳- محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۳۹۰؛ سیوطی، الدر المنثور، ج ۴، ص ۲۱۵؛ متقی هندی، البرهان، ص ۱۵۰، ح ۱۵.

ست ایش و گ اهی ب رای طع ن و ناسزاگویی است. (۱)

حضرت مهدی علیه السلام به ادله ای چند، از پیشوایانی است که دارای القاب فراوانی است. برخی از این لقب ها، بیانگر فضیلت های بی پایان آن امام و برخی دیگر پوششی است برای حفظ جان آن حضرت. بسیاری از این القاب توسط معصومان پیشین علیهم السلام بر آن حضرت اطلاق شده و برخی، بر زبان یاران و اصحاب ایشان جاری شده است.

در هر حال توجه به القاب آن حضرت و معانی آن، یکی از اموری است که می تواند معرفت و شناخت ما را به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف افزایش دهد. برخی از دانشمندان شیعه در شماره این القاب گاهی افزون بر ده ها لقب نام برده اند. (۲) برخی از القاب آن حضرت بدین قرارند:

بَقِيَّةُ اللَّهِ، حَجَّت، خلف صالح، سید، شرید، صاحب، صاحب الدار، صاحب الزمان، طرید، غریم، غلام، فرید، قائم، مضطر، منتظر، منصور، مهدی، وحید، ولی الله، و....

نیز ن. ک: بَقِيَّةُ اللَّهِ، حَجَّت، شرید، صاحب الدار، صاحب الزمان، طرید، غریم، غلام، فرید، قائم، مضطر، منتظر، منصور، مهدی.

امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

امامت، به معنای پیشوایی، پیشروی، و رهبری است. امام نیز به معنای پیشوا، پیشرو، مقتدا، (۳) قیم، مصلح، الگو، راه اصلی و راهنما است. کسی یا چیزی که از آن پیروی شود، انسان باشد یا کتاب یا چیزی دیگر، به حق باشد یا بر باطل، امام است. (۴)

ریشه این واژه «ا م م» و به معنای قصد یا توجه خاص است. این معنا در همه مشتقات آن محفوظ است. امام نیز کسی است که همواره مقصود و هدف حرکت و تلاش

ص: ۵۵

۱- حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۰، ص ۲۱۸.

۲- ر. ک: محدث نوری، نجم الثاقب. البته برای برخی از این القاب، دلیل معتبری ارائه نشده است.

۳- جوهری، صحاح اللغة، ج ۵، ص ۱۸۶۴؛ ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۳؛ فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۱۰۶.

۴- راغب اصفهانی، المفردات، ص ۲۴.

دیگران قرار گیرد؛ گرچه با اختلاف موارد و قصدکنندگان و جهات و اعتبارات، گوناگون می شود؛ مانند امام جمعه و جماعت، امام هدایت و امام ضلالت. بر این اساس، دیگر معانی این واژه و مشتقات آن، از لوازم معنای ریشه است. واژه امام بر زن و مرد اطلاق می شود و جمع آن «ائمّه» و «ایمه» است. در اصطلاح کلامی معانی متعددی از این واژه ارائه شده که شایع ترین معنای آن، ریاست عمومی در امور دین و دنیا

است و برخی جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حفظ دین و سیاست دنیا را در تعریف اصطلاحی آن آورده اند.

برخی کامل ترین تعریف را ریاست بالاصاله عمومی در امر دین و دنیا در دار تکلیف می دانند که عموم مردم را به حفظ مصالح دین و دنیایشان ترغیب و از آنچه به حال آنان زیانبار است منع کنند.

طبرسی با ژرف نگری در عبارات لغت دانان کوشیده است دایره معنای امام را گسترده تر تعریف کند. وی به جایگاه امام و پیروی مردم از امام توجه ک کرده و در این باب نوشته است:

از لفظ امام دو چیز را می توان استفاده کرد:

۱. امام کسی است که به کارها و گفته های وی اقتدا می شود.

۲. امام کسی است که به اداره کردن و برنامه ریزی کار مردم اقدام می ورزد و دارای جایگاهی چون مجازات تجاوزکاران به حقوق دیگران، سرپرستی کار گزاران، اقامه حدود الهی، جنگیدن با جنگ افروزان و اختلاف برانگیزان می باشد...

بر پایه معنای نخست، هیچ پیامبری نیست، مگر آن که امام بوده است؛ اما بر اساس معنای دوم، هر پیامبری لازم نیست امام باشد؛ زیرا امکان دارد پیامبری از ناحیه خدای متعال مأموریت مجازات جنایت کاران و جنگیدن با دشمنان و دفاع از دین و مبارزه با کافران را نداشته باشد. (۱)

از این عبارت مرحوم طبرسی و برداشت وی از لفظ امام به دست می آید که نوع مأموریت و جایگاه امام به دلیل آن که مردم لازم است از افعالش و گفتارش پیروی کنند، با نوع مأموریت نبی و رسول متفاوت است؛ زیرا لازمه اقتدا به امام، اطاعت از

ص: ۵۶

فرامین او در به اجرا در آوردن دستور العمل های اجرایی است. با این تعریف، امام به کسی گفته می شود که رهبری جامعه ای کوچک یا بزرگ را بر عهده دارد و به اداره امور زندگی آن ها می پزدازد و مردم از اقامت و دستورات عمل های وی پیروی می کنند.

امروزه در حوزه علم کلام، امام و امامت، دارای بار معنایی خاصی است که تفسیرهای گوناگونی از آن ارائه شده است. متکلمان اسلامی - شیعه و اهل سنت - امام و به دنبال آن، خلیفه را درباره کسی به کار می برند که از ناحیه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم نیابت و ریاست یافته است؛ تا امور دینی و دنیوی مردم را بر عهده گیرد و دین و دنیای آنان را سامان داده، آباد سازد؛ از این رو بر مردم است تا از دستورات وی پیروی کنند.

قاضی ایجی (م ۷۵۶ق) از متکلمان نامور اهل سنت در المواقف، امامت را عبارت از «ریاست عمومی در امور دین و دنیای مردم» دانسته است. (۱) و همو نوشته است:

امامت، جانشینی رسول صلی الله علیه و آله و سلم در برپایی (امور) دین است؛ به گونه ای که بر همه امت اسلامی پیروی از او واجب می باشد. (۲)

ابن خلدون (م ۸۰۸ق) دیگر چهره معروف دانشمندان اهل سنت، امامت را این گونه تفسیر کرده است:

امامت، جانشینی از صاحب شریعت در حفظ دین و سیاست گذاری و اداره امور دنیایی مردم است. (۳)

سعدالدین تفتازانی (م ۷۹۲ق) در شرح المقاصد نوشته است:

امامت، ریاست عمومی در امور دین و دنیای مردم به هدف خلافت از ناحیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. (۴)

سید شریف جرجانی (م ۸۱۶ق) در شرح المواقف نوشته است:

امامت، جانشینی رسول گرامی در برپایی دین و حفظ اسلام است؛ به گونه ای که بر همه امت اسلامی پیروی از امام واجب است. و خلیفه، امام نامیده می شود. (۵)

بنابراین، امامت، به معنای ریاست

ص: ۵۷

۱- المواقف، ص ۳۴۵.

۲- المواقف، ص ۳۴۵.

۳- ابن خلدون، مقدمه، ص ۱۹۱.

۴- شرح المقاصد، ج ۳، ص ۴۶۹.

عمومی فردی خاص بر امور دینی و دنیای مردم در دنیا بـالاصاله یا بـه جانشینی از پیامبر است؛ زیرا امامت، دارای شأن‌هایی همچون رهبری سوسی و زعامت اجتماعی و مرجعیت دینی و تبیین و تفسیر وحی و ولایت باطنی و معنوی است که از این جهت، امام حجت خدا در زمان، ولی الله، انسان کامل حامل معنویت کلی انسانیت و قطب است. چون امامت دارای جایگاه والایی است، شیعه آن را همانند نبوت به نص و امر الهی و از اصول دین (مذهب) می‌داند؛ در حالی که در دین دگانه‌ها ل سنت، از فروع دین شمرده شده و از این جهت، از افعال مکلفان به شمار می‌آید. (۱)

شیعه، بر این باور است که پیامبران چون از جهت عمر و امکانات محدودند، برای محقق ساختن اهداف خود به امر الهی، جانشین خود را به مردم معرفی و مردم را به اطاعت از آن‌ان سفارش می‌کنند. بر این اساس اگر پیامبر خلیفه و امام معرفی نکند، رسالتش را به انجام نرسانده است. (۲)

دیگر آن که، وجود امام در هر عصر و زمان و در هر جامعه‌ای برای هدایت انسان‌ها به سوی کمال و برقراری نظم در جامعه ضرورت دارد. خداوند در این باره فرمود:

((أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ))؛ (۳)

همانا تو انذاردهنده‌ای و برای هر قومی هدایت‌گری است.

روایات تفسیری این آیه نیز این حقیقت را تأیید می‌کند که امامی زنده تا روز قیامت میان انسان‌ها حضور دارد. همچنین براساس روایاتی درباره سوره قدر، در شب قدر هر سال تا روز قیامت، فرشتگان بر امام آن زمان نازل می‌شوند و این سوره دلیل روشنی بر وجود امام در همه زمانها است.

افزون بر آیات، از روایات فراوانی نیز استفاده می‌شود که زمین، هیچ‌گاه از حجـت الـهی تهی نخواهد بود و هرگاه از حجـت الـهی تهی باشد، اهلش را فرو خواهد بُرد؛ به گونه‌ای که حتی اگر دو نفر بر روی

ص: ۵۸

۱- جمعی از نویسندگان، دائره المعارف قرآن کریم، ج ۴، ص ۲۲۰.

۲- مائده (۵): ۶۷.

۳- رعد (۱۳): ۷.

زمین زندگی کنند، یکی از آنان حجت و امام خواهد بود.^(۱)

روایات فراوانی در دست است که امامت در ادامه پیامبری اسلام در دوازده نفر معین شد که آخرین آن ها حضرت مهدی علیه السلام است. نه فقط پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام که برخی از دانشوران اهل سنت، در روایاتی چند به این حقیقت بزرگ اشاره کرده اند.^(۲)

سال ها پیش از آن که نهم ربیع الاول سال ۲۶۰ق فرا رسد، پیشوایان معصوم علیهم السلام و به ویژه واپسین فرستاده خداوند سبحانه و تعالی، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم امامت آخرین حجت الهی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نوید داده بودند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

پیشوایان پس از من، دوازده نفرند؛ نخستین ایشان، علی بن ابی طالب، و آخرین آن ها قائم است. آن ها جانشینان و اوصیای و اولیای من و حجت های خداوند سبحانه و تعالی پس از من، بر امت من هستند. اقرار کننده به آن ها مؤمن، و انکار کننده ایشان، کافر است.^(۳)

پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز به پیروی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همواره به سلسله امامان دوازدهگانه اشاره کرده اند؛ به روشنی از دوازدهمین ایشان یاد نموده، شیعیان را از افتادن در دام انحراف و مدعیان، برحذر داشته اند.

آن گاه که از حضرت علی علیه السلام در باره معنای روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرموده بود: «إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي»؛ «همانا من دو چیز گرانبها را در میان شما می گذارم کتاب خداوند و عترتم را.» پرسیده شد: «عترت» چه کسانی هستند؟ فرمود:

من و حسن و حسین و پیشوایان نه گانه از فرزندان حسین. نهمین آن ها مهدی آن ها است. هرگز از کتاب خدا جدا نمی شوند و کتاب خدا نیز از آن ها جدا نمی شود. تا آن

ص: ۵۹

۱- جمعی از نویسندگان، دائره المعارف قرآن کریم، ج ۴، ص ۲۲۵.

۲- ر.ک: لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، الفصل الاول فيما يدل على ان الائمة اثنا عشر...

۳- «الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ فَهُمْ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَاءِي وَ أَوْلِيَائِي وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى أُمَّتِي بَعْدِي الْمُقَرَّبِينَ بِهِمْ مُؤْمِنٌ وَ الْمُنْكَرُ لَهُمْ كَافِرٌ»، شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۷۹.

که کن ارح عوض پی امبر، ب او باز گردند. (۱)

افزون بر روایت های یاد شده که از مهم ترین دلیل ها بر امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز سخنان ارزشمندی در این باره فرموده اند. که برخی بدین قرار است:

امام حسن علیه السلام، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نهمین فرزند برادر خود حسین و پسر سرور کنیزان دانسته است. (۲)

امام حسین علیه السلام در اشاره به امامت نهمین پیشوای ه دایتگر از نسل خود، از وی با «قائم به حق» یاد کرده است. (۳)

امام سجاد علیه السلام نیز ب امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره کرده، آن حضرت را دوازدهمین جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پیشوایان پس از او دانسته است. (۴)

امام باقر علیه السلام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نهمین پیشوای پس از حسین بن علی علیهما السلام و قائم آن ها خوانده است. (۵)

ششمین پیشوای شیعیان، به روشن بینی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دوازدهمین از پیشوایان هدایت پس از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ذکر کرده است. (۶)

هفتمین امام معصوم نی از آن حضرت را پنجمین از فرزندان خود دانسته، فرمود: «برای او غیبتی است که مدتش طولانی خواهد شد». (۷)

امام رضا علیه السلام پس از اشاره به دوران غیبت و سختی های آن، سبب آن سختی ها را پنهان بودن پیشوای ایشان ذکر کرده است. (۸)

امام جواد علیه السلام نیز درباره آن حضرت، وی را سومین از فرزندان خود دانسته است. (۹)

ص: ۶۰

۱- «أَنَا وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْأئِمَّةُ التَّيْسِيَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِئُهُمْ مَهْدِيَّهُمْ وَقَائِمُهُمْ لَا يُفَارِقُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَلَا يُفَارِقُهُمْ حَتَّى

يَرِدُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَوْضَهُ»، شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۴۰.

۲- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵.

۳- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷.

۴- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۹.

۵- محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۱۵.

- ٦- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٣٤٢.
- ٧- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٣٤١.
- ٨- شيخ صدوق، عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ١، ص ٢٧٣.
- ٩- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٣٧٧.

امام هادی علیه السلام، جد بزرگوار آن حضرت نیز به پیشوایی آن حضرت پس از فرزند خود امام عسکری علیه السلام تأکید کرده است. (۱)

و سرانجام این تلاش پیوسته، به دست یازدهمین پیشوای معصوم علیه السلام به اوج خود رسید که در آن، آخرین ذخیـره الهی به نیکوتـرین صورت ممکن، معرفی شده است؛ آن جا که از آن حضرت در بـاره درستی یـا چگونگی این خبر کـه بـه نقل از پـدران بـزرگ و ارش رسیده است، پرسیدند که: «زمین، هیچ گاه از حجت خدا بر خلقش خالی نیست. هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.» (۲) آن حضرت فرمود: «این مطلب حق است؛ آن گونه که روز، حق است.» (۳) سپس از آن حضرت سؤال شد: «ای پسر پیامبر! حجت و امام پس از شما کیست؟» فرمود: «فرزندم محمّد. او امام و حجّت پس از من است. هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.» (۴)

تا این که با شهادت یازدهمین پیشوای شیعیان در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ ق، (۵) در حالی که بیش از پنج بهار (۶) از عمر آخرین ذخیره الهی سپـری نشده بود، فصلـ بهره مندی مستقیم انسان ها از امام ظاهر به پایان رسید و در پی آن، دورانی بسیار مهّم در زندگی پیروان اهل بیت علیهم السلام پیش آمد. این دوران، همزمان با دو رخداد مهم آغاز شد: رسیدن آخرین حجّت الهی به مقام امامت و دیگر؛ قرار گرفتن آن حضرت در پرده پنهان زیستی.

اگر چه برگزیدگانی از شیعه برای این مرحله آمادگی کامل داشتند، می بایست هر دو رخداد (امامت و غیبت)، برای عموم شیعیان به اثبات

ص: ۶۱

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۳.

۲- «أَنَّ الْمَأْرُضَ لَمَّا تَخَلَّوْا مِنْ حُجَّهِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَنَّ مِنْ مَيَاتٍ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيَّتَهُ جَاهِلِيَّتِهِ»، همان، ص ۴۰۹، ح ۹.

۳- «إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ»، همان.

۴- «ابنّی محمد وَ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مَيَّتَهُ جَاهِلِيَّتِهِ»، همان.

۵- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۳.

۶- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۹.

برسد؛ چرا که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نخستین روز امامت را در حالی آغاز کرد که جز افرادی اندک که پیش از آن، در دوره امام عسکری علیه السلام آن حضرت را دیده بودند(۱)، کسی او را ندیده بود. تا این که روز در گذشت امام یازدهم و نخستین روز امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرا رسید و آن حضرت، ناگزیر میان مردم آمده، بر پیکر پدر نماز گزارد.

این رخداد، به گونه هایی چند روایت شده است. در یک روایت، شیخ صدوق، آن را به صورت مفصل از زبان ابوالادیان، یکی از خدمتکاران خانه و متصدی امور نامه های امام عسکری علیه السلام گزارش کرده است.(۲)

در این رخداد، آنچه برای مردم، از همه شگفت آورتر بود، این که با کودکی پنج ساله روبه رو بودند که می گفت جانشین ام—ام عسکری علیه السلام است. البته پیش از آن، با هدایت های پیوسته پیامبر و امامان نور علیهم السلام شیعه به این نکته باور پیدا کرده بود که خداوند سبحانه و تعالی، از طریق آخرین پیامبر خود، مقام امامت و ولایت را به سبب قابلیت های ذاتی به افرادی خاص عطا فرموده و فقط از طرف او است که برای جامعه امام نصب می شود. نیز این که این قابلیت، هیچ ارتباطی به کمی یا زیادی سن ندارد. جالب این که این گونه پیشوایی، پیش از آن، هم بین امامان علیهم السلام و هم در زنجیره پیامبران علیهم السلام دارای سابقه بود. یکی از دانشوران معاصر، امامت در سنین کم را پدیده ای واقعی دانسته، چنین استدلال کرده است:

... امامی که در کودکی به پیش—وایی روحی و فک—ری مردم رسی—ده، و مسلم—ان—ان—حتی در کش—اکش آن همه موج ویرانگر—باز خویشتن خویش را به پیروی و دوستی او گماشتند، به طور مسلم باید از دانش و آگاهی و گستردگی دید و دانا بودن به فقه و تفسیر و عق—اید، بهره ای آشک—ار و چشمگیر داشته باشد؛ چ—ون در غی—ر این صورت، نمی—وانست م—ردم را به پیروی از خویش وادارد....

به فرض مُحال که مردم نتوانستند

ص: ۶۲

۱- ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴ و ۴۵۷.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۵، باب ۴۳، ح ۲۵. همچنین ر.ک: نیلی نجفی، منتخب الانوار المضيئه، ص ۱۵۷؛ قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۰۱.

حقیقت و واقـعیت امـر را دریابند، دستگاہ خلافت و نیروی حاکم که آن همه دشمنی علنی با امام داشته، چرا بر نخاسته و پرده از رخسار حقیقت نینداخته است؟

اگر امام خردسال، از دانش و سطح تفکر عالی برخوردار نبود، خلفای معاصر، خیلی خوب می توانستند جنجال به پا کنند؛ اما سکوت آن ها و سکوت تاریخ، گواه است که امامت در سنین کـم، پدیدۀ ای حقیقی بـوده است، نه ساختگی. (۱)

البته پیش از آن کـه در مسیر هدایت جـامعه، نوبت بـه پیشوایی جانشینان آخرین فرستاده الهی برسد، خداوند سبحانه و تعالی، پیامبرانی را در کودکی به مقام نبوت مفتخر ساخته بود. از میان پیامبران اولوالعزم، یگانه پیامبری که از هنگام ولادت، به نبوت خویش به طور آشکـار تصریح کـرده، حضرت عیسی بن مریم علیها السلام است.

خداوند سبحانه و تعالی در آیات قرآن، در بخشی از داستان حضرت مسیح علیه السلام از زبان پیامبر خود در پاسخ منکران چنین می فرماید:

((قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا))؛ (۲)

[کـودک] گفت: من بـنـده خـدا هستم، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است.

یزید کناسی از امام باقر علیه السلام پرسید: «آیا عیسی بن مریم علیهما السلام هنگامی که در گـگـهواره سخن گفت، حجت خدا بر او لـزمـان خـود بود؟» حضرت فرمود:

او آن زمان پیغمبر و حجت غیر مرسل خدا بود [= در آن زمان، به تبلیغ و دعوت مأمور نبود]. مگر نمی شنوی گفته خود او را که می گوید: «من بنده خدایم. خدا به من کتاب داده و پیغمبر ساخته و هر جا باشم، پر برکتتم قرار داده و تا زنده باشم، مرا به نماز و زکات سفارش کرده است.

عرض کردم: «در آن زمان و در همان حالی که در گهواره بود، حجت خدا بود بر زکریا؟»

فرمود:

... چون عیسی هفت ساله شد و خدای سبحانه و تعالی به او وحی فرستاد، از نبوت و رسالت خود سخن گفت و بر یحیی و همه مردم حجت شد.... (۳)

ص: ۶۳

۱- سید محمد باقر صدر، جست و جو و گفت و گو پیرامون امام مهدی علیه السلام، ص ۴۷-۴۸.

۲- مریم (۱۹): ۳۰.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، باب حالات الأئمه علیهم السلام فی السن.

حضرت یحیی علیه السلام یکی دیگر از پیامبرانی است که در کودکی به مقام نبوت رسید. خداوند سبحانه و تعالی در این باره خطاب به وی فرمود:

((يا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا))؛^(۱)

ای یحیی! کتاب خدا را به جدّ و جهد بگیر. ما از کودکی به وی حکم [نبوت] دادیم.

یک ی از مفسران اهـل سنت، حکمی را که خداوند سبحانه و تعالی به حضرت یحیی علیه السلام داد، همان نبوت دانسته، بر این باور است که خداوند سبحانه و تعالی، عقل او را در سنین کودکی محکم و کامل کرد و به او وحی فرستاد.^(۲)

در یکی از تفسیرهای معاصر، پس از آیه پیشین چنین آمده است:

درست است که دوران شکوفایی عقل انسان به صورت معمول حد و مرز خاصی دارد؛ ولی می دانیم همیشه در انسان ها افرادی استثنایی وجود داشته اند. چه مانعی دارد که خداوند سبحانه و تعالی این دوران را برای بعضی از بندگانش به خاطر مصالحی فشرده تر کند و در سال های کمتری چکیده نماید؟ همان گونه که برای سخن گفتن، به صورت معمول گذشتن یکی دو سال از تولد لازم است؛ در حالی که می دانیم حضرت عیسی علیه السلام در همان روزهای نخست زبان به سخن گشود؛ آن هم سخنی پر محتوا که طبق روال عادی در شأن انسان های بزرگسال بود.^(۳)

این تفسیر، در ادامه، این آیه را دلیل روشنی بر درست بودن امامت برخی امامان علیهم السلام در خردسالی دانسته است.

بنابراین، همان گونه که خداوند سبحانه و تعالی، مقام نبوت را به کودک خردسالی داد، می تواند مقام امامت را نیز با تمام ویژگی های لازم، به کودکی عطا فرماید.

همان گونه که پیش از این نیز یاد شد، روایت هـای فراوان و شواهد تاریخی، گویای آن است که پیش از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو امام (امام جواد و امام هادی علیهما السلام) نیز پیش از سن بلوغ

ص: ۶۴

۱- مریم (۱۹): ۱۲.

۲- فخر رازی، تفسیر فخر رازی، ج ۱۱، ص ۱۹۲.

۳- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۷.

جسمانی به امامت رسیدند. این، خود ایجاد آمادگی برای پذیرش امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در کودکی بود. در می-ان امام-ان دوازدهگ-انه، نخستین پیشوایی که در سن کودکی به امامت رسید، جواد الاثمه علیه السلام بود. حضرت امام محمد تقی علیه السلام نهمین پیش-وای شیعی-ان و یگ-انه ف-رزند حضرت رض-ا علیه السلام، در روز دهم رجب س-ال ۱۹۵ق در مدینه چشم ب-ه جه-ان گ-شود. آن حضرت، در هفت سال-گی ب-ه مق-ام امامت رسید. (۱) از آن جا ک-ه این مسأله در دوران امامت بی سابقه بود، در ابتدا برخی بدان اعتراض کردند؛ ولی رفته رفته با هدایت های امام رضا علیه السلام و کرامت هایی از خود آن حضرت، دل شیعیان آرام گرفت.

معمر بن خلاد گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم مطلبی درباره امر امامت بیان کرد و سپس فرمود:

«به این موضوع چه احتیاجی دارید؟ این ابوجعفر است که او را به جای خود نشانده و قائم مقام خود ساخته ام»

و فرمود: «ما خاندانی هستیم که خردسالانمان مو به مو از بزرگسالان مان ارث می برند.» (۲)

این روایت، بیانگر آن است که مقام امامت، به کمی و یا زیادی سن ربطی ندارد.

ابوبصیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، در حالی که کودک نابالغی عصاکش من بود. حضرت به من فرمود:

چگونه خواهید بود زمانی که حجت بر شما هم سال این کودک باشد؟» (۳) یا فرمود: «همسال این کودک بر شما ولایت داشته باشد.» (۴)

صفوان بن یحیی گوید: به امام

ص: ۶۵

۱- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۳.

۲- «مَا حَاجْتُمْكُمْ إِلَيَّ ذَلِكَ هَذَا أَبُو جَعْفَرٍ قَدْ أَجْلَسْتُهُ مَجْلِسِي وَ صَيَّرْتُهُ مَكَانِي وَ قَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ يَتَوَارَثُ أَصَاغِرُنَا عَنْ أَكْبَرِنَا الْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ»، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۲.

۳- به نظر می رسد مقصود آن حضرت، امام جواد علیه السلام بوده است. اگر چه می تواند اشاره به امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز باشد.

۴- «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا احْتَجَّ عَلَيْكُمْ بِمَثَلِ سِنِّهِ؟، أَوْ قَالَ: سَيَلِي عَلَيْكُمْ بِمَثَلِ سِنِّهِ»، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، (حالات الأئمة عليهم السلام في السن، ح ۴).

رضا علیه السلام گفتم: پیش از آن که خدا ابوجعفر را به شما بیخشد، درباره جانشینتان از شما می پرسیدیم و شما می فرمودید: «خدا به من پسری عنایت می کند.» اکنون او را به شما عنایت کرد و چشم ما را روشن نمود. اگر خدای ناخواسته برای شما پیش آمدی پدید آید به که بگوییم؟» حضرت با دست به ابو جعفر که برابرش ایستاده بود، اشاره فرمود. عرض کردم: «قربانت شوم! این پسر، سه ساله است.» فرمود:

چه مانعی دارد؟ عیسی سه ساله [کمتر] بود که به حجّت قیام کرد. (۱)

اگر چه برخی برابر این اراده از خود واکنش های نامناسبی نشان دادند، کم نبودند انسان های وارسته ای که برابر این خواست الهی، در کمال تواضع سر فروتنی و پذیری فرس فرود آورده، با اخشنودی کامل آن را پذیرفتند. از جمله ایشان، علی بن جعفر بن محمد، عموی امام رضا علیه السلام "بود که در کهولت سن، برابر امام جواد علیه السلام در نهایت فروتنی بر پیروی از ایشان تأکید می کرد. (۲)

از این جا بود که پیروان راستین اهل بیت علیهم السلام با این باور که مقام امامت اموری فراتر از محاسبات ظاهری است در امام هادی علیه السلام، با اطمینان بیشتری آن را پذیرفتند. چرا که ایشان نیز در سن هشت سالگی به امامت رسید. (۳)

از آن جا که شرایط امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دیگرگون بود، تردیدهایی در ذهن شیعه پدید آورده، کار امام حسن عسکری علیه السلام را مشکل ساخت. آن حضرت، نه فقط در سن کمتر از دیگر امامان به امامت رسید، بلکه ولادتش نیز به خاطر مصالحی پنهانی بود و تا زمان امامت، جز اندکی، جمال دل آرای او را ندیده بودند. البته حافظه شیعه، آموزه های پیشوایان معصوم علیهم السلام پیشین را که با اقداماتی مناسب، برای این امر زمینه سازی کرده بودند (۴)، هرگز ز

ص: ۶۶

۱- «وَمَا يَضُرُّهُ مِنْ ذَلِكَ فَفَقَدَ قَامَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْحَجَّةِ وَهُوَ ابْنُ ثَلَاثِ سِنِينَ»، محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۱، (باب الاشارة والنص على ابي جعفر الثاني).

۲- محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۱۲.

۳- ر.ك: شيخ مفيد، الارشاد، ج ۲، ص ۲۹۷.

۴- ابن ابي زينب نعماني، الغيبة، ص ۳۲۲، ح ۱.

فراموش نکرده بود.

شایان ذکر است که افزون بر پیامبران و پیشوایان معصوم علیهم السلام که بـه تأیـد الهـی دارای ویژگی های خاصی هستند، بیـن انسان هـای معمولی نیز کسـانی یافت می شوند که دارای نبوغ خاصی هستند که آن هـا را از دیگران متمـایز می کند. یکی از پژوهشگران معاصر، پس از بیان آیات و روایات، کودکان نابغه ای را مؤید رخداد فوق یاد کرده، افرادی چون ابـو علی سینا، فاضل هندی، توماس یونگ، را فقط نمونه ای از این گونه انسان ها دانسته است. (۱)

برآیند سخن آن که: امامت مانند نبوت، موهبتی الهی است که خدای متعال به بندگان برگزیده و شایسته خود بخشیده است و در این بخشش سن و سال، دخالتی ندارد؛ از این رو امر پیشوایی در کودکی، نه فقط امری بعید نیست که در طول تاریخ میان پیامبران الهی علیهم السلام سابقه ای دیرینه دارد. و کسانی که برای خرده گیری بر پیروان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام این مطلب را دستاویز خود قرار داده اند، در بیـان پیامبری برخی پیامبران و نبوغ برخی بزرگان دین و دانش هیچ تردیدی به خود راه نداده اند.

امامت و مهدویت

کتابی فارسی در معارف مهدوی

این اثر که نوشته آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، (۲) از مراجع تقلید معاصر شیعه است، مجموعه ای از مقاله ها و رساله های علمی _ تحقیقی است که در مناسبت ها و

ص: ۶۷

۱- ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

۲- وی، نوزدهم ماه جمادی الاول ۱۳۳۷ق در گلپایگان دیده به جهان گشود. مراحل تحصیلی خود را در گلپایگان، قم و نجف سپری کرد و از خرمن علمی اساتیدی چون آیات عظام: خوانساری، حجت، صدر، بروجردی، گلپایگانی در قم، سید جمال الدین گلپایگانی، شیخ محمد علی کاظمی و شیخ محمد کاظم شیرازی در نجف اشرف و پدر بزرگوارش در گلپایگان خوشه چید. حدود ۸۰ اثر ارزشمند نوشته که قسمتی از آن ها را به بحث در باره حضرت بقیه الله علیه السلام اختصاص داده است. (جمعی از نویسندگان، مشعل جاوید، ص ۱۸۵)

فرصت های گوناگون درباره «ولایت و امامت عامه و خاصه» به ویژه امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نوشته شده و پی‌ش از آن، به صورت کتاب هـ ای جداگانه ای به چاپ رسیده بود.

نویسنده، با بهره گیری از آیات، روایات، منابع تاریخی و کلامی، موضوع امامت و مه‌دویت را به صورت مستدل و تحقیقی بررسی کرده است. وی در این مقاله ها که به طور عمده رویکرد کلامی دارند، به پاسخگویی برخی شبهه ها پرداخته که در این حوزه پدید آمده است و سعی کرده است با دلیل های عقلی و نقلی، زوایای بحث ها را کنکاش کند.

این مجموعه، پس از تنظیم در سال ۱۳۸۰ ش، در دو جلد به چاپ رسیده است. جلد نخست، درباره مباحث بنیادین امامت و جلد دوم، ویژه مباحث مهدویت است.

عناوین مطالب جلد نخست این کتاب بدین قرار است:

۱. ولایات تک‌وین‌ی و ولایات تشریعی: در این مقاله، به بحث هایی چون توحید و پرهیز از شرک و غلو، ولایت تکوینی، ولایت تشریعی، و ... پرداخته شده است.

۲. تجلی توحید در نظام امامت: در این مقاله، به بحث درباره تجلی توحید در رسالت های پیامبران، در اسلام، در نظام امامت و در امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته شده است.

۳. پیرامون معرفت امام: در این

مقاله، به موضوعاتی که به شناخت و معرفت امام مربوط است، توجه شده و به مناسبت، به بحث هایی چون نیاز جامعه به مرکز و مدیر و وجوب اطاعت امام نیز پرداخته شده است.

۴. نظام امامت و رهبری: در این بخش، به بررسی معنای امام و در پی آن، انواع حکومت ها اشاره شده است.

۵. فروغ ولایت: در این بخش، به بررسی دعای ندبه _ چه از دیدگاه سند و چـه از دیدگاه محتوا _ توجه شده و در پایان نیز به برخی پرسش ها در باره این دعای شریف، پاسخ داده شده است.

۶. انتظار، عامل مقاومت و حرکت: در این مقاله که بخش پایانی جلد نخست به شمار می آید به موضوعات مربوط به بحث انتظار پرداخته شده است.

عنوان نوشته های جلد دوم چنین است:

۱. وابستگی جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛

۲. عقیده، نجات بخش؛

۳. اصالت مهدویت؛

در این مقاله، اصالت های عقیده مهدویت را از ده جهت بحث و بررسی کرده که برخی از این قرار است:

— معقول بودن امکان آن؛

— اتکا بر مبانی معقول و منطقی؛

— موافقت با فطرت و سنن عالم خلقت؛

— قبول امت ها و مبتنی بودن آن، بر بشارت های پیامبران و ادیان آسمانی؛

— ابتدای آن بر آیات قرآن کریم؛

— ابتدای بر احادیث معتبر و متواتر؛

— اتفاق مسلمانان و اجماع شیعه و اهل سنت؛

— معجزه ها و کرامت ها؛

— ابتدای آن بر توحید و یکتا پرستی؛

— نقش آن در عمل و برقراری عدالت و به ثمر رساندن انقلاب اسلام.

۴. معرفت حجت خدا: در این نوشتار، به صورت عمده، به بحث درباره دعای اللهم عرفنی نفسک... پرداخته شده است.

۵. نوید امن و امان: در این مقاله، به بشارت های قرآن مجید و نیز احادیث به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است.

۶. پاسخ به ده پرسش: در بخش پایانی این مجموعه، ضمن پرسش و پاسخ به مباحثی چون استمرار نظام امامت، چگونگی تسخیر جهان با یاران معدود، چگونگی پیروزی امام زمان علیه السلام بـ ر جنگ افزارهای ویرانگر، مکان آن حضرت در دوران غیبت کبرا و موضوعاتی دیگر، آن ها را نقد و بـ بررسی کـ رده و سعی نموده با استفـ اده از آیـ ات و روایـ ات و دانش های نو و استدلال های عقلانی به پرسش ها پاسخ معقول و منطقی دهد.

امام حسن عسکری علیه السلام فرزند امام علی النقی علیه السلام، پدر بزرگوار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یازدهمین پیشوای شیعیان است. آن حضرت در ماه ربیع الاول یا ربیع الثانی سال ۲۳۱ یا ۲۳۲ ق در مدینه، چشم به جهان گشود. مادرش بانویی پارس‌ا و ش‌ایسته به نام «حَدِيثَه» علیها السلام، بود که برخی، از او به نام «سوسن» یاد کرده اند. (۱)

ص: ۶۹

۱- ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۳.

از آن جا که پیشوای یازدهم به دستور خلیفه عباسی در «سامرا»، در محله «عسکر» سکونت اجباری داشت، «عسکری» نامیده می شود. (۱) از مشهورترین لقب های آن حضرت، «نقی»، «زکی»، «فاضل»، «امین» و «کَنیه اش «ابو محمد» است. او ۲۲ ساله بود که پدش به شهادت رسی د. مدت امامتش شش سال و عمرش ۲۸ سال بود. امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ ق در حالی که یگانه پسر او در جایگاه آخرین حجت الهی در سن پنج سالگی قرار داشت، به شهادت رسید و در خانه خود در سامرا، کنار مرقد پدرش به خاک سپرده شد. (۲)

درباره ویژگی های آن حضرت آورده اند: رنگش گندمگون، چشمانش درشت و سیاه، رویش زیبا، قامتش معتدل و اندامش متناسب بود. با آن که جوان بود، بزرگان قریش و دانشمندان زمان خود را تحت تأثیر و نفوذ قرار می داد. دوست و دشمن به برتری او در دانش، بردباری، بخشش، پارسایی، پروای الهی و دیگر مکارم اخلاقی باور داشتند. (۳)

مدت کوتاه عمر امام به سه دوره

ص: ۷۰

-
- ۱- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، باب ۱۷۶، ص ۲۳۰.
 - ۲- شیخ طوسی، التهذیب، ج ۶، ص ۹۲. ر. ک: مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان علیهم السلام، ص ۶۱۵.
 - ۳- ر. ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، مقدمه.

تقسیم می شود: تا چهار سال و چند ماهگی (و بنا به یک قول تا سیزده سالگی)، در مدینه به سر برد. تا ۲۳ سالگی به اتفاق پدر بزرگوارش در سامرا می زیست و تا ۲۸ سالگی (شش سال و اندی پس از شهادت امام دهم)، در سامرا ولایت بر امور و پیشوایی شیعیان را بر عهده داشت.

روایاتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او علیهم السلام بر امامت دوازده امام وارد شده و در آن ها، به روشنی، به نام ایشان _ از جمله امام حسن بن علی عسکری علیهما السلام _ اشاره شده است. اضافه بر آنکه در روایات نقل شده از پدر بزرگوارش، به امامت آن حضرت تصریح شده است.

جابر بن عبدالله انصاری، با اشاره به لوحی که در دستان مبارک حضرت زهرا علیها السلام مشاهده کرده بود، به امامت و نام امام عسکری علیه السلام تصریح کرده است. (۱)

مشهور بین شیعه آن است که امام عسکری علیه السلام فرزندی جز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از خود به یادگار نگذاشت. (۲) آن حضرت، با همه فشارها و پی جویی های پیوسته حکومت عباسی، یک سلسله فعالیت های سیاسی، اجتماعی و علمی، در راستای حفظ اسلام و مبارزه با افکار ضد اسلامی انجام می داد. گوشه ای از این فعالیت ها _ که پیوند بیشتری با موضوع مهدویت دارد، به شرح زیر است:

۱. کوشش علمی در دفاع از اسلام و ردّ شبهات

امام عسکری علیه السلام به دلیل شرایط نامساعد و تنگناهای شدید حکومت عباسی، در گسترش دانش بی کران خود در همه جامعه پیروزی چندانی به دست نیاورد؛ اما شاگردانی تربیت کرد که هر کدام در گسترش معارف اسلام و رفع شبهات دشمنان، نقش مؤثر و ارزنده ای داشتند.

شیخ طوسی، شمار شاگردان آن حضرت را افزون بر یک صد نفر ثبت کرده است. (۳) میان آنان چهره ها و شخصیت های برجسته و وارسته ای مانند احمد بن اسحاق اشعری قمی، ابو هاشم داود بن قاسم جعفری، ابو عمرو عثمان بن سعید عمری، علی بن جعفر و محمد بن حسن صفّار بیه چشم می خورند.

ص: ۷۱

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۸، ح ۱.

۲- شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۴۶.

۳- شیخ طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۲۷ به بعد.

در پستی تـ لاش‌های فراوان امـ امان پیشین علیهم السلام، در زمان امام عسکری علیه السلام تشیع در مناطق و شهرهای مختلف، گسترده شده و شیعیان در گستره وسیعی زندگی می‌کردند. گستردگی و پراکندگی مراکز شیعی، وجود سازمان ارتباطی منظمی را ایجاب می‌کرد، تا پیوند شیعیان را با حوزه امامت و نیز ارتباط آنان را با هم دیگر برقرار سازد و از این رهگذر، آنان را از نظر دینی و سیاسی، رهبری و سازماندهی کند.

این نیاز، از زمان امام نهم علیه السلام احساس می‌شد و چنان که در روش آن حضـرت و امام دهم علیه السلام آمده، شبکه ارتبـاطی و کـالت و نصب نمایندگان در مناطق گوناگون، از آن زمان وجود داشته است. این برنامه، زمان امام عسکری علیه السلام نیز پی‌گیری شد. بنا بر یافته‌ها و شواهد تاریخی، آن حضرت نمـ ایندگـانی از میـان شخصیت هـای بـرجسته شیعه، در مناطق فراوان نصب کـرده و بـا آنان در ارتباط بود و از این راه، شیعیان را در همه مناطق زیر نگاه داشت.

یکی از نمـایندهگان امـام «احمد بن اسحاق بن عبدالله قمی اشعری»، از یاران ویژه امام و از شخصیت‌های بزرگ شیعی در قم بود. برخی از دانشمندان علم رجال، از او به عنوان رابط بین قمی‌ها و امام و از جمله اصحاب خاص آن حضرت یاد کرده اند. (۱) اما دانشمندان دیگر، او را وکیـل و نمـاینده امام دانسته اند. (۲)

در رأس وکیل‌های امام، «محمد بن عثمان عَمَری» قرار داشت و وکیل‌های دیگر، به وسیله او با امام در ارتباط بودند. آنان نوعاً اموال و وجوهات جمع‌آوری شده را به وی تحویل می‌دادند و او آن‌ها را به امام علیه السلام می‌رساند.

افزون بر شبکه ارتباطی وکالت، امام از طریق فرستادن پیک، با شیعیان و پیروان خود ارتباط برقرار می‌ساخت و مشکلات آنان را برطرف می‌کرد. امام، گذشته از پیک‌ها، از طریق نامه‌نگاری نیز با شیعیان ارتباط داشت و آنان را در موقعیت‌های حساس راهنمایی می‌کرد. نامه‌ای که امام به «ابن بابویه» نوشته، نمونه‌ای از این نامه‌ها است. امام دو نامه نیز به شیعیان قم و آبه (آوه) نوشته که

ص: ۷۲

۱- نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۶؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۲۳.

۲- محمد جواد طبسی، حیاة الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۳۳.

متن آن‌ها در کتاب‌ها گردآمده است. (۱)

بر اساس روایتی، امام عسکری علیه السلام بامداد روز هشتم ربیع الأول سال ۲۶۰ ق اندکی پیش از رحلت، نامه‌های فراوانی به مردم مداین نوشت.

۳. فعالیت‌های سیاسی سرّی

امام عسکری علیه السلام با وجود همه محـدودیت‌ها و کنترل‌های دستگـاه خـلافـت، یک زنجیـره فعـالیت... های سیاسی سرّی را رهبری می کرد که با گزینش شیوه‌های پنهان کاری، از چشم جاسوسان دربار، به دور می ماند.

برای نمونه، عثمان بن سعید عمری _ از نزدیک ترین و صمیمی ترین یاران امام علیه السلام _ در پوشش روغن فـروشی فعالیت می کرد. شیعیان و پیروان آن حضرت، اموال و وجوه خود را به او می رساندند و او آن‌ها را در ظرف های روغن قرار داده، به حضور امام علیه السلام می‌رساند. (۲)

۴. پشتیبانی مالی از شیعیان

یکی دیگر از موضع گیری‌های امام عسکری علیه السلام، حمایت مالی از شیعیان _ به ویژه از یاران خـاص و نزدیک آن حضرت _ بود. این کار سبب شد آنان زیر فشار مالی، جذب دستگاه حکومت عباسی نشوند. (۳)

۵. آگاهی بخشی سیاسی به چهره‌های برجسته شیعه

از دیگر فعالیت‌های سیاسی امام عسکری علیه السلام، تقویت و توجیه سیاسی رجال مهم شیعه، برابر فشارها و سختی‌های مـبـازات سـیاسی، بـرای حمایت از آرمان‌های بلند تشیع بود. از آن جا که شخصیت‌های بزرگ شیعه در فشار بیشتری بودند، امام به تناسب مورد، آنان را راهنمایی می کرد و روحیه آنان را بالا می برد. همچنین می کوشید صبر و آگاهی آنان در برابر فشارها، تنگناها و تنگدستی‌ها فزونی یابد، تا بتوانند مسؤولیت بزرگ اجتماعی و سیاسی و وظایف دینی خود را به خوبی انجام دهند.

ص: ۷۳

۱- حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، ص ۴۸۶.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۱۴.

۳- شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۴۳؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۳۹؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۴۲؛ سید محسن امین، اعیان الشیعه، ص ۴۰؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۳۷۲؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۸.

امامان معصوم علیهم السلام، در پرتو ارتباط با پروردگار جهان، از دانش غیبی برخوردار بودند و در مواردی که اساس حقانیت اسلام یا مصالح بلندمرتبه امت اسلامی، در خطر قرار می گرفت، از این آگاهی به صورت «بزار هدایت» استفاده می کردند. پیش گویی ها و گزارش های غیبی آنان، بخش مهمی از زندگی ایشان را در بر می گیرد؛ با مطالعه در زندگی امام عسکری علیه السلام، چنین به نظر می رسد که آن حضرت، بیش از امامان دیگر، دانش غیبی خود را آشکار می ساخته است. (۱)

پس از انتقال امام هادی علیه السلام به سامرا، آن حضرت تحت مراقبت و کنترل شدیدی بود؛ از ایـن رو امکان معرفی فرزندش «امام حسن علیه السلام» به عموم شیعیان، در جایگاه امام بعدی وجود نداشت. به طور اصولی این کار، زندگی او را از ناحیه حکومت وقت، در معرض خطر جدی قرار می داد. به همین سبب کار معرفی امام عسکری علیه السلام به شیعیان و گـواهِ گرفتن آنان در ایـن باب، در ماه هـ ای پایـانی عمر امـام هادی علیه السلام صورت گرفت؛ به گونـه ای که هنگام رحلت آن حضرت، گروهی از شیعیان از امـامت امـام عسکری علیه السلام، آنگـاهی نداشتند. (۲) امام عسکری علیه السلام برای زدودن زنگار شک ها و تردیدها و نیز برای حفظ یاران خود از خطر یا هدایت گمراهان، ناگزیر می شد پرده های حجاب را کنار زده، از آن سوی جهان ظاهر خبر دهد.

۷. معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان جانشین

یکی از مسؤولیت هـ ای بزرگ امـام عسکری علیه السلام، معرفی حضرت مهدی علیه السلام به جانشینی خود بود. این امـر، زمانی سخت تر می شد که آن حضرت می بایست بنا به دلایلی، فرزند خود را در پرده «پنهان زیستی» نگه دارد، تا از گزند بدخواهان در امان بماند. با این حـال در مـوارد فـراوانی، بـه معرفی جانشین خود به افراد مورد اطمینان پرداخته است.

تعابیری که امام یازدهم برای معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار برده، بدین قرار است:

ص: ۷۴

۱- محمد جواد طبسی، حیاة الامام العسکری علیه السلام، ص ۱۲۱.

۲- مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۳۴.

— «هذا صاحبكم بعدی ...؛(۱) این، بعد از من صاحب شما است...».

— «ان ابنی هو القائم من بعدی ...؛(۲) همانا فرزندم، قائم بعد از من است...».

— «هذا امامکم من بعدی و خلیفتی علیکم...؛(۳) این پیشوای شما پس از من و جانشین من بر شما است...».

— «ابنی محمد هو الامام الحجه بعدی ...؛(۴) فرزندم محمد، همان امام و حجت پس از من است...».

و مواردی از این دست که در کتاب ها بدان اشاره شده است.

۸. آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف

از آن جا که پنهان شدن پیشوا و رهبر هر جمعیت، یک حادثه غیر طبیعی و نامأنوس است و باور کردن آن و نیز تحمل مشکلات ناشی از آن، برای مردم دشوار است، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان پیشین علیهم السلام، به تدریج مردم را با این موضوع آشنا ساخته، افکار را برای پذیرش آن آماده می کردند.

این تلاش، در عصر امام هادی و عسکری علیهما السلام، به صورت جدی تری به چشم می خورد؛ چنان که امام هادی علیه السلام بعضی از کارها را به وسیله نمایندگان انجام می داد و خود کمتر با افراد تماس می گرفت. این امر در زمان امام عسکری علیه السلام، جلوه بیشتری یافت؛ زیرا با وجود تأکید بر تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، او را فقط به شیعیان خاص و بسیار نزدیک نشان می داد. از سوی دیگر، تماس مستقیم شیعیان با خود آن حضرت نیز روز به روز محدودتر و کمتر می شد؛ به گونه ای که حتی در شهر سامرا از طریق نامه یا به وسیله نم-ایندگ-ان خوی-ش، ب-ه مردم پاسخ می داد. بدین ترتیب، آنان را برای پذیرش اوضاع و شرایط عصر غیبت و ارتباط غیر مستقیم با امام آماده می ساخت. این همان روشی است که امام دوازدهم علیه السلام در زمان غیبت صغرا در

ص: ۷۵

۱- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۸.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۴، ح ۴.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵، ح ۲.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۹.

پیش گرفت و به تدریج شیعیان را برای دوران غیبت کبرا آماده ساخت. (۱)

حوادث ناگوار پس از شهادت امام عسکری علیه السلام:

سوگمندان پس از امام عسکری علیه السلام، پدیده های ناگواری رخ داد که برخی بدین قرار است:

۱. بازجویی حاکمان ستمگر از خانه آن حضرت، برای دستیابی به حضرت مهدی علیه السلام؛ (۲)

۲. برخورد جعفر کذاب با مادر امام عسکری علیه السلام بر سر میراث؛

۳. ترور، حبس، تهدید و اذیت و آزار شیعیان؛

شیخ مفید، تهدیدات بر ضد شیعه پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، را یکی از تلخ ترین فرازهای تاریخ تشیع یاد کرده است. (۳)

۴. اختلاف و چند دستگی بین شیعیان.

یکی از حادثه های کمرشکن پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، تفرقه ای بود که در میان برخی از شیعیان پدید آمد و آن ها را از یکپارچگی خارج کرد. البته این تفرق پیش از آن، از سوی امام عسکری علیه السلام پیش بینی شده بود. ابوغانم می گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: «در سال ۲۶۰ پیروانم فرقه فرقه می شوند.»

آن گاه در ادامه ابوغانم می گوید:

در آن سال امام عسکری علیه السلام رحلت فرمود و پیروان و یارانش متفرق شدند. دسته ای خود را منتسب به جعفر _ پسر امام دهم _ کردند، گروهی سرگردان شدند، عده ای به شک افتادند، دست _ ه ای در ح _ الت سرگردانی ایستادند و جمعی دیگر به توفیق خدای سبحانه و تعالی بر دین خود ثابت ماندند. (۴)

نیز ن.ک: پدر مهدی و اهل سنت، ولادت مهدی علیه السلام .

امام زمان < صاحب الزمان

ص: ۷۶

۱- با استفاده از: مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان علیهم السلام، ص ۶۱۵ _ ۶۶۲.

۲- ر. ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۵؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۳.

٣- شيخ مفيد، الارشاد، ص ٣٢٥؛ محمد باقر مجلسي، بحار الانوار، ج ٥٠، ص ٣٣٤.

٤- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٤٠٨، ح ٦.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف < از ولادت تا ظهور

کتابی در باره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور

این کتاب، ترجمه کتاب الامام المهدی من المهد الی الظهور اثر سید محمد کاظم قزوینی (۱) است که به قلم حسین فریدونی انجام شده است.

کتاب، در بردارنده گزارشی مستند درباره زندگی، ویژگی ها، فضیلت ها و راه و رسم حضرت و بررسی نشانه ها و چگونگی حوادث عصر ظهور است که با استناد به آیات قرآن و روایات معصومان علیهم السلام و نیز آثار دانشمندان بزرگ در این زمینه، نگاشته شده است.

نویسنده، موضوعاتی را درباره شخصیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مورد بحث قرار داده که عبارت است از: شناخت امام مهدی علیه السلام، نام و نسب آن حضرت، قرآن و نوید از آن حضرت، نویدها در سخنان یامبر صلی الله علیه و آله و سلم، نوید از آن حضرت در روایات امامان علیهم السلام، آیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان را به نور وجودش روشن ساخته است؟ چگونه از دیدگان نهان گشت؟ غیبت کوتاه آن حضرت، سفیـران چه ارگانه یا چهار نایب خاص، چه کسـانی در دوران غیبت صغرا به دیـدارش مفتخر شده اند؟ غیبت کبرای او، چه کسانی در غیبت کبرا به دیدارش نایل شده اند؟ چگونه تا کنون زیسته است؟ چه زمانی ظهور خواهد کرد؟ ویژگی های

ص: ۷۷

۱- وی در روز ۱۲ شوال سال ۱۳۴۸ق در شهر مقدس کربلا- دیده به جهان گشود. تحصیلات سطح و خارج را نزد اساتید معروف، از جمله آیت الله سید هادی میلانی، آیت الله سید محمد حسین قزوینی، آیت الله شیخ جعفر رشتی و شیخ محمد خطیب و ... فرا گرفت. او خطیبی توانا و زبردست بود. آثار فراوانی از وی نشر یافته است که مهم ترین آن ها موسوعه امام صادق علیه السلام است که تا کنون هفده جلد آن منتشر شده است. سرانجام وی پس از عمری تلاش، کوشش و فداکاری در ابعاد گوناگون علمی، دینی و اجتماعی، در سیزدهم جمادی الثانی سال ۱۴۱۵ق جهان را بدرود گفت (ر.ک: جمعی از نویسندگان، مشعل جاوید، ص ۵۸۹).

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نشانه‌های او، نشانه‌های ظهور آن حضرت، مدعیان دروغین، چگونه و از کجا ظهور می‌کنند؟ پـس از ظهور چگـونه حکومت خواهد کرد؟ چگونه دولت‌ها و قدرت‌ها برابر او سرفـرود خـواهند آورد؟ زندگی جامعه در عصر طلایی او، مدت حکومت عادلانه او، چگونه روزگارش به پایان می‌رسد و...

کتاب، شامل، چندین فهرست است که کار را برای خوانندگان آسان کرده است.

امامیه

باورمندان به پیشوایی معصومان علیهم السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

امامیه، نام عمومی فرقه‌هایی است که به امامت علی بن ابیطالب علیه السلام و فرزندان او علیهم السلام معتقدند. (۱) از دیدگاه آنان، جهان، نمی‌تواند از امام تهی باشد. آنان، چشم به راه خروج واپسین امام هستند که در آخرالزمان ظهور می‌کند و جهان را پس از آن که پر از ستم و بیداد شده است، سرشار از عدل و داد می‌فرماید.

نیز ن.ک: امامت حضرت مهدی علیه السلام، اثنا عشری.

امدادهای غیبی

کمک‌های غیرعادی خداوند، اثرگذار در پیروزی حضرت مهدی علیه السلام در قیام جهانی

امداد غیبی تعبیری مرکب از دو واژه «امداد» و «غیب» است. ریشه «امداد» کلمه «م د د» است که معنای انبساط و امتداد دارد. «مَدَّت» نیز که برای زمان مستمر به کار می‌رود از همین باب است. «امداد» یاری کردن دیگری است، و بیشتر، در موارد دوست‌داشتنی به کار می‌رود، بر خلاف «مَدَّ» که در موارد ناپسند استعمال می‌شود. امداد، به چیزهای مادی منحصر نیست و در معنویات هم به کار می‌رود.

«غیب» چیزی است که از انسان پوشیده و مخفی است؛ گرچه به معنای شک نیز به کار رفته است، زیرا شک، به طور معمول در امر مخفی پدید می‌آید. برخی واژه پژوهان، آن را به معنای پوشیده از چشم گرفته‌اند.

امداده ___ ای غ ___ ی ___ ب ___ ی، ب ___ ه معن ___ ای مددهایی است که از غیب سرچشمه

ص: ۷۸

می گیرد؛ هر چند با عنایت به معنای لغوی واژه مزبور می توان جهان و نظم، حیات و نشاط و همه نعمت های موجود در آن را مدد گرفته از عالم غیب و از مصادیق امدادهای غیبی دانست؛ چنان که قرآن، اموال و فرزندان را از امدادهای خداوند دانسته است؛ (۱) ولی این ترکیب در اصطلاح به معنای مددهای غیبی ویژه در زندگی بشر است.

با توجه به این که کمک های ویژه پروردگار با وجود غیر عادی بودن، به اسباب طبیعی مستند است و از

ص: ۷۹

۱- اسراء (۱۷): ۶.

سوی دیگر معجزات و کرامات نیز مستند به سبب های طبیعی غیر عادی است، به نظر می رسد مهم ترین ویژگی جداکننده معجزات پیغمبران و کرامات اولیا، از امدادهای غیبی این است که با وجود آن که هر دو به اذن خدا و وساطت نیروهای غیبی و اسباب طبیعی غیر عادی انجام می گیرد؛ ولی در معجزه و کرامت، خود شخص نقش اصلی دارد؛ اما در امداد غیبی شخص چنین نقشی ندارد و در حالی که امیدش از همه جا قطع شده است، مدد الهی از او دستگیری می کند. (۱)

اگر چه اس-اس قی-ام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر ام-ور طبیعی است، به اقتضای عظمت و گستردگی آن قیام جهانی، خداوند سبحانه و تعالی برخی از نیروهای پنهان و فوق طبیعی را در اختیار آن حضرت قرار خواهد داد، تا موجبات پیروزی ایشان، هر چه بهتر فراهم آید. نمونه هایی از امدادهای غیبی چنین است:

۱. یاری الهی

یاری الهی، یکی از نمونه های بارز جانبداری خداوند سبحانه و تعالی از اهل ایمان و جریان حق است. قرآن در این باره می فرماید:

((وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ))؛ (۲)

و به طور قطع، خداوند سبحانه و تعالی به کسی که [دین] او را یاری می کند، یاری می دهد؛ چرا که خدا سخت نیرومند شکست ناپذیر است.

این یاری، نه فقط پیامبران الهی را در بر می گیرد که در روایات فراوانی آن را یکی از عوامل پیروزی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «... قائم اهل بیت من، به یاری الهی تأیید می شود. (۳)

۲. فرشتگان

از دیگر نیروهای غیبی خداوند سبحانه و تعالی که به یاری مؤمنان آمده و می آید، فرشتگان الهی هستند. خداوند سبحانه و تعالی در قرآن مجید، در مواردی چند یاری فرشتگان را بر شمرده است.

ص: ۸۰

۱- جمعی از پژوهشگران، دائره المعارف قرآن کریم، ج ۴، ص ۳۰۰.

۲- حج (۲۲): ۴۰.

۳- «قَائِمُ أَهْلِ بَيْتِي ... يُؤَيِّدُ بِنَصْرِ اللَّهِ ...»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۲.

((قَالَ فَمَا حَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ مُّسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ))؛(۱)

... پس مأموریت شما چیست ای فرستادگان؟ گفتند: ما به سوی قوم مجریمی فرستاده شدیم تا بارانی از سنگ _ گل بر آن ها بفرستیم؛ سنگ هایی که از ناحیه پروردگارت برای اسرافکاران نشان شده است.

۲-۲. فرشتگان جنگ بدر

((إِذِ تَسْتَعْيُنُونَ رَبَّكُمْ فَأَسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِنْ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ))؛(۲)

[به خاطر بیاورید] زمانی را [که از ش__دت ن__اراحتی در می__دان ب__در] از پروردگارتان تقاضای کمک می کردید و او تقاضای شما را پذیرفت [او گفت] من شما را به یک هزار از فرشتگان که پشت سر هم فرود می آیند یاری می کنم.

۲-۳. فرشتگان در جنگ احزاب

((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا))؛(۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را بر خودتان به یاد آورید؛ در آن هنگام که لشکرهای [عظیمی] به سراغ شما آمدند؛ ولی ما باد و طوفان سختی بر آن ها فرستادیم و لشکریانی که آن ها را نمی دیدید [و به این وسیله آن ها را در هم شکستیم]. و خداوند سبحانه و تعالی به آنچه انجام می دهید، بینا است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی، پس از آن که یاری خداوندی را از جمله امدادهای غیبی مربوط به قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر فرموده، چنین می گوید: ... و به وسیله فرشتگان خداوند سبحانه و تعالی یاری می شود....(۴)

از روایات استفاده می شود فرشتگانی که به یاری حضرت مهدی علیه السلام می شتابند، سه گروه هستند: فرشتگان مقرب،

ص: ۸۱

۱- ذاریات (۵۱): ۳۱ _ ۳۴.

۲- انفال (۸): ۹.

۳- احزاب (۳۳): ۹.

۴- «... وَ يُنْصِرُ بِمَلَائِكَةِ اللَّهِ...»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۲.

فرشتگان حاضر در جنگ بدر،^(۱) فرشتگان حاضر در قیام امام حسین علیه السلام^(۲).

۳. افکندن ترس در دل دشمنان

خدای جهان آفرین، در قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ترس و دلهره را بر قلب کافران و مشرکان و ستمگران حق ستیز خواهد افکند و آنان قدرت تصمیم گیری و دشمنی را از دست خواهند داد. البته این القای ترس، پیش تر نیز در زمان پیامبران وجود داشته است. قرآن شریف در آیات فراوانی به آن اشاره کرده است؛ از جمله می فرماید:

((سَلِّقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ...))؛^(۳)

ما در دل های کسانی که کفر ورزیدند بیم و هراس خواهیم افکند.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

قائم ما منصور به رعب (یاری شده با القای ترس در دل دشمنان او) است.^(۴)

۴. نیروهای طبیعت

بخشی از امدادهای غیبی الهی، تسخیر نیروها و امکانات طبیعی است که خداوند سبحانه و تعالی پیامبران خود را به آن ها مجهز کرده است؛ همانند: بادهای، طوفان ها، ابرها و ... که در قرآن از آن ها یاد شده است.^(۵)

در روایات فراوانی، عوامل طبیعی از جمله امدادهای غیبی برای واپسین حجّت الهی ذکر شده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث معراج به نقل از خداوند سبحانه و تعالی چنین فرموده است:

... و باد را مسخّر او می کنم و گردنکشان سخت را رام او می سازم....^(۶)

بنابراین، به روشنی می توان گفت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف افزون بر بهره مندی از یاران و اصحاب خود، به دلیل عظمت قیام جهانی خود به اذن و اراده الهی، از

ص: ۸۲

۱- «يَا ثَابِتُ كَأَنِّي بِقَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي قَدْ أَشْرَفَ عَلَيَّ نَجْفِكُمْ هَذَا وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى نَاحِيَةِ الْكُوفَةِ فَإِذَا هُوَ أَشْرَفَ عَلَيَّ نَجْفِكُمْ نَشَرَ رَأْيَهُ رَسُولِ اللَّهِ فَإِذَا هُوَ نَشَرَهَا أَنْحَطَّتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ بَدْرٍ...»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۷، ص ۳۰۷، ح ۲.

۲- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۵۸.

۳- آل عمران (۳): ۱۵۱.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

٥- انبيا (٢١): ٨١؛ احزاب (٣٣): ٩.

٦- «... وَلَاسْخُرَنَّ لَهُ الرِّيحُ وَلَا يُذَلَّلَنَّ لَهُ الرِّقَابُ الصَّعَابُ ...»، كمال الدين و تمام النعمه، ج ١، ص ٢٥٤، باب ٢٣، ح ٤.

امدادهای غیبی نیز استفاده خواهد کرد.

نیز ن.ک: ظهور، قیام، جبرئیل، یاران حضرت مهدی علیه السلام.

امکان رجعت < رجعت

امنیت < حکومت جهانی

انتظار فرج

امید به گشایش عمومی

انتظار، در لغت به معنای چشم داشتن، چشمداشت و چشم به راه بودن (۱) است. این واژه که از ریشه (نظر) گرفته شده در معنا مشابه اصل خود است و آن عبارت است از تأمل یک چیز و چشم داشتن به آن. این که گفته می شود: "نظرته"، یعنی "انتظرته"، مثل این است که به زمانی می نگرد که شیء مورد انتظارش در آن زمان می آید.

انتظار در اصطلاح «مهدویت»، به معنای چشم به راه بودن ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر گیتی است. برخی بزرگان، با بهره مندی از سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام انتظار را این گونه معنا کرده اند:

کیفیتی روحی است که باعث به وجود آمدن حالت آمادگی (انسان ها) برای آنچه انتظار دارند، می شود و ضد آن یأس و ناامیدی است. هر چه انتظار بیشتر و هر چه شعله آن، فروزان تر و پر فروغ تر باشد، تحرک و پویایی او و در نتیجه آمادگی نیز بیشتر خواهد بود. (۲)

مؤلفه های انتظار

دست کم سه مؤلفه را می توان بنیان های اساسی انتظار، به شمار آورد:

الف. قانع نبودن به وضع موجود؛

بدون تردید وضع موجود در عصر غیبت، دارای کاستی هایی است که هر انسان کمال طلب را ناراضی خواهد کرد. این کاستی ها به طور عمده از عدم حضور ظاهری امام ناشی شده است.

در باور شیعه است که آخرین

- ١- ر.ك: دهخدا، على اكبر، لغتنامه، كلمه انتظار؛ محمد معين، فرهنگ فارسي، ص ١٢٦.
- ٢- ر.ك: محمد تقى موسى اصفهاني، مكيال المكارم، ترجمه مهدي حائري قزويني، ج ٢، ص ٢٣٥.

پیشوای معصوم علیه السلام به دلایلی که برخی از آن‌ها بر ما پوشیده است، غایب شده است. (۱) این پنهان بودن، باعث شده است جامعه بشری از فواید ظاهری آن امام معصوم بی بهره

ص: ۸۴

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۹؛ ابن ابی زینب نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۶، ح ۶.

باشد. یک منتظر راستین، کسی است که نه فقط به سبب محروم بودن خود از حضور ظاهری امام وضع موجود را بر نمی تابد که محروم بودن جامعه بشری از نعمت حضور ظاهری امام نیز او را آزار می دهد. او بر خود لازم می داند همه عواملی را که باعث غیبت آن حضرت شده است، به اندازه توان خود برطرف کند.

ب. امید دستیابی به وضع مطلوب

یکی از نعمت های بزرگ خداوند در نهاد انسان، کمال طلبی او است، به گونه ای که همه فعالیت های خود را در سمت آن، سوق می دهد.

ج. حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرار گرفتن در وضع مطلوب

شکی نیست غیبت آخرین پیشوای معصوم، سبب می شود برخی راه های کمال بر انسان و جامعه بسته شود. در انتظار، امید به دستیابی وضع بهتر، مؤلفه ای اساسی است که انسان را از رکود و خمودگی برحذر داشته، او را به تلاش در راه رسیدن به وضع مطلوب و می دارد. در این صورت، اگر به دلایلی به وضع مطلوب هم نرسید، به دلیل اهتمام و سعی او، خداوند سبحانه و تعالی پاداش کسانی را آن مرحله را درک می کنند به او خواهد داد.

این امیدواری، ناگزیر مراحل را در بر خواهد داشت که برخی بدین قرارند:

۱. آگاهی به عدم حضور ظاهری امام

گاهی انسان در زندگی کمبودی دارد؛ اما به سبب آن که به آن کمبود آگاهی ندارد، هرگز در پی رفع آن کمبود هم نمی رود و هرگز برای جبران آن از خود تلاشی نشان نمی دهد؛ پس در نخستین مرحله انتظار، می بایست آگاه شد که حجت الهی در پرده غیبت است.

۲. احساس نیاز به امام حاضر

ممکن است در عصر پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی به غیبت آن حضرت آگاهی هم داشته باشد؛ اما هرگز به این دیدگاه نرسیده که جامعه بشری نیازمند چنین رهبری الهی است. به بیان دیگر، مؤلفه پیشین وجود دارد؛ اما فرد هرگز به آن حجت الهی احساس نیاز پیدا نکرده است. او بر این باور است که مردم چه نیازی به امام معصوم دارند؛ در حالی که زندگی خود را سپری می کنند. چنین کسی هرگز نمی تواند انتظار ظهور حضرتش را درون خود پدید آورد.

شکی نیست کسانی که به ظهور امام غایب یقین ندارند، در انتظار نیز نخواهند بود؛ بلکه انتظار برای آن ها بی معنا خواهد بود.

هر قدر آگاهی و یقین شخص به ظهور امام علیه السلام بیشتر و عمیق تر باشد، انتظارش به آن، بیشتر است. اگر شک و تردیدی در اصل وقوع آن داشته باشد یا اعتقادش به آن سست و ضعیف باشد، انتظارش هم به همان اندازه سست خواهد بود.

پیشوایان معصوم علیهم السلام با در نظر گرفتن این نکته اساسی، همواره در سخنان نورانی خود، باور قطعی به ظهور آخرین حجت الهی را تقویت کرده، ایشان را از هر گونه ناامیدی، پرهیز می دادند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

قیامت بر پا نمی شود، تا این که قیام کننده ای به حق از خاندان ما قیام کند و این، هنگامی است که خداوند به او اجازه فرماید. هر کس از او پیروی کند، نجات می یابد و هر کس از او سرپیچد، هلاک خواهد شد. (۱)

۴. دوست داشتن ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

کسی که به ظهور امام زمان علیه السلام معتقد است و وقوع آن را هم نزدیک می بیند، هر قدر ظهور موعود را بیشتر دوست بدارد، انتظارش برای آن بیشتر خواهد بود و اگر آن را خوش نداشته باشد، انتظارش ضعیف و سست می شود. این دوست داشتن فقط زمانی به وجود می آید که مؤمنان، تصویر روشنی از زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشند، تا این که نه فقط از آن نهراسند، بلکه برای وقوعش لحظه شماری کنند.

متأسفانه تصویرسازی دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همواره از افراط ها و تفریط ها در امان نبوده است. گاهی دوران حکومت آن حضرت را سخت ترین و تلخ ترین دوران یاد می کنند و گاهی آن دوران را دوران رفاه و آسایش مطلق و تن پروری معرفی می نمایند که بدون تردید، هر

ص: ۸۶

۱- «لَمَّا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ الْحَقُّ مِنَّا وَ ذَلِكَ حِينَ يَأْذَنُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ وَ مَنْ تَبِعَهُ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ اللَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَاتُوهُ وَ لَوْ عَلَى الثَّلْجِ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ خَلِيفَتِي»، شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹. ر.ک: اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۵۹.

دو تصویر، زیان های خود را در باورهای جامعه گذاشته است.

۵. نزدیک دانستن ظهور

اگر چه انتظار با مؤلفه های یاد شده تحقق می یابد، نزدیک دانستن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می تواند بر شدت انتظار افزوده، آمادگی فرد را افزایش دهد. نزدیک دانستن ظهور باعث می شود توجه به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیش از پیش افزایش پیدا کند، مشکلات دیگر، تحت الشعاع قرار گرفته، تمام رفتار در راستای خشنودی آن حضرت انجام شود.

فضیلت انتظار فرج

روایاتی که سخن از انتظار گفته اند، به دو دسته کلی تقسیم می شود:

۱. انتظار فرج به معنای عام

در این معنا، آموزه های دینی بر آن است تا افزون بر بیان فضیلت «گشایش عمومی» و امید به آینده، و سوق انسان ها به این عرصه، نومیادی را نیز نکوهش کرده، از ورود جوامع بشری به آن جلوگیری کند.

اهتمام آموزه های اسلامی در بیان معنای عام انتظار و امید، تا بدان حد بوده که از آن، با بلندترین عنوان ها یاد نموده، ارزش های شگفت آور برای آن ذکر کرده است.

برخی عبادت ها بر برخی دیگر برتری دارد؛ از این رو انجام آن، افزون بر آن که در کانون تأکید آموزه های دینی است، از پاداش افزون تری نیز برخوردار است و نقش آن، در سازندگی انسان بیشتر است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پس از آن که انتظار فرج را در زمره عبادت های خداوند سبحانه و تعالی دانسته است، آن را یکی از برترین عبادت ها برشمرده، فرمود:

برترین عبادت انتظار فرج است. (۱)

درباره اهمیت انتظار فرج - افزون بر آنچه اشاره شد - به روایاتی بر می خوریم که بسی شگفتی آور است و آن، این که انتظار را نه فقط «جهاد» که «برترین جهاد» دانسته است. از این نوع روایات نیز به خوبی استفاده می شود انتظار، از نوع عمل است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

ببرترین جهاد امت من انتظار گشایش است. (۲)

- ١- «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»، شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ١، ص ٢٨٧؛ ر.ك: ترمذى، سنن، ج ٥، ص ٥٦٥.
- ٢- «أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»، حسن بن على حرانى، تحف العقول، ص ٣٧.

۲. انتظار فرج به معنای خاص

در این معنا، انتظار به معنای چشم به راه بودن آینده ای بـا تمـام ویژگی های یک جامعه مورد رضایت خداوند سبحانه و تعالی است که یگانه مصداق آن دوران حاکمیت آخرین ذخیره الهی وجود مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امام باقر علیه السلام آن گاه که دین مورد رضایت خداوند سبحانه و تعالی را تعریف کرد، پس از شمردن اموری فرمود:

...و تسلیم به امر ما و پرهیزکاری و فروتنی و انتظار قائم ما... (۱)

از روایات انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست می آید انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه فقط راه رسیدن به جامعه موعود است؛ بلکه خود نیز موضوعیت دارد؛ بدان معنا که اگر کسی در انتظار راستین به سر برد، تفاوتی ندارد که به مورد انتظار خویش دست یابد یا دست نیابد.

در این باره شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: «چه می فرمایید در باره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حکومت حق را می کشد و در این حال از دنیا می رود؟»

حضرت علیه السلام در پاسخ فرمود: «او، همانند کسی است که با حضرت قائم در خیمه او باشد.» سپس کمی سکوت کرد و فرمود: «مانند کسی است که با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مبارزاتش همراه بوده است.» (۲)

انواع انتظار

انتظار، دو گونه تفسیر شده است:

۱. انتظار درست و سازنده

همان انتظار راستینی است که در روایات، آن را با فضیلت ترین عبادت و برترین جهاد امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانسته اند که تحرک بخش و تعهدآور است.

یکی از اندیشوران معاصر در گفتاری کوتاه و جامع، انتظار را این گونه تفسیر کرده است:

معنای انتظار ظهور مصلح حقیقی و نجات بخش الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این نیست که مسلمانان در وظایف دینی خود دست روی دست گذاشته و در

ص: ۸۸

٢- احمد بن محمد بن خالد برقى، ال محاسن، ج ١، ص ١٧٣؛ محمد باقر مجلسى، بحار الانوار، ج ٥٢، ص ١٢٥.

آنچه بر آن‌ها واجب است، مانند یاری حق، زنده کردن قوانین و دستورهای دینی، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر فروگذاری کنند و به این امید که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاید و کارها را درست کند، از آن‌ها دست بردارند. هر مسلمان، موظف است خود را به انجام دستورهای اسلام مکلف بداند؛ برای شناسایی دین از راه صحیح، از هیچ کوششی فروگذاری نکند و به توانایی خود از امر به معروف و نهی از منکر دست نکشد؛ همچنان که پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «همه شما رهبر یکدیگر و در راه اصلاح هم مسئول هستید.» (۱)

بر این اساس، یک مسلمان نمی‌تواند به دلیل انتظار به ظهور مهدی مصلح، از وظایف مسلم و قطعی خود دست بکشد یا کوتاه بیاید؛ چه، انتظار به ظهور، نه اسقاط تکلیف می‌کند و نه مجوز تأخیر انداختن عمل را می‌دهد. سستی در وظایف دین و بی‌تفاوتی به آن به هیچ وجه جایز نیست. (۲)

۲. انتظار نادرست و ویرانگر

انتظار ویرانگر، فلج‌کننده و بازدارنده که در واقع نوعی اباحی‌گری است، همواره مورد مذمت و سرزنش بزرگان دین قرار گرفته است و این بزرگان پیروان مکتب اهل بیت را از آن پرهیز داده‌اند.

علامه مطهری در این باره می‌نویسد:

برداشت قشری از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد؛ فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم‌ها، تبعیض‌ها، اختناق‌ها، حق‌کشی‌ها و تباہی‌ها ناشی می‌شود؛ نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است. آن‌گاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل، یکه‌تاز میدان گردد و جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست‌غیب برای نجات حقیقت _ نه اهل حقیقت؛ زیرا حقیقت، طرفداری ندارد _ از آستین بیرون می‌آید؛ بنابراین هر اصلاحی محکوم است؛ زیرا هر

ص: ۸۹

۱- «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۲۰؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۸؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۸.

۲- محمد رضا مظفر، عقاید الامامیه، ترجمه: علی رضا مسجدجامعی، ص ۱۱۸.

اصلاح یک نقطه روشن است؛ تا در صحنه اجتماع، نقطه روشنی هست، دست غیب ظاهر نمی شود. بر عکس، هر گناه و هر فساد، هر ستم و هر تبعیض و هر حق کشی و هر پلیدی ای به حکم این که مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کند رواست؛ زیرا (هدف ها وسیله های نامشروع را مشروع می کنند)؛ پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است ...

این نوع برداشت از ظهور و قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و این نوع انتظار فرج که به نوعی تعطیل در حدود و مقررات اسلامی منجر می شود و نوعی اباحی گری باید شمرده شود، به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی وفق نمی دهد. (۱)

بنیانگذار نظام اسلامی ایران، در بیاناتی ارزشمند پس از بیان برداشت های نادرست از انتظار، کسانی را که چنین تصوراتی دارند، به شدت سرزنش کرده است. (۲)

بنابراین، منتظر راستین، برای چنان برنامه مهمی، هرگز نمی تواند نقش تماشاگر را داشته باشد؛ بلکه باید از هم اکنون به طور حتم در صف یاران آن حضرت قرار گیرد؛ چرا که ایمان به نتایج و عاقبت این تحوّل بزرگ، هرگز به او اجازه نمی دهد در صف مخالفان باشد و قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج داشتن «اعمال پاک» و «روحی پاک تر» و برخورداری از «شهامت» و «آگاهی» کافی است.

آثار انتظار

در انتظار و امید به آینده ای روشن و رشد آفرین است که، بسیاری از نیازهای روحی و جسمی انسان ها پاسخ داده می شود. آدمی در پرتو انتظار و امید، رنج ها و گرفتاری ها را تحمل می کند و با کشتی امید و آرزو در دریای پرتلاطم و طوفان زای زندگی، به سلامت به سیر خود ادامه می دهد.

اگر کسی به راستی به همه شرایط انتظار، پای بند باشد و بایسته های آن را انجام دهد، آثاری تربیتی برای وی در پی خواهد داشت که برخی چنین است:

۱. گسترش امیدهای راستین

روشن است که انسان برای گذران

ص: ۹۰

۱- مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، ص ۵۴ (با تصرّف).

۲- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱ (۱۴ فروردین ۱۳۶۷ ش).

زندگی و پذیرش دشواری های آن، نیازمند انگیزه ای نیرومند است که در پدیده ای با نام «امید به آینده» تجلی می یابد؛ آینده ای که به مراتب، عالی تر، زیباتر و بهتر از امروز باشد. این مسأله _ به ویژه برای جوانان _ دارای اهمیت بیشتری است؛ زیرا آنان می توانند در پرتو امید به فردایی بهتر به نیروی فراوان خود، جهت و معنا بخشند.

۲. پویایی و نشاط

زندگی انسان، آن زمان قابل توجیه است که آثار حرکت، پویایی و شادابی در تمام زوایای آن به چشم خورد. آن گاه که انسان، به وضعیت موجود راضی نیست و در صدد ایجاد شرایطی بهتر است، همانا در انتظار به سر می برد.

این اثر ارزنده در جوامع شیعی به روشنی تمام دی_ده می شود؛ به گونه ای که آن را از دیگر جوامع به روشنی تم_ام، متمایز و برج_سته ساخته است.

۳. وحدت و هم گرایی

انتظار _ افزون بر آثار فردی _ دارای آثار اجتماعی فراوانی نیز است که از مهم ترین آن ها می توان به وحدت، انسجام و همدلی بین منتظران اشاره کرد. این همدلی، به سبب توجه به هدف مشترکی است که در مسأله انتظار به روشنی تمام در چشم انداز آن، قابل دیدن است.

امروزه ثابت شده است افرادی که در پی هدفی مشترک هستند، از عملکردی مشابه برخوردارند؛ به گونه ای که هم گرایی در آن ها در مقایسه با جوامع دیگر، بسیار است. در جامعه شیعی، انتظار ظهور مردی از سلاله پاک رسول گرامی اسلام عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث شده است همه پیروان این آرمان مقدس، از همدلی بسیار خوبی برخوردار باشند.

۴. احساس حضور

یکی دیگر از آثار غیر قابل تردید در انتظار راستین، احساس حضور در محضر آن امام غایب از سوئی و احساس حضور آن امام غایب در زندگی از سوی دیگر است. یک منتظر راستین، همواره بر این باور است که همه کارهای او در نگرگاه آن امام پنهان است و این خود در اصلاح رفتار وی بسیار مؤثر است. این مهم، نه فقط به اصلاح فرد منجر می شود که رفته رفته به اصلاح و سلامت اخلاقی جامعه می انجامد که خود در زمینه سازی ظهور، نقشی بس مهم و انکار ناپذیر خواهد داشت.

انتظار مصلح جهانی به طور قطع، به معنای آماده باش کامل فکری، اخلاقی، مادی و معنوی برای اصلاح همه جهان است. اصلاح تمام روی زمین و پایان دادن به همه ظلم ها و نابسامانی ها، شوخی نیست و نمی تواند کـ ار ساده ای باشد. آماده باش برای چنین هدف بزرگی، باید متناسب با آن باشد؛ یعنی باید به گستردگی و ژرفای آن باشد.

۶. مراقبت اجتماعی

منتظران راستین وظیفه دارند مراقب حال یک دیگر نیز باشند و علاوه بر اصلاح خویش، در اصلاح دیگران نیز بکـ و شند؛ زیـ را برنامه عظیم و سنگینی کـ ه منتظر آند، یک برنامه فردی نیست.

نیز ن.ک: منتظر، زمینه سازان ظهور، یاران حضرت مهدی علیه السلام .

انتقام

عقوبت به قصد تشفی دل

انتقام (۱)، گاه به انسان نسبت داده می شود و گاه به خداوند. تفاوت این دو در این است که انتقام های بشری بیشتر در پی زبانی است که فرد بر اثر ناتوانی از ناحیه دشمن دیده و بدین وسیله می خواهد ناکامی و شکست خود را جبران کند؛ از این رو گاه ضمن گرفتن انتقام، از حدّ میانه روی بیرون رفته، مرتکب کار ناروا و خلاف حق می شود؛ اما انتقام الهی بر اثر آسیب دیدن خداوند یا بـ رای تشفی خـ اطر نیست، زیـ را خداوند آسیب پذیر نیست و تشفی خاطر در او راه ندارد، بلکه انتقام او به معنای کیفر دادن گناهکاران براساس حق و عدالت است.

انتقام بشری نیز به فردی و اجتماعی تقسیم می شود. انتقام فردی، بیشتر برخاسته از احساس و غایت آن تشفی خاطر است؛ اما انتقام اجتماعی که در قالب قصاص و مجازات صورت می گیرد، و بیشتر مبتنی بر عقل است و هدف آن، حفظ نظام اصلاح و تربیت افراد جامعه و بستن راه های ناامنی در اجتماع است. این نوع انتقام، بیشتر

ص: ۹۲

اقسام انتقام

حس انتقام جویی یک اصل حیاتی است که خداوند آن را در وجود همه انسان ها و حتی برخی حیوانات به ودیعه نهاده است؛ لیکن بهره وری از این حس خدادادی به تناسب مورد و کیفیت و مقدار استفاده از آن دارای احکام و وجوه گوناگونی است که می توان آن را به انتقام پسندیده، مباح و ناپسند تقسیم کرد.

۱. انتقام پسندیده و لازم

اسلام، با هرگونه ظلم و تعدی، به فرد یا جامعه مخالف است؛ ازاین رو مقابله با ستمگران و گرفتن حق مظلومان را امری ممدوح و گناه واجب می شمارد. قرآن کریم در آیات ۱۴ و ۱۵ سوره توبه، به مسلمانان فرمان می دهد با کافران و مشرکان نبرد کنند، تا ضمن رفع شرک و کفر از روی زمی—ن، خش—م م—ؤم—نان ستمدیده فرو نشسته و دل های آنان تشفی یابد. شاید پسندیده بودن و وجوب انتقام در این موارد بدان سبب باشد که اگر از ستمگران انتقام گرفته نشود. موجب گستاخی آنان و پایمالی حقوق دیگران شده و فساد و ناامنی در جامعه گسترش می یابد.

۲. انتقام مُجاز

اگر ستم و تجاوز متوجه شخص انسان شده باشد و انتقام گرفتن او پیامدی برای دیگران نداشته باشد، این کار، جایز و روا خواهد بود؛ بدین معنا که انسان در این گونه موارد، بین گرفتن انتقام از ظالم یا عفو او مخیر است. البته گرفتن انتقام به طور مطلق و در همه موارد روا نیست؛ بلکه در مواردی جایز است که اسلام آن را روا دانسته باشد.

۳. انتقام مذموم و ناروا

انتقام، اگر برخاسته از تعصب های جاهلانه، دشمنی های نابجا و همراه تجاوز و تعدی باشد، ناروا و ناپسند است؛ زیرا در این انتقام ها نه فقط حقی ب—ه دست نی—آمده و ظلمی برطرف نمی گردد، بلکه خود موجب پای مالی حقوق دیگران و منشأ ظلم و فساد خواهد گشت. انتقامی که در روایات و کتب اخلاقی از رذایل اخلاقی شمرده شده است و مؤمنان از آن نهی شده اند، چنین انتقامی است.

از روایات فراوانی استفاده می شود حضرت مهدی علیه السلام هنگام قیام جهانی خود، از ستمگرانی که به خاندان او و

بشریت ستم کردند، انتقام خواهد گرفت؛ چه آنان که حقوق پدران او را غصب کردند و مردم را از بهره مندی از این چراغ های هدایت محروم ساختند، و چه آنان که به فرودستان در طول تاریخ ستم کردند؛ بدین سبب است که یکی از لقب های آن حضرت، منتقم است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث معراج، پس از بیان دیدن نور پیشوایان معصوم علیهم السلام و آخرین جانشین خود میان آن ها، فرمود: ...عرض کردم: «پروردگارا! اینان چه کسانی هستند؟» فرمود: «ایشان پیشوایانند و این قائم است؛ همو که حلال مرا حلال می کند و حرام مرا را حرام می سازد و از دشمنان من انتقام می گیرد...» (۱).

البته تفاوتی نمی کند خداوند به دست او از دشمنانش انتقام بگیرد یا این که خود حضرت از دشمنان خود و خاندانش انتقام بگیرد.

نیز ن.ک: منتقم، قیام.

انجمن حجتیه

از گروه های فعال معاصر در حوزه مهدویت با دیدگاه های ویژه

یکی از گروه هایی که در بیش از نیم قرن گذشته در بحث های مهدویت به نوعی در کانون توجه بوده اند انجمن حجتیه است. سابقه شکل گیری این گروه به جریان های دهه ۱۳۲۰ ش تا میانه های دهه ۳۰ در جامعه ایران بر می گردد. در این دوره، دو خطر عمده در حوزه دین پدید آمد:

نخست: حزب توده

این گروه، مرام مارکسیسم را میان جوانان نشر می داد و متدینان، ملی ها و رژیم پهلوی همه با آن درگیر بودند.

دوم: بهائیت

در این بخش، فقط متدینان روی آن حساسیت داشتند و پس از شهریور ۱۳۲۰ ش متوجه نفوذ آن، در دستگاه اداری پهلوی شده، به مبارزه با آن پرداختند. طبعاً از نگاه متدینان، خطر بهائیان نه فقط کمتر از حزب توده نبود، بلکه پس از سرکوبی حزب توده در سال های ۳۲_۳۶ جدی تر هم شده

ص: ۹۴

۱- «هُؤُلَاءِ الْأَئِمَّةُ وَ هَذَا الْقَائِمُ الَّذِي يُحِلُّ حَلَالِي وَ يُحَرِّمُ حَرَامِي وَ بِهِ أُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي...»، نعمانی، الغیبه؛ ص ۹۳؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۲.

برابر خطر دوم، عالمان و مراجع تقلید به مبارزاتی جدی دست زدند.

از میانه دهه ۳۰ یک تشکل مذهبی

ص: ۹۵

۱- رسول جعفریان، جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، ص ۳۶۸.

ویژه با هدف مبارزه با بهائیت تهران و سپس دیگر شهرها پدید آمد. انجمن خیریه حجتیه مهدویه به سال ۱۳۳۲ ش با تلاش شیخ محمود ذاکرزاده تولایی، معروف به شیخ محمود حلبی (۱۲۷۹ - ۱۳۷۶ ش) با همکاری جمع زیادی از متدینان که تحت عنوان هیئت مدیره، امور انجمن را اداره می کردند، فعالیت خود را آغاز و تا آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، به فعالیت فرهنگی بر ضد این فرقه اشتغال داشت و تلاش می کرد افزون بر جمع آوری اطلاعات، به تربیت نیرو برای مقابله با بهائیان و تبلیغات آنان بپردازد. از آن جا که کار عمده آقای حلبی پس از شهریور بیست، کارهای تبلیغی در قالب منبر بود و در این کار، مهارت و شهرت خاصی به دست آورده بود، همراه جمعی از فعالان مذهبی مشهد و نیز انجمن ها و هیأت های مذهبی، به طور منظم با بهائیان درگیر شدند.

اساسنامه انجمن حاوی اصولی بود که چهار چوب فعالیت آن را مشخص می کرد: تبلیغ دین اسلام و مذهب جعفری و دفاع علمی از آن، تشکیل کنفرانس ها و سمینارهای علمی و دینی در نقاط گوناگون کشور با رعایت مقررات عمومی، چاپ و پخش جزوات و نشریه های علمی و دینی با رعایت مقررات مطبوعاتی کشور، تأسیس کلاس های تعلیم و تدریس اخلاق و معارف اسلامی با رعایت مقررات عمومی، ایجاد کتابخانه و قرائتخانه و اماکن ورزشی با رعایت قوانین مربوطه، انجام امور خیریه عمومی و مساعدت فرهنگی مؤسسات اسلامی و برقراری تماس با مجامع بین المللی با نظر مقامات ذی صلاحیت و ... در تبصره دوم این اساس نامه تأکید شده بود که «انجمن به هیچ وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت و نیز مسؤلیت هر نوع دخالتی را که در زمینه های سیاسی از طرف افراد منتسب به انجمن صورت گیرد، بر عهده نخواهد داشت.» این، همان تبصره ای بود که انقلابیون پیش و پس از انقلاب، از آن ناراحت بودند.

انجمن در هر شهری، دفتری داشت که تحت عنوان بیت (بیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) شناخته می شد. این بیت، مسؤلی داشت و زیر نظر وی سه گروه تدریس، تحقیق و ارشاد فعالیت می کردند. گـ گروه نخست به آموزش نیروها در سه مرحله ابتدائی، متوسط و عالی می پرداختند. گروه دوم در پی یافتن افرادی از مسلمانان بودند که تحت تأثیر

بهائی‌ها، به این آیین گرویده بودند و گروه سوم، کار ارشاد این افراد را با شیوه‌های خاص خود دنبال می‌کردند. سخنرانی‌های عمومی نیز در محافل که بیشتر منازل بود، برگزار شده و از سخنرانان معروف استفاده می‌شد. بـه طور معمول، در سال روز تولد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز جشن‌هایی برگزار می‌شد. بیشتر افرادی که از بهائیت بر می‌گشتند، توبه‌نامه و تبرانامه‌ای می‌نوشتند که متن بسیاری از آن‌ها در یک مجموعه، در کتابخانه آستان قدس نگهداری می‌شود. این جلسات بیشتر توسط سخنرانانی اداره می‌شد که خود انجمن تربیت کرده بود. نکته قابل توجه آن که این افراد غیر روحانی بودند. انجمن در ایـن باره استدلال‌های ویژه خود را داشت. این نیروها از مدارس برگزیده می‌شدند و در این میان مدرسه علوی جایگاه خاص خود را داشت. این مدرسه به همان اندازه که خاستگاه بسیاری از نیروهای مذهبی بود که در انقلاب اسلامی فعالانه شرکت کردند، فرصتی برای انجمن بود تا از میان آنان کسانی را برای کارهای فکری و تبلیغی خود گزینش کند.^(۱)

ایـن انجمن پیش از انقلاب، با فرستادن نامه‌هایی برای برخی مراجع و بزرگان از جمله رهبر فقید انقلاب که در آن اهمیت مبارزه با بهائیت را گوشزد کرده، فعالیت‌های خود را در این زمینه شرح می‌دادند، تأییدیه‌هایی برای خود می‌گرفتند که امروزه نیز بدان‌ها استناد می‌کنند.

افکار و عقاید انجمن حجتیه

۱. بهائیت، دشمن اصلی

همواره مؤسس انجمن تأکید می‌کرد: امروز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از کسی جز این خدمت را نمی‌پذیرد و چیزی جز این انتظار ندارد. به خدا قسم! امروز تکلیف شرعی و دینی همه ما آن است که با بهائیت مبارزه کنیم.^(۲)

۲. جدایی دین از سیاست

در تبصره ۲ از ماده دوم اساسنامه انجمن، تصریح شده است: انجمن به هیچ وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد کرد و مسئولیت هر نوع دخالتی را که در زمینه‌های سیاسی از طرف افراد منتسب به انجمن صورت گیرد، به

ص: ۹۷

۱- رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، ص ۳۷۳.

۲- نشریه «چشم انداز ایران»، سال اول، ش ۲.

بر این اساس چنانچه فردی از اعضای انجمن به طرف مسائل سیاسی کشیده می شد، بی درنگ عذر او را می خواستند. به زعم آنان اسلام یگانه دین عبادت است و دخالت در سیاست، زیننده پیشوایان دینی نیست. (۲)

۳. ناموفق بودن قیام های پیش از ظهور

آنان با استفاده از برخی روایات، صاحب پرچم های قیام پیش از ظهور را گمراه می دانستند و تشکیل حکومت و بسط عدل را در جهت انسداد باب مهدویت می شمردند. (۳)

در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، ک ه قیام خونینی آغاز گشت و حاصل آن، هزاران شهید بود، رهبر انجمن، با اعتراض شدید، امام را مورد مؤاخذه قرار می دهد ک ه چ ه کسی مسئول ای ن همه خون های به هدر رفته است؟ وی طی یک سخنرانی در مدرسه مروی، امام را مسئول ریختن خون جوانان در ۱۵ خرداد دانست. (۴)

۴. بی معنا بودن جهاد در دوران غیبت

شیخ حلبی در این باره می گوید: [شیعه می گوید:] در عصر غیبت امام زمان علیه السلام جهاد نیست. چرا؟ چون حاکم اسلامی که باید معصوم باشد، مصداق پیدا نکرده است. وظیفه داریم فقط دین خود را حفظ کنیم. تکالیف شرعی مان را انجام دهیم و به شبهات منکران پاسخ دهیم و دیگر هیچ. (۵)

ناگفته نماند برخی از آنچه در دهه های اخیر به انجمن یاد شده نسبت داده می شود و در مواردی برای مقابله با آن ها بدان استناد می شود، به هیچ وجه به همه افراد در همه رده ها قابل انطباق نیست. اگرچه برخی باورها و نسبت ها به برخی عوام از این گروه درست می نماید، به تحصیل کردگان و فرهیختگان از این مجموعه نسبت های

ص: ۹۸

۱- برخی بر این باورند که این سیاست برای نفوذ در برخی دستگاه ها از جمله ارتش جهت مقابله با بهایی ها بود. و اگر چنانچه به این جدایی تظاهری نمی کردند بی درنگ از همه فعالیت ها محروم می شدند.

۲- روزنامه کیهان، ۱۰ شهریور ۱۳۸۱، ص ۲.

۳- ر.ک: روزنامه کیهان، ۱۰ شهریور ۱۳۸۱، ص ۲.

۴- سید ضیاء الدین علیا نسب، جریان شناسی انجمن حجتیه، ص ۲۴، به نقل از روزنامه صبح آزادگان، ۲۷/۱۱/۱۳۶۰، قسمت سوم مصاحبه با مهندس طیب.

۵- نشریه «پگاه»، ش ۷۱، ۴ آبان ۱۳۸۱.

نادرستی است. چنان چه برخی نسبت ها از جمله باور آن ها به انجام فساد و گناه برای نزدیک کردن ظهور، محل تأمل است. و کسی نیز به روشنی ادعا نکرده که این مجموعه، مردم را به فساد و ستم سفارش کرده اند. سخنرانی های موجود از مؤسس انجمن گواه بر این مدعاست.

انجمن حجتیه و انقلاب اسلامی

از دیدگاه های کلی این گروه که به برخی از آن ها اشاره شد، به خوبی به دست می آید کسانی که بر آن مبانی پافشاری داشتند، هرگز با انقلاب اسلامی رابطه ای برقرار نکردند؛ چه این که این قیام شیعی را بر خلاف دیدگاه خود می دانستند. یکی از تئوری پردازان و مؤثران در شکل گیری انقلاب شکوهمند اسلامی در این باره می گوید: آنان مبارزه را ممنوع کرده و معتقد بودند این مبارزه به جایی نمی رسد. مسئولان انجمن اعلام کردند: هر کس مایل به شرکت در فعالیت های سیاسی و تظاهرات باشد، باید از انجمن کناره گیری کند. در این ایام، بسیاری از اعضا که عمدتاً مقلد امام خمینی؛ بودند، افزون بر شرکت در فعالیت های ضد رژیم، برخوردهای فکری با انجمن را آغاز کردند و برخی با عنوان سازمان «عباد صالح» انشعاب یافتند. (۱)

آیت الله خزعلی در این باره می گوید:

چون مسأله بهائیت امری خیلی مهم برای مسلمین بود آن ها (انجمن) سعی کردند در انقلاب شرکت نکرده و به این مهم نپردازند؛ چون فکر نمی کردند انقلاب پیروز شود. اجازه فعالیت به افراد انجمن داده نمی شد و علت آن هم این بود که افراد اگر بخواهند کار سیاسی بکنند، سازماندهی انجمن پاشیده شده و نمی تواند دیگر با بهائیت مبارزه کند. (۲)

بنابراین نیروهای تربیت شده در انجمن در سطوح گوناگون، پس از انقلاب به سه دسته تقسیم شدند:

برخی مانند آقای پرورش، دکتر صادقی استاد دانشگک اه الهیات مشهد، عبد الکریمی است اد دانشگک اه مشهد، مهندس مصحف و بسیاری دیگر به انقلاب پیوستند. از میان اینان، جوانانی نیز بودند که دست کم چند سالی انجمن را تجربه کرده و به صف انقلابیون پیوسته بودند. برخی مانند

ص: ۹۹

-
- ۱- جریان شناسی انجمن حجتیه، به نقل از: علی اکبر هاشمی رفسنجانی: روزنامه عروه الوثقی، ۲۲ مهرماه ۱۳۶۱.
 - ۲- جریان شناسی انجمن حجتیه، به نقل از: علی اکبر هاشمی رفسنجانی: روزنامه عروه الوثقی، ص ۲۴، به نقل از: در شناخت حزب قاعدین، ص ۵۸.

آقای طیب که مسئولیت برگزاری مراسم سخنرانی‌ها را در تهران بر عهده داشت، نه فقط به انقلابیون پیوست، بلکه به نوعی برابر انجمن هم قرار گرفتند.

دسته دوم در برابر انقلاب بی تفاوت ماندند. و دسته سوم، به انتقاد از آن پرداخته به صف مخالفان از نوع دیندار پیوستند.

انجمن، چند ماه پیش از انقلاب، یعنی در شهریور ۵۷ مواضع خود را در ارتباط با سیاست تغییر داده، شروع به همراهی با انقلاب کرد. پس از انقلاب از سوی برخی از رهبران انقلابی، انجمن به عنوان یک عنصر خطرناک معرفی شده و برای جلوگیری از نفوذ آن در مراکز، تبلیغات گسترده‌ای بر ضد آنان آغاز شد. این اعتراضات که غالباً در پوشش دفاع از انقلاب صورت می‌گرفت، به مرور به حذف شمارزیادی از چهره‌های مذهبی سابق منجر شد. طبعاً برخی از سوابق برخوردهای منفی رهبران انجمن با جریان انقلاب به عنوان یک تجربه برای موضع‌گیری بر ضد آنان مورد استفاده قرار گرفت؛ برای نمونه امام خمینی که روزگاری آقای حلبی را تأیید می‌کرد، در سال‌های پیش از انقلاب به تدریج به حرکت انجمن بدبین شده و حمایت خود را قطع کرد.^(۱)

با این همه، جهت‌گیری انجمن پس از انقلاب به تدریج به سمت هواداری از آن پیش می‌رفت. آقای حلبی از مشهد کاندیدای مجلس خبرگان قانون اساسی شد و ۳۰۷۳۷۴ رأی آورد؛ اما برگزیده نشد. نوع هواداری انجمن از نشریه انتظار که انجمن پس از پیروزی انقلاب آن را انتشار می‌داد، به دست می‌آمد؛ اما مخالفان با آن، در سال شصت اوج گرفت و برخی از جریان‌های افراطی درون انقلاب، به ویژه نیروهای سازمان مجاهدین انقلاب با هریتی که بود، درست در وقتی که امکان بهره‌گیری از بیشتر از نیروهای مذهبی می‌رفت، یک جبهه داخلی بر ضد نیروهای متهم به وابستگی به انجمن‌گشوده و دشواری‌هایی را پدید آوردند.

برخی از این نیروهای چپ افراطی که آن زمان در محور این فعالیت قرار داشتند، بعدها به فروغ‌لطیدن به دامن تفریط از آن اقدام‌ها اظهار پشیمانی کردند؛ از آن جمله انتشار کتابی با عنوان «در شناخت حزب

ص: ۱۰۰

۱- رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، ص ۳۷۴.

قاعدین» از «عماد الدین باقی» در سال ۱۳۶۲ بود که ضربه سختی بر انجمن وارد کرد. این کتاب پیش از آن به صورت بخش بخش در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید، زمانی که کتاب در تیراژ بالغ بر هشتاد و هشت هزار نسخه به چاپ رسید، ضربه ای سهمگین بر انجمن وارد آمد. پس از اشاره غیر مستقیم رهبر انقلاب به انجمن که بدون تصریح به اسم انجمن صورت گرفته و ضمن آن از ایشان خواسته شده بود اعوجاجات خود را کنار بگذارند، انجمن در سال ۱۳۶۲ش، به طور رسمی تعطیلی خود را اعلام کرده و ضمن آن توضیح داد که چون خود را مصداق سخنان رهبر انقلاب نمی داند انجمن را تعطیل می کند.

انجمن در شوال ۱۴۰۳ ق ضمن بیانیه ای با اعلام این مطلب افزود:

بر اساس عقیده دینی و تکلیف شرعی خود، تبعیت از مقام معظم رهبری و مرجعیت و حفظ وحدت و یکپارچگی امت و رعایت مصالح عالیه مملکت و ممانعت از سوء استفاده دستگاه های تبلیغاتی بیگانه و دفع غرض ورزی دشمنان اسلام ... اعلام می داریم که از این تاریخ، تمام جلسات انجمن تعطیل می باشد و هیچ کس مجاز نیست تحت عنوان این انجمن کوچک ترین فعالیتی کند. (۱)

به نظر می رسد انجمن به جز ک_اره_ای تبلیغی و برگ_زاری ب_رخی جلسات ضد کمونیستی و مارکسیستی، ب_ه نقد ج_دّی عقاید به_ایی هم می پرداخت؛ گرچه این مسأله ممکن بود در قالب کمک به دیگر نویسندگان باشد که نمونه آن آقای محمّد باقر نجفی در کتاب بهائیان است که از آقای حلبی به دلیل در اختیار نهادن برخی اسناد تشکر کرده است. همین طور خود آقای حلبی هم گویا به نقد «ایقان» مشغول بوده و مرحوم محیط طباطبایی در مقاله ای گفته است: آقای حاجی شیخ محمود حلبی ... ۱۵۴ غلط ادبی از متن ایقان بیرون آورده و در کتاب پژوهش جامع در باره ایقان تألیف خود به تفصیل یاد کرده است. (۲) یادآوری آن لازم است که طبعاً در این سال ها مبارزه با بهائیت منحصر به انجمن حجّتیّه نبود. در اطلاعیه هایی که گاه از

ص: ۱۰۱

۱- روزنامه «اطلاعات»، ۲۲ تیر ماه ۱۳۶۲ش.

۲- ر.ک: مجله «گوهر»، سال ششم، شماره ۶۱، فروردین ۱۳۵۷ش.

سوی مراجع انتشار می یافت، با نفوذ اقتصادی بهائیان مبارزه می شد.

در سال های پس از انقلاب همچنان موضوع انجمن حجّیه مطرح بوده و تا کنون که نزدیک به ۲۴ سال از انقلاب می گذرد، هر از چندی، برخی جناح ها باز هم از نفوذ انجمن حجّیه سخن می گویند.^(۱)

نیز ن.ک: بهائیت، انتظار.

انطاکیه

محل بیرون آوردن تورات و انجیل واقعی از آن در عصر ظهور

شهری در روم باستان بوده که به دست یونانیان در سال ۳۰۰ پیش از میلاد مسیح علیه السلام بنا شده و هم اکنون جزو قلمرو کشور ترکیه است. این شهر، در روزگار قدیم از جهت ثروت، علم و تجارت، یکی از سه شهر بزرگ کشور روم محسوب می شد.^(۲) که دارای موقعیتی سرسبز، نهرهای آب خوش گوار و مرکز تجارت آسیای غربی و نزد یونانیان به انطاکیه زیبا و ملکه شرق مشهور بود. نصارا از شهر انطاکیه با وصف شهر خدا، شهر شاهی و مادر شهرها یاد می کردند؛ زیرا نخستین شهری بود که اهل آن همگی به حضرت مسیح علیه السلام و به دین نصارا گرویدند. پولس و برنابا آن جا به تبلیغ اشتغال داشتند. شهر انطاکیه پیش از اسلام، محل درگیری بین قوم ها و پیروان ادیان یهود، نصارا و بت پرستان بوده است.^(۳)

این شهر، افزون بر آن که در پاره ای از آیات مورد اشاره قرار گرفته، در برخی روایات _ به ویژه در روایات مهدویت _ بدان توجه شده است. شاید ذکر «انطاکیه» در روایات مهدویت، وجود رابطه تنگاتنگ بین حضرت مهدی علیه السلام و مسیح علیه السلام است.

در روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام، آن محل، سرزمینی معرفی شده است که حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور، از غاری در آن سرزمین، تورات و انجیل را بیرون می آورد و با یهود و

ص: ۱۰۲

۱- رسول جعفریان، جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، ص ۳۷۷ _ ۳۷۸.

۲- ر.ک: یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۸۲ و ص ۲۶۶.

۳- جمعی از نویسندگان، دایره المعارف قرآن کریم، واژه انطاکیه، محمد مهدی خراسانی.

نصارا با آن استدلال می کند. (۱) پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «تورات و انجیل را از سرزمینی که انطاکیه نامیده می شود، بیرون می آورد.» (۲)

و به وسیله آن کتاب ها، با مسیحیان و یهودیان به استدلال می پردازد و سرانجام، بسیاری از آن ها اسلام می آورند. (۳)
نیز ن.ک: دین در عصر ظهور، موعود مسیحیت، موعود یهودیت.

اوتاد

از یاران برجسته حضرت مهدی علیه السلام

از آن جا که «اوتاد» جمع «وتد» به معنای میخ است، به نظر می رسد این گروه، از مردان بسیار خالص و دلاور هستند که همچون کوه استوار، در خدمت به آن حضرت به سر می برند. (۴) از روایات استفاده می شود که «اوتاد» سی تن از یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام هستند که همواره در خدمت آن حضرت به سر می برند. هر یک از آنان که از دنیا بروند، فرد شایسته دیگری جانشین او می شود. امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام فرمودند:

به ناگزیر، برای صاحب این امر، غیبتی است و به ناگزیر در غیبت او کناره گیری است. و نیکو جایگاهی است مدینه. و با وجود سی نفر ملازم هیچ گونه وحشتی نخواهد بود. (۵)

نیز ن.ک: غیبت، فرید، وحید، یاران حضرت مهدی علیه السلام.

ص: ۱۰۳

۱- مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۳۹؛ عبدالرزاق، المصنف، ج ۱۱، ح ۲۰۷۷۲.

۲- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۱، ح ۳؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۵.

۳- «... يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ بَأَنْطَاكِيَّةٍ فَيَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الرَّبُّورِ بِالرَّبُّورِ...»، ر.ک: نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۷، ح ۲۶.

۴- ر.ک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۰.

۵- «لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبِهِ وَ لَا بُدَّ لَهُ فِي غَيْبَتِهِ مِنْ عَزْلِهِ وَ نِعَمِ الْمَنْزِلِ طَيْبِهِ وَ مَا بَتَلَاثِينَ مِنْ وَحْشِهِ»، محمد بن یعقوب

کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰؛ روایت ۱۶؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۸، ح ۴۱

مهدویت در نگاه روایات و باورهای اهل سنت

اندیشه ظهور مهدی موعود _ بر خلاف پندار برخی _ نه فقط ویژه شیعه نیست؛ بلکه بخش مهمی از

باورهای اسلامی به شمار می آید، که بر پایه بشارت های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، میان همه گروه ها و مذاهب اسلامی شکل گرفته است. در حوزه اعتقادات اسلامی، کمتر موضوعی را می توان یافت که تا این اندازه به آن اهمیت داده شده باشد، از این رو در اصل اعتقاد به ظهور مهدی موعود، نوعی اتفاق نظر و وحدت فکر، شکل گرفته است.

در مراجعه به منابع اهل سنت به روشنی به دست می آید در بسیاری از آن ها _ با وجود برخی تحریفاتی که بویژه در دهه های اخیر در روایات مربوط به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این منابع صورت گرفته است _ احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در کانون توجه قرار گرفته است؛ به گونه ای که در بیشتر این کتاب ها، از اوصاف و زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نشانه های ظهور، محل ظهور و بیعت، شمار یاران و دیگر موضوعات سخن به میان آمده است. این بدان گونه است که برخی از کسانی که به نوعی در بحث های مهدویت تردید کرده اند، درباره اساس آن، چنین گفته اند:

مشهور میان مسلمانان در طول تاریخ، این است که در آخرالزمان، مردی از اهل بیت علیهم السلام ظهور کرده، عدالت را آشکار می کند. مسلمانان از او پیروی می کنند و او بر کشورهای اسلامی چیره می شود. نام او مهدی است. (۱)

البته عده کم شماری، از پذیرفتن اصل «مهدویت» سر ب _ از زده، ب _ دلایلی سست و واهی، به انک _ ار آن پرداخته و آن را فکری شیعی معرفی کرده اند.

افزون بر روایات فراوانی که در منابع اهل سنت به صورت پراکنده به چشم می خورد، تدوین و نگارش کتاب های حدیثی ویژه حضرت مهدی علیه السلام، به وسیله دانشمندان اهل سنت، نیز کتاب های مفصل تحلیلی، گویای جایگاه والای «مهدویت» نزد آنان است؛ از این رو منابع روایی اهل سنت را

ص: ۱۰۴

می توان به دو دسته تقسیم کرد:

نخست. کتاب های عمومی

در این منابع روایات مربوط به مهدویت و حضرت مهدی علیه السلام در کنار دیگر روایات ذکر شده است.

برخی از این کتاب ها عبارتند از:

__ المصنف، اثر ابوبکر عبد الرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱ ق)

وی در این کتاب فصلی را با عنوان «باب المهدی» سامان داده و در آن بیش از ده حدیث نقل کرده است. وی پس از این باب، با عنوان باب «اشراط الساعة» به برخی موضوعات دیگر اشاره کرده است. این اثر، از نخستین کتاب های اهل سنت است که احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به شکلی منظم، گرد آورده است.

__ کتاب الفتن، اثر حافظ ابو عبد الله نعیم بن حماد المروزی (م ۲۲۹ ق)؛

وی در این کتاب، احادیث فراوانی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ویژگی ها و حوادث عصر او روایت کرده است.

__ المصنف فی الاحادیث و الآثار، اثر حافظ عبد الله ب __ ن محمد ب __ ن ابی شیبہ کوفی (م ۲۳۵ ق)؛

وی در فصل ۳۷ این کتاب، بخشی را با عنوان «الفتن» قرار داده است. در این بخش، احادیثی را در رابطه با حضرت مهدی و مباحث مربوط به او ذکر کرده است. از موضوعاتی که در این روایات مورد اشاره قرار گرفته است، می توان به ویژگی های نسبی و اخلاقی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدت حکومت و عمر آن حضرت، شرایط پیش از ظهور، نشانه های ظهور و ویژگی های دوران ظهور ایشان اشاره کرد.

__ مسند، اثر احمد ب __ ن حنبل ابو عبد الله شیبانی (م ۲۴۱ ق)

وی که از پیشوایان چهارگانه اهل سنت است، در کتاب خود احادیث پرشماری درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد کرده است. (۱) میان کتاب های نخستین حدیثی، مسند احمد بیشترین حدیث را در این موضوع ذکر کرده است.

__ سنن ابن ماجه، اثر محمد بن یزید ابو عبد الله قزوینی

ص: ۱۰۵

۱- این کتاب که از گسترده ترین جوامع حدیثی کهن اهل سنت است، در چاپ جدید، در پنجاه مجلد به چاپ رسیده است.

وی که از حدیث شناسان و محدثان معروف و زبردست اهل سنت بوده و سنن وی در زمره صحاح ششگانه قرار گرفته است، در کتاب الفتن این مجموعه، بخشی را به بیان احادیث مهدی با عنوان «باب خروج المهدی» اختصاص داده است. نسب حضرت مهدی علیه السلام، شرایط پیش از ظهور، زمینه سازان ظهور، یاران وی، مدت حکومت او و سرانجام ویژگی های اقتصادی و اجتماعی حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از جمله موضوعات ایـن روایات است. نکته قابل توجه این که در شش حدیث از مجموع هفت حدیث، به نام امام مهدی علیه السلام تصریح شده است.

— سنن ابو داود، اثر سلیمان بن اشعث ابو داود سجستانی (م ۲۷۵ ق)

وی در این مجموعه بخشی را با عنوان «کتاب المهدی»^(۱) به صورت مستقل ذکر کرده است.

برخی موضوعاتی که در روایات این مجموعه، مورد اشاره قرار گرفته است، عبارتند از: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، ویژگی های نسبی وی، ویژگی های جسمی او، شرایط پیش از ظهور، حتمی بودن ظهور، اوضاع اجتماعی ـ اقتصادی عصر ظهور و سرانجام جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام.

احادیث سنن ابو داود یکی از منابع قابل ملاحظه، در باره «مهدوئیت» نزد اهل سنت است.

— الجامع الصحیح، از صحاح ششگانه — اهـ لـ سنت، اثـ ر محمد بـ ن عیسی ابو عیسی ترمذی سلمی (م ۲۷۹ ق)

وی در فصل «ما جاء فی المهدی»، سه حدیث به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده است. در دو حدیث اول، به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریحی نشده و صرفاً مسأله منجی و حتمی بودن حاکمیت شخصی از اهل بیت علیهم السلام و هم نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیان شده است. ترمذی در باره حدیث اول گفته است: «هذا حدیث حسن صحیح» و در باره حدیث سوم گفته است: «هذا حدیث حسن».

هرچند در این مجموعه حدیثی، شمار حدیث های مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بسیار اندک است، با توجه —

ص: ۱۰۶

بـه اسناد خوب آن‌ها، ایـن احادیث مهم و قابـل تـوجه دارای اطـلاعـات جـامعی در بـاره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشند.

ـ المستدرک علی الصحیحین؛ اثر محمد بن عبدالله، ابو عبد الله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق)

وی احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در فصلی ویژه، در کتاب الفتن و الملاحم و در برخی قسمت‌های دیگر به صورت پراکنده ذکر کرده است. وی در این احادیث، به برخی موضوعات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ اعم از نسب، ویژگی‌های جسمانی، شرایط پیش از ظهور، اصل ظهور و مسائل مختلف دیگر ـ پرداخته است.

ـ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، اثر علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین هندی (م ۹۷۵ ق)

این جامع حدیثی، از معروف‌ترین مجموعه‌های حدیثی موجود اهل سنت است. نگارنده این اثر ـ که تألیف وی مستقـل در بـاره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام البرهان فی علامات مهدی الآخر الزمان دارد ـ در مجموعه حدیثی کنز العمال افزون بر روایات پراکنده، (۱) فصلی را با عنوان «خروج المه دی» گـگـشوده و در آن ده‌ها حدیث را از منابع مختلف نقل کرده است. در این مجموعـه، هـ، زوایـ ای گوناگون مهدویت، از جمله شرایط پیش از ظهور، یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران حکـومت، رخـدادهـ ای عصر ظهور، شرایط اقتصادی در آن زمان و ویژگی‌های جسمی آن حضرت، بیان شده است.

دسته دوم. کتاب‌های ویژه حدیثی مهدویت

دانشمندان اهل سنت ـ همـانند عالمان شیعه ـ فقط به نقل روایات مهدویت در کتاب‌های مختلف بسنده نکرده، کتاب‌هایی چند، ویژه موضوعات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تألیف کرده‌اند. برخی از این آثار بدین قرار است:

ـ اربعون حدیث، اثر ابونعیم اصفهانی (م ۴۲۰ ق)؛

ص: ۱۰۷

۱- وی در بخشی با عنوان «جامع الاشراف الکبری» ده‌ها روایت دیگر را در موضوعات مهدویت ذکر کرده است.

کتاب اربعون حدیث اکنون در دسترس نیست؛ ولی محقق اربلی در کتاب کشف الغمه فی المعرفه الائمه آن را آورده است. (۱)

— البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام؛ اثر ابوعبد الله محمد کنجی شافعی (م ۶۵۸ق)

او مجموع هفتاد حدیث را در ۲۵ باب منظم کرده و حتی به بعضی از جزئیات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام نیز اشاره کرده است.

— عقد الدرر فی اخبار المنتظر؛ نگارش یوسف بن یحیی بن علی بن عبد العزیز مقدسی شافعی (م بعد ۶۵۸ق)

این کتاب، به لحاظ جامع بودن و گستردگی، در نوع خود کم نظیر و منبع مهمی برای کتاب‌های پس از آن بوده است.

— العرف الوردی فی الاخبار المهدی، اثر جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی (م ۹۱۱ق)

وی احادیث مربوط به مهدی را در این کتاب به شکلی گسترده جمع آوری کرده است. این کتاب ضمن مجموعه رساله‌هایی به نام الرسائل العشر در مجموعه‌ای بزرگ‌تر با عنوان الحاوی للفتاوی به چاپ رسیده است. وی در ابتدای این رساله می‌نویسد:

این، بخشی است که احادیث و آثار وارد شده راجع به مهدی را در آن جمع کردم و چهل حدیثی که حافظ ابو نعیم آن‌ها را ذکر کرده است، به صورت خلاصه آوردم و آنچه او نیاورده است بر آن افزودم و به صورت «ک» آن را رمزگذاری کردم. (۲)

مجموع احادیثی که در این کتاب جمع آوری شده — چه آنچه از ابونعیم آورده و چه آنچه خودش بر آن افزوده — بالغ بر دوست حدیث است.

— البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، اثر علاء الدین علی بن حسام، الدین مشهور به متقی هندی (م ۹۷۵ق)؛

ص: ۱۰۸

۱- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۳، ص ۲۵۵.

۲- سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص ۶۹.

این کتاب، از کتاب‌های حدیثی درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که بیش از ۲۷۰ حدیث را در بر گرفته است.

نکته قابل توجه در باره روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام در منابع اهل سنت، این است که بزرگان فراوانی از ایشان، از جمله: ترمذی (م ۲۹۷ق)، (۱) حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ق)، (۲) بیهقی (م ۴۵۸ق)، (۳) قرطبی مالکی (م ۶۷۱ق)، (۴) به صحت آن‌ها تصریح کرده اند. (۵)

افزون بر منابع روایی، امروزه ده ها کتاب به دست نویسندگان اهل سنت در موضوع مهدویت نوشته شده که در دسترس علاقه مندان است.

اهل سنت و ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بیشتر اهل سنت به تولد حضرت مهدی علیه السلام اعتقادی ندارند؛ اما دانشمندانی چند از آنان، افزون بر اشاره به ولادت آن حضرت در سال ۲۵۵ق، آن حضرت را همان موعود مورد اشاره در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دانسته اند.

کسانی که در نوشته های خود به ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره کرده اند را می توان به دو دسته تقسیم کرد: (۶)

۱. کسانی که ولادت امام مهدی علیه السلام را گزارش کرده اند، ولی بر موعود بودن آن حضرت، ساکت مانده اند. (۷)

الف. ابن اثیر جزیری (م ۶۳۰ق)، در کتاب الکامل فی التاریخ در باره حوادث سال ۲۶۰ق چنین نوشته است:

در این سال، ابو محمد علوی

ص: ۱۰۹

۱- سنن ترمذی، ح ۲۲۳۲.

۲- مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۲۹ و ۴۶۵ و ۵۵۳ و ۵۵۸.

۳- الاعتقاد و الهدایه الی سبیل الرشاد، ص ۱۲۷.

۴- کتاب التذکره، ص ۷۰۴.

۵- ر.ک: سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی، ص ۵۴-۶۰.

۶- این جا فقط به موارد اندکی اشاره شد. برای تفصیل بیشتر ر. ک: لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر؛ سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۱۸۵-۲۰۰؛ همو، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق مهدی علی زاده، ص ۱۸۸ تا

۷- یادآوری: برخی از اهل سنّت که ولادت حضرت مهدی علیه السلام را گزارش کرده اند، آن را از دیدگاه شیعه بیان کرده اند؛ در حالی که عده ای گمان کرده اند تمام کسانی که ولادت آن حضرت را نقل کرده اند، بر این باور هستند که آن حضرت به دنیا آمده است.

عسکری وفات کرد. او یکی از دوازده امام مذهب امامیه و پدر محمد است که معتقدند او منتظر می باشد. (۱)

ب. ابن خلکان (م ۶۸۱ ق) در کتاب وفيات الاعیان گوید:

ابوالقاسم محمد بن حسن عسکری، فـرزند علی الهادی، فرزند محمد الجواد کـه پیشینیان او ذکر شد. بر اساس اعتقاد امامیه دوازدهمین از دوازده امام، و معـروف بـه الحجه است... ولادتش، روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ بود. (۲)

ج. ذهبی (م ۷۴۸ ق) در کتاب العبر گوید:

و در آن سـال (یعنی ۲۵۶ ق) محمّد، فرزند حسن فـرزند علی الهادی فرزند محمد الجواد، فرزند علی الرضا، فرزند موسی الکاظم، فرزند جعفر الصادق علوی حسینی، ابوالقاسم به دنیا آمد که رافضی ها او را الخلف الحجه و مهدی منتظر و صاحب الزمان لقب داده اند و او،

ص: ۱۱۰

۱- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۱۸۶، به نقل از: الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۲۷۴ در پایان حوادث سال ۲۶۰ ق.

۲- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۱۸۶، به نقل از: وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۶، ح ۵۶۲.

واپسین از دوازده امام است. (۱)

۲. کسانی که افزون بر گزارش ولادت آن حضرت، به موعود بودن او تصریح کرده اند:

الف. کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (م ۶۵۲ ق) در کتاب «مطالب السؤل» گوید:

ابوالقاسم محمد بن حسن خالص، پسر علی متوکل، پسر قانع، پسر علی الرضا، پسر موسی الکاظم، پسر جعفر الصادق، پسر محمد الباقر، پسر علی زین العابدین، پسر حسین الزکی، پسر علی المرتضی امیر المؤمنین، پسر ابوطالب، مهدی، حجت، خلف، صالح، منتظر و رحمت و برکات خداوند سبحانه و تعالی بر او باد. (۲)

ب. نورالدین علی بن محمد بن صباغ مالکی (م ۸۵۵ ق) فصل دوازدهم از کتابش الفصول المهمه را با این عنوان آورده است: «در شرح حال ابوالقاسم حجه، خلف صالح، پسر ابو محمد حسن خالص، او امام دوازدهم است.»

در این فصل، به گفته کنجی شافعی چنین احتجاج می کند:

از چیزه ای کـه دلالت می کند مهدی از هنگام غیبتش تا کنون زنده و باقی است، کتاب و سنت می باشد و در بقای او هیچ مانعی نیست؛ همانند باقی ماندن عیسی بن مریم و خضر و الیاس از اولیای خدا و دجال کور و ابلیس ملعون از دشمنان خدا.

سپس دلیل های خود را از کتاب و سنت بیان می کند و تاریخ ولادت، دلیل های امامت، گوشه هایی از اخبار زندگانی، غیبت، مدت دولت کریمه، کنی ه، خاندان و مطالب دیگری از حضرت مه دی محمد بن حسن عسکری را به تفصیل ذکر می کند. (۳)

البته کسانی کـه به این حقیقت اعتراف کرده اند، بسیار بیش از افراد مورد اشاره اند. علاقه مندان، لازم است به کتاب های مفصل مراجعه کنند.

نیز ن. ک: اهل سنت و مهدی موعود.

ص: ۱۱۱

۱- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۱۸۶، به نقل از: وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۶، ح ۵۶۲.

۲- مطالب السؤل، ج ۲، ص ۷۹، باب ۱۲.

۳- ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۲۸۷.

روزهای بزرگ تاریخی، هنگام پیدایش رحمت ها یا بلاهای ویژه

ایام جمع یوم، به معنای روز است و برای بزرگداشت حوادثی که در روزهایی خاص رخ داده است _ اعم از نعمت ها و بلاهای الهی _ ایام ظهور آن ها به خدا نسبت داده می شود. این واژه ترکیبی فقط دو بار در قرآن کریم به صراحت آمده است:

۱. خداوند، پس از آنکه یکی از وظایف حضرت موسی علیه السلام را خارج ک کردن قوم خدود از ت اریکی به روشنایی می شناساند به یکی دیگر از مأموریت های مهم آن حضرت، یعنی یادآوری روزهای خدا (ایام الله) به قوم خود اشاره کرده است:

((وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ))؛ (۱)

در حقیقت، موسی را با آیات خود فرستادیم [و به او فرمودیم] که قوم خود را از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون آور، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن که قطعاً در این [یادآوری]، برای هر شکیبایی سپاسگزاری عبرت هاست.

۲. پروردگار، در خطابی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به روش برخورد مؤمنان با کافران اشاره کرده و از آن ها می خواهد از کسانی که روزهای سخت و ناگوار خدا (ایام الله) را باور ندارند، در گذرند، تا خداوند خود سزای کردار بد ایشان را بدهد:

((قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ))؛ (۲)

به کسانی که ایمان آورده اند، بگو تا از کسانی که به روزهای [پیروزی] خدا امید ندارند در گذرند، تا [خدا هر] گروهی را به [سبب] آنچه مرتکب می شده اند، به مجازات رساند.

خداوند سبحانه و تعالی در آیه نخست، به یکی از مأموریت های بزرگ حضرت موسی علیه السلام اشاره کرده، می فرماید: تو

ص: ۱۱۲

۱- ابراهیم (۱۴): ۵.

۲- جائیه (۴۵): ۱۴.

به یقین خود بیاوری. به طور مسلم، همه روزها، ایام خداوند است؛ همان گونه که همه مکان ها متعلق به خدا است. اگر مکان خاصی به نام بَيْتُ اللَّهِ (خانه خدا) نامیده شد، دلیل بر ویژگی آن است. همچنین عنوان «ایام الله» اشاره به روزهای مخصوصی است که امتیاز و روشنایی و درخشش فوق العاده ای دارد. به همین سبب مفسران، در تفسیر آن، احتمالات مختلفی داده اند؛ برخی گفته اند: اشاره به روزهای پیروزی پیامبران پیشین و امت های راستین آنان و روزهایی است که گونه های نعمت های الهی بر اثر شایستگی ها شامل حال آن ها است. عده ای گفته اند: اشاره به روزهایی است که خداوند سبحانه و تعالی اقوام سرکش را به زنجیر عذاب می کشید و طاغوت ها را با یک فرمان درو می کرد؛ گروهی نیز به هر دو قسمت اشاره کرده اند؛ اما اصولاً نمی توان این تعبیر گویا و رسا را محدود ساخت. «ایام الله»، تمام روزهایی است که دارای عظمتی در تاریخ زندگی بشر است. هر روز که یکی از فرمان های خدا در آن چنان درخشیده که بقیه امور را تحت الشعاع خود قرار داده، از ایام الله است.

هر روز که فصل تازه ای در زندگی انسان ها گشوده و درس عبرتی به آن ها داده شده است و ظهور و قیام پیامبری در آن بوده یا طاغوت و فرعون گردن کشی در آن به قعر دره نیستی فرستاده شده، و خلاصه هر روز که حق و عدالتی بر پا شده و ظلم و بدعتی خاموش گشته است، همه آن ها از ایام الله است. (۱)

در روایاتی که از امامان معصوم علیهم السلام به ما رسیده، «ایام الله» به روزهای گوناگونی تفسیر شده است؛ امام باقر علیه السلام فرموده است:

ایام الله سه روز است؛ روزی که حضرت قائم علیه السلام قیام خواهد کرد و روز بازگشت برخی از مردگان و روز رستاخیز. (۲)

روشن است که این گونه احادیث دلیل بر انحصار نیست؛ بلکه بیان قسمتی از مصداق های روشن است.

ص: ۱۱۳

۱- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۷۱ - ۲۷۲.

۲- «ایام الله ثلاثه یوم یقوم القائم و یوم الكره و یوم القیامه»، شیخ صدوق، الخصال، ص ۱۰۸، ح ۷۵.

نیز ن.ک: قیام، ظهور، رجعت.

ایستادن هنگام شنیدن لقب قائم

سنتی اجتماعی برای احترام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از وظایف مهم عاشقان و شیفتگان—ان حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، احترام و تعظیم آن حضرت است. این احترام و تعظیم، متناسب با سنت ها و فرهنگ های هر جامعه متفاوت خواهد بود.

یکی از کارهایی که برای احترام به آن حضرت انجام می شود ایستادن هنگام شنیدن لقب «قائم» است. در باره این ایستادن دو دیدگاه وجود دارد:

برخی چنین کاری را فقط یک سنت اجتماعی لازم می دانند و بر این باورند در منابع معتبر نخستین، دلیل روایی بر آن وجود ندارد. برخی دیگر، با استناد به برخی کتاب هایی که در سده های اخیر نوشته شده است، آن را عملی مستحب دانسته، انجام آن را اقتدا به عمل معصوم می دانند و در این زمینه دو روایت را ذکر می کنند:

یک. روایتی که در آن از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: چرا هنگام شنیدن نام «قائم» باید برخیزیم؟ حضرت فرمود:

«برای او، غیبتی طولانی هست و این لقب، یادآور دولت حق آن حضرت و ابراز تأسف بر غربت او است؛ لذا آن حضرت، از شدت محبت و مرحمتی که به دوستانش دارد، به هر کس که حضرتش را با این لقب یاد کند، نگاه محبت آمیز می کند. از تجلیل و تعظیم آن حضرت است که هر بنده خاضعی مقابل صاحب عصر خود _ هنگامی که مولای بزرگوارش به سوی او بنگرد _ از جای برخیزد؛ پس باید برخیزد و تعجیل در امر فرج مولایش را از خداوند سبحان و تعالی بخواهد.» (۱)

در بررسی این روایت، نکاتی گفته شده است:

۱. این روایت و حتی مضمون آن،

ص: ۱۱۴

۱- «لان له غیبه طولانیه و من شده الرؤفه الی احبته ینظر الی کل من یدکره بهذا اللقب المشعر بدولته والحسره بغربته و من تعظیمه ان یقوم العبد...»، لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۶۴۰، ح ۴.

در هیچ یک از کتاب های معتبر اولیه نیامده است.

۲. روایت، مشتمل بر برخی کلمات نامأنوس مانند «غیبه طولانیه»، است که در هیچ یک از سخنان

معصومان علیهم السلام نیامده است.

۳. در هیچ روایتی از امامان پیش از امام صادق علیه السلام به انجام دادن این کار اشاره نشده و هیچ جا از انجام آن توسط پیروان اهل بیت علیهم السلام سخن به میان نیامده است. در حالی که صدها روایت دارای این کلمه است.

۴. این لقب، چه خصوصیتی دارد که آن حضرت فقط با این لقب به دوستداران خود توجه می فرماید و با لقب های دیگر چنین نیست؟

دو. در روایت است که چون دعبل، قصیده معروف خود را برای امام رضا علیه السلام خواند، آن حضرت دست بر سر نهاده و به حالت تواضع ایستاد و برای فرج آن حضرت دعا کرد. (۱) این روایت، در منابع معتبر اولیه این گونه نقل شده است که: عبدالسلام هروی گوید: از دعبل بن خزاعی شنیدم که می گفت: بر مولای خود امام رضا علیه السلام قصیده خود را خواندم که چنین آغاز می شود:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ

وَ مَنَزِلٌ وَحِيٍّ مُفْقِرُ الْعَرَصَاتِ

و چون به این ابیات رسیدم:

خُرُوجِ إِمَامٍ لَا مَحَالَهَ خَارِجٍ

يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ

يُمَيِّزُ فِينَا كَلَّحًا حَقًّا وَ بَاطِلًا

وَ يُجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَ النِّقَمَاتِ

امام رضا علیه السلام به سختی گریست. سپس سر خود را بلند کرده و به من فرمود: «ای خزاعی! روح القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری کرده است آیا می دانی این امام کیست و کی قیام خواهد کرد؟» گفتم: «نه؛ ای مولای من! فقط شنیده ام امامی از شما خروج می کند و...». (۲)

در بررسی این روایت نیز گفته شده است:

همان گونه که ملاحظه می شود

١- پيشين، ص ٦٤٠، ح ٣.

٢- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٢٧٦، ح ٦.

به ایستادن آن حضرت هیچ اشاره ای نشده است، تا چه رسد به این که آن حضرت دست به سر هم گذاشته باشد. نکته قابل تأمل این که در منابع نخستین، تمام کسانی که این روایت را نقل کرده اند، به همین صورت ذکر کرده اند. (۱)

ناگفته نماند در شعر دعبل (آن گونه که در کتاب های یاد شده ذکر شده است) نه فقط لقب قائم به کار نرفته که هیچ یک از القاب دیگر آن حضرت نیز نیامده است.

البته باید توجه داشت امروزه ایستادن هنگام شنیدن لقب خاص حضرت مهدی علیه السلام در فرهنگ شیعه به معنای احترام به آن حضرت است و در جمعی که چنین می کنند، اگر برنخاستن، بی احترامی به آن حضرت باشد، به طور قطع جایز نیست.

نیز ن.ک: قائم، قیام، انتظار

ص: ۱۱۶

۱- علی بن محمد خزاز قمی، کفایه الاثر، ص ۲۷۶؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۶؛ امین الاسلام طبرسی، اعلام الوری، ص ۳۳۱؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۲۸؛ علی بن عبدالکریم نیلی، منتخب الانوار المصیئه، ص ۳۹؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴.

باب (علی محمد شیرازی)

از مدعیان ارتباط خاص با امام دوازدهم

«باب» در لغت فارسی به معنای پدر، سزاوار، ملایم، متعارف و حاجب است. در عربی نیز به معنای «در» و «محل ورود و خروج» به کار می رود. راغب اصفهانی می گوید: محل دخول و ورود به چیزی را باب می خوانند؛ مانند «باب المدینه» یا «باب البیت»^(۱).

در روایات فراوانی، از پیشوایان معصوم علیهم السلام با عنوان «بابُ اللّهِ» یاد شده است.^(۲) در دعای ندبه می خوانیم: «أَيْنَ يَابُ اللّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى؟»^(۳) بنابراین باب، یعنی چی زکی که می توان به وسیله آن، به چیز دیگر رسید. حدیث «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَيَّ بَابُهَا»^(۴) بدان معنا است که به

ص: ۱۱۷

-
- ۱- راغب اصفهانی، المفردات، ص ۶۴.
 - ۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۷؛ و ر.ک: شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۹؛ شیخ طوسی، ال تهذیب، ج ۶، ص ۲۷.
 - ۳- سید بن طاوس، اقبال الاعمال، ص ۲۹۷.
 - ۴- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۴، ح ۳۳۱۴۶؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۶.

وسيله حضرت على عليه السلام مى توان به شهر علم دست يافت. از ديگر موارد، مى توان به «باب الحوائج»، «باب حطه»، «باب مدينه علم النبی صلی الله عليه و آله و سلم»^(۱)، «باب الحکمه» و «باب الله» اشاره کرد.

اما در اصطلاح «باب» امامان عليهم السلام، بـه کسی گفتـه مى شود کـه بـه بـه معصومان عليهم السلام بسيار نزديک است و در همه کارها يا کارى خاص، نماينده مخصوص آنان شمرده مى شود.^(۲) بر اين اساس، مى توان وکیل يا نماينده امام را «باب» امام ناميد؛ چنان که ابن شهـه آشوب مى نويسـد: جمعـى از اصحاب امامان عليهم السلام باب آن بزرگواران بوده اند؛ مانند «رشيد هجرى» باب سيد الشهداء عليه السلام،^(۳) «يحيى بن ام الطويل مطعمى» باب حضرت سجـاد عليه السلام،^(۴) «جابر بن يزيد جعفى» باب امام باقر عليه السلام^(۵).

رفته رفته اين واژه با سوء استفاده مدعيان دروغين _ به ويژه «بايتت» _ روبه رو شد. ادعاهای نادرست کسانى چون سيد على محمد باب، اين واژه را از جايگاه واقعى اش دور و متروک ساخت؛ به گونه اى که امروزه کمتر درباره نمايندگان امام معصوم عليه السلام به کار مى رود و بيشتر براى اشاره به کسانى است که به دروغ، خود را نماينده معصومان معرفى مى کنند.

على محمد در سال ۱۲۳۵ در شيراز به دنيا آمد.^(۶) در کودكى به مکتب شيخ عابد رفت و خواندن و نوشتن و سياه مشق آموخت. شيخ عابد که از شاگردان شيخ احمد احسائى و سيد کاظم رشتى بود،^(۷) و

ص: ۱۱۸

- ۱- ر.ک: ابن شهر آشوب، ال مناقب، ج ۴، ص ۳۲۳؛ محمد باقر مجلسى، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۶؛ شيخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶؛ شيخ طوسى، الامالى، ص ۵۲۵؛ سيد بن طاوس، الاقبال، ص ۶۱۰.
- ۲- ر.ک: محمد باقر مجلسى، بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۵۳.
- ۳- ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۲۳۲.
- ۴- ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۳۱۱.
- ۵- ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۳۴۰.
- ۶- برگرفته از: دانشنامه جهان اسلام، مقاله "باب"، نوشته: مصطفى حسيني طباطبائي.
- ۷- عبدالحميد اشراق خاورى، تلخيص: تاريخ نبيل زرندي، ص ۶۳-۶۴.

از همان دوران، علی محمد را با نام رؤسای شیخیه (احسائی و رشتی) آشنا کرد؛ به طوری که چون سید علی محمد در حدود نوزده سالگی به کربلا رفت، در درس سید کاظم رشتی حاضر شد.^(۱) در مدتی که نزد سید کاظم رشتی شاگردی می کرد، با مسائل عرفانی و تفسیر و تأویل آیات و احادیث و مسائل فقهی به روش شیخیه آشنا شد و از آرای شیخ احسائی آگاهی یافت.^(۲) به علاوه هنگام اقامت در کربلا، از درس ملاصادق خراسانی که او نیز مذهب شیخی داشت بهره گرفت و چندی نزد وی بعضی از کتب ادبی متداول آن ایام را خواند.^(۳) در ۱۲۵۷ به شیراز بازگشت و در هـ فرصت، مطالعه کتب دینی را فراموش نمی کرد. خودش می گوید:

ولقد طالعت سنابرق جعفرالعلوی و شاهدت بواطن آیاتها؛^(۴)

همانا کتاب سنابرق، اثر سید جعفرعلوی [مشهور به کشفی] را خواندم و باطن آیاتش را مشاهده کردم.

علی محمد، گذشته از دل بستگی به اندیشه های شیخی و باطنی به ریاضت کشی نیز مایل بود و هنگام اقامت در بوشهر، در هوای گرم تابستان، از سپیده دم تا طلوع آفتاب و از ظهر تا عصر بر بام خانه، رو به خورشید اورادی می خواند.^(۵)

پس از درگذشت سید کاظم رشتی، مریدان و شاگردان وی جانشینی برای وی می جستند که به قول ایشان مصداق «شیعه کامل» یا «رکن رابع» باشد. در این باره، میان چند تن از شاگردان سید کاظم رقابت افتاد. علی محمد نیز در این رقابت شرکت کرد، بلکه پای از جانشینی سید رشتی فراتر نهاد و خود را «باب» امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یا «ذکر» او یعنی واسطه میان امام و مردم شمرد. ادعای علی محمد، چون شگفت آورتر از دعاوی سایر رقیبان بود، واکنش بزرگ تری یافت و نظر گروهی از شیخیان را به سوی وی جلب کرد. هجده تن از شاگردان

ص: ۱۱۹

۱- فاضل مازندرانی، ظهورالحق، ج ۳، ص ۹۷.

۲- فاضل مازندرانی، اسرار الاثار، ج ۱، ص ۱۹۲-۱۹۳.

۳- فاضل مازندرانی، اسرار الاثار، ج ۴، ص ۳۷۰.

۴- فاضل مازندرانی، ظهورالحق، ج ۳، ص ۴۷۹.

۵- تاریخ نبیل زرنندی، ص ۶۷.

سید کاظم که همگی شیخی مذهب بودند (و بعدها سید علی محمد آن ها را حروف حیّ نامید) پیرامونش را گرفتند. (۱)

علی محمد، در آغ از ام، بخش هایی از قرآن کریم را با روشی که از مکتب شیخیه آموخته بود، تأویل کرد و آنجا به تصریح نوشت که امام دوازدهم شیعیان او را مأمور کرده است جهانیان را ارشاد کند و خویشتن را «ذکر» نامید.

همین که مدتی از دعوت وی سپری شد و گروهی به او گرویدند، ادعای خود را تغییر داد و از مهدویت سخن به میان آورد و گفت: «منم آن کسی که هزار سال می باشد که منتظر آن می باشم». (۲) سپس به ادعای نبوت و رسالت برخاست و به گمان خود، احکام اسلام را با آوردن کتاب بیان نسخ کرد. (۳)

بدین ترتیب، علی محمد هرچند زمانی دعاوی خود را به مقامات بالاتری تغییری می داد و سخنان پیشین را برای یارانش تأویل می کرد و آنان را در پی خود می کشید. پس از بازگشت سید علی محمد به بوشهر (در زمانی که هنوز از ادعای بابیت امام زمان علیه السلام فراتر نرفته بود) به دست ور والی فارس در رمضان ۱۲۶۱ ق دستگیر و به شیراز فرستاده شد. در شیراز او را تنبیه کردند آنگاه نزد امام جمعه آن شهر اظهار توبه و ندامت کرد و به قول یکی از موافقان خود برفراز منبر در حضور مردم گفت: «لعنت خدا بر کسی که مرا وکیل امام غایب بداند! لعنت خدا بر کسی که مرا باب امام بداند!...» (۴) پس از آن شش ماه در خانه پدری خود تحت نظر بود و از آن جا به اصفهان و سپس به قلعه ماکو تبعید شد. در دورانی که در آن قلعه زندانی بود، با مریدانش ملاقات و مکاتبه داشت و از این که می شنید آن در کتب تبلیغ دعاوی او می کوشند به شوق می افتاد و سخنانی را به عنوان کلمات الهی به مریدان عرضه می داشت؛ چنان که

ص: ۱۲۰

۱- عبدالحسین آیتی، الکواکب الدرّیه فی مآثر البهائیه، ج ۱ ص ۴۳.

۲- حاجی میرزاجانی کاشانی، نقطه الکاف، ص ۱۳۵.

۳- ن. ک: علی محمد باب، بیان عربی، ص ۳.

۴- تلخیص تاریخ نبیل زرنندی، ص ۱۴۱.

دولت محمدشاه قاجار برای آن که پیوند او را با مریدانش قطع کند، در صفر ۱۲۶۴ وی را از قلعه ماکو به قلعه چهریق در نزدیکی ارومیه و در اواخر سلطنت محمد شاه به تبریز بردند و مجلسی با حضور ناصرالدین میرزا (که در آن وقت ولیعهد بود) و چند تن از علما ترتیب دادند. علی محمد را در آن مجلس حاضر کردند. علی محمد در آن جا آشکارا از مقام مهدویت خود سخن گفت؛ ولی در پاسخ اشکالات و پرسش های علمای حاضر، فروماند. (۲)

پس از آشکارشدن عجز علی محمد در اثبات ادعای خود، وی را چوب زده تنبیه نمودند. او از دعاوی خویش تبری جست و اظهار پشیمانی کرد و خطاب به ولیعهد توبه نامه رسمی نوشت. صورت توبه نامه علی محمد را یکی از مریدانش در کتاب خود آورده است. (۳)

بدین سان علی محمد از دعاوی خود بازگشت؛ ولی توبه او صوری بود، چنان که پیش از توبه اخیر در شیراز نیز بر فراز منبر و برابر مردم نیابت و باییت خود را انکار کرد؛ اما چیزی نگذشت که ادعاهای بالاتری را به میان آورد و از پیامبری و رسالت خویش سخن گفت. در اواخر سلطنت محمدشاه و پس از مرگ او (۱۲۶۴) از سوی مریدان سید علی محمد آشوب هایی در کشور پدید آمد. (۴) و آنان، چنین می پنداشتند که یاران مهدی موعودند و بزودی جهان را در تسخیر خود خواهند گرفت و بر شرق و غرب فرمانروایی می کنند. میان ایشان و نیروی دولتی، جنگ در گرفت و فتنه آنان با پیروزی قوای دولت و کشته شدن ملا- محمدعلی بارفروشی در جمادی الثانی ۱۲۶۵ پایان گرفت. در زنجان نیز شورش به سرکردگی ملا محمدعلی زنجانی پدید آمد که به شکست پایان

ص: ۱۲۱

۱- احمد یزدانی، نظراجمالی در دیانت بهائی، ص ۱۳.

۲- ن.ک: فاضل مازندرانی، ظهورالحق، ج ۳، ص ۱۴.

۳- ن.ک: ابوالفضل گلپایگانی، کشف الغطاء، ص ۲۰۴ _ ۲۰۵.

۴- ن.ک: حاجی میرزاجانی کاشانی، نقطه الکاف، ص ۱۶۲.

انجامید (۱۲۶۶). در تهران نیز گروهی از بایبان به رهبری علی ترشیزی برآن شدند تا ناصرالدین شاه و امیرکبیر و امام جمعه تهران را به قتل رسانند؛ اما نقشه آنان کشف شد و ۳۸ تن از سران بایبان دستگیر و هفت تن از آن ها کشته شدند. شگفت آن که مریدان علی محمد در جنگ های قلعه طبرسی و زنجان، از مسلمانی دم می زدند و نماز می گزاردند و از «بایت» سید علی محمد جانبداری می کردند.^(۱)

ظاهراً در آن هنگام هنوز ادعای مهدویت و نبوت وی بدیشان نرسیده بود؛ از این رو به اعتراف وقایع نگاران بابی برخی از بایبان به محض این که در «بدشت» از ادعای مهدویت علی محمد و تغییر احکام اسلام باخبر شدند، به شدت از او روی گرداندند.^(۲) پس از مرگ محمدشاه و بالاگرفتن فتنه بابیه، میرزاتقی خان امیرکبیر _ صدراعظم ناصرالدین شاه _ مسامحه در کار علی محمد باب را روا ندید و تصمیم گرفت او را در ملاعام به قتل رساند و از این راه آتش شورش ها را فرونشاند. برای این کار، از برخی علما فتوا خواست؛ ولی به گفته ادوارد براون:

دعاوی مختلف و تلون افکار و نوشته های بی مغز و بی اساس و رفتار جنون آمیز او علما را برآن داشت که به علت شبهه خبط دماغ بر اعدام وی رأی ندهند.^(۳)

با وجود این برخی از علما که احتمال خبط درباره علی محمد را نمی دادند و او را مردی دروغگو و ریاست طلب می شمردند، به قتل وی فتوا دادند و علی محمد همراه یکی از پیروانش در ۲۷ شعبان ۱۲۶۶ در تبریز تیرباران شد.

عقاید

علی محمد باب، از آغاز دعوت خود، عقاید و آرای متناقضی ابراز داشت. آنچه از بیان (مهم ترین کتاب او نزد پیروانش) فهمیده می شود، آن است که وی خود را برتر از همه انبیای الهی می انگاشته و مظهر نفس پروردگار می پنداشته

ص: ۱۲۲

۱- عبدالحسین آیتی، الکواکب الدریه فی مآثرالبهائیه، ج ۱ ص ۱۶.

۲- عبدالحسین آیتی، الکواکب الدریه فی مآثرالبهائیه، ج ۱، ص ۱۳۰.

۳- محمد باقرنجفی، بهائیان، ص ۲۵۲.

است (۱) و عقیده داشته که با ظهورش، آیین اسلام منسوخ و قیامت موعود در قرآن به پا شده است. (۲) به علاوه علی محمد خود را مبشر ظهور بعدی شمرده و او را «من یظهره الله» خوانده است و در ایمان پیروانش بدو تأکید فراوان دارد. (۳) علی محمد در حقانیت این آرا پافشاری نموده و در برخورد با افرادی که بایی نباشند، خشونت بسیاری را سفارش کرده است؛

ص: ۱۲۳

۱- علی محمد باب، بیان عربی، ص ۱.

۲- همو، لوح هیکل الدین، ص ۱۸.

۳- بیان عربی، ص ۵-۶.

چنان که در الواح بیان درباره وظیفه اولین فرمانروای بابی می گوید:

لن تذر (کذا) فوق الأرض إذا استطاع أحدا غير البابين؛^(۱) چون [فرمانروای بابی] توانایی یافت، هیچکس _ جز بابی ها _ را بر روی زمین باقی نگذارد.

وی، در بیان فارسی فرمان می دهد همه کتاب ها را محو و نابود کنند؛ جز کتبی که درباره آیین وی پدید آمده یا می آید. همچنین تأکید کرده است پیروانش جز کتاب بیان و آنچه بدان وابسته می شود نیاموزند.^(۲) افکار سیدعلی محمد باب مجموعه ای از برخی آرای شیخیان و باطنیان (تاویل گرایان) و صوفیان و کسانی که به علم حروف و اعداد گرایش داشته اند و پاره ای از دعاوی شخصی بوده است.

آثار

علی محمد باب، آثاری چند از خود به جای نهاده که برخی از آن ها چاپ شده و پاره ای دیگر به دلیل کشاکش های داخلی میان پیروانش هنوز به چاپ نرسیده است. جز آثاری که پیش از این نام بردیم، برخی کتاب های دیگر او عبارت اند از: پنج شأن، دلائل السبعه، صحیفه عدلیه، تفسیر سوره کوثر، تفسیر سوره بقره، قیوم الأسماء، کتاب الروح.

آثار علی محمد باب غالباً به زبان عربی نوشته شده و سرشار از غلط های صرفی و نحوی است. البته وی کوشیده است _ برای آنکه نشان دهد سخنانش رنگ قرآنی دارد _ گفتارش را با سجع و وزن همراه سازد و با آن که یگانه معجزه خود را همین سخنان می شمارد،^(۳) تکلف و ابتذال در عباراتش سخت آشکار است.

بابیه < باب

باران های پیاپی

از نشانه های غیر حتمی ظهور

یکی از پدیده های سال ظهور و نشانه های غیر حتمی آن، باران های پیاپی است که تا آن روز، مانند آن دیده نشده است و زمینه آبادی و

ص: ۱۲۴

۱- علی محمد باب، لوح هیکل الدین، ص ۱۵.

۲- بیان عربی، ص ۱۵.

۳- بیان عربی، ص ۲۵.

سرسیزی زمین را فراهم می کند و به بهبود وضع زمین منجر می شود؛ چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

در آستانه [قیام] قائم علیه السلام سالی پرباران خواهد بود که در اثر آن، خرما بر روی نخل می پوسد. در این، تردیدی به خود راه ندهید. (۱)

بارش این مقدار باران پیاپی، کم سابقه یا بی سابقه است. البته احتمال دیگری نیز وجود دارد که این باران ها، هم زمان و در همه جای زمین ببارد. در این صورت، می تواند جنبه اعجاز داشته باشد. امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی که زمان قیام قائم علیه السلام فرا رسد، بر مردم باران فرو خواهد ریخت؛ در ماه جمادی الثانی و ده روز رجب؛ بارانی که ماندش دیده نشده است. (۲)

نیز ن.ک: ظهور، نشانه های ظهور، قیام.

باقریه

شیعیان معتقد به مهدویت امام باقر علیه السلام

«باقریه»، به گروهی از شیعیان گفته می شود که به رجعت امام محمد باقر علیه السلام معتقد بودند. آنان، رشته امامت را از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام به نواده او امام باقر علیه السلام کشانده و او را مهدی منتظر می دانستند. به نظر آنان، جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرموده است:

همانا تو مردی از اهل بیت مرا _ که نام او محمد بن علی و کنیه اش اباجعفر است _ خواهی دید و چون او را دیدی سلام مرا به وی برسان. (۳)

ج_ اب_ ر، آخ_ رین کس از اصح_ اب پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بود که در سن پیری و نابینایی در گذشت. وی به دنبال امام

ص: ۱۲۵

۱- «إِنَّ قُدَامَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَسَنَّهُ عَيْدَاقَهُ يَفْشُدُ فِيهَا التَّمْرُ فِي النَّخْلِ فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ»، شيخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۴۹؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۱.

۲- «إِذَا آنَ قِيَامِ الْقَائِمِ مَطَرَ النَّاسَ جَمَادِي الْآخِرَةِ وَعَشْرَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ مَطْرًا لَمْ يَرَ الْخَلَائِقُ مِثْلَهُ...»، شيخ مفيد، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۱؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۴؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۳.

۳- «انک ستندرک رجلاً من اهل بيتي اسمه محمد بن علي يُكنى ابا جعفر فافترئه مني السلام»، محمد بن يعقوب كليني، الكافي،

محمدباقر علیه السلام که در آن وقت، کودک بود در کوچه های مدینه می گشت و می گفت: «یا باقر! متى القاک؟» ای باقر! کی تو را خواهم دید؟»

روزی در یکی از کوچه های مدینه، به آن حضرت برخورد و او را به سینه

خود چسباند و سر و دستش را بوسید و گفت: «يَا بَاقِرُّ! جَدُّكَ رَسُوْلُ اللّٰهِ يَقْرُئُكَ السَّلَامَ!» (۱) ای فرزند من! جدت رسول خدا به تو سلام می رساند.» گویند جابر در همان شب پس از دیدار آن حضرت، در گذشت.

باقریه گویند: از آن جا که جابر، مأمور رساندن سلام از سوی جدش به وی بود، پس آن مهدی منتظر است! (۲) البته این استدلالی بسیار سست و بی ارزش است. بر خلاف این پندار، روایات فراوانی — حتی از خود امام باقر علیه السلام — این ادعا را باطل می داند.

ابوبصیر نقل کرده است که امام باقر علیه السلام فرمود:

بعد از حسین علیه السلام نه امام می آیند. نُهَمین آنان، قائم ایشان است. (۳)

نیز ن.ک: مدعیان مهدویت.

البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان

از کتاب های اهل سنت در مهدویت

این کتاب، از کتاب های حدیثی مفصل در باب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که بیش از ۲۷۰ حدیث را در بر گرفته و به وسیله علاء الدین علی بن حسام الدین مشهور به متقی هندی (م ۹۷۵ ق) نوشته شده است. ابواب کتاب درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و موضوعات مربوط به آن حضرت، به شرح زیر است:

۱. فی الکرامات؛

۲. فی نسب المهدی علیه السلام ؛

۳. فی حلیه المهدی علیه السلام ؛

۴. فی احوال تقع قبل خروج المهدی علیه السلام ؛

۵. فی جامع العلامات و ...

در باب‌های بعد، به چگونگی بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یاران، فتوحات، مدت حکومت و نازل شدن عیسی علیه السلام

ص: ۱۲۶

۱- ر.ک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۸۵.

۲- محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۹۶.

۳- «يَكُونُ تَسَعُهُ أُمَّهُ بَعْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۴۰.

برای یاری آن حضرت، اشاره شده است. نگارنده درباره کتاب خود می گوید:

چون کتاب العرف الوردی فی اخبار المهدی نگارش جلال الدین سیوطی را مشاهده کردم، از آن جا که آن کتاب، دارای باب بندی و نظم لازم کرد، آن را باب بندی نمودم و برخی احادیث دیگر بر آن افزودم. (۱)

بعث امام مهدی علیه السلام < ظهور

بَقِيَهُ اللَّهُ

از القاب حضرت مهدی علیه السلام

واژه «بقیت» به معنای، باز مانده و پاینده و آن چیزی است که از چیزی باقی گذاشته شود. عبارت «بَقِيَهُ اللَّهُ»، هم در قرآن مجید و هم در روایات آمده است.

در قرآن، فقط یک بار و در داستان حضرت شعیب علیه السلام ذکر شده است؛ آن جا که ه وی قـوم خـود را از کم فروشی نهی کرده، می گوید:

((بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ)) (۲)

اگر مؤمن باشید، باقی مانده خدا برای شما بهتر است و من بر شما نگاهبان نیستم.

در روایات گوناگونی «بقیه الله» به وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا برخی دیگر از امامان علیهم السلام تفسیر شده است. امام باقر علیه السلام فرمود:

نخستین سخنی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از قیام خود می گوید، ای ___ن آیه است: ((بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ))؛ سـپ ___س می گـوید: «منم بقیه الله بر روی زمین.» (۳)

درست است که در آیه مورد بحث، مخاطب، قوم شعیب بوده و منظور از «بقیه الله»، سود و سرمایه حلال یا پاداش الهی است؛ ولی هر موجودی نافع که از طرف

ص: ۱۲۷

۱- متقی هندی، البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، ص ۱۰.

۲- هود (۱۱): ۸۶.

۳- «وَأَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَيْدَةُ الْوَالِدِ (بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا بَقِيَهُ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ»، شیخ صدوق، کمال

الدين و تمام النعمه، ج ١، ص ٣٣٠، باب ٣٣، ح ١٦.

خداوند سبحانه و تعالی برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او گردد، «بقیه‌الله» محسوب می‌شود. بر این اساس، تمام پیامبران الهی و پیشوایان بزرگ، بقیه‌الله هستند. تمام رهبران راستین نیز که پـس از مـبـارزه بـا یـک دشمن سرسخت برای یک قوم و ملت باقی می‌مانند، از این نظر بقیه‌الله هستند. سربازانی که پس از پیروزی از جنگ باز می‌گردند، آنان نیز بقیه‌الله هستند.

در روایات، دعاها و زیارات، امامان

معصوم علیهم السلام بـه عنـوان «بقیه‌الله» توصیف شده‌اند، برای نمونه به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. به دستور هشام بن عبدالملک، امام باقر علیه السلام را به شام بردند. هنگام بازگشت به مدینه، هشام فرمان داد بازارها را بر روی آن حضرت و همراهانش ببندند و آنان را از خوراک و آشامیدنی محروم سازند. وقتی به شهر مدینه رسیدند، مردم در شهر را بر رویشان بستند و اصحاب آن حضرت به سبب کمبود آب و غذا به زحمت افتادند و به آن بزرگوار شکایت بردند. امام باقر علیه السلام بالای کوهی مشرف به شهر رفت و با صدای بلند فرمود:

ای اهل شهری که مردم انش ستمگرند! به خداوند سبحانه و تعالی سوگند! من بقیه‌الله هستم. خداوند سبحانه و تعالی فرمود: «بقیه‌الله برایتان بهتر است؛ اگر ایمان دارید.» (۱)

۲. در زیارت جـامعه کبـیـه، ره، می‌خوانیم: «سلام بر امامان که... بقیه‌الله هستند...» (۲)

از آنجـا که مهـدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، آخرین پیشوا و بزرگ‌ترین رهبرانقـلابی پـس از بعثت پیـامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است، یکی از روشن‌ترین مصادیق «بقیه‌الله» و شایسته‌ترین فرد به این لقب است؛ به ویژه که یگانه باقی مانده بعد از پیامبران و امامان است. نمونه‌ای از این روایات بدین قرار است:

۱. در دعای ندبه می‌خوانیم: «کجا است آن بقیه‌الله که از

ص: ۱۲۸

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۷۱، ح ۵.

۲- «السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ... وَ بَقِيَةِ اللَّهِ...»، شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۹.

۲. مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: «آیا بر امام قائم می توان با عنوان امیرمؤمنان سلام کرد؟» فرمود: «نه؛ خداوند سبحانه و تعالی این نام را به حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام اختصاص داده است. پیش از او کسی این نام بر خود ننهاده و پس از او نیز کسی این نام را به خود نبندد، مگر آن که کافر باشد.»

راوی گوید: پرسیدم: «فدایت شوم! پس چگونه بـ ر او سلام کنند؟» فرمود: «می گویند «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَقِيَةَ اللَّهِ» سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمود: ((بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ))» (۲).

۳. امام باقر علیه السلام فرمود:

نخستین سخن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور، این آیه است که می گوید: بقیه الله برایتان بهتر است؛ اگر ایمان دارید. آن گاه می فرماید: «منم بقیه الله و حجیت و خلیفه او در میان شما.» در آن زمان هر کس بر آن حضرت سلام کند، می گوید: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَقِيَةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» (۳).

۴. وقتی احمد بن اسحاق بن سعد اشعری، به محضر امام عسکری علیه السلام شرفیاب شد و درباره جانشین آن حضرت پرسید، آن حضرت کودکی خردسال، همچون قرص ماه را به او نشان داد. احمد بن اسحاق پرسید: «آیا نشانه ای هست تا قلبم اطمینان یابد؟» آن کودک زبان گشود و با زبان عربی فصیح فرمود:

من بقیه الله بر زمین و منتقم از دشمنان او هستم. ای احمد بن اسحاق! بعد از دیدن [این کرامت]، نشانه ای طلب نکن. (۴).

ص: ۱۲۹

۱- «أَيْنَ بَقِيَةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ...»، سید بن طاوس، الاقبال، ص ۲۹۷.

۲- «لَا ذَاكَ إِسْمٌ سَمِيَ اللَّهُ بِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَسْمَ بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَا يَتَسَمَّى بِهِ بَعْدَهُ إِلَّا كَافِرٌ»، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۲؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۱۹۳، ۲۴۹؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۶.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۴- «أَنَا بَقِيَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ أَثْرًا بَعِيدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۱.

بلالی < محمد بن علی بن بلال

بلالیه

پیروان محمد بن علی بن بلال از مدعیان نیابت امام مهدی علیه السلام

از فرقه های «غالیان» منسوب به ابوطاهر محمد بن علی بن بلال (از اصحاب امام یازدهم علیه السلام) و از منکران نیابت محمد بن عثمان عمری (از نواب اربعه) هستند.

ابـوطـاهر از تسـلیم اموالی که شیعیان بـه عنوان سهم امـام به او داده بودند، به محمد بن عثمان خودداری کرد. سپس ادعای نیابت کرد و گفت وکیل امام است. از طرف حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف توقیعی در

ص: ۱۳۰

بهائیت

بهائیت (۲)

فرقه ای منشعب از آیین بابی، پیروان بهاء الله

بهائیت، فرقه ای منشعب از آیین بابیه است. بنیان گذار آیین بهایی، میرزا حسین علی نوری، معروف به بهاء الله است. این آیین نیز نام خود را از همین لقب برگرفته است.

وی در سال ۱۲۳۳ق در تهران به دنیا آمد و مانند برادرانش آموزش های مقدماتی ادب فارسی و عربی را زیر نظر پدر و معلمان و مربیان گذراند. در زمان ادعای بابیت سید علی محمد شیرازی، در جمادی الاولی ۱۲۶۰ ق، او جوانی ۲۸ ساله و ساکن تهران بود که در پی تبلیغ نخستین پیرو باب، ملاحسین بشرویه ای در شمار نخستین گروندگان به باب در آمد. از آن پس، همراه برادرش، میرزا یحیی صبح ازل یکی از فعال ترین افراد بابی شد و به ترویج بابی گری - به ویژه در نور و مازندران - پرداخت.

پیدایش فرقه بهائیت

در دوران جانشینی صبح ازل، حسین علی مسئول تمام امور بابی بود؛ ولی هرگز به این سمت قانع نبود؛ از این رو در پی آن بود مقصود نهایی خود را ابراز دارد و خویشان را همان «من یظهره الله» معرفی کند که در کتاب باب ذکرش رفته بود و امور بابی ها را یکسره در دست گیرد. وی پس از بازگشت از سلیمانیه در باغ نجیب پاشا ادعای خود را آشکار کرد (۳) نخستین کسی که به شدت بر او تاخت و ادعایش را باطل شمرد میرزا یحیی ازل، برادرش بود. (۴) رقابت دو برادر بر سر رهبری بایان کم کم به اوج خود رسید، تا جایی که طرفین یک دیگر را به مرگ تهدید کردند؛ بنابراین در سال ۱۲۸۵ق به دستور دولت عثمانی، یحیی صبح ازل به قبرس، و حسین علی به عکا در سرزمین

ص: ۱۳۱

۱- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۶۰ و ۲۶۱.

۲- برگرفته از: محمود صدیقی، «بهائیت»، دانشنامه جهان اسلام.

۳- آیتی، الکوآکب الدریه، ج ۱، ص ۲۵۷.

۴- موسوی، جمال ابهی، ص ۱۳۶.

فلسطین تبعید شدند. در همین ایام بود که برای تشخیص طرفداران آن دو، اطرافیان صبح ازل به فرقه «ازلیه» و پیروان میرزا حسین علی بهاء، فرقه «بهائی» نامیده شدند. اما با مرگ یحیی صبح ازل، ازلیه و به تبع آن، بایبان برای ابد فراموش شدند.

سرانجام دعوت میرزا بهاء

وقتی میرزا حسین علی احساس کرد دعوت او مؤثر افتاد و عده ای گرد او حلقه زدند، نوع دعوتش را در مراحل گوناگون زمانی تغییر داد. وی پس از ادعای «من یظهره الله» ادعای رسالت و شاریت و سپس ادعای حلـول روح خـدا در خـود به نحو تجسد و تجسم کرد. او با عبارت «انا الهیکل الاعلی» از این مطلب یاد می کرد.

بهاء در بغداد و اسلامبول و ادرنه و نیز در عکا همواره با تقیه و تظاهر به اسلام زندگی می کرد، تا خشم حکومت عثمانی را بر ضد خود بر نینگیزد. وی در نماز جمعه عکا شرکت می جست و در ماه رمضان، به روزه داری تظاهر می کرد؛ با این حال، رابطه سری خود را با بایبان ایران که بعدها «بهائی» نام گرفتند، قطع نکرده و همواره مکتوبات و وحی های ادعایی، یا تجلیات خدا منشأنه خود را برای آنان می فرستاد یا باز می گفت.

وی سرانجام در سال ۱۸۹۲م (حدود ۱۳۰۹ق) پس از سال ها سکونت در عکا در گذشت و آن جا به خاک سپرده شد.

پس از میرزا حسین علی، فرزندش عبدالبهاء رهبر بهائیان شد و نظام جدیدی را در تفکرات بهائیت پدید آورد. وی در سفرهای خود، تعالیم باب و بهاء را با آنچه در قرن نوزدهم در غرب، به ویژه تحت عناوین روشنگری و مدرنیسم و اومانیسم متداول بود، آشتی داد. او تعالیم دوازدهگانه بهائیت را با الهام از همین آموزه ها تدوین و عرضه کرد که عبارتند از: ترک تقلید، تطابق دین با علم و عقل، وحدت اساس ادیان، بیت العدل، وحدت عالم انسانی، ترک تعصبات، الفت و محبت میان افراد بشر، تعدیل معیشت عمومی، تساوی حقوق زنان و مردان، تعلیم و تربیت اجباری، صلح عمومی و تحریم جنگ و وحدت خط و زبان. (۱)

ص: ۱۳۲

تعالیم دوازدهگانه یادشده، در ظاهر بسیار جذاب و زیبا است و از طرفی شعارهای تبلیغاتی مؤثری در جذب افراد بهائی به این آیین است؛ اما با عملکرد رهبران و پیروان آن در گذشته و حال _ به ویژه برنامه های اعمال شده از سوی «بیت العدل اعظم» بهائیان _ مغایرت بسیار دارد.

پس از مرگ عبدالبهاء، نوه دختری او شوقی افندی رهبر بهائیان شد. پس از وی، هدایت بهائیان به شورایی با عنوان بیت العدل واگذار شد که تا کنون در فلسطین اشغالی به هدایت بهائیان می پردازد.

آیین ها و باورهای بهائیان

نوشته های علی محمد باب، میرزا حسین علی بهاءالله، عبدالبهاء و تا حدی نیز شوقی افندی از نظر بهائیان مقدس است و در مجالس ایشان قرائت می شود؛ اما کتب باب، به طور عموم در دسترس بهائیان قرار نمی گیرد و دو کتاب اقدس و ایقان میرزاحسین علی نوری است که نزد بهائیان از اهمیت خاصی برخوردار است.

تقویم شمسی بهائی از نوروز آغاز شده به نوزده ماه در هر ماه به نوزده روز تقسیم می شود. چهار روز (در سال های کیسه، پنج روز) باقیمانده که موسوم به ایام «هء» است، ایام شکرگزاری و جشن تعیین شده است.^(۱)

بهائیان موظف به نماز خاصی به صورت روزانه، روزه به مدت نوزده روز از طلوع تا غروب آفتاب (در آخرین ماه سال) و زیارت یکی از اماکن مقدس ایشان شامل منزل سیدعلی محمد باب در شیراز یا منزل میرزاحسین علی نوری در بغدادند.

آیین بهائی از ابتدای پیدایی، میان مسلمانان یک انحراف اعتقادی (فرقه ضاله) شناخته شد ادعای قائمیت توسط علی محمد باب با توجه به احادیث قطعی پدیرفت ه نبود. ویژگی های مهدی در احادیث اسلامی به گونه ای تبیین شده که راه هر گونه

ص: ۱۳۳

۱- ر.ک: آیتی، کشف الحیل، ج ۲، ص ۲۰۸؛ عبدالحمید اشراق خاوری، رساله گنجینه حدود و احکام، ص ۳۰ _ ۳۴؛ احمد یزدانی، نظر اجمالی در دیانت بهائی، ص ۹۷ _ ۹۸.

ادعـای بیجا را بسته است. مخالفت علما با علی محمد به سبب همین ادعا و ادعای بابت او بود.

مشکل بهائیت از این حیث مضاعف است. میرزا حسین علی، علاوه بر قبول قاننیت سیدعلی محمد باب و این که او دین جدیدی آورده است، خود را «من یظهره الله» نامید و ادعای شریعت مستقل را مطرح کرد. همه مسلمانان، خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را مسلم می دانند و بالطبع هر ادعا که با این اعتقاد سازگار نباشد و هر فرقه ای که این اصل را نپذیرد، از نظر مسلمانان از اسلام جدا شده است و به هیچ روی نباید خود را برآمده از اسلام بدانند.

گذشته از این، اثبات ادعای رسالت برای رهبران آیین بهائی با توجه به مخاطبان اصلی آن ها (مسلمانان و به ویژه شیعیان) ممکن نبود. و مبلغان و مدافعان بهائی _ با وجود تلاش بسیار برای استدلالی کردن این ادعا _ در اثبات مدعا درماندند و غالباً به شیوه های خاص برای تأیید درستی دین جدید روی آوردند. مهم ترین برهان ایشان، کثرت آیات و نوشته های میرزا حسینعلی و نیز گسترش آیین بهائی بود.

تاریخ پرحادثه رهبران بهائی، نادرست درآمدن پیش گویی های آنان و منازعات دور از ادب از یک سو، حمایت های دولت های استعماری از سران بهائی در مواضع مختلف، به ویژه همراهی آنان با دولت اسرائیل از سوی دیگر، زمینه فعالیت در کشورهای اسلامی به ویژه ایران را از بهائیان گرفت و با وجود فعالیت گسترده تشکیلات بهائی برای تثبیت حضور رسمی پیروان خود در این کشورها، هیچ گاه چنین خواسته ای تحقق نیافت. مؤلفان بسیاری در نقد ای _ ن آیین کتاب نوشتند؛ مطبوعات فارسی و عربی، رویکردهای سیاسی آنان را افشا کردند؛ علمای حوزه های علمیه شیعه و دانشگاه الازهر و مفتیان بلاد اسلامی جدا بودن این فرقه از امت شورای اسلامی را اعلام داشتند و سازمان های بین المللی اسلامی نیز در قبال آیین بهائی همین موضع را گرفتند. (برای نمونه، رجوع کنید به مصوبه شورای مجمع فقه اسلامی در ۱۸ تا ۲۳ بهمن ۱۳۶۶ ش تا ۱۱ فوریه ۱۹۸۸ م در سازمان کنفرانس اسلامی و مجمع فقه اسلامی ص ۸۴ _ ۸۵ که ادعای رسالت بهاء الله و نزول وحی بر وی و

دیگر باورهای بهائی را مصداق انکار ضروریات دین دانسته است). بازگشت برخی مقامات و مبلغان بهائی از این آیین و افشای مسائل درونی این فرقه نیز عامل مهم فاصله

گرفتن مسلمانان از این آیین بوده است.

البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام

از منابع روایی اهل سنت در مهدویت

ابوعبدالله محمدکنجی شافعی (م ۶۵۸ق)، احادیث مربوط به مهدی و ویژگی های او را با ترتیب ویژه و در باب های منسجم، در این کتاب ذکر کرده است. وی در مقدمه کتابش _ برای ردّ اتهام شیعی بودن عقیده مهدویت و اثبات آن به عنوان یک موضوع اسلامی _ اذعان می کند که در این کتاب، فقط احادیثی را آورده است که از طریق اهل سنت، روایت شده و از ذکر روایات شیعی پرهیز کرده است. (۱) وی در کتاب البیان، می نویسد:

احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره مهدی به دلیل روایان بسیاری که دارد، به حد تواتر رسیده است.

او مجموع این احادیث (هفتاد حدیث) را در ۲۵ باب منظم کرده و حتی به بعضی از جزئیات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام نیز اشاره نموده است. برخی عناوین باب های این کتاب عبارت است: فی ذکر خروجه فی آخر الزمان، فی قوله صلی الله علیه و آله و سلم: المهدی من عترتی من ولد فاطمه، فی ذکر المهدی من سادات اهل الجنة، فی امر النبی صلی الله علیه و آله و سلم بمبايعه المهدی، فی ذکر نصره اهل المشرق للمهدی، فی مقدار ملكه بعد ظهوره، فی بیان انه یصلی بعیسی علیه السلام؛ فی تحلیه النبی صلی الله علیه و آله و سلم المهدی علیه السلام، فی تصریح النبی بانّ المهدی من ولد الحسن علیه السلام، فی ذکر کرم المهدی. علیه السلام

نکته قابل توجه این که وی _ با

ص: ۱۳۵

۱- ابو عبد الله محمد کنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، تحقیق: مهدی حمد الفتلاوی، ص ۱۹.

وجود انکار ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی بیشتر علمای اهل سنت _ آخرین باب را چنین نامیده است: «فی الدلالة علی جواز بقاء المهدي حياً». بر این اساس، وی نه فقط ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را پذیرفته، بلکه هرگونه استبعاد در باره طول عمر آن حضرت را نیز منتفی دانسته است.

کنجی شافعی در آغاز این باب می نویسد:

هیچ امتناعی در بقای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود ندارد؛ به دلیل این که عیسی، الیاس و خضر که از اولیای خداوند می باشند، زنده هستند و دجال و ابلیس، که از دشمنان خداوند می باشند نیز زنده هستند و زنده بودن این ها، به وسیله قرآن و سنت اثبات شده است. آن گاه که بر این موضوع اتفاق کرده اند، زنده بودن مهدی را انکار نموده اند... پس به سخن هیچ عاقلی بعد از این توجه نمی شود، در این که باقی بودن مهدی را انکار کند. (۱)

به باور تاریخ نگاران، نویسنده کتاب، در سال ۶۵۸ ق در جامع اموی دمشق، به دست گروهی از عوام و به جهت تمایل وی به شیعه، کشته شد. (۲)

آیت الله حسن زاده آملی در وصف این کتاب می نویسد:

کتاب بیان در عین حال که صغیر الحجم است، بسیار عظیم النفع است. این کتاب موجز حائز فواید گرانقدر و ارزشمند است و هر چند هر یک از ابواب آن را در امر صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف اهمیتی بسزا است؛ لکن بعضی از ابواب _ به خصوص باب های دوم و هفتم و نهم و سیزدهم و بیست و چهارم و بیست و پنجم _ را شأنی دیگر و در خور دقت بیشتر و بهتر است. (۳)

بیت الحمد

خانه ای که از هنگام ولادت حضرت مهدی علیه السلام چراغی در آن روشن شده

«بیت» در لغت به معنای خانه و «حمد» به معنای ستایش و ثنا است.

ص: ۱۳۶

۱- ابو عبد الله محمد کنجی شافعی، البيان فی اخبار صاحب الزمان، تحقیق: مهدی حمد الفتلاوی، ص ۹۷.

۲- ابو عبد الله محمد کنجی شافعی، البيان فی اخبار صاحب الزمان، تحقیق: مهدی حمد الفتلاوی، ص ۱۲.

۳- حسن حسن زاده آملی، نهج الولاية، ص ۹۳.

این واژه در بعضی از روایات، بـه کار رفته و به عنوان جایگاهی مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شده است. مفضل گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا برای صاحب این امر، خانه ای است که بدان بیت الحمد می گویند. در آن، چراغی هست که از هنگام ولادت روشنی می بخشد و تا روزی که با شمشیر قیام می کند، خاموش نخواهد شد. (۱)

ص: ۱۳۷

۱- «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَيْتًا يُقَالُ لَهُ بَيْتُ الْحَمْدِ فِيهِ سِرَاجٌ يَزْهَرُ مُنْذُ وُلِدَ إِلَى يَوْمٍ يَقُومُ بِالسَّيْفِ لَا يَطْفَأُ»، نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۹، ح ۳۱.

جایگِ اِه ای ن خانه و چگِ ونگی روشنایی آن، به روشنی بیان نشده است؛ ولی احتمال می رود مقصود، معنایی کنایی باشد یعنی با ولادت آخرین حجت الهی، چراغ هدایت بشر با فروغی هر چه بیشتر، به پرتو افشانی پرداخته و زمین را از نور وجود خود آکنده ساخته است.

این روایت با همین مضمون از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است. (۱)

بیت المقدس

محل اقتدای مسیح علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

شهر «الْبیت المُقَدَّس» یا «بیت المقدس» یا «قدس» در غرب آسیا و شم ال خ اورمیانه، در فلسطین واقع شده و نخستین قبله مسلمانان است. قداست این شهر بسیار است. آن را پی امبران بن ا ک رده اند، داود علیه السلام و سلیم ان علیه السلام در ای ن شه ر حشمت داشتند. (۲)

خداوند سبحانه و تعالی در همین شهر، زکریا علیه السلام را به یحیی علیه السلام بشارت داد. جبال و طیر را در بیت المقدس برای داوود علیه السلام مسخر ساخت. (۳) هاجر از کوثا به بیت المقدس هجرت ک رد. موسی علیه السلام این جا به نور رب العزه نگریست و همین جا با خداوند سخن گفت. (۴) مریم ع ذرا در بیت المقدس وف ات ی افت عیسی بن مریم در همین جا به دنیا آمد و عروج کرد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم مدت ها رو به بیت المقدس نم از می گ زارد (۵) و ا س رای آن حضرت به این جا و معراج آن حضرت، از همین جا بود. (۶) بالاخره در اینجا حضرت مسیح ن ازل شده و در نم از ب ه حضرت مهدی علیه السلام اقتدا خواهد کرد. (۷)

ص: ۱۳۸

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۶۷، ح ۴۸۳.

۲- ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۴۴، ح ۱۱۴؛ شیخ طوسی، التهذیب، ج ۶، ص ۲۲، ح ۱۰۷.

۳- ر.ک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۷۲.

۴- ر.ک: میرزا حسین طبرسی نوری، مستدرک الوسائل، ح ۱۰، ص ۳۲۴.

۵- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۸۶.

۶- اسراء (۱۷): ۱.

۷- ر.ک: صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، فصل ۸۴، ح ۱۳؛ ابن بطریق، العمده، ص ۴۳۰، ح ۹۰۱.

امام علی علیه السلام از «بیت المقدس» در آستانه ظهور به عنوان بهترین جاها یاد کرده، فرمود:

بهترین جاها در آن روز، بیت المقدس باشد و بر مردم زمانی در آید که هر کدامشان آرزو کنند از ساکنان آن جا باشند. (۱)

نیز ن.ک: نزول عیسی علیه السلام .

بیدا < خسف به بیدا

بیعت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

«بیعت» واژه عربی از ریشه (ب ی ع) بـه معنای خرید و فروش و ایجاب و پذیرش بیع و در اصطلاح بر هم زدن کف دست راست از طرفین معامله به نشانه ختم معامله و تسلیم است و نیـز بـه هـر عمل و رفتاری اطلاق می شود که شخص به وسیله آن فرمانبرداری خود را از شخص دیگر و سرسپردگی در برابر امر و سلطه او نشان دهد.

شاید اطلاق کلمه «بیعت» به این معنا، از این جهت است که هر یک از دو طرف، تعهدی همچون دو معامله گر در برابر دیگری می کنند؛ بیعت کننده حاضر می شود تا پای جان و مال و فرزند در راه اطاعت او بایستد و بیعت پذیر نیز حمایت و دفاع او را بر عهده می گیرد.

بیعت، سنتی بود که پیش از اسلام، میان عرب رواج داشت؛ به همین دلیل در آغاز اسلام که طائفه اوس و خزرج موقع حج از مدینه به مکه آمدند و با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در عقبه بیعت کردند، برخورد آن ها با مسأله بیعت، برخورد با یک امر آشنا بود. پس از آن نیز پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در فرصت های گوناگون، با مسلمانان تجدید بیعت کرد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بیعت زنان را نیز می پذیرفت؛ اما نه از راه دست دادن؛ بلکه دستور می داد ظرف بزرگی از آب حاضر کنند. سپس آن حضرت دست خود را در یک طرف ظرف فرو می برد و زنان بیعت کننده در طرف دیگر.

گفتنی است در باره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام _ که از سوی خدا

ص: ۱۳۹

۱- «... خَيْرُ الْمَسَاكِينِ يَوْمَئِذٍ بَيْتُ الْمَقْدِسِ، وَلَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَتَمَنَّى أَحَدُهُمْ أَنَّهُ مِنْ شَيْكَاةِ»، شيخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۷، ح ۱.

نصب می شوند، به بیعت نیازی نیست؛ یعنی اطاعت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و ام‌ام

معصوم علیهم السلام منصوب از سوی او، واجب است؛ چه بر کسانی که بیعت کرده اند و چه با آنان بیعت نکرده باشند. و به تعبیر دیگر، لازمه مقام نبوت و امامت، وجوب اطاعت است؛ همان گونه که قرآن می فرماید:

((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)) (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.

حال این پرسش پیش می آید که اگر چنین است، چرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از یاران خود یا تازه مسلمانان، بیعت گرفت که دو نمونه آن (بیعت رضوان و بیعت با اهل مکه) به طور صریح در قرآن آمده است؟ (۲)

در پاسخ باید گفت: بدون شک این بیعت ها یک نوع تأکید بر وفاداری بوده که در مواقع خاصی انجام می گرفته است؛ به ویژه برای مقابله با بحران ها و حوادث سخت از آن استفاده می شده است، تا در سایه آن، روح تازه ای در کالبد افراد دمیده شود.

همین امر در بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود که جنبه تأکید بر وفاداری دارد. یکی از کاره‌ای نخست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ام‌ظهور، بیعت با یاران خود است. این بیعت، در مسجد الحرام و بین رکن و مقام صورت می گیرد. (۳) همان گونه که پیش از این یاد شد، در روایاتی نقل شده است که نخستین بیعت کننده با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جبرئیل امی‌ن است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

... پس نخستین کسی که با او بیعت کند، جبرئیل است. سپس آن ۳۱۳ نفر [بیعت می کنند]... (۴)

پس از این بیعت ویژه، حضرت

ص: ۱۴۰

۱- نساء (۴): ۵۹.

۲- ر.ک: سوره فتح (۴۸): ۱۰ و ۱۸.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۶، ح ۵۰۲؛ عبدالرزاق بن همام صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ح ۲۰۷۶۹.

۴- «... فَيَكُونُ أَوَّلُ مَنْ يِيَّاعُهُ جِبْرَائِيلَ ثُمَّ الثَّلَاثَةِ إِتِيَهُ وَ الثَّلَاثَةُ عَشْرُ»، علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۴؛ نیز ر.ک:

محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۸۴، ح ۳.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با دیگر یاران خود بیعت خواهد کرد.

افزون بر روایات شیعه در پاره ای از روایات اهل سنت نیز بر بیعت یاران حضرت با ایشان تأکید شده است. صنعانی (م ۲۱۱ق) یکی از بزرگان اهل سنت در باره این بیعت در روایاتی اشاره کرده است. (۱)

بنابراین بیعت فقط به دلیل تأکید بر دلدادگی یاران است و هرگز به سبب اعتماد و یا عدم اعتماد نیست.

بیعت نامه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مفاد بیعت حضرت مهدی علیه السلام با یاران خود هنگام ظهور

امیرمؤمنان علی علیه السلام به مفاد بیعت نامه مردم و حضرت مهدی علیه السلام این گونه اشاره کرده است:

... با او بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند، مرتکب فحشا نشوند، مسلمانی را دشنام ندهند، خون کسی را به ناحق نریزند، به آبروی کسی لطمه نزنند، به خانه کسی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند، مال یتیم نخورند، در باره چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند، مسجدی را خراب نکنند، مشروب نخورند، حریر و خز نپوشند، برابر سیم و زر سر فرود نیاورند، راه را بر کسی نبندند، راه را ناامن نکنند، گرد همجنس بازی نگردند، خوراک از گندم و جو انبار نکنند، به کم قناعت کنند، طرفدار پاکی باشند و از پلیدی گریزان باشند، به نیکی فرمان دهند و از زشتی ها باز دارند، جامه های خشن بپوشند، خاک را متکای خود سازند، در راه خدا حق جهاد را ادا کنند و...

او نیز در حق خود تعهد می کند:

از راه آنان برود، جامه ای مثل جامه آن ها بپوشد. مرکبی همانند مرکب آنان سوار شود و آن چنان که آن ها خواهند، باشد... با کم راضی و قانع شود، زمین را به یاری خدا پر از عدالت کند، آن چنان که پر از ستم شده است، خدا را آن چنان که شایسته است پرستد، برای خود دربان و نگاهبان اختیار نکند.» (۲)

ص: ۱۴۱

۱- صنعانی، المصنف، ج ۱۱، باب المهدی، ح ۲۰۷۶۹؛ نیز: ر.ک: مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۱۲۳.

۲- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۶۹.

ص: ١٤٢

شعار پرچم مهدی علیه السلام هنگام ظهور

از برخی روایات اسلامی _ اعم از شیعه و اهل سنت _ استفاده می شود که شعار پرچم پر افتخار حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، جمله «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ» است. شیخ صدوق روایت کرده است: «همانا بر پرچم مهدی الْبَيْعَةُ لِلَّهِ است.» (۱)

همچنین در برخی روایات دیگر گفته شده است: الْبَيْعَةُ لِلَّهِ ندایی است که از سوی جبرئیل امین به گوش جهانیان می رسد. شیخ مفید از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

جبرئیل، از کنار دست راست او ندا سر می دهد: «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ». پس در آن هنگام، پیروان او از اقصای نقاط گیتی به سوی او می شتابند، تا این که با آن حضرت بیعت کنند. پس خداوند سبحانه و تعالی به وسیله او زمین را پر از عدل و داد می سازد؛ آن سان که پر از ظلم و جور شده است.» (۲)

ص: ۱۴۳

۱- «أَنَّهُ يَكُونُ فِي رَأْيِهِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْبَيْعَةُ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۴، ح ۲۲؛ علی بن عبدالکریم نیلی نجفی، منتخب الانوار المضئیه، ص ۱۷۸؛ علی بن یوسف حلی، العدد القویه، ص ۶۶؛ نعیم بن حماد المروزی، الفتن، ص ۲۲۰؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۲۶۷.

۲- «... جَبْرَائِيلُ عَنْ يَدِهِ الْيُمْنَى يُنَادِي الْبَيْعَةَ لِلَّهِ فَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تُطْوِي لَهُمْ طَيِّبًا حَتَّى يُبَايِعُوهُ فَيَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا»، شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۹؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۲۵۰؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۵۳؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۶۲.

پایان تاریخ < آخرالزمان

پدر حضرت مهدی علیه السلام < امام حسن عسکری علیه السلام

پدر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اهل سنت

یکی از موارد اختلاف بین شیعه و سنی در موضوع مهدویت، اختلاف در پدر حضرت مهدی است. شیعه، با استناد به دلیل های فراوان ثابت کرده پدر حضرت مهدی علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام است؛ در حالی که بیشتر اهل سنت، با بیان برخی روایات در این زمینه، بر این باورند که نام پدر مهدی عبدالله، هم نام پدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

دانشمندان شیعه، با حفظ امانت کامل، برخی از این احادیث را _ هر چند صحیح نمی دانسته اند _ بدون کم و کاست از کتاب های اهل سنت نقل کرده اند؛ اما هرگز در این موضوع تردید به خود راه نداده اند. برخی از احادیثی که اهل سنت با استناد به آن ها، چنین دیدگاهی را انتخاب کرده اند، بدین قرار است:

ابن ابی شیبه، طبرانی و حاکم، از عاصم بن ابی النجود، از زرّ بن حُبیش از عبدالله بن مسعود روایت کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لا تذهب الدنيا حتى يبعث الله رجلا يواطئ اسمه اسمي، و اسم ابيه اسم ابي؛(۱)

دنيا از میان نمی رود، مگر این که خداوند سبحانه و تعالی مردی را بر می انگیزاند که نام او هم نام من و نام پدرش نام پدر من است.

ابو عمرو دانی و خطیب بغدادی، از عاصم بن ابی النجود از زرّ بن حبیش، از عبدالله بن مسعود نقل کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

قیامت بـر پـا نمی شود؛ مگر آنکه مردی از خاندان من بر همه مردم پادشاهی کند، نام او نام من و نام پدرش، نام پدر من است.(۲)

نعیم بن حماد، خطیب و ابن حجر، همگی از عاصم، از زرّ بن حبیش از ابن مسعود روایت کرده اند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «المهدی یواطئ اسمه اسمی و اسم ابيه اسم ابي»؛(۳) «مهدی نامش هم نام من و نام پدرش نام پدر من است.»

نعیم بن حماد به سند خودش از ابوالطفیل آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«المهدی اسمه اسمی و اسم ابيه اسم ابي؛(۴) مهدی نامش نام من و نام پدرش، نام پدر من است.»

هیچ یک از این احادیث، نمی تواند دلیلی محکم، بر ادعای کسانی باشد که نـام پـا در مهـدی علیه السلام را «عـبـدالله» دانسته اند. سند حدیث چهارم به اتفاق همه محدثان ضعیف است؛ زیرا یکی از راویان آن رشدین بن سعد است؛ یعنی همان «رشدین بن ابی رشدین» است که همه بزرگان اهل سنّت در علم رجال بر ضعف او اتفاق دارند.(۵) بدین

ص: ۱۴۶

۱- ابن ابی شیبّه، المصنّف، ج ۱۵، ص ۱۹۸، ح ۱۹۴۹۳؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۶۳، ح ۱۰۲۱۳ و ص ۱۶۶، ح ۱۰۲۲۲؛ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۴۲؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۱.

۲- ابو عمرو دانی، سنن، ص ۹۴ و ۹۵؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۷۰.

۳- خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ص ۳۹۱؛ نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۶۷، ح ۱۰۷۶ و ۱۰۷۷؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۸، ح ۳۸۶۷۸ به نقل از ابن عساکر.

۴- نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۱۰۸۰.

۵- ر. ک: المزی، تهذیب الکمال، ج ۹، ص ۱۹۱؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۴۰.

ترتیب و بـدون شک در چنـین امر مهمی، نمی توان سخن این گونه افراد را پذیرفت.

سه حدیث نخستین، نیز نمی توانند حجت و دلیل باشند؛ چون عبارت «نام پدرش نام پدر من است» را بزرگان و حافظان حدیث نقل نکرده اند و فقط جمله «نام او، نام من است» را همگان، بدون اضافه‌ای دیگر آورده‌اند.

برخی از پژوهشگران اهل سنت که روایت کنندگان از عاصم بن ابی النجود را بررسی کرده اند، به این مطلب تصریح کرده و گفته اند: «این اضافه در اصل حدیث نیست.»

از طرف دیگر، هر سه حدیث، فقط به ابن مسعود، ختم می شود و حال آن که در مسند احمد در چند مورد، همین حدیث از ابن مسعود نقل شده که با جمله «نام او، نام من است»، پایان یافته است. (۱)

ترمذی می گوید: «حدیث از علی علیه السلام، ابو سعید خدری، ام سلمه و ابوهریره، فقط با لفظ «نام او، نام من است» روایت شده است.» آن گاه _ بعد از نقل حدیث ابن مسعود با این لفظ _ می افزاید: «در این باب، از علی، ابوسعید، ام سلمه و ابوهریره روایت شده و این حدیث نیکو و صحیح است.» (۲)

طبرانی در المعجم الکبیر آن را از ابن مسعود، از چند طریق فقط با لفظ «نام او نام من است» در حدیث های ۱۰۲۱۴ به بعد، نقل کرده است.

حاکم نیز در مستدرک، حدیث را از ابن مسعود فقط با جمله «نام او نام من است»، نقل کرده و گفته است: «این حدیث با شرط شیخین صحیح است و آنان آن را نقل نکرده اند.» (۳)

بغوی در مصابیح السنه حدیث را _ بدون اضافه _ نقل کرده و گوید: حدیث نیکو است. (۴) مقدسی شافعی تصریح می کند: این افزوده را بزرگان حدیث روایت نکرده اند. پس از نقل حدیث _ بدون آن اضافه _ می نویسد: «گروهی از بزرگان حدیث، در کتاب های خود به همین گونه آورده اند؛ مانند: ابو عیسی ترمذی در جامع، ابی داود در

ص: ۱۴۷

۱- احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۴۳۰ و ۴۴۸.

۲- سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۵، ح ۲۲۳۰.

۳- حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۴، ص ۴۴۲.

۴- مصابیح السنه، ص ۴۹۲، ح ۴۲۱۰.

سپس حدیث های دیگری در تأیید درستی نقل خود از بزرگانی چند _ مانند طبری، احمد بن حنبل، ترمذی، ابو داود، حافظ ابو داود و بیهقی _ به نقل از عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عمر و حذیفه می آورد. (۲)

همان گونه که اشاره شد، ترمذی این حدیث را از حضرت علی علیه السلام، ابوسعید خدری، ام سلمه و ابوهریره فقط با جمله «نام او، نام من است»، روایت کرده است. اگر جمله «و نام پدرش، نام پدر من است» در متن اصلی روایت ابن مسعود می بود، قابل تصور نیست که همه این شخصیت های یاد شده، به اتفاق آن را حذف کرده باشند؛ هر چند آنان از عاصم بن ابی النجود هم روایت کرده باشند.

اما اینکه این افزوده چگونه به روایت ها راه یافته، احتمالاتی قابل طرح است:

۱. از سوی پیروان حسنی ها به منظور اثبات مهدویت محمد بن عبدالله بن حسن مثنی، اضافه شده است.

۲. از سوی طرفداران بنی عباس، برای تأیید مهدویت محمد بن عبدالله (ابو جعفر) منصور عباسی، به حدیث ابن مسعود افزوده شده است. این احتمال، زمانی به واقعیت نزدیک می شود که بدانیم محمد بن عبدالله بن حسن مثنی، لکنت زبان داشت؛ از این رو پیروانش دروغ دیگری به روایت ابوهریره افزوده و چنین نقل کرده اند: «به درستی که مهدی نامش محمد بن عبدالله است و در زبانش کندی وجود دارد.» (۳)

ب_ر_ای_ن_اس_اس_ه_ر_سه_حدیث_نخستین_با_نقل_حافظان_حدیث_از_عاصم_مخالفت_دارد. از این رو حافظ ابو نعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ق) در مناقب المهدی ای_ن_حدیث_را_ب_ا_۳۳_سلسله_راویان_مختلف_تا_عاصم_نقل_کرده_است. در این نقل ها حتی یکی از آن ها عبارت «و نام پدرش نام پدر من است» را ندارد و با عبارت «نام او نام من است» پایان یافته است.

گنجی شافعی (م ۶۳۸ ق) متن اصفهانی را نقل و اضافه می کند: «این حدیث را غیر از عاصم، دیگرانی هم

ص: ۱۴۸

۱- مقدسی شافعی، عقد الدرر، باب ۲، ص ۵۱.

۲- مقدسی شافعی، عقد الدرر، باب ۲، ص ۵۱ - ۵۶.

۳- ر. ک: ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

مانند عمرو بن حره، از زرّ نقل کرده اند و همگی با «نام او نام من است»، آن را به پایان برده اند؛ جز روایتی که عبارت «و نام پدرش نام پدر من است» را دارد.

ص: ۱۴۹

کوتاه سخن این که چنین اضافه ای پذیرفتنی نیست؛ به خصوص که احمد بن حنبل با دقتی که در ضبط حدیث دارد، این حدیث را چند بار در مسندش با جمله «و نامش نام من است» نقل کرده است. (۱)

از بحث‌های گذشته روشن می‌شود که تبار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به امام حسین علیه السلام می‌رسد و دیگر احادیثی که خلاف این را می‌رسانند، ضعیف و بی اعتبار بوده، هیچ قرینه ای بر صحت آن‌ها در دست نیست. با توجه به نتیجه بحث‌های گذشته نیز به دست می‌آید: نقل متواتر نزد مسلمانان نیز همین نتیجه را تأیید می‌کند. (۲)

پرچم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایات آمده پرچم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور، همان پرچم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَعَهُ رَايَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ؛ همراه او پرچم پیامبر اکرم است.»

آن گاه آن حضرت در پاسخ شخصی که پرسید: «آیا نزد او است یا این که برای او آورده می‌شود؟» فرمود: «بلکه جبرئیل آن را خواهد آورد.»

سپس فرمود: با آن پرچم، بر هیچ [قوم ستمگری] نمی‌گذرد، مگر آن که خداوند سبحانه و تعالی آن‌ها را هلاک می‌سازد. (۳)

شبهه همی روایت از امام سجاد علیه السلام نیز نقل شده است. (۴)

اهمیت این امر، به قدری است که در غیبت نعمانی بابی تدوین شده است با این عنوان که پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از جنگ جمل، باز نخواهد شد؛ مگر به دست قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف. (۵)

امام صادق علیه السلام درباره آن پرچم به ابوبصیر فرمود:

ای ابا محمد! به خدا سوگند! آن پرچم نه از پنبه است و نه از کتان و

ص: ۱۵۰

۱- کنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۴۸۲.

۲- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۹۲ - ۱۰۷ (با تصرف).

۳- «بَلَّ يُوْتَى بِهَا رَأْيُهُ بِهَا جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَام...»، نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۹، ح ۴؛ و ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۲، ح ۲۳.

٤- ر.ك: محمد باقر مجلسي، بحار الانوار، ج ٥١، ص ١٣٥، ح ٣.

٥- نعماني، الغيبة، ص ٣٠٧.

نه از ابریشم و نه از حریر. سپس در پاسخ از جنس آن، فرمود:

از ورق (برگ) بهشتی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روز بدر، آن را برافراشت و بعد، آن را در هم پیچید و به علی علیه السلام داد. همچنان نزد علی علیه السلام بود، تا هنگامی که روز بصره فرا رسید، آن را برافراشت. و خداوند سبحانه و تعالی پیروزی را نصیب او ساخت. سپس آن حضرت آن را در هم پیچید و آن این جا نزد ما است. هیچ کس آن را نخواهد گشود، تا آن گاه که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند و چون او قیام نمود، آن را برخواهد افراشت. (۱)

و از امام علی علیه السلام روایت شده است:

آن گاه که مهدی پرچم خویش را به اهتزاز در آورد، بین مشرق و مغرب برای او روشن خواهد شد. (۲)

پرچم های سیاه

از نشانه های ظهور حضرت مهدی علیه السلام

در روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور ایشان سخن از «پرچم های سیاه از خراسان» به میان آمده است. مضمون این روایات، آن است که پیش از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منطقه خراسان (خراسان قدیم، شامل قسمت های زیادی از ایران، افغانستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان) انقـلابی برپا می شود و مردم، در حالی که پرچم های سیاه را به اهتزاز در آورده اند، به حرکت در می آیند. (۳)

پدیدار شدن این نشانه در آستانه ظهور و اندکی پیش از آن خواهد بود؛ به گونه ای که حضرت مهدی علیه السلام آنان را به سوی خویش فرا می خواند. امام باقر علیه السلام می فرماید:

پرچم های سیاهی از خراسان بیرون می آید و به جانب کوفه به حرکت

ص: ۱۵۱

۱- «یا ابا مُحَمَّدٍ ما هِیَ وَاللَّهِ قُطْنٌ وَلَا کَتَانٌ وَلَا قَرٌّ وَلَا حَرِيرٌ. قُلْتُ: فَمِنْ أَىِّ شَیْءٍ هِیَ قَالَ مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ نَشَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ یَوْمَ بَدْرٍ ثُمَّ لَفَّهَا وَدَفَعَهَا إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمْ تَزَلْ عِنْدَ عَلِيٍّ حَتَّى إِذَا كَانَ یَوْمَ البَصْرَةِ نَشَرَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ ثُمَّ لَفَّهَا وَهِيَ عِنْدَنَا هُنَاكَ لَا یَنْشُرُهَا أَحَدٌ حَتَّى یَقُومَ الْقَائِمُ فَإِذَا هُوَ قَامَ نَشَرَهَا...»، نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۷، ح ۲.

۲- «إِذَا هَزَّ رَأِیْتَهُ أَضَاءَ لَهَا مَا بَیْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ»، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۳، ح ۱۷.

۳- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۵۲.

درمی آید. چون مهدی علیه السلام ظاهر شود، اینان کسی را برای بیعت نزد آن حضرت می فرستند. (۱)

ص: ۱۵۲

۱- «تَنْزِلُ الزَّيَاةِ السُّودِ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ خُرَّاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعَثَ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۵۳، ح ۴۵۷.

سخنان دیگری نیز وجود دارد که نشان می دهد خروج پرچم های سیاه از خراسان، قیامی است که در آینده و در آستانه ظهور برپا می شود. در حقیقت، برخی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه آن پرچم های سیاه خواهند بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

هنگامی که پرچم های سیاه را دیدید که از خراسان می آیند، به سوی آن بشتابید؛ اگرچه با سر خوردن بر روی برف ها باشد. به درستی که در آن، خلیفه مهدی است. (۱)

برخی پنداشتند مقصود از خروج پرچم های سیاه از خراسان، قیام ابومسلم خراسانی (در سال ۱۴۰ق) بر ضد حاکمیت هزار ماهه بنی امیه است (۲) که به از هم گسستن حکومت بنی امیه و روی کار آمدن بنی عباس انجامید.

مستند اینان، روایت زکار از امام صادق علیه السلام و بعضی قراین و مؤیدات تاریخی است. در این روایت، با اشاره به نام و مشخصات ابومسلم خراسانی، وی صاحب پرچم های سیاه، یاد شده است. (۳) این پندار نادرست است؛ زیرا روایت زکار که مهم ترین مستند و دلیل به شمار می رود از نظر سند ضعیف و غیرقابل اعتماد است. افزون بر این، تطبیق این نشانه بر شورش ابومسلم خراسانی، در بیش از یک قرن پیش از تولد امام مهدی علیه السلام و نشانه ظهور دانستن آن، بسیار بعید است.

این نکته نیز در خور توجه است که حاکمان بنی عباس، تلاش می کردند قدرت را از دست بنی امیه بگیرند؛ از این رو می خواستند شورش ابومسلم خراسانی را در راستای قیام مهدی علیه السلام و نشانه ظهور وی قلمداد کنند بر این اساس، بعید نیست حاکمان بنی عباس، به دلخواه خویش، در این روایات دست برده و آن ها را بر خود تطبیق کرده باشند. (۴)

نیز ن.ک: زمینه سازان ظهور، یاران حضرت

ص: ۱۵۳

۱- «إِذَا رَأَيْتُمُ الرِّايَاتِ السُّودَ قَدْ أَقْبَلَتْ مِنْ خُرَاسَانَ فَأْتُوها وَلَوْ حَبْوًا عَلَى التَّلَجِ فَإِنَّ فِيها خَلِيفَةَ المَهْدِيِّ»، اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۲. نیز، ر.ک: مسند احمد، ج ۵، ص ۲۷۷؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۶۰، ح ۳۱۰۳۳.

۲- ر.ک: سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبرا، ص ۴۵۸.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۱۲۵.

۴- جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه السلام، ص ۲۹۶.

پیراهن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایات فراوانی گفته شده برخی از میراث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام نـزد حضرت مهدی علیه السلام است؛ از جمله آن هـا پیراهـن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. یعقوب بن شعیب از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «آیا پیراهن قائم را که با [بر تن داشتن] آن قیام کند، نشانت ندهم؟»

عرض کردم: «چرا...» پس [آن حضرت] جعبه ای خواست و آن را گشود و از آن، پیراهن کرباسی را بیرون آورد. آن را باز کرد (یا روی زمین پهن کرد). ناگاه دیدم در آستین چپ آن، خون مشاهده می شود (خونین است).

سپس فرمود: «این، پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. روزی که دندان های پیشین آن حضرت ضربه دید، آن را بر تن داشت و قائم در این پیراهن قیام خواهد کرد.» [راوی گوید:] من آن خون را بوسیدم و بر گونه خویش نهادم. سپس امام صادق علیه السلام آن را در هم پیچید و برداشت. [\(۱\)](#)

همـچنین ابـوبصیـر از حضـرت صادق علیه السلام نقل کرده است:

...پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که در روز احـد به تن داشت، بر تن او است... [\(۲\)](#)

البته در برخی روایات نیز لباس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان لباس حضرت علی علیه السلام بیان شده است.

حماد بن عثمان گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام فرمود:

بهترین لباس هر زمان، لباس اهل آن زمان است؛ ولی هنگامی که قائم ما اهل بیت قیام کرد، لباس علی علیه السلام را بر تن کرده و به روش آن حضرت عمل خواهد کرد. [\(۳\)](#)

نیز نـک: میراث های پیامبران.

٢- «... يَكُونُ عَلَيْهِ قَمِيصُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الَّذِي عَلَيْهِ يَوْمَ أُحُدٍ ...»، نعماني، الغيبة، ص ٣٠٧، ح ٢.

٣- «فَخَيْرُ لِبَاسٍ كُلِّ زَمَانٍ لِبَاسُ أَهْلِهِ غَيْرَ أَنْ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِذَا قَامَ لِبَسَ ثِيَابَ عَلِيٍّ وَسَارَ بِسِيرِهِ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»، محمد بن

يعقوب كليني، الكافي، ج ١، ص ٤١١، ح ٤.

تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف

اثری تحلیلی درباره غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

نگارنده این کتاب دکتر جاسم محمد حسین، اهل عراق و متخصص در تاریخ اسلام است. وی تحصیلات خود را در تاریخ خاورمیانه در بصره، بغداد و ادینبورگ به انجام رسانده و دکترای خود را از دانشگاه ادینبورگ گرفت. سپس در بخش «مطالعات اسلامی و خاورمیانه» آن دانشگاه، دوره تحقیقات فوق دکترا را ادامه داد.

علاوه بر این کتاب، مقالات و کتاب های محققانه دیگری نیز از دکتر جاسم حسین به زبان های انگلیسی، عربی و اردو به چاپ رسیده که برخی از آنها عبارت است از:

۱. بررسی مراسم مذهبی تعزیه میان شیعیان از دیدگاه تاریخی و جامعه شناسی؛

۲. سیاست اصولی و منسجم امامان؛

۳. نقش احادیث مذهبی در غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۴. تأثیر غیبت کبرا بر موقعیت سیاسی و مذهبی فقهای امامیه؛

۵. نقش و کالت امامیه با عنایت خاص نسبت به دوران نخستین سفیر.

در این کتاب، مطالعه ای تفصیلی

در نهضت شیعه امامیه از زمان امام صادق علیه السلام تا آخر غیبت صغرای امام دوازدهم علیه السلام انجام شده است.

آنچه ارائه شده، تصویری است از سازمان مخفی و کالت با پیروانی در سراسر جهان اسلام که با اعتقاد به امامت، در جایگاه قطب سازمان، قادر به حفظ تمامیت اسلام از گزند رویدادهای روزگار است.

کتاب تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف با ورود و خروج خوبی به مباحث، یک مسیر تحقیقی محققانه و منصفانه را پی می گیرد و از یک مقدمه، هفت فصل و نتیجه گیری تشکیل شده است.

مقدمه: معرفی منابع اولیه و بررسی آن ها؛

فصل اول. نقش احادیث در غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

فصل دوم. نقش امامان در فعالیت های مخفی و تأثیر آن بر تکامل تدریجی غیبت؛

فصل سوم. دیدگاه های امامیه درباره امام غایب و ولادت آن حضرت؛

فصل چهارم. بازتاب فعالیت های مخفی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف در اقدام های سفیران آن حضرت؛

فصل پنجم. فعالیت های مخفی دومین سفیر امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

فصل ششم. دوران نوبختی، سومین سفیر؛

فصل هفتم. سفیر چهارم و غیبت کبرای امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف. (۱)

تاریخ عصر غیبت

کتابی تحلیلی در باره غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در این کتاب که به وسیله گروهی از نویسندگان و پژوهشگران معاصر: پور سید آقایی، جبّاری، عاشوری و حکیم، نوشته شده، تلاش شده است تحلیلی از دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اختیار خواننده قرار گیرد.

کتاب، ننگ اهی است از منظرتاریخی و تلاشی است در جهت بررسی تاریخ «غیبت صغرا» و «غیبت کبرا»ی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف.

در بررسی غیبت صغرا، ابتدا مروری شده است بر بررسی منابع و شناخت وضعیت سیاسی اجتماعی و فکری عصر حضرت

۱- جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، ترجمه محمد تقی آیت اللهی، ص ۱۲.

تمهیدات امامان علیهم السلام _ به ویژه امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام _ برای ورود شیعه به این عصر و بررسی سازمان مخفی و کالت و تکوین و فرایند تکاملی آن و نقش آن، در زمان غیبت صغرای حضرت و سپس چگونگی آغاز غیبت، دلایل آن، شرح نواب خاص و وظایف و نقش آنان در این عصر.

در بررسی غیبت کبرا نیز به تاریخ شیعه، نهضت ها و دولت های آن همراه حرکت های علمی و مبارزه های دانشمندان و دوران های مرجعیت فقیهان و مدارس آنان، اشاره شده است. در نهایت نیز بررسی کوتاهی درباره آثار و سیرت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت پذیرفته است.

عناوین فصل های نه گانه کتاب بدین قرار است:

۱. معرفی و بررسی منابع تاریخ عصر غیبت

۲. نگاهی کوتاه به زندگی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف

۳. وضعیت سیاسی، اجتماعی و فکری عصر عباسیان در آستانه غیبت صغرا

۴. وضعیت فکری، سیاسی و اجتماعی شیعه در آستانه غیبت صغرا

۵. زمینه سازی معصومان علیهم السلام برای ورود شیعه به عصر غیبت

۶. پیشینه سازمان و کالت و جایگاه آن در عصر غیبت صغرا

۷. عصر غیبت صغرا

۸. مروری بر برخی از مهم ترین مسایل عصر غیبت کبرا

۹. سیرت و آثار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف .

تاریخ غیبت کبرا

کتابی کلامی تاریخی در تحلیل دوران غیبت کبرا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

تاریخ غیبت کبرا، کتابی تاریخی و کلامی است که اصل آن، به زبان عربی با عنوان تاریخ الغیبه الکبری توسط سید محمد صدر نوشته شده است.

این اثر، دومین مجموعه ای از رشته پژوهش ه _ ای مؤل _ ف درب _اره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است

و عنوان کل—ی آن، موسوعه الامام المهدي عليه السلام است.

این کتاب، دارای پیشگفتاری درباره تعریف «غیبت کبرا» و سه بخش است:

بخش اول: تاریخ زندگی شخصی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که دارای پنج فصل است:

ص: ۱۵۹

۱. راز بنیادی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۲. تکلیف اسلامی امام، در زمان غیبت کبرا و کارهایی که در این مدت انجام می دهد؛

۳. زندگی خصوصی آن حضرت؛

۴. دیدارهایش در طول غیبت کبرا؛

۵. نامه های ایشان به شیخ مفید.

بخش دوم: تاریخ انسانیت در روزگار غیبت کبرا که دارای سه فصل است:

۱. بررسی اخبار مربوط به پیشگویی آینده؛

۲. اخباری مشتمل بر پیشگویی ها؛

۳. تکلیف اسلامی در عصر غیبت کبرا.

بخش سوم: شرایط ظهور و نشانه های آن که دارای دو فصل است:

۱. شرایط ظهور، برنامه ریزی ویژه ایجاد رهبر؛

۲. نشانه های ظهور: تعیین روش کلی، رویدادهایی که در تاریخ اتفاق افتاده است، روی دادن معجزه ها بیش از اندازه، قانونمندی معجزات، شمارش یکایک نشانه های ظهور و کوشش برای فهم کلی و منظم علایم ظهور.

تشریح < ملاقات با حضرت مهدی علیه السلام

تکذیب وقت گزاران < وقت ظهور

تَنَائِرُ النُّجُوم

سال پایان غیبت صغرا

تأثیر به معنای پراکنده شدن و از بین رفتن، و «نجوم» به معنای ستارگان است. در آداب و رسوم عرب ها _ پیش و پس از اسلام _ است که نام برخی سال ها را طبق حوادث و رخدادهای مهم آن سال بر می گزیدند؛ برای نمونه آن که سالی که سپاه ابرهه به خانه کعبه حمله کرد را عام الفیل نهادند.

سال تناثر النجوم نیز بر اساس رخدادهای مهم آن سال نام گذاری شد. مشهور است که چون در سال پایانی غیبت صغرا و آغاز غیب کبرا، ستارگ__ان فروزان بسیاری در آسمان علم و دانش و تقوا افول کرده، چهره در نقاب خاک بردند، از آن سال، با این عنوان یاد شده است.

کلینی صاحب کتاب کافی، علی بن بابویه قمی و سمری(۱) آخرین

ص: ۱۶۰

۱- ابن داود، رجال، ص ۳۴۱.

سفیر

ص: ۱۶۱

حضرت حجّت علیه السلام از کسانی هستند که در سال ۳۲۹ ق دار فانی را وداع گفتند. (۱)

نیز ن.ک: نیابت خاص، نواب خاص.

توقیع

دست نگاشته های حضرت مهدی علیه السلام در غیبت صغرا

توقیع در لغت، به معنای نامه را نشان کردن و نوشتن عبارتی در ذیل نامه و نوشته است؛ همچنین پاسخ های نوشته شده بزرگان و دولتمردان به پرسش ها و درخواست های نوشتاری که از ایشان می شود. (۲)

از بررسی نوشته های تاریخی به دست می آید، از زمان های دور بین حاکمان و فرمانروایان، توقیع نویسی رواج داشته و موارد فراوانی از توقیعات آن ها در متن های تاریخی ثبت و ضبط شده است. افزون بر موارد پیشین، در منابع روایی، فقهی و تاریخی شیعه نیز سخن از توقیع به چشم می خورد. توقیع در این کتاب ها به طور عمده، به قسمتی از نوشته های پیشوایان دینی علیهم السلام اطلاق شده است که برای پیروان خود نوشته اند.

امروزه بـه سبب کـاربرد بیشتر توقیعات در منابع مهدویّت، هنگامی که سخن از «توقیع» به میان می آید، ذهن به توقیعات واپسین پیشوای معصوم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منصرف می شود؛ اما از امامان دیگر علیهم السلام نیز نوشته هایی با عنوان توقیع صادر شده است. (۳)

چگونگی صدور توقیعات

درباره چگونگی صدور توقیعات از سوی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آگاهی روشنی در دست نیست؛ اما بدون شک، بسیاری از این توقیعات، به گونه ای غیر متعارف صادر شده است؛ به گونه ای که می توان گفت: صدور آن ها به نحو عادی و از شخص معمولی صورت نگرفته است. برای نمونه، می توان به حکایتی در این باره اشاره کرد.

ص: ۱۶۲

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۲۳۳.

۲- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۵، ص ۷۱۴۵.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۴؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۶.

محمد بن فضل موصلی، یکی از شیعیان بود که نیابت حسین بن روح را قبول نداشت. روزی هنگام بحث با یکی از دوستانش (حسن بن علی وجنا) و بنا به پیشنهاد او، در صدد آزمودن نایب امام برآمدند. آنان بر مطلبی محرمانه توافق کردند. حسن بن علی وجنا کاغذی از دفتر موصلی جدا کرد و قلمی تراشید. سپس با قلم بدون مرکب، مطالبی را بر آن نوشت و آن کاغذ سفید را مهر کرد و به وسیله خدمتکار نزد حسین بن روح فرستاد.

ظهر همان روز در حالی که محمد بن فضل مشغول غذا خوردن بود، پاسخ نامه آمد که دقیقاً در همان برگه فرستاده شده، پاسخ ها با مرکب نوشته شده بود. محمد بن فضل، در حالی که سخت تحت تأثیر قرار گرفته بود، همراه حسن بن وجنا به محضر حسین بن روح وارد شد و از وی به سبب گمان نادرست خود عذرخواهی کرد.^(۱)

افزون بر کرامت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در صادر شدن توقیعات که به یک نمونه آن اشاره شد، در متن توقیعات نیز موارد فراوانی از کرامت به چشم می خورد که بیشتر به صورت آگاهی بخشی غیبی، از حوادث آینده، اتفاقات پنهانی، شفای بیماران و مانند آن می باشد.

یک نمونه از این توقیعات، آن گاه صادر شد که در باره و کلا و نمایندگان حضرت، نزد خلیفه وقت، بدگویی شده بود. خلیفه، برای شناسایی و دستگیری آنان، دستور داد افراد ناشناسی را همراه پول نزد و کلا به جاسوسی بفرستند. اگر کسی از آن ها چیزی پذیرفت، او را دستگیر کنند.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی خطاب به همه و کیل ها، دستوری فرمود از هیچ کس و تحت هیچ شرای طی چیزی نپذیرند و خود را بی اطلاع نشان دهند.^(۲)

در ماجرای دیگر، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با صدور توقیعی، شیعیان را از زیارت کربلا و کاظمین برحذر داشت. پس از چند ماه، دانسته شد خلیفه در آن موقع، دستور داده بود

ص: ۱۶۳

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۱۵، ح ۲۶۴.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۲۵، ح ۳۰.

هر کس به زیارت رود، در کمینش باشند و او را دستگیر کنند. (۱)

ناگفته نگذرم که بخش مهمی از توقیعات به خط آن حضرت بوده است.

شیخ طوسی به نقل از راوی یک توقیع، این جمله را در کتاب خود این گونه نقل کرده است که در پاسخ نوشته آنان، به خط امام زمان علیه السلام وارد شده است که:

به نام خداوند بخشنده مهربان؛ خداوند ما و شما را از گمراهی و فتنه ها سلامت بخشد و به ما و شما روح یقین عطا کند و ما و شما را از عاقبت بد پناه دهد!.... (۲)

شیخ صدوق؛ نقل کرده است، محمد بن عثمان عمری می گوید: «خَرَجَ تَوْقِيعٌ بِخَطِّهِ نَعْرِفُهُ...؛ توقیعی به خطی که ما آن را می شناختیم، خارج شد....» (۳)

وی همچنین نقل کرده است؛ اسحاق بن یعقوب گوید: از محمد بن عثمان عمری خواهش کردم پاسخ نامه ای را که در آن از مسایل مشکلی پرسش کرده بودم، به من برساند. پس در توقیع به خط مولایمان صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شده بود:

اما آنچه درباره آن پرسیدی _ که خدایت هدایت کند و پایداری بدارد! _ راجع به امر منکران من از خاندان و عموزادگان خودم؛ بدان که میان خدا و کسی خویشاوندی نیست و هر کس مرا منکر باشد، از من نیست و راه او راه فرزند نوح علیه السلام است. اما راه عمویم جعفر و فرزندان او، راه برادران یوسف است.... (۴)

عبارت های یادشده بیانگر این است که _ ب _ زرگان از مح _ دثین، اطمینان داشته اند همه توقیعات یا بیشتر آن ها، به خط خود حضرت نگاشته شده است.

این توقیعات، به وسیله نواب خاص در دوران غیبت صغرا، برای افراد صادر می شد و ارتباط نوشتاری با حضرت، فقط از راه آنان امکان پذیر بود؛ به صورتی که حتی وکیل های آن حضرت، نامه های خود و دیگران را نزد نایب امام می فرستادند و از ایشان پاسخ دریافت می کردند. به

ص: ۱۶۴

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۲۵، ح ۳۱.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۸۵.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۶۰، ح ۳.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۶۰، ح ۴.

طور اساسی، فلسفه نیابت خاص نیز همین است؛ وگرنه چنانچه هر کس می توانست به شرف گرفتن توقیع نایل آید، دیگر نیازی به نایب خاص نبود.

یادآوری این نکته لازم است که بیشتر دانشمندان شیعه بر این باورند که توقیعات صادر شده از ناحیه صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف فقط در دوران غیبت صغرا و نواب خاص بوده است و بدین سان نمی توان به توقیعات منسوب به امام زمان علیه السلام پس از این دوران چندان اعتماد کرد و به صدور آن ها از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اطمینان یافت.

برخی از این نوشته ها که پس از دوران غیبت صغرا به آن حضرت نسبت داده شده، از این قرار است:

۱. نامه هایی که گفته شده از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بـه شیـخ مفیـد رسیده است.

این توقیعات برای نخستین بار، به وسیله ابومنصور طبرسی (از عالمان قرن ششم)، بدون سند، افزون بر یک صد سال پس از درگذشت شیخ مفید، در کتاب الاحتجاج نقل شده است. آن گاه شاگرد وی، ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) به آن اشاره کرده و ابن بطریق (م ۶۰۰ق) شاگرد ابن شهر آشوب آن ها را مطرح کرده است. در آن کتاب گفته شده: این نامه ها به وسیله شخص مورد اعتمادی به شیخ مفید می رسید؛ ولی نام آن شخص ذکر نشده است. (۱)

برخی در نوشته ها تردید کرده اند که هـ: شاگـردان شیخ مفید، از جمله آن ها: سید مرتضی، ابن ادریس، نجـاشی، شیخ طـوسی (۲)، ابویعلی جعفری، ابوالفتح کراجـکی، سلار بن عبدالعزیز دیلمی و... با این که نگارش های فراوانی داشته و بیشتر شرح حال نویس بوده اند _ هرگز به ایـن توقیعات اشـاره نکرده اند؛ (۳) در حالی که اگر چنین سخنانی به شیخ مفید رسیده بود، با توجه به اهمیّت شایان آن، به طور حتم، شاگردان او، نقل می کردند. (۴)

ص: ۱۶۵

۱- شیخ طبرسی، الاحتجاج، ص ۴۹۷.

۲- وی در کتاب الغیبه به صورت مفصل به توقیعات پرداخته است.

۳- ر.ک: گروهی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه السلام، ص ۹۸.

۴- ر.ک: نجم الدین طبری، سفارت و نیابت خاصه، فصلنامه انتظار، ش ۱۸، ص ۱۵۲.

افزون بر آن، خود شیخ مفید نیز در آثار فراوان خود، هیچ اشاره ای به این نامه ها نکرده است. (۱)

ناگفته نماند پیش بینی این توقیعات از حوادث آینده دلیل بر درستی آن نخواهد بود؛ زیرا آنچه به دست ما رسیده است پس از حوادث بوده که امکان جعل آن ها وجود دارد.

۲. برخی نویسندگان، پیامی را که برای مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی به وسیله مرحوم شیخ محمد کوفی شوشتری نقل شده است، در شمار توقیعات و سخنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر کرده اند.

در این نامه چنین آمده است:

خودت را در اختیار [مردم] بگذار و محل نشستن خویش را در محل در ورود خانه قرار بده [تا مردم سریع تر بتوانند با تو ارتباط پیدا کنند] و نیازهای مردم را بر آور؛ ما تو را یاری می کنیم. (۲)

برای اهل اطلاع، روشن است که برخی نوشته هایی که این روزها به عنوان دست نوشته آن حضرت ارائه می شود، هیچ پایه و اساسی ندارد. و این احتمال دور نمی نماید که ممکن است این کارها، از طرف دشمنان و برای مخدوش ساختن چهره تابناک شیعه انجام شده باشد.

درباره چگ و نگی ص— ادر شدن توقیعات در دوره غیبت صغ— را، از برخی نقل ها استفاده می شود، سفیران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسش ها و درخواست های مراجعه کنندگان را در یک برگه به نوبت می نوشتند. آن گاه پاسخ آن ها که حداکثر ظرف سه روز صادر می شد و یک جا می آمد. گاهی نیز پاسخ پرسش ها به صورت شفاهی، به نایبان خاص گفته شده و آنان به قلم خود، آن را می نگاشتند یا به صورت حضوری به پرسش کننده پاسخ می دادند. در پاره ای از موارد نیز _ به سبب مصلحت _ پاسخی صادر

ص: ۱۶۶

۱- یادآوری این مطلب ضروری است که اثبات نامه حضرت برای شیخ مفید، فضل بزرگی برای شیخ به شمار می آید؛ اما نفی آن، هرگز چیزی از مقام بلند آن شخصیت بزرگ اسلامی نمی کاهد؛ چه این که دانشمندان بزرگی از علمای شیعه هستند که هرگز رسیدن نامه از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای آن ها ادعا نشده است.

۲- ر.ک: محمد خادمی شیرازی، مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۷۰.

نمی شد. برخی از توقعات نیز بدون این که در پاسخ به پرسشی باشد، صادر شده است.

موضوعات مندرج در توقعات، گستره وسیعی را در بر می گیرد؛ از معارف و حقایق دینی گرفته تا امور تربیتی و برنامه های زندگی فردی و اجتماعی و....

نیز ن.ک: غیبت صغرا، نیابت خاص، نواب خاص.

ص: ۱۶۷

جبرئیل

از فرشتگان بزرگ الهی و نقش آفرینان در قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام

جب رئیل، یکی از چهار فرشته مقرب (علاوه بر میکائیل، اسرافیل و عزرائیل) است. او رابط میانی خداوند سبحانه و تعالی و پیامبران است. و در کتاب های دینی یهودیت، مسیحیت و اسلام از نقش جبرئیل بسیار یاد شده است.

در سنت اسلامی و قرآن کریم، جبرئیل همان روح القدس است. دلیل صریح این مطلب، آیه ۱۰۲ سوره نحل است: ((قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ))؛ «بگو آن (قرآن) را روح القدس از سوی پروردگارت نازل کرده است.» در آیه ۹۷ سوره بقره نیز آمده است: ((قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ))؛ «بگو هر کس دشمن جبرئیل شد [بداند] که جبرئیل آن (قرآن) را به دستور الهی بر دل تو نازل کرده است.»

همچنین در قرآن با نام های «روح» (غاف، ر، ۱۵)، «الروح الامین» (شعراء، ۱۹۳)، «شدی» (سجده، ۱۷)

القَوِيَّ «نجم، ۵۰» و «رَسُولُ كَرِيمٍ» (تکویر، ۱۹ - ۲۱) از او یاد شده است.

روایاتی چند، از نقوش آن فرشته بزرگ الهی در قیام عظیم و جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به روشنی سخن گفته و از او به عنوان نخستین کسی که با حضرت مهدی علیه السلام بیعت خواهد کرد، نام برده اند.

در بعضی از روایات گفته شده: او به همراه گروه بزرگی از فرشتگان، هنگام ظهور در محضر واپسین حجت الهی حاضر شده و به یاری آن حضرت خواهند شتافت. امام صادق علیه السلام در قسمتی از یک روایت طولانی فرمود:

نخستین کس که با او بیعت می کند، حضرت جبرئیل است. (۱)

این، بدان معناست که یکی از امدهای غیبی خداوند سبحانه و تعالی در آن قیام جهانی، یاری دادن جبرئیل به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. همان گونه که این فرشته بزرگ الهی، به یاری پیامبران دیگر نیز آمده بود.

نیز ن.ک: ظهور، بیعت، امدادهای غیبی.

جده

مادر بزرگ حضرت مهدی علیه السلام

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام مشهور است که امور شیعیان به طور عمده بر دوش مادر آن حضرت؛ یعنی، مادر بزرگ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود و در روایات، از او به «جده» یاد شده است. (۲) وی نقشی مهم و اساسی در نگه داری شیعه داشت.

روزی احمَد بن ابِ راهیم نزد حکیمه خاتون رفت، ضمن پرسش هایی از او پرسید: «شیعیان به چه کسی مراجعه کنند؟» حکیمه گفت: «به جده او، مادر امام یازدهم». گفتم: وصیت خود را بزن و ای واگ داشته است؟ حکیمه گفت: «پیروی از حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام کرده است؛ زیرا آن حضرت، به حسب ظاهر وصایای خود را به

ص: ۱۷۰

۱- «أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ جَبْرَائِيلُ...»، علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۴؛ ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۸۴، ح ۳.

۲- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۰، ح ۱۹۶.

خواهرش زینب، دختر علی بن ابی طالب سپرد [برای پنهان کردن امامت پسرش علی بن الحسین]. سپس فرمود: «شما مردمی آگاه از اخبار هستید. آیا در روایات به شما نرسیده که نهمین فرزند حسین علیه السلام زنده است و میراثش تقسیم می شود؟» (۱)

جزیره خضرا

از مکان های ادعایی و بحث برانگیز زندگی امام زمان علیه السلام و فرزندان ایشان در دوران غیبت کبرا

محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت که یکی از بحث های مهم و قابل توجه است، از عرصه هایی بوده که از خیال پردازی ها مصون نبوده است.

داسـتان «جـزیـره خضـرا» از داستان هایی است که در زمینه محل زندگی آن حضرت در پاره ای متون اسلامی وجود دارد و لازم است درباره آن بحث شود. (۲)

به نظر می رسد بین منابع موجود، نخستین اثری که به گونه ای گسترده به نقل داستان جزیره خضرا پرداخته، بحار الانوار (۳) است. پس از آن، مرحوم محدث نوری در کتاب های خود (۴) در کنار نقل حکایاتی از این دست، به نقل این داستان و مانند آن مبادرت کرده است.

نخست لازم است به چکیده این

ص: ۱۷۱

۱- «إِنَّكُمْ قَوْمٌ أَصِيحَابُ أَخْبَارٍ أَمَا رُؤَيْتُمْ أَنَّ التَّاسِعَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يُفْسِمُ مِيرَاثَهُ وَهُوَ فِي الْحَيَاةِ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۷، ح ۲۴.

۲- البته درباره نقد این داستان، در سال های اخیر آثار ارزشمندی از طرف دانشوران شیعه در دسترس قرار گرفته که هر یک در نوع خود قابل استفاده و ستایش است. از جمله این تلاش ها می توان به مقاله های استاد کلباسی اشاره کرد که مبنای تدوین این مدخل نیز بوده است. ر.ک: مجتبی کلباسی، «بررسی افسانه جزیره خضراء»، فصلنامه انتظار، ش ۱، ۲، ۳، ۴.

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹.

۴- میرزا حسین طبرسی نوری، نجم الثاقب، باب هفتم، حکایت ۳۷. با این وجود این که وی حکایت را از بحار الانوار نقل کرده است، تفاوت های فراوانی با نقل علامه مجلسی دارد.

داستان که به دو داستان بر می گردد اشاره کنیم.

علامه مجلسی در بحارالانوار در بابی با عنوان «نادر فی ذکر من رآه علیه السلام فی الغیبه الکبری قریباً من زماننا» _ فقط به دلیل این که مشتمل بر دیدار با آن حضرت و نیز رخدادهای عجیب و غریب است _ به نقل آن پرداخته، می نویسد: «رساله ای یافتیم مشهور به داستان جزیره خضراء... و چون آن را در کتاب های روایی معتبری ندیدم، آن را در فصل جداگانه ای آوردم.»

چکیده رساله ای که این عالم بزرگوار یافته چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم... نوشته ای یافتیم به خط شیخ فاضل عالم عامل «فضل بن یحیی بن علی طیبی کوفی» که متن آن چنین است:

... من در سال ۶۹۹ق در کربلا از دو نفر، داستانی شنیدم. آن ها داستان را، از «زین الدین علی بن فاضل م _ از ندرانی»، نقل می کردند. داستان مربوط به جزیره خضراء در دری _ ای سفید ب _ ود. مشت _ اق شدم داستان را از خود علی بن فاضل بشنوم؛ به همین دلیل به شهر حله رفتم و در خانه سید فخرالدین، با علی بن فاضل ملاقات کردم و اصل داستان را پرسیدم.

او، داستان را در حضور عده ای از دانشمندان حله و نواحی آن چنین باز گو کرد:

س _ ال ها در دمشق ن _ زد شی _ خ عبدالرحیم حنفی و شیخ زین الدین علی مغ _ ربی ان _ دلسی دانش آموختم. روزی شیخ مغربی عزم سفر به مصر کرد. من و عده ای از شاگردان با او همراه شدیم. به قاهره رسیدیم. استاد مدتی در الازهر به تدریس پرداخت، تا این که نامه ای از اندلس آمد که خبر از بیماری پدر استاد می داد. استاد ع _ زم اندل _ س ک _ رد. من و برخی از ش _ اگ _ ردان ب _ ا او هم _ راه شدیم. به نخستین روستای اندلس که رسیدیم، من بیمار شدم. به ناچار، استاد مرا به خطیب آن قریه سپرد و خود به سفر ادامه داد.

سه روز بیمار بودم، پس از آن، روزی در اطراف ده قدم می زدم که ک _ اروانی از طرف ک _ وه های ساحل دریای غربی وارد شدند. پرسیدم: «از کجا می آیند؟» گفتند: «از دهی از

سرزمین بربرها می آیند که نزدیک جزایر رافضیان است.»

هنگامی که نام جزیره رافضیان را شنیدم، مشتاق زیارت آنان شدم. تا محل آنان، بیست و پنج روز راه بود که دو روز بی آب و آبادی و بقیه آباد بودند. حرکت کردم و به سرزمین آباد رسیدم. به جزیره ای رسیدم با دیوارهای بلند و برج های مستحکم که بر ساحل دریا قرار داشت. مردم آن جزیره، شیعه بودند و اذان و نماز آن ها بر هیأت شیعیان بود.

آنان از من پذیرایی کردند. پرسیدم: «غذای شما از کجا تأمین می شود؟» گفتند: «از جزیره خضرا در دریای سفید که جزایر فرزندان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که سالی دو مرتبه، برای ما غذا می آورند.»

چهل روز منتظر ماندم تا کاروان کشتی ها از جزیره خضرا رسید. فرمانده آن، پیرمردی بود که مرا می شناخت و اسم من و پدرم را نیز می دانست. او مرا با خود به جزیره خضرا برد.

شانزده روز که گذشت، آب سفیدی در اطراف کشتی دیدم و علت آن را پرسیدم. شیخ گفت: «این دریای سفید است و آن جزیره خضرا. این آب های سفید، اطراف جزیره را گرفته است و هرگاه کشتی دشمنان ما وارد آن شود، غرق می گردد.» وارد جزیره شدیم. شهر دارای قلعه ها و برج های زیاد و هفت حصار بود. خانه های آن از سنگ مرمر شفاف بود....

در مسجد جزیره، سید شمس الدین محمد را که عالم آن جزیره بود، ملاقات کردم. او مرا در مسجد جـ ای داد. آنـ انـ نمـ از جمعـ ه می خواندند. از سید شمس الدین پـ رسیدم: «آیـ امـ ام حاضر است؟» گفت: «نه؛ ولی من نایب خـ اص او هستم.» بـ ه او گفت م: «امـ ام را دیـ ده ای؟» گفت: «نـ ه؛ ولی پدرم، صدای او را شنیده و جدم، او را دیده است.»

سید مرا به اطراف برد. آن جا کوهی مرتفع بود که قُبه ای در آن وجود داشت و دو خادم آن جا بودند. سید گفـ ت: «من هـ ر صبح جمعه آن جا می روم و امام زمان را زیارت می کنم و آن جا ورقه ای می یابم که مسایل مورد نیاز در آن نوشته شده است.»

من نیز به آن کوه رفتم و خادمان قبه از من پذیرایی کردند... در باره

دیدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از آنان پرسیدم، گفتند: «غیر ممکن است.»

در باره سید شمس الدین از شیخ محمد (که با او به خضرا آمدم) پرسیدم. گفت: «او از فرزندان امام است و بین او و امام، پنج واسطه است.»

با سید شمس الدین، گفت و گوی بسیار کردم و قرآن را نزد او خواندم. از او درباره ارتباط آیات و این که برخی آیات، بـا پیش بی ترتب اط هستند، پرسیدم.

پاسخ داد: «...مسلمانان پس از رسول خدا و به دستور خلفا، قرآن را جمع آوری کردند؛ از همین رو، آیاتی که در قح و مذمت خلفا بود، از آن ساقط کردند؛ لذا آیات را نامربوط می بینی؛ ولی قرآن علی علیه السلام که نزد صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، از هر نقصی مبرا است و همه چیز در آن آمده است.»

در جمعه دومی که آن جا بودم، پس از نماز، سر و صدای فراوانی از بیرون مسجد شنیده شد. پرسیدم: «این صداها چیست؟» سید پاسخ داد: «فرماندهان ارتش ما هر دو جمعه میانی ماه سوار می شوند و منتظر فرج هستند.» پس از این که آنان را در بیرون مسجد دیدم، سید گفت: «آیا آنان را شمارش کردی؟» گفتم: نه. گفت: «آنان، سیصد نفرند و سیزده نفر باقی مانده اند.»

از سید پرسیدم: «عالمان ما احادیثی نقل می کنند که هر کس پس از غیبت ادعا کند مرا دیده است، دروغ می گوید. حال چگونه است که برخی از شما او را می بینید؟»

سید گفت: «درست می گویی؛ ولی این حدیث به زمانی مربوط است که دشمنان آن حضرت و فرعون های بنی العباس فراوان بودند؛ اما اکنون که این چنین نیست و سرزمین ما از آنان دور است، دیدار آن حضرت ممکن است.»

سید شمس الدین ادعا کرد: تونی—زام—ام—زم—ان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دو مرتبه دیده ای، ولی نشناخته ای. همچنین گفت: آن حضرت، خم—س را ب—ر شیعیان خود مباح کرده است.

سپس جناب سید شمس الدین به من دستور داد در بازگشت درنگ نکنم و در سرزمین های مغرب توقف نکنم. پس از آن با همان کشتی که آمده بودم بازگشتم.

واپسین مطلبی که که از علی بن فاضل شنیدم این بود که: «در جزیره خضرا فقط نام پنج تن از دانشمندان

شیعه مطرح بود: سید مرتضی، شیخ طوسی، شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ ابوالقاسم جعفر بن اسماعیل حلی.»

بررسی داستان

الف. از نظر سند

۱. ناقل داستان، نامعلوم است.

۲. این مـرد «ناشناخته» چگـونه فهمید آنچه پیدا کرده است همان خط طیبی است؟

۳. معاصران او از قبیل علامه حلی و ابن داود که کتابش را در سال ۷۰۷ قمری به پایان رسانده هیچ اشاره ای به وی نکرده اند.

۴. علی بن فاضل در روایت یادشده تصریح می کند از اول تا آخر روایت خویش را در حضور طیبی و گروهی از عالمان حله و اطراف آن که برای دیدار این شیخ آمده بودند، نقل کرده است.

اما _ با این وجود _ هیچ یک از عالمان را نمی شناسیم که به طور مسقیم یا با واسطه روایت یاد شده را نقل کرده باشند. (۱)

ب. از نظر محتوا

برخی از مهم ترین ایرادهای متنی داستان از این قرار است:

۱. دلالت قصه بر تحریف قرآن؛

۲. تعارضات فراوان در متن؛

۳. نسبت طول عمر به غیر از حضرت مهدی علیه السلام؛

۴. حلال دانستن خمس بر شیعیان، بر خلاف نظر بیشتر فقهای اسلام؛

۵. نام بردن پنج تن از علمای شیعه و نادیده گرفتن علمای بزرگ دیگر؛

علامه شیخ محمد تقی شوشتری در الاخبار الدخیله پس از نقد عالمانه این داستان و داستان بعدی می نویسد:

شاید ناقل این دو داستان، از دشمنان شیعه بوده که چنین داستانی را جعل کرده است تا حقایق را وارونه جلوه دهد.

و نیز می نویسد:

در داستان جزیره خضرا آمده است که: «شمار فرمانده های لشکر امام زمان علیه السلام سیصد نفر بودند.

و در داستان ابن انباری آمده است که:

مسافت سرزمین فرزندان امام زمان علیه السلام به اندازه یک سال راه و جمعیت آن ها بسیار زیاد است.

ص: ۱۷۵

۱- سید جعفر مرتضی، جزیره خضرا در ترازوی نقد، ترجمه: محمد سپهری، ص ۱۸۶.

اگر یاران حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف تا این اندازه زیاد است، چرا ظهور نمی کند تا مخالفان را سرکوب نماید؟ چرا چنین چیزی در خبر یا اثری از امام — ان علیهم السلام ب — ا توصیف خصوصیات آن ها نیامده است؟ (۱)

اما متأسفانه با وجود تأکید فراوان دانشمندان شیعه بر افسانه بودن داستان یاد شده، باز عده ای به دلایلی به ترویج آن اقدام کرده و از آن، پا را فراتر نهاده، بین داستان جزیره خضرا و مثلث برمودا ارتباط برقرار کرده اند. (۲) غافل از این که گذشته از اشکالات متعدد، تطبیق آن بر «مثلث برمودا» که ترسیمی نادرست و غیرمعتبر است، چهره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز مخدوش می سازد. (۳)

درباره «جزیره خضرا» و تطبیق نادرست آن بر «برمودا» باید گفت:

یک. م. اصل داست — ان، غیر قابل پذیرش است؛

دوم. «جزیره خضرا» در دریای مدیترانه است، نه اقیانوس اطلس؛

سوم. وقایع «مثلث برمودا» ساخته رسانه های غربی و افسانه سازان است؛

چهارم. بر فرض که افسانه های «برمودا» درست باشد، هیچ ربطی به امام زمان و مقام آن حضرت ندارد.

اگر چه افرادی که به بررسی داستان پرداخته اند، هر دو داستان را بررسی کرده اند، به نظر می رسد نیازی به بررسی داستان دوم نیست و علاقه مندان به منابع یاد شده مراجعه می نمایند.

نیز ن. ک: ملاقات.

جزیره خضرا در ترازوی نقد

کتابی در نقد داستان جزیره خضرا

این کتاب، پژوهشی است انتقادی درباره پاره ای از حکایت های مربوط به مهدویّت و نشانه های آخرالزمان که به قلم سیدجعفر مرتضی تألیف و به دست محمد سپهری به فارسی برگردان شده است.

نویسنده با هدف گزارش واقعیت مسایل آخرالزمان، نخست پیشگویی های

ص: ۱۷۶

۲- ر.ک: ناجی نجار، جزیره خضرا و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا، ترجمه: علی اکبر مهدی پور.

۳- ر.ک: غلامرضا نظری، جزیره خضرا تحریفی در تاریخ شیعه، بخش ۱۴ و ۱۵.

منسوب به امامان علیهم السلام درباره نشانه های ظهور را به دو دسته محتوم و غیر محتوم تقسیم و بسیاری از روایات آن را ساختگی و جعلی معرفی کرده است. سپس به تفصیل، متن دو کتاب بیان الائمه و خطبه البیان را بررسی و مطالعات عنوان شده در آن ها را بی اساس و موهوم ارزیابی کرده است. در پایان، به حکایت مربوط به جزیره خضرا پرداخته و آن ها را مخدوش شمرده است.

ص: ۱۷۷

از دیدگاه نویسندگان، بسیاری از این سخنان، پس از وقوع حوادث مورد نظر، جعل شده و به طور یقین نمی توان آن ها را به معصوم استناد داد.

این کتاب دارای یک پیشگفتار و سه بخش است. بخش نخست، با دو فصل به بحث از پیشگویی های غیبی امامان علیهم السلام از نشانه های ظهور و دیدگاه انتخاب شده و موضوعی که باید انتخاب شود و سپس تقسیم نشانه های ظهور، به حتمی و غیر حتمی می پردازد.

در بخش دوم، طی چهار فصل، به ارائه دو نمونه از روایات و اخبار و پیشگویی هایی پرداخته که در اخبار ساختگی و تحریف شده به صورت کاملاً آشکاری نمایان است. این دو نمونه عبارتند از:

۱. کتاب بیان الائمة علیهم السلام

این کتاب چند سال پیش با روایاتی منسوب به حضرت علی علیه السلام منتشر شد که هیچ اساسی ندارد. دانسته شد که یا این روایات پس از وقوع حوادث جعل شده یا آن موقع که علامات و نشانه های صریح و روشن آن نمایان شده است.

۲. خطبه البیان

نقد و بررسی خطبه معروف به خطبه البیان منسوب به حضرت علی علیه السلام و نیز مطالب کذب و نادرست و تحریف شده ای که در این باره آمده است.

در بخش سوم با چهار فصل به بررسی روایت مربوط به جزیره خضرا پرداخته و می نویسد: ما این روایت را قابل قبول و معتبر ندیدیم؛ بلکه بر عکس در لایه لای آن، مطالب فراوانی است که باعث شک و تردید در صحت آن بوده و این احتمال قوی می نماید که از اساس ساختگی و جعلی باشد.

علامه سیدجعفر مرتضی عاملی تلاش نموده است با ارائه ادله فراوانی، خط بطلان به هر سه موضوع بکشد و از اساس آن ها را باطل کند.

جعفر کذاب

عموی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مدعی جانشینی امام عسکری علیه السلام

جعفر، یکی از فرزندان حضرت هادی علیه السلام است که پس از شهادت برادرش امام حسن عسکری علیه السلام، ضمن

ادعاهای باطلی چند، ادعای امامت کرد و از این رو به کذاب (بسیار دروغگو) شهرت یافت.

این شهرت و نیز ادعای او، پیش تر در کلمات معصومان علیهم السلام پیشگویی شده بود. امام سجاد علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

آن گاه که فرزندم جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب متولد شد، نامش را صادق بگذارید که پنجمین فرزند از سلاله او، نامش جعفر است که از روی تجزی بر خدای تعالی و دروغ بستن بر او، ادعای امامت می کند! او نزد خدا جعفر کذاب و مفتری بر خدا و مدعی مقامی است که اهل آن نیست. وی، مخالف پدر خویش و حسود بر برادر خود و کسی است که می خواهد در هنگام غیبت ولی خدا او را بر ملا سازد.

امام سجاد علیه السلام پس از نقل فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بسیار گریسته و فرمود:

گویا جعفر کذاب را می بینم که طاغی زمانش را وادار می کند، تا در امر ولی الله و غایب در حفظ الهی و موکل بر حرم پدرش، تفتیش کند؛ به سبب جهلی که بر ولادت او و حرصی که بر قتل او دارد؛ اگر به او دسترسی یابد، و طمعی که در میراث او دارد، تا آن را به ناحق غصب کند.^(۱)

بدون شك انحراف جعفر از خط پدران معصومش، نه به علت کوتاهی و سستی پدر در تربیت وی بود و نه به سبب محیطی که در آن می زیست. این انحراف به علت همنشینی با بدکاران و منحرفان برای وی پدید آمد و شکی نیست همنشین در انسان تأثیر فراوانی دارد. همان گونه که قرآن کریم از ماجرای نافرمانی همسر لوط علیه السلام سخن می گوید.

فاطمه، دختر محمد بن هیشم معروف به ابن سیابه گوید: هنگام ولادت جعفر، من در خانه امام هادی علیه السلام بودم و اهل خانه به این ولادت شادمان شدند. نزد امام هادی علیه السلام رفتم و او را شاد نیافتم. گفتم: «ای سرورم! چرا شما را به

ص: ۱۷۹

۱- «كَانَ بِجَعْفَرِ الْكُذَّابِ وَقَدْ حَمَلَ طَاغِيَةَ زَمَانِهِ عَلَى تَفْتِيشِ أَمْرِ وَلِيِّ اللَّهِ وَالْمُعَيَّبِ فِي حِفْظِ اللَّهِ وَالتَّوَكُّلِ بِحَرَمِ أَبِيهِ جَهْلًا مِنْهُ بِوِلَادَتِهِ وَحِرْصًا عَلَى قَتْلِهِ إِنَّ ظُلْفَرَ بِهِ وَطَمَعًا فِي مِيرَاثِ أَبِيهِ حَتَّى يَأْخُذَهُ بِغَيْرِ حَقِّهِ»، شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۲.

واسطه این مولود شادان نمی بینم؟» فرمود: «این امر بر تو آسان خواهد شد؛ زیرا به زودی او گروه پرشماری را گمراه می سازد.» (۱)

اوج کژی جعفر پس از شهادت ام—ام حسن—ن عس—کری علیه السلام صورت گرفت. وی، با این که اهل فسق و فجور و گناهان بزرگ بود، خود را جانشین آن حضرت معرفی کرد. (۲)

عملکرد جعفر کذاب در مقابل روش امامان معصوم علیهم السلام در موارد ذیل قابل بررسی است:

۱. ادعای امامت

وی پس از برادر خود امام حسن عسکری علیه السلام، ادعای امامت کرد و برای رسیدن به این هدف خود، نقشه هایی کشید. اول خود، را در معرض تسلیت گویی مردم و تبریک بر امامت خود قرار داد؛ دوم خود را آماده اقامه نماز بر جنازه برادرش کرد، تا بلکه از این راه منصب رسمی (امامت) را به چنگ آورد. نقشه دیگر این بود که دست به دامن دولت شد تا دولت، او را به جای برادرش گذاشته و زعامت شیعیان را به وی واگذار نماید؛ اما در تمام این نقشه ها شکست خورد و جز رسوایی، چیزی به دست نیاورد.

۲. انکار وارث امام عسکری علیه السلام

جعفر کذاب، منکر وارث شرعی امام عسکری علیه السلام و امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شد. به همین دلیل مدعی شد وارث منحصر به فرد امام عسکری علیه السلام است و به کمک دولت، توانست اموال امام عسکری علیه السلام را تصرف کند.

۳. تحریک دولتمردان بر ضد امام مهدی علیه السلام .

وی وقتی دید حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در جریان نماز، بر او احتجاج کرده و رسوایش کرد، دولت حاکم را بر ضد آن حضرت و وجود او تحریک کرد و در نتیجه حاکمان جور، دوباره به خانه امام عسکری علیه السلام یورش بردند و برای یافتن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تلاش های مذبحخانه ای انجام دادند؛ ولی خواست الهی بر آن تعلق گرفت که آن حضرت از گزند بدخواهان در امان بماند. (۳)

احمد بن اسحاق گوید: از جعفر بن علی نامه ای به دست من رسید و طی آن ادعا کرده بود به علم دین (حلال و

ص: ۱۸۰

۱- «يَهْوُونَ عَلَيْكَ أُمَّرَةً فَإِنَّهُ سَيُضِلُّ خَلْقًا كَبِيرًا»، شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۱.

۲- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲۶.

۳- سيد محمد صدر، پژوهشی در زندگی امام مهدی علیه السلام، ص ۲۴۷.

حرام) و نیز کلیه علوم و آنچه که مردم بدان نیازمندند، آگاهی دارد. پس از این که نامه را خواندم، عریضه ای به پیشگاه مقدس حضرت امام عصر علیه السلام نگاشتم و نامه جعفر را نیز به پیوست آن قرار دادم. به دنبال آن، از ناحیه مقدسه پاسخی بدین شرح صادر شد:

به نام خداوند بخشاینده مهربان؛ خداوند سبحانه و تعالی تو را پایدار بدارد! نامه تو و ضمیمه آن [نامه جعفر] به من رسید و از مضمون آن _ که با اختلاف الفاظ و اشتباهات بسیار توأم بود _ آگاه شدم. اگر شما هم دقت کرده بودید، به برخی از آن ها آگاه می شدید.

آن گاه حضرت مهدی علیه السلام در ادامه با ذکـر حمد و ثنـای پروردگار سبحانه و تعالی، مطالبی در ردّ جعفر بیان فرمود: «...این پیرو باطل و دروغگو، بر خداوند افترا بسته است. این شخص با امید به چه چیز می خواهد این ادعای عاری از حقیقت خود را ثابت کند؟ آیا با اطلاعاتی که در احکام الهی دارد؟ به خدا قسم! این فرد آن قدر بی اطلاع است که حلال و حرام را نمی شناسد و میان بد و خوب فرق نمی گذارد. آیا به دانش خود تکیه دارد؟ او به قدری تهیدست است که حق و باطل را نمی شناسد، محکم و متشابه را نمی داند و از احکام نماز _ حتی وقت آن _ آگاهی ندارد. آیا این مدعی فاقد صلاحیت، به ورع و پرهیزگاری خویش تکیه می کند؟ خداوند شاهد است که نماز واجب خویش را برای این که شعبده بازی یاد بگیرد، ترک کرده است. حتماً از ظروف مشروب و آثار دیگری از گناهان او اطلاع دارید...»

خداوند سبحانه و تعالی تو را توفیق دهد! آنچه برایت گفتم، از این ستمکار ستمگر بپرس و او را آزمایش کن. از یکی از آیات قرآن و تفسیر آن از وی بپرس یا از نماز و شرایط آن از او بپرس، تا به معایب و کمبودهای او پی ببری و حال او را بدانی. خداوند سبحانه و تعالی کفایت کننده است؛ او حق را برای اهلش حفظ می کند و آن را در جایگاهش قرار می دهد. (۱)

ص: ۱۸۱

منابع شیعه درباره پایان کار او دو دیدگاه دارند:

یک. وی تا پایان زندگی بر ادعای دروغین خود پای فشرد، همچنان خود را امام می دانست.

دو. وی از دعوی دروغین خود دست برداشته، توبه کرد و شیعیان نیز نامش را از جعفر کذاب به جعفر تائب برگرداندند.

کلینی به نقل از محمد بن عثمان عمری می گوید: امام دوازدهم علیه السلام در توقیعی به توبه او تصریح کرده است: راه جعفر، راه برادران یوسف است (۱) که سرانجام توبه کردند و گناه شان بخشوده شد.

وی با وجود زندگی کوتاه، دارای فرزندان بسیاری شد. نوادگان وی چون نسبت خود را به امام رضا علیه السلام می رساندند، به رضویان شهرت یافتند.

نیز ن.ک: ولادت حضرت مهدی علیه السلام، توقیع.

جمعه

روز ظهور مهدی علیه السلام

جمعه، روز پایانی هفته، مورد احترام مسلمانان و یکی از اعیاد مهم آنان است. به عقیده برخی، جمعه از آن رو جمعه نامیده شده است که در آن جهت نماز اجتماع می کنند (۲). اهمیت شب و روز جمعه، در احادیث بسیاری بیان شده و اعمال و ادعیه فراوانی برای آن مقرر گشته است.

از مهم ترین اعمال مؤمنان در روز جمعه، توجه به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتظار فرج آن بزرگوار است. در این رو، زیارت آن حضرت و دعا برای تعجیل فرج او مستحب است؛ زیرا طبق برخی از روایات و زیارات، امید ظهور آن حضرت در روز جمعه بیش از سایر روزها است (۳).

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است:

... و قائم ما اهل بیت در روز جمعه خروج می کند (۴).

ص: ۱۸۲

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۹۰؛ ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

۲- راغب اصفهانی، مفردات .

۳- ر.ک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۱۵.

٤- «... وَيَخْرُجُ قَائِمًا أَهْلَ الْبَيْتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ...»، شيخ صدوق، الخصال، ص ٣٩٤، ح ١٠١.

همچنین در روایاتی آمده است:

روزی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرت علی علیه السلام را در غدیر خم نصب فرمود، جمعه بود و روز قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جمعه خواهد بود و روز بر پایی رستاخیز جمعه خواهد بود. (۱)

البته بین این سه رخداد عظیم، وجوه مشترک فراوانی وجود دارد. از ویژگی های دیگر این روز با عظمت، آن است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن روز شریف پای به عرصه گیتی نهاد. (۲)

نیز ن.ک: ظهور، قیام.

جنگ افزارهای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف < سلاح مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

ص: ۱۸۳

۱- «وَكَانَ الْيَوْمَ الَّذِي نَصَبَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِغَدِيرِ خُمٍّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَقِيَامِ الْقَائِمِ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ يَكُونُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَتَقُومُ الْقِيَامَةُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ...»، شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۲۲، م ۱۲۴۱.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۳؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ح ۲، ص ۴۳۲، ح ۱۲، ۱۳.

از القاب حضرت مهدی علیه السلام

حجّت از نظر لغت، به معنای برهان و دلیل است که با آن، حریف را قانع یا دفع کنند و جمع آن حجج و حجاج است. (۱)

این کلمه در قرآن مجید در موارد مختلفی به کار رفته است؛ از جمله:

((لَيْتَآ يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا)) (۲)

تا اینکه برای مردم، پس از فرستادن پیامبران، در مقابل خدا بهانه و حجّتی نباشد و خدا توانا و حکیم است.

و نیز:

((قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ)) (۳)

بگو برهان رسا (حجّت) ویژه خداوند سبحانه و تعالی است و اگر او می خواست، قطعاً همه شما را هدایت می کرد.

در ادبیات گنگ فتاری و نوشتاری

ص: ۱۸۵

۱- ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲- نساء (۴): ۱۶۵.

۳- انعام (۶): ۱۴۹.

شیع—ه، حج—ت دو مفه—وم وصفی هم سنگ دارد:

۱. مفهومی وصفی و عام که درباره هر دلیل و برهان الهی چون پیامبران و امامان علیهم السلام یا عقل به کار برده می شود و این دلیل همواره در زمین بر انسان آشکار است؛ از این رو در روایت امام کاظم علیه السلام آمده است که فرمود:

خداوند سبحانه و تعالی را بر مردم دو حجّت است: یکی ظاهر که آن عبارت است از پیامبران و رهبران دینی و دیگری باطن که آن عقول مردم است. (۱)

پیامبران و اوصیای آنان علیهم السلام به این دلیل حجّت نامیده شده اند که خداوند سبحانه و تعالی به وجود ایشان، بر بندگان خود احتجاج کند. آنان همچنین دلیل بر وجود خدا هستند و گفتار و کردارشان دلیل بر نیاز مردم به قانون آسمانی است.

بر اساس روایات فراوانی، زمین هرگز از حجّت خالی نیست؛ چنان که از امام رضا علیه السلام پرسیده شد: آیا زمین از حجّت خالی می ماند؟ حضرت فرمود: «اگر زمین از حجّت خالی باشد، اهلش را فرو می برد.» (۲)

۲. مفهوم وصفی خاصی که از نگاه شیعه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین حجّت الهی است؛ از این رو به حجه بن الحسن العسکری علیهما السلام شهرت دارد. (۳) داود بن قاسم گوید: از امام دهم علیه السلام شنیدم که فرمود: «جانشین من، پسر من حسن است. شما نسبت به جانشین پس از جانشین من چه حالی خواهید داشت؟»

عرض کردم: «خداوند سبحانه و تعالی مرا قربانت کند؛ چرا؟»

فرمود: «برای آن که شخص او را نمی توانید ببینید و ذکر او به نام مخصوصش روا نیست. عرض کردم: «پس چط—ور او را ی—اد ک—نیم؟» فرمود: «بگ—وید حجّت از خ—اندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم.» (۴)

ص: ۱۸۶

۱- «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ ...»، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۵.

۲- «لَوْ بَقِيَتْ بَعْدَ إِمَامٍ لَسَاخَتْ»، شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ح ۶ و ج ۹۷، ص ۳۴۳.

۴- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۲، ح ۱۶۹؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱۳.

در بیشتر روایات، این لقب به صورت الْحَجَّه مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ به کار رفته است. (۱)

حجر الاسود

تکیه گاه حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور

از بخش های مهم مسجد الحرام و کعبه، حجر الاسود است که همواره در طول تاریخ _ به ویژه در تاریخ صدر اسلام _ از ارزش و اعتبار ویژه ای برخوردار بوده است.

در برخی روایات از اهمیت و جایگاه آن در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز سخن به میان آمده است. امام باقر علیه السلام فرمود:

به خدا سوگند! گویا می بینم قائم پشت خود را به حجرالاسود تکیه داده، از خداوند سبحانه و تعالی می خواهد به حق خود برسد. آن گاه [قائم] می فرماید: «ای مردم! هر کس درباره حضرت آدم با من احتجاج کند، بداند من از او به آدم برترم و آن کس که در رابطه با شخصیت نوح با من احتجاج کند، من بر او به نوح مقدم هستم. و هر کس بخواند در باره با ابراهیم با من مجادله کند، من از او به ابراهیم برتری دارم... و اگر کسی بخواند با شخصیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم با من مجادله کند، به طور مسلم من به حضرت محمد از او اولی هستم و هر کس که بخواند در قرآن با من مجادله نماید، من از همه اولی به قرآن خداوند هستم...» (۲)

نیز ن.ک: ظهور، مسجدالحرام.

ص: ۱۸۷

۱- ر.ک: شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۵؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۸.
۲- «وَ اللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجْرِ نَعَمَ يَنْشُدُ اللَّهَ حَقَّهُ ثُمَّ يَقُولُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يُحَاجِنِي فِي اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى بِاللَّهِ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يُحَاجِنِي فِي آدَمَ فَأَنَا أَوْلَى بِآدَمَ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يُحَاجِنِي فِي نُوحٍ فَأَنَا أَوْلَى بِنُوحٍ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يُحَاجِنِي فِي إِبْرَاهِيمَ فَأَنَا أَوْلَى بِإِبْرَاهِيمَ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يُحَاجِنِي فِي مُيُوسَى...»، نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۱؛ با اندک تفاوتی: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۴.

روایتی بشارت دهنده به حضرت مهدی علیه السلام

پی_امبر اس_لام صلی الله علیه و آله و سلم در واپ_سین ماه های عمر خود، در محل غدیر خم، ضمن پافشاری بر امامت نخستین پیشوای مسلمانان، درباره آخرین پیشوا چنین فرمود:

...ای مردمان! همانا به درستی که من پیامبرم و علی جانشین من است. آگ_اه ب_اشید! خت_م کنن_ده پیشوایان از ما است. او قائم مهدی است. آگاه باشید! همو است که دین را ب_رت_ری خ_واه_د بخ_شید و انتقام گیرنده از ستمگران است. (۱)

حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام < لوح حضرت زهرا علیها السلام

حدیث معراج

بشارت خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره حضرت مهدی علیه السلام در معراج

یکی از رخدادهای مهم زندگی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم معراج آن حضرت است. قرآن در آیاتی چند به برخی از حوادثی که در آن سفر آسمانی رخ داده، اشاره هایی کرده است و یک سوره را نیز برای این حادثه بزرگ اختصاص داده است.

افزون بر آیات قرآن، برخی از آنچه در آن سفر ملکوتی اتفاق افتاد، به بیان روایات نورانی معصومان علیهم السلام برای ما بازگو شده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در باره آنچه در شب معراج دیده بود، پس از بیان دیدن نور پیشوای_ان معصوم علیهم السلام و آخ_رین جانشین خود میان آن ها، فرمود: ... عرض کردم: «پروردگارا! اینان چه کسانی هستند؟» فرمود: ایشان پیشوایانند و این قائم است؛ همو که حلال مرا حلال می کند و حرام مرا را حرام می سازد و از دشمنان من انتقام می گیرد. ای محمد! او را دوست بدار. پس همانا من او را دوست می دارم و هر کس که او را دوست بدارد، نیز دوست می دارم.... (۲)

ص: ۱۸۸

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳.

۲- «هُؤُلَاءِ الْأَئِمَّةُ وَ هَذَا الْقَائِمُ يُحِلُّ حَلَالِي وَ يُحَرِّمُ حَرَامِي وَ يَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي يَا مُحَمَّدُ أَحِبَّهُ فَإِنِّي أُحِبُّهُ وَ أُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ»، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۲۲؛ نعمانی، الغیبه ؛ ص ۹۳؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۲.

ص: ١٨٩

دعای منسوب به حضرت مهدی علیه السلام برای در امان ماندن از بلاها

حِرْز، در لغت به معنای جای است_وار و پناهگ_اه است. نیز دعای حفظ و تعویذ را گویند. در اصطلاح، بیشتر معنای دوم مقصود است؛(۱) یعنی هر گونه دعای خواندنی و نوشتنی، بلکه هر گونه تعویذی است که مایه حفظ باشد و به وسیله آن پناه جویند. وجه مشترک بین همه حرزها، به کار بستن آن ها برای محفوظ ماندن شخص و یا همراهان یا اموال او از گزند دشمنان یا پیش آمدهای ناگوار و حوادث پیش بینی نشده روزگار است.

برخی حرزها _ مانند سایر احادیث و دع_اها _ با ذک_ر سن_د معتبر از معصوم نقل شده است؛ اما بعضی از آن ها استناد محکمی ندارد.

هر یک از حرزها، ویژگی هایی دارند که در کتاب های دعا مورد اشاره قرار گرفته است. برای هر کدام از معصومان علیهم السلام حرزهایی نقل شده است که بعضی از آن ها شهرت بیشتری دارند؛ یکی از آن ها حرز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا مَالِكَ الرَّقَابِ يَا هَازِمَ الْأَخْزَابِ يَا مُفْتَحَ الْأَبْوَابِ يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ سَبَّبَ لَنَا سَبَبًا لَأَنْشَطِيعَ لَهُ طَلَبًا بِحَقِّ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. (۲)

حرمت نام بردن مهدی علیه السلام < محمد

حسن شریعی

از مدعیان دروغین نیابت از حضرت مهدی علیه السلام

یکی از مدعیان دروغین نیابت، حسن شریعی است. البته به یقین مشخص نیست که اسم او حسن باشد؛ بلکه او با لقب معروف شده است. در روایتی که نقل خواهد شد، راوی حدیث به صورت حدس و گمان اسم او را حسن ذکر کرده است. (۳) نگارنده قاموس الرجال

ص: ۱۹۰

۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۳۳۳؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۱۵.

۲- مصباح کفعمی، ص ۳۰۵؛ مهج الدعوات، ص ۴۵.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۷.

از حدیثی که شیخ طوسی نقل کرده است، روشن می شود اسم او به صورت یقین روشن نیست و او به وسیله لقب معروف بوده است و این که تلعبیری راوی حدیث، به صورت گمان حکم کرده که اسم او حسن است، به سبب این است که او «ابومحمد» بوده و بیشتر اسم کسانی که کنیه آن ها «ابومحمد» است، حسن می باشد. (۱)

شریعی نخستین کسی است که به دروغ و افتراء ادعای نی—ای نی—ابت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را کرد. او پیش تر، از یاران امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام بود؛ ولی پس از آن منحرف شد. تاریخ ادعای نیابت دروغین او به صورت دقیق بیان نشده است؛ لیکن چون این ادعاهای دروغین، از دوران نایب دوم آغاز شده است، به نظر می رسد وی در دوران سفارت و نیابت محمد بن عثمان، به چنین عملی دست زده است.

دانشوران علم رجال در باره شرح حال او چندان بحث نکرده اند؛ لذا جامع ترین سخن درباره ایشان، کلام شیخ طوسی در کتاب الغیبه است. شیخ طوسی درباره «شریعی» می نویسد:

نخستین کسی که به دروغ و افتراء ادعای نیابت خاص از جانب امام زمان علیه السلام کرد، شخصی معروف به «شریعی» بود. جماعتی از عالمان، از ابومحمد تلعبیری از ابوعلی محمد بن همام نقل کرده اند: کنیه شریعی «ابومحمد» بود.

تلعبیری می گفت: «گمان دارم نام وی حسن باشد.» او از اصحاب امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام به شمار می آمد. او نخستین کسی است که مدعی مقامی شد که خداوند سبحانه و تعالی برای او قرار نداده بود و شایسته آن هم نبود. در این خصوص، بر خدا و حجت های پروردگار دروغ بست و چیزهایی به آنان نسبت داد که شایسته مقام والای آنان نبود و آن ها از آن به دور بودند؛ از این رو، شیعیان هم او را ملعون دانسته و از وی دوری جستند و توقیعی از جانب ولی عصر علیه السلام درباره نفرین و دوری از وی صادر شد. (۲)

۱- محمدتقی تستری، قاموس الرجال، ج ۳، ص ۲۶۲.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۸.

حسین بن روح (نوبختی)

نایب سوم حضرت مهدی علیه السلام در غیبت صغرا

سومین نایب خ—اص حض—رت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، محدث، فقیه و متکلم شیعی ایرانی، حسین بن روح نوبختی است. وی میان شیعیان بغداد، شهرت ویژه ای داشت و یکی از افراد مورد اعتماد محمد بن عثمان عمری به شمار می رفت. او در سال های ۳۰۵ _ ۳۲۶ ق نایب امام زمان علیه السلام و واسطه بین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شیعیان بود. حسین بن روح دارای ب—رتی ه—ای فراوانی بود؛ اما به طور عمده شهرت و اعتبار—ار او، ب—ه مسأله نی—ابتش ب—از می گردد.

پیش از آن، محمد بن عثمان، او را حلقه اتصال بین خود و وکلای دیگرش در بغداد قرار داده بود. وی در زمان حیات نایب دوم، در دربار عباسی نفوذ چشمگیری داشت و از ناحیه برخی مقامات دولتی کمک های مالی به او می رسید. (۱)

نایب دوم، از دو یا سه سال پیش از درگذشت خود، با ارجاع برخی از شیعیان که اموالی از سهم امام و غیر آن پیش او می بردند به حسین بن روح نوبختی، زمینه را برای نیابت وی از طرف امام زمان علیه السلام هموار می کرد. او به کسانی که در این موضوع دچار شک و تردید می شدند، تأکید می کرد این دستور، از طرف امام علیه السلام صادر شده است. (۲)

وی در انتصاب حسین بن روح به جانشینی خود، تأکید فراوانی می کرد. گاهی به صورت انفرادی و گاهی میان عموم شیعیان مخلص و وکلای خویش، این مطلب را یادآور می شد. این تأکید، بدان علت بود که از طرف امامان علیهم السلام، سخن روشنی که بیانگر وثاقت، امانت و نیابت حسین بن روح صادر نشده بود. از طرفی میان وکلای بغداد، کسانی بودند که در ظاهر ارتباط محمد بن عثمان با آنان بیشتر بود؛ از این رو عوام و خواص شیعیان، تصور نمی کردند حسین بن روح به جانشینی انتخاب شود؛ بدین سبب، نایب دوم از

ص: ۱۹۲

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۷۲، ح ۳۴۳، با تصرف.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۹، ح ۳۳۷ و ح ۳۳۵.

هر فرصتی برای تبیین نیابت خود از طرف امام زمان علیه السلام، برای رفع تردید از آنان استفاده می کرد. (۱)

پس از وفات ابوجعفر عمری و وصیت او درباره نصب حسین بن روح به عنوان نایب سوم امام غایب، ابوالقاسم حسین بن روح به «دارالنیابه» در بغداد آمد و بزرگان شیعه گرد او جمع شدند. حسین بن روح، با همکاری و کلای بغداد و سایر مناطق، کار خویش را در جایگاه نیابت امام زمان علیه السلام آغاز کرد و توانست با روش عالمانه و منطقی، بین دوست و دشمن از پذیرش بالایی برخوردار شود.

روایت ها، حکایت از آن دارد که بر خلاف سفیر اول و دوم، موقعیت حسین بن روح در جایگاه سفیر امام دوازدهم بین شیعیان امامیه آشکار بود؛ به همین دلیل عده ای از عوام امامیه، بر آن شدند که وکلای نواحی خود را نادیده گرفته، به طور مستقیم با خود او در تماس باشند؛ ولی رفته رفته با انجام تغییراتی در دستگاه حاکم و برکناری برخی حامیان او، وضع دگرگون شد؛ به گونه ای که وی بخشی از پایان عمر خود را در زندان به سر برد. (۲)

از حوادث مهم دوران نیابت حسین بن روح، جدا شدن ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی (معروف به ابن ابی عزافر) از آیین شیعی و تکفیر او به دست حسین است. (۳)

مدت نیابت

حسین بن روح، با وفات ابوجعفر محمد بن عثمان عمری، در سال ۳۰۵ ق منصب نیابت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را عهده دار شد و در سال ۳۲۶ ق وفات یافت. بدین سان مدت نیابت وی نزدیک به ۲۱ سال بود.

در وفات وی که در سال ۳۲۶ ق بوده، هیچ اختلافی نیست، و محدثان و مورخان در این مسأله اتفاق نظر دارند؛ لیکن در محل قبر او، اختلاف و شبهاتی وجود دارد. مسلم است که قبر او در بغداد است؛ ولی این که قبر در قسمت غربی بغداد است یا قسمت شرقی، مورد اختلاف است. (۴)

نیز ن.ک: نیابت خاص،

ص: ۱۹۳

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۹، ح ۳۳۶.

۲- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۰۲، ح ۲۵۶.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۸۹، ح ۳۵۵.

۴- علی غفارزاده، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۲۷۶.

حسین بن منصور حلاج

از مدعیان دروغین نیابت حضرت مهدی علیه السلام

حسین بن منصور حلاج، حدود سال ۲۴۴ ق در قریه «طور» از قرای بیضای فارس (هفت فرسنگی شیراز) زاده شد. وی با پدرش منصور از بیضا، به واسط رفت و آن جا علوم اسلامی را آموخت و در بیست سالگی به بصره رفت. مرید صوفی آن سامان شد و به دست او خرقة تصوّف پوشید. در سال ۲۷۰ ق به مکه سفر کرد و از آن جا به اهواز رفت و به دعوت پرداخت. حلاج برای دعوت به مذهب صوفیانه خود که جنبه «حلولی» داشت، به مسافرت می پرداخت. وی در آغاز، خود را رسول امام غایب و باب آن حضرت معرفی می کرد؛ به همین سبب علمای علم رجال شیعه، او را از مدعیان بایّت شمرده اند.

نام او ابوالمغیث حسین بن منصور حلاج بود که در سال ۳۰۹ ق کشته شد. حلاج پس از ادعای بایّت، بر این شد که ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی (متکلم امامی) را در سلک یاران خود در آورد و به تبع او، هزاران شیعه امامی را که در قول و فعل تابع او بودند، به عقاید حلولی خویش معتقد سازد؛ به ویژه آن که جماعتی از درباریان خلیفه به حلاج حسن نظر نشان داده و جانب او را گرفته بودند؛ ولی ابوسهل که پیری مجرب بود، نمی توانست ببیند او با مقالاتی تازه، خود را معارض حسین بن روح نوبختی و کیل امام غایب معرفی می کند. اسماعیل در پاسخ گفت: «وکیل امام زمان علیه السلام باید معجزه داشته باشد. اگر راست می گویی، موهـای مرا سیاه کن. اگر چنین کـاری انجام دهی، همه ادعاهایت را می پذیرم.» ابن حلاج که می دانست ناتوان است، با استهزای مردم روبه رو شد و از شهر بیرون رفت. آن گاه به قم شتافت و به مغازه علی بن بابویه (پدر بزرگوار شیخ صدوق) رفت و خود را نماینده امام زمان علیه السلام خواند. مردم بر وی شوریدند و او را با خشونت از شهر بیرون افکندند.

ابن حلاج، پس از آن که جمعی از خـراسانیان ادعـایش را پذیرفتند،

دیگر بار به عراق شتافت. (۱) در این زمان، چون فقه امامیه از سوی خلفا به رسمیت شناخته نشده بود، شیعیان، میان مذاهب اهل سنت «مذهب ظاهری» را که مؤسس آن، ابوبکر محمد بن داوود اصفهانی است، پذیرفته بودند.

رؤسای امامیه و خاندان نوبختی، برای برانداختن حلاج ناچار به محمد بن داوود ظاهری متوسل شدند و او را به صدور فتوایی وا داشتند که در سال ۲۹۷ ق و اندکی پیش از مرگ خود در وجوب قتل حلاج انتشار داده بود. ابوالحسن علی بن فرات، وزیر شیعی مذهب مقتدر (خلیفه عباسی) نیز در تکفیر حلاج به آل نوبخت کمک کرد.

حلاج در سال ۲۹۶ ق به بغداد رفت و مردم را به طریقه خاصی مبتنی بر نوعی تصوف آمیخته با گونه ای «حلول» دعوت کرد. ابوالحسن بن فرات، وی را تعقیب کرد و ابن داوود فتوای معروف خود را در حلال بودن خون او صادر نمود. وی در سال ۳۰۱ ق به دست کارگزاران خلیفه گرفتار شد و به زندان افتاد. پس از هفت ماه محاکمه، علمای شرع او را مرتد و خارج از دین اسلام شمردند (۲۴ ذیقعد ۳۰۹ ق) و به فرمان مقتدر و وزیر او حامد بن عباس به دار آویخته شد. (۲) سپس جسد او را سوزاندند و سرش را بر بالای جسر بغداد زدند.

حکومت جهانی

از مهم ترین اهـ داف قیـ ام جهانی حضرت مهدی علیه السلام

یکـ ی از ویژگی هـ ای دولـ ت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جهانی بودن آن است. حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شرق و غرب عالم را فرا می گیرد و آبادی ای در زمین نمی ماند، مگر این که گلبانگ محمدی از آن بر می خیزد و سراسر گیتی از عدل و داد آکنده می شود. در آن دوران به دست آن حضرت، آرمان والای تشکیل جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی تحقق می پذیرد و آرزوی دیرینه همه پیامبران، امامان،

ص: ۱۹۵

۱- ر.ک: سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۸؛ سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الصغری، ص ۵۳۲.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۰۱، محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۱۶۲.

مصلحان و انسان دوستان برآورده می شود.

امام رضا علیه السلام از پدراناش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است:

خداوند سبحانه و تعالی در شب معراج در بخشی از بیانی طولانی فرمود: «... و به درستی زمین را به وسیله واپسین آنان [ائمه معصومین علیهم السلام] از دشمنانم پاک خواهم ساخت و تمام گستره زمین را در فرمانروایی او قرار خواهم داد...» (۱)

در دوران رهبری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با ایجاد مدیریت و حاکمیت یگانه برای همه اجتماعات، نژادها و منطقه ها، یکی از عوامل اصلی تضاد و جنگ و ستم از بین می رود. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

پیشوایان پس از من دوازده نفرند؛ نخستین آنان تو هستی ای علی و واپسین آنان قائم است؛ همو که خداوند سبحانه و تعالی بر دستانش مشارق و مغارب زمین را فتح خواهد کرد. (۳)

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود:

سپس خدای عزوجل او را ظاهر سازد و مشرق ها و مغرب های زمین را به دست او بگشاید و... (۴)

این امید به آمدن مصلح جهانی، ریشه در افکار و عقاید تمام اقوام و ملل دارد و کم و بیش به گونه های متفاوت همه جا وجود دارد؛ اما در تفکر شیعی به طور روشن و شفاف مطرح است. در این تفکر، امام منتظر و منجی نهایی، زنده است و روزی به فرمان خداوند سبحانه و تعالی ظهور کرده و جهان

ص: ۱۹۶

۱- «... وَلَاطَهَّرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي وَلَأَمْلِكَنَّهٗ [وَلَأَمْكِنَنَّهٗ] مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا ...»، شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۲۲؛ همو، علل الشرایع، ج ۱، ص ۵، ح ۱. همچنین ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۲، ح ۹۱.

۲- محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۱۶۲.

۳- «الْأَيُّمَةُ مِنْ بَعْدِي إِثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا»، شیخ صدوق، الامالی، ص ۹۷، ح ۹؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۱۰۲؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۹۸.

۴- «ثُمَّ يُظَهِّرُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَيَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۵، ح ۳۱.

را پر از عدل و داد خواهد کرد.

بر اساس دیدگاه «تشکیل حکومت جهانی»، با ظهور امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف، اسلام، یگانه دین حق و کامل و دارای شریعت جامع، مقبول همگان خواهد شد. در آن زمان ستمگران و جباران از مسند قدرت به زیر کشیده می شوند. پس از آن حکومت جهانی اسلام با زعامت و رهبری امام معصوم و عادل برپا شده و عدالت بر بنیاد دیانت و اخلاق در مقیاسی جهانی اجرا می گردد.

در برخی آیات قرآن، به این حاکمیت اشاره شده است و آیات مربوط به جهانی بودن اسلام نیز مؤید این معنا است. جهانی بودن دین اسلام و عدم اختصاص آن به قوم یا منطقه خاصی، از ضروریات این آیین الهی است و حتی کسانی که ایمان به آن ندارند، می دانند که دعوت اسلام، همگانی بوده و به منطقه جغرافیایی خاصی محدود نبوده است. از جمله آیه هایی که به حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر شده، آیه ارسال است. در این آیه می خوانیم:

((هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ))؛ (۱)

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد، تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

آیه یادشده، با همین الفاظ در سوره «صف»، آمده و با تفاوت مختصری در «سوره فتح»، تکرار شده است و از رویدادی مهم خبر می دهد. این اهمیت، موجب تکرار آن شده است و از جهانی شدن اسلام و فراگیری این آیین بر روی زمین خبر می دهد.

شکی نیست در حال حاضر، این موضوع تحقق نیافته است؛ ولی این وعده حتمی خدا به تدریج در حال تحقق است. طبق روایات، تکامل این برنامه، هنگامی خواهد بود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند و برنامه جهانی شدن اسلام را تحقق بخشد. شیخ صدوق، از امام صادق علیه السلام، در تفسیر این آیه نقل می کند:

به خدا سوگند! هنوز تأویل این آیه

ص: ۱۹۷

نازل نشده و نخواهد شد، تا آن که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج کند. وقتی او ظهور کرد، دیگر هیچ کافر به خدا و منکر امامی نمی ماند؛ مگر این که از خروج آن حضرت ناراحت می شود. حتی اگر کافری در دل سنگی پنهان شود، آن سنگ می گوید: ای مؤمن! در دل من کافری پنهان شده است، مرا بشکن و او را بیرون بیاور و به قتل برسان. (۱)

در تفسیر قمی آمده است: این آیه درباره قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده و این که در باره آن حضرت نازل شده، بدین معنا است که خروج او تأویل این آیه است. از روایت صدوق هم این برداشت استفاده می شد.

افزون بر این، شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به سران کشورهای مانند قیصر روم و پادشاه ایران و فرمانروایان مصر و حبشه و شامات و نیز به رؤسای قبایل گوناگون عرب و... نامه نوشت همگان را به پذیرفتن این دین مقدس دعوت کرد و از پیامدهای وخیم کفر و روی گردانی از اسلام، برحذر داشت. اگر دین اسلام جهانی نبود، چنین دعوت عمومی انجام نمی گرفت و دیگر اقوام و امت ها هم برای عدم پذیرش، عذری می داشتند. (۲)

مبانی و مقدماتی که ناگزیر به آرمان حکومت واحد جهانی شیعی می انجامد، از این قرار است:

یک. اعتقاد به برتری اسلام و جهانی بودن آن

به اجماع تمام مسلمانان، اسلام دینی است که در واپسین حلقه از سلسله طولانی نبوت ظاهر شده و از هر جهت کامل ترین و جامع ترین دین ها است و تا روز قیامت نیز بشريت را از هر جهت کفایت می کند. دین اسلام، روزی تمام انسان ها را پیرو و مطیع خود خواهد کرد و بدین ترتیب جهان در تسخیر آموزه های بلند و آسمانی اسلام در خواهد آمد. از آیاتی چون:

((إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ))؛ (۳)

در حقیقت، دین نزد خداوند سبحانه و تعالی همان اسلام است.

ص: ۱۹۸

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۰.

۲- محمد تقی مصباح، آموزش عقاید، ج ۲، ص ۱۱۶.

۳- آل عمران (۳): ۱۹.

((وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ))؛(۱)

و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود.

((الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ))؛(۲)

امروز دین شما را برایتان کامل گردانیدم.

((مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ))؛(۳)

محمد، پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است.

((وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ))؛(۴)

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

((وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ))؛(۵)

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند.

به دست می آید که مسلمانان، به حقایق، جامعیت، خاتمیت، جهان شمولی و سرانجام جهان گستری و پیروزی و غلبه نهایی آن دست خواهند یافت.

دو. اعتقاد به مهدویت

چی رگ ی اسلام بر تمام ادیان و مکاتب و استیلا ب ر جب اران و فرم انروایان غی ر اله ی و تأسیس حکومت جهانی، لازمه اعتقاد به مهدویت و ظهور منجی داد گستر است.

از نگاه شیعیان، تاریخ اسلام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با حذف امام علی بن ابی طالب و فرزندان معصوم او علیهم السلام، در حوزة سیاست و حکومت به انحراف گرایید و پیامدهای منفی متعددی نیز در پی داشت که یکی از آنها محرومیت جامعه از رهبری معنوی و آسمانی است؛ چرا که امام

ص: ۱۹۹

۱- آل عمران (۳): ۸۵.

۲- مائده (۵): ۳.

۳- احزاب (۳۳): ۴۰.

٤- انبياء (٢١): ١٠٥.

٥- توبه (٩): ٣٣؛ الفتح (٤٨): ٢٨؛ صف (٦١): ٩.

علی علیه السلام و پس از او بقیه امامان دوازده گانه، پیش‌وایان دینی - سیاسی بر حق و دارای حق خلافت و امامت انحصاری اند. دیگران - هر کس باشد - غاصب حق معصومند و لذا جائز و باطل می‌باشند. این انحراف تا کنون ادامه پیدا کرده است.

از آن جا که شیعیان دوازده امامی در عصر امامان، هرگز به قدرت و تأسیس دولت دست نیافتند، منتظرند که واپسین بازمانده از امامان معصوم علیهم السلام که از سال ۳۲۹ ق غیبت کبرا برای او آغاز شده است، ظهور کند و تاریخ اسلام و در نهایت تاریخ انسان را به مسیر طبیعی و الهی‌اش بازگرداند. در آن عصر، اسلام، عزیزی، مسلط و همگانی می‌شود و مسلمانان، قدرتمند و بر جهان چیره می‌گردند. طبق این تفسیر، تشکیل حکومت واحد جهانی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

ویژگی‌ها و اختیارات مهدی منتظر

در منابع روایی اسلامی (به ویژه شیعی)، از ویژگی‌ها، اختیارات و عملکردهایی یاد شده است که آن‌ها جز با تشکیل حکومت واحد جهانی محقق نخواهند شد؛ از جمله گفته شده است: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ستم و جور را برای همیشه برمی‌اندازد و عدالت و دین حق را در سطح جهان برای همیشه مستقر می‌کند. در برخی روایات، از اختیارات قدرت و امکانات مطلق و جهانی امام غایب یاد شده است که نتیجه آن، چیرگی بر جهان و تشکیل حکومت مقتدر جهانی است. امام باقر علیه السلام فرمود:

قائم ما، با در انداختن بیم و هراس در دل ستمگران و آری می‌شود، با پشتیبانی و حمایت از سوی خداوند سبحانه و تعالی تأیید می‌گردد. زمین برایش خاضع و تسلیم می‌شود، گنج‌ها برایش آشکار و نمایان می‌شود. حکومت او شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد. خداوند سبحانه و تعالی به وسیله او دینش را بر همه دین‌ها چیرگی می‌بخشد؛ هر چند مشرکان را ناخوشایند باشد. [در عصر ظهور] در زمین خرابی و ویرانی ای نمی‌ماند، مگر آن که آباد می‌شود. عیسی بن مریم علیه السلام فرود آید و پشت سر او نماز گزارد. (۱)

بر این اساس، حکومت جهانی واحد از دیرباز به عنوان یکی از

ص: ۲۰۰

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۶.

باورهای مسلم شیعی و یکی از نیازهای بشر مطرح بوده است. اکنون نیز شیعیان امامی در انتظار روزی به سر می برند که چنین حکومتی، با ظهور منجی غایب تشکیل شود و تاریخ بشر در مسیر حق قرار گیرد و بشریت از برکات واقعی و همه جانبه آن بهره مند شوند.

با این که آرمان هایی چون عدل جهانی و حکومت جهانی سابقه ای دیرینه دارد؛ اما در قرن اخیر به دلیل های خاص سیاسی، فرهنگی و اجتماعی _ به ویژه گسترش ارتباطات _ آرمان جهانی شدن تشدید و تقویت شده و عملی ت _ ر ب _ ه نظر می رسد. در جنبش های اسلامی معاصر نیز بار دیگر آرمان دیرین جهانی و چیره شدن اسلام با قدرت تمام مطرح شده و مفاهیمی چون دین جهانی، عدل جهانی، حکومت جهانی یا بین الملل اسلامی و ... گسترش یافته است.

آرمان های یاد شده در میان شیعیان در سطح گسترده تر مطرح و تقویت شده و اکنون در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران، از آن آرمان ها _ از جمله حکومت واحد جهانی _ تبلیغ می شود.

برخی از ویژگی های حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. این حکومت دارای رهبری است که مشروعیت خود را از پروردگار متعال گرفته و از هر گونه خطا و عصیان به دور است. افزون بر این، کسانی که او را در اجرای حکومت جهانی یاری خواهند کرد، انسان هایی هستند برگزیده و دارای صفات اخلاقی ویژه که این خود بر عظمت این حکومت می افزاید.

۲. در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام ق _ ان _ ون گ _ ذار خداوند سبحانه و تعالی است، از این رو تمام نیازهای مادی و معنوی انسان ها مورد توجه واقع شده و از هر گونه خطا دور خواهد بود.

۳. محور تمام قوانین در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امور دینی و اخلاقی است؛ در حالی که تمام نیازهای مادی و معنوی بشر در تمام قوانین مورد توجه واقع شده است.

۴. دانش، در دولت مهدوی در کل جامعه بشری گسترش می یابد و هرگز در انحصار عده ای خاص نخواهد بود؛ از این رو همگان از دانشی بس ارجمند برخوردار خواهند بود. البته از این دانش نیز در راه

رشد و تعالی جامعه بشری استفاده خواهد شد، نه در راه ستم و تعدی به دیگران.

۵. حکم و مت جه ___انی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر عالی ترین اندیشه های عاقلانه مبتنی است؛ چرا که در آن دولت مبارک است که عقول بشری به کامل ترین وجه امکان رشد خواهد کرد.

۶. حکومت جهانی مهدی علیه السلام مبتنی بر بهره مندی عاقلانه، عالمانه و عابدانه از همه منابع موجود و ظرفیت های ممکن در کره زمین است و این بدان معنا است که مردم در عین بهره مندی از تمام مواهب الهی هرگز گرد اتراف و اسراف نمی گردند. افزون بر آن، با وجود فراوانی نعمت، حالت استغنائی در روح انسان ها بوجود می آید که باعث می شود با وجود در اختیار داشتن موهبت های فراوان هرگز دست به طغیان و عصیان نزنند.

در جامعه مهدوی، به سبب وجود تمام شرایط ممکن، راه رشد و تعالی به سوی پروردگار بر همگان باز خواهد بود و در عین اختیار داشتن، همگان بر دینی توحیدی و باوری الهی خواهند بود.

از دستاوردهای مهم برپایی حکومت جهانی مهدی علیه السلام

۱. امنیت

امنیت مصدر جعلی از ریشه «ا م ن»، و با مشتقاتی مانند: ایمان، ایمنی و استیمان، به کار برده می شود.

امنیت در لغت فارسی به ایمن شدن، در امان بودن و بی بیمی، (۱) اطمینان خاطر یافتن و برطرف شدن ترس و بیم، (۲) معنا شده است. و در زبان عربی به معانی پرشماری آمده است.

برخی امن و امنیت را در اصل به معنای آرامش نفس و از بین رفتن ترس دانسته، (۳) برخی با ذکر مثال "أمن زید الأسد أمنا" معنای امنیت را آرامش و زوال ترس یاد نموده است. آنگاه این واژه را هم از نظر وزن و هم از نظر معنا همانند "سلم" دانسته است (۴). و برخی دیگر امن را به ضد ترس و خوف معنا کرده، و مأمن را موضع بدون ترس دانسته است. (۵)

ص: ۲۰۲

۱- محمد معین، فرهنگ فارسی، ص ۱۲۲.

۲- محمد بندریگی، فرهنگ بندریگی، ص ۳۲۳.

۳- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۵.

۴- فیومی، المصباح المنیر، ص ۲۴.

۵- خلیل بن احمد، العین، ج ۸، ص ۳۷۷.

آنچه از مجموع دیدگاه اهل لغت به دست می آید، این که امنیت به معنای آرامش، نترسیدن، وحشت نداشتن و اضطراب نداشتن است. با توجه به معانی لغوی، می توان گفت «امن» شامل دو جهت ایجابی و سلبی می شود. ایجاب در آن جا که سخن از اطمینان، آرامش فکری و روحی است، و سلب در آن جا که نبود ترس، دلهره و نگرانی مقصود است.

امنیت از امور اساسی است که در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان به گونه ای قابل توجه، مورد نیاز است. و آموزه های قرآن _ بدان جهت که پاسخ گوی نیازهای واقعی انسان هاست _ بدین مهم نیز توجه شایسته ای نموده است.

پیوند تنگاتنگ و محکم این واژه با کلمه های اسلام، ایمان و مؤمن گویای اهمیت فوق العاده امنیت است. روایت ه _ ای بسیاری از پی _ امیر و امامان علیهم السلام وارد شده که خود و اهل بیت را مایه امان ساکنان زمین به شمار آورده اند. (۱) بدین ترتیب، حضور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف _ چه به صورت پنهان و چه به صورت آشکار و در زمان قیام _ مایه بارش فیض و نعمت های الهی به سوی مردم است. طبیعی است در دوره حکومت مهدوی، این جریان به کمال خود خواهد رسید و همه موانع موجود بر سر اتص _ ال فیض می _ ان خ _ داوند سبحانه و تعالی و م _ ردم از طریق ام _ ام، بر طرف خواهد شد. (۲)

۲. آبادانی جهان

از مهم ترین ویژگی های جهان در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام، پر شدن زمین از ظلم و بیداد است. مهم ترین پیامد ای _ ن ستمگری ه _ ا، خرابه هایی است که برای انسان های فرودست و ستم کشیده به جای خواهد ماند؛ اگر چه اندک شماری انسان ستمگر، از دنیایی به ظاهر آباد برخوردار خواهند بود.

حضرت مهدی علیه السلام با برپایی نظامی جهانی بر پایه های عدل و قسط، همه ویرانه های جه _ ان را آب _ اد خواهد ساخت. و دست ستم ستمگران را از زن _ دگی مستضعفان ب _ رای همیشه کوتاه خواهد کرد. ام _ ام باقر علیه السلام، در

ص: ۲۰۳

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۵.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

این باره فرمود:

روی زمین، خرابه ای باقی نمی ماند، جز این که آباد می شود.^(۱)

و خداوند سبحانه و تعالی در قرآن وعده فرموده است چنانچه مردمان ایمان بیاورند و پروا پیشه نکنند، درهای برکت های آسمان و زمین بر ایشان گشوده خواهد شد^(۲) و جامعه عصر ظهور، بی گمان توحیدی ترین جامعه در تاریخ انسان هاست و این وعده خداوند تحقق خواهد یافت.

روشن است که این آبادانی نه فقط در جنبه های مادی که در جنبه های معنوی زندگی فردی و اجتماعی انسان ها، در پرتو آن حکومت عدل جهانی رخ خواهد نمود.

این آبادانی در کنار دیگر ویژگی ها، زندگی را در آن دوران به گونه ای فراهم خواهد کرد که مردمان آرزومند زنده شدن در گذشتگان خویش می شوند.^(۳)

مدت حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

گویی بنا بر این بوده است که مدت دقیق حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف _ مانند برخی موضوعات دیگر مربوط به آن حضرت _ به روشنی بیان نشود. روایاتی که از معصومان علیهم السلام _ اعم از روایات شیعه و اهـل سنت _ در دسـت است، دیدگاه های متفاوتی را در این باره، نقل کرده اند. اگر چه با یک بررسی عمیق می توان نظریات پرشماری ارائه کرد.^(۴) اما به طور عمده روایات به چهار دیدگاه کلی قابل تقسیم است:

یک. روایاتی که مدت حکومت حضرت را هفت سال و حدود هفت سال، ذکر کرده اند. این دیدگاه، به ویژه در روایات اهل سنت^(۵) بسیار به چشم می خورد و در برخی از منابع روایی شیعی نیز با سند راویان اهل سنت مورد اشاره قرار گرفته است. علامه مجلسی در بحار

ص: ۲۰۴

۱- «... فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمر»، علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۴؛ نیز: ر.ک: ابن منادی، الملاحم و الفتن، ص ۹۹.

۲- اعراف(۷): ۹۶.

۳- عماد الدین طبری، بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، ص ۲۵۰.

۴- البته برخی از این دیدگاه ها، مستند روایی محکمی ندارد.

۵- مسند احمد، ج ۳، ص ۲۸.

الانوار از ابوسعید خُدَری نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مهدی _ با پیشانی بلند و بینی کشیده _ از من است. زمین را از قسط و عدل سرشار می سازد آن گونه که از بیداد و ستم آکنده شده باشد. هفت سال حکومت می کند. (۱)

آن گاه پس از اشاره به حَسَن بودن روایت می نویسد: «این روایت را حافظ أبوداؤد سجستانی در صحیح خود و غیر او از راویان بزرگ حدیث همچون طبرانی و دیگران نقل کرده اند.

جالب توجه این که تمام روایاتی که مدت حکومت حضرت را هفت سال ذکر کرده اند به روایت ابوسعید خُدَری بر می گردد.

البته در برخی روایات بین هفت و هشت و نه سال تردید شده است. (۲) این نامعین بودن به دو گونه است:

۱. به دلایلی در کلام معصوم علیه السلام به صورت نامعین ذکر شده است.

۲. در کلام معصوم علیه السلام معین شده و تردید از راوی است.

برخی از این که مدت حکومت در روایات یاد شده هفت سال ذکر شده به شگفت آمده، دنبال توجیه آن برآمده اند. به ویژه که در برخی روایات نیز سخنی بس تعجب برانگیز دیده اند. و آن این که شیخ طوسی روایتی نقل کرده از فَضْل از عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْحَضْرَمِيِّ از عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرِو الْخَثْعَمِيِّ که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «چه مدت ق__ائم علیه السلام حک__ومت خواه__د کرد؟» فرمود: «هفت سال. که به سال های شما هفتاد سال می شود.» (۳)

البته سخنان فراوانی در توجیه این روایت _ که اساس روایاتی از این قبیل است _ به میان آوردند که برخی شگفت آورتر از خود روایت است.

افزون بر آن که در سند روایت عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْحَضْرَمِيِّ (۴) و عَبْدِ

ص: ۲۰۵

۱- «الْمُهْدِيُّ مَنِّي أَجَلَى الْجَبْهَةِ أَقْنَى الْمَأْنَفِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ»، محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۰.

۲- ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۱۵، ح ۱۹۴۸۴.

۳- «كَمْ يَمْلِكُ الْقَائِمُ قَالَ سَبْعَ سِنِينَ يَكُونُ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۴.

۴- نجاشی، رجال، ص ۲۲۶؛ نیز ر.ک: علامه حلی، خلاصه الاقوال، ص ۳۷۰، سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۳۰۴؛ شیخ طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۴۱؛ علامه حلی، ایضاح الاشتباه، ص ۲۴۱؛ ابن غضایری، رجال، ج ۴، ص ۴۷.

الْكَرِيمِ بَيْنَ عَمْرٍو الْخُتَمِيِّ، (۱) به شدت تضعیف شده اند؛ هیچ عقلی چنین تحولی را نمی پذیرد. چرا که نظام امروزی آفرینش، نظام احسن است و لزومی ندارد به گونه ای که می گویند تغییر داده شود.

دو. روایاتی که مدت حکومت حضرت را نوزده سال گفته اند. امام صادق علیه السلام فرمود:

حکومت قائم، نوزده سال و چند ماه خواهد بود. (۲)

سه. روایاتی که مدت حکومت حضرت را چهل سال دانسته اند. (۳)

چهار. روایاتی که مدت حکومت حضرت را سیصد و نه سال ذکر کرده اند. (۴)

برخی این تفاوت را اشاره به مراحل و دوران های حکومت آن حضرت می دانند؛ (۵) ولی به هر حال، داوری نهایی درباره مدت حکومت آن حضرت _ به دلیل نبود اخبار و منابع کافی _ امکان پذیر نیست. اما با این حال می توان چنین نتیجه گرفت: قطع نظر از روایات اسلامی، مسلم است که این همه آوازه ها و مقدمات برای یک دوران کوتاه مدت نیست؛ بلکه قطعاً برای مدتی است طولانی که ارزش این همه تحمل زحمت و کوشش را داشته باشد. (۶)

البته این مدت _ هر قدر باشد _ در مقایسه با کل تاریخ، بسیار ناچیز است. این جا پرسش جدیدی رخ می نماید که آیا مدتی چنین کوتاه در مقایسه با کل تاریخ، دردها و رنج های انسان ها را در طول تاریخ جبران می کند؟ در پاسخ می توان گفت: فلسفه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند فلسفه بعثت انبیا و رسولان الهی است. منظور از برانگیخته شدن رسولان الهی، ابلاغ دستورهای خداوند سبحانه و تعالی و نصب مشعل فروزان

ص: ۲۰۶

۱- شیخ طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۳۹؛ سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۷۱.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۱.

۳- ر.ک: طبری، دلائل الامامه، ص ۲۵۸.

۴- ر.ک: طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۱.

۵- ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۱۴.

۶- ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۱۴.

هدایت بر سر راه کاروان بشریت است. طولانی یا کوتاه بودن مدت ابلاغ رسالت، به اصل آن آسیب نمی رساند. دوران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بیست و سه سال بود؛ ولی واپسین پیام الهی را ابلاغ کرد و این مشعل هدایت را بر افروخت. از سوی دیگر، می توان به مدت نبوت حضرت نوح علیه السلام اشاره کرد که بر خلاف مدت طولانی آن، به دلیل عدم تحقق شرایط مساعد، نتیجه قابل توجهی به بار نیاورد.

دوران امامت و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز چنین است. مقصود اصلی ابلاغ رسالت الهی و تحقق بخشیدن به حکومت جهانی خداوند سبحانه و تعالی و حاکمیت مستضعفان است؛ هر چند در مقایسه با کل تاریخ، سالیانی محدود باشد. افزون بر آن، شیعه با اعتقاد به رجعت، بهترین پاسخ را به محدود بودن مدت حکومت مهدی علیه السلام داده است. (۱)

حکومت صالحان

از وعده های الهی در عصر ظهور

امید به حاکمیت انسان های صالح در آینده ای روشن و استقرار عدالت و صلح فراگیر و همگانی، امری فطری است.

همه افراد، بر اساس فطرت ذاتی خود، به امید آن روزی هستند که جهان در پرتو هدایت های انسانی شایسته و با تأیید و عنایت پروردگار هستی، از بیداد و تباهی رهایی یافته، از نابسامانی ها، ناامنی ها و تیره روزی ها خلاص شود و سرانجام به صلح و صلاح برسند.

در بیشتر دین ها و مذهب های جهان، از مصلحتی سخن به میان آمده است که در آخرالزمان ظهور کرده و به کژی ها و کژروی ها پایان خواهد داد و شالوده حکومتی جهانی را بر اساس دادگری، بنیان خواهد نهاد. تمام پیامبران الهی نیز در این زمینه به مردم با ایمان جهان، نویدهای روشنی داده اند.

این اندیشه که در اسلام با عنوان «مهدویت»، شناخته شده است نیز، همچون دیگر ادیان، ریشه در کلام پروردگار الهی دارد، از این رو قرآن به عنوان کتاب آسمانی مسلمانان، با پافشاری تمام، پیروزی نهایی حق بر

ص: ۲۰۷

۱- ر.ک: نگارنده، بازگشت به دنیا در پایان تاریخ (تحلیل و بررسی مسئله رجعت).

باطل را به تمام انسان ها وعده فرموده، حکومت صالحان و شایستگان را نوید داده است.

مسلمانان با بهره مندی از آموزه های آفتابگون وحی و سخنان نورانی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، بر این باورند: آن انسان بزرگ که شایستگان را بر گیتی چیره خواهد ساخت کسی نیست مگر رادمردی از سلاله آخرین پیامبر الهی یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف .

اگر چه قرآن در باره ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به گونه ای فراگیر سخن رانده و بشارت به تشکیل حکومت دادگر جهانی و پیروزی شایستگان داده است. اما مفسران شیعه و برخی از تفسیرگران اهل سنت، این آیات را به استناد روایات اهـل بیـت علیهم السلام و دیـدگـاه های دانشمندان مسلمـان بـه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مربوط دانسته اند.

به باور ایشان، مهم ترین آیه ای که پرده از حاکمیت انسان های شایسته در آینده برداشته، این گونه می فرماید:

((وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ))؛(۱)

و همانا در زبور پس از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من، به ارث خواهند برد.

در این آیه، به یکی از روشن ترین پاداش های دنیوی صالحان (حکومت روی زمین)، اشاره شده است. در روایاتی چند نیز این رویداد مهم، در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته شده است.

اما مقصود از این شایستگی چیست؟ با توجه به اضافه شدن «بندگان» به «خدا»، ایمان و توحید آنان روشن می شود، و با توجه به کلمه «صالحون»، همه شایستگی ها به ذهن می آید: عمل و تقوا، علم و آگاهی، قدرت و قوت، و تدبیر و نظم و درک اجتماعی.

این شایستگی ها، دارای آثار و برکاتی بی مانند است؛ به گونه ای که اگر بندگان با ایمان، این شایستگی ها را برای خود فراهم سازند، خداوند سبحانه و تعالی نیز آن ها را یاری می کند تا بر مستکبران چیرگی یافته، دست های آلوده شان را از حکومت بر روی زمین کوتاه کنند و دارنده میراث های آن ها

ص: ۲۰۸

بنابراین، فقط استضعاف سبب پیروزی بر دشمنان و حکومت بر روی زمین نیست؛ بلکه وجود ایمان و کسب شایستگی ها نیز بایسته است و مستضعفان جهان، تا زمانی که این دو اصل را زنده نکنند، به حکومت روی زمین نخواهند رسید.

اما مراد از وراثت زمین، این است که سلطنت بر منافع، از دیگران به صالحان منتقل شود و برکات زندگی در زمین ویژه ایشان شود. این برکات، یا دنیایی است که به بهره مند شدن صالحان از زندگی دنیایی بر می گردد که در این صورت خلاصه مفاد آیه این می شود که: به زودی زمین از لوث شرک و گناه پاک شده جامعه بشری صالح که خدای را بندگی کنند و به وی شرک نوزند در آن زندگی کنند؛ هم چنان که آیه: ((وَعَيَّدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْبَغَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... يَعْجُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا))؛ (۱) از آن خبر می دهد. و یا این برکات، اخروی است که عبارت است از مقامات قربی که در دنیا برای خود کسب کردند؛ چون این مقامات، نیز از برکات حیات زمینی است؛ هر چند خودش از نعمت های آخرت است هم چنان که آیه: ((وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَ أَوْزَنَّا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ))؛ (۲) که حکایت کلام اهل بهشت است و آیه: ((أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ))؛ (۳) بدان اشاره می کنند.

از این جـا روشن می شود که آیه مـورد بحـث، ویـژه یکی از دو وراثت های دنیایی و آخرتی نیست؛ بلکه هر دو را شامل می شود. و تفسیرگرانی که آن را به وراثت آخرتی اختصاص داده اند و به آیاتی که مناسب با آن وراثت است تمسک جسته و چه بسا گفته اند همین معنا به طور متعین مقصود است چون بعد از اعاده دیگر زمینی نیست تا صالحان آن را ارث ببرند، حـرف

ص: ۲۰۹

۱- سوره نور (۲۴): ۵۵.

۲- سوره زمر (۳۹): ۷۴.

۳- سوره مؤمنون (۲۳): ۱۱.

درستی نزده اند، زیرا معلوم نیست که آیه مورد بحث عطف بر آیه قبلی اش که متعرض مساله اعاده بوده شده باشد تا بگوید بعد از اعاده دیگر زمینی باقی نمی ماند. و ممکن است عطف به اول آیات باشد که می فرمود: ((فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ)).

آن مفسرینی هم که آیه را به وراثت دنیایی اختصاص داده حمل بر دوره ظهـور اسلام و یـا دوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در اخبار متواتر از آن خبر داده و شیعه و سنی آن ها را نقل کرده اند ـ نموده اند باز راه درستی نرفته اند زیرا روایات مذکور هر چند متواتر و مسلم است اما آیه را تخصیص نمی زند.

کوتاه سخن، همانطوری که گفتیم آیه شریفه مطلق است و شامل هر دو وراثت می شود چیزی که هست از نظر سیاق آنچه که عقل و اعتبار اقتضاء می کند این است که آیه شریفه عطف بر همان جمله: ((فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ ...))؛ باشد چون آن آیه به تفصیل حال اهل اختلاف از نظر جزای اخروی اشاره می کرد و این آیه به تفصیل حال آنان از نظر جزای دنیوی اشاره می کند، و در نتیجه حاصل کلام این می شود که: ما بشر را به سوی دینی واحد دعوت کردیم، لیکن ایشان دین را قطعه قطعه نموده در آن اختلاف کردند و مجازاتشان هم مختلف شد، اما در آخرت آن هایی که ایمان آوردند سعیشان مشکور و عملشان مکتوب شد و از کفار بر خلاف این شد و اما در دنیا، آن هایی که ایمان آوردند، زمین را به وراثت مالک شدند، به خلاف دیگران. (۱)

در تفسیـر آیـه شـریفه از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

این بندگان شایسته، همانا آل محمد هستند که خداوند سبحانه و تعالی، مهدی آنان را پس از کوشش ایشان مبعوث می کند. پس ایشان را عزت داده، دشمنانشان را ذلیل خواهد کرد. (۲)

روشن است مفهوم این روایت، انحصار نیست؛ بلکه بیان یک مصداق عالی و آشکار است و این تفسیرها،

ص: ۲۱۰

۱- علامه طباطبایی، ترجمه المیزان، ج ۱۴، ص ۴۶۷ (با تصرف).

۲- «هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ يَنْبَغُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَيَذِلُّ عَدُوَّهُمْ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۴.

هرگز عمومیت مفهوم آیه را محدود نمی‌کند. بنابراین در هر زمان و در هر جا بندگان صالح خدا قیام کنند، پیروز و موفق خواهند بود و سرانجام وارث زمین و حکومت آن خواهند شد. (۱)

در پایان سخن، یاد این نکته لازم است که در مزامیر داود تعبیر یاد شده یا مشابه آن، در چند مورد دیده می‌شود و نشان می‌دهد با تمام تحریفات موجود در این کتاب‌ها، این قسمت همچنان از دستبرد مصون مانده است. برخی از این فرازها بدین قرارند:

... شریران منقطع می‌شوند و اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد و حال اندک است که شریر نیست می‌شود؛ هر چند مکانش را استفسار نمایی، ناپیدا خواهد شد؛ (۲) اما متواضعانه وارث زمین شده، از کثرت سلامتی شاد کام خواهند شد؛ (۳)

متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد؛ اما ملعونان وی منقطع خواهند شد...؛ (۴)

صدیقان وارث زمین شده، همیشه در آن ساکن خواهند بود؛ (۵) خداوند روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد. (۶)

در این عبارت‌ها، عنوان «صالحان» که در قرآن آمده است، با همان تعبیر در مزامیر داود به چشم می‌خورد. علاوه بر این، تعبیرات دیگری نیز مانند صدیقان، متوکلان، متبرکان و متواضعان، در جمله‌های دیگر ذکر شده است. این تعبیرها، دلیل عمومیت حکومت «صالحان» است و با احادیث قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق می‌کند. بدین سان نتیجه می‌گیریم حضرت حق سبحانه و تعالی آخرین حکومت را از آن صالحان می‌داند که: العاقبه للمتقين.

حکومت مستضعفان

از اراده‌های الهی برای مستضعفان در

ص: ۲۱۱

۱- ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۵ - ۵۲۴.

۲- مزامیر داود، ۳۷، بند ۹.

۳- مزامیر داود، ۳۷، بند ۱۱.

۴- مزامیر داود، ۳۷، بند ۲۷.

۵- مزامیر داود، ۳۷، بند ۲۹.

۶- مزامیر داود، ۳۷، بند ۱۸.

تشکیل دولت مستضعفان و تحقق بخشیدن بـه آرمـان والاـ و الهـی حکومت فرودستان و عقب نگه داشته شدگـان، از بـرنامه هـ ای اصلـی و اقدام های اساسی و تردیدناپذیر مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در جامعه و نظامی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بنیاد می نهد، زمام همه امور در دست طبقات محروم است و مستضعفان بـر آن حکـم می رانند و به اداره جامعه می پردازند.

چنین آرمانی، هدف اصلی همه ادیان آسمانی به ویژه اسلام بوده است. در تعالیم ادیان، معیارها و اصولی بیان شده که جهت گیری کلی به سود مستضعفان و تحقق بخش حاکمیت آنان است و رویارویی و نبرد اصلی پیامبران علیهم السلام، با همین طبقات اشراف، مسرفان، مترفان و مستکبران بوده است؛ یعنی، طبقاتی که همواره از تن دادن به حق و عدل

سرباز می زده اند و خوی و خصلت برتری جویی، سلطه طلبی، حق کشی و بیدادگری راه و روش ایشان بوده است.

از آیـه اتی کـه در بـاره پیشوایی مستضعفان سخن به میان آورده و به حکومت حضرت مهدی علیه السلام ارتبـاط دارد این آیه است:

((وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ))؛ (۱)

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند، مَتّ نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

این آیه طبق فرمایش امام علی علیه السلام، و روایاتی چند از دیگر امامان علیهم السلام، ناظر به پیروزی مستضعفان بر مستکبران است و این که سرانجام، جهان از آن شایستگان خواهد شد.

آیه یاد شده، هرگز از یک برنامه موضعی و خصوصی مربوط به بنی اسرائیل سخن نمی گوید؛ بلکه بیانگر یک قانون کلی برای همه عصرها و قرن‌ها است. این، بشارتی در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر است. نمونه کامل تر آن، حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و یاران آن حضرت بعد از ظهور اسلام بود. گسترده ترین نمونه آن نیز، ظهور حکومت حق و

ص: ۲۱۲

عدالت در تمام کره زمین به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

این آیه از جمله آیاتی است که به روشنی، بشارت به «ظهور» چنین حکومتی می دهد؛ از این رو اهل بیت علیهم السلام، در تفسیر آن به این ظهور بزرگ اشاره کرده اند.

امام علی علیه السلام فرمود:

لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضُّرُوسِ عَلَيَّ وَلِدَهَا وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ ((و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ))؛(۱)

دنیا، پس از چموشی و سرکشی _ همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و برای بچه اش نگه می دارد _ به ما روی می آورد ... سپس آیه «و نرید ان نمن ...» را تلاوت فرمود.

در حدیث دیگری می فرماید:

این گروه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند، خداوند سبحانه و تعالی مهدی آن ه _ را بعد از زحمت و فشاری ک _ ه ب _ ر آنان وارد می شود، برمی انگیزد و به ایشان عزت می دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می کند.(۲)

این آیه به صراحت، از امامت مستضعفان سخن گفته و فرودستان و مستضعفان را میراث بر آن زمین معرفی کرده است، روشن است که در دوران ظهور و قیام مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم این وعده خدایی تحقق می پذیرد و حکومت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ؛ یعنی، هم _ ان حک _ وم _ ت م _ ردم مستضعف و رسیدن محرومان به حق خود.

از نظر دیگر، برای اجرای عدالت راستین، حاکمیت فرودستان محروم ضرورت دارد؛ زیرا در تمامی دوران گذشته تاریخ، مورد اصلی ظلم و بی عدالتی، طبقات محروم بوده اند و سرانجام باید پدیده ناهنجار و ضد بشری «استضعاف» _ که تعبیری از همه ظلم ها و ستم ها است _ از میان برود و انسان از زیر بار سنگین و

ص: ۲۱۳

۱- سید رضی، نهج البلاغه، ص ۵۰۶.

۲- «هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَيَذِلُّ عَدُوَّهُمْ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۴.

شکننده آن آزاد شود.

برای این امر مهم، مبارزه با علل اصلی «استضعاف» ضرورتی اجتناب ناپذیر است. روشن است که زورمندان و زرمداران، دو عامل اصلی استضعاف در گذشته و اکنون بوده اند. هر ظلم و ستمی که به محرومان و بی پناهان شده است، یا مستقیم به دست حکومت های اشرافی و مرفه انجام گرفته است و یا به دست طبقات اشراف و سرمایه دار که در زیر چتر حمایت حکومت های مستکبر قرار داشتند و با حکایت قانونی و عملی آن ها، راه ظلم، تحمیل و استثمار را هموار می ساختند.

این نظام ها و جریان های ضد بشری، هنگامی پایان می یابند که حکومت و قدرت سیاسی و نظامی جامعه، به دست طبقات محروم و مستضعف سپرده شود. دفاع از حقوق پایمال شده فرودستان و مستضعفان، آن گاه امکان دارد که حاکمیت به دست آنان سپرده شود. هر حکومتی — هر چه صالح باشد — نمی تواند حقوق محرومان را به آنان بازگرداند؛ مگر این که خود از این طبقه باشد و

دردهای این طبقه را با تمام وجود خویش لمس کرده باشد. از این رو، باید مستضعفان حاکمیت یابند و این از شاخه های اصلی اجرای عدالت مطلق است. (۱)

حکیمه خاتون

عمه پدر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شاهد ولادت آن حضرت

حکیمه دختر امام جواد علیه السلام، خواهر امام هادی علیه السلام و عمه امام عسکری علیه السلام، یکی از بانوان نقش آفرین در تاریخ پرافتخار شیعه است.

از روایات اسلامی به روشنی استفاده می شود که مادر حضرت مهدی علیه السلام آموزه های دینی را در مکتب این بانوی بزرگوار فرا گرفته است. افزون بر آن، حضور فعال وی در شب ولادت آخ — رین پیش — وای معصوم و منجی موعود، نشان از جایگاه ویژه وی در خاندان عصمت و طهارت دارد.

وی نخستین بانویی است که جمال دل آرای پیشوای آخرین را مشاهده کرده، یگانه روایتگری است

ص: ۲۱۴

که حکایت آن تولد منجی موعود را به تفصیل گزارش کرده است.

امروزه درباره چگونگی ولادت حضرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مشهورتـرین گزارشی که می توان ارائـه کرد، سخنان ارزشمند این بانـوی بزرگ است.

شیخ صدوق، این حادثه بزرگ را از زبان آن بانوی بزرگ چنین آورده است:

حکیمه دختر امام جواد علیه السلام گوید: امام حسن عسکری علیه السلام مرا به نزد خود فرا خواند. و فرمود: ای عمه! امشب افطار نزد ما باش! که شب نیمه ی شعبان است و خدای تعالی امشب حجّت خود را _ که حجّت او در روی زمین است _ ظاهر سازد. گوید: گفتم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس. گفتم: فدای شما شوم اثری در او نیست، فرمود: همین است که به تو می گویم. گوید: آمدم و چون سلام کردم و نشستم، نرجس آمد کفش مرا بردارد و گفت: ای بانوی من و بانوی خاندانم حالتان چگونه است؟

گفتم: تو بانوی من و بانوی خاندان من هستی، گوید: از کلام من ناخرسند شد و گفت: ای عمه جان! این چه فرمایشی است؟ گوید: بدو گفتم: ای دختر جان! خدای متعال امشب به تو فرزندی عطا فرماید که در دنیا و آخرت آقا است. گوید: نرجس خجالت کشید و حیاء کرد... (۱)

موسی بن محمد گوید: حکیمه دختر محمد بن علی (امام جواد) که عمه پدر آن حضرتست به من گفت که خود او آن حضرت را در شب ولادتش و هم بعد از آن دیده است. (۲)

احمد بن ابراهیم گوید: شرفیاب حضور حکیمه دختر محمد بن علی (امام نهم) خواهر ابو الحسن عسکری (امام دهم) گردیدم سال دویست و شصت و دو بود و در مدینه بودم و از پشت پرده با او سخن گفتم و از دین وی پرسیدم. کسی که باید امام بدانند برای من نام برد و به من گفت: فلان پسر حسن عسکری علیه السلام نام او را گفت، گفتم قربانت او را معاینه کردی یا خبر او را شنیدی؟ گفت: خبر او را از امام یازدهم شنیدم و برای مادرش

ص: ۲۱۵

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱؛ همچنین ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۸؛ اربلی،

کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۴۹

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۹.

نوشته بود، گفتم: آن مولود کجا است؟ گفت پنهانست. گفتم: شیعه به چه کسی مراجعه کند؟ حکیمه گفت: به جده او مادر امام یازدهم. گفتم: وصیت خود را به زنی وا گذاشته است؟! حکیمه گفت: پیروی از حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام کرده است، زیرا آن حضرت به حسب ظاهر وصایای خود را به خواهرش زینب دختر علی بن ابی طالب سپرد (برای پنهان کردن امامت پسرش علی بن الحسین).

سپس فرمود: شما مردمی مطلع از اخبار هستید؛ آیا در روایات به شما نرسیده که نهمین فرزند حسین علیه السلام زنده است و میراثش تقسیم می شود؟^(۱)

نیز ن.ک: ولادت حضرت مهدی علیه السلام، شاهدان ولادت.

ص: ۲۱۶

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۷، ح ۲۴.

از ویژگی های مردم و حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت

از ویژگی های مهم دوران غیبت «سرگردانی» است؛ به ویژه هر چه به زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک تر می شویم، بر شدت آن افزوده می شود.

در این دوران، انسان ها به سبب پنهان بودن رهبر الهی خود، در تحیر، و برخی نیز در گمراهی به سر خواهند برد. البته افراد بسیاری نیز به دلیل اهتمام جدی به پروای الهی، از این آزمون ها با سر بلندی به سلامت عبور کرده، ایمان خود را تا واپسین لحظه ها به خوبی حفظ می کنند.

عبدالعظیم بن عبد الله حسنی، از امام نهم جواد الأئمه علیه السلام، از پدران حدیث کرده است که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

برای قائم ما غیبتی است که مدتش طولانی است. گویا شیعه را می بینم که در غیبتش چون چهارپایان جولان می زنند و چراگاه می جویند و به دست نمی آورند. آگاه باشید هر کدامشان بر دین خود ثابت بماند و برای طول غیبت امام، دلش دچار قساوت نشود، او در روز قیامت در درجه من، با من است....(۱)

در برخی روایات، این حیرت، به خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز نسبت داده شده است. «حیرت» از نظر لغت هنگامی به کار می رود که شخص، در کار خود سرگردان است(۲) و گشایشی در آن نمی بیند.(۳) که این، به تناسب افراد متفاوت خواهد بود، از این رو سرگردانی آن حضرت، با آنچه در باره عموم مردم گفته شده، کاملاً متفاوت است.

اصبغ بن نباته گوید: بر امیرمؤمنان علی علیه السلام وارد شدم و دیدم در حالی که در اندیشه فرو رفته است، با انگشت

ص: ۲۱۷

۱- «لِلْقَائِمِ مِمَّا غَيْبَهُ أَمِدُّهَا طَوِيلٌ، كَأَنِّي بِالشَّيْعَةِ يَجُولُونَ جَوْلَانَ النَّعَمِ فِي غَيْبَتِهِ، يَطْلُبُونَ المَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ، أَلَا فَمَنْ تَبَّتْ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ وَلَمْ يَقْسُ قَلْبُهُ لِطُولِ أَمَدِ غَيْبِهِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ...»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۱۴؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۲۶.

۲- جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۶۴۰.

۳- طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۶۰۴.

بر زمین خط می کشد. پرسیدم: ای امیرالمؤمنین! چرا شما را اندیشناک می بینم و چرا بر زمین خط می کشید؟ آیا به زمین و خلافت در آن رغبتی دارید؟ فرمود:

نه به خدا سوگند! نه به آن و نه به دنیا هیچ روزی اشتیاقی نداشته ام؛ لکن در فرزندی می اندیشم که از سلاله من و یازدهمین فرزند من است. او مهدی است و زمین را پر از عدل و داد می سازد؛ همان گونه که پر از ستم و جور شده باشد. او را سرگردانی و غیبتی است که اقوامی در آن گمراه شده و اقوامی دیگر در آن هدایت یابند. (۱)

البته این احتمال قوی می نماید که مقصود از سرگردانی در این روایت، سرگردانی مردم باشد؛ چرا که فرموده است برای او غیبت و حیرت _ هر دو _ هست و غیبت زمانی معنا پیدا می کند که حضرت در مواجهه با مردم تصور شود. مسلم است حضرت نزد خود غایب نیست و اگر گفته می شود برای او غیبت است، یعنی در مواجهه با مردم پنهان است. حیرت نیز این گونه است؛ یعنی حالتی برای حضرت پدید می آید که حاصل آن برای مردم، سرگردانی و عدم گشایش در کارها خواهد بود. قرینه این معنا در برخی روایات است که در ادامه سخن از گمراهی و هدایت مردم آمده است.

ام هانی ثقفیه گوید: بامدادی خدمت سرورم، امام محمد باقر علیه السلام رسیدم و گفتم: «ای آقای من! آیه ای از کتاب خدای سبحانه و تعالی بر دلم خطور کرده است و مرا پریشان ساخته و خواب از چشمم ربوده است.» فرمود:

ای ام هانی! بپرس. «پرسیدم: «ای سرورم! این قول خداوند: ((فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ))، ((الْجَوَارِ الْكُنَّسِ)) (۲) فرمود:

ای ام هانی! خوب مسأله ای پرسیدی. این، مولودی در آخر الزمان است. او مهدی این عترت است و برای او حیرت و غیبتی خواهد بود که اقوامی در آن گمراه شوند و اقوامی نیز هدایت یابند. خوشا بر تو اگر او را دریابی! و خوشا بر کسی که

ص: ۲۱۸

۱- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۳۶؛ ابن ابی زینب نعمانی، الغیبه، ص ۶۰، ح ۴؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۶، ح ۱.

۲- تکویر (۸۱): ۲ و ۳.

با در نظر گرفتن یکی از معانی لغوی و به دور از معنای عرفی و اصطلاحی، اطلاق آن بر خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بدون اشکال خواهد بود. و آن معنا این است که حیران به کسی می گویند که در کار خود گشایشی نمی بیند (۲) و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در دوران غیبت چنین است. مؤید این معنا روایاتی است که حیرت جز بر خود حضرت قابل تطبیق نیست.

در روایت است که امام صادق علیه السلام پس از نقل داستان حضرت موسی علیه السلام فرمود:

و با قائم، دوازدهمین امامان علیهم السلام نیز چنین کند و در یک شب کارش را اصلاح فرماید؛ همچنان که کار پیامبرش موسی علیه السلام را در شبی اصلاح فرمود و او را از حیرت و غیبت، به روشنایی فرج و ظهور در آورد. (۳)

روشن است که فرمایش فوق فقط مربوط به آن حضرت است و خداوند سبحانه و تعالی است که آن حضرت را از غیبت وارد ظهور می کند. و همو است که آن حضرت را از حیرت وارد نور فرج و گشایش می کند. و البته این روایت مؤید معنایی است که طریحی برای حیرت نمود و این معنا نه فقط با مقام علم و عصمت امام منافات ندارد که نسبت دادن آن به امام بدون اشکال است.

همچنین امام باقر علیه السلام آن گاه که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در دوران غیبت به حضرت یوسف علیه السلام تشبیه کرد، در پاسخ پرسش راوی در باره وجه شباهت فرمود: «الْحَيْرَةُ وَالْغَيْبَةُ». (۴)

روشن است که حضرت یوسف

ص: ۲۱۹

۱- «نَعَمَ الْمَسْأَلَةُ سَأَلْتَنِي يَا أُمَّ هَانِي هَذَا مَوْلُودٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ هُوَ الْمَهْدِيُّ مِنْ هَذِهِ الْعِثْرَةِ، تَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَغَيْبَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ، وَيَهْتَدِي فِيهَا أَقْوَامٌ، فَيَأْطُبِي لَكَ إِنْ أَدْرَكْتَهُ، وَيَأْطُبِي لِمَنْ أَدْرَكَهُ»، شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، باب ۳۲، ح ۱۴.

۲- طریحی، مجمع البحرين، ج ۱، ص ۶۰۴.

۳- «هَكَذَا يَفْعَلُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى بِالْقَائِمِ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يُضِلُّ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ كَمَا أَضَلَّ اللَّهُ أَمْرَ نَبِيِّهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيُخْرِجُهُ مِنَ الْحَيْرَةِ وَالْغَيْبَةِ إِلَى نُورِ الْفَرَجِ وَ الظُّهُورِ»، شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۵۱، باب ۶، ح ۱۳.

۴- شيخ طوسي، كتاب الغيبة، ص ۱۶۳.

همواره در مصیبت ها گشایشی در کار خود نمی دید.

بنابراین بدان سبب که حضرت مهدی علیه السلام در کار خود گشایشی نمی بیند، تا آن زمان که خداوند سبحانه و تعالی اراده ظهور فرماید، می توان به آن حضرت حیران گفت.

نیز ن.ک: غیبت حضرت مهدی علیه السلام .

ص: ۲۲۰

از القاب حضرت مهدی علیه السلام

خاتم الاوصیاء، به معنای پایان بخش جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این لقب ابتدا بر زبان خود آن حضرت در کودکی _ آن گاه که در آن سنین لب به سخن گشود _ جاری شد. البته این لقب، درباره حضرت علی علیه السلام به عنوان پایان بخش اوصیای آخرین پیامبر به کار رفته است. (۱)

طریف ابونصر گوید: «بر صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شدم؛ آن حضرت فرمود: «برای من صندل احمر (۲) بیاور.» پس برای ایشان آوردم. آن حضرت رو به من کرد و فرمود: «آیا مرا می شناسی؟» گفتم: «بله.» سپس فرمود: «من کیستم؟» عرض کردم: «شما آقای من و فرزند آقای من هستید.» پس آن حضرت فرمود: «مقصودم ای _ ن _ نب _ ود!» گفتم: «خداوند سبحانه و تعالی مرا فدای شما گرداند! بفرمایید مقصودتان چه بود؟» حضرت فرمود:

ص: ۲۲۱

۱- ر.ک: محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۹۳ و ج ۹۷، ص ۳۳۱.

۲- نوعی چوب خوش بو.

من خاتم الاوصیاء هستم که خداوند به وسیله من، بلا را از اهل و شیعیانم دور می سازد. (۱)

علاوه بر خاتم الاوصیاء از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان «خاتم الائمه» نیز یاد شده است؛ چنان که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ای مردمان! من پیامبرم و علی جانشین من. آگاه باشید که خاتم الائمه، قائم و مهدی از ما است. (۲)

نیز ن.ک: القاب حضرت مهدی علیه السلام .

خراسانی < خروج خراسانی

خردسال ترین پیشوای معصوم < امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

خروج خراسانی

از نشانه های ظهور

در برخی روایات، خروج خراسانی، یکی از نشانه های ظهور بیان شده است. اگر چه وی در این روایات به روشنی معرفی نشده است، برخی او را مردی از بنی تمیم دانسته اند. بیشتر روایاتی که از وی نام برده اند، او را همراه سفیانی یاد کرده اند. امام صادق علیه السلام فرمود:

خروج خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز تحقق می یابد و بین آن ها پرچمی هدایتگرتر از یمانی نیست که او به حق هدایت می کند. (۳)

در برخی روایات، از خراسانی و سفیانی، به دو اسب مسابقه تشبیه شده اند که خراسانی از مشرق و سفیانی از مغرب به سوی کوفه در حرکتند. (۴)

ص: ۲۲۲

۱- «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ وَشِيْعَتِي»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۶، ح ۲۱۵؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲.

۲- «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ وَ صَبِيٌّ إِلَّا أَنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ...»، فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۹۷.

۳- «خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ الْخُرَاسَانِي وَالسُّفْيَانِي وَالْيَمَانِي فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرِ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَلَيْسَ فِيهَا رَأْيُهُ بِأَهْدَى مِنْ رَأْيِهَا لِيْمَانِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۴۶.

۴- نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۹.

البته روایتی نیز خروج او را یکی از نشانه های حتمی قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد کرده که به جای خروج یمانی ذکر شده است. (۱)

نیز ن.ک: نشانه های ظهور.

خروج دابۀ الارض

از نشانه های حتمی ظهور مهدی علیه السلام

«خروج دابها الارض» به معنای بیرون آمدن جنبنده زمین است. این پدیده، هم در روایات شیعه و هم در روایات اهل سنت، مورد اشاره قرار گرفته و از آن به عنوان «أشراط الساعة» و یکی از نشانه های نزدیک شدن قیامت یاد شده است. (۲)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، فرمود:

ناگزیر، ده چیز پیش از قیامت رخ خواهد داد: سفیانی، دجال، دود، دابه، خروج قائم، طلوع خورشید از مغربش، نزول عیسی بن مریم، خس ف ب ه مشرق، خسف به جزیرها لعرب و آتشی که از قعر عدن خارج می شود و مردم را به سوی محشر می برد. (۳)

آنچه این اتفاق را نزد شیعه مهم ساخته، روایاتی است که از «خروج دابها الارض» ب ه عن وان رجعت امیرمؤمنان علی علیه السلام یاد کرده است. امام باقر علیه السلام فرمود: امام علی علیه السلام پس از ذکر اوصاف خود، فرمود:

... من، همان جنبنده ای هستم که با مردم سخن می گوید.... (۴)

درباره ماهیت دابه و چگونگی

ص: ۲۲۳

۱- ر.ک: نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۹، ح ۶.

۲- ر.ک: شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۷۳؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ۲۶۶؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۱۰۲، و در کتب اهل سنت ر.ک: بیضاوی، انوارالتزیل و اسرار التأویل، ذیل: ۸۲ سوره نمل؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۲۱۰.

۳- «عَشْرٌ قَبْلَ السَّاعَةِ لَا بُدَّ مِنْهَا: السُّفْيَانِيُّ وَالِدُ الدَّجَالِ وَالِدُ الدَّخَانِ وَالِدُ الدَّابَّةِ وَخُرُوجُ الْقَائِمِ وَطُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَنُزُولُ عِيسَى وَخَسْفُ الْمَشْرِقِ وَخَشْفُ بَجَزِيرِهِ الْعَرَبِ وَنَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَعْرِ عَدْنٍ تَسِيْقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۶، ح ۴۲۶.

٤- «...إِنِّي ... وَالذَّائِبَةُ الَّتِي تُكَلِّمُ النَّاسَ»، محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ١، ص ١٩٨، ح ٣.

خروج او _ به ویژه میان اهل سنت _ سخن های فراوانی گفته و گمانه های بسیاری زده شده است. بـرخـی نوشته اند:

دابه، به معنای جنبنده و ارض به معنای زمین است. بر خلاف آنچه برخی می پندارند، دابه فقط به جنبندگان غیرانسان اطلاق نمی شود؛ بلکه مفهوم وسیعی دارد که انسان ها را نیز در بر می گیرد؛ چنان که در آیه ۶ سوره «هود» می خوانیم:

((وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا...))

هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر این که روزی او بر خدا است.

در باره تطبیق این کلمه، بنای قرآن بر اجمال و ابهام بوده و تنها وصفی که برای آن ذکر کرده این است که با مردم سخن می گوید و افراد بی ایمان را اجمالاً مشخص می کند؛ ولی در روایات اسلامی و سخنان مفسران، بحث های فراوانی در این زمینه دیده می شود. در یک جمع بندی می توان آن را در دو تفسیر خلاصه کرد:

۱. گروهی، آن را یک موجود جاندار و جنبنده غیرعادی از غیر جنس انسان، با شکل عجیب دانسته اند و برای آن عجایی نقل کرده اند که شبیه خارق عادات و معجزه انبیا است. این جنبنده در آخرالزمان ظاهر می شود و از کفر و ایمان سخن می گوید و منافقان را رسوا می سازد و بر آن ها علامت می نهد.

۲. جمعی دیگر به پیروی از روایات پرشماری که در این زمینه وارد شده، او را یک انسان می دانند؛ یک انسان فوق العاده، یک انسان متحرک و جنبنده و فعال که یکی از کارهای اصلی اش جدا ساختن صفوف مسلمین از کفار و منافقان و علامت گذاری آنان است. حتی از بعضی روایات استفاده می شود که عصای موسی و خاتم سلیمان، با او است. می دانیم عصای موسی، رمز قدرت و اعجاز، و خاتم سلیمان رمز حکومت و سلطه الهی است؛ بنابراین او یک انسان قدرتمند و افشاگر است.

در روایات فراوانی دابه الارض بر شخص امیرمؤمنان علی علیه السلام تطبیق شده است. در تفسیر علی بن ابراهیم از امام صادق علیه السلام آمده است: مردی به عمار یاسر گفت: «آیه ای در قرآن است که فکر مرا پریشان ساخته و مرا در شک انداخته است.» عمار گفت:

«کدام آیه؟» گفت: «آیه ((وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ...))، ای ن ک __ دام جنبین __ ده است؟» عمار گفت: «به خدا سوگند! روی زمین نمی نشینم، غذا نمی خورم و آبی نمی نوشم، تا دابُّها الأَرْض را به تو نشان دهم.» پس همراه آن مرد

ص: ۲۲۵

خدمت حضرت علی علیه السلام آمد؛ در حالی که حضرت غذا می خورد. هنگامی که چشم امام علیه السلام به عمار افتاد، فرمود: «بیا.» عمار آمد و نشست و با امام علیه السلام غذا خورد. (۱)

آن مرد سخت در تعجب فرو رفت و ناباورانه به این صحنه نگریست؛ چرا که عمار به او قول داده بود و قسم خورده بود تا به وعده اش وفا نکند، غذا نخورد. گویی قول و قسم خود را فراموش کرده است.

هنگامی که عمار برخاست و با حضرت علی علیه السلام خداحافظی کرد، آن مرد رو به او کرد و گفت: «عجیب است! تو سوگند یاد کردی که غذا نخوری و آب ننوشی و بر زمین ننشینی، مگر این که «دابها الارض» را به من نشان دهی.» عمار در پاسخ گفت: «من او را به تو نشان دادم اگر فهمیدی.» (۲)

نیز ن.ک: اشراط الساعة، آستانه قیامت.

خروج دجال

از نشانه های نزدیک شدن رستاخیز بزرگ در عصر ظهور

«دجال» در زبان عربی به معنای «آب طلا» و طلا اندود کردن است و به همین علت، افراد بسیار دروغ گو که باطل را حق جلوه می دهند «دجال» نامیده می شوند. (۳)

از روایات استفاده می شود دجال ستمکاری است که در آخرالزمان، مردم را گمراه خواهد کرد. البته در آموزه های هر سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام از آن سخن به میان آمده است. افرادی در هر سه جامعه دینی می گویند: دجال تولد یافته و زنده است. (۴)

در روایاتی چند از خروج «دجال» به عنوان نشانه ظهور و در برخی دیگر از آن به عنوان یکی از «أَشْرَاطُ السَّاعَةِ» یاد شده است. این نشانه، در کتاب های اهل سنت بیشتر، یکی از نشانه های

ص: ۲۲۶

۱- نمل (۲۷): ۸۲.

۲- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۱ - ۵۵۳.

۳- ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۹۴.

۴- ر.ک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۳۲۳ - ۲۸۲.

برپایی قیامت دانسته شده است؛^(۱) ولی در منابع روایی شیعه، بیشتر از آن به عنوان حادثه ای مهّم که مقارن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ خواهد داد؛ یاد شده است.^(۲)

در باره دَجّال، چند احتمال وجود دارد:

یک. دَجّال، نام شخص معینی نیست و هر کس که با ادعاهای پوچ و بی اساس و با توسل به حيله گری و نیرنگ، در صدد فریب مردم باشد، دَجّال است. این که در روایات، از «دَجّال»های فراوان سخن به میان آمده است این احتمال را تقویت می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

قیامت، برپا نمی شود، تا وقتی که مهدی از فرزندانم قیام کند. مهدی قیام نمی کند، تا وقتی که شصت دروغ گو خروج کنند و هر کدام بگویند: من پیامبرم.^(۳)

در روایات، از این «دَجّال»ها و دروغ گویان فراوان نام برده شده است. در بعضی دوازده، در برخی سی و برخی شصت و هفتاد دَجّال آمده است.^(۴) از میان این «دَجّال»ها، فردی که در دروغ گویی، حيله گری و مردم فریبی سرآمد همه دجالان و فتنه اش از همه بزرگ تر است، نشانه ظهور مهدی علیه السلام و یا برپایی قیامت است. بر این اساس، دو نوع دَجّال هست: یکی همان دَجّال حقیقی و واقعی است که پس از همه «دَجّال»ها می آید و دیگری گروهی شیاد و دروغ گویند که دست به فریب کاری، تحمیق و گمراهی مردم می زنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

پیش از خروج دَجّال، بیش از هفتاد دَجّال خروج خواهد کرد.^(۵)

حقیقت داستان دَجّال، بیانگر این واقعیت است که در آستانه هر انقلابی، افراد فریبکار و منافق که

ص: ۲۲۷

-
- ۱- مسلم، صحیح، باب فی الآیات التي تكون قبل الساعة، ج ۱؛ ترمذی، سنن، ج ۴، ص ۵۰۷؛ ابو داوود، سنن، ج ۴، ص ۱۱۵.
 - ۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۰.
 - ۳- «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَخْرُجَ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي وَلَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يَخْرُجَ سِتُّونَ كَذَّابًا كُلُّهُمْ يَقُولُ أَنَا نَبِيُّ»، شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۱.
 - ۴- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۱۹۸ - ۲۰۰.
 - ۵- متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۰۰.

معتقد به نظام های پوشالی گذشته و حـ افظ ضد ارزش هـ آیند، بـ رای نگه داشتن فـ رهننگ و نظـ ام جاهلی گذشته، همه تلاش خود را به کار می گیرند و با سوء استفاده از زمینه های فکری و اجتماعی و احساسات مردم، دست به تزویر و حيله گری می زنند.

در انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چنین خطری پیش بینی شده است. از آن جا که این انقلاب از همه انقلاب های تاریخ بزرگ تر و گسترده تر است، خطر فریبکاران دجال صفت نیز به مراتب بیشتر و گسترده تر است. در آستانه ظهور، آنان همه تلاش خویش را به کار خواهند گرفت که مردم را فریب دهند و آن ها را از نتیجه آن، دلسرد و ناامید سازند و سرانجام از پیروزی حتمی آن جلوگیری کنند.

البته در این احتمال می توان گفت: ممکن است یکی از آن دجال ها _ صفات زشت در او بیشتر از همه متبلور است _ نشانه ظهور باشد.

دو. احتمال دوم آن است که فردی معین و مشخص، به نام «دجال» در دوره غیبت _ با همان ویژگی هایی که برای وی بیان شده است _ خروج می کند و مردم را به انحراف می کشاند.

برخی با استناد بعضی از روایات، او را زنده می دانند؛ برای مثال گفته می شود او در زمان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زنده بوده و تا هنگام خروج، زنده خواهد ماند. (۱)

برخی از کتاب ها و فیلم ها نام «دجیال» بر خود دارند. «دجیال» لقب دغل بازی است که نزد یهودیان «آرمیلوس» و نزد مسلمانان «صائد بن صید» نامیده می شود. (۲)

اصل داستان «دجال» در کتاب های مقدس مسیحیان نیز آمده است. در انجیل، واژه «دجال» بارها به کار رفته و از کسانی که منکر حضرت مسیح علیه السلام باشند یا «پدر و پسر» را انکار کنند، «دجال» یاد شده است:

دروغ گو کیست، جز آن که مسیح بودن عیسی را انکار کند؟ آن، دجال است که پسر و پدر را انکار کند. (۳)

طرفداران احتمال دوم به روایتی استناد کرده اند که اصیغ بن نباته از

ص: ۲۲۸

۱- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۱۳، ح ۸۶.

۲- حسین توفیقی، هزاره گرایی در فلسفه تاریخ مسیحیت، ص ۲۶.

۳- رساله یوحنا، باب ۲، ص: ۱۸ و ۲۲.

حضرت علی علیه السلام پرسید: «ای امیر مؤمنان! دجال کیست؟» آن حضرت فرمود:

دجال، صائد بن صائد (صید) است. بدبخت کسی است که او را تصدیق کند و خوشبخت آن است که او را تکذیب کند. از شهری بر آید که آن را اصفهان نامند؛ از دهی که آن را یهودیه گویند. (۱) چشم راستش ممسوح و چشم دیگرش بر پیشانی است و مانند ستاره صبح می درخشد. در آن، نقطه علقه ای است که با خون در آمیخته است و میان دو چشمش نوشته است: «کافر» و هر خواننده و بی سواد آن را می خواند. در دریاها فرو می رود و آفتاب با او می گردد. مقابل او کوهی از دود و عقبش کوهی سپید است که مردم تصور می کنند طعام است. در زمان قحطی سختی خروج می کند؛ در حالی که بر الاغ سپیدی سوار است. هر گام حمارش، یک میل است و زمین، منزل به منزل زیر پایش درنوردیده شود. بر آبی نگذرد، جز آن که فرو رود، تا روز قیامت. به آوازی که همه جن و انس و شیاطین _ در شرق و غرب _ عالم آن را می شنوند، فریاد کند: «ای دوستان من! نزد من آیید. منم آن که آفرید و تسویه کرد و تقدیر کرد و رهبری نمود. منم پروردگار شما.» دشمن خدا دروغ می گوید. او یک چشمی است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود. به راستی که پروردگار شما نه یک چشم است، و نه غذا می خورد، نه راه می رود و نه زوال دارد. و برتر است خدا از این اوصاف؛ برتری بزرگی. آگاه باشید! بیشتر پیروانش در آن روزگار، ناپاک زادگانند و صاحب پوستین های سبز. خداوند تعالی او را در شام بر سر گردنه ای که آن را افیق نامند به دست کسی که عی _ سی علیه السلام پش _ ت _ س _ رش نم _ از می خواند هنگامی که سه ساعت از روز جمعه گذشته باشد، خواهد کشت. آگاه باشید پس از آن، حادثه بزرگ و قیامت کبرا باشد. (۲)

سه. برخی نیز این احتمال را مطرح

ص: ۲۲۹

-
- ۱- در پاره ای روایات محل خروج او سجستان ذکر شده است. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۰.
 - ۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۷، ح ۱. (با فرض پذیرش روایت، بعید نیست بسیاری از آنچه ذکر شده است، معنایی کنایی داشته باشد.)

کرده اند که مراد از «دَجّال» همان سفیانی است که در کتاب های اهل سنّت بیشتر با عنوان «دَجّال» و در کتاب های شیعی با عنوان سفیانی آمده است. البته این احتمال مردود است. (۱)

ص: ۲۳۰

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۶۳.

چهار. دجال، کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر جهان است. برخی از اهل نظر، این احتمال را تقویت کرده و همه ویژگی‌هایی را که برای دجال بیان شده، با ویژگی‌های استکبار جهانی برابر دانسته‌اند. «استکبار» به معنای واقعی، دجال است که خود را قیم ملت‌ها می‌داند و با تکیه به ثروت انبوه و قدرت عظیم، در همه جای زمین دخالت می‌کند و همه را به زیر سلطه خویش می‌آورد. (۱)

از نکات شگف آور و تأمل برانگیز در انبوه روایات شیعه و سنی ارتباط تنگاتنگی است که بین دجال و یهودیان مطرح شده است. در روایات بیشتر پیروان دجال یهودی معرفی شده‌اند. (۲) در منابع اهل سنت به صورت عمده، سخن از کشته شدن دجال به دست حضرت عیسی علیه السلام است. (۳)

نیز ن.ک: اشراط الساعة، آستانه قیامت.

خروج سفیانی

خروج مردی از نسل ابوسفیان، از نشانه‌های حتمی قیام حضرت مهدی علیه السلام

پیش از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردی از نسل ابوسفیان در منطقه شام خروج می‌کند و با تظاهر به دینداری، گروه فراوانی از مسلمانان را فریب می‌دهد و بخش گسترده‌ای از سرزمین‌های اسلامی (شام، حمص، فلسطین، اردن، قنسرين و منطقه عراق) را به تصرف خود در می‌آورد. (۴) در کوفه و نجف، به کشتار شیعیان می‌پردازد و برای کشتن و یافتن آنان جـایـزه تعیین می‌کند، (۵) مدت حکومت او، نه ماه است. (۶)

وی، آن گاه که از ظهور حضرت حجت علیه السلام آگاه می‌شود، با سپاهی بزرگ به جنگ وی می‌رود. (۷) در منطقه «بیداء» (بین مکه و مدینه)

ص: ۲۳۱

۱- سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبرا، ص ۵۳۶ _ ۵۳۲.

۲- ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۸، ح ۲؛ ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۸، ص ۶۶۱.

۳- تفسیر طبری، ج ۳، ص ۲۹۰، تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۵۷۹.

۴- مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۸۶.

۵- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱.

۶- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۴۹.

۷- ر.ک: متقی هندی، کنز العمال، ح ۳۱۵۳۵.

با سپاه امام علیه السلام برخورد می کند و به امر خدا، همه لشکریان وی _ جز چند نفر _ در زمین فرو می روند و هلاک می شوند. (۱)

این که سفیانی کیست و چه ویژگی هایی دارد و چگونه خروج می کند و پرسش هایی از این دست هرگز به گونه ای روشن و قابل قبول در روایات و سخنان بزرگان مورد اشاره قرار نگرفته و به طور صرف، به گمانه هایی بسنده شده است. از جمله این که گفته شده: نام وی عثمان بن عنبسه و از خاندان ابوسفیان است. (۲)

از این رو برخی بر این باورند سفیانی فرد مشخصی نیست؛ بلکه فردی است با ویژگی های ابوسفیان که در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طرفداری از باطل، خروج می کند و مسلمانان را به انحراف می کشاند. این ها در بیان دیدگاه خود می گویند: در حقیقت، ابوسفیان، ب _ ه _ عن _ وان _ س _ ر _ سلسله سفیانیان، نماد پلیدی است. او غارتگری بود که با رباخواری، زورگویی و چپاول اموال مردم، ثروت های هنگفتی به چنگ آورده بود و از راه فریب و استثمار توده های ستم کشیده و ترویج خرافات و دامن زدن به نظام طبقاتی جاهلی، قدرت فراوانی داشت. ابوسفیان، در جایگاه سردمدار شرک و بت پرستی و سرمایه داری طاغوتی، هر نوع حرکت و جنبشی را که دم از عدالت، برادری و آزادی می زد، دشمن شماره یک خود می دانست و با قدرت تمام برابر آن به مبارزه بر می خاست. (۳)

بنابراین، در حقیقت سفیانی یک جریان است، نه یک شخص. سفیانی جریان باطل در بستر تاریخ است. بر فرض هم که سفیانی را از نسل ابوسفیان بدانیم، اشکالی پدید نمی آید و واپسین مهره این زنجیره، همان سفیانی است که در آستانه ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج می کند.

نیز ن. ک: نشانه های ظهور، خسف به بیدا.

ص: ۲۳۲

۱- ابن ابی زینب نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۹، ح ۶۷؛ همچنین ر. ک: نعیم بن حماد، کتاب الفتن، ص ۱۶۸.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۵، ح ۹.

۳- جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۷۴.

از نشانه های قیام حضرت مهدی علیه السلام

گفته شده است، از نشانه های ظهور خروج سید حسنی از طرف دیلم است. درباره شخصیت وی، در روایات سخنی نیامده است، ولی روایاتی که سخن از خروج و کشته شدن او دارد تا حدودی به معرفی او پرداخته است. امام صادق علیه السلام فرمود:

حسنی، آن جوانمرد خوشرویی که از طرف دیلم خروج می کند و با بیان فصیح فریاد می زند: «ای آل احمد! اجابت کنید دردمند پریشان حال را و آن که از پیرامون ضریح (شاید مراد کعبه باشد) ندا می کند؛ پس گنجینه های الهی در طالقان او را اجابت می کنند. [آن ها] گنج هایی از طلا و نقره نیستند؛ بلکه مردانی اند همانند قطعه های آهن. بر اسب های چابک سوار شده و حربه هایی به دست می گیرند. پیوسته ستمگران را می کشند، تا این که وارد کوفه می شوند؛ در حالی که بیشتر جاهای زمین از لوٹ وجود بی دینان پاک گشته، سید حسنی آن جا را محل اقامت خود قرار می دهد.

آن گاه خبر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سید حسنی و اصحابش می رسد. اصحاب به او می گویند: «ای فرزند پیغمبر! این کیست که در قلمرو ما فرود آمده است؟» می گویند: «برویم ببینیم او کیست.» در صورتی که به خدا قسم سید حسنی می داند او مهدی علیه السلام است و بدین سبب این سخن را می گوید که به یارانش آن حضرت را بشناساند. پس سید حسنی بیرون می آید تا این که به مهدی علیه السلام می رسد. آن گاه می گویند: «اگر تو مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستی، پس عصای جدت پیامبر و انگشتر و جامه و زره آن حضرت کجا است؟ عمامه (سحاب)، اسب، شتر، قاطر، الاغ و اسب اصیل رسول خدا و مصحف امیر مؤمنان کجا است؟»

آن حضرت تمام این ها را به او نشان می دهد. آن گاه عصای پیامبر را می گیرد و در سنگ سختی می کارد؛ بی درنگ برگ می دهد. منظورش از این کار آن است که بزرگ واری و فضیلت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به اصحاب بخود بنمایاند، تا با آن حضرت بیعت کنند.

سید حسنی گویند: «الله اکبر! ای فرزند پیغمبر! دستت را بده تا بیا شما بیعت کنیم.» حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

دستش را دراز می کند و سید حسنی و اصحابش بیعت می کنند. (۱)

امام صادق علیه السلام فرجام کار وی را این گونه فرموده است:

... و آن گاه که [سید] حسنی خروج خود را آغاز می کند، اهل مکه بر او هجوم آورده، او را به قتل می رسانند و سر او را بریده، برای شامی می فرستند. در این هنگام، صاحب الامر ظهور خواهد کرد.... (۲)

نعمانی نیز می نویسد: یعقوب سراج گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «فرج شیعیان شما کی خواهد بود؟» پس فرمود: «آن گاه که فرزندان عباس به اختلاف پردازند و حکومت ایشان سست شود. [راوی] حدیث یاد شده را عیناً ذکر کرده تا رسیده است به ذکر جنگ افزارها و افزوده است:

تا این که بر فراز مکه فرود آید و شمشیر را از نیامش بیرون می کشد، وزره را می پوشد و پرچم و برد را باز می کند. عمامه را به سر می گذارد و عصا را به دست می گیرد و از خداوند سبحانه و تعالی درباره ظهورش اجازه می خواهد.

یکی از خادمان آن حضرت از آن موضوع آگاه می شود و نزد حسنی آمده او را از خبر آگاه می کند. حسنی در خروج، بر آن حضرت پیش دستی می کند؛ پس مردم مکه بر او شوریده و او را به قتل می رسانند و سرش را به نزد شامی می فرستند. در این هنگام، صاحب این امر ظهور می کند و مردم بـ ا او بیعـت کـرده، از او پیـروی می کنند.... (۳)

برخی، از این دو روایت استفاده کرده اند که «سید حسنی» همان نفس زکیه است.

نیز ن.ک: نشانه های ظهور، ظهور، قتل نفس زکیه.

خروج شعیب بن صالح

از رخدادهای سال ظهور حضرت مهدی علیه السلام

از نشانه های ظهور، خروج مردی

ص: ۲۳۴

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵.

۲- «فَيَبْتَدِرُ الْحَسَنِي إِلَى الْخُرُوجِ فَيَثْبُ عَلَيْهِ أَهْلُ مَكَّةَ فَيَقْتُلُونَهُ وَيَبْعَثُونَ بِرَأْسِهِ إِلَى الشَّامِي فَيُظْهِرُ عِنْدَ ذَلِكَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ...»، محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵.

۳- نعمانی، الغيبة، باب ۱۴، ح ۴۳؛ با اندک تفاوتی، محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵.

به نام شعیب بن صالح در سمرقند و یا نیشابور است. امام سجاد علیه السلام فرمود:

خروج شعیب بن صالح، پس از عوف سلمی و پیش از خروج سفیانی است. (۱)

قطب راوندی نیز روایتی از امام سجاد علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

پس خروج شعیب صالح از سمرقند است. (۲)

شیخ صدوق، خروج او را از نیشابور ذکر کرده است. (۳)

از برخی روایات دیگر استفاده می شود او پرچم دار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و در جایگاه

پیش قراول آن حضرت انجام وظیفه می کند. (۴)

نیز ن.ک: نشانه های ظهور.

خروج شیصبانی

خروج مردی از دشمنان مهدی علیه السلام از نشانه های ظهور

مراد از شیصبانی در روایات اهل بیت علیهم السلام، مردی از بنی عباس یا مردی دشمن اهل بیت علیهم السلام است؛ زیرا

پیشوایان معصوم علیهم السلام از بنی عباس بن ه بن ی شیصبان تعبیر می کردند و آن، نام مردی بدکردار یا

گمنام است و آن بزرگواران، دشمن خود را به طور کنایه با این کلمه نام برده اند. (۵)

شیصبان در لغت، نامی از نام های ابلیس است. پس از آن که قدرت در دست زمین ه س ازان خ راسانی و

طرف داران آن ان ق رار می گ یرد، شیصبانی در عراق خروج می کند. از جابر جعفی نقل شده است: از

ابوجعفر امام باقر علیه السلام درباره سفیانی پرسید، حضرت فرمود:

سفیانی خروج نمی کند؛ مگر آن که پیش از او شیصبانی در سرزمین

ص: ۲۳۵

۱- «ثُمَّ يَكُونُ خُرُوجُ شُعَيْبِ بْنِ صَالِحٍ مِنْ سَمَرْقَنْدٍ ثُمَّ يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ...»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۴۳.

۲- قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۵، ح ۶۱.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۳، باب ۴۳، ح ۱۶.

۴- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷؛ همچنین ر.ک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۴، ص ۵۸۸، ح ۳۹۶۶۶، ۳۹۶۶۷.

كتاب الفتن، ص ۱۸۸.

۵- ر.ك: ميرزا حسين طبرسي نوري، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۲۶، ۱۳۱.

کوفان خـروج کند. او همچون جوشیدن آب از زمین می جوشد و فرستادگان شما را به قتل می رساند. بعد از آن، در انتظار خروج سفیانی و ظهور قائم باشید» (۱)

نیز ن.ک: نشانه های ظهور.

خروج عوف سلمی

از نشانه های ظهور

از نشانه های ظهور، خروج مردی به نام عوف سلمی از سمرقند است. وقتی به امام سجاد علیه السلام گفته شد، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را توصیف و دلیل ها و نشانه های آن را ذکر فرمایید، حضرت فرمود:

پیش از ظهور او، خروج مردی خواهد بود که به او عوف سلمی گفته می شود. محل خروج او زمین جزیره و منزل او تکریت و مقتل او مسجد دمشق است. (۲)

نیز ن.ک: نشانه های ظهور.

خروج مهدی علیه السلام < قیام مهدی علیه السلام

خروج یاجوج و ماجوج < یاجوج و ماجوج

خروج یمانی

خروج مردی از یمن، از نشانه های حتمی قیام حضرت مهدی علیه السلام

از نشانه های حتمی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خروج سرداری از اهل یمن است که مردم را به حق و عدل دعوت می کند. در مصادر شیعه، روایات فراوانی در این باره وجود دارد؛ (۳) به گونه ای که برخی آن ها را مستفیض دانسته اند. (۴) امام باقر علیه السلام فرمود:

ص: ۲۳۶

۱- «وَإِنِّي لَكُمْ بِالسُّفْيَانِيِّ حَتَّى يَخْرُجَ قَبْلَهُ الشَّيْصَبَانِيُّ يَخْرُجُ مِنْ أَرْضِ كُوفَانَ يَتَّبِعُ كَمَا يَتَّبِعُ الْمَاءَ فَيَقْتُلُ وَفَدَّكُمْ فَتَوَقَّعُوا بَعْدَ ذَلِكَ السُّفْيَانِيَّ وَخُرُوجَ الْقَائِمِ عَجَلِ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفِ»، نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۲، باب ۱۸، ح ۸.

۲- «يَكُونُ قَبْلَ خُرُوجِهِ خُرُوجُ رَجُلٍ يُقَالُ لَهُ عَوْفُ السَّلْمِيِّ بِأَرْضِ الْجَزِيرَةِ وَيَكُونُ مَأْوَاهُ تَكْرِيْتُ وَقَتْلُهُ بِمَسْجِدِ دِمَشْقٍ...»، شیخ

طوسي، كتاب الغيبة، ص ٤٤٣.

٣- محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ٨، ص ٣١٠، ح ٤٨٣؛ نعماني، الغيبة، ص ٢٥٢، ح ١١.

٤- ر.ك: سيد محمد صدر، تاريخ غيبة كبرا، ص ٥٢٥.

...خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و

ص: ۲۳۷

یک روز واقع خواهد شد؛ با نظام و ترتیبی همچون نظام یک رشته که به بند کشیده شده است. هر یک، از پی دیگری [می آید] و جنگ قدرت و هیبت از هر سو فراگیر می شود. وای بر کسی که با آنان دشمنی و ستیز کند! میان پرچم ها راهنماتر از پرچم یمانی نباشد که آن، پرچم هدایت است؛ زیرا به صاحب شما دعوت می کند. هنگامی که یمانی خروج کند، خرید و فروش سلاح برای مردم و هر مسلمانی ممنوع است. چون یمانی خروج کرد، به سوی او بشتاب که همانا پرچم او پرچم هدایت است. هیچ مسلمانی را روا نباشد که با آن پرچم مقابله کند. هر کس چنین کند، از اهل آتش است؛ زیرا او به س—وی ح—ق و راه مستقیم ف—را می خواند. (۱)

خروج یمانی، به طور اجمال از نشانه های حتمی ظهور است؛ هر چند جزئیات و چگونگی خروج وی روشن نیست. نیز ن.ک: نشانه های ظهور.

خَسْفَ بَہ بَیْدَاءِ

از نشانه های حتمی قیام حضرت مهدی علیه السلام

واژه خَسْفَ به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است و «بَیْدَاءِ» نام سرزمینی بین مکه و مدینه است. (۲) منظور از خَسْفَ به بیداء آن است که سفیانی با لشکری عظیم به قصد جنگ با حضرت مهدی علیه السلام عازم مکه می شود؛ اما بین مکه و مدینه — در محلی که به سرزمین «بیداء» معروف است — به گونه ای معجزه آسا، به امر خداوند، در زمین فرو می روند.

این حادثه در روایات بسیاری از ع—امّه (۳) و خ—اصّه یکی از نشانه های ظهور معرفی شده و در شماری از آن ها بر حتمی بودن آن تأکید شده است. (۴) امام باقر علیه السلام فرمود:

... سفیانی گروهی را به مدینه روانه کند و مهدی از آن جا به مکه

ص: ۲۳۸

-
- ۱- نعمانی، الغیبه، ص ۳۶۹، باب ۱۳، ح ۱۳.
 - ۲- ابن منظور، لسان العرب، ماده خَسْفَ و بیداء.
 - ۳- صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ح ۲۰۷۶۹؛ ابن ابی شیبہ، الکتاب المصنف، ح ۱۹۰۶۶.
 - ۴- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۸۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۷، ح ۱۵.

رخت بریندد. خبر به فرمانده سپاه سفیانی رسد که مهدی علیه السلام به سوی مکه بیرون شده است. او لشکری از پی آن حضرت روانه کند، ولی او را نیابد، تا این که مهدی با حالت ترس و نگرانی بدان سنت که موسی بن عمران داشت داخل مکه شود.

فرمانده سپاه سفیانی در صحرا فرود می آید. آواز دهنده ای از آسمان ندا می کند: «ای دشت! آن قوم را نابود ساز»؛ پس آن نیز ایشان را به درون خود می برد و هیچ یک از آنان نجات نمی یابد، مگر سه نفر... (۱).

نیز ن.ک: نشانه های ظهور، خروج سفیانی.

خسوف و کسوف غیر عادی

از نشانه های غیرحتمی ظهور

در روایات کسوف در نیمه ماه رمضان و خسوف در آخر یا اول همان ماه یکی از نشانه های ظهور یاد شده است. «کسوف» در روزهای نخست و روزهای آخر ماه و «خسوف» در روزهای میانی ماه، طبیعی و عادی است؛ ولی خورشید گرفتگی در وسط ماه یا ماه گرفتگی در اوایل یا آخر آن، ظاهراً امری غیرعادی است و دیدن آن، امکان ندارد. امام باقر علیه السلام فرمود:

«دو نشانه پیش از قیام قائم پدید خواهد آمد: یکی گرفتن خورشید در نیمه ماه رمضان و دیگر، گرفتن ماه در آخر آن.» مردی به امام علیه السلام عرض کرد:

«ای پسر رسول خدا! کسوف در وسط و خسوف در آخر ماه؟!»

حضرت فرمود:

[آری] من آنچه را گفتم به آن داناتر هستم. این ها دو نشانه اند که واقع شدن آن ها، از زمان هبوط آدم علیه السلام سابقه ندارد. (۲).

فلسفه این نشانه غیر عادی _ همانند برخی نشانه های دیگر _ می تواند بیدار کردن مردم، از خواب غفلت و یقین به امر ظهور باشد. به عبارت دیگر، خداوند سبحانه و تعالی در آستانه ظهور، برای اقامه حجت بر مردم و مطمئن س _ اخت _ ن ی _ ارا ن حض _ رت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ظهور آن حضرت، چنین

ص: ۲۳۹

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۹، باب ۱۴، ح ۶۷.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲، ح ۲۵۸؛ نعمانی، الغیبه، ص ۳۹۰، ح ۴۵؛ شیخ مفید، الارشاد، ص ۴۹۷.

پدیده‌هایی را بر خلاف معمول و به گونه معجزه محقق می‌سازد.

برخی بر این باورند خسوف و

کـ خسوف، بـ هـ گـ ونه یـ اد شده، در چهارچوب حوادث طبیعی و عادی نیز قابل بررسی و تبیین است و برای آن، احتمال‌ها و توجیه‌هایی ذکر کرده‌اند. البته به این توجیه‌ها نیازی نیست؛ زیرا هیچ اشکالی ندارد که پدیدار شدن آن‌ها به صورت معجزه باشد؛ چون در جهت اقامه حجت و تقویت حق و هدایت مردم است و با قانون معجزه، ناسازگاری ندارد. به علاوه این نشانه، از نشانه‌های حتمی ظهور نیست و در روایات، به ناگزیر بودن آن اشاره نشده است؛ از این رو نمی‌توان خسوف و کسوف غیرعادی را از نشانه‌های قطعی و مسلم ظهور به شمار آورد. (۱)

نیز ن. ک: نشانه‌های ظهور.

خضر علیه السلام

بنده شایسته خداوند و دارای طول عمر بسیار، و از یاران مهدی علیه السلام

در قرآن از وی به عنوان هم‌راه حضرت موسی علیه السلام در آن داستـان معروف یاد شده است. (۲)

از روایات استفاده می‌شود علاوه بر آن که آن بنده شایسته خداوند، در دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام مونس تنهایی‌های آن امام پنهان خواهد بود، (۳) در دوران حکومت آن حضرت نیز دارای نقش مهمی خواهد بود.

نیز ن. ک: معمرین، طویل العمر.

خلافت موعود

خـ داوند سبحانه و تعالی در آیـاتی چنـد بـه انسان‌های شایسته وعـده داده که حکومت زمین به آن‌ها خواهد رسید:

((وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ

ص: ۲۴۰

٢- ر.ك: كهف (١٨): ٦٥.

٣- امام رضا عليه السلام: «إِنَّ الْخَضِرَ شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ فَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ... وَ سَيُؤْنَسُ اللَّهُ بِهِ وَحَشَهُ قَائِمًا فِي غَيْبَتِهِ»، شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٣٩٠، ح ٤.

مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيَدْلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ))؛(۱)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین، جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد. و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند.

در آیات پیش از این آیه، سخن از اطاعت و تسلیم برابر فرمان خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و در این آیه، بحث ادامه یافته و نتیجه این اطاعت که همان حکومت جهانی است بیان شده است. بر اساس آن، خداوند سبحانه و تعالی به کسانی که از شما ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، وعده می دهد که آنان را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد؛ همان گونه که پیشینیان را خـ لافـت روی زمین بخشید و دیـ ن و آیینی را که برای آنان پسندیده، به طور ریشه دار و پا بر جا در صفحه زمین مستقر خواهد ساخت و خوف و ترس آن ها را، به امنیت و آرامش مبدل خواهد کرد. مردم فقط خدا را پرستیده و چیزی را شریک او قرار نخواهند داد.

بعد از این برتری و فراگیری حکومت توحید و استقرار آیین الهی و از میان رفتن هر گونه اضطراب، ناامنی و شرک، کسانی که بعد از آن کفر بورزند، به یقین فاسق واقعی خواهند بود!

در ایـ ن آیـ ه، خداوند سبحانه و تعالی وعده حکومت روی زمین، برتری دین و آیین و امنیت کامل را به گروهی از مؤمنان و صالحان داده است. اما در این کـ ه منظور از این گـ روه چـ ه کسانی اند، میان مفسران گفت و گو است.

برخی آن را اشاره به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانند که شرق و غرب جهان، در زیر لوای حکومت آن

ص: ۲۴۱

حضرت قرار می گیرد، آیین حق همه جا نفوذ می کند، ناامنی و خوف و جنگ از صفحه زمین بر چیده می شود و عبادت خالی از شرک، برای جهانیان تحقق می یابد. (۱)

ب_دون ش_ک_آی_ه_ه_م_شام_ل

ص: ۲۴۲

۱- ر.ک: محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۸.

مسلمانان نخستین و هم حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود. طبق عقیده عموم مسلمانان _ اعم از شیعه و اهل تسنن _ آن حضرت سراسر زمین را پر از عدل و داد می کند و او مصداق کامل این آیه است؛ ولی با این حال، منعی از عمومیت و گستردگی مفهوم آن نیست.

گفتنی است ثمره تمام کوشش های پیامبران و تبلیغات مستمر و پی گیر آنان و نمونه کامل حاکمیت توحید و امنیت کامل و عبادت، زمانی تحقق می یابد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند. (۱)

همان گونه که گفته شد، این تفسیرها، به معنای انحصار مصداق آیه نیست؛ بلکه بیان مصداق کامل است. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت، ذیل این آیه فرمود: (۲) «درباره قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحاب ایشان نازل شده است.»

یکی از مفسران بزرگ در این باره می نویسد:

... این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد، هرگز تا کنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث به رسالت شده، تا کنون، چنین جامعه ای به خود ندیده است. ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود؛ چون اخبار متواتری که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان اهل بیت علیهم السلام در خصوصیات آن حضرت وارد شده است، از تشکیل چنین جامعه ای خبر می دهد. البته این در صورتی است که روی سخن در آیه را متوجه مجتمع صالح بدانیم، نه تنها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

آن گاه ادامه می دهد:

خواهید گفت: طبق این نظریه چه معنی دارد که روی سخن را در زمان نـ زول آیـ ه بـ ه ((الذین آمنوا و عملوا الصالحات)) کند؛ در حـ الـ ی کـ ه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن روز نبود (نه خودش بود و نه یکی از اهل زمانش)؟

در پاسخ می گوئیم: این سؤال، ناشی از این است که پرسش کننده، میان خطاب های فردی با خطاب های

ص: ۲۴۳

۱- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۳۰ _ ۵۳۲.

۲- «نزلت فی الْقَائِمِ وَ أَصْحَابِهِ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۳؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۰، ح ۳۵.

اجتماعی خلط کرده است؛ چون خطاب ممکن است دو جور متوجه اشخاص شود: یکی این که اشخاصی را مورد خطابی قرار دهند؛ بدین سبب که خصوصیات خود آنان مورد نظر است. به طور دیگر این که همان اشخاص را مورد خطاب قرار دهند، نه از این جهت که شخص خود آنان مورد نظر باشد، بلکه از این جهت که جمعیتی هستند دارای صفاتی معین. در صورت اول، خطاب، از مخاطبان به غیر مخاطبان متوجه نمی شود و شامل آن ها نمی گردد _ نه وعده اش، نه وعیدش و نه هیچ چیز دیگرش _ و در قسم دوم اصلاً اشخاص دخالتی ندارند و خطاب متوجه دارندگان صفات کذایی است که در این صورت به دیگران نیز متوجه می شود.

در آیه شریفه، خطاب از قبیل خطاب های دوم است که بیانش گذشت و بیشتر خطاب های قرآنی _ که یا مؤمنان را مخاطب کرده و یا کفار را _ از این قبیل است. (۱)

نیز ن.ک: حکومت صالحان، حکومت مستضعفان.

خورشید پشت ابر

کنایه از امام غایب در عصر غیبت

در سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام درباره فواید امام غایب، طی تشبیه زیبایی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت، به آفتاب پشت ابر تشبیه شده است. نخست، در بیان نورانی رس _ ول گ _ رامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، آن گاه ششمین پیش _ وای شیعیان، ام _ ام صادق علیه السلام و سرانجام در بیانی نورانی از واپ _ سین حج _ ت ال _ هی حض _ رت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این تشبیه زیبا، اشاره شده است که به آن ها می پردازیم:

جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: «آیا شیعیان در زمان غیبت قائم از وجود مبارک او بهره مند می شوند؟» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ فرمود:

آری؛ سوگند به خدایی که مرا به نبوت برانگیخت! آنان در غیبت او، از نورش روشنایی می گیرند و از ولایت او، بهره مند می شوند؛ هم _ انند بهره مندی مردم از خورشید؛ اگ _ رچه ابرها چهره آن را بپوشانند. ای جابر! این از اسرار پوشیده خداوند سبحان و تعالی و از علوم ذخیره شده او است. آن را

ص: ۲۴۴

مخفی کن، مگر از اهلش. (۱)

سلیمان بن اعمش از امام صادق و او از امام باقر و او از امام سجاد علیهم السلام چنین نقل کرده است که فرمود:

زمین، از آفرینش آدم تا کنون و تا همیشه تاریخ، از حجت خدا تهی نخواهد بود؛ خواه حجت حق، ظاهر و آشکار و شناخته شده باشد یا بنا به مصالحی، نهان و پوشیده. تا رستاخیز نیز چنین خواهد بود که اگر جز این باشد، خدای یگانه پرستیده نمی شود. (۲)

سلیمان پرسید: «سرورم! مردم چگونه از امام غایب از نگاه، بهره ور می شوند؟» حضرت فرمود: «همان گونه که از خورشید بهره می برند، زمانی که ابرها آن را می پوشانند.»

نیز در توقیع مبارکی که از سوی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای اسحاق بن یعقوب صادر شده آمده است:

«... اما چگونگی بهره مندی از من در عصر غیبت، درست همانند بهره مندی، از خورشید است؛ هنگامی که ابرها آن را از چشم ها بپوشاند...» (۳)

بی گمان این تشبیه، از روی حکمت بوده است؛ از این رو دانشوران شیعیان در بیانی تشبیهات، نکته های ارزشمندی را یادآور شده اند که این جا فقط به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱. خورشید، در منظومه شمسی محور و مرکز است. امام زمان علیه السلام نیز در منظومه زندگی انسان ها محور، و اساس است.

۲. خورشید، در مجموعه هستی دارای فواید پر شماری است که فقط یکی از آن ها نور افشانی است. امام زمان علیه السلام نیز در نظام آفرینش دارای فواید پر شماری است که فقط بهره اندکی از آن، وابسته به آشکاری او است.

ص: ۲۴۵

۱- «إِی وَالذی بَعَثَنِی بِالْبُؤهِ أَنَّهُمْ یَسْتَضِیُونَ بِنُورِهِ وَیَنْتَفِعُونَ بِوِلَايَتِهِ فِی غَیْبَتِهِ کَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ. یا جَابِرُ! هَذَا مِنْ مَکْنُونِ سِرِّ اللَّهِ وَمَخْرُوجِ عِلْمِهِ، فَاکْتُمُهُ إِلَّا عَنِ أَهْلِهِ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۳.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۲۲.

۳- «... وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِی غَیْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَیَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ...»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

۳. ابر، چهره خورشید را برای زمینی‌ها می‌پوشاند؛ ولی هرگز زمین را تاریک نمی‌کند. پرده غیبت نیز فقط انسان‌ها را از دیدار مستقیم حضرت محروم می‌کند و هرگز مانعی بر نورافشانی او بر مردمان نخواهد شد.

۴. ابری شدن، از عوارض زمین و زمینیان است، نه خورشید؛ غیبت نیز نتیجه رفتار انسان‌ها است.

۵. ابر، فقط برای کسانی مانع است که زیر آن باشند. اگر کسی بر جاذبه زمین غالب شد و از ابرها بالا رفت، دیگر ابر مانع او نخواهد بود. در غیبت نیز اگر کسی بر جاذبه‌های دنیایی چیره و غالب شد و آن‌گونه که شایسته است، تعالی یافت، ممکن است از پرده غیبت فراتر رفته، به دیدار آن خورشید پنهان نایل شود.

۶. در بهره‌مندی از خورشید، میان افرادی که خورشید را باور کرده‌اند و افرادی که منکر او هستند، تفاوتی نیست. در بهره‌مندی از فواید تکوینی امام نیز بین منکر و قائل به امام فرقی نیست.

۷. فقط مردمی در انتظار راستین کنار رفتن ابرها به سر می‌برند که به فواید خورشید آگاهی کامل دارند. در دوران غیبت نیز معرفت به امام، باعث حقیقی‌تر شدن انتظار می‌شود.

۸. فقط انسِ آن‌ها ای کور، از نورافشانیِ خورشید محرومند؛ همان‌گونه که فقط انسان‌های کوردل منکر نور وجود پیشوای معصوم و از آن بی‌بهره هستند.

بنابراین شکی نیست که میزان بهره‌مندی موجودات از آفتاب عالم تاب در زمانی که چیزی حایل نباشد، بیشتر و کامل‌تر است؛ اما این بدان معنا نیست که وجود پرده بر روی خورشید، تمام‌ی‌ا بیشتر بهره‌مندی‌ها را از بین ببرد؛ بلکه این مانع، فقط برخی از فواید را از میان برده یا کم می‌کند.

وجود ظاهری امام در عصر حضور و ظهور نیز به معنای آن است که تمام منافع امام می‌تواند به مردم برسد. حال اگر چیزی مانع رسیدن فیض‌های کامل امام به دیگران شود، بدان معنا نیست که وجود او بی‌فایده است. وجود امام در پس پرده غیبت، به همان میزان مفید است که وجود او در زندان‌های حاکمان ستمگر دارای فایده بود. البته بین زندان غیبت و زندان حاکمان مستبد، تفاوت‌های فراوانی است؛ ولی هر

کدام به نوعی مانع رسیدن فیض کامل امام به عالم وجود و انسان ها می شوند.

فش رده سخنان ای...ن ک...ه مسأله غیبت، فلسفه ضرورت وجود امام

معصوم علیه السلام را نقض نمی کند؛ زیرا امام معصوم در حال غیبت وجود دارد و فواید او هم به دیگران می رسد. فقط بخشی از فواید او است که در اثر تقصیر خود مردم در حال غیبت به آنان نمی رسد؛ ولی وجود او حجت را بر همگان تمام کرده است و این، خود مردم هستند که می بایست با ایجاد آمادگی لازم شرایط را برای ظهور آن حضرت فراهم کنند.

نیز ن.ک: امامت حضرت مهدی علیه السلام، فواید امام غایب.

خطبه قیام

سخنان حضرت مهدی علیه السلام در روز ظهور

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور و پیش از قیام خطبه ای ایراد خواهد کرد. امام باقر علیه السلام فرمود:

قائم، آن هنگام [= ظهور] در مکه است. پشت به بیت الله الحرام تکیه داده چنین ندا کند:

«ای مردم! ما از خدا یاری می طلیم و از مردمی که دعوت ما را اجابت کنند. ما اهل بیت پیامبران، محمد هستیم و سزاوارترین مردم به خدا و به محمد صلی الله علیه و آله و سلم، هر کس در باره آدم با من احتجاج کند، باید بداند که من نزدیک ترین کس به آدمم. هر کس درباره نوح با من به گفت و گو برخیزد، بداند که من سزاوارترین کس به نوحم. هر کس در باره ابراهیم با من احتجاج کند، بداند که شایسته ترین مردمان به ابراهیمم. هر کس در مورد محمد صلی الله علیه و آله و سلم با من محاجه نماید، بداند که من نزدیک ترین مردمان به محمدم. هر کس درباره پیامبران ب...ا من گفت و گو کند، من سزاوارترین مردمان به پیامبرانم. آیا خدای تعالی در کتاب خویش نمی فرماید:

((إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ))؛(۱)

خدای متعال آدم و نوح و آل

ص: ۲۴۷

ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید؛ فرزندان‌ی که برخی از برخی دیگرند و خدا شنوا و دانا است.

من بازمانده آدم، ذخیره ای از نوح، برگزیده ای از ابراهیم و انتخاب شده ای از محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم. بدانید هر کس در کتاب خدا با من به احتجاج بـرخیزد، من سـزاوارترین مردم به کتاب خدا هستم. بدانید هر کس در سنت رسول خدا بـا من محاجّه نماید، من به سنت رسول خدا سزاوارترینم.

شما را به خدا سوگند! هر کس سخن را امروز بشنود، به دیگری که حاضر نیست برساند. به حق خدا و حق پیامبرش و به حق خودم که حق من بر شما، حق قرابت من به پیامبر خدا است از شما می خواهم مرا یاری نمایید و برابر کسانی که به ما ظلم کردند، از ما حفاظت کنید. ما را بیم دادند و به ما ستم کردند و ما را از دیار و فرزندانمان راندند. بر ما جور نمودند و حقمان را سلب کردند و اهل باطل بر ما دروغ بستند.

خدا را؛ خدا را؛ ما را در نظر آورید، ما را رها نکنید و یاریمان کنید که خدای تعالی شما را یاری خواهد نمود. (۱)

البته در بیانات نورانی معصومان علیهم السلام خطبه های دیگری نیز به آن حضرت نسبت داده شده است.

نیز ن.ک: ظهور، قیام.

خورشید مغرب

کتابی در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

کتاب خورشید مغرب، با عنوان فرعی «غیبت، انتظار و تکلیف» نوشته محمد رضا حکیمی، (۲) از دانشمندان اسلامی در عصر حاضر است. نگارنده کوشیده تا مسأله مهدویت را از زوایای علمی، عقلی،

ص: ۲۴۸

۱- نعمانی، الغیبه، باب چهاردهم، حدیث ۶۷.

۲- استاد محمدرضا حکیمی، سال ۱۳۱۴ ش، در مشهد مقدس در خانواده ای اهل دین و معرفت زاده شد. حدود دوازده سالگی به مدرسه نواب، یکی از مهم ترین مدرسه های حوزه علمیه مشهد در آن روزگار وارد شد و سال ها از محضر دانشمندان برجسته بهره های علمی و معنوی وافری برد. استاد حکیمی بعد ها بیشتر به پژوهش و نگارش پرداخت و ده ها جلد اثر ارزشمند، پدید آورد.

تاریخی، روایی، قرآنی و ملل و نحل مورد بحث و بررسی قرار دهد.

خورشید مغرب، نخستین بار در ۵۱ صفحه در سال ۱۳۴۹ش، از سوی انتشارات غدیر در تهران به چاپ رسید. در سال ۱۳۶۰ مباحث و نکات دیگری بر آن افزوده شده و در همان قطع ب ه همت دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ شد.

نگارنده در سال ۱۳۶۲، آن را در قطع وزیری، با ۳۹۰ صفحه به شکل کنونی درآورد و از آن زمان

تاکنون بارها چاپ و منتشر شده است. خورشید مغرب، چهارده فصل (به عدد معصومین علیهم السلام) و یک یادآوری مهم دارد:

میلاذ، شمایل و سیرت، غیبت، در کتاب های پشینیان، در کتاب های مسلمین، در «قرآن کریم»، در «سوره قدر»، در علوم عقلی، در علوم تجربی، در فلسفه تربیتی و سیاسی، عینیت مقاومت نه عینیت تسلیم، انتظار و در طلب خورشید عنوان فصل های کتاب است.

وی در بخشی از کتاب چنین نوشته است: «یکی از ابعاد عظیم تکلیف حساس و بزرگ، در روزگاران غیبت و انتظار، حفظ دین، نگهبانی مرزهای عقیدتی، و حراست از باروهای باورهای مقدس است. جامعه منتظر، نباید در باره این امر عظیم سستی روا بدارد.

لازم است فروغ ایمان و نور یقین و پرتو عقیده به حق و تشعشع اعتقادات راستین، همواره در دل و جان مردم محفوظ باشد و پیوسته ژرف تر و ژرف تر شود و بارورتر و بارورتر گردد. لازم است جان و دل نوباوگان، نوجوانان و جوانان، هر دم در برابر تابش اعتقادات حقه قرار گیرد و از این تابش و تجلی آکنده گردد. ایمان، جزء وجود آنان و مایه تقوم هویت اصلی آنان باشد؛ تا کم کم، حق و فداکاری در راه اعتلای حق، چون خون، همه وجود آنان را گرم کند و چون روح، جوهر حیات آنان باشد»^(۱)

گفتنی است نام کتاب از روایاتی گرفته شده که طلوع خورشید از مغرب را از حوادث مهمی دانسته است که در آستانه قیامت رخ خواهد داد.^(۲) شیخ مفید در باره چگونگی این اتفاق نوشته است: «خورشید هنگام ظهر در آسمان می ایستد و ساعتی تا به هنگام عصر پیدا نباشد؛ آن گاه از

ص: ۲۴۹

۱- محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۷۶.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۶، ح ۴۲۶.

مغرب آشکار گردد.»^(۱) البته تطبیق آن بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام نادرست است.

این کتـاب در ایـن اواخـر برای بهره مندی نوجوانان و جوانان به صورت خلاصه نیز، بازننگاری شده است.

خیمه

از محل های فرماندهی حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور

در روایات فراوانی تعبیر "فسطاط" به معنای خیمه بزرگ، جایگاه فرماندهی و هدایت نیروها، به وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام ظهور یاد شده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

... پس هر کس امام خود را شناخت همانند کسی است که در خیمه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.^(۲)

امام باقر علیه السلام فرمود:

برای کسی که در انتظار امر [فرج و ظهور] ما مرده است، زیانی نیست [چه زیانی است] که در میان خیمه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نمرده است.^(۳)

نیز ن.ک: ظهور، حکومت جهانی مهدی علیه السلام.

ص: ۲۵۰

۱- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸.

۲- «فَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي فُسْطَاطِ الْقَائِمِ»، نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۱، ح ۷.

۳- «مَا ضَرَّ مَنْ مَيَاتٍ مُنْتَظِرًا لِأَمْرِنَا إِلَّا يَمُوتَ فِي وَسْطِ فُسْطَاطِ الْمَهْدِيِّ وَعَشِيَّ كَرِهَ»، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۶.

دابه الارض < خروج دابه الارض

دادگستر جهان

از کتاب های عمومی در مباحث مهدویت

کتاب دادگستر جهان، نوشته آیت الله ابراهیم امینی، (۱) در ۳۴۴ صفحه رقعی منتشر شده است.

ص: ۲۵۱

۱- آیت الله ابراهیم امینی در سال ۱۳۰۴ ش، در شهر نجف آباد اصفهان متولد شد. پس از پایان دوره ابتدایی، در سال ۱۳۲۱ برای تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه اصفهان رفت. ادبیات زبان عربی و کتاب های سطح فقه و اصول و منطق را آن جا خواند و در سال ۱۳۲۶ ش برای ادامه تحصیلات به حوزه علمیه قم رفت و برای دروس خارج فقه و اصول در محضر اساتید بزرگ زمان حاضر شد. وی در حوزه علمیه قم و اصفهان به تدریس کتاب های ادبیات، فقه و اصول و فلسفه پرداخت. وی از سال ۱۳۴۴ در باره موضوعاتی چون تعلیم و تربیت، حقوق خانواده، اخلاق و سیره پیامبر و امامان اطهار علیهم السلام و... کتاب هایی چند به چاپ رسانیده است. (ر.ک: جمعی از نویسندگان، مشعل جاوید، ص ۵۹۱).

نویسنده کتاب، انگیزه خود را از نگارش رخنه شبهات در اعتقادات جوانان و دانش آموختگان می داند که از سوی نویسندگان، پاسخی مناسب و شایسته نگرفته اند. از این رو ایشان تصمیم می گیرد چنین کتابی تألیف کند و در سال ۱۳۴۶ش، توفیق می یابد آن را منتشر سازد. این کتاب تا کنون افزون بر بیست بار چاپ شده و به برخی از زبان ها نیز ترجمه شده است.

داد گستر جهان به صورت عمده به شکل پرسش و پاسخ، بین برخی از فرهیختگان تنظیم شده و با استفاده از روایات معصومین علیهم السلام، مطالب ارزنده ای برای استفاده عموم _ به ویژه جوانان _ ارائه کرده است.

نویسنده در دوازده فصل، با استناد به یافته های عقلی و نقلی محدثان، مفسران و مورخان امامیه و عامه و نیز دستاوردهای علوم تجربی، به پرسش های گوناگون درباره مهدویت پاسخ داده است. طرح مباحث به شیوه مناظره بوده که بر جذابیت کتاب افزوده است.

نگارنده شروع عقیده به مهدویت را از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می داند و شخصیت و تبار امام را بررسی می کند. او همچنین ادعای مهدی بودن محمد بن حنفیه، اعتقاد زیدیه به مهدویت محمد بن عبدالله بن حسن و باور واقفیه به عروج امام صادق علیه السلام را رد می کند و این نکته را که منشأ مهدویت از تعالیم یهود و زرتشتی است و عبدالله بن سبا در ایجاد آن نقش داشته، مردود می داند.

عالم غیب و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، امامت کودک پنج ساله، فلسفه طولانی شدن غیبت، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کتاب های اهل سنت، نشانه ها و شرایط ظهور، یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چگونگی ظهور و احادیث، منابع، نگارش های و سخنان و دیدگاه های بزرگان اهل سنت در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، طول عمر، محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جهان در عصر آن حضرت، از مباحث مهم داد گستر جهان است.

چاپ چندین باره ک_تاب، نشان_گر استقبال شایان از ای_ن ا_ث _ر ارزنده است.

دانشمندان عامه و مهدی موعود

این کتاب به وسیله مرحوم علی دوانی تألیف شده است. در این کتاب

تلاش شده تا دیدگاه های اهل سنت و روایات ایشان، درباره اثبات وجود و ظهور حضرت مهدی علیه السلام منعکس گردد.

کتاب با هدف پاسخ به شبهات و تهمت های ناروایی که برخی از علمای اهل سنت، علیه اعتقادات مذهب شیعه درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح کرده اند، تدوین شده است. نویسنده با بهره گیری از منابع روایی و تاریخی دست اول اهل سنت، درباره مطالب ذیل بحث کرده است.

۱. مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه شیعه،

۲. وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع اولیه اهل سنت،

۳. کتاب هایی که علمای اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به رشته تحریر در آورده اند،

۴. اوصاف و شمایل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف،

۵. افسانه سرداب و نام ۱۲۰ تن از بزرگان اهل سنت که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فرزند امام حسن عسکری علیه السلام می دانند.

از ویژگی های مهم کتاب شمارش برخی از دانشمندان اهل سنت است که به زنده بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اعتراف کرده اند.

دجال < خروج دجال

در انتظار ققنوس

کاوشی در قلمرو موعود شناسی و مهدی باوری

در انتظار ققنوس، به وسیله سید ثامر هاشم العمیدی تألیف و به قلم مهدی عزیزاده ترجمه شده است.

در این کتاب، محور اصلی پژوهش شخصی است حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مباحث تاریخی، کلامی و حدیثی مربوط به آن حضرت است.

نگارنده در تدوین کتاب افزون بر تکیه بر آیات قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام، از معارف بلند اسلامی بهره ویژگی شیعی، بهره های وافری برده است. شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اعتقاد به آن حضرت و فواید و آثار این اعتقاد، تحریفات حدیثی تاریخی در این زمینه و برنامه ریزی دشمنان علیه اعتقاد به مهدویت، از دیگر موضوعاتی است که نگارنده به آن پرداخته است.

افزون بر آن، وی با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، اعتقادات تاریخی و کلامی به وجود و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در این مجموعه به خوبی گرد آورده است.

برخی از سرفصل های کتاب از این

ص: ۲۵۳

قرارد: مقدمه مترجم که به تفصیل به مطالبی در باره کتاب شناسی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مطالبی در باره کتاب مورد نظر پرداخته است.

در بخش اول با عنوان موعود شناسی به مقدمه نگارنده اشاره کرده، تعلیقاتی بر آن زده و دارای فصل های زیر است:

۱. سیمای موعود در آینه ثقلین

۲. مهدی شناخت

۳. لغزشگاه های مهدی پژوهی

۴. جستاری در باب مهدویت و خردپذیری

بخش دوم با عنوان «مهدی باوری» دارای هفت فصل با عناوین ذیل است:

۱. مهدی باوری و ضرورت تعمیق پیوندهای عاطفی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۲. مهدی باوری و امنیت روانی

۳. کالبدشکافی انتظار

۴. بعثت انبیا، و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۵. شیعه، قافله سالار کاروان انتظار

۶. توطئه های استکبار جهانی علیه مهدی باوری

۷. مهر نهان در سپهر ادب

در فجر ساحل

نگارشی روان و شیوا در مباحث مهدویت

کتاب در فجر ساحل به قلم محمد حکیمی، نوشته شده و تا کنون ده ها مرتبه تجدید چاپ شده است. نویسنده با بهره گیری از قلمی شیوا و ادبی، به پژوهش درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته، دنیای آینده را از نظر مذهب شیعه تصویر کرده است. وی علاوه بر بهره مندی از آیات نورانی قرآن و روایات شیعی، از دیگر کتاب های آسمانی نیز به طور فراوان بهره برده است. مطالب کتاب در پنج بخش ارائه شده است:

۱. مدینه فاضله اسلامی

۲. نویدها، دوران حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه روایات و بشارت‌های مذهبی و پیشگویی اجمالی از چگونگی آینده زندگی در نظر شیعه

۳. حماسه انتظار

۴. یأس و امید، شکست و پیروزی

۵. به سوی ساحل

در آخرین فصل کتاب می‌خوانیم:

کاروان بشریت به سان کشتی گرداب گرفته و در کام موج فرو افتاده است. سرگذشت انسان تا کنون به سرگذشت

ص: ۲۵۴

غریقی همانند است که لحظات مرارت باری را می گذرانند و با همه هستی خویش، تلاش می کند تا خود را به ساحل برساند... عاقبت روزی می رسد که ناخدای بزرگی، کشتی را به مقصود می رساند و در تاریخ نوع بشر، به نام «قهرمان بزرگ بنی نوع بشر» مشهور خواهد گردید....(۱)

دست بر سر گذاشتن

از کارهای مرسوم در فرهنگ عمومی هنگام سلام دادن به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کارهایی که امروزه برای احترام به حضرت مرسوم شده، ایستادن هنگام شنیدن لقب قائم و دست بر سر گذاشتن است. برخی برای این کار، به روایاتی اشاره می کنند که در سده های اخیر در برخی کتاب ها آمده است. البته روایاتی با مضمون روایات مورد نظر، در منابع معتبر نخستین آمده که چنین رسمی در آن ها، مورد اشاره قرار نگرفته است.

نیز ن.ک: ایستادن هنگام شنیدن کلمه قائم.

دعای افتتاح

از دعاهای شب های ماه رمضان صادر شده از ناحیه مقدسه

از دعاهای مشهور شب های ماه رمضان، «دعای افتتاح» است. این دعا به وسیله ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده است؛ چنان که علامه مجلسی گفته است:

به سند معتبر از حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است که به شیعیان نوشتند: «در هر شب ماه رمضان این دعا را بخوانید که دعای این ماه را ملائکه می شنوند و برای صاحبش استغفار می کنند....»(۲)

نام این دعای شریف از جمله اول آن (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغِيحُ النَّاءَ بِحَمْدِكَ) (۳) گرفته شده است. مضامین بلند خداشناسی و ستایش و ثنای الهی و برشمردن صفات خداوند سبحانه و تعالی _ به ویژه مهربانی

ص: ۲۵۵

۱- محمد حکیمی، در فجر ساحل، ص ۱۵۶.

۲- ر.ک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۶.

۳- شیخ طوسی، التهذیب، ج ۳، ص ۱۰۸؛ سید بن طاووس، الاقبال، ص ۵۸؛ کفعمی، البلد الامین، ص ۱۹۳؛ همو، المصباح، ص ۵۷۸.

کامل و بی نظیر هنگام عفو و گفـذشت، و شـذت کیفـر و عقوبت هنگام حساب رسی و نـقمت _ و بعضی از علل تأخیر استجابت دعا و بیان مهم ترین نعمت های الهی، سرآغاز این دعای شریف است. سپس درود و صلوات مخصوص بر پیامبر و آل او علیهم السلام با ذکر نام و القاب ایشان، آن گاه دعا برای قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و اظهار اشتیاق برای برقراری دولت کریمه ای که اسلام و اهل اسلام در آن، عزت یابند و نفاق و منافقان، خوار و زبون گردند و ما از داعیان آن دولت باشیم که دیگران را به اطاعت الهی فراخوانیم و به راه خداوند سبحانه و تعالی راهبری کنیم. پایان دعا شکوه ای به درگاه خداوند سبحانه و تعالی است از فقدان پیـامبر و غیبت امـام و بسیـاری دشمن، و کمی تعداد و فتنه های شدید، و پس از آن فتح و گشایش از او درخواست می شود.

برخی از دانشـوران، این دعـای شریف را شرح کرده اند.

دعای عهد

از دعاهای سفارش شده برای تجدید عهد با امام غائب

از دعاهای مشهور که خواندن آن در دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراوان مورد سفارش قرار گـرفته دعای عهد است. این دعا، در بردارنده درود ویژه از طرف خواننده دعا و نیز از سوی تمام مردان و زنان با ایمان _ در شرق و غرب جهان و خشکی و دریا، و از پدر و مادر و فـرزند خواننده دعـا _ به پیشگـاه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. پس از آن، عهد و پیمان و بیعت با آن حضرت را تجدید می کند و پایداری بر این پیمان را تا روز قیامت اظهار می دارد. آن گاه از خداوند سبحانه و تعالی می خواهد که اگر مرگ وی فرا برسد، در حالی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نکرده باشد، پس از ظهور، او را از قبر برآور و به یاری آن حضرت سعادت مند کند. بعد از آن، درخواست دیدار امام عجل الله تعالی فرجه الشریف با عبارت ظریفی بیان شده است و دعا برای تعجیل ظهور و فرج و برپایی حکومت راستین و سامان یافتن جهان و زنده شدن حقایق دین و اهل ایمان، پایان بخش این دعای شریف است. امام صادق علیه السلام درباره این دعا فرموده است:

هر کس چهل صبحگاه این دعا را

ص: ۲۵۶

بخواند، از یاوران حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف

خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خدا او را زنده خواهد کرد، تا همراه آن حضرت جهاد نماید و به شماره هر کلمه از آن، هزار پاداش برایش نوشته می شود، و هزار کار بد از او پاک می گردد. (۱)

مهم ترین آثار مداومت بر این دعا سه چیز است:

۱. ثواب کسانی را خواهد داشت که زمان ظهور، در خدمت امام علیه السلام می باشند؛

۲. تجدید عهد، مایه ثبات و کمال محبت و اخلاص و ایمان شخص می شود؛

۳. مایه توجه خاص و نظر رحمت کامل آن حضرت به بنده می شود.

نیز ن.ک: انتظار، منتظر.

دعای ندبه

دعای صبح جمعه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام

بی گمان یکی از احساسات اصیل و حقیقی انسان که ریشه در فطرت او دارد، توجه به نیایش و ارتباط با مبدأ آفرینش و جهان غیب و آفریدگار هستی است.

از جمله دعاهای مشهور که مستحب است در چهار عید (عید فطر، عید قربان، عید غدیر و روز جمعه) خوانده شود، «دعای ندبه» است. همواره بسی اری از مؤمنان، مشتاقان و منتظران ظهور دولت حق و حکومت جهانی اسلام و ارادتمندان حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواندن آن را شعار خود قرار داده و در مناسبت ها و فرصت های معین، به وسیله آن، با آن رهبر پنهان از نظر، به نجوا می پردازند.

ندبه، به معنای فراخوانی و نیز گریه و ناله است. این دعای شریف، مشتمل بر استغاثه و استمداد از حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و تأسف بر غیبت و گریه از فراق آن بزرگوار است؛ از این رو به این نام شهرت یافته است.

گروهی از دانشمندان شیعه سند

ص: ۲۵۷

حَسَنَهُ وَمَا عَنْهُ أَلْفَ سِتِّينَ...»، محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۲۸۴، ح ۴۷.

این دعای گران قدر را معتبر شمرده اند. علامه مجلسی؛ گفته است:

اما دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید حقّه و تأسف بر غیبت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است. (۱)

سیدابن طاووس حلی (م ۶۶۴ ق) در کتاب اقبال الاعمال و کتاب مصباح الزائر و نیز شیخ محمد مشهدی حائری (از علمای قرن ششم) در کتاب مزار خود این دعای شریف را آورده اند. همچنین در مزار قدیم که ظاهراً از نگاشته های قطب راوندی است، این دعا نقل شده است. روشن است این شخصیت های گران قدر و حدیث شناس، دعای غیر معتبر را در کتاب های خود نقل نمی کنند.

خواندن این دعا خواص زیادی دارد؛ از جمله در هر مکان و موضع که با حضور قلب و اخلاص کامل خوانده شود و ملتف مضامین عالی و عبارات و اشارات آن باشد، نتیجه آن، توجه و التفات مخصوص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن مکان و محل، بلکه حضور به هم رساندن آن حضرت در آن مجلس است؛ چنان که در بعضی مواضع و موارد اتفاق افتاده است. (۲)

فرازهای دعا

این دعا از چهار فراز تشکیل شده است که با یکدیگر مرتبط بوده و در مجموع، یک منظومه منظم و منسجم را سامان داده است:

فراز اول: حمد و صلوات

ای ن دع اب ا حمد و ستایش پروردگ ار و درود بر پیامبر گرامی اسلام و اه ل بیت مکرمش علیهم السلام آغاز می شود.

ستایش، مخصوص پروردگار جهانیان است و درود و سلام مخصوص خداوند سبحانه و تعالی ب ر آقای م ا، پیامبرش و خاندان او باد.

فراز دوم: ثنای بر قضاء

این فراز که با حمد و ثنای دوباره بر ج ریان قضای الهی نسبت به اولی ایش شروع می شود، در واق ع دربردارنده همه دعا به نحو اجمال است که با عباراتی مختصر، مضامین بعدی دعا را مورد اشاره قرار می دهد:

ص: ۲۵۸

۲- ر.ک: لطف الله صافی گلپایگانی، فروغ ولایت در دعای ندبه، پیشگفتار.

بار خدایا! ستایش فقط تو را سزا است بر آن قضا و قدری که درباره

اولیا و نمایندگان جاری شد... و آنان را سبب دست آویزی به سویت و وسیله ای برای خشنودی محضت قرار دادی.

فراز سوم: تاریخ، از آغاز تا تکامل

در سومین فراز از این دعای شریف، ماجرای تفصیلی قضا و حکم الهی در باره اولیایش بررسی می شود که در آن، نقطه شروع تاریخ بشریت و تحولات اساسی و در نهایت، سیر تکاملی آن به سوی عصر حاکمیت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف که اوج تقرّب جامعه ی بشری به خدای متعال و هـدف نهـایی از خلقت است، مورد توجه واقع می شود. این فراز با عبارت «فبعض أسكنته جنتك» آغاز و با جمله «و نحن نقول الحمد لله رب العالمين» به پایان می رسد.

فراز چهارم: استغاثه و طلب

استغاثه به درگاه حضرت حق، آخرین فراز از دعای ندبه را به خود اختصاص می دهد:

خـدایـا! تویی تنها برطرف کننده گرفتاری ها و سختی ها...

لازم به یادآوری است از آنجایی که بـرخـی در این دـعـا و سـنـد آن پرسش هایی را مـطـرح کرده اند در پاسخ کتاب های فراوانی نگاشته شده که برخی بدین قرارند: فروغ ولایت در دـعـای ندبه، اثـر لـطـف الله صـافی گلپایگانی، موعود شناسی، اثر علی اصغر رضوانی، با دعای ندبه در پگاه جمعه، اثر علی اکبر مهدی پور.

نیز ن.ک: جمعه، انتظار، منتظر.

دعای سمات

دعای عصر جمعه منسوب به ناحیه مقدسه

این دعا از عمری نقل شده است؛ اما به دلیل جایگاه او که نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است می توان نسبت این دعا به آن حضرت را قوی دانست.

شیخ طوسی در مصباح المتعجد با عنوان «دعاء السمات مروی عن العمری یستحب الدعاء به آخر ساعه من نهار یوم الجمعة» آورده است. در آغاز این دعا چنین می خوانیم:

ص: ۲۵۹

اللهم انى اسألك باسمك العظيم الاعظم....

نیز ن.ک: جمعه، انتظار، منتظر.

دوازده امامی < اثنی عشری

دولت کریمه < حکومت جهانی

دین در آخرالزمان < آخرالزمان

دین عصر ظهور

از عوامل اختلافات و نزاع های بشری، پراکندگی ادیان و دوری از باطن و عمق دین و مذهب است. بی گمان حضرت مهدی علیه السلام، می آید، تا با بیدار کردن فطرت های خفته، زمینه را برای یکتاپرستی همگان که همانا هدف آفرینش بوده است، فراهم کند. او نه فقط هرگز برای پذیرش باور یکتاپرستی کسی را تحت فشار و اجبار قرار نخواهد داد، بلکه با فراهم کردن بسترهای لازم برای پذیرش این امانت الهی، شاهد شیرین خداپرستی را بین همه انسان ها عادلانه تقسیم خواهد نمود. وی با ایجاد شرایط مناسب و از بین بردن موانع، همگان را به اندیشیدن در نشانه های الهی و خواهد داشت. و حاصل این اندیشیدن به مبدأ و معاد، ارمغانی جـ زبـ رستـ شـ حقیـ قی خداوند سبحانه و تعالی نخواهد داشت.

روشن است که با فراهم شدن تمام شرایط و رفع تمام موانع، آن کسی که سر تسلیم برابر حقیقت فرود نیاورد، کسی نیست مگر انسانی گستاخ و طغیانگر که با تمام قامت برابر حق به مقابله ایستاده است و بدون شک در چنان شرایطی، آن امام همام او را برنخواهد تابید؛ از این رو است که روایات فراوانی یگانه دین مورد پذیرش در عصر ظهور را، همانا «دین اسلام» دانسته، می گوید در عصر ظهور، ندای توحید در سراسر گیتی حکم فرما خواهد شد. امام حسین علیه السلام در وصف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

خداوند، به وسیله او دین حق را بر تمام ادیان ظهور می بخشد؛ اگرچه مشرکان آن را نپسندند. (۱)

ص: ۲۶۰

۱- «... وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۳.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

در آن هنگام که قائم قیام کند، هیچ سرزمینی باقی نخواهد ماند، مگر این که شهادت به توحید و نبوت در آن ندا داده خواهد شد. (۱)

ص: ۲۶۱

۱- «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا تُودَى فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»، تفسير عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، ۸۱؛ ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۴.

از ظاهر برخی روایت ها این انگاره حاصل می شود که آن حضرت، آیین و روش جدیدی خواهد آورد. و این پرسش پیش می آید که با توجه به این که قرآن کریم کتاب جاودان الهی است و اسلام آیین ابدی، چگونه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آیینی جدید و کتابی تازه برای بشریت به ارمغان می آورد؟

پاسخ این که او تحکیم بخش دین اسلام و گـ سترنده قـ انون قرآن در سراسر گیتی است؛ پس ناگزیر باید اسلام و آموزه هـ ای قـ رآن را به اجتماعـ ات بشـ ری عرضه کند و مردمان را به پذیرش و باور اصول و فروع آن فرا خواند. آیین نو و کتاب جدید (دستور العمل) و برنامه و راه و روش تازه و دیگر تغییرهایی از این دست که در احادیث رسیده (۱)، برای تبیین مسائلی است:

۱. در گذشته بنا به عللی احکام و معارف فراوانی از مجموعه فرهنگ اسلام، تبیین نگشته یا متناسب با سطح فرهنگ و فکر اجتماع گذشته نبوده است یا زمینه عملی آن ها وجود نداشته است. بازگویی چنین معارف و مسائلی، بی گمان برای جامعه اسلامی ناشناخته خواهد بود. چون امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این آموزه ها را از ظاهر و باطن قرآن کریم استنباط می کرده و به مردم می آموزد، برای آنان تازگی دارد و آیین نو و کتاب جدید انگاشته می شود.

۲. معارف و احکامی از قرآن کریم و اسلام فراموش شده و از یادها رفته است؛ به گـ ونه ای کـ ه در جـ امعه اسلامی نا آشنا و بـ رای مسلمانان ناشناخته است. طرح این مسائل نیز کتاب و آیین نو پنداشته می شود.

۳. اصول و احکام فراوانی دچار تحریف و دگرگونی معنوی یا موضعی گشته است و امام علیه السلام آن ها را _ چنان که در اسلام اصیل بوده است _ دیگر باره مطرح می سازد و تحریف و انحراف های روی داده را روشن می کند و مفهوم حکم یا جایگـ اه آن را مشخص می سازد. این، با طرز تلقی و برداشت عمومی مردم و برخی از علما سازگاری ندارد؛ از این رو برنامه جدید و راه و روش تازه حساب می شود.

ص: ۲۶۲

۱- ر.ک: نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۲، ح ۵، ص ۳۲۰، ح ۱؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵.

بنابراین بیشترین مسائلی را که امام بدان توجه خواهد کرد و برای جامعه اسلامی تازه و جدید جلوه می کند و ناشناخته و ناآشنا می نماید، مسائل مربوط به عدالت اجتماعی و امور مالی و معیشتی است؛ یعنی، موضوعی که انسان سخت به آن نیازمند بوده و بدان نرسیده است. همین امر نیز مشکل نابسامانی اصلی زندگی بشر امروز را تشکیل می دهد و اجرای آن (برقراری عدل و دادگری در سراسر گیتی) از اقدام های اصلی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

برای مثال امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به موضوع مساوات اسلامی شکل قانونی و الزامی می دهد؛ چنان که اسحاق بن عمّار می گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم. آن حضرت از تساوی مردم با یکدیگر و حتی که هر کس بر دیگران دارد، سخن گفت. من سخت در شگفت شدم. فرمود:

این، هنگام رستاخیز قائم ما است که در آن روزگار، واجب همگانی است که به یکدیگر وسایل رسانند و نیرو بخشند. (۱)

این موضوع، در بسیاری دیگر از آموزه های اسلامی آمده است؛ ولی به نام احادیث اخلاقی کنار گذاشته شده و در فقه مطرح نگشته و در برنامه های الزامی حکومت ها و اجتماعات اسلامی به صورت اصل و قانون تثبیت نشده است! روشن است که چون این آموزه ها عملی شود، به صورت احکامی جدید جلوه می کند و...

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طواف مستحب با وجود کثرت طواف واجب، منع می کند، (۲) مساجد و معابد مجلل و تزیین یافته شهرها و آبادی ها را خراب می کند و همه زوایا و تشریفات و کاشی کاری ها و گنبدها و گلدسته ها و زیوره ای آن ها را می پیراید و بودجه آن ها را برای رفاه حال انسان ها صرف می کند. مساجد و معابد را سدا و بی آرایش و بی آرایش می سازد و... (۳)

ص: ۲۶۳

۱- «إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَجَبَ عَلَيْهِمْ أَنْ يُجَهَّزُوا إِخْوَانَهُمْ وَأَنْ يَقُوهُمْ»، شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲۰، ص ۲۶.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۴۲۷؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۵.

۳- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۶، ح ۱۷۵؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۶۴؛ قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۵۳، ح ۳۹.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سود در مبادلات بازرگانی و داد و ستدها را برمی دارد و مردمان را مأمور می کند که هر کس به صورت خدمتگزاری نسبت به جامعه کار کند و در برابر کالای عرضه شده سودی نگیرد. و خود نیازهای خود را همین سان از دیگران تأمین می کند. (۱)

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر بیشتر تفسیر و تأویل هایی که در قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام صورت گرفته است، خط بطلان می کشد و آرا و اندیشه ها را پیرو قرآن می سازد و در چارچوب های قرآنی می آورد. (۲)

و بدینسان امام، مسائل و معارف و احکام جدیدی را مطرح می کند که برای مردم ناشناخته است و آن ها را آیین جدید و کتاب تازه می انگارند و گه گاه با امام بر سر این مسائل درگیر نیز می شوند، و در این صورت جنگ با خودی و جامعه اسلامی رخ می دهد. (۳)

فرازهایی از دعای ندبه از این چگونگی، پرده برداشته، می گوید:

کجا است آن کسی که برای تجدید و زنده کردن فرایض و سنن [آیین اسلام که محو و فراموش شده] ذخیره شده است؟ کجا است آن کسی که برای برگرداندن [حقایق] ملت و شریعت [دین مقدس اسلام] برگزیده شده است؟ کجا است آن که برای زنده کردن کتاب آسمانی قرآن و حدودش مورد امید و آرزوست؟ کجا است زنده کننده نشانه های دین و اهل آن؟.... (۴)

ص: ۲۶۴

۱- ر.ک: شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۳؛ شیخ طوسی، التهذیب، ج ۷، ص ۱۷۸ (بنابراین سازوکار اقتصادی در آن زمان به طور کامل با پیش از آن متفاوت خواهد بود).

۲- ر.ک: سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۳- محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۱۷۵ - ۱۷۹.

۴- «أَيْنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، أَيْنَ الْمُتَخَيِّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيْنَ الْمُؤَمِّلِ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ، أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ...»، سید بن طاوس، اقبال الاعمال، ص ۵۰۴.

ذی طوی

از منزل های امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت

طوی در لغت، به معنای پیچیدن و در نوردیدن است و برخی مشتقات آن (مانند طایه) به سرزمین هموار و صخره های بزرگ در ریگزارهای پهناور گفته می شود. (۱)

ذی طوی در یک فرسخی مکه، و داخل حرم قرار داشته و از آن جا خانه های مکه دیده می شد؛ (۲) اما امروز به دلیل گسترش این شهر مقدس، به طور معمول چنین وضعیتی وجود ندارد.

در برخی روایات، آن را جایگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت دانسته اند. عیاشی به سند خود از عبدالاعلی حلی آورده است: حضرت ابوجعفر امام باقر علیه السلام فرمود:

به ناچار صاحب این امر را در یکی از این دره ها غیبتی خواهد بود [و] با دست خود به سوی ذی طوی اشاره فرمود. (۳)

ص: ۲۶۵

۱- احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۴۳۰.

۲- طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۷۹.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۴، ح ۳۰.

در بعضی دیگر از روایات آمده است: حضرت پیش از ظهور و در آستانه قیام در ذی طوی به سر می برد. امام باقر علیه السلام می فرماید:

قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف آن روز [ظهور] را در ذی طوی در حال انتظار با ۳۱۳ نفر به شمار اهل بدر، به سر می برد، تا پشتش را به حجرالاسود تکیه داده، پرچم برافراشته را به اهتزاز در آورد. (۱)

و امام صادق علیه السلام نیز در این رابطه می فرماید:

گویی قائم علیه السلام را با چشم خود می بینم که با پاهای برهنه در «ذی طوی» سر پا ایستاده؛ همانند حضرت موسی علیه السلام نگران و منتظر است که به مقام [ابراهیم] بیاید و دعوت خود را اعلام نماید. (۲)

در فرازی از دعای ندبه می خوانیم:

ای کاش می دانستم کجا مسکن گزیده ای یا کدامین سرزمین، تو را در آغوش کشیده است؟ آیا در کوه رضوی هستی یا در ذی طوی؟

آنچه گفتنی است این که «ارتباط آن حضرت با این دو مکان، مانند ارتباط او با سایر اماکن مقدس و متبرک دیگر است که پرستش و عبادت خدا در آن اماکن فضیلت دارد؛ مثل مسجدالحرام، مسجد مدینه طیبه، مشهد حسینی، مسجد کوفه و مسجد سهله که معلوم شده است حضرت در این مکان ها رفت و آمد دارند. این دو مکان را نیز به واسطه همین دو خصوصیت در دعای ندبه نام می برند. کوه رضوی نیز یکی از مقامات آن حضرت و اماکنی است که گاهی به آنجا تشریف می بردند. (۳)

ص: ۲۶۶

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۴۴۸.

۲- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۰۳، لطف الله صافی گلپایگانی، فروغ ولایت در دعای ندبه، ص ۴۰.

رایات سود < پرچم های سیاه

رحلت امام مهدی علیه السلام < فرجام حضرت مهدی علیه السلام

رجعت

زنده شدن مؤمنان خالص و کافران خالص در عصر ظهور

واژه رجعت در لغت به معنای «بازگشت» است؛ یعنی برگشتن به جایی که پیش تر آن جا بوده است. (۱)

معنای اصطلاحی رجعت عبارت است از: بازگشت دو گروه از مردگان: مؤمنان محض و کافران محض _ به همان صورت هایی که در گذشته بودند (۲)_ به دنیا پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و پی _ش از قی _امت، (۳) ت _ا مؤمنان از برپایی حکومت جهانی عدل شاد گردند و کافران از ذلت و حقارت ستمگران متألم شوند. (۴)

ص: ۲۶۷

۱- ر.ك: العين ؛ مفردات الفاظ القرآن و ...

۲- شیخ مفید، اوائل المقالات، ص ۷۷.

۳- شیخ حر عاملی، الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص ۲۹.

۴- سید مرتضی، الرسائل الشریف، ج ۱، ص ۱۲۵؛ محمد رضا مظفر، عقاید الامامیه، ص ۲۹۴.

البته برخی رجعت را به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و بازگشت دولت آل محمد علیهم السلام تأویل کرده و بازگشت امامان علیهم السلام را با بدن های ظاهری خود منکر شده اند.^(۱) در ردّ این قول جهاتی ذکر شده است:

یکم. روایات متواتر به بازگشت جسمانی امامان علیهم السلام و رجعت کنندگان تصریح کرده است و قایل تأویل نیست.

دوم. رجعت هایی که در امت های گذشته صورت گرفته و در روایات و آیات به آن ها اشاره شده و شیعه آن ها را نیز دلیل بر مدعای خود قرار داده است، به صورت بازگشت مردگان با همان جسم های گذشته ایشان بوده است.

از روایات معصومان علیهم السلام استفاده می شود اعتقاد به رجعت در مجموعه اعتقادات شیعه، از مرتبه والایی برخوردار است؛ تا جایی که برخی از این احادیث، منکران رجعت را از دایره تشیع خارج می داند.

یکی از این روایات سخن امام صادق علیه السلام است که فرمود:

از ما نیست کسی که به بازگشت ما باور نداشته باشد...^(۲)

در روایتی دیگر نیز آن حضرت اعتقاد به رجعت را یکی از شرایط ایمان دانسته، فرموده است:

هر کس به هفت چیز باورمند باشد، از جمله مؤمنان است یکی... و ایمان به رجعت.^(۳)

از این رو عده فراوانی از علمای شیعه، اعتقاد به رجعت را از ضروریات مذهب دانسته اند. عده اندکی نیز که از ضروریات ندانسته اند، انکار آن را جایز نشمرده اند.^(۴) البته افراد بسیار اندکی از شیعیان نیز رجعت را انکار

ص: ۲۶۸

۱- ر.ک: سید محمد صدر، تاریخ ما بعدالظهور، ص ۸۵۹.

۲- «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرْتِنَا...»، شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۵۸.

۳- «مَنْ أَقْرَبَ بِسَبْعَةِ أَشْيَاءَ فَهُوَ مُؤْمِنٌ... الْإِيمَانُ بِالرَّجْعَةِ». شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۴۰.

۴- شیخ طوسی، رساله العقاید الجعفریه، ص ۲۵۰؛ محمد باقر مجلسی، حق الیقین، مقصد نهم؛ شیخ حر عاملی، الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص ۶۷؛ فخر الدین طریحی، مجمع البحرين، ج ۲، ص ۶۷۹.

البته بر خلاف عقیده شیعه، اهل سنت عقیده به رجعت را خلاف عقاید اسلامی می دانند و آن را هیچ نمی پسندند. نویسندگان و شرح حال نویسان آنان، معتقدان به رجعت را طعن و رد کرده و آن را نشانه طرد روایت راوی می دانند. (۲)

در میان اهل سنت افراد بسیار اندکی هستند که به رجعت شماری از افراد _ از جمله اصحاب کهف در عصر ظهور مهدی علیه السلام _ اشاره کرده اند. (۳)

معتقدان به رجعت برای اثبات این اعتقاد خود، از آیات و روایات فراوانی بهره برده و این آیات و روایات را به طور عمد به دو دسته تقسیم کرده اند:

دسته نخست، آیات و روایاتی است که سخن از وقوع رجعت در امت های گذشته دارد.

دسته دوم، آیات و روایاتی که به اعتقاد ایشان دلالت بر وقوع آن در آخرالزمان و هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام دارد.

الف. آیات

از آن جایی که قرآن، اساسی ترین منبع برای اثبات حقایق دینی است، در مسأله رجعت نیز نخستین منبع و اصلی ترین آن ها است. این آیات به دو دسته تقسیم شده است:

آیات مبنی بر وقوع رجعت میان اقوام و ملل گذشته

از جمله آیه ای که بر زنده شدن هفتاد تن از یاران حضرت موسی علیه السلام دلالت دارد. خداوند سبحانه و تعالی در این باره فرموده است:

((وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ)) (۴)

و چون گفتید: «ای موسی! تا خدا را آشکار نبینیم هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد. پس _ در حال _ ی که می نگرید _ صاعق _ شما را فرو گرفت پ _ س شما را پس

۱- محمد جواد مشکور، تاریخ شیعه و فرقه های اسلام، ص ۱۱۱.

۲- محمدرضا مظفر، عقاید الامامیه، ص ۱۲۰.

٣- قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ٥، ص ٢٥٣؛ تيسيرالتفسير، ج ٧، ص ٣٦٨.

٤- بقره (٢): ٥٥ و ٥٦.

از مرگتان برانگیختیم، باشد که — شکرگ — زاری کنید.

این آیه به نظر عموم مفسران شیعه و اهل سنت، در مردن و زنده شدن صراحت دارد. (۱) همچنین آیه ۷۲ و ۷۳ سوره بقره و آیه ۲۴۳ این سوره بر زنده شدن عده ای دیگر از مردگان دلالت دارد.

بزرگان علمای شیعه، پس از ذکر آیات بالا، به روایات فراوانی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم استدلال کرده اند، با این محتوا که: «هرچه در امت های گذشته رخ داده است مو به مو در امت من نیز اتفاق خواهد افتاد.» (۲) این مجموعه روایات، بیش از آن که — در جوامع روایی شیعه ذک — ر شده باشد، در کتاب های اهل سنت آمده است. (۳)

۲. آیات تأویل شده به رجعت در آخر الزمان

از روایات معصومان علیهم السلام استفاده می شود برخی از آیات — ق — ر آن به رجعت در زم — ان ظهور حض — رت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأویل می شود؛ از جمله این آیه:

((وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ))؛ (۴)

و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که — آ — ات ما را تکذیب کرده اند، محشور می گردانیم. پس آنان نگه داشته می شوند تا همه به هم پیوندند.

ذیل ای — ن آیه روایات فراوانی از امامان معصوم علیهم السلام وارد شده که — ه گویای بازگشت انسان هایی در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. و این گونه استدلال شده که — ه در آیه — ه، به برانگیخته شدن عده ای محدود اشاره شده است؛ در حالی که در قیامت،

ص: ۲۷۰

۱- شیخ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱ - ۲، ص ۲۵۲؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۶؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۴۰۳؛ مدارک التنزیل، ج ۱، ص ۵۳.

۲- «يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلِّ مَا كَانَ فِي الْأُمَّةِ السَّالِفَةِ حَذْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقُدَّةِ بِالْقُدَّةِ»، شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۳، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۹.

۳- تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۵۱؛ ج ۴، ص ۴۹۱؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۲۱۸؛ السنه للمروزی، ج ۱، ص ۱۸؛ ...

۴- نمل (۲۷): ۸۳.

همه انسان ها محشور می شوند. به علاوه، سیاق آیات در مقام بیان رخدادهایی است که در دنیا و پیش از قیامت است و پس از چند آیه، حوادث مربوط به قیامت را بیان کرده است. (۱)

بیشتر دلیل ه ای معتقدان ب ه رجعت، آیات و روایات است. هر چند بیشتر روایات مورد نظر، ذیل آیات ذکر شده است، این روایات به قدری فراوان است که بزرگانی همچون: شیخ طوسی، (۲) شیخ صدوق (۳)، علامه مجلسی (۴)، مرحوم مظفر (۵) و علامه طباطبایی، (۶) آن ها را متواتر دانسته اند. برخی از این روایات از این قرار است: امام باقر علیه السلام فرمود:

روزهای خدای عزوجل سه تا است: روزی که قائم قیام خواهد کرد، روز رجعت و روز قیامت. (۷)

امام سجّاد علیه السلام ذیل آیه شریفه ((إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَى مَعَادٍ)) (۸) فرمود:

پیامبرتان و امیر مؤمنان و امامان به سوی شما باز می گردند. (۹)

افزون بر آیات و روایات، ادعیه و زیارتنامه های فراوانی نیز به رجعت اشاره کرده اند؛ (۱۰) از جمله: دعای مشهور عهد، دعای روز سوم شعبان، (۱۱) زیارت جامعه، زیارت اربعین، (۱۲) برخی زیارت های امام حسین علیه السلام؛ (۱۳) و زیارت حضرت ابوالفضل علیه السلام. (۱۴)

افزون بر ادله نقلی (آیات و روایات)

ص: ۲۷۱

-
- ۱- طبرسی، مجمع البیان؛ ج ۷ _ ۸، ص ۳۶۶؛ محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۵۷۰.
 - ۲- شیخ طوسی، رساله العقاید الجعفریه، ص ۲۵۰.
 - ۳- «آيَاتُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثَلَاثَةٌ: يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ وَيَوْمُ الْكَرَّةِ وَيَوْمُ الْقِيَامَةِ»، شیخ صدوق، الخصال، ص ۱۰۸.
 - ۴- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲.
 - ۵- مظفر، عقاید الامامیه، ص ۲۹۷.
 - ۶- محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۰۷.
 - ۷- شیخ صدوق، الخصال، ص ۱۰۸.
 - ۸- قصص (۲۸): ۸۵.
 - ۹- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۴۷.
 - ۱۰- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۵، ح ۱۱۱.
 - ۱۱- مصباح المتهجد، ص ۵۴۳.
 - ۱۲- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳.
 - ۱۳- مصباح المتهجد، ص ۷۳۰.

که برای اثبات رجعت به آن‌ها اشاره شد، علما یکی دیگر از راه‌های اثبات رجعت را اجماع دانسته‌اند. از کسانی که ادعای اجماع و اتفاق علما را بیان کرده‌اند، می‌توان به بزرگانی همچون سید مرتضی، (۱) امین الاسلام طبرسی؛ (۲) شیخ مفید؛ (۳) شیخ حر عاملی (۴) و علامه مجلسی (۵) اشاره کرد.

آثار اعتقاد به رجعت

همان‌گونه که انتظار فرج که عبادتی بس بزرگ است نقش مهم و بسزایی در پویایی و تحرک جامعه ایفا می‌کند، اعتقاد به رجعت و بازگشت به دنیا در زمان دولت کریمه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز می‌تواند نقش مهم و سازنده‌ای در شادابی دینی و امید به حضور در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشد؛ چرا که انسان، با دیدن افرادی که تمام عمر خود را در انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام سپری کرده‌اند و آن‌گاه بدون درک ظهور از دنیا می‌روند، دچار سرخوردگی شده و حتی در مقام انتظار نیز دچار ناامیدی خواهد شد و اگر بدانند هنگام ظهور در صورت دارا بودن شرایط ویژه‌ای - امکان بازگشت او به زندگی دنیایی و حضور در محضر واپسین امام عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد، در امیدواری او نقش بسیاری خواهد داشت.

افزون بر آن، در روایات آمده است: یک گروه از رجعت‌کنندگان، کسانی هستند که دارای ایمان خالص هستند؛ شخص علاقه‌مند به درک محضر واپسین حجت الهی، نهایت تلاش خود را به کار خواهد بست تا به درجات بالای ایمان رسیده و در ششمین رجعت‌کنندگان - ان باش - و همچنین در روایات فراوانی مداومت بر دعاها و انجام کارهایی برای بازگشت هنگام حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سفارش شده که خود نیز جنبه عبادی داشته و در تکامل روح انسان بسیار مؤثر است.

نیز ن.ک: ظهور، قیام، اصحاب کهف، یاران حضرت مهدی علیه السلام، امدادهای غیبی، دعای عهد.

ص: ۲۷۲

- ۱- سید مرتضی، رسائل الشریف، ج ۱، ص ۱۲۵.
- ۲- طبرسی، مجمع البیان، ذیل: ۸۳ سوره نمل.
- ۳- شیخ مفید، سلسله مؤلفات مفید، ج ۴، ص ۴۶.
- ۴- شیخ حر عاملی، الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص ۳۳.
- ۵- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۴، ح ۱۰۵.

زنده شوندگان از مؤمنان خالص و کافران خالص در عصر ظهور

روایت های مربوط به رجعت کنندگان به دو دسته تقسیم می شود:

دسته نخست. بدون اشـاره به اشخاصی خاص رجعت کنندگان را منحصر در مؤمنان خالص و کافران خالص دانسته است. مفضل از امام صادق علیه السلام درباره آیه: ((وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا))؛ «و آن روز که از هر امتی، گروهی را محشور می کنیم» نقل کرده که فرمود:

هیچ مؤمنی کشته شده نیست مگر این که باز می گردد تا به مرگ طبیعی از دنیا برود و [البته] برنمی گردد مگر

دسته دوم. برخی روایات به رجعت افرادی به طور خاص اشاره کرده است. بکیر بن اعین می گوید: کسی که هیچ تردید در درستی سخنش ندارم؛ یعنی امام باقر علیه السلام به من فرمود: «پیامبر و علی رجعت می کنند». (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا نخستین کسی که به دنیا برمی گردد، حسین بن علی علیه السلام و یاران آن حضرت هستند. نیز یزید بن معاویه و اصحاب او که حضرت، آن ها را یک به یک به هلاکت خواهد رساند.... (۳)

در برخی از روایات نقل شده است که امام زمان علیه السلام هنگام رحلت، سر بر زانوی امام حسین علیه السلام نهاده و جان می دهد. پس از آن، امام حسین علیه السلام به کفن و دفن بدن مطهر آن حضرت می پردازد و بر ایشان نماز می خواند. طبق روایات، امام حسین علیه السلام سال ها پس از حضرت مهدی علیه السلام خلافت و حکومت خواهد کرد و آن قدر پیر و سالخورده خواهد شد که ابروان حضرت بر روی چشمان مبارک خواهد افتاد و آن گاه با مرگ طبیعی از دنیا خواهند رفت. (۴)

در شماری از روایات، به رجعت معصومان علیهم السلام اشاره شده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

از [شیعیان] ما نیست کسی که به بازگشت ما ایمان نداشته باشد.... (۵)

دسته ای دیگر از روایات رجعت، برخی پیامبران و یاران ایشان و پیروان آن ها را جزو رجعت کنندگان شمرده اند. در تفسیر عیاشی به نقل

ص: ۲۷۴

۱- «لیس احد من المؤمنین قتل الا- یرجع حتی یموت و لا- یرجع الا من محض الایمان و محض الکفر محضاً»، علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۱.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، ح ۲.

۳- «إن أول من یکر إلى الدنيا الحسین بن علی علیه السلام و أصحابه و یزید بن معاویه و أصحابه فیقتلهم حذو القذہ بالقذہ ثم قال أبو عبد الله علیه السلام: ((ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا))»، عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲.

۴- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۰۶.

۵- «لیس منا من لم یؤمن بکرتنا...»، شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۵۸.

از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است:

هرگاه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم به پاخیزد، از پشت کعبه بیست و هفت مرد را بیرون می آورد، پانزده تن از قوم موسی، آنان که به حق داوری کرده و به آن باز می گردند و هفت تن از اصحاب کهف و یوشع وصی حضرت موسی و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسی و ابودجانه انصاری و مالک اشتر. (۱)

اگر چه روایات رجعت اختصاصی به زن یا مرد ندارد و تحت عنوان مؤمن محض و کافر محض آمده است، در روایتی به رجعت بانوان نیز اشاره شده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«همراه قائم سیزده زن خواهند بود.» راوی پرسید: «برای چه منظور؟» فرمود: «آن ها مجروحین را مداوا می کنند و به مریض ها رسیدگی می کنند؛ همان گونه که همراه پیامبر که بودند، چنین می کردند.» راوی عرض کرد: «آن ها را نام ببرید.» آن حضرت فرمود: «قنوا دختر رشید و ام ایمن و حبابه والیه و سمیه مادر عمار بن یاسر و زبیده و ام خالد احمسیه و ام سعید حنفیه و صبانہ ماشطه و ام خالد جهنیه.» (۲)

نیز ن.ک: یاران حضرت مهدی علیه السلام، اصحاب کهف

ص: ۲۷۵

۱- «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ اسْتَخْرَجَ مِنْ ظَهْرِ الْكَعْبَةِ سَبْعَةً وَعِشْرِينَ رَجُلًا خَمْسَهُ وَعِشْرِينَ [خَمْسَةَ عَشَرَ] مِنْ قَوْمِ مُوسَى الَّذِينَ يَقْضُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَغْدُلُونَ وَ سَبْعَةً مِنْ أَصْحَابِ الْكَهْفِ وَ يُوشَعَ وَصِيَّ مُوسَى وَ مُؤْمِنَ آلِ فِرْعَوْنَ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ أَبَا دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيِّ وَ مَالِكَ الْأَشْتَرِ»، عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۵.

۲- «یکون مع القائم ثلاث عشرة امرأة. قلت: و ما یصنع بهن؟ قال: یداوین الجرحی و یقمن علی المرضی کما کان مع رسول الله. قلت: فسمهن لی. قال: القنوا بنت رشید و ام ایمن و حبابه الوالیه و سمیه ام عمار بن یاسر و زبیده و ام خالد الأحمسیه و ام سعید الحنفیه و صبانہ الماشطه و ام خالد الجهنیه.»، محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۲۵۹.

محل بیعت مردم با امام مهدی علیه السلام در آغاز ظهور و کشته شدن نفس زکیه

«رکن» در لغت به معنای جانب و ناحیه قوی یک چیز است و «مقام» به جایگاهی که قدم در آن قرار می گیرد یا جایگاهی که شخص در آنجا می ایستد، گفته می شود. (۱) هر یک از چهار زاویه کعبه را یک «رکن» می نامند. (۲)

ص: ۲۷۶

۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۸۵؛ مجمع البحرین، ج ۶، ص ۲۵۷.

۲- خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۵، ص ۲۳۲.

هرگاه واژه رکن بدون پسوند به کار رود، مقصود آن رکنی است که حجرالاسود در آن هست و مقصود از مقام نیز در این جا مقام ابراهیم علیه السلام است.

یکی از نقاط مقدس مسجدالحرام مقام ابراهیم علیه السلام است. این مقام، یکی از شعائر الهی است. (۱) و آن جا را بدین دلیل مقام ابراهیم گویند که آن حضرت، وقتی دیوارهای کعبه را بالا می برد، سنگی اختیار کرده بر روی آن می ایستاد، تا به راحتی دیوار را بالا ببرد. همچنین در روایات آمده است: حضرت ابراهیم علیه السلام، روی این سنگ ایستاده و مردم را به حج فرا می خواند. گفته شده است: در این هنگام، جای پای حضرت در سنگ فرو رفت که هم اکنون این اثر به چشم می خورد.

اما آنچه در بحث مهدویت مورد نظر بوده و از آن به بزرگی یاد شده، بین رکن و مقام است. شکی نیست که این مکان، دارای ارزشی بسیار والا نزد خداوند سبحانه و تعالی است. ابو حمزه ثمالی می گوید: امام سجاد علیه السلام به ما فرمود: «آیا می دانید کدامین قسمت از زمین برترین مکان است؟» عرض کردیم: خداوند سبحانه و تعالی و پیامبر و فرزند پیامبر بهتر می داند. سپس فرمود: «بهترین مکان ها بین رکن و مقام است.» (۲)

در روایات مهدویت، وقتی سخن از بین رکن و مقام به میان می آید، مربوط به یکی از موارد ذیل است:

۱. محـل بیعـت بـا حـضـرت مهـدی عـجل الله تعالی فرجه الشریف پیـامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مهدی امتم میان ایشان [امامان] محمدی است که زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همچنان که از ظلم و جور پر شده باشد. به خدا سوگند! من کسانی را که میان رکن و مقام با او بیعت می کنند، می شناسم و اسامی پدران و قبایلشان را نیز می دانم. (۳)

ص: ۲۷۷

۱- بقره (۲): ۱۲۵.

۲- «أَمَّا أَفْضَلُ الْبِقَاعِ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ...»، شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۵، ح ۲۳۱۳.

۳- «فِيهِمْ مَهْدِي أُمَّتِي مُحَمَّدٌ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتَّ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَاللَّهِ إِنِّي لَمَاعْرِفُ مَنْ يُبَايِعُهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَأَعْرِفُ أَسْمَاءَ آبَائِهِمْ وَقَبَائِلِهِمْ»، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۴، ص ۲۸۴، ح ۳۷.

در برخی آثار اهل سنت نیز بین رکن و مقام جایگاه بیعت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بـ ا
یـ ارانش گـ فته شده است. (۱)

۲. محل کشته شدن نفس زکیه و رخداد یکی از نشانه های حتمی ظهور. امام باقر علیه السلام پس از بیان پاره ای از نشانه
های ظهور، در ادامه فرمود:

و جوانی از آل محمد کـ ه نامش محمد بن حسن ـ یـ ا نفس زکیه ـ است، بین رکـ ن و مقـ ام کشته
شود.... (۲)

نیز ن. ک: بیعت با حضرت مهدی علیه السلام، مسجد الحرام، ظهور، خطبه قیام.

رؤیت مهدی علیه السلام < ملاقات مهدی علیه السلام

ص: ۲۷۸

-
- ۱- ر. ک: الصنعانی، المصنف، ج ۱۱، ص ۲۷۱؛ ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۸، ص ۶۰۹؛ طبرانی، معجم الکبیر، ح ۲۳، ص ۲۹۶؛
کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۲۵، ح ۳۰۹۳۲، ج ۱۴، ص ۲۶۵، ح ۳۸۶۶۸؛ سیوطی، درالمنثور، ج ۵، ص ۲۴۱.
- ۲- «... وَقَتَلَ غُلَامًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، إِسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ ...»
شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، باب ۳۲، ح ۱۶.

زبور داود

کتاب مقدس بشارت دهنده به ظهور منجی

در قـرآن کـریم زبـور، نام کتاب حضرت داود علیه السلام آمده است؛ اما در تـورات بـا عنوان مزامیر داود یاد شده است. ایـن کتـاب، مجموعـه ای از مناجات ها و نیایش ها و اندرزهای داود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که در میـان ایـن کـتاب نویدهایی به ظهور منجی موعود داده شده است. این نویدها، به طور عمده به بیان پیروزی صالحان بر شریران بیان شده است. (۱)

نیز ن.ک: موعود مسیحیت، موعود یهودیت.

زمینه سازان ظهور

انقلاب بزرگ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همچون دیگر انقلاب ها، بدون مقدمه و زمینه سازی پدید نمی آید؛ بلکه در آستانه ظهور، حرکت هایی شکـل می گیرد و زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم می آورد. این سلسله

ص: ۲۷۹

۱- ر.ک: محمد خزائلی، اعلام قرآن، ص ۳۴۶.

قیام‌ها و انقلاب‌ها که از سوی حق پویان صورت می‌گیرد، بر اساس آنچه در بعضی از روایات آمده، زمینه را برای حرکت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

گروهی از نواحیه مشرق، قد برمی‌افرازند و زمین‌ها حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم می‌سازند. (۱)

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

گویی قومی را می‌بینم که از شرق در طلب حق قیام کرده‌اند؛ ولی بدن‌ان نمی‌دهند و بجز از مطالبه می‌کنند؛ اما بدن‌ها نمی‌دهند. چون چنین می‌بینند، شمشیرهای خود را بر دوش می‌گیرند. آن هنگام، آنچه می‌خواهند، به آنان می‌دهند؛ ولی نمی‌پذیرند، تا این که پیروز می‌شوند و آن را جز به صاحب الامر علیه السلام تسلیم نمی‌کنند. کشتگان آنان شهیدند. اگر من آنان را درک کنم، جانم را برای صاحب الامر می‌گذارم. (۲)

در این روایات، به روشنی از برپایی قیام‌ها و انقلاب‌هایی در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام خبر داده شده است. افزون بر این‌ها، روایات فراوان دیگری نیز بر این نکته اتفاق دارند که پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام، حکومتی به رهبری یکی از صالحان که گمان می‌رود از فرزندان پیامبر هم باشد، در ناحیه مشرق تشکیل می‌شود و زمینه ظهور را مهیا می‌سازد. این حکومت، تا ظاهر شدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تسلیم آن به حضرت ایشان، ادامه می‌یابد.

بر همین اساس، برخی تشکیل دولت شیعی مذهب صفویه را که پس از قرن‌ها استیلای حاکمان مستبد و متعصب عامی مذهب، روی کار آمد، همان دولتی دانسته‌اند که در روایات، از زمینه‌سازان حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به

ص: ۲۸۰

- ۱- متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۳؛ طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۹۴؛ ر.ک: سنن ابن ماجه، ح ۴۰۸۸.
- ۲- «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطُونَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَ فَلَا يُعْطُونَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ فَنَلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ»، نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۳؛ ح ۵۰.

شمار آمده است.

در زمان ما نیز، برخی با استناد به ویژگی هایی که در روایات آمده، انقلاب اسلامی ایران را _ که در سال ۱۳۵۷ ش به رهبری امام خمینی به پیروزی رسید، همان دولتی دانسته اند که زمینه را برای ظهور و قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می کند و _ ان شاء الله _ تا ظهور آن حضرت ادامه می یابد. (۱) البته هیچ یک از آن حرکت ها به اندازه انقلاب اسلامی، زمینه ساز انقلاب مهدی علیه السلام نبوده اند؛ بلکه اصلاً مقایسه آن ها با انقلاب اسلامی باطل است؛ از این رو احتمال این که مراد از «دولت زمینه ساز» از جمله انقلاب اسلامی ایران باشد و تا ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تداوم یابد، بسیار است.

در هرحال، با توجه به روایات بسیاری که در این بخش رسیده است، در دوره غیبت و در آستانه ظهـور مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دولت هـایی به حمایت از حـقوق روی کار می آیند و انقلاب هایی بـه حمایت از آن شکل می گیرند و زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم می سازند و این، از نشانه های ظهور است. (۲)

پنهان نباشد آنچه درباره زمینه سازان بیان شد، توصیفی از یک مفهوم خاص بود؛ ولی از روایات استفاده می شود افزون بر موارد یاد شده، تمام منتظران به نوعی زمینه ساز ظهور به شمار می آیند.

نیز ن.ک: قیام های پیش از ظهور، ظهور، یاران حضرت مهدی علیه السلام،

زنان آخرالزمان < آخرالزمان

زنان و قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف < یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

زندگی آخرالزمان < آخرالزمان

زیارت آل یس

زیارتنامه ای مرتبط با امام مهدی علیه السلام

زیارت آل یس، یکی از زیارت های مشهور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. راوی و ناقل این زیارت، ابوجعفر محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری است که همه عالمان رجال و حدیث،

ص: ۲۸۱

۱- جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات و گفتارها پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۰۷.

۲- جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۰۳ _ ۳۰۶، (با تصرف).

از او به بزرگی یاد کرده اند. (۱)

از آنجا که این زیارت با سلام بر آل یاسین آغاز می شود، امروزه به این نام معروف است.

این زیارت، با بیست و سه سلام آغاز شده است: سلام اول به آل یس (عترت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) و سلام های بعد، هر یک خطاب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با القاب و عناوین خاص آن حضرت می باشد. سپس با اظهار و اقرار به اصول اعتقادی صحیح و گواه گرفتن امام بر آن ها و تجدید عهد وفاداری برای اولیای دین، زیارت به پایان می رسد.

به تصریح برخی از عالمان، این زیارت، جامع و کامل و بهترین زیارت های آن حضرت است و در همه وقت ها می شود آن را خواند. سندهای این زیارت، صحیح و معتبر بوده و در مجامع مهم حدیثی و دعایی نقل شده است. (۲)

جمع فراوانی از شیعیان به خواندن این زیارت و دعای پس از آن مداومت دارند و برای خواندن آن به طور گروهی در شهرهای گوناگون شیعه نشین جلسات خاصی برگزار می شود.

زیارت ناحیه مقدسه

زیارت امام حسین علیه السلام و یاران آن حضرت منسوب به امام مهدی علیه السلام

ناحیه، در لغت به معنای جانب و جمع آن «نواحی» است. و در غیبت صغرا از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به آن تعبیر شده است. (۳) گاهی نیز از آن حضرت و نایب خاص او با تعبیر ناحیه یاد شده است. گویا این اصطلاح همانند برخی از القاب حضرت مهدی علیه السلام، برای کنایه از آن حضرت به کار رفته و بیشتر موارد به جهت تقیّه مورد استفاده قرار گرفته است. این کلمه، بیشتر در کلام کسانی که به آن حضرت توقیع نوشته و پاسخ دریافت کرده اند، ذکر شده است؛ اگر چه در برخی بیانات نورانی حضرت مهدی علیه السلام نیز این کلمه استعمال شده

ص: ۲۸۲

۱- احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۵۴ رق ۹۴۹؛ شیخ طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۴۸، رقم ۶۳۷۴.

۲- ر.ک: میرزا حسین طبرسی نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱.

۳- ر.ک: طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۱۰.

١- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٥٢٠، ح ٤٩.

ابوالحسن اربلی، آن را رمزی بین شیعیان و آن حضرت و اطرافیان نزدیک او یاد کرده، می نویسد:

... و آن حضرت، ملقب است به حَجَّت و قائم و مهدی و خلف صالح و صاحب الزّمان و صاحب، و شیعه از آن حضرت در دوران غیبت صغرا به ناحیه مقدسه تعبیر می کرده و این رمزی بود که شیعیان، آن حضرت را با آن می شناختند. (۱)

اما زیارت ناحیه مقدسه زیارتنامه ای است که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت داده شده است. مضامین بلند و نیز تأیید برخی از علمای شیعه، این نسبت را تقویت می کند. (۲) اگر چه برخی نیز به انتساب آن به حضرت ولی عصر علیه السلام تردید کرده، آن را از نگارش های سید مرتضی دانسته اند. (۳) ممکن است گفته شود اصل زیارت از حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است؛ اما سید مرتضی بخش هایی را به تناسب به آن افزوده است. (۴)

متن زیارت، خط اب ب ه سیدالشهدا علیه السلام و شهدای کربلا است و نام یکایک آنان، بیشتر با ذکر اوصاف و خصوصیاتشان و نیز اسامی قاتلان آن شهدا در آن آمده است. آغاز زیارت، این گونه است: السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَوَّلَ قَتِيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَلِيلٍ ...

زیارت ناحیه، عملکرد ستمگرانه بنی امیه را به گونه ای بازگو کرده که تمام مردم دنیا متوجه می شوند که در کربلا چه جرم و جنایت بزرگی، به فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم واقع شده است. هیچ زیارتی، عمق فاجعه کربلا را همانند زیارت ناحیه بیان نکرده است.

یکی از مواردی که این حادثه وحشتناک را تبیین می کنند، این جملات تأثرانگیز است:

«اگر روزگار، [تولّد] مرا به تأخیر انداخت و مرا از یاری تو محروم گرداند و با محاربان تو به محاربه نپرداختم و با دشمنان تو به ستیز نایستادم، اکنون صبح و شام برای تو شیون می کنم و به جای اشک، خون می گریم.»

زیارت ناحیه مقدسه، همانند زیارت عاشورا برای روز عاشورا وارد شده است و در غیر عاشورا نیز خوانده

ص: ۲۸۴

۱- اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۱۹.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۸.

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۳۱، ح ۳۸: «وَالظَّاهِرُ أَنَّهُ مِنْ تَأْلِيفِ السَّيِّدِ الْمُرْتَضَى ...» .

۴- ر.ک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸

می شود. در این باره، شیخ مفید _ نخستین ناقل زیارت ناحیه _ و شیخ محمد بن مهدی گفته اند:

زیارت ناحیه مقدسه، مخصوص روز عاشورا است؛ ولی بزرگان دیگر نظیر سید مرتضی، سید بن طاووس و علامه مجلسی، این زیارت را مطلقه دانسته اند؛^(۱) یعنی، هر زمان دیگر نیز می توان آن را قرائت کرد.

نیز ن.ک: ناحیه مقدسه.

زیارت رجیبه

زیارت منسوب به ناحیه مقدسه

این زیارت، توسط ابوالقاسم حسین بن روح از آن حضرت نقل شده است.^(۲) البته زیارتنامه های دیگری نیز به آن حضرت منسوب است که علاقه مندان می توانند به کتاب های مفصل مراجعه کنند.

زیدیه

گروهی منحرف از مهدویت

زیدیه، از فرقه های معروف شیعه و پیرو زید بن علی بن حسین بن علی علیهما السلام هستند. این گروه، به روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تمسک کرده اند که فرمود:

مهدی از فرزندان حسین علیه السلام است. او با شمشیر به پا می خیزد و مادرش بهترین کنیزان خواهد بود.

پس زمـانی کـه زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب قیام خود را بر ضد امویان آغاز کرد، گفتند: چون او از نسل حسین علیه السلام است و بر ضد ظالمان با شمشیر قیام کرده و از سویی فرزند کنیز است، مهدی موعود است.^(۳)

زید بن علی خود از بزرگان بود و خلفای اموی را بر حق نمی دانست. او بر ضد آنان قیام کرد و به طرف کوفه رفت و همراه چهار هزار نفر، با حاکم عراق (یوسف بن عمر) به جنگ برخاست. کار زید در کوفه ده ماه طول کشید، تا این که در سال ۱۲۲ ق به دستور هشام بن عبدالملک اموی،

ص: ۲۸۵

۲- شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص ۸۲۱.

۳- ر.ک: سیدحسین محمد جعفری، تشیع در مسیر تاریخ، ص ۲۹۰_۲۹۳؛ سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ص ۵۶۸.

به دار آویخته شد. سرش را به دمشق نزد هشام و از آن جا به مدینه بردند. امام باقر علیه السلام درباره زید می فرمود: «خدایا! پشت مرا به زید محکم فرما.» آن حضرت با مشاهده زید، آیه ((یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله...))؛(۱) را تلاوت می کرد و می فرمود: «ای زید! تو نمونه عمل به این آیه هستی.»(۲)

پیروان زید اطراف یحیی و فرزندش را گرفتند. یحیی در خراسان قیام کرد (۱۲۵ق) و در جوزجان کشته شد. پیروان او به فرقه های مختلف (رافضیه، جارودیه، عجلیه، بتریه، صالحیه و زیدیه) تقسیم و قائل به مهدویت زید و منتظر ظهور او شدند.(۳) زید از حیث علم، زهد، ورع، شجاعت و دیانت، از بزرگان اهل بیت علیهم السلام به شمار می رود. این که خود زید ادعای امامت یا مهدویت داشته باشد، در منابع یافت نشده است؛ بلکه روایتی از خود او، مؤید عقیده صحیحش در امر مهدویت است. او می فرماید: پدرم، علی بن حسین علیهما السلام از پدرش حسین بن علی علیهما السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است:

ای حسین! تو امامی و نه تن از فرزندان تو امینان و امامان معصومند و نهمین آنان، مهدی ایشان است.(۴)

ص: ۲۸۶

۱- نساء(۴): ۱۳۵.

۲- علامه امینی، الغدیر، ج ۳، ص ۱۷۰.

۳- شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۵۴.

۴- علی بن محمد خزاز رازی قمی، کفایه الاثر، ص ۳۲۷.

تشکیلاتی برای آسان سازی ارتباط مردم با حضرت مهدی علیه السلام در غیبت صغرا

یکی از تشکل های مهمی که در دوران امامان پیش از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل گرفت، تشکیلات وکالت بود. امامان بزرگوار، این سازمان را برای آماده کردن هرچه بیشتر مردم، برای تحمل دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود آوردند؛ از این رو هر چه بیشتر می کوشیدند تا از مواجهه مستقیم، کم کرده، امور را به عهده افراد شایسته بگذارند. این تشکیلات، به طور رسمی در زمان امام کاظم علیه السلام پدید آمد؛ اما در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اوج خود رسید.

بنابراین، سیاست تعیین وکیل برای اداره امور نواحی گوناگون و برقراری ارتباط میان شیعیان و امامان، از دوران های امامان پیشین وجود داشت. در عصر غیبت، این تماس با امام زمان، قطع شد و محور ارتباط وکیلان با امام، نایبی بود که امام زمان تعیین می کرد. مناطق شیعه نشین تقریباً مشخص بود و بنا به ضرورت در هر منطقه، وکیلی

تعیین می شد. گاهی چند وکیل در مناطق کوچک تر، تحت سرپرستی وکیلی بودند که امام یا نایب خاص برای آن ها تعیین می کرد. این وکلا، اموالی را که بابت وجوهات می گرفتند، به شیوه های گوناگونی به بغداد، نزد نواب می فرستادند و آنان نیز طبق دستور امام، در موارد بایسته به کار می گرفتند.

در مواردی ممکن بود برخی از وکیلان برای یک بار امام زمان علیه السلام را ملاقات کنند؛ چنان که «محمد بن احمد قطن» (از وکیلان ابوجعفر، نایب دوم) به ملاقات امام نایل شد؛^(۱) اما به طور معمول، آنان تحت نظر نایب خاص امام، انجام وظیفه می کردند. بنا بر نقل احمد بن متیل قمی، ابوجعفر، ده وکیل در بغداد داشت که نزدیک ترین آنان به وی، حسین بن روح بود^(۲) که پس از او نایب سوم شد؛ از دیگر نزدیکان وی، جعفر بن احمد بن متیل بود که از دید بسیاری، وی جانشین ابوجعفر خواهد بود. از روایتی دیگر، دانسته می شود در قبال اموال داده شده به وکیلان، قبض هایی از آنان دریافت می شد؛ اما از نایب خاص، چنین قبض هایی دریافت نمی کردند. زمانی که ابوالقاسم، حسین بن روح را به جانشینی برگزید، دستور داد از وی قبض هایی نخواهند.^(۳)

نیز ن.ک: وکلای حضرت مهدی علیه السلام، نیابت خاص، نواب خاص، غیبت صغرا.

سامرا

زادگاه حضرت مهدی علیه السلام و مدفن امام هادی و عسکری علیهما السلام

«سامرا» دومین شهری است که عباسیان در ۱۲۰ کیلومتری شمال بغداد، بر کنار شرقی دجله ساختند. ای شه راز زیارتگ اه ه ای عمده شیعیان و مدفن امام علی النقی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام است. سردابی ک ه محل عبادت و استراحت امامان علیهم السلام و زادگ اه حضرت قائم علیه السلام و محل تشرّف صالحان و دیدار ایشان بوده است، آن جا قرار دارد.

ص: ۲۸۸

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۴۲.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۲۲۵.

۳- علی غفارزاده، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۸۵.

نام این شهر به زبان آرامی «سامرا» دانسته شده و معتصم خلیفه عباسی که آن را پایتخت خود قرار داد، آن را «سُرَّ مَن رَای» (به معنای این کس هر که آن را ببیند، مسرور می شود) نام گذاشت. روی سکه هایی که زمان عباسیان در آن شهر ضرب شده و اکنون در دست است، همین نام عربی وجود دارد.

سامرا به سبب مدفون بودن دو تن از امامان بزرگوار علیهما السلام، از زیارتگاه های عمده شیعیان و از اماکن مقدس ایشان است. مشهد این دو امام در قسمتی از سامرا واقع است که ارتش (عسکر) معتصم و اردوگاه وی آن جا بود؛ از این رو ایشان را عسکری گویند. علاوه بر دو امام دهم و یازدهم، نرجس خاتون و حکیمه خاتون آن جا دفن شده همچنین جده، مادر امام حسن عسکری و حسین بن علی الهادی در این محل به خاک سپرده شدند.

شکی نیست که امام زمان علیه السلام، در شهر سامرا و در خانه پدر ارجمند خود، امام حسن عسکری علیه السلام دیده به جهان گشود و تا پایان عمر شریف پدر خود، کنار آن حضرت می زیست. این دوره _ بنابر دیدگاه مشهور _ از هنگام ولادت حضرت (نیمه شعبان سال ۲۵۵ق) آغاز و تا رحلت امام عسکری علیه السلام (هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ق) پایان یافت.

از سوی دیگر، روایاتی نیز حکایت از آن دارد که در این دوره حضرت مه _دی عجل الله تعالی فرجه الشریف ب _ا صلاح _دی _د ام _ام عسکری علیه السلام برای افرادی ویژه نمایان می شد و این اتفاق، در سامرا و در ج _وار پ _در ب _زرگ _وارش صورت می گرفت. (۱)

نه فقط بستگان نزدیک و خدمتگزاران بیت امامت، آن حضرت را در سامرا و در خانه امام عسکری علیه السلام دیده اند که بسیاری از یاران و برگزیدگان اصحاب امام، به شرف دیدار آن جمال چون آفتاب نایل شده اند که همگی از زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کنار پدر در سامرا حکایت دارد. «یعقوب بن منقوش» گوید:

بر امام عسکری علیه السلام وارد شدم و او بر سکویی در سرا نشسته بود و سمت راست او اتافی بود که پرده های آن آویخته بود. گفتم: «ای آقای من!

ص: ۲۸۹

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۲، ص ۱۱۹.

صاحب الامر کیست؟» فرمود: «پرده را بردار.» پرده را بالا زد؛ پسر بچه ای به قامت پنج وجب بیرون آمد، با پیشانی درخشان و رویی سپید و چشمانی درافشان و دو کتف ستبر و دو زانوی برگشته. خالی بر گونه راستش و گیسوانی بر سرش بود. آمد و بر زانوی پدرش، ابو محمد نشست. آن گاه به من فرمود: «این، صاحب شما است.» سپس امام بدو فرمود: «پسرم! تا هنگام معلوم داخل شو.» داخل اتاق شد و من بدو می نگریستم. به من فرمود: «یعقوب! به داخل اتاق برو و بین آن جا کیست.» من داخل شدم؛ اما کسی را ندیدم. (۱)

همچنین احمد بن اسحاق نقل کرده، حضرت را در زمان امام عسکری علیه السلام در سامرا دیده است. (۲)

بنابراین روایات و روایت های دیگر، تردیدی نخواهد ماند که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در طول زندگی امام عسکری علیه السلام همراه آن حضرت و در شهر سامرا مسکن و مأوا داشته است. اگرچه در این دوران نیز پنهانی زندگی می کرده است، عده فراوانی از نزدیکان و شیعیان آن حضرت را دیده اند.

نیز ن.ک: آستانه عسکریین.

سرداب سامرا

محل آغاز غیبت حضرت مهدی علیه السلام

در گذشته، بیشتر خانه ها در مناطق گرمسیر عراق، سرداب (زیرزمین) داشته است، تا ساکنان خانه، از شدت گرمای تابستان در امان باشند (۳). خانه حضرت عسکری علیه السلام در سامرا نیز دارای سرداب بود. این سرداب، محل زندگی و عبادت امام هادی، امام حسن عسکری و حضرت مهدی علیهم السلام بود و بیشتر دیدارها با حضرت ولی عصر علیه السلام در عهد پدر، در همین منزل و در همین سرداب انجام می گرفت؛ به همین سبب شیعیانی که پس از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام، برای زیارت قبر آن امام و پدر بزرگوارش وارد سامرا می شدند، پس از زیارت قبر آن بزرگوار، در محل عبادت سه امام بزرگوار نماز می خواندند و آن جا را زیارت می کردند.

ص: ۲۹۰

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۸۰.

۳- فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۶۷.

بدون تردید زائران، فقط از آن جهت به این مکان مقدس احترام می گذارند که محل سکونت، زندگی، عبادت، نیایش و تلاوت قرآن انسان های کامل بوده است. با این بیان، آن جا مکان مقدس و خانه پر برکتی است که خداوند سبحانه و تعالی اجازه داده است چنین مکانی، جایگاه بلندی یابد و در آن جا نام خدا به بزرگی برده شود؛ به همین سبب مسلمانان پیرو مذهب خاندان وحی و رسالت، آن جا نماز می خوانند و بر پیامبر و خاندانش علیهم السلام درود می فرستند؛ آن جا را زیارت می کنند و کسی بر این عقیده نیست که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن سرداب سکونت دارد یا از آن جا ظهور خواهد کرد.

سلاح امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ابزار جنگی مهدی علیه السلام هنگام قیام و مقابله با دشمنان

هنگام ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تمام قدرت های باطل و ستمگر، مقهور و مغلوب قدرت بی پایان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شده، مانند علف های هرز از روی زمین برداشته می شوند، تا زمینه رشد و کمال انسان ها، به صورت کامل فراهم آید و زمین پر از عدل و داد شود.

اما پرسش این است که این پیروزی به چه صورت است و به طور اساسی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با چه ابزاری در این قیام بر آن قدرت ها پیروز خواهد شد؟

در روایات، کمتر سخن روشنی در این باره به چشم می خورد و یگانه ابزار و سلاح آن حضرت هنگام قیام، سیف (شمشیر) ذکر شده است. (۱) در این باره که آیا این شمشیر بر معنای حقیقی حمل می شود یا معنای کنایی، دو دیدگاه وجود دارد:

۱. معنای حقیقی؛

عده ای بر این باورند که کاربرد کلمه شمشیر در معنای حقیقی است

ص: ۲۹۱

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۱؛ ج ۸، ص ۵۰، ح ۱۳؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۹، ح ۲۹؛ همو، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۶؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۱، ح ۳؛ الاستبصار، ج ۳، ص ۱۰۸، ح ۵۳۸۳؛ التهذیب، ج ۶، ص ۱۵۴، ح ۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۴، ح ۵. و ده ها کتاب دیگر.

و مصداق آن، همان ابزار جنگی خاص است. البته این گروه درباره پیروز شدن حضرت با این سلاح بر دشمنان، توجهات متفاوتی دارند:

۱-۱. برخی می گویند: اگرچه حضرت با شمشیر قیام می کند، خداوند سبحانه و تعالی در آن شمشیر قدرت و اعجازی نهفته است که تمام سلاح های موجود را مقهور نیروی خود می سازد. (۱)

۱-۲. دسته دیگر می گویند: خداوند در عصر ظهور، تمام تسلیحات پیشرفته را از کار انداخته، مردم به ناگزیر در جنگ، از همان سلاح های ابتدایی (یعنی شمشیر و مانند آن) استفاده می کنند؛ بنابراین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با همان شمشیر می جنگد.

۱-۳. همه اسلحه ها در اختیار حضرت قرار می گیرد؛ ولی از آن جا که استفاده از آن ها به ناگزیر ستمگرانه نیز خواهد بود، حضرت فقط از سلاح شمشیر بهره خواهد برد.

۱-۴. برخی دیگر گفته اند: به سبب جنگ های خونین فراوانی که در آستانه ظهور به وقوع می پیوندد، تمام سلاح های پیشرفته از بین خواهد رفت و از آن پس در جنگ فقط از ابزارهای ساده استفاده می شود.

دلیل های این دیدگاه

یک. روایاتی که درباره سلاح حضرت مهدی علیه السلام وجود دارد به صراحت از شمشیر سخن می گوید؛ از جمله روایاتی می گوید: «شمشیری که نزد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، نزدیکی زمان قیام، با قدرت الهی به سخن در آمده، حضرت را از وقت ظهور آگاه می سازد». (۲)

روایات دیگری حکایت می کند: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای گسترش عدل و قسط، مدت هشت ماه شمشیر بر شانه خود دارد». (۳) (که)

ص: ۲۹۲

۱- ر.ک: شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۴۹، ح ۴۳.

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «وَلَهُ سَيْفٌ مُّغَمَّدٌ فَإِذَا حَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ أَقْتَلَعُ ذَلِكَ السَّيْفُ مِنْ غَمْدِهِ وَ أَنْطَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَنَادَاهُ السَّيْفُ اخْرُجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ فَلَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تَقْعِدَ عَنْ أَعْيَادِ اللَّهِ فَيَخْرُجُ...»، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۵۵؛ ر.ک: شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۴۹؛ همو، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۵۹.

۳- «... و يضع السيف على عاتقه ثمانية أشهر هر جا هر جا حتی رضی الله...»، نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۴، ح ۵.

اگر مقصود نماد قدرت بود، تمام دوران قیام و حکومت ذکر می شد).

دو. معصومین علیهم السلام می توانستند از مدلول سلاح _ که قدرت و قوت است _ یاد کنند.

سه. استفاده از سلاح های ساده همچون شمشیر _ بر خلاف بهره گیری از سلاح های پیشرفته _ عادلانه بودن مبارزه با آن است. استفاده از سلاح های کشتار گروهی، شایسته رهبر آسمانی عدالت گستر نیست؛ چه این که سلاح های کشتار جمعی، علاوه بر انسان های بی گناه، جانوران و طبیعت را نیز از بین خواهد برد.

۲. معنای مجازی و کنایی.

دسته ای دیگر بر این اعتقادند که شمشیر در این روایات، کنایه از قدرت و نیروی نظامی است. این گروه، شواهد متعددی بر این ادعا از ادبیات محاوره ای ذکر می کنند؛ ولی آنچه ایشان را به این قول وادار کرده، پیشرفت روزافزون جنگ افزارها و فناوری دفاعی است. از آن جا که صاحبان این نگرگاه نتوانسته اند بین شمشیر و سلاح های فوق پیشرفته، نسبتی بر قرار کنند، به چنین توجیهی دست زده اند.

آنان شمشیر را نماد قدرت دانسته، می گویند: هر ابزاری که قدرت حضرت را به نمایش بگذارد، می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

افزون بر آنچه یاد شد، ممکن است گفته شود: با تکامل خارق العاده علم در آن زمان، ممکن است سلاح هایی فراهم آید که هرگز در تصور انسان های امروز قابل درک نباشد. بنابراین علم آن به اهلش وا گذاشته شده است.

نیز ن.ک: قیام، ظهور.

سفیانی < خروج سفیانی

سید حسنی < خروج سید حسنی

سیره حکومتی امام مهدی علیه السلام

روش حضرت مه __ دی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ام __ ر حکومت در عصر ظهور

بی گمان سیره حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور دقیق همان سیره حکومتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امام علی علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام است. البته نباید از نگاه دور داشت که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام به دلیل محدودیت ها و موانع تحمیل شده فراوانی، نتوانستند آنچه را در نظر داشتند، پیاده کنند.

از سخنان نورانی معصومان علیهم السلام استفاده می شود تمام محدودیت ها و موانع، از سر راه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برداشته می شود و آن حضرت، سیره معصومان علیهم السلام را تحقق خواهد بخشید. در این باره دو دسته روایت وجود دارد:

دسته ای که می فرماید سیره آن حضـرت، همـان سیـره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام است. این روایات، ناظر بر روش ایشان در امور اجرایی است. امام باقر علیه السلام فرمود:

... آنچه [از بدعت و پیرایه] پیش از او بوده است، از اساس ویران خواهد کرد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عمل کرد، و او اسلام را از نو آغاز خواهد فرمود. (۱)

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

همانا قائم ما اهل بیت، آن گاه که قیام فرماید لباس علی را بر تن خواهد کرد و بر سیره او عمل خواهد نمود. (۲)

دسته دوم، روایات فراوانی است که حاکی از تفاوت سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سیره پیامبر اکرم و امامان علیهم السلام است. زراره از امام باقر علیه السلام پرسید: «آیا او همچون محمد صلی الله علیه و آله و سلم رفتار می کند؟» حضرت فرمود: هرگز! هرگز! ای زراره! رفتار او را پیش نمی گیرد» عرض کردم: «فدایت شوم! برای چه؟» فرمود:

همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در امت خود، چنان رفتار می کرد که توأم با بخشش بود و دل های مردم را به خود جذب می کرد؛ ولی رفتار قائم [به سبب ستم فراوانی که جهان را فرا گرفته] با خشونت و کشتار است؛ زیرا در کتابی که همراه دارد، مأمور شده است که با کشتار رفتار کند و از کسی توبه نپذیرد. وای بر کسی که با او دشمنی کند و به ستیز برخیزد! (۳)

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «آیا سیره قائم، بر خلاف سیره و روش امام علی است؟» حضرت فرمود: «بلی؛ به سبب آن که حضرت علی سیره اش از روی منت و گذشت بود؛ چون می دانست شیعیانش زود مغلوب

ص: ۲۹۴

۱- «يَهْدِيْكُمْ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَيَّرَ رَسُوْلُ اللّٰهِ وَيَسْتَأْنِفُ الْاِسْلَامَ جَدِيْدًا»، نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۵، ح ۱۷؛ ر.ک: شیخ طوسی، تهذیب، ج ۶، ص ۱۵۴؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۶۵.

۲- «... اِنَّ قَائِمَنَا اَهْلَ الْبَيْتِ اِذَا قَامَ لَبَسَ ثِيَابَ عَلِيٍّ وَسَارَ بِسِيْرِهِ عَلِيٍّ»، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۴؛ ج ۶، ص ۴۴۴، ح ۱۵.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۴، ح ۱۴.

خواهند شد؛ اما قائم چون قیام کند، با شمشیر و اسیر گرفتن است؛ چون می داند شیعیانش هرگز مغلوب نخواهند شد.»^(۱)

ص: ۲۹۵

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۳، ح ۴؛ شیخ طوسی، تهذیب، ج ۶، ص ۱۵۴؛ شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۴۹؛ برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۹، ح ۱۱۲۶.

اگرچه برخی در سند و یا دلالت روایات از این دست خدشه‌هایی وارد کرده‌اند، اما آنچه مسلم است این است که آن حضرت، هرگز با دشمنان خداوند سرسازش نخواهد داشت و با آنان به شدت برخورد خواهد کرد.

با توجه به این که تا زمان ظهور، بسیاری از حقایق تابناک اسلام دچار پیرایه و خرافات شده است، وقتی آن حضرت حقیقت اسلام را اظهار می‌کند، عده فراوانی گمان می‌کنند آن حضرت دین جدیدی آورده است. این در حالی است که آن حضرت، فقط دین راستین را اقامه می‌کند. (۱) بنابراین اگر روش آن حضرت با امیر مؤمنان علیه السلام تفاوت کند، تنها به سبب شرایطی است که در آن حکومت جهانی فراهم می‌آید و این شرائط، به دلایلی برای دیگران فراهم نشده بود.

نیز ن.ک: دین در عصر ظهور.

سیصد و سیزده

شمار یاران مهدی علیه السلام هنگام ظهور و قیام جهانی

در روایات فراوانی گفته شده است: «شمار یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۱۳ تن است.» (۲) این عدد نیز مانند بسیاری از اعداد دیگر، دارای رمز و رازهایی است که بر ما پنهان و پوشیده است. با توجه به روایاتی که این عدد در آن‌ها به کار رفته است، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. یاران حضرت طالوت؛ امام باقر علیه السلام ذیل آیه شریفه ((إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي))؛ (۳) فرمود:

همه کسانی که آزمایش شدند تخلف کردند و تنها موفقین از این آزمایش ۳۱۳ تن بودند. (۴)

۲. پیامبران مرسل؛ امام جواد علیه السلام در

ص: ۲۹۶

۱- ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۶، ح ۲.

۲- حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۴؛ سیوطی، عقد الدرر، ص ۵۹.

۳- بقره (۲): ۲۴۹.

۴- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۶، ح ۴۹۸.

نوشته ای به عبدالعظیم حسنی مرقوم فرمود:

خداوند سبحانه و تعالی؛ ۱۲۴ هزار پیامبر فرستاد که پیامبران مرسل از ایشان، ۳۱۳ تن بودند....(۱)

۳. یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر؛ نظر مشهور آن است که یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر، ۳۱۳ تن بوده اند.(۲)

۴. یاران خاص مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور.

در این باره روایات فراوانی وجود دارد که برخی از این قرار است:

امام باقر علیه السلام فرمود:

یاران قائم ۳۱۳ تن هستند، که برخی از فرزندان عجم (غیر عرب) هستند. روز روشن سوار بر ابر آورده می شوند و برخی از آن ها در حالی که در بستر خود خوابیده اند، از آن جا برده می شوند و در مکه بدون وعده قبلی به محضر آن حضرت می رسند.(۳)

امام صادق علیه السلام در توصیف این افراد فرموده است:

گویا به قائم می نگرم که بر منبر کوفه است و اصحابش _ که ۳۱۳ تن و به شمار اصحاب جنگ بدر هستند، اطراف او می باشند. آنان، پرچمداران و حاکمان خداوند بر خلقش در زمین هستند....(۴)

نیز ن.ک: یاران حضرت مهدی علیه السلام

ص: ۲۹۷

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۰۵.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۲۳ و ۳۳۴.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۵.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۵۸، ح ۱۶.

شاهدان ولادت امام مهدی علیه السلام

شیعه، برای اثبات ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ادله فراوانی اقامه کرده است؛ از جمله آن ها گواهی افرادی است که در سخنان خود به حضور هنگام ولادت آن حضرت اشاره کرده اند: امام حسن عسکری علیه السلام در روایات فراوانی، به ولادت فرزند خود اشاره فرموده است. (۱)

نیز حکیمه دختر امام جواد و عمه امام حسن عسکری علیه السلام، _ از زنان والا مقام نزد امامان علیهم السلام و کسی که به دستور امام عسکری علیه السلام، در شب ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور داشت _ روایات ولادت حضرت مهدی علیه السلام را نقل کرده است. (۲)

همچنین نسیم و ماریه دو تن از خدمتگزاران خانه امام عسکری علیه السلام از

ص: ۲۹۹

-
- ۱- ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۱۲؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۴، ح ۲۰۳؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۴، ح ۴، ص ۴۳۱، ح ۸.
 - ۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱؛ همچنین ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۸؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۴۹.

کسانی هستند که در شب ولادت، حضور داشته اند. ایشان گویند: چون صاحب الزمان به دنیا آمد، دو زانو بر زمین نهاد و دو انگشت اشاره را به طرف آسمان بلند کرد. آن گاه عطسه کرد و فرمود:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ (۱). ستمکاران پنداشته اند که حجّت خدا از میان رفته است. اگر برای ما اذن در کلام بود، شک زایل می شد.

نیز ن.ک: ولادت مهدی علیه السلام، حکیمه خاتون.

شرایط ظهور

پدیده هـ ای تحقق بخش ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شرایط ظهور، یعنی زمینه هایی که امکان تحقق ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم می آورد و آن را امری منطقی و لازم می نمایاند. شرایط ظهور، با نشانه های ظهور تفاوت دارد؛ برای مثال وجود شمار کافی از پاکدلان برای آغاز انقلاب جهانی در شمار شرایط ظهور می گنجد؛ ولی ندای آسمانی و خروج سفیانی، از نشانه های آن شمرده می شود. البته هر دو باید پیش از ظهور تحقق یابند؛ (۲) زیرا ظهور، پس از آشکار شدن همه شرایط و نشانه های حتمی آن رخ می دهد؛ و گرنه به تحقق مشروط پیش از وجود شرط و نیز دروغ بودن روایات نشانه های ظهور _ که درستی آن ها به طور متواتر و قطعی احراز شده است _ می انجامد. (۳)

شرایط ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور کامل برای ما روشن نیست؛ اما با بهره گیری از سخنان معصومان علیهم السلام استفاده می شود که بخشی از

ص: ۳۰۰

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۴، ح ۲۱۱؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۵؛ همچنین ر.ک: راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۱۰، ص ۴۵۷، ح ۲.

۲- البته در نشانه های ظهور، لازم نیست که تمام نشانه ها پیش از ظهور باشد؛ بلکه از روایات استفاده می شود بیشتر نشانه ها هم زمان و برخی پس از ظهور رخ خواهد داد؛ از این رو نگارنده به جای نشانه های ظهور، نشانه های قیام را پیشنهاد می کند.

۳- سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، ص ۳۹۵.

بنیادی ترین آن ها عبارت است از:

۱. وجود برنامه و طرحی متعالی که بتواند با ساختار درست، عدل واقعی را در جهان بر پا سازد و سعادت و کمال آدمیان را به ارمغان آورد.

۲. وجود رهبر و هدایتگری بزرگ، شایسته و معصوم که از سوی خداوند سبحان و تعالی منصوب شده است.

۳. وجود گروهی از انسان های پاکدل و فداکار که در اوج تقوا به سر می برند و برای دفاع همه جانبه از برنامه امام معصوم علیه السلام آمادگی دارند.

بی تردید، برای پدید آمدن ظهور، باید این شرایط محقق شود. وحی و روایات متواتر و قطعی بر تحقق یافتن شرط های اول و دوم گواهی می دهد. شرط نخست با بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم محقق شد. شرط دوم نیز با تولد فرزند امام عسکری علیه السلام در سال ۲۵۵ ق تحقق یافت. آنچه تا کنون به وقوع نپیوسته، شرط سوم است. برای تحقق این شرط باید تلاش کرد و در جهت تربیت نفوس خویش و دیگران کوشید.

البته افزون بر شرط های یاد شده، احتمال وجود پاره ای شرایط دیگر نیز قوی می نماید. بی تردید باید همه آن شرایط واقع شود تا زمینه ظهور به طور کامل فراهم آید. برای تسریع در تحقق این شرایط و رخ نمودن روزگار آرمانی ظهور، دعا و تضرع در درگاه احدیت بسیار سودمند است. معصومان علیهم السلام مؤمنان را به دعا در این باره فرمان داده اند.

ناگفته نماند، گاهی اموری چون وضعیت اسفبار و آکنده از ستم جهان نیز از شرایط ظهور شمرده می شود. ممکن است گروهی چنان پندارند که باید در جهت تحقق این شرط کوشید و به ترویج فساد دست یازید تا پرده های غیبت سریع تر کنار رود و ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع شود. در نادرستی این پندار تردید نیست؛ زیرا:

۱. بسیاری از این پدیده ها که ممکن است از شرایط تلقی شوند، در شمار نشانه های ظهور جـ ای دارند و ظهور، بر آن ها متوقف نیست.

۲. شرط ظهور بودن ستم فراگیر، قابل تأمل می نماید و می توان این پدیده را از نشانه های ظهور به شمار آورد حتی اگر آن از شرایط ظهور باشد، در شمار شرایط به معنای مصطلح نمی گنجد؛ زیرا ارتباط آن با ظهور، از نوع ارتباط سبب و مسبب نیست. افزون بر این، حتی اگر ستم فراگیر «شرط اصطلاحی

ظهور» به شمار آید؛ در همگونی آن با دیگر شرط ها و لزوم تلاش برای تحقق آن تردید وجود دارد؛ زیرا شرط قهری و تکوینی است؛ یعنی، جهان به رغم تلاش مؤمنان دلسوز، به سمت ستم فراگیر پیش می رود.

مؤمنان باید وظیفه خویش را انجام دهند و تکلیف الهی اهل ایمان را _ بی آن که در نتیجه بیندیشند _ به جای آورند؛ زیرا نتیجه ندادن و توفیق نیافتن سبب سقوط تکلیف نمی شود.

نیز ن.ک: ظهور، سیصد و سیزده، یاران حضرت مهدی علیه السلام .

شَرِید

از القاب حضرت مهدی علیه السلام

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «شَرِید»، به معنای آواره است. از آن جا که آن بزرگوار در دوران غیبت، منزلی معین، خاص و همیشگی ندارد، به این لقب خوانده شده است.

اصب _ غ _ ب _ ن _ نبات _ ه _ گ _ وید: از امیرمؤمنان علیه السلام شنیدم که می فرمود:

صاحب این امر، شَرِید = [آواره]، طَرِید = [رانده]، فَرِید = [تک] و وَحِید = [تنها] است. (۱)

شَرِیعِیَه

پیروان یکی از مدعیان بابیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شریعیه از غالیان شیعه و پیرو مردی به نام ابو محمد، حسن شریعی بودند. او می گفت: خدای تعالی در کالبد پنج تن داخل شده که عبارتند از: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهما السلام .

شریعیه می پندارند این پنج تن خدایانند و اَضدادی دارند؛ اما درباره آن اَضداد اختلاف کرده اند؛ برخی آن پنج تن را نیکو می شمارند؛ زیرا برتری و ارزش کسانی که خدای در آن حلول کرده است، جز به آن اَضداد شناخته نشود. عده ای گویند: آن ضدها زشت و نکوهیده اند.

شریعی خودش نیز ادعای حلول می کرد و بعد از او مردی از پیروانش به نام نمیر، پنداشت که خدا در کالبد او در آمده است.

ابومحمد حسن شریعی از صحابه ام _ ام _ عل _ ی _ نق _ ی علیه السلام و امام حسن

١- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ١، باب ٢٦، ح ١٣.

عسکری علیه السلام و نخستین کسی بود که بعد از شهادت امام یازدهم، ادعای باییت کرد و به الحاد و کفر منسوب شد. (۱)

وی در ح_____ الی ک_____ ه هیچ گونه

ص: ۳۰۳

۱- ر.ک: نعمت الله صفری فروشانی، غالیان، ص ۱۳۲.

شایستگی برای جایگاه نیابت نداشت، چنین ادعا می کرد. به علاوه بر خدای تعالی دروغ بست و اموری به امامان علیهم السلام نسبت داد که در شأن آنان نبود و آن بزرگواران از آن امور و نسبت ها بیزار بودند. توقیعی از سوی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در لعن او به دست نایب سوم شرف صدور یافت. (۱)

شعبان

شعبان نام ماه هشتم از ماه های قمری است که پس از ماه رجب و پیش از ماه رمضان قرار دارد. به این دلیل که دارای عظمت فراوانی است، از آن به «شعبان المعظم» یاد شده و در روایات فراوانی از معصومان علیهم السلام از آن به بزرگی نام برده شده است. (۲)

مناسبت های فرخنده ای در این ماه وجود دارد که بر عظمت آن افزوده است؛ مانند ولادت با سعادت حضرت حسین بن علی علیهما السلام در روز سوم ایمن ماه، ولادت حضرت ابوالفضل عباس علیه السلام در روز چهارم آن. روز پنجم این ماه نیز پیشوای چهارم شیعیان پای به جهان گذاشته و طبق نقلی علی اکبر فرزند امام حسین علیه السلام در روز یازدهم این ماه دیده به جهان گشوده است.

آنچه جلوه این ماه بزرگ را دوچندان کرده است ولادت آخرین خورشید آسمان امامت حضرت مهدی علیه السلام است. بسیاری از دانشمندان اهل سنت و همه عالمان امامیه، شب نیمه شعبان را وقت ولادت منجی موعود در آخرالزمان ثبت کرده اند. ایشان بر این باورند در سحرگاه نیمه ماه شعبان، آخرین خورشید آسمان ولایت طلوع کرده و عظمت و جلالت خاصی به این ماه بخشیده است. شب نیمه ماه شعبان «لیلها لبرات» نیز نامیده شده است؛ چرا که در آن شب برات آزادی از آتش به اهل طاعت و بندگی عطا می شود. (۳)

نیز ن.ک: نیمه شعبان، ولادت حضرت مهدی علیه السلام، حکیمه

ص: ۳۰۴

۱- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۷؛ محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۲۵۴ و ۲۵۵.

۲- ر.ک: سید بن طاووس، الاقبال، ص ۷۲۳.

۳- ر.ک: صحیح ابن حبان، ج ۱۲، ص ۴۸۱؛ طبرانی، معجم الاوسط، ج ۷، ص ۳۶؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۴۶۴، ح ۷۴۵۰، ۷۴۵۱.

شعیب بن صالح < خروج شعیب بن صالح

شلمغانیه

پیروان یکی از مدعیان دروغین نیابت به نام محمد بن علی شلمغانی

شلمغانیه، پیروان ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن عزافر از فرقه های غالی شیعه اند. (۱)

وی نخست خود را باب امام مهدی نامید، بعد ادعای حلول کرد و گاه خود را روح القدس و مسیح می خواند. عده ای از کاتبان دولت و ثروتمندان و خواص بدو گرویدند. مقصد سیاسی ای ن گـروه، برانداختن عباسیان و طالبیان بود، تا مردم از دست حکمرانانی بالفعل و بالقوه خلاص شوند. گویند: میان پیروان شلمغانی، اباحه و آزادی جنسی رایج بود؛ قرآن را تأویل می کردند و بهشت را به معنای شناخت و گرایش به آیین شلمغانی و دوزخ را عکس آن می دانستند. تکالیف اسلامی را به جای نمی آوردند و همچون «سبعیه» به هفت عالم و هفت آدم قائل بودند. گویند: شلمغانی، دختر عثمان بن سعید را رجعت فاطمه می خواند و می گفت: روح پیغمبر در عثمان بن سعید (از نواب اربعه) حلول کرده است. وی می گفت: «من و حسین بن روح وقتی داخل این کار شدیم، می دانستیم در چه امری وارد می شویم.» حسین بن روح، شیعیان را از او بـرحـذر داشت و توقـیع صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در نفرین شلمغانی و چند مدعی دیگر بابت بیرون آمدن. با اعدام شلمغانی در ۳۲۲ ق نحل او هم به طور ظاهر از میان رفت و حتی یکی از مریدانش در همان جلسه محاکمه، سیلی به صورتش نواخت؛ اما عده ای از بقایای شلمغانیه گرد شخصی «بصری» نام ـ که مدعی بود روح شلمغانی در وی حلول کرده است، جمع شدند و چون وی به سال ۳۴۰ ق وفات یافت، به دستور مهلبی وزیر، جانشین وی بازداشت و خانه هایشان بازرسی شد. کتاب هایی در عقاید آن جماعت به دست آمد و معلوم شد جوانی از ایشان مدعی است روح علی علیه السلام در وی حلول کـرده و زنـی مدعی است روح فاطمه علیها السلام در

ص: ۳۰۵

وی حلول کرده است: و یکی از وابستگان بنی بسطام نیز از آن جماعت مدعی است: روح میکائیل در وی حل—ول
ک—رده است. مه—لیبی

می خواست آن ها را مجازات کند؛ اما آن ها ن—زد معزالدوله بویه ای چنین وانمودند که شیعه اند و مهلبی برای آن که
متهم به ضدیت با تشیع نشود، دیگر پی گیر آن ها نشد. (۱) و (۲).

شمائل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مجموع روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام، که شمایل و اوصاف حضرت مهدی عجل الله
تعالی فرجه الشریف را بیان کرده است می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. روایاتی که شمایل آن حضرت را پس از ولادت و دوران کودکی توصیف کرده است.

۲. حکایاتی که ملاقات کنندگان با آن حضرت در طول دوران غیبت، ذکر کرده اند.

۳. اح—ادیث—ی ک—ه ب—ه نق—ل از معصومان:، شمایل و ویژگی های جسمانی آن حضرت را هنگام ظهور و
حکومت او بیان کرده است.

۱. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ولادت و دوران کودکی

ضوء بن علی از مردی از اهل فارس، حکایتی نقل و در ضمن آن، برخی از اوصاف حضرت را در نوزادی بیان کرده است: ...
پسر بچه ای سفید و زیبا روی بود ... مویی از بالای سینه او تا ناف، به رنگ سبز— نه سیاه— روئیده بود (۳)

یعقوب منقوش گوید:

خدمت امام حسن عسکری ۷ وارد شدم. داخل حیاط بر سکویی نشسته بود. سمت راستش اتاقی قرار داشت و بر آن پرده ای
آویخته بود. گفتم: «ای سید من! صاحب امر امامت، بعد از شما کیست؟» فرمود: «این پرده را بالا بزن» آن را بالا زدم؛ پسر بچه
ای به قامت پنج و جب که به نظر می آمد هشت الی ده سال داشت، بیرون آمد؛

ص: ۳۰۶

۱- ر.ک: کتاب الغیبه، ص ۲۴۱؛ الفرق بین الفرق، ترجمه: محمد جواد مشکور، ص ۱۹۱.

۲- ر.ک: جمعی از نویسندگان، دایره المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۴۴.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵، باب ۴۳، ح ۴.

با پیشانی درخشان، روی سفید، دو چشم براق، دو کتف ستبر و دو زانوی برگشته؛ در گونه راستش خالی و در سرش گیسوانی بود. بر زانوی پدر خود ابو محمد علیه السلام نشست؛ پس به من فرمود: «این است صاحب الامر شما».(۱)

۲. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت

این دسته حکایات را می توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف. حکایت هاتی که شمایل آن حضرت را در دوران غیبت صغرا توصیف کرده است.(۲) در این گروه، گاهی وی ژگی ه ای جسمانی آن حضرت، مانند پدر بزرگوارشان دانسته شده(۳) و در برخی موارد نیز به صورت جزئی تر، مورد اشاره قرار گرفته است.

از اوصاف آن حضرت در این دوران می توان به موارد ذیل اشاره کرد: صورتی گندمگون،(۴) گردنی بسیار زیبا،(۵) دارای قامتی نه بسیار بلند و نه چندان کوتاه، پیشانی بلند، چهار شانه، بینی کشیده، بر روی گونه راستش خالی زیبا و....(۶)

ب. حکایاتی که سخن از شمایل آن حضرت در دوران غیبت کبرا به میان آورده است.(۷)

۳. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور

در بعضی از روایات، شمایل حضرت، به هنگام ظهور، قیام و عصر حکومت ذکر شده است.(۸) یکی از مهم ترین ویژگی های آن حضرت در این دوران، توان فوق العاده جسمانی ایشان است. امام رضا علیه السلام فرمود:

... قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف آن است که چون ظهور

ص: ۳۰۷

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۷۸، ح ۱؛ رک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۱۴، ح ۲.
۲- این دسته حکایات کم و بیش در دست است؛ اما در کمتر حکایتی به روشنی از ویژگی های آن حضرت صحبت شده است.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲.

۴- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۵۷.

۵- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۵.

۶- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۶۶.

۷- البته قبول این اوصاف، منوط به این است که اساساً ادعای ملاقات با آن حضرت در دوران غیبت کبرا پذیرفته شود. افزون بر آن، در بیشتر آن حکایات به روشنی به اوصاف حضرت اشاره ای نشده است.

۸- ر.ک: سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۵۷؛ السنن الواردة فی الفتن، ص ۹۴، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۶.

کند، در سن پیران است و سیمای جوان دارد. نیرومند باشد، تا جایی که اگر به بزرگ ترین درخت زمین دست اندازد، آن را از جا بکند و اگر میان کوه ها نعره کشد، سنگ های آن ها را از هم بپاشد. (۱)

امیرمؤمنان علی ۷ در باره برخی از ویژگی های جسمانی ایشان در عصر ظهور فرمود:

مردی از فرزندانم در آخرالزمان ظهور می کند. رنگش سفید آمیخته به سرخی و شکمش برآمده است. دو رانش ستبر و هر دو شانه اش قوی است. در پشتش دو خال است (مانند مهر)؛ یکی به رنگ پوستش و دیگری چون مهر نبوت پیغمبر. (۲)

آن حضرت همچنین فرمود:

... او مردی بلند پیشانی و دارای بینی باریکی است که میانش اندک برآمدگی دارد. برآمده شکم و دارای ران های درشت و پهن است. بر ران راست او خالی قرار دارد. میان دو دندان پیشین او، گشاده است.... (۳)

امام باقر ۷ نیز در وصف آن حضرت فرمود:

... او شخصی سرخ و سفید و دارای چشمانی گرد و فرورفته است. ابروانی پرپشت و برجسته و شانه ای پهن دارد.... (۴)

حضرت علی ۷ فرمود:

مهدی، دارای چشمانی سیاه و درشت است. موهایش مجعد است و

ص: ۳۰۸

۱- «... وَإِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَمَنْظَرِ الشُّبَّانِ قَوِيًّا فِي بَيْدِنِهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَتْ صِيحُورُهَا...»، رك: محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۱، ص ۵۱۴، ح ۲؛ شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸، ح ۷.

۲- «يُخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أبيضُ اللَّوْنِ مُشْرَبٌ بِالْحُمْرِ مَبْدُوحُ الْبَطْنِ عَرِيضُ الْفَجْدَيْنِ عَظِيمُ مَشَاشِ الْمَنَكِبِينَ بَظْهِرِهِ شَامَتَانِ: شَامَةٌ عَلَى لَوْنِ جِلْدِهِ وَ شَامَةٌ عَلَى شَبِّهِ شَامَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ...»، شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۳، ح ۱۷.

۳- «... وَهُوَ رَجُلٌ أَجَلَى الْجَبِينِ، أَقْنَى الْأَنْفِ، ضَخْمُ الْبَطْنِ، أَرْيَلُ الْفَجْدَيْنِ بِفَجْدِهِ الْيَمْنَى شَامَةٌ، أَفْلَحُ الثَّنَائِيَا، وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا»، نعماني، الغيبة، ص ۲۱۴، ح ۲.

۴- نعماني، الغيبة، ص ۲۱۵، ح ۳.

خالی بر گونه دارد...» (۱)

آن حضرت در هیئت کمال جوانی ظهور خواهد کرد؛ چنان که امام باقر ۷ فرمود:

مهدی، در حالی قیام خواهد کرد که یک تار موی سفید، در سر و محاسن او دیده نمی شود. (۲)

همین معنا در کلام نورانی امام مجتبی ۷ آمده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سن و سالی کمتر از چهل، ظهور خواهد کرد. (۳)

شمشیر < سلاح مهدی علیه السلام

شهادت امام مهدی علیه السلام < فرجام حضرت مهدی علیه السلام

شیخیه

فرقه ای منحرف در مهدویت، از پیروان احمد احسائی و بستر پیدایش بایه

شیخیه، فرقه ای جداشده از شیعیان دوازده امامی است که بـ اساس آموزه هـ ای شیخ احمد داحسـ ائی (۱۱۶۶ _ ۱۲۴۱ق)، در نیمه اول قرن سیزدهم پدید آمد. اساس این اندیشه، بر ترکیب برخی از افکار عرفانی و عقاید غالیان با اخبار آل محمد علیهم السلام پایه گذاری شده است. آموزه های ویژه بنیانگذار این فرقه، غیر از آن که مایه انشعاب داخلی فرقه شد، زمینه ساز پیدایش دو فرقه منحرف باییت و بهائیت نیز گردید.

شیخ احمد، مشهور به احسائی، فرزند زین الدین بن ابراهیم در رجب ۱۱۶۶ ق، در منطقه احساء در شرق عربستان چشم به جهان گشود و در ذیقعدۀ سال ۱۲۴۱ ق به دیار باقی شتافت. وی، در سال ۱۱۸۶ ق برای تحصیل علم رهسپار عتبات شد. او افزون بر فقه و اصول و حدیث، در طب و نجوم و ریاضی قدیم و علم حروف و اعداد و طلسمات و فلسفه مطالعاتی داشته است.

شیخ احمد در سال ۱۲۲۱ ق عازم زیارت مشهد رضوی شد و در راه بازگشت، در یزد توقفی کرد. اهل یزد، از او استقبال گرمی به عمل آوردند و وی به اصرار ایشان، در یزد مقیم شد و شهرت بسیاری کسب

ص: ۳۰۹

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۴، ح ۱۴.

۲- نعمان بن محمد، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۳۸۰.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵.

در این زمان که آوازه احساسی در ایران پیچیده بود، فتحعلی شاه قاجار از وی برای اقامت در تهران، دعوت به عمل آورد. احساسی ابتدا دعوت شاه را نپذیرفت؛ اما سرانجام به تهران رفت؛ ولی اصرار شاه را مبنی بر مقیم شدن در تهران نپذیرفت و در سال ۱۲۲۳ ق همراه خانواده اش به یزد بازگشت.

احساسی در سال ۱۲۲۹ ق در راه زیارت عتبات، به کرمانشاه وارد شد و با استقبال مردم و حاکم کرمانشاه روبه رو شد. که وی را به اقامت راضی

ص: ۳۱۰

۱- ر.ک: عبدالله احساسی، شرح احوال شیخ احمد احساسی، ترجمه: محمد طاهر کرمانی، ص ۱۹ _ ۲۳.

کرد. اقامت او در کرمانشاه ده سال طول کشید. شیخ احمد در سال ۱۲۴۱ ق راهی مکه شد؛ اما در دو منزلی مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع دفن گردید. (۱)

مقام علمی و اجازه روایت

شیخ احمد، تا بیست سالگی در احساء علوم دینی متداول را فرا گرفت؛ اما از زندگی تحصیلی وی چی_زی در دسترس نیست. ب_رخ از شیخی مذهبان بر این عقیده اند که وی در مراحل بعد، استاد خاصی نداشت و استفاده های او، از مجالس درس عالمان، تحصیل به معنای متعارف نبود؛ به ویژه آن که او در جایی از آثارش، با کسی با عنوان استاد، استناد نکرده است. (۲)

احسایی در سال ۱۱۸۶ ق، مقارن با آشوب های ناشی از حملات عبدالعزیز حاکم سعودی به «احساء»، به کربلا- و نجف مهاجرت کرد و در درس دانشورانی چون سید مهدی بحرالعلوم و آقا محمد باقر وحید بهبهانی، حضور یافت و در مدمت اقامت در عتبات، اجازه های پرشماری گرفت. (۳) مهم ترین مشایخ اجازه روایی شیخ احمد احسایی عبارتند از: سیدمهدی بحرالعلوم، میرزا محمد مهدی شهرستانی، آقا سید علی طباطبایی (معروف به صاحب ریاض)، شیخ جعفر کاشف الغطاء، و شیخ حسین آل عصفور. (۴)

احسایی، شاگردان بسیار داشت که از میان ایشان، سید کاظم رشتی (۱۲۱۲_ ۱۲۵۹ ق)، پس از وفات او در گسترش و ترویج افکار او، کوشید و جانشین وی بود. (۵)

شیخ احمد احسایی، گرچه به وارستگی و علم ستوده شده است، آرا و نظریاتش، از خطا مصون نبود و برخی از عالمان معروف آن عصر، با انتقاد جدی از اندیشه ها و لغزش های وی، او را غالی، منحرف و حتی کافر

ص: ۳۱۱

۱- عبدالله احسایی، شرح احوال شیخ احمد احسایی، ترجمه: محمد طاهر کرمانی، ص ۲۶ _ ۴۰.

۲- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۶۶۲.

۳- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۶۶۳ به نقل از: حسین علی محفوظ، اجازات الشیخ احمد الأحسایی، ص ۳۷ _ ۴۰.

۴- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۶۶۳ به نقل از: علی بحرانی، انوار البدرین، به کوشش محمد علی طبسی، ص ۴۰۶

_ ۴۰۷؛ احمد احسایی، چند اجازه، ص ۱ و ۲، ۷؛ سید کاظم رشتی، دلیل المتحیرین، ص ۵۱ _ ۵۵.

۵- ر.ک: ابوالقاسم ابراهیمی، فهرست کتب مشایخ عظام، ص ۱۱۵ و

خواندند. در قزوین، ملا محمد تقی برغانی شیخ احمد را به دلیل دیدگاه وی درباره معاد جسمانی تکفیر کرد. شیخ احمد معتقد بود انسان با جسم این جهان وارد قیامت نشده، بلکه با جسم هورقلیایی از قبر بیرون می آید. حکم تکفیر شیخ، در ایران، عراق و عربستان، نشر یافت.

شاخص اندیشه غلوآمیز او که باعث تکفیر وی از سوی دانشمندان دیگر شهرها شد، این است که وی امامان معصوم علیهم السلام را علل اربعه کائنات (علت فاعلی، مادی، صوری و غایی) معرفی می کند. (۱) چنین دیدگاه غلوآمیزی، علاوه بر آن که خود گناه بزرگی است، زمینه پیدایش افکار دیگری (مثل ادعای الوهیت، تجلی ذات حق، و حلول حق تعالی در افراد و...) شده است.

پیروان این فرقه مجموعاً از مردم بصره، حلّه، کربلا، قطیف، بحرین و بعضی از شهرهای ایران بودند. (۲)

سید کاظم رشتی، جانشین احساسی

سید کاکاظم رشتی از سادات مهجر حجاز به رشت در سال ۱۲۱۲ ق در رشت به دنیا آمد. او در جوانی در یزد به شیخ پیوست و همیشه ملازم او بود. شیخ احمد احساسی پیش از وفات خود، سید کاظم رشتی را جانشین خود ساخت. پیروان وی نیز بی هیچ اختلاف، سید را به پیشوایی خویش پذیرفتند.

طایفه شیخی که در احترام قبور امامان معصوم، غلو داشتند، بالای ضریح حسینی، نماز نمی گذاردند و آن مکان را فوق العاده تقدیس می کردند. مخالفان آنان از روحانیان شیعه و پیروان آنان که در بالای سر ضریح امام حسین علیه السلام نماز می خواندند در مقابل شیخی، بالاسری نامیده شدند.

دوره ریاست سید رشتی، شانزده سال طول کشید. طایفه شیخی، همه جا، طبق تعلیمات شیخ احمد و سید کاظم، معالم دین خود را به جای می آوردند و خود را از دیگر فرقه های شیعه ممتاز می دانستند. سید رشتی، زمانی به جای استاد نشست که کمتر از سی سال سن داشت. وی، به سبب نطق و قلم و

ص: ۳۱۲

۱- ر.ک: شیخ احمد احساسی، شرح الزیارة الجامعه الکبیره، ج ۳، ص ۶۵، ۲۹۶ - ۲۹۸ و ج ۴، ص ۴۷ و ۴۸، ۷۸.

۲- ر.ک: شریف یحیی الامین، معجم الفرق الاسلامیه، ص ۱۴۹.

تصنیف و تألیف کتاب، عهده دار انتشار افکار استاد خود شد. او، در تمام مدت پیشوایی خود، به ایران سفر نکرد و مرکز خود را همان عتبات عالیات قرار داد و از آن جا، با هند و ممالک عثمانی و حجاز، رابطه داشت. و در سال ۱۲۵۹ ق در کربلا از دنیا رفت.

یکی از شاگردان وی، حاج محمد کریم خان قاجار (۱۲۲۵-۱۲۸۸ ق) مؤسس فرقه شیخیه کرمانیه است. سید علی محمد شیرازی، معروف به «باب» نیز از شاگردان سید کاظم رشتی است. برخی علمای آذربایجان نیز نزد شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی شاگردی کرده و شیخیه آذربایجان را تأسیس کردند. خانواده های ثقه الاسلام، حجه الاسلام و احقاق، سه طایفه معروف شیخیه آذربایجان هستند. میرزا موسی احقاقی و فرزندانش، ریاست شیخیه آذربایجان را عهده دار بودند و به نقد تفکرات شیخیه کرمانیه و بایه و بهائیت پرداختند. اکنون مرکز این گروه، کویت است و فرق چندانی با امامیه ندارند.

بدعت رکن رابع

از موضوعات جنجال برانگیز در عقاید شیخیه، اعتقاد به رکن رابع است. (۱) اکثرأً، آن را به سید کاظم رشتی نسبت می دهند. مقصود از رکن رابع، آن است که میان شیعیان، شیعه کاملی وجود دارد که واسطه فیض میان امام عصر علیه السلام و مردم است. آنان، اصول دین را چهار چیز می دانند: توحید، نبوت، امامت و رکن رابع. آنان، معاد و عدل را از اصول عقاید نمی شمارند؛ زیرا اعتقاد به توحید و نبوت، خود مستلزم اعتقاد به قرآن است و چون در قرآن عدالت خدا و معاد ذکر شده است، لزومی ندارد این دو اصل را کنار توحید و نبوت قرار دهیم. همان گونه که ملاحظه شد، این عقیده، بر خلاف عقاید شیعه است و مسلمانان، به طور عموم، معاد را از اصول دین می دانند.

طرح رکن رابع، سبب اختلاف و انشعاب در شیخیه گردید و پس از اندکی، دستاویزی برای ادعای جدید به نام باییت شد. ادعای باییت از

ص: ۳۱۳

سوی یکی از شاگردان سید کاظم رشتی صورت گرفت که خود، سرآغاز فساد بزرگ میان مسلمانان به شمار می رود.

ادعای دروغین «باییت»، از زمان امامان علیهم السلام تا قرن حاضر، کم و بیش رواج داشته است؛ اما هیچ یک از مدعیان دروغین آن، به اندازه علی محمد باب، جامعه اسلامی را به انحـراف نکشـاند. عـلاوه بـر آن _ چنان که گفته شد _ علی محمد باب، غیر از ادعای دروغین باییت، ادعای دیگری مطرح کرد که زمینه ساز فرقه دیگری به نام «بهائیت» شد.

نیز ن.ک: باییه، بهائیه.

شیطان < کشته شدن شیطان

شیصبانی < خروج شیصبانی

شیعه

پیروان علی علیه السلام و اولاد ایشان

شیعه، فرقه یا گروهی را گویند که امر یگانه ای داشته باشند. شیعه الرجل؛ یعنی، دوستان و یاران مرد. جمع آن اشیاع و شیعی به معنای مثل و مانند و فرقه ها نیز آمده است. (۱) و اثره شیعه به صورت مفرد چهار بار در قرآن آمده است. (۲)

شیعه در اصطلاح به پیروان حضرت علی علیه السلام و خاندانش و کسانی گفته می شود که به جانشینی بلافصل آن حضرت بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و نص ولایت او در غدیر خم از طرف پیغمبر معتقد می باشند. در سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی و دیگر امامان علیهم السلام و نویسندگان کتاب های ملل و نحل، این کلمه به کار رفته است.

جابر بن عبدالله انصاری گوید:

پیش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودم که علی علیه السلام از دور نمایان شد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «سوگند به کسی که جانم به دست او است! این شخص و شیعیانش، در قیامت رستگار خواهند بود.» (۳)

ابن عباس نیز گوید:

وقتی آیه ((إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ

ص: ۳۱۴

٢- ر.ك: سورة مریم (١٩): ٦٩؛ قصص (٢٨): ١٥؛ صافات (٣٧): ٨٣.

٣- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ٣٥، ص ٣٤٥، ح ٢٠.

خَيْرُ الْبَرِيَّةِ)) (۱) نازل شد، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام فرمود: «مص داق ای ن
آی ه، تو و

ص: ۳۱۵

۱- سوره بینه (۹۸): ۷.

شیعیان می باشید که در قیامت خشنود خواهید بود و خدا هم از شما راضی است.»(۱)

روایات پرشمار دیگری نظیر روایت یادشده از بزرگان اهل سنت مانند طبرانی، احمد بن حنبل و دارقطنی به وسیله ابن حجر، ابن اثیر، سیوطی و دیگران نقل شده است. حضرت علی علیه السلام در نامه ای می نویسد:

«این نـ از بنده خـ دا، علی امیرالمؤمنین است به شیعه خود از مؤمنان و مسلمانان؛ چه خدا می گوید: ((وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ)) (۲) و آن، نامی است که خدای متعال آن را در قرآن شرافت بیان داده است، و شما شیعه پیامبر، محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستید؛ چنان که ابراهیم نیز از شیعیان او است، نامی است غیر مختص و امری سابقه دار است.»(۳)

شیخ مفید، به سند خود از امام باقر علیه السلام از ام سلمه نقل می کند که گفت:

از رسول خدا شنیدم فرمود:

بی گمـ ان علی و شیعه او رستگار می باشند.

و به اسناد خود، سه حدیث دیگر در همان فصل در این باره نقل کرده است.(۴)

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در منابع مختلف _ از جمله نهج البلاغه _ چند روایت در ایـ ن باره نقل شده است.

به هـ ر حـ ال، عنوان شیعه برای پیروان علی علیه السلام مشهور شده و این عنوان، ویژه کسانی شد که به امامت علی علیه السلام و جانشینی او پس از پیامبر باور دارند، و امامت یازده نفر از فرزندان معصومش را که آخرین آن ها حجت بن الحسن علیه السلام است، معتقدند و به کسانی که دارای چنین عقیده ای باشند، شیعه اثنی عشری و شیعه امامیه اطلاق می شود.

نیز ن.ک: اثنی عشری.

ص: ۳۱۶

۱- ر.ک: سیوطی، الدرالمثور، ج ۱۱، ص ۳۷۹.

۲- سوره صافات (۳۷): ۸۳.

۳- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳، ص ۷.

۴- شیخ مفید، الارشاد، ص ۲۵.

از لقب های حضرت مهدی علیه السلام

یکی از لقب های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «صاحب الامر» است. امام صادق علیه السلام درباره اتفاقات هنگام ظهور می فرماید:

... در این زمان، هر کس از فرزندان علی علیه السلام که در مدینه است، به مکه می گریزد و به صاحب امر می پیوندد و او به سوی عراق روی می آورد.... (۱)

همه امامان علیهم السلام صاحب امر امامت بوده اند؛ ولی به سبب عظمت امر امامت و قیام آن حضرت، این لقب درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متداول تر است.

ریان بن صلت گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: «آیا شما صاحب الامر هستید؟» فرمود:

من صاحب الامر هستم؛ اما نه آن کسی که زمین را از عدل آکنده

ص: ۳۱۷

۱- «...يَوْمَئِذٍ مَنْ كَانَ بِالْمَدِينَةِ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ إِلَى مَكَّةَ فَيَلْحَقُونَ بِصَاحِبِ الْأَمْرِ وَيَقْبَلُ صَاحِبُ الْأَمْرِ نَحْوَ الْعِرَاقِ...»، نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۰، باب ۱۴، ح ۴۳.

سازد؛ همان گونه که پر از جور شده باشد. چگونه او باشم؛ در حالی که سستی بدن مرا می بینی و قائم کسی است که در سن پیران و منظر جوانان قیام می کند.... (۱)

البته آنچه بیشتر در روایات آمده «صاحبُ هذا الامر» است؛ ولی رفته رفته این ترکیب به «صاحب الامر» تبدیل شده و یکی از القاب آن حضرت شمرده شده است.

نیز ن.ک: القاب حضرت مهدی علیه السلام .

صاحب الدار

از لقب های حضرت مهدی علیه السلام

در روایات، صاحب الدار لقب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است. مقصود از «دار» (= خانه)، خانه پدری و جدّ آن حضرت است که آن جا غایب شده است. از آن جا که ذکر نام آن حضرت، در آن دوران جایز نبود، برای اشاره به آن حضرت، از انواع کنایه ها استفاده شد که از جمله «صاحب الدار» است.

اسحاق بن یعقوب می گوید: «از محمد بن عثمان عمری خواستم نامه ای که در آن، پرسش های سختی را مطرح کرده بودم، به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برساند. پس توقیعی به خط مولایمان «صاحب الدار» صادر شد....» (۲)

صاحب الزمان

از لقب های حضرت مهدی علیه السلام

از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «صاحب الزمان» است. این لقب، در متن روایات کمتر ذکر شده است؛ ولی در سخن یاران، راویان و شیعیان، فراوان به کار رفته است. (۳)

امام صادق علیه السلام فرمود:

و آخرین آن ها قائم به حق،

ص: ۳۱۸

۱- «أنا صاحبُ هذا الامرِ وَلَكِنِّي لَسْتُ بِالَّذِي أَمْلأها عَيْدًا كما مُلِئْتُ جَوْرًا، وَكَيْفَ أَكُونُ ذَلِكُ عَلَي ما تَرَى مِنْ ضَعْفِ بَيْدَنِي،

وَإِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَمَنْظَرِ الشَّبَابِ...»، شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، باب ٣٥، ح ٨.

٢- شيخ طوسي، كتاب الغيبه، ص ٢٩٠؛ ص ٣٦٢؛ محمد باقر مجلسي، بحار الانوار، ج ٥١، ص ٣٤٩.

٣- شيخ طوسي، كتاب الغيبه، ص ٢٤٤، ح ٢١١ و ص ٢٧١، ح ٢٣٧.

بقیه‌الله در زمین و صاحب الزّمان است. (۱)

فضل بن شاذان در کتاب فضایل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است:

هر کس دوست دارد خداوند سبحانه و تعالی را در حال کمال ایمان و حسن اسلام ملاقات کند، پس باید حجت، صاحب الزّمان، قائم، منتظر و مهدی را دوست داشته باشد. (۲)

هر یک از امامان علیهم السلام، صاحب زمان خویشند؛ ولی به اعتبار طول عمر فراوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و این که مدت زمانی بیش تر از سایر امامان علیهم السلام زندگی کرده است، آن حضرت بیشتر به این لقب شهرت یافته است.

صاحب السیف

از لقب های حضرت مهدی علیه السلام

از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در روایات معصومان علیهم السلام به آن اشاره شده «صاحب السیف (صاحب شمشیر) است. درباره سلاح حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور، صراحتی وجود ندارد؛ ولی ممکن است این گونه روایات را حمل بر ظاهر کرد؛ یعنی آن حضرت، با همان سلاح های متداول عصر بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ظهور خواهد فرمود. در این صورت، «صاحب السیف» در معنای حقیقی خود به کار می رود؛ اگر چه می توان آن را کنایه از «صاحب القدره والعظمه» دانست و «سیف» را در این جا به معنای ابزار غلبه و قدرت معنا کرد.

در کتاب کافی نقل شده است: وقتی از امام صادق علیه السلام درباره قائم علیه السلام پرسیدند، آن حضرت فرمود:

همه ما قائم به امر خداییم؛ یکی پس از دیگری، تا زمانی که صاحب شمشیر بیاید. چون صاحب شمشیر آمد، امر و دستوری غیر از آنچه بوده است، می آورد [= پدرانش مأمور به تقیه و صبر بودند و او مأمور به جهاد

ص: ۳۱۹

۱- «... وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَصَاحِبُ الزَّمَانِ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲۳.

۲- «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَقَدْ كَمَّلَ إِيْمَانَهُ وَ حَسَنَ إِسْلَامَهُ فَلْيُؤَالِ الْحُجَّةَ صَاحِبَ الزَّمَانِ الْقَائِمَ الْمُتَنَتِّزَ الْمَهْدِيَّ...»، شاذان بن جبرئیل، الفضایل، ص ۱۶۶.

گفتنی است این لقب، همانند بسیاری از القاب دیگر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ویژه آن حضرت نیست و سایر امامان علیهم السلام نیز به این عنوان ملقب بوده اند. در این باره حکم بن ابی نعیم گوید: در مدینه خدمت امام باقر علیه السلام رسیده و عرض کردم: «من بین رکن و مقام نذر کرده و به عهده گرفته ام که اگر شما را ملاقات کنم، از مدینه بیرون نروم، تا زمانی که بدانم قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستید یا نه؟» حضرت هیچ پاسخی به من نفرمود. سی روز در مدینه بودم. سپس در بین راهی به من برخورد کرد و فرمود: «ای حکم! هنوز این جایی؟» گفتم: «آری؛ من نذر خود را عرض کردم و مرا امر و نهی نکرده و پاسخی نفرمودید.» فرمود: «فردا صبح زود به منزل من بیا.» فردا خدمتش رفتم؛ فرمود: «مطلبت را پرس.» عرض کردم: «من بین رکن و مقام، نذر کرده و روزه و صدقه ای برای خدا به عهده گرفته ام که اگر شما را ملاقات کردم، از مدینه بیرون نروم؛ جز آن که بدانم آیا شما قائم آل محمد هستید یا نه؟ اگر شما هستید، ملازم خدمتتان باشم و اگر نیستید، روی زمین بگردم و در طلب معاش برآیم.» فرمود: «ای حکم! همه ما قائم به امر خدا هستیم.»

عرض کردم: «شما مهدی هستی؟»

فرمود: «همه ما به سوی خدا هدایت می کنیم.»

عرض کردم: «شما صاحب شمشیری؟»

فرمود: «همه ما صاحب شمشیر و وارث شمشیریم [شمشیر پیغمبر، به ما به ارث رسیده و همراه ما است.]»

عرض کردم: شما هستید آن که دشمنان خدا را می کشد و دوستان خدا به وسیله او عزیز می شود و دین خدا آشکار می گردد؟

فرمود: «ای حکم! چگونه من او باشم، در صورتی که به چهل و پنج رسیده ام؛ حال آن که صاحب این امر از من به دوران شیرخواری

ص: ۳۲۰

۱- «كَلْنَا قَائِمًا بِأَمْرِ اللَّهِ وَاحِدًا بَعِيدًا وَاحِدًا حَتَّى يَجِيءَ صَاحِبُ السَّيْفِ فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ»، محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۱، ص ۵۳۶، ح ۲.

نزدیک تر و هنگام سواری چالاک تر است.»(۱)

نیز ن.ک: سلاح حضرت مهدی علیه السلام، قیام

صاحب الغیبه

از لقب های حضرت مهدی علیه السلام

در برخی روایات، از این لقب، برای معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اثبات غیبت برای آن بزرگوار استفاده شده

ص: ۳۲۱

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۶، ح ۱.

است. امام رضا علیه السلام فرمود:

... و او است صاحب غیبت قبل از ظهورش.... (۱)

همچنین از امام حسین علیه السلام نقل شده است:

قائم این امت، نهمین از فرزندان من است و او صاحب الغیبه است.... (۲)

البته احتمال دارد مقصود از این ترکیب، لقب نباشد؛ بلکه ترجمه آن، مورد نظر باشد؛ یعنی کسی که دارای غیبت است. احتمال دیگر این که این لقب نیز مانند بعضی از القاب، برای تقیّه به کار می رفته است.

نیز ن.ک: غیبت حضرت مهدی علیه السلام، غیبت صغرا، غیبت کبرا.

صاید بن صید < خروج دجال

صقیل < مادر مهدی علیه السلام

صیحه آسمانی < ندای آسمانی

ص: ۳۲۲

۱- «... وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبِ قَبْلَ خُرُوجِهِ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲، ح ۵.

۲- «قَائِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبِ...»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷.

محل زندگی برخی یاران حضرت مهدی علیه السلام

در روایات، آن جا که سخن از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور است، نام منطقه جغرافیایی «طالقان» به چشم می خورد. منظور از طالقان، چه منطقه ای بین مرو و بلخ باشد و یا شهـری میـان قـزوین و ابهر،^(۱) خاستگـاه بـرخی یـاران حضرت مهدی علیه السلام یاد شده است. در منابع اهل سنت از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود:

خوش به حال طالقان! خداوند سبحانه و تعالی دارای گنج هایی در آن جا است که نه از طلا است و نه از نقره؛ اما در آن خطه، مردانی هستند که خدا را آن گونه شناخته اند که شایسته معرفت است، و آنان، یاران مهدی علیه السلام در آخرالزمان می باشند.^(۲)

همین روایت به گونه ای دیگر در منابع شیعه نیز آمده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

گنجی در طالقان هست که از طلا و

ص: ۳۲۳

۱- معجم البلدان، ج ۴، ص ۶.

۲- سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۲؛ کنز العمال، ج ۷، ص ۲۶۲.

نقره نیست، و پرچمی است که از روزی که آن را پیچیده اند برافراشته نشده است و مردانی هستند که دل های آن ها مانند پاره های آهن است شکی در ایمان به خدا در آن راه نیافته و در طریق ایمان از سنگ محکم تر است. اگر آنها را وادارند که کوه ها را از جای بکنند، از جای کنده و از میان بر می دارند. لشکر آن ها قصد هیچ شهری نمی کنند جز اینکه آن را خراب می نمایند. اسب های آن ها زین های زرین دارند، و خود آنها برای تبرک بدن خود را بزین اسب امام می ساینند، آن ها در جنگ ها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می کنند، و هر کاری داشته باشد برایش انجام می دهند. مردانی در میان آن ها است که شب ها نمی خوابند زمزمه آن ها در حال عبادت همچون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغولند، و روزها سواره به دشمن حمله می کنند. آنها در وقت شب راهب و هنگام روز شیرند. آن ها در فرمانبرداری امام بیش از کنیز نسبت به آقايش پافشاری دارند آن ها مانند چراغ های درخشانند، و دل هاشان همچون قندیل هاست، و از خوف خدا خشنود می باشند. آن ها ادعای شهادت دارند و تمنا می کنند که در راه خداوند کشته گردند. شعار آنان اینست: «ای خون خواهان حسین» از هر جا می گذرند، رعب آنها پیشاپیش آنان به اندازه یک ماه راه در دل های جای می گیرد، و بدین گونه رو به پیش می روند، خداوند هم پیشرو به سوی حق و حقیقت را پیروز می گرداند. (۱)

برخی، طالقان را منطقه ویژه ای دانسته اند؛ ولی گروهی نیز آن را به منطقه بسیار وسیعی همانند ایران معنا کرده اند. (۲) از روایت ذکر شده در منابع اهل سنت استفاده می شود که آنان اصحاب و یاران ویژه آن حضرت هستند؛ زیرا در روایت، نوع آنان مشخص شده است؛ اما در روایت بحار الانوار علاوه بر بیان چگونگی و کیفیت، سخن از کمیت و لشکر و درفش های فاتح و پیروز به میان آمده است.

نیز ن.ک: یاران حضرت مهدی علیه السلام .

ص: ۳۲۴

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲- ر.ک: علی کورانی، عصر ظهور، ص ۲۶۰.

از لقب های حضرت مهدی علیه السلام

در روایات، از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با لقب طرید یاد شده است. «طرید» به معنای طرد شده از سوی مردم است. (۱) عیسی خشاب گوید: به امام حسین علیه السلام گفتم: «آیا شما صاحب الامر هستید؟» فرمود:

خیر، ولی صاحب الامر طرید [= رانده شده] و شرید [= آواره] است و خون خواه پدرش و دارای کینه عمویش می باشد.... (۲)

طلوع خورشید از مغرب

از نشانه های نزدیکی قیامت در عصر ظهور

از نشانه های نزدیک شدن رستاخیز بزرگ، «طلوع خورشید از مغرب» است. امیرمؤمنان، علی علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

به ناگزیر، ده چیز پیش از قیامت رخ خواهد داد: سفیانی، دجال، دود، جنب نده، خ روح قائم علیه السلام، طلوع خورشید از مغرب، نزول عیسی، خسف به مشرق، خسف به جزیره عرب و آتشی که از چاه عدن بیرون می آید و مردمان را به محشر سوق می دهد. (۳)

شیخ مفید، درباره چگونگی این اتفاق نوشته است:

خورشید، هنگام ظهر در آسمان، راکد می شود و ساعتی چند تا هنگام عصر پیدا نباشد؛ آن گاه از مغرب آشکار شود. (۴)

عده ای این امر را بعید پنداشته و گفته اند: مستلزم در هم ریختن و از هم پاشیدن نظم جهان و تغییر در حرکت منظومه خورشیدی خواهد بود و نتیجه گرفته اند که با اصول حاکم بر نظام طبیعت، ناسازگار است؛ ولی به نظر می رسد این امر، همانند بسیاری دیگر از امور، از آیات الهی خواهد بود. افزون بر آن، نظیر این اتفاقات پیش تر نیز در آسمان رخ داده است که از جمله آن ها

ص: ۳۲۵

۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۶۷.

۲- «لَا وَلَكِنْ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمُؤْتَوَّرُ بِأَبِيهِ الْمُكْنَى بِعَمِهِ...»، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۸، باب ۳۰، ح ۵.

٣- شيخ طوسي، كتاب الغيبة، ص ٤٣٦، ح. ٤٢٦

٤- شيخ مفيد، الارشاد، ج ٢، ص ٣٦٨.

رَدَّ الشَّمْسِ (= بازگشتن خورشید) برای یوشع بن نون بوده است.

در برخی دیگر از گفته ها آمده است: مقصود از طلوع خورشید از مغرب، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. بدین معنا که حضرت مهدی علیه السلام، همان خورشید است که در پایان عمر طولانی خویش، طلوع خواهد کرد. (۱)

اشکال این دیدگاه، آن است که چنین چیزی در کلام معصوم علیه السلام نیامده است. علاوه بر آن، در روایات، سخن از طلوع خورشید از مغرب در ردیف قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است و اگر مقصود، ظهور و خروج آن حضرت بود، نیازی به تکرار نداشت؛ بنابراین، طلوع خورشید از مغرب، حادثه ای است خارق العاده که پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و در آستانه قیامت اتفاق خواهد افتاد.

در کتاب های اهل سنت نیز از طلوع خورشید از مغرب یاد شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هرگز قیامت بر پا نخواهد شد تا این که خورشید از مغرب خود طلوع کند.... (۲)

نیز ن.ک: اشراط الساعة.

طویل العمر

از ویژگی های مهم حضرت مهدی علیه السلام

طبق روایات، حضرت مهدی علیه السلام که در آخرالزمان ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود فرزند امام عسکری علیه السلام است که در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق زاده شده است. معنای روشن این سخن، آن است که آن ذخیره الهی، دارای عمر طولانی است. تا کنون، افزون بر ۱۱۷۰ سال از عمر مبارک آن حضرت گذشته است. پیش تر در برخی روایات، سخن از عمر طولانی آن حضرت به می... آن آمده بود. ام... ام حسن مجتبی علیه السلام ضمن بیانی مفصل در باره آن حضرت فرمود:

نهمین از فرزندان برادرم، فرزند

ص: ۳۲۶

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۷، ح ۱.

۲- «إِنَّ السَّاعَةَ لَا تَقُومُ حَتَّى يَكُونَ عَشْرُ آيَاتٍ طُلُوعِ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا...»، السنن الكبرى، ج ۶، ص ۳۴۴؛ المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۷۱؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۰۶، ح ۳۸۴۱۱، ۳۸۶۳۹، ۳۸۶۴۶؛ همچنین ر.ک: تفسیر قرطبی، ج ۱۶، ص ۱۳۰؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۵۹۶.

بانوی کنیزان است. خداوند در دوران

ص: ۳۲۷

غیبت، عمر او را طولانی خواهد کرد؛ آن گاه به قدرت خویش وی را در سیمای جوانی کمتر از چهل سال برخواهد انگیزت، تا دانسته شود خداوند بر هر چیز توانا است. (۱)

نخستین دانشمندی که به طرح مسأله طول عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخت، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) است. وی در کتاب کمال الدین و تمام النعمه به تفصیل درباره طول عمر بحث کرده و به پرسش های مخالفان طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پاسخ داده است. وی، فصل جامعی از کتاب یاد شده را به زندگی «معمّرين» (= صاحبان عمر طولانی) اختصاص داده است و ده ها نفر از اشخاص را که عمری بیش از ۱۲۰ سال داشته اند _ نام می برد و شرح حال و زندگی هر یک از آنان را به صورت مختصر ذکر می کند.

شیخ صدوق، مسأله طول عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فقط از راه «تجربه تاریخی» و افراد دارای عمر طولانی، بررسی کرده و به دیگر ادله نپرداخته است. این راه از سوی دانشمندانی همچون شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی، طبرسی، خواجه نصرالدین طوسی، علامه حلی، فیض کاشانی، علامه مجلسی و دیگر بزرگان شیعه ادامه یافت. آنچه این بزرگان در بررسی علمی طول عمر آن حضرت، به آن پرداخته اند، به طور عمده حول محورهای ذیل است:

یک. طول عمر از نگاه قرآن کریم

شماری از افرادی که در قرآن، دارای عمری طولانی و غیرطبیعی شمرده شده اند، عبارتند از:

۱. حضرت نوح علیه السلام

قرآن، درباره نوح علیه السلام می گوید:

((وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا...)) (۲)

و به راستی، نوح را به سوی قومش

ص: ۳۲۸

-
- ۱- «التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحَسَنِ بْنِ سَيِّدِهِ الْإِمَامِ يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورِهِ شَابًّا ابْنِ دُونَ أَرْبَعِينَ سَنَةً ذَلِكَ لِئَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵.
- ۲- عنکبوت (۲۹): ۱۴.

فرستادیم، پس میان آنان ۹۵۰ سال درنگ کرد.

این بیان الهی، روشن نکرده است که این مدت، بر دوره عمر رسالت نوح علیه السلام دلالت دارد یا عمر آن حضرت؛ از این رو در پاره ای روایات اسلامی آمده است که مراد از عمر، دوره رسالت نوح علیه السلام است؛ ولی مدت زندگی او ۲۵۰۰ سال بوده است.

از ام—ام سجاد علیه السلام نقل شده است که فرمود:

در ق—ائم سنتی از نوح است و آن طول عمر است. (۱)

۲. عیسی بن مریم علیهما السلام

ق—رآن، درب—اره حضرت عیسی علیه السلام می فرماید:

((وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا)) (۲)

و گفته ایش—ان ک—ه: «ما، مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم» و حال آن که آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند؛ لکن امر، بر آنان مشتبه شد و کسانی که درباره او اختلاف کردند، قطعاً در مورد آن، دچار شک شده اند و هیچ علمی بدان ندارند، جز آن که از گمان پیروی می کنند. و به طور یقین او را نکشتند* بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خدا توانا و حکیم است* و از اهل کتاب، کسی نیست، مگر آن که پیش از مرگ خود، حتماً به او ایمان می آورد، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود.»

بیشتر مفسران مسلمان، در تبیین آیه یاد شده بر این باورند که حضرت عیسی علیه السلام زنده است و در آخرالزمان نازل شده، در نماز به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا خواهد کرد. حال اگر تاریخ

ص: ۳۲۹

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۲، ح ۴.

۲- نساء (۴): ۱۵۷ _ ۱۵۹.

میلادی، از صحت و دقت کافیه بر خوردار باشد، عمیر عیسی علیه السلام، اکنون افزون بر دو هزار سال است و بر این اساس، عمر ۱۱۷۰ ساله برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امر بعیدی نخواهد بود.

۳. حضرت خضر علیه السلام

یکی از کسانی که عمر طولانی دارد، حضرت خضر است. در قرآن از وی به صراحت یاد نشده است؛ اما داستان ملاقات و همراهی موسای کلیم با این بنده دانا و با تجربه خداوند سبحانه و تعالی، در سوره کهف آمده است. (۱) اعتقاد به زنده بودن خضر علیه السلام، اختصاصی به شیعه نداشته، بلکه میان اهل سنت نیز عقیده ای پذیرفته شده است.

۴. اصحاب کهف

قرآن در باره آنان می گوید:

((وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا (۲)))

و سیصد سال، در غارشان درنگ کرده و نه سال افزودند.

قرآن در این آیه، به زنده بودن اصحاب کهف به مدت بیش از سه قرن _ آن هم در خواب و بدون آب و غذا _ تصریح می کند. به راستی کدام یک شگفت انگیزتر است؛ کسی که سیصد سال بدون آب و غذا زنده مانده یا کسی که _ ه صد ها سال باقی مانده است؛ ام _ا غذا می خورد، آب می آشامد، راه می رود، می خوابد و بیدار می شود؟

دو. از نگاه روایات

سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز بر طول عمر انسان، صحه می گذارد و آن را امری ممکن می شمارد. یکی از کسانی که در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم _ به ویژه در منابع اهل سنت _ به طول عمر او اشاره شده، دجال است. اهل سنت، بر اساس همین روایات، عقیده دارند دجال در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم متولد شده و به زندگی خود ادامه می دهد، تا در آخر الزمان خروج کند. (۲) حال اگر این احادیث درست باشد _ چنان که اهل سنت بر این باورند _ در این صورت، شایسته نیست که آنان در حیات و عمر طولانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تردید کنند. از طرفی حال که دشمن

ص: ۳۳۰

۱- ر.ک: کهف (۱۸): ۶۵.

۲- کهف (۱۸): ۲۵.

۳- ر.ک: احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۴۴۴؛ بخاری، صحیح، ج ۹، ص ۱۳۳.

خدا، به مصالحی می تواند بیش از هزار سال زنده بماند، چرا بنده و خلیفه و ولی خدا نتواند عمر طولانی داشته باشد؟(۱)

سه. از نگاه عقل

افزون بر کتاب و سنت، عقل سلیم نیز طول عمر را برای انسان، ناممکن نمی داند؛ بلکه آن را امری کاملاً ممکن می شمارد. حکیمان و فیلسوفان گفته اند: بهترین دلیل بر امکان هر چیزی، واقع شدن آن چیز است.

همین که طول عمر در میان پیشینیان روی داده و تاریخ، افراد زیادی را به ما نشان می دهد که عمری طولانی داشته اند، خود دلیل روشنی است بر این که طول عمر از دیدگاه عقل امری ممکن است.(۲)

بررسی علمی و بحث طول عمر، در حقیقت به نوع تفسیر فیزیولوژی از «پیری و فرسودگی»، وابسته است. این قانون که: پیری و فرسودگی زاییده یک قانون طبیعی حاکم بر بافت های پیکره انسانی است، و ضروری است که بدن پس از رسیدن به آخرین مرحله رشد، کم کم فرسوده شده، برای ادامه زندگی، کارآیی کمتری داشته باشد، تا آن گاه که در لحظه ای معین از کار بیفتد، آیا حتی در باره بدنی هم که از هرگونه تأثیر خارجی در امان مانده صادق است یا این که فرسودگی و کاهش که در کارآیی بافت و نسوج مجموعه بدن به چشم می خورد، نتیجه نبرد با عوامل بیرونی _ مانند میکرب ها و سموم _ است که به بدن انسان راه می یابد؟(۳)

افزون بر دلیل های یاد شده، برای طول عمر انسان، راه دیگری نیز وجود دارد که همان راه اعجاز و قدرت خداوند سبحانه و تعالی است.

آری؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با قدرت الهی زنده است و میان مردم، به زندگی خود ادامه می دهد. همان خدایی که آتش را برای ابراهیم سرد و سلامت قرار داد و گل را برای عیسی علیه السلام به پرنده تبدیل کرد، و عیسی و خضر را پس از قرن ها زنده نگه می دارد، می تواند مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز

ص: ۳۳۱

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۱۴.

۲- ر.ک: محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۱۴.

۳- سید محمد باقر صدر، جست و جو و گفت و گو پیرامون امام مهدی علیه السلام، ص ۱۹ _ ۲۱.

با قدرت الهی خود زنده نگه دارد.

نیز ن.ک: معمرین.

طی الارض

از کرامت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایات فراوانی در باره به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از چگونگی طی مسافت آن حضرت و یارانش به عنوان طی الارض تعبیر شده است. چگونگی طی الارض، برای ما به روشنی معلوم نیست؛ ولی می توان آن را یک جابه جایی بسیار سریع برای انسان دانست.

امام رضا علیه السلام در روایتی پس از معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

او، کسی است که زمین برای او درنوردیده می شود. (۱)

امام صادق علیه السلام نیز درباره طی الارض یاران حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

پس، از گوشه و کنار زمین به سوی او جمع می شوند و زمین برای آن ها به هم پیچیده می شود، تا این که با او بیعت می کند. (۲)

طیبه

از محل های زندگی حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت

در روایات فراوانی، طیبه، محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در طول غیبت، معرفی شده است و همان گونه که ذکر خواهد شد، مقصود از آن مدینه النبی صلی الله علیه و آله و سلم است.

مدینه را طیبه و طابه نامند؛ چرا که مدینه پیش از آن یثرب خوانده می شد و یثرب از ریشه ثرب به معنای فسـاد است. پیـامبر صلی الله علیه و آله و سلم از بردن نام یثرب نهی فرمود و آن را طابه و طیبه نامید که به معنای پاک و پاکیزه است. گفته شده: طیبه از طیب و طاهر است؛ به سبب خلوص

١- «هُوَ الَّذِي تَطْوِي لَهُ الْأَرْضُ»، شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٣٧١، ح ٥.

٢- «... فَيَصِيرُ إِلَيْهِ شِعْتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تَطْوِي لَهُمُ الْأَرْضَ حَتَّى يُبَايِعُوهُ...»، فتال نيشابورى، روضهالواعظين، ص ٢٦٣.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

صاحب این امر، از غیبتی ناگزیر است و در غیبت خود، ناچار از گوشه گیری و کناره جویی از دیگران است. طیبه [= مدینه] خوش منزلی است و بـا و جـود سی تـن [یا به همراهی سی نفر] در آن جا وحشت و ترسی نیست. (۲)

همچنین ابوهاشم جعفری گوید: به امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم: «بزرگواری شما مانع آن است که من از شما پرسش کنم. اجازه بفرمایید پرسسم.» حضرت فرمود: «پرس» گفتم: «آقـای من! آیـا بـرای شما فرزندی هست؟» فرمود: «بله.» گفتم: «اگر اتفاق ناگواری برای شما رخ داد، در کجا او را جست و جو کنم؟» فرمود: «در مدینه.» (۳)

ص: ۳۳۳

۱- لسان العرب، ج ۱، ص ۵۶۷؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۵۳.

۲- «لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبِهِ وَلَا بُدَّ لَهُ فِي غَيْبَتِهِ مِنْ عَزْلِهِ وَنِعْمَ الْمَنْزِلُ طَيْبُهُ وَمَا بِثَلَاثِينَ مِنْ وَحْشَةٍ»، الكافي، ج ۱، ص ۳۴۰؛ الغيبة، ص ۱۸۸، ح ۴۱؛ کتاب الغيبة، ص ۱۶۲، ح ۱۲۱.

۳- کتاب الغيبة، ص ۲۳۲، ح ۱۹۹، الكافي، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲.

آشکار شدن مهدی علیه السلام پس از غیبت طولانی

از اصطلاحات بسیار رایج در فرهنگ مهدویت واژه «ظهور» است. ای کلمه از نظر لغت به معنای آشکار شدن چیز پنهان است. (۱) نکته مهم در ظهور، مسبق بودن آن به غیبت است؛ امّا در اصطلاح مهدویت، مقصود، ظاهرش در حضورت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از پنجاهان زیست طولانی، برای قیام و برپایی حکومت عدل جهانی است.

دوران ظهور را می توان به مراحل ذیل تقسیم کرد:

مرحله نخست: ظهور و آشکار شدن کوه فقط در اراده و علم الهی است؛

مرحله بعد: قیام و نهضت به امر الهی و خروج بر ستمگران و مبارزه با دشمنان؛

و مرحله پایانی: دوران تثبیت و حکومت جهانی است.

یک. روایات مرحله نخست

۱. زراره می گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

همانا برای قائم غیبتی است پیش

ص: ۳۳۵

۱- خلیل بن احمد، العین، ج ۴، ص ۳۷.

از ظهورش....(۱)

۲. امام صادق علیه السلام نیز درباره ظهور آن حضرت فرمود:

پس چون خداوند سبحانه و تعالی اراده فرمود امر او [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] را ظاهر سازد، به قلب او الهام نماید، پس ظاهر می شود و آن گاه به امر الهی قیام می کند. (۲)

گفتنی است که مرحله قیام متأخر بر مرحله ظهور است؛ به این بیان که ابتدا ظهور صورت می گیرد و پس از آن با جمع شدن یاران حضرت و آماده شدن دیگر شرایط، آن حضرت قیام می فرماید.

دو. روایات قیام آن حضرت

۱. امام سجاد علیه السلام فرمود:

آن هنگام که قائم ما قیام کند، خداوند سبحانه و تعالی ترس را از دل شیعیان ما بردارد و....(۳)

۲. امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

قائم در حالی قیام خواهد کرد که بیعت احدی بر گردن او نیست. (۴)

آنچه گفته شد، بدین معنا نیست که تمام روایاتی که از کلمه قیام و مشتقات آن استفاده کرده، بگونه ای دقیق ناظر به مرحله قیام است؛ بلکه در مواردی قیام بر مرحله ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز تطبیق شده است. اما به طور عمده روایاتی که قیام و مشتقات آن را در بر گرفته، سخن از مرحله ای پس از آغاز ظهور دارد.

۳. از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است:

هرگز رستاخیز به پا نگردهد، مگر این که پیش از آن قائم برای حق از خاندان ما قیام کند. (۵)

۴. امام باقر علیه السلام فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند سبحانه و تعالی دستش را بر سر بندگان گذاشته، اندیشه های ایشان جمع می

گردد. (۶)

ص: ۳۳۶

۱- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۹؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۳۲، ح ۲۷۴.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۷، ح ۴۰.

٣- «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ...»، شيخ صدوق، الخصال، ج ٢، ص ٥٤١، ح ١٤.

٤- نعماني، الغيبة، ص ١٩١، ح ٤٥.

٥- شيخ صدوق، عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص ٥٩، ح ٢٣٠.

٦- «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ...»، محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ١، ص ٢٥،

ح ٢١.

شاید بتوان اختلاف روایات زمان ظهور را نیز با این تقسم بندی رفع نمود؛ به این بیان که برخی روایات ناظر به زمان ظهور و برخی دیگر ناظر به زمان قیام باشد. گفتنی است در پاره ای از روایات، از ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان خروج یاد شده است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

خروج قائم محتوم است. (۱)

آن حضرت همچنین فرمود:

دنیا به پایان نرسد تا این که مردی از خاندان من خروج کند که به حکومت آل داود حکم نماید.... (۲)

ص: ۳۳۷

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۵۴، ح ۴۶۱.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۲.

روز قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف طبق برخی روایات

عاشورا روز ده‌م محرم، روز شهادت سالار شهیدان حسین بن علی علیهما السلام و فرزندان و اصحاب او در کربلا است. (۱) در فرهنگ شیعی، عاشورا، به دلیل وقوع شهادت امام حسین علیه السلام در این روز، عظیم‌ترین روز سوگ و ماتم به حساب می‌آید. در این روز، بزرگ‌ترین فاجعه و ستم در باره خاندان پیامبر علیهم السلام انجام گرفته است. دشمنان اسلام و اهل بیت علیهم السلام این روز را خجسته شمرده، به شادی می‌پردازند؛ اما پیروان خاندان رسالت، به سوگ و عزا می‌نشینند و بر کشتگان این روز می‌گیرند.

امامان شیعه، یاد این روز را زنده می‌داشتند و در آن، مجلس عزا بر پا می‌کردند و بر حسین بن علی علیهما السلام می‌گریستند؛ آن حضرت را زیارت می‌کردند و به زیارت او تشویق و امر می‌نمودند و این روز، روز اندوهشان بود.

آنچه این روز را به مهدویت مرتبط می‌کند، روایاتی است که از قیام آن حضرت در این روز خبر می‌دهد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۳۳۹

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۳.

قائم در روز عاشورا قیام می کند. (۱)

نیز ن.ک: ظهور، قیام.

عبرتایی < احمد بن هلال

عثمان بن سعید عمری

نخستین نایب خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ابوعمر و عثمان بن سعید عمری، نخستین نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. شیخ طوسی، درباره سفیران حضرت و نخستین ایشان چنین نوشته است:

سفی رانی ک ه از س وی امام ان معصوم علیهم السلام به نیکی یاد شده اند؛ نخستین آنان مرد بزرگواری است که حضرت ام ام ه ادی علیه السلام و ام ام عسکری علیه السلام او را توثیق فرموده اند و او، شیخ موثق، ابوعمر عثمان بن سعید عمری است. (۲)

نام وی عثمان بن سعید، کنیه اش ابوعمر و لقبش العمری، سمان، (۳) اسدی و عسکری می باشد.

وی از یاران، اصحاب و شاگردان مورد اطمینان امام دهم و امام یازدهم علیهما السلام بود. او مردی بزرگواری و مورد اطمینان بود که از یازده سالگی در محضر ام ام ه ادی علیه السلام ب خدمت گزاری و یادگیری احکام، حدیث و آموزه های اسلامی اشتغال داشت و شاگرد تربیت یافته مکتب ولایت و امامت بود. (۴)

شاید یکی از دلایلی که وی در پیشگاه دو ام ام پیش از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گزیده شده بود، این بود که کسی در شأن و عظمت او تردید نداشته باشند و مردم، به راحتی نیابت او از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بپذیرند.

از احمد بن اسحاق نقل شده است: از حضرت هادی علیه السلام پرسیدم: «با چه کسی داد و ستد کنیم و از چه کسی مطلب را بگیریم و گفته چه کسی را بپذیریم؟» امام فرمود:

ص: ۳۴۰

۱- «يَقُومُ الْقَائِمُ يَوْمَ عَاشُورَا»، نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۲، ح ۶۸.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۵۳.

۳- علت ملقب شدن او به «سمان» این بود که به تجارت روغن می پرداخت، تا در پس این کار، به مسئولیت اصلی خود

بپردازد و از شرّ حکومت در امان باشد.

۴- علی غفارزاده، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۱۰۶، به نقل از: شیخ طوسی، رجال الطوسی، رقم ۲۲، ص ۴۳۴.

عمری مورد اعتماد من است؛ آنچه را از من به تو برساند، به طور قطع از من می رساند و آنچه را از قول من برای تو گوید، به طور قطع از من می گوید.]= از خود، چیزی نمی گوید[سخن وی را گوش کرده، اطاعت نما؛ زیرا او مورد اعتماد و امین است. (۱)

عثمان بن سعید از سال ۲۶۰ق به نص صریح امام حسن عسکری علیه السلام به نیابت از امام غایب معرفی شد. همچنین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وکالت و نیابت عثمان بن سعید برای جمعیت و اهالی قم اشاره کرد و آن ها را به عثمان بن سعید ارجاع داد. (۲) از مهم ترین ویژگی های نخستین نایب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱. مورد اطمینان سه امام معصوم علیهم السلام و امین ایشان بود؛ (۳)

۲. در مراسم ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور چشمگیری داشت؛ (۴)

۳. مراسم کفن و دفن امام عسکری علیه السلام را بر عهده گرفت؛ (۵)

۴. به دستور امام عسکری علیه السلام پس از شهادت آن حضرت، عهده دار نیازهای خانواده آن حضرت شد؛

۵. افزون بر آن که از طرف امام عسکری علیه السلام به نیابت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نصب شده بود، توسط خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به این مقام گماشته شد؛

۶. نقش مهمی در رسوایی جعفر کذاب داشت؛

۷. پس از وفات وی، نامه تسلیتی از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شد و در آن، از او تجلیل فراوانی شد.

وی اندکی پیش از سپری شدن عمرش، به دستور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرزندش، محمد بن عثمان را نایب خاص پس از خود منصوب کرد. البته پیش از این، فرزند عثمان بن سعید از سوی امام عسکری علیه السلام فردی مورد اطمینان برای فرزندش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی و معین شده بود. (۶)

ص: ۳۴۱

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۰؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۴، ح ۳۱۵.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۶، ح ۲۶.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۴، ح ۳۱۵.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۶.

۵- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۶، ح ۳۱۸.

٦- شيخ طوسي، كتاب الغيبة، ص ٣٥٦.

یکی از پژوهشگران معاصر درباره مدت نیابت نایب نخست، چنین نوشته است:

با وجود نقش تعیین کننده عثمان بن سعید در سازماندهی و تحکیم پایگاه شیعیان، بسیاری از ابعاد شخصیت و زندگانی او در دوران کودکی و جوانی و چگونگی رشد و نمو او، از جمله تولد، وفات و مدت نمایندگی او در بستر تاریخ مبهم مانده است.

هیچ نویسنده و مورخی به صورت قطع و یقین، تاریخ وفات او را مشخص نکرده است. بعضی ها به طور کلی متعرض این مسأله نشده اند و بعضی هم با بیان تاریخ های احتمالی، از کنار مسأله رد شده اند.

این تحقیق، پس از نقل برخی دیدگاه ها در این زمینه، دو دیدگاه را مطرح کرده است. سپس نخستین آن دو را انتخاب کرده، این گونه نوشته است:

او پیش از سال ۲۶۷ق در گذشته است؛ اما مشخص نیست کدام سال. بیشتر تاریخ نگاران و دانشمندان علم رجال، همین احتمال را انتخاب کرده اند و این، به واقع نزدیک تر است. (۱)

ابونصر هبه الله بن محمد می گوید:

قبر عثمان بن سعید در طرف غربی بغداد در خیابان «میدان» در اوّل محل، کـه بـه «درب جبله» معروف است، در داخل مسجد، درب راست که داخل می شوند و قبر در خود قبله مسجد قرار دارد. (۲)

نیز ن.ک: نیابت خاص، نواب خاص، غیبت صغرا.

عدد یاران مهدی < علیه السلام سیزده و سیزده

عدل و قسط < حکومت جهانی

العرف الوردی فی الاخبار المهدی

از کتاب های اهل سنت در موضوع مهدویت

جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی (م ۹۱۱ق) احادیث امام مهدی علیه السلام را در این کتاب به شکلی گسترده جمع آوری کرده است. این کتاب ضمن مجموعه رساله هایی به

۱- ر.ک: علی غفارزاده، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۱۴۲.

۲- پیشین، ص ۱۴۴.

نام الرسائل العشر در مجموعه‌ای بزرگ‌تر با عنوان الحاوی للفتاوی به چاپ رسیده است. وی در ابتدای این رساله می‌نویسد:

این، بخشی است که احادیث و آثار وارد شده در باره مهدی را در آن جمع کردم و چهل حدیثی که حافظ ابو نعیم آن‌ها را ذکر کرده، به صورت خلاصه آوردم و آنچه او نیاورده بر آن افزودم و به صورت (ک) آن را رمزگذاری کردم. (۱)

مجموع احادیثی که در این کتاب جمع آوری شده - چه آنچه از ابونعیم نقل کرده و چه آنچه خودش بر آن افزوده است - بالغ بر دویست حدیث است. وی در پایان احادیث، با عنوان تنبیهات، چهار نکته مهم را یاد آور شده است:

۱. مه - دی عجل الله تعالی فرجه الشریف یک - ی از خلف - ای دوازده گانه است که در حدیث جابر بن سمره ذکر شده است.

۲. مهدی علیه السلام نمی‌تواند از فرزندان عباس بن مطلب باشد.

۳. سند حدیث «لا مهدی الا عیسی بن مریم» ضعیف است؛ چون با نقل متواتر که گویای ظهور مهدی علیه السلام است و این که او از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و عیسی پشت سر او نماز می‌خواند، متعارض است.

۴. آنچه نقل شده است که مهدی از مغرب ظهور خواهد کرد، هیچ دلیل و پایه‌ای ندارد. (۲)

این کتاب، هم اکنون به شکلی زیبا با تحقیق محمد کاظم موسوی، همراه "رساله عقیده اهل السنه و الاثر فی المهدی المنتظر اثر شیخ عبدالمحسن العباد آل بدر، توسط مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، انتشار و در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.

عسکریه

فرقه معتقد به مهدویت امام عسکری علیه السلام

فرقه‌ای از شیعیان امامیه بودند که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را مهدی موعود پنداشته، به غیبت او قائل شدند. شیخ صدوق، آنان را با عنوان واقفیه یاد

ص: ۳۴۳

۱- سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص ۶۹.

۲- سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص ۱۰۲.

کرده، می نویسد:

واقفی ه ادع ا ک ر دند امام حسن عسکری علیه السلام غیبت اختیار کرده است. ایشان نیز امر غیبت را صحیح می دانستند؛ اما در وقوع آن در حضرت عسکری علیه السلام اشتباه نموده، گمان کردند قائم مهدی، امام یازدهم است؛ اما چون وفات آن حضرت ثابت شده، گفتار ایشان در این باب باطل است. (۱)

عصائب

گروهی از یاران حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور

عصائب جمع «عصابه» به معنای گروهی بین ده تا چهل نفر است. گفته شده است «عصابه» گروهی از زاهدان و وارستگانند. (۲) طبق برخی روایات، آنان یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از عراق هستند، (۳) که هنگام ظهور آن حضرت، خود را به مکه می رسانند و با او بیعت می کنند. (۴) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

... و گروه هایی از عراق بیرون می آیند که راهبان شب و شیران روز هستند، دل هایشان چون فولاد سخت است؛ میان رکن و مقام با او بیعت می کنند.... (۵)

نیز ن. ک: یاران حضرت مهدی علیه السلام

عصر زندگی

کت ابی در موضوع مهدویت و عصر ظهور

این کتاب، اثر محمد حکیمی است، که نگاهی بدیع و کاربردی به موضوعات و مسائل مهدویت دارد. نویسنده کوشیده مباحث را به صورت تحلیلی، با کمک گرفتن از آیات و روایات، تبیین و تفسیر کند.

ایشان با بهره گیری از حدود سیصد

ص: ۳۴۴

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، مقدمه.

۲- ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۳۳؛ مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۲۳.

۳- صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۶۹؛ ابن ابی شیبہ، کتاب المصنف، ح ۱۹۰۷۰.

- ٤- محمد باقر مجلسي، بحار الانوار، ح ٥١، ص ٨٨؛ شيخ مفيد، الاختصاص، ص ٢٠٨؛ طبري، دلائل الامامه، ص ٢٤٨؛ اربلي، كشف الغمه، ج ٢، ص ٤٧٩.
- ٥- «وَعَصَائِبُ الْعِرَاقِ رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ كَانَ قُلُوبُهُمْ زُبُرَ الْحَدِيدِ فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ...»، الاختصاص، ص ٢٠٨.

آیه و روایت، مخاطب را به تأمل بیشتر در آیات و روایات فرا می‌خواند. عصر

زندگی می‌کوشد با تحلیل‌های مناسب، به بعضی از بیماری‌ها و آفت‌های اخـلاق و مشکـلات و لغـزش‌های جریـان‌های سـیاسی، اجتمـاعی و اقتصـادی پیش از ظـهور پـرداخته و علت پیدایش و راه برطرف شدن آن‌ها را توضیح دهد. نویسنده به دنبال گشودن دریچه امید برای بشریت گرفتار یأس و سرخوردگی‌ها است که با ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق خواهد یافت و برای این کار، مطالب ارزشمندی ارائه می‌دهد.

نویسنده نام کتاب خود را از این رو عصر زندگی نهاده، چون معتقد است، هنوز زمان زندگی حقیقی فرا نرسیده است؛ چه این که زمین هیچ گاه عدالت اجتماعی و اقتصادی به خود ندیده و همه انسان‌ها تربیت درستی نیافته‌اند و همه توانایی‌های آن‌ها بروز پیدا نکرده است و نابسامانی‌ها هرگز از زندگی انسان رخت بر نبسته است. اما روزگاری که سرخوردگی‌ها و نابسامانی‌ها برچیده شود، آن دوران زمان مهدی آل محمد علیهم السلام خواهد بود.

برخی عنوان‌های بخش‌های کتاب بدین قرار است:

عدالت اجتماعی؛ در سایه شمشیر؛ تدارک جنگ و تربیت جنگاوران؛ سازش ناپذیری؛ تصحیح انحراف‌های فکری؛ وحدت عقیدتی و مرامی؛ رفاه اقتصادی؛ مساوات؛ حاکمیت فراگیر جهانی؛ حکومت مستضعفان؛ آیین و روش جدید؛ رشد عقلی و تکامل علم؛ امنیت اجتماعی؛ رشد تربیت انسانی؛ اصول بیعت و ...

در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

از اقدامات مهم ام‌ام، تصحیح انحراف‌هایی که به مرور ایام در تفسیر احکام و توجیه مبانی دین روی داده و حذف برداشت‌های غیر اسلامی و نادرست است که به نام اسلام به اذهان القا شده و در مبانی دین تحریف معنوی یا موضعی پدید آورده است. کوشش امام و رسالت او، تطبیق درست و دقیق تعالیم قرآن، بر مسائل حیات بشری و مشخص کردن حد و مرزهای واقعی احکام اسلام است؛ به گونه‌ای که توجیه و تأویل بردار نباشد و مانع هر گونه انحراف و کژی و بدآموزی شود. دگروار تفسیر کردن تعالیم اسلامی، منحصر به احکام فرعی و فقهی و مسائل اجتماعی و اقتصادی نیست؛ بلکه اصول دین نیز

عقد الدرر فی اخبار المنتظر

از منابع اهل سنت در مهدویت

این کتاب نگارش یوسف بن یحیی بن علی بن عبد العزیز مقدسی شافعی (م بعد از ۶۵۸ق) است. عقد الدرر به لحاظ جامع بودن و گستردگی، در نوع خود کم نظیر و برای کتاب‌های بعدی منبع مهمی بوده است. نگارنده در مقدمه کتاب، انگیزه نگارش را چنین بیان می‌کند:

فساد زمان و مشکلات و گرفتاری مردم و ناامید شدن آن‌ها از اصلاح اوضاع و وجود کینه‌ها بین آنان تا قیامت استمرار ندارد و از بین رفتن این مشکلات، با ظهور و خروج مهدی حاصل می‌گردد... برخی این مسئله را به طور کلی رد می‌کنند و برخی دیگر نیز گمان می‌کنند جز عیسی، مهدی‌ای وجود ندارد. نگارنده به تفصیل، این دو دیدگاه را مردود دانسته، با شواهد کافی غیر قابل پذیرش می‌شمارد و برای تدوین کتاب، احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بدون ذکر اسناد آن نقل نموده و منابع اصلی آن را بیان می‌کند. در بیشتر احادیث، از اظهار نظر در باره ضعیف یا صحیح بودن حدیث خودداری و فقط به ذکر آن بسنده کرده است. نگارنده پس از مقدمه‌ای قـ ابل توجـه، مـبـ احـث مهدویـت را در دوازده باب‌ایـن گونه تنظیم کرده است:

۱. فی بیان آنه من ذریه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و عترته؛

۲. فی اسمہ و خلقه و کنیتہ؛

۳. فی عدله و حلیته؛

۴. فی ما یظهر من الفتن الداله علی ولایتہ؛

۵. فی أنّ الله تعالی یبعث من یوطیء له قبل امارته؛

۶. فی ما یظهر له من الکرامات فی مده خلافته؛

۷. فی شرفه و عظیم منزلته؛

۸. فی کرمه و فتوته؛

۹. فی فتوحاته و سیرته؛

١٠. فى انّ عيسى بن مريم عليه السلام يصلى خلفه و

ص: ٣٤٦

یبایعه و ينزل فی نصرته؛

۱۱. فی اختلاف الروایات فی مده اقامته؛

۱۲. فی ما یجری من الفتن فی ایامه و بعد انقضاء مدته.

علائم ظهور < نشانه های ظهور

علائم قیامت < اشراف الساعه

علی بن محمد سمری

چهارمین نایب خاصّ مهدی علیه السلام در دوران غیبت صغرا

ابوالحسن علی بن محمد سمری (یا صیمری^(۱))، چه ارمین و آخـرین سفیر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. وی پس از درگذشت حسین بن روح بـه مقـام سفـارت رسید و مدت سه سال عهده دار این جایگـاه بـود. سمری از خـاندانی دینـدار و شیخـه بـود کـه در خدمتگزاری به سازمان امامیه شهرت فـراوان یـ داشت. همین اصـالت خـانوادگی او بـاعث شد در امـر سفارت، با مخالفت چندانی روبه رو نشود.^(۲)

سمری، فرصت زیادی برای فعالیت نـداشت؛ بـه همین دلیـل، مانند نایب هـای پیـش از خـود، نتوانست فعالیت های گسترده ای انجام داده، تغییرات قابل ملاحظه ای در روابط خود و وکلا پدید آورد؛ لیکن اعتقاد شیعیان به بزرگواری و مورد اطمینان بودن او، مثل سایر نایبان بود و وی مورد پندیـرش عمـوم شیعیان قرار گرفت.^(۳)

شش روز پیش از رحلت او، توقیعی از سوی امام دوازدهم به دستش رسید که مرگ وی را پیشگویی و زمان مرگ را نیز تعیین کرده بود. متن این توقیع شریف، نمایانگر پایان غیبت صغرا و نیابت خاص و آغاز غیبت کبرا و نیابت عام است.^(۴)

ص: ۳۴۷

۱- شیخ طوسی، رجال، ص ۴۰۰، رقم ۵۸۶۰.

۲- داود الهامی، آخرین امید، ص ۱۰۹.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۷.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶.

علی بن محمد در سـال ۳۲۹ ق در گذشت و در بغداد به خاک سپرده شد.

نیز ن.ک: نیابت خاص، نواب خاص.

ص: ۳۴۸

غار انطاکیه < انطاکیه

غایب < امام غایب

غریم

از لقب های حضرت مهدی علیه السلام

این واژه در کتاب های لغت، هم به معنای طلبکار آمده است و هم به معنای بدهکار. (۱) در روایات فراوانی آن را یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد کرده اند. بیشتر بـه نظـر می رسد مقصود، معنای نخست آن باشد. این لقب نیز، از روی تقیّه بوده که هرگاه شیعیان می خواستند مالـی نـزد آن حضرت یا وکیلان ایشان بفرستند، یا وصیت کنند و یا از جانب آن حضرت مطالبه کنند، این لقب را به کار می بردند.

شیخ مفید بـه ایـن نکته تصریح کرده، می نویسد:

کلمه غریم، رمزی بود بین شیعه که وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از روی تقیّه یـاد می کردند، از آن استفاده می نمودند. (۲)

ص: ۳۴۹

۱- طریحی، مجمع البحرين، ج ۶، ص ۱۲۵؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۳۶.

۲- شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۵۴.

بنابراین استفاده از این لقب، بیشتر در ارتباطات مالی شیعیان با حضرت مهدی علیه السلام _ آن هم در طول غیبت صغرا _ بوده است. (۱) محمد بن صالح گوید:

وقتی پدرم از دنیا رفت و امر به من رسید، حواله هایی نزد پدرم بود که نشان می داد، مربوط به اموال غریم است. (۲)

نیز ن.ک: القاب حضرت مهدی علیه السلام .

غلام

از لقب های حضرت مهدی علیه السلام

غلام در لغت، به معنای پسر بچه است. (۳) در برخی روایات از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با این عنوان یاد شده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لَا يُدُّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبِهِ»؛ «ناگزیر برای غلام غیبتی خواهد بود.» گفته شد: «ای رسول خدا! برای چه؟» فرمود: «از ترس مرگ.» (۴)

این لقب نیز، گاهی در معنای لغوی خود به کار می رفته و مقصود همان پسر بچه و جوان بوده است و گاهی به سبب شرایط حاکم بر زمان آن عصر، از روی تقیه گفته می شده و به عنوان لقب به کار می رفته است.

غیبت (پنهان شدن) امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از دوره ه _ ای زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

غیبت، اسم مصدر از ثلاثی مجرد ماده (غ ی ب) و به معنای ناپدید شدن و پنهان شدن از دیدگان است. غایب به کسی گفته می شود که حاضر و ظاهر نیست. (۵) و در اصل، درباره پنهان

ص: ۳۵۰

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۵.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۲۱، ح ۱۵.

۳- طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۲۷.

۴- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱ ص ۲۴۳، ح ۱؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵ و ص ۴۴۲، ح ۲۹.

۵- ر.ك: طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ماده غیبت؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۴۵۴؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۳، ص ۱۴۶؛ فیروزآبادی، القاموس المحیط، ج ۲، ص ۱۰؛ جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۶۳۳.

شدن خورشید، ماه و ستارگان به کار می رود(۱). همچنین درباره کسی به کار می رود که مدتی در جایی حضور دارد و پس از آن، از دیدگان رفته و دیگر دیده نمی شود.(۲) در اصطلاح مهدویت به پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گفته می شود.

با بهره گیری از بیانات معصومان علیهم السلام، سه دیدگاه کلی و قابل توجه درباره چگونگی غیبت حضرتش قابل ارائه است:

۱. پنهان بودن جسم (ناپیدایی)؛

۲. پنهان بودن عنوان (ناشناسی)؛

۳. پنهان بودن جسم و پنهان بودن عنوان به تناسب شرایط.

اما بررسی دیدگاه های یاد شده:

۱. پنهان بودن جسم؛

پاره ای روایات، چگونگی غیبت آن حضرت را به پنهان بودن جسم دانسته است. این دیده نشدن جسم، در دوران غیبت به دو گونه قابل تفسیر است:

یک. بسان فرشتگان، ارواح و جنّ، جسمی نامرئی دارد که با وجود این که در میان جوامع بشری حضور دارد قابل دیدن نیست.

دو. جسمی مرئی دارد؛ اما به قدرت الهی در دیدگان مردم تأثیر و تصرّف نماید که آن حضرت را نبینند. این کار، از اولیای الهی که از سوی خدا دارای قدرت در جهان آفرینش هستند، بعید نیست. از قرآن کریم نیز می توان امکان استتار و اختفای انسان از دیدگان را _ چه به صورت کوتاه مدت یا دراز مدت _ دریافت کرد.(۳)

به نظر می رسد تفسیر نخست، غیر قابل پذیرش باشد؛ چرا که هیچ دلیلی وجود ندارد که آن حضرت دارای جسمی با ویژگی این تفسیر باشد. بلکه برعکس، آن حضرت مانند همه انسان ها، دارای جسمی مادی است؛ آن گونه که پدران بزرگوارش و رسول گرامی اسلام علیهم السلام بودند. با این بیان، تفسیر دوم مورد پذیرش است.

در یک بررسی جامع در سخنان معصومان علیهم السلام برخی روایات که بیان

ص: ۳۵۱

۱- جوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۱۹۶.

۲- ابوهلال عسکری، الفروق اللغویه، ص ۶۳.

کننده این دیدگاه کلی است، بدین قرار است:

امام علی علیه السلام در این باره فرمود:

...تا آن گاه که از فرزندان من از دیدگان مردمان پنهان شود... پس به پروردگار علی سوگند! حجت حق، بر زمین استوار است، در جاده ها حرکت می کند. در خانه ها و قصرها وارد می شود و در شرق و غرب زمین به گردش می پردازد، سخن مردم را می شنود و بر مردم سلام می کند، می بیند و دیده نمی شود، تا زمان ظهور وعده الهی و ندای آسمانی. هان! آن روز، روز شادی فرزندان علی و پیروان او است. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود:

مردم امام خویش را گم می کنند؛ پس آن امام در موسم حج حضور می یابد و مردم را می بیند؛ ولی مردم او را نمی بینند. (۲)

وقتی در باره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از امام رضا علیه السلام پرسیدند، فرمود: «جسمش دیده نمی شود.» (۳)
روشن است که این روایات و احادیثی مانند آن، بر دیده نشدن آن حضرت دلالت دارد و قابل تأویل بر شناخته نشدن، نخواهد بود؛ چرا که در معنای دیده نشدن صراحت دارد.

این برداشت، افزون بر آن که با معنای لغوی غیبت مطابقت دارد، با روایاتی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت را به خورشید پس ابر تشبیه نموده، همخوانی بیشتری دارد.

۲. پنهان بودن عنوان

این دیدگاه، بر این است که آن حضرت، افزون بر این که عمر شریف خود را در جوامع انسانی، سپری می کند، مردم را می بیند و مردم نیز او را می بینند؛ ولی او را نمی شناسند. به تعبیر دیگر، فقط از نگاه معرفتی و شناختی مردم پنهان است، نه از دید ظاهری. افرادی که بر این دیدگاه پافشاری می کنند، به روایاتی استدلال

ص: ۳۵۲

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۴.

۲- «يَقْفِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ يَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ»، شيخ طوسي، كتاب الغيبه، ص ۱۶۱، ح ۱۱۹؛ شيخ كليني، الكافي، ج ۱ ص ۳۳۷، ح ۶؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۵ ح ۱۴؛ شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۴۶، ح ۳۳.

۳- محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۱، ص ۳۳۳؛ شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۰.

کرده اند؛ از جمله روایتی که سدید از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که:

در قائم، سنتی از یوسف است... چرا این مردم منکرند که خدای تعالی با حجت خود همان کند که با یوسف کرد؟ بین ایشان گردش کند و در بازارهای آن ها راه رود و بر بساط آن ها پا نهد و آن ها او را شناسند. تا آن گاه که خدای تعالی به او اذن دهد که خود را به آن ها معرفی کند؛ همان گونه که به یوسف اجازه داد... (۱)

نیز سخن نایب خاص آن حضرت، محمد بن عثمان که در این باره می گوید:

به خدا سوگند! همانا صاحب این امر، هر سال در موسم حج حاضر می شود؛ مردم را می بیند و آن ها را می شناسد و مردم او را می بینند؛ ولی نمی شناسند. (۲)

لازم یادآوری است با توجه به معنای لغوی غیبت، بهره برداری این معنا از روایاتی که به صورت مطلق غیبت را برای آن حضرت ثابت کرده اند، نیازمند قرینه است.

۳. پنهان بودن جسم و پنهان بودن عنوان، به تناسب شرایط

آگاهی به چگونگی غیبت حضرت مهدی علیه السلام فقط نزد پروردگار متعال است؛ اما از مجموع روایات می توان دیدگاه سومی ارائه کرد. و آن عبارت است از این که: حضرت در مواردی که صلاح بدانند از دیدگان مردم پنهان است _ البته با تصرّفی که به قدرت الهی در دیدگان افراد می نماید. نه نامرئی کردن جسم خویش _ و در مواردی که آن حضرت مصلحت بدانند، به صورت آشکار در جامعه حرکت می کند و مردم او را می بینند؛ ولی نمی شناسند.

در بـرخـی پیـامبران پیشین نیـز چـنین پنهان زیستی ایـ _ البته بـ _ ویژگی های خاص خود _ سابقه داشته است؛ به گونه ای که شیخ صدوق اساس نگارش کتاب کمال الدین و تمام النعمه را بر این باور بنا نهاده است.

بنابراین می توان نتیجه گرفت سخنان نورانی پیشوایان معصوم علیهم السلام از

ص: ۳۵۳

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۴۴، باب ۵، ح ۳.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۲؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰؛ نیز: سید رضا صدر، راه مهدی علیه السلام، ص ۷۸.

حقایق مربوط به غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن مقدار که مخاطبان می فهمیدند در اختیار آن ها قرار می داد و بیش از آن را به دوران ظهور حضرتش واگذار می کردند که آن دوران، عصر ظهور حقایق است.

طولانی بودن غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایاتی پس از تصریح به اصل غیبت، به طولانی بودن آن نیز تأکید شده است.

امام جواد علیه السلام در پاسخ به دلیل نام گذاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به «منتظر»، فرمود:

همانا برای او غیبتی است که روزهای آن، فراوان و مدت آن، طولانی خواهد شد، پس افرادی که دارای اخلاص باشند، منتظر ظهور او خواهند بود. (۱)

فلسفه و علل غیبت حضرت مهدی علیه السلام

پیش از آن که به برخی حکمت ها و علت های ظاهری غیبت آن حضرت اشاره شود، لازم یادآوری است در بررسی هایی که در روایات انجام شده است، نخستین نکته ای که در این باره به چشم می خورد، این است که پنهان زیستی آخرین ذخیره الهی، به طور قطع از اسرار خداوند سبحانه و تعالی است. حقیقت سرّ بودن این امر را رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چنین بیان فرموده است:

ای جابر! همانا این امر، امری است از امر خداوند سبحانه و تعالی و سرّی است از سرّ خدا که بر بندگان او پوشیده است؛ پس بر حذر باش که دچار تردید نشوی. همانا شک درباره خدا کفر است. (۲)

بی گمان این حکمت، اساسی ترین دلیل بر این رخداد بزرگ است؛ اما از آن جا که برخی شیعیان، همواره این پـرسش را مطـرح می کردند، در سخنان پیشـوایان معصوم علیهم السلام بـه برخی حکمت های ظاهری غیبت آن حضرت نیز اشاره شده است؛ از این رو بدان ها نیز اشاره ای گذرا می کنیم.

ص: ۳۵۴

-
- ۱- «إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْتُمُ أَيَّامَهَا وَ يَطُولُ أَمَدُهَا فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸.
 - ۲- «يَا جَابِرُ إِنَّ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ عَلِمَهُ مَطْوِيُّ عَنْ عِبَادِ اللَّهِ إِيَّاكَ وَ الشَّكُّ فِيهِ فَإِنَّ الشَّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كُفْرٌ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷.

۱. حفظ جان آن حضرت

در بررسی روایات مربوط به غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می یابیم یکی از حکمت های ظاهری پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امان ماندن آن حضرت از گزند بخواه آن و ستمگران است. (۱)

شیخ طوسی در کتاب الغیبه، ابتدای فصل پنجم، چنین نگاشته است:

هیچ علتی جز بیم حضرت از کشته شدن خویش، مانع ظهور وی نیست. اگر این گونه نباشد، نهان بودن در پس پرده غیبت برایش روانخواهد بود. آن محبوب دل ها، دشواری ها و آزار و اذیت را تحمل می کند؛ زیرا مقام و جایگاه والای امام آن و پیامبران علیهم السلام به سبب تحمل رنج و دشواری های بزرگ آنان در راه خدا بوده است.

البته این نه بدان معنا است که آن حضرت، از شهادت و کشته شدن در راه خدا هراس دارد؛ بلکه آن حضرت، چون آخرین ذخیره الهی در زمین است و آن حاکمیت فراگیر و جهانی که در تمام ادیان وعده داده شده است، فقط به دست او تحقق می یابد؛ بنابراین بر خداوند سبحانه و تعالی است که به هر وسیله ممکن، او را تا روز موعود حفاظت نماید و حکمت الهی نیز بر پنهان زیستی او تعلق گرفته است.

شیء ای پنهان زیستی بویژگی های خاص خود درباره برخی از پیامبران هنگامی که بر جان خویش بیم داشتند اتفاق افتاده بود که می توان به پنهان شدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در شعب ابی طالب علیه السلام و نیز در غار حرا در برخی زمان ها اشاره کرد. می دانیم هیچ دلیلی برای چنین پنهان شدنی نبود، مگر ترس از ضررهای که آن حضرت را تهدید می کرد.

۲. آزمایش انسان ها

یکی دیگر از حکمت های غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آزمایش مردم است. از آن جا که این نوع آزمایش، به دلیل عدم حضور ظاهری امام، بسیار مشکل و طاقت فرسا است، در تکامل روحی انسان ها نقش بسیار مهم و مؤثری دارد. با این آزمایش است که آشکار می شود چه کسی ثابت قدم و

ص: ۳۵۵

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۲۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲.

استوار، و چه کسی در ایمان و اعتقاد سست و مردد است.

جابر جعفی گوید: «به امام باقر علیه السلام عرض کردم فرج شما چه هنگام خواهد بود؟» حضرت فرمود:

«هیئات، هیئات، فرج ما فرا نمی رسد، تا زمانی که شما غربال شوید، تا خداوند سبحانه و تعالی ناخالصی ها را محو و نابود کند و آنچه خالص و زلال است، باقی نهد.» (۱)

روشن است در این امتحان بزرگ کسانی سربلند خواهند بود که دارای جایگاه والای ی از ایمان و عمل شایسته باشند و کس آنی که در این امور دچار کاستی باشند، بیشتر دچار لغزش و سقوط خواهند شد.

امام صادق علیه السلام تبلور این حقیقت را چنین بیان کرده است:

و این گونه است که غیبت قائم طولانی خواهد بود، تا این که حق محض آشکار شود و ایمان، از کدورت ها و پیرایه ها صاف و زلال گردد. این آشکار شدن، با بازگشت افرادی صورت می پذیرد که دارای طینت ناپاکی هستند، از پیروان ظاهری اهل بیت علیهم السلام؛ یعنی همان ها که ترس نفاق بر آن ها می رود. (۲)

از مجموع سخنان معصومان علیهم السلام به دست می آید که مهم ترین ویژگی مرتبط با امتحان و آزمایش انسان ها در این دوران، گریز آن ها از دین و آموزه های آن و به اوج رسیدن دنیا پرستی است (۳) که آن را از دوره های دیگر متمایز کرده است.

معصومان علیهم السلام برای این دوران، پس از بیان برخی ویژگی ها، هشدارهایی نیز داده اند که با توجه به آن ها، آزمایش های بزرگ از مهم ترین ویژگی این دوران است. (۴) افرادی که با ویژگی های این دوران، ایمان خود را به خوبی حفظ کرده، پروای الهی

ص: ۳۵۶

۱- هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ فَرْجُنَا حَتَّى تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا ثُمَّ تَغْرِبُوا يَقُولُهَا ثَلَاثًا حَتَّى يَذْهَبَ الْكُدْرُ وَيَبْقَى الصَّفْوُ؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۳۹.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۰، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۵.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۰۶، ح ۴۷۶؛ ر.ک: شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۵۳.

۴- میرزا حسین طبرسی نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۹، ح ۱۳۳۰۵؛ مسلم بن حجاج، صحیح، ج ۱، ص ۱۳۱.

داشته باشند، ارزش والایی دارند. در این باره وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از چهره های پیروز این دوران یاد می کند، با شگفتی به حضرت علی علیه السلام چنین می فرماید:

«ای علی! بدان شگفت آورترین مردم در ایمان و بزرگ ترین آنان در یقین، کسانی هستند که در پایان دوران _ با آن که پیامبر خود را درک نکرده اند و از امام خود در پرده اند _ به نوشته ای سیاه بر صفحه ای سپید، ایمان می آورند.»(۱)

افسوس بر آنان که در این دوران، اسیر وسوسه های بی پایان شیطان و هواهای نفسانی شده، در دام تاریک نادانی و عصیان زندگی می کنند.

۳. آزادگی از بیعت دیگران

دیدگاه برخی روایات، این است که آن حضرت، با غیبت خود، از بیعت با طاغوت های زمان در امان خواهد بود. امام مجتبی علیه السلام _ آن هنگام که برای حفظ مصالح اسلام و مسلمین به سازش با معاویه تن داد و مردم، زبان به سرزنش حضرتش گشودند _ چنین فرمود:

آیا ندانستید که هیچ یک از ما امامان نیست، مگر این که بیعت با ستمگری بر گردن او قرار می گیرد؛ جز قائم که عیسی بن مریم پشت س _ رش نماز می گزارد. به درستی که خ _ داوند سبحانه و تعالی ولادتش را پنه _ ان و شخصش را مخفی می سازد، تا آن گاه که قیام می کند، بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد.(۲)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی در پاسخ به برخی پرسش ها فرمود:

درباره علت غیبت پرسیده بودید؛ خداوند سبحانه و تعالی در قرآن کریم می فرماید: «ای اهل ایمان! از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما روشن شود، ناراحت می شوید.»(۳) بدانید هر کدام از پدران من، بیعت یکی از طاغوت های زمان خویش را برگردن داشتند؛ ولی من هنگامی که قیام می کنم، بیعت هیچ یک از گردنکشان و طاغوت های زمان را بر گردن

ص: ۳۵۷

۱- «يا عَلِيُّ أَعْجَبُ النَّاسِ إِيمَانًا وَأَعْظَمُهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجْبَةُ فَأَمَّنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ...»، شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۶؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۸، باب ۲۵، ح ۸.

۲- شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۱۵؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹.

۳- مائده (۵): ۱۰۱.

ادب کردن انسان ها _ به ویژه مسلمان ها _ یکی دیگر از فلسفه های غیبت است؛ چرا که بیشتر آن ها در زمان زندگی و حضور امامان پیشین، آن گونه که شایسته بود از ایشان استفاده و حمایت نکردند. افزون بر آن، گاهی با برخوردهای ناشایست خود، سب محروم شدن جامعه بشری از فیض آن ها شدند. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

شما مردمی هستید که با دل، ما را دوست می دارید؛ ولی عمل شما با این محبت، ناسازگار است. به خدا سوگند! اختلاف اصحاب پایان نمی یابد و به همین دلیل، صاحب شما از دست شما گرفته می شود.... (۲)

بدین سان غیبت آخرین حجت خداوند سبحانه و تعالی نماد خشم خداوند بر زمینیان است که با چراغ های هدایت به گونه ای ناشایست برخورد کردند.

افزون بر آنچه یاد شد، به مواردی همچون: تربیت انسان های مناسب برای قیام و حکومت جهانی و ایجاد اشتیاق جهانی برای حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز اشاره شده است.

با توجه به آن که روایات یاد شده فقط به برخی از حکمت های غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره کرده بود و در روایاتی نیز اساس حکمت غیبت آن حضرت، رازی از رازهای خداوند سبحانه و تعالی دانسته شده است و با توجه به این که عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عصر آشکار شدن حقایق است، از روایات استفاده می شود حکمت های اساسی غیبت آن حضرت، پس از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آشکار خواهد شد. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

...حکمت غیبت او، همان حکمتی است که در غیبت حجت های الهی پیش از او بوده است و وجه حکمت غیبت او پس از ظهورش آشکار شود؛ همچنان که وجه حکمت کارهای خضر از شکستن کشتی و کشتن پسر و به پا داشتن دیوار بر موسی علیه السلام روشن نبود، تا آن که هنگام جدایی آن ها فرا

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۹۰، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.
 ۲- «... وَ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُحِبُّونَا بِقُلُوبِكُمْ وَ يُخَالِفُ ذَلِكَ فِعْلُكُمْ وَ اللَّهُ مَا يَسْتَوِي اِخْتِلَافُ أَصْحَابِكَ وَ لِهَذَا أُسِرَّ عَلَيَّ صَاحِبِكُمْ...»، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰.

هم زمان با مطرح شدن اصل غیبت برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی معصومان علیهم السلام در روایاتی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دو بخش کوتاه و بلند تقسیم می شود. (۲) که هر یک دارای ویژگی های خاصی است.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱۱.

۲- امروزه از این دو غیبت، با نام های "غیبت صغرا" و "غیبت کبرا" یاد می شود؛ ولی در بیان اندیشوران شیعه از آن ها با عنوان هایی چون "غیبت قصری" و "غیبت طولی" و مانند آن نیز یاد شده است. ر.ک: شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۹.

این مطلب با تعبیرهای متفاوتی در سخن ان معصومی ن علیهم السلام ب ه چشم می خورد؛ زراره گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

همانا برای قائم، دو غیبت است که در یکی از آن ها به خانواده اش بر می گردد و در دیگری مکانش معلوم نیست. هر سال در مناسک حج حاضر می شود و مردم را می بیند؛ در حالی که مردم او را نمی بینند. (۱)

آن حضرت در روایتی به کوتاه و بلند بودن دو غیبت امام این گونه اشاره کرده است:

برای قائم، دو غیبت است؛ یکی از آن ها کوتاه و دیگری دراز. در غیبت نخست، جز شیعیان مخصوص، کسی از جایگاه او خبر ندارد و در دیگری، جز خدمتکار ویژه آن حضرت، کسی از مکانش آگاه نیست. (۲)

لازم یادآوری است آن حضرت در دوران پدر بزرگوار خویش نیز نوعی پنهان زیستی داشته است و به گونه ای نبوده که همگان بتوانند آن حضرت را ملاقات کنند. همین باعث شده است برخی آغاز غیبت آن حضرت را از هنگام ولادت بدانند. (۳)

الغیبه

از معتبرترین منابع روایی مهدویت

این کتاب، اثر ابو عبدالله محمد بن اب راهیم ب ن جعفر ک ا ب نعمانی، مشهور به ابن ابی زینب (ابن زینب)، از راویان و دانشمندان شیعه در اوایل قرن چهارم هجری است. وی نزد شیخ کلینی دانش حدیث را فرا گرفت و کاتب وی شد. شاید به همین سبب نیز عنوان «کاتب» یافت. او از شهرت، احترام و اعتبار خاصی نزد دانشمندان و فقهای شیعه بهره مند است. نجاشی درباره او می نویسد:

وی از بزرگان اصحاب ما و دارای

ص: ۳۶۰

۱- «إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَتَيْنِ يَرْجِعُ فِي إِحْدَاهُمَا وَفِي الْأُخْرَى لَا يُدْرَى أَيْنَ هُوَ يَشْهَدُ الْمَوَاسِمَ يَرَى النَّاسَ وَلَا يَرَوْنَهُ»، نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۵، ح ۱۵.

۲- «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةُ مَوَالِيهِ»، شیخ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۳- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۰.

مقامی والا، جایگاہی شایس، ته، اعتقادی درست، و روایات فراوان است. وی نخست به بغداد گام نهاد، سپس به شام رفت و آنجا درگذشت. (۱)

نعمانی، نگاشته‌های دیگری نیز دارد که همه آن‌ها جز همین کتاب غیبت از بین رفته‌اند. وی برای دست‌یابی به منابع ارزنده حدیث، مسافرت‌های فراوانی به مناطق گوناگون از جمله شیراز، بغداد، اردن و حلب داشته است؛ از این رو می‌توان گفت از امتیازات مهم این کتاب، استفاده از مصادر بسیاری است که فقط در این کتاب، از آن‌ها استفاده شده است. وی افزون بر این که نویسنده‌ای خوش‌نظر و دارای توان استنباط بود، از آگاهی‌های گسترده‌ای در باره رجال و احادیث نیز برخوردار بود.

کتاب الغیبه به راستی یکی از بهترین کتاب‌ها در زمینه احادیث مربوط به وی و زکریا عیسی‌ای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، غیبت و عصر ظهور است. همه حدیث‌ها، برخوردار از سند بوده و نوع اسناد هم، کوتاه و در بسیاری از موارد، اسناد خوب و مورد پسند اهل فن است.

نویسنده، درباره انگیزه نگارش کتاب، می‌نویسد:

من، در جامعه می‌دیدم شیعیان و علاقه‌مندان به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهلبیت علیهم السلام، به گمراهی‌های مختلفی تقسیم شده و در امر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ولی امر و حجت پروردگار خود سرگردان گشته‌اند. پس از بررسی، دلیل آن را غیبت آن حضرت یافتیم؛ چنان که رسول خدا و حضرت علی و امامان معصوم علیهم السلام نیز به آن اشاره کرده‌اند؛ لذا به یاری خداوند بر آن شدم، تا روایاتی را که مشایخ روایی بزرگ از امامان معصوم علیهم السلام در باره غیبت امام عصر علیه السلام نقل کرده‌اند، گردآوری کنم.

بسیاری از روایاتی که هم‌اکنون در اختیار من است، دانشمندان اهل سنت نیز روایت کرده‌اند. البته روایات آنان در این باره، بسیار گسترده‌تر از روایاتی است که هم‌اکنون در دست من است. (۲)

ص: ۳۶۱

۱- احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۸۳، ش ۱۰۴۳.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۰-۳۵.

کتاب الغیبه شامل ۴۷۸ روایت در ۲۶ باب است که برخی از این قرار است:

۱. در نگه داری سرّ آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از نااهلش؛

۲. اخبار اعتصام به حبل الله؛

۳. بحث امامت؛

۴. ائمه اثنا عشر از قرآن و تورات و انجیل و روایاتی که از طریق سنی و شیعه رسیده است؛

۵. درباره کسانی که مدعی امامت شوند و برداشتن علم قیام و امامت پیش از قیام قائم؛

۶. احادیثی حول امامت از طریق عامه؛

۷. کسی که در باره امامان شک کند؛

۸. لزوم حجت در زمین؛

۹. چنان چه دو تن روی زمین باشند، یکی امام است؛

۱۰. آنچه درباره غیبت از جمیع ائمه رسیده است؛

۱۱. تحمّل سختی های انتظار فرج؛

۱۲. سختی ها و ناملایمات شیعه در غیبت؛

۱۳. صفات و سیرت حضرت؛

۱۴. علایم پیش از ظهور؛

۱۵. اوضاع نابسامان جامعه پیش از ظهور؛

۱۶. نهی از تعیین وقت برای ظهور؛

۱۷. سختی ها و مشکلات حضرت از جانب نادان ها هنگام قیام؛

و ...

این کتاب برای ترویج فرهنگ ناب مهدوی نگارش یافته و بر این اساس می بایست همه روایات این اثر مهدوی باشد؛ اما طبق

بررسی های انجام شده نزدیک سیصد روایت آن ارتباط تنگاتنگی با موضوع مهدویت دارد و بقیه به مناسبت ذکر شده است.

غیبت صغرا

مرحله نخست و کتوتاه مدت غیبت مهدی علیه السلام

دوران غیبت صغرا که برخی آغاز آن را از همان ابتدای ولادت امام زمان علیه السلام (۱) و برخی از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام (۲) دانسته اند؛ در واقع نوعی آماده سازی بـرای غیبت طولانی بود و غیبت طولانی هم مقدمه ظهور و حضور ظاهری آن

ص: ۳۶۲

۱- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۰.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۵۹؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۱؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۹.

حضرت در جامعه انسانی است.

غیبت صغرا با ویژگی های خاص خود، دورانی لازم و ضروری بود که به حکمت خداوند سبحانه و تعالی، در تاریخ شیعه رقم خورد، تا جامعه شیعی را به کامل ترین صورت ممکن آماده فصلی تازه از زندگی خود کند. برخی از این ویژگی های غیبت صغرا بدین قرار است:

۱. محدود بودن به زمان معین

زمان غیبت صغرا محدود بود. از نگاه زمانی ۶۹ سال و چند ماه طول کشید و به دلیل کوتاه بودن مدت آن، «غیبت صغرا» نامیده شد؛ بر خلاف غیبت کبرا که کسی از مدت آن آگاهی ندارد.

۲. پنهان نبودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از همگان

در دوران غیبت صغرا، امام از نگاه ها پنهان بود؛ ولی این غیبت، همگانی نبود؛ بلکه کسانی مانند نواب خاص و برخی از وکلای آن حضرت، می توانستند با آن حضرت در تماس باشند و پرسش ها و نامه های مردم را خدمت امام ببرند و پاسخ او را به مردم برسانند. در صورتی که در غیبت کبرا، امام به طور کلی از نگاه ها پنهان است و راه نامه نگاری بسته است؛ یعنی بنای غیبت کبرا و اقتضای آن، این است که حضرت دیده نشود. البته این بدان معنا نیست که امکان ندارد دیده شود؛ بلکه ممکن است برخی افراد، حضرت را ببینند.

۳. ارتباط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با مردم به وسیله افراد مشخص

در غیبت صغرا، حضرت چهار نماینده داشت که آن ها را به صورت معین و مشخص تعیین کرده و برگزیده بود. آنان موظف بودند بین امام و مردم ارتباط برقرار کنند. اقامتگاه و مکان حضرت را نیز می دانستند؛ ولی در غیبت کبرا چنین نیست.

فلسفه غیبت صغرا

غیبت صغرا، مرحله نخست امامت حضرت مهدی علیه السلام بوده است. از ابتدا چنین مقدر بوده است که آن حضرت پس از رسیدن به امامت، بایستی بی درنگ از دید عمومی پنهان شود و در ظاهر، از آنچه در جامعه رخ می دهد، فاصله بگیرد؛ هر چند در واقع او از نزدیک، همه وقایع را احساس و ادراک می کند. باید توجه داشت که اگر آن غیبت، یکباره

ص: ۳۶۳

رخ می نمود ضربه سنگینی به پایگاه های مردمی و طرفداران امامت وارد می شد؛ زیرا مردم، پیش از آن با امام خود ارتباط داشتند، در

مشکلات به او رجوع می کردند؛ اگر امام ناگهانی غایب می شد و مردم احساس می کردند دیگر به رهبر فکری و معنوی خود دسترسی ندارند، ممکن بود همه چیز از دست برود و آن جمع به تفرقه دچار شوند.

بنابراین لازم بود برای «غیبت تامه» زمینه سازی شود، تا مردم به تدریج با آن، خو بگیرند و خود را بر اساس آن بسازند. با غیبت صغرا در واقع این زمینه سازی صورت گرفت. این زمان، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیده ها پنهان بود؛ ولی از راه نمایندگان، وکیلان و یاران مورد وثوق با شیعیان خود ارتباط داشتند. (۱) ولی رفته رفته با پدید آمدن آمادگی، پس از گذشت مدت ۶۹ سال _ به دستور خداوند سبحانه و تعالی _ آن حضرت در پرده پنهان زیستی تمام و کامل قرار گرفت.

نیز ن.ک: نیابت خاص.

غیبت کبرا

بخش دوم و طولانی پنهان زیستی مهدی علیه السلام

با پایان یافتن دوران غیبت صغرا در سال ۳۲۹ ق و درگذشت چهارمین سفیر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، «غیبت کبرا» و به بیان توقیع شریف «غیبت تامه» (۲) آغاز شد که تا امروز ادامه داشته و تا فرا رسیدن روز ظهور آن حضرت نیز ادامه خواهد یافت. برخی ویژگی های این غیبت که آن را از دوران نخست متفاوت می سازد، عبارت است از:

۱. طولانی بودن

بر خلاف غیبت صغرا، این غیبت، زمانی طولانی را در بر خواهد گرفت.

ص: ۳۶۴

۱- سید محمد باقر صدر، رهبری بر فراز قرون، ص ۱۰۱.

۲- شاید مقصود از "غیبت تامه" این باشد که پنهان زیستی ای که در دوران کوتاه مدت، با ارتباط مردم به واسطه نایب های چهارگانه و نیز ملاقات هایی، به صورت ناقص بود، با پایان یافتن نیابت خاص و نیز بسته شدن در ادعای ملاقات، تمام و کامل شد.

۲. نامشخص بودن پایان آن

اگرچه دوره غیبت کبرا محدود خواهد بود؛ اما پایان آن نامشخص است و جز خداوند سبحانه و تعالی از آن آگاهی ندارد.

۳. قطع ارتباط ظاهری با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

به گونه ای که ارتباط موجود در زمان غیبت صغرا در این دوران وجود نخواهد داشت.

۴. عام بودن نیابت در این دوران

بر خلاف دوران غیبت صغرا که ارتباط مردم با آن حضرت، از راه نواب خاص صورت می گرفت، در این دوران دیگر سفارت و نیابت خاص وجود ندارد و یگانه مرجع مردم، نایبان عام آن حضرت هستند که با ملائکه هایی که در روایات ذکر شده، قابل تشخیص است. در این دوران، مجتهدان جامع شرایط در جایگاه نایب عام، وظیفه اداره جامعه را بر عهده دارند.

۵. فراگیر شدن حاکمیت ستم و جور در زمین

از ویژگی های مهم این دوران، گسترش ستم است. که هر چه به گاه ظهور نزدیک تر می شود بر شدت آن افزوده می شود.

۶. شدت یافتن آزمایش های الهی

از سنت های الهی در همه دوران ها، امتحان و آزمایش بندگان است؛ اما به دلیل هایی این امتحان ها در دوران غیبت کبرا و به ویژه در آستانه ظهور شدت بیشتری می یابد. امام علی علیه السلام فرمود:

قائم ما را غیبتی است که زمانش طولانی خواهد بود. گویی شیعه را می بینم که در زمان غیبت او، به این سو و آن سو می روند. همانند گوسفندانی که چوپان خویش را گم کرده باشند، به دنبال چراگاه می روند و آن را نمی یابند. بدانید هر کس در زمان غیبت او، بر دین خویش ثابت قدم بماند، و در طول مدت ناپیدایی قائم ما، سنگدل نشده باشد، در بهشت با من و در درجه من خواهد بود. ^(۱)

بنابراین دوران غیبت کبرا مدت زمانی نامحدود است که در آن، واپسین پیشوای معصوم به دلیل هایی در پرده غیبت به سر می برد.

ص: ۳۶۵

تعبیری برای غیبت حضرت مهدی علیه السلام

فترت اسم مصدر ثلاثی مجرد «فتر»، به معنای مدت سکون و آرامش است. برای فترت و فتر در لغت عرب معانی مختلفی ذکر شده است.

راغب اصفهانی، فتر و فتور را «سکون بعد از حدّت» و «ضعف بعد از قوّت» معنا کرده است. (۱) «فترت» در اصطلاح دینی، به مدت زمان بین دو پیامبر و نیز مدت کوتاهی از انقطاع وحی در دوران رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفته می شود. (۲) این کلمه یک بار در قرآن کریم آمده و به فاصله زمانی بین حضرت عیسی علیه السلام و رسول گنّ رامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم اشاره کرده است. (۳)

در بیشتر روایات مهدویّت، مدت زمـان پنهـان زیـستی حضـرت

ص: ۳۶۷

۱- راغب اصفهانی، المفردات، ص ۳۷۱.

۲- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۷۴.

۳- ((يا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرِهِ مِنَ الرَّسُولِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ))؛ سوره مائده (۵): ۱۹.

مهدی علیه السلام، بـه «غیبت» تعبیر شده است؛ اما در پاره ای از سخنان معصومان علیهم السلام این دوران را «فترت» نیز یاد کرده اند. ابو حمزه گوید: خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم: «صاحب الامر شماست؟» فرمود: «نه.» گفتم: «پسر شما است؟» فرمود: «نه.» گفتم: «پسر پسر شما است؟» فرمود: «نه.» گفتم: «پس او کیست؟» فرمود:

همان کسی است که زمین را پر از عدالت کند؛ چنان که پر از ستم و جور شده باشد. او در زمان فترت [پیدا نبودن امامان] بیاید؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در زمان فترت [= پیدا نبودن رسولان] برانگیخته شد. (۱)

فرید

از لقب های حضرت مهدی علیه السلام

«فرید» در لغت به معنای «تک» است. در روایات یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده شده است.

اصبغ بن نباته گوید: از امیرمؤمنان علیه السلام شنیدم که می فرمود:

صاحب این امر شریک [= آواره]، طرید [= رانده]، فرید [= تک] و وحید [= تنها] است. (۲)

نیز ن.ک: القاب حضرت مهدی علیه السلام .

فرجام حضرت مهدی علیه السلام

پایان عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

درباره فرجام زندگی پرخیز و برکت آخرین حجت الهی، دیدگاه های متفاوتی ذکر شده است. برخی پایان عمر آن حضرت را با کشته شدن و شهادت دانسته، و برخی دیگر رحلت آن بزرگوار را به مرگ طبیعی ذکر کرده اند. هر کدام از دیدگاه های بالا مستند به دلایلی است.

یک. دلایل کسانی که پایان عمر ایشان را شهادت دانسته اند

۱. روایاتی در دست است که پایان عمر همه امامان علیهم السلام را شهادت (مرگ غیر طبیعی) ذکر کرده است. از امام

-
- ١- محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ٢، ص ١٤١، ح ٢١.
 - ٢- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ١، باب ٢٦، ح ١٣.

حسن علیه السلام نقل شده که فرمود:

هیچ یک از ما امامان نیست، جز آن که کشته یا مسموم شود.^(۱)

این روایت، به این صورت فقط در کتاب کفایه الاثر نوشته علی بن محمد خزاز قمی از علمای قرن چهار و پنج هجری آمده و مرحوم علامه مجلسی آن را از کتاب یاد شده نقل کرده است. آنچه در بررسی این روایت، قابل تأمل است این که: این روایت، در کتاب های پیش از آن مورد اشاره قرار نگرفته است. همچنین برخی از افراد که در سند روایت آمده اند مجهول بوده، در هیچ یک از کتاب های رجالی سخنی از آن ها به میان نیامده است. در ادامه روایت نیز مطلبی آمده که با اعتقاد شیعه در تعارض است و آن این که شمار امامان سیزده نفر خواهد شد؛ چرا که شمار امامان که از نسل علی علیه السلام است، دوازده نفر ذکر شده است که با خود آن حضرت سیزده نفر خواهد شد؛ بنابراین استناد به این روایت، برای ادعای یاد شده ناکافی می نماید.

۲. شیخ صدوق به نقل از اباصلت هروی گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود:

«به خدا سوگند! نیست از ما مگر کشته شده به شهادت رسیده.^(۲)»

این روایت را فقط شیخ صدوق نقل کرده است. وی روایت یاد شده را در کتاب من لایحضره الفقیه،^(۳) به صورت مرفوعه (بدون ذکر کامل سند) و در دو کتاب امالی^(۴) و عیون اخبار الرضا علیه السلام^(۵) با ذکر سند آورده است.

این احتمال که مقصود حضرت فقط امامان پیش از خود است و شهادت امامان پس از آن حضرت به دلیل نیاز دارد، استدلال قطعی آن بر همه امامان علیهم السلام را نیز ناتمام خواهد ساخت.^(۶)

ص: ۳۶۹

۱- «... مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ»، علی بن محمد خزاز قمی، کفایه الاثر، ص ۲۲۶.

۲- «وَاللَّهِ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ»، شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵، ح ۳۱۹۲.

۳- «وَاللَّهِ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ»، شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵، ح ۳۱۹۲.

۴- شیخ صدوق، الامالی، ص ۶۳.

۵- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۹.

۶- دیدگاه شیخ مفید در باره سه امام پس از آن حضرت این احتمال را تقویت می کند. (شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۹۵)

بررسی و قضاوت در این امر، مبتنی بر دو امر است:

الف. آیا همه امامان علیهم السلام به شهادت رسیده اند؟ دیدگاه دانشمندان شیعه در این باره چیست؟

آنچه می توان در جایگاه دیدگاه شاخص در این باره مطرح کرد، یکی نظر شیخ صدوق و دیگری نظر شیخ مفید است. شیخ صدوق معتقد است همه امامان علیهم السلام به مرگ غیر طبیعی از دنیا رفته اند. ولی شیخ مفید در نقد سخن شیخ صدوق دلیل های شهادت همه امامان را یقین آور نمی داند. (۱)

ب. در سخنی به چگونگی شهادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است.

به نظر می رسد نخستین کسی که چنین ادعایی را به گونه گسترده مطرح کرد، صاحب کتاب الزم الناصب بود. او در بخشی از کتاب خود آورده است:

پس چـون هفتاد سـال گذشت، مرگ حضرت حجت علیه السلام فرا خواهد رسید؛ پس او را زنی از بنی تمیم که نامش سعیده و دارای ریشی همچون مردان است، با انداختن سنگی از بام بر آن حضرت به قتل خواهد رساند؛ در حالی که آن حضرت، از راه عبور می کند. چون از دنیا رفت، امام حسین، امور مربوط به وی را انجام خواهد داد. (۲)

در باره این سخن، باید توجه داشت که این کلام از صاحب کتاب یاد شده است و در کلام معصومان علیهم السلام نه فقط به آن اشاره ای نشده است بلکه چنین مضمونی هم وجود ندارد.

دو. کسانی که می گویند آن حضرت به مرگ طبیعی از دنیا خواهد رفت، بر این باورند که:

__ دلیل های دسته نخست (به ویژه روایت اول) ناتمام است.

ص: ۳۷۰

۱- شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد، ص ۱۳۲.

۲- «فاذا تمت السبعون سنه أتی الحججه الموت فقتله امرأه من بنی تمیم اسمها سعیده و لها لحيه کلحیه الرجل بهاون صخر من فوق سطح و هو متجاوز فی الطريق فاذا مات تولی تجهیزه الحسین...»، علی یزدی حایری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۳۹. (لازم به یادآوری است که کتاب یاد شده مشتمل بر روایات صحیح هم هست؛ ولی در آن روایات ضعیف فراوانی نیز وجود دارد.)

— بر فرض قبول روایات یادشده، این روایات به حضرت مهدی علیه السلام تخصیص خورده است.

— شهادت آن حضرت، با روایاتی که بر اصلاح کامل جامعه در عصر ظهور دلالت دارد، در تعارض است.

— در روایاتی چند، سخن از مرگ طبیعی آن حضرت به میان آمده است. ایوب بن نوح گفت: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «ما امیدواریم شما صاحب الامر باشید و خدای تعالی بدون خونریزی و شمشیر آن را به شما بازگرداند که با شما بیعت شده و سکه به نامتان ضرب گردیده است»، فرمود:

هیچ یک از ما امامان نیست که نامه ها نزد او رفت و آمد کند و از مسائل پرسیده شود و با انگشتان بدو اشاره کنند و اموال نزد وی حمل شود، جز آن که به خدعه کشته شود یا آن که بر بستر خود بمیرد، تا جایی که خدای تعالی، مردی را برای این امر برانگیزد که مولد و منشأ او مخفی، اما نسبش آشکار است. (۱)

از آن جا که «اغتیال» هر دو احتمال (کشته شدن و مسموم شدن) را شامل می شود، (۲) می توان احتمال داد از مرگ در بستر، همان مرگ طبیعی استفاده می شود. بنابراین طبق این روایت، مرگ طبیعی برخی از امامان علیهم السلام محتمل خواهد بود.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

... پس چون معرفت و ایمان به این که او حسین علیه السلام است، در دل ها استقرار یافت، مرگ حضرت حجت علیه السلام فرا می رسد. پس حسین بن علی علیهما السلام او را غسل می دهد؛ کفن می کند؛ حنوط می کند و در قبرش قرار می دهد... (۳)

ص: ۳۷۱

۱- «مَا مِنَّا أَحَدٌ اخْتَلَفَتْ إِلَيْهِ الْكُتُبُ وَ أُشِيرَ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ وَ سُئِلَ عَنِ الْمَسَائِلِ وَ حُمِلَتْ إِلَيْهِ الْأَمْوَالُ إِلَّا اغْتِيلَ أَوْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غُلَامًا مِّنَّا»، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۸، ح ۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۰؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۴؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۳۳.

۲- ر. ک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲۸۹.

۳- «... فَإِذَا اسْتَقَرَّتِ الْمَعْرِفَةُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَاءَ الْحُجَّجَ الْمَوْتُ فَيَكُونُ الَّذِي يُعَسَّلُهُ وَ يُكْفَنُهُ وَ يُحَنِّطُهُ وَ يَلْحَدُهُ فِي حُفْرَتِهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ...»، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۰۷.

مرگ در روایت فوق شهادت را نیز شامل می شود اما احتمال مرگ طبیعی را نیز رد نمی کند. از آنچه یاد شد، به دست می آید که شهادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امری محتمل است و می توان از روایت امام رضا علیه السلام چنین برداشت کرد؛ اما همان گونه که شیخ مفید نیز بدان پایبند بوده، برای اثبات قطعی حکم به شهادت، ناکافی است و همان طور که علاوه بر آن برای هر امام نیاز به شواهد تاریخی است، برای حضرت مهدی علیه السلام نیز نیاز به دلیل دیگری داریم؛ بنابراین حکم قطعی به شهادت آن حضرت کاری بس مشکل است.

نیز ن.ک: آستانه قیامت، اشراف الساعه.

فرجام شناسی < آینده پژوهی

فضیلت انتظار فرج < انتظار فرج

فضیلت منتظران < منتظر

فلسفه رجعت < رجعت

فلسفه غیبت صغرا < غیبت صغرا

فلسفه و علل غیبت < غیبت مهدی علیه السلام

فواید امام غایب

غیبت امام مهدی علیه السلام به هر دلیل که باشد، بخشی از فلسفه وجودی او را در هاله پنهان زیستی قرار می دهد و مردم از او محروم می شوند و آن، بخش مباشرت او در هدایت ظاهری و تشکیل حکومت و اجرای عدالت است؛ ولی هدایت با واسطه و معنوی او به وسیله نمایندگان برای بیان احکام و اجرای حکومت و عدالت به حال خود باقی است. همان گونه که در زمان ظهورش گاهی هدایت یا ولایت و فرماندهی بخشی را به نخبگان خود وا می گذارد و مردم از آنان بهره مند می شوند، در زمان غیبت نیز این نمایندگی ادامه دارد و کار نمایندگان، کار امام معصوم است، چه این که آن ها از جانب او نصب شده اند.

تفاوت بین زمان ظهور و غیبت، فقط از جهت محروم بودن مردم از

درک حضور و مباشرت هدایت ظاهری و تصدی امور است که این به دلیلی _ چه بدانیم و چه ندانیم _ واقع شده است.

افزون بر هدایت معنوی امام، اصل وجود او هم حکمت و لطف است که در نظام حکیمانه الهی وجود او ضرورت دارد. از سخنان معصومان علیهم السلام به دست

ص: ۳۷۳

می آید که نه فقط پدید آمدن مجموعه هستی، بلکه دوام نظام آفرینش، به واسطه وجود انوار مقدّس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام بوده است؛ به گونه ای که استمرار وجود موجودات بدون وجود یکی از آنها غیر ممکن است.

باید توجه داشت که اصل وابستگی سایر ممکنات به امام علیه السلام و چگونگی آن و مسایل مشابه آن را دانشمندان و عالمان با دلایل کافی در محل خود اثبات کرده اند؛ چنان که به وسیله وحی و خبر آنان که با عالم غیب ارتباط و اتصال. نیز ثابت است. طبق همین اطلاعاتی که ایشان به ما می دهند، بر فرض که دلیل عقلی مستقّلی هم نباشد، به آنچه خبر می دهند اعتقاد می یابیم؛ زیرا برای تحقیق این گونه موضوعات _ به ویژه تفصیل آن _ راهی مطمئن تر و باوربخش تر از وحی و اخبار انبیا و اوصیای آن ها نیست. (۱)

در روایات فراوانی به این حقیقت اشاره شده که جهان هستی به برکت وجود نور پاک معصومان علیهم السلام آفریده شده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به مولای متقیان علیه السلام فرمود:

ای علی! اگر ما نبودیم، خداوند سبحانه و تعالی، آدم و حوا و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را نمی آفرید.... (۲)

بدون شک، به همان میزان که موجودات در هنگام پدید آمدن، نیازمند فیض الهی هستند، در دوام و استمرار وجود نیز نیازمند فیض خداوند سبحانه و تعالی هستند. در روایات فراوانی پیشوایان معصوم علیهم السلام واسطه های فیض الهی معرفی شده اند. ام _ ام صادق علیه السلام از پ _ درش و او از امام سجّاد علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

ما، پیشوایان مسلمین و حجت های خداوند سبحانه و تعالی بر جهانیان و سرور مؤمنان و رهبر سپیدجبینان و مولای اهل ایم _ ایم. و م _ ام _ ان اهل زمینیم؛ هم _ چنان ک _ ستارگان امان اهل آسمانند. و ما کسانی هستیم که خداوند سبحانه و تعالی به واسطه ما آسمان را نگاه داشته تا بر زمین نیفتد، مگر به اذن او و به واسطه ما زمین را نگاه داشته که اهلس را نلرزاند. به سبب ما باران

ص: ۳۷۴

۱- لطف الله صافی گلپایگانی، وابستگی جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۷.

۲- «يَا عَلِيُّ! لَوْ لَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَ لَا حَوَاءَ وَ لَا الْجَنَّةَ وَ لَا النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْأَرْضَ...»، شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۲.

را فرو فرستد و رحمت را منتشر کند و برکات زمین را خارج سازد. و اگر نبود که ما بر روی زمینیم، اهلش را فرو می برد. (۱)

پس به سبب وجود امام و پیامبر علیهم السلام است که نه فقط ما، که جهان هستی از برکت فیض های الهی بهره مند می شوند.

امام صادق علیه السلام درباره فواید تکوینی امام چنین فرموده است:

...به سبب ما درختان میوه می دهند و میوه ها به ثمر می رسند و رودها جاری می شوند. و به سبب ما ابر آسمان می بارد و گیاهان از زمین می رویند. و به بندگی ما خداوند سبحانه و تعالی پُرستیده می شود و آنگاه ما نبودیم، هرگز خرداوند سبحانه و تعالی پُرستی ندهد نمی شد.... (۲)

بَدین سبب، آن، به ره مندی هم آفریده ها از هستی و ادامه وجود، بسته به وجود حجت روی زمین است. البته این نوع بهره مندی، به پذیرش یا رد امام ارتباطی ندارد و خداوند سبحانه و تعالی به واسطه وجود امام، تمام موجودات را بهره مند می کند.

بنابراین اگر تقدیر خداوند توانای حکیم، چنان باشد که آن گونه که بعضی از فرشتگان، واسطه نزول برخی برکات شده اند، فیض های عام و خاص به واسطه امام به آفریدگان برسد و امام مجرای فیض باشد، خواه ناخواه وجود و بقای سایر ممکنات که به فیض الهی حدوث و بقا دارند، به مجرای فیض مرتبط خواهند بود. در فرض عدم این مجاری فیض، باز هم فیاضیت خدا

اگر قصور در پذیرنده فیض نباشد برقرار است؛ امّا می توان گفت ممکنات همه آن استعداد را ندارند که بدون واسطه، تلقی فیض کنند و قصور خودشان مانع از کسب فیض مستقیم است. (۳)

شکی نیست همه آنچه در شأن امام علیه السلام گفته شد، به حضور ظاهری او ارتباطی ندارد و امام غایب نیز مانند امام حاضر، واسطه فیض الهی است.

ص: ۳۷۵

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۲۲.

۲- «... بِنَا أَثْمَرَتِ الْأَشْجَارُ وَ أُيْنَعَتِ الثَّمَارُ وَ جَرَتِ الْأَنْهَارُ وَ بِنَا يَنْزِلُ غَيْثُ السَّمَاءِ وَ يَثْبُتُ عُشْبُ الْأَرْضِ وَ بَعِبَادَتِنَا عَبْدَ اللَّهِ وَ لَوْ لَا نَحْنُ مَا عَبَدَ اللَّهُ...»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۴۴، ح ۲۳.

۳- ر.ک: لطف الله صافی گلپایگانی، وابستگی جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۷.

افزون بر بهره‌های یاد شده، فایده‌های دیگری هست که البته مشروط به اعتقاد و باور به ایشان است. برخی از فواید این بخش بدین قرار است:

۱. نگهبانی از آیین خداوند سبحانه و تعالی با هدایت‌های باطنی

بی‌گمان پیشوایان معصوم علیهم السلام، معلّمان و مربّیان اصلی انسان‌ها هستند و مردم، همواره از زلال معارف ناب آن بزرگواران بهره‌ها برده‌اند. در زمان غیبت نیز، اگرچه دسترسی مستقیم و استفاده همه‌جانبه از محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ممکن نیست، آن معدن علوم الهی به راه‌های مختلف، گره از مشکلات علمی و فکری شیعیان باز می‌کند. این مهّم نه فقط در دوره غیبت صغریا با پاسخگویی به پرسش‌های مردم و دانشمندان، از طریق نامه‌های امام (توقیعات) تحقق یافت، بلکه در دوران غیبت کبرا نیز به صورت هدایت‌های باطنی صورت پذیرفت.

بنابراین شکی نیست بقای مکتب تشیّع در گرو حمایت‌های آن امام پنهان بوده است. شیعه بر این باور است که آن حضرت همواره در هنگامه‌های حساس و حوادث تعیین‌کننده، بسان دستی غیبی اراده‌های نقش‌آفرین را در جهت اصلاح امور، هدایت کرده، این باور الهی را از نابودی در پناه گرفته است. این اصلاحات به طور عمده با هدایت‌های باطنی صورت می‌پذیرد. هدایت‌هایی که گاهی به وسیله شخص امام و گاهی به وسیله دیگران درباره صالحان و شایستگان انجام می‌گیرد.

امام، از راه باطن، بر نفوس افراد اشراف دارد و آنان را مورد هدایت و تربیت خود قرار می‌دهد. با الفا‌های نیکو یا با ننگه داشتن‌های باطنی، راه برخی از افراد را عوض می‌کند یا آن‌ها را در راه صحیحی که دارند، استوار و ثابت قدم می‌دارد؛ گرچه این هدایت، از دیدگان پنهان است. چه بسیار افرادی که یکباره از راهی که داشتند، برگشتند و هرگز حاضر نشدند دوباره بدان برگردند و چه بسیار افرادی که در کار خود متزلزل و مردد بودند؛ ولی یکباره در آن مستقر شدند.

۲. نگهداشت جامعه از ناامیدی و سرخوردگی

بدون شک، باور به امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف سبب امیدواری مسلمانان به آینده روشن می‌شود. این امیدواری، از بزرگ‌ترین اسباب موفقیت و پیشرفت است. جامعه شیعی، طبق باور خویش

به وجود امام شاهد و زنده، همواره منتظر ظهور آن حضرت است. او را در میان خود نمی بیند؛ اما خود را یگانه و جدا از او نمی داند. باری؛ امام پنهان، همواره مراقب حال و وضع شیعیان است و همین مسأله باعث می شود پیروانشان به امید لطف و عنایت حضرتش، برای رسیدن به وضع مطلوب جهانی تلاش کنند.

به بیان دیگر، امام _ اگر چه غایب _ نقطه اتکایی است که پیروان خ _ود را در ورطه ه _ای ناب _ودی و ناامیدی در حم _ایت و پن _اه خود می گیرد و بسان پناهگاهی مطمئن پیروان خود را به تلاش و کوشش در راه رشد و تعالی وا می دارد؛ بنابراین حالت امید و انتظار به آینده، از فواید دیگری است که بر وجود آن حضرت مترتب است. بدون تردید، جامعه ای که به پیشوای زنده _ اگر چه غایب _ معتقد است، همواره از فرو افتادن در ناامیدی در امان خواهد بود و شکی نیست جامعه ای که دچار ناامیدی شد، رو به انحطاط خواهد رفت. ام _روزه ج _امعه شیعی، است _واری، پویایی و شادابی خود را مرهون این باورمندی می داند که از فواید آن امام پنهان به حساب می آید.

آری؛ اوضاع نابسامان و اسفبار جهان و سیل بنیان کن ستم و بیداد، خیرخواهان بشریت را نگران کرده است؛ به گونه ای که ممکن است گاهی در اصل قابلیت اصلاح بشر تردید کنند. در این صورت، یگانه روزنه امیدی که برای بشر باز می ماند و یگانه بارقه امیدی که در این جهان ظلمت زده، امید می آفریند، همان انتظار فرج و فرا رسیدن عصر سراسر ع _دل حک _ومت ت _و حید و نف _وذ دستورهای الهی است.

۳. ایمنی بخش از بلاها

بدون تردید، امنیت، از اساسی ترین نیازهای زندگی است. پدید آمدن رخدادهای ناگوار، همواره این نیاز را مورد تهدید جدی قرار داده، زندگی و حیات طبیعی موجودات را به مخاطره انداخته است. بخشی از این نگرانی ها با کنترل عوامل شناخته شده بر طرف می شود؛ اما در موارد فراوانی عواملی ناشناخته و خارج از کنترل، ناامنی هایی را بر زندگی تحمیل می کند.

در برخی روایات، امام و حجت الهی، عامل امتیّت زمین و اهل آن، دانسته شده است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خود فرموده است:

من، سبب ایمنی [از بلاها] برای ساکنان زمین هستم. (۱)

حجت خداوند سبحانه و تعالی و امام معصوم، مانع از آن است که مردم به سبب انواع گناهان و مفسدتی که انجام می دهند به عذاب های سخت الهی گرفتار آیند و طومار حیات زمین و اهل آن در هم پیچیده شود. قرآن کریم در این باره، خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که بزرگ ترین حجت الهی است، می فرماید:

((وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ...)) (۲)

«ای رسول ما!» تا زمانی که تو در میان ایشان [مسلمانان] هستی، خداوند سبحانه و تعالی هرگز آن ها را به عذاب [عمومی] گرفتار نخواهد کرد.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که نمونه کامل رحمت و مهر پروردگار است نیز به عنایت خاص خود بلاهای بزرگ را _ به ویژه از جامعه شیعیان و فرد فرد آن ها _ دور می کند؛ گرچه در بسیاری از موارد، شیعیان به لطف و کرامت او توجه نداشته باشند و دست یاریگر او را بر سر خود نشانند. آن گرامی در مقام معرفی خود فرموده است:

من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم. خدای تعالی، به واسطه من بلاها را از خاندان و شیعیانم دور می کند. (۳)

۴. ایجاد پروای الهی در پرتو باور وجود امام زنده در جامعه

از روایات اسلامی به دست می آید که در دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و در زمان های معینی، اعمال انسان ها به آن حضرت عرضه می شود. این باور، خود در ایجاد پروای الهی، و خویشتن داری برابر انجام کارها، نقشی بسیار مهم و اساسی دارد.

مرحوم کلینی در کتاب کافی، بخشی را با عنوان «يَا بَعْزُ الْأَعْمِيَالِ عَلَي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ الْمَأْتَمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»، پدید آورده و در آن روایاتی را یادآور شده که در آن، سخن از عرضه اعمال بر امام زنده هر عصر دارد. در روایت چهارم این باب،

ص: ۳۷۸

۱- «وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ...»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

۲- انفال (۸): ۳۳.

۳- «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ مِنْ أَهْلِ وَ شِيعَتِي»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۶.

عبد الله بن ابان زيات كه جاىگاه خوبى نزد حضرت رضا عليه السلام داشت، از آن حضرت خواست براى او و اهل بيتش دعا كند آن حضرت فرمود:

أَوْ لَسْتُ أَفْعَلُ وَاللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ؛ مگر چنين نمى كنم؟ به خـدا سوگـند اعمال شما در هر روز و شب بر من عرضه مى شود.

عبد الله بـ ن ابـ ن گـفت: «از اىـ ن فرمايش حضرت شگفت زده شدم.» حضرت در پاسخ فرمود:

مگر كتاب خدا را نخوانده اى كه فرمود: «و بگو: هر كار مى خواهيد انجام دهيد؛ پس به يقين خداوند سبحانه و تعالى، پيامبرش و مؤمنان عملتان را مى بينند؟» فرمود: «به خدا سوگند! مقصود از او [= مؤمن] على بن ابى طالب است.» (1)

اين آگـ اهى، آثـ ار تربيتى فراوانى دارد و كه مهم ترين آن ها، اين است كه انسان را به نوعى مراقبت دائمى در رفتار خود وا مى دارد. انساني كه بداند افزون بر خداوند سبحانه و تعالى، پيامبران و فرشتگان، امامى زنده نيز وجود دارد كه اعمال او بر وى عرضه مى شود، به طور قطع رفتار خود را با دقت بيشترى انجام مى دهد.

۵. يارى برخى نیازمندان

جداى از اين كه در همه حالت ها، خود آن حضرت به يارى استمداد كنندگان مى آيد يا اين كه ملازمان و اوليائى او و نيز اين كه يارى شدن توسط آن حضرت، همراه ملاقات باشد يا نه، شكى نيست كه در طول تاريخ غيبت، انسان هاى بسيارى به دست آن حضرت يا اراده ايشان از سختى ها و مشكلات نجات يافته اند.

۶. دعای خير حضرت در حق مؤمنان

شكى نيست كه امام معصوم عليه السلام از هر پدر و مادري مهربان تر است و در همه حال، خوبى بندگان خدا _ به ويژه مؤمنان _ را مى خواهد؛ از اين رو همواره براى موفقيت آن ها و نيز دورى مصيبت ها و مشكلات از آن ها، دعا مى كند. اين هم در موارد فراوانى رخ داده است.

نيز ن.ك: امامت حضرت مهدى عليه السلام، غيبت حضرت

ص: ۳۷۹

۱- «أَمَّا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ) ؟ قَالَ: هُوَ وَ اللَّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ»، محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۱، ص ۲۲۰.

فوتوریسم

اعتقاد به دوران آخرالزمان و ظهور منجی موعود

«فوتوریسم (۱)، یعنی اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی غیبی و مصلح جهانی و بزرگ، از جمله مسائلی است که در اصول عقاید ما، جای مهمی را اشغال کرده است.

فوتوریسم عقیده ای است که در کیش های آسمانی: زوراستریانیسم (مذهب زردشت) و جودائیسیم (مذهب یهود) و سه مذهب عمده مسیحیت: کاتولیک، پروتستان، ارتودکس و به طور کلی در میان مدعیان نبوت، به مثابه یک اصل مسلم قبول شده و همگی به اتفاق بشارت ظهور همچو مصلحی را داده اند...» (۲)

«فوتوریسم یکی از مسائلی است که در بحث های تئولوژیک تمام مذاهب آسمانی (رشته تئولوژی بیبلیکال) در باره آن بحث و گفت و گو شده است.

دارمستر در طی کنفرانس هایی که ب___ه___مناسبت ظهور «مهدی متمهدی» در سودان در فوریه سال ۱۸۸۵ میلادی در حضور عده فراوانی برگزار گردید و سپس گفتارهای وی به شکل کتابی مستقل چاپ شد، می گوید: می دانید که محمد صلی الله علیه و آله و سلم چگونه شریعت خود را بنیان نهاد؟ وقتی که او ظهور کرد، در عربستان افزون بر شرک ملی باستانی! سه دیانت بیگانه موجود بود: آیین یهود، دیانت عیسوی، کیش زردشت... نکته مشترکی که در این سه دیانت یافت می شد عبارت از اعتقاد به یک وجود فوق الطبیعه بود که بایستی در آخرالزمان ظهور کند و نظم و عدالت رفته را به جهان باز آورد و مقدمه جاودانگی و سعادت دائم انسان را فراهم سازد.

شما همگی در کتاب یسوع بحثی را که مربوط به این موضوع است خوانده اید: مطابق آموزه های این سه دیانت پیش از ظهور منجی باید نیروی بد بر جهان حکم فرما شود.»

ص: ۳۸۰

(-۱) uturism

۲- سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اهل سنت، ص ۵۵.

بر اساس تحقیقات پژوهشگران مسائل اسلامی، این عقیده در طول زندگی انسان‌ها پیوسته میان همه ملت‌ها و پیروان ادیان بزرگ موجود بوده، و حتی اقوام گوناگون جهان چون: اسلاوها، ژرمن‌ها، اسن‌ها و سلت‌ها، نیز معتقدند سرانجام باید پیشوایی در آخرالزمان ظهور کرده، بی‌عدالتی‌ها را از بین ببرد. سپس حکومت واحد جهانی تشکیل داده، بین مردم، بر اساس عدالت و انصاف داوری کند.

ص: ۳۸۱

۱- همان، به نقل از: دار مستتر، مهدی در ۱۳ قرن، ترجمه محسن جهان سوز.

از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

با مراجعه به روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، می توان گفت: هیچ لقبی به اندازه «قائم»، برای آن حضرت مورد استفاده قرار نگرفته است. گویا از آنجا که قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، درخشان ترین فصل زندگی آن حضرت است؛ اتصاف به این صفت و لقب، همواره در کلام معصومان علیهم السلام مورد تصریح قرار گرفته است؛ بنابراین مهم ترین سبب اتصاف به این لقب، آن است که آن بزرگوار، در برابر اوضاع سیاسی و انحرافات دینی و اجتماعی، بزرگ ترین قیام تاریخ را رهبری خواهد کرد.^(۱) البته می توان تمام امامان علیهم السلام را قائم به حق دانست؛ اما ویژگی های قیام امام مهدی علیه السلام، آن حضرت را از دیگر امامان ممتاز ساخته است. درباره سبب نامیده شدن حضرت به «قائم»، می توان به روایات زیر اشاره کرد:

ابوحمزه ثمالی می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: «ای فرزند رسول خدا! آیا همه شما قائم و به پا دارنده حق نیستید؟» فرمود: «بلی.» عرض کردم: «چرا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را قائم

ص: ۳۸۳

۱- شیخ مفید، الارشاد، ص ۷۰۴، ح ۲.

نامیده اند؟» فرمود: «هنگامی که جد من، حضرت سیدالشهداء حسین بن علی علیهما السلام شهید شد، فرشتگان به درگاه خداوند سبحانه و تعالی ضجه و ناله نموده، نزد او شکایت کردند... پس خداوند عزوجل امامان از فرزندان حسین علیه السلام را به آنان نشان داد و فرشتگان از دیدن آنان خوشحال شدند. در آن هنگام، دیدند که یکی از ایشان ایستاده است و نماز می خواند. پس خداوند سبحانه و تعالی فرمود: به وسیله این قائم [= ایستاده] از آنان [= قاتلان حسین] انتقام خواهم گرفت. (۱)

از امام جواد علیه السلام پرسیدند: «چرا او را قائم می نامند؟» فرمود:

چون پس از آن قیام می کند که از یادها رفته است و بیشتر معتقدان به امامتش برگشته اند. (۲)

نیز ن.ک: ایستادن هنگام شنیدن کلمه قائم، القاب حضرت مهدی علیه السلام.

قادیانیه

پیروان غلام احمد خان، مدعی مهدویت

قادیانیه یا احمدیه مذهب جدیدی است که به میرزا غلام احمدخان قادیانی منسوب است. وی حدود سال ۱۲۵۵ ق (۱۸۳۹م) در قادیان، متولد شد. و سال ۱۹۰۸م، در گذشت. (۳) او که مؤسس فرقه احمدیه یا قادیانیه شمرده می شود، اهل پنجاب پاکستان بود.

غلام احمد، حدود چهل سالگی کتاب مذهبی خود را که «براهین احمدیه» نام دارد منتشر کرد که با استقبال مردم روبه رو شد. حدود پنجاه سالگی به دعوت بشارت خود پرداخت و ادعا کرد از جانب خدا به او وحی می رسد و اجازه دارد بیعت بپذیرد. در سال ۱۰۹۴م خـود را مسیح، مهدی موعود و تـارا کریشنا خواند. (۴)

او در اصول، با اعتقادهای اسلامی موافق بود؛ ولی به جمع بیـن مسیحیت و مهدویت اعتقاد داشت و خود را مهدی موعود و مظهر عیسی و حضرت محمد می دانست. در نظر غلام احمد، حضرت عیسی علیه السلام پس از

ص: ۳۸۴

۱- طبری، دلائل الامامه، ص ۲۳۹.

۲- «لَا تَهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَارْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ»، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۳.

۳- ر.ک: محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۸.

۴- محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۹.

خاک سپاری از گور برون آمد؛ در کشمیر اقامت گزید و در ۱۲۰ سالگی در شهر سری نگر وفات یافت.

غلام احمدخان، جهاد با شمشیر را حتی بر ضد دشمنان اسلام حرام می دانست و مسالمت و صلح را شعار خود می شمرد. بدین سبب طرفدار دولت بریتانیا شد و بـه تدریج پیروانش در لاهور، ایالت پنجاب و ربوه فزونی یافتند. آن ها بیمارستان و مدرسه های بسیاری پدید آوردند و با کارهایی چنین، شمار طرفداران خویش را فزونی بخشیدند. پس از مرگ غلام احمدخان، پیروانش به تدریج به فرقه های گوناگون تقسیم شدند.^(۱)

قتل نفس زکیه

از نشانه های حتمی ظهـور و قیـام حضرت مهدی علیه السلام

«نفس زکیه» یعنی فرد بی گناه، پاک، کسی که قتلی انجام نداده است^(۲) و جرمی ندارد.

در آستانه قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف درگیرودار مبارزات زمینه ساز انقلاب مهدی علیه السلام، فردی پاکباخته و مخلص، در راه امام علیه السلام می کوشد و مظلومانه کشته می شود. طبق بیان روایات، این رخداد عظیم، بین رکن و مقام در بهترین مکان های زمین اتفاق می افتد. فرد یاد شده، از اولاد امام حسن مجتبی علیه السلام است^(۳) کـه در روایات، گاهی از او به عنوان «نفس زکیه» و «سید حسنی» یاد کرده اند.^(۴)

قتل نفس زکیه، از نشانه های حتمی و متصل به ظهور است. در منابع اهل سنت کمتر نامی از آن برده شده؛^(۵) ولی در منابع شیعه، روایات آن، فراوان است؛ از این رو، در اصل تحقق چنین حادثه ای به عنوان علامت قیام شکمی نیست؛ هر چند اثبات جزئیات آن و نیز زمان تحقق آن و ویژگی های مقتول، مشکل است.^(۶)

ص: ۳۸۵

۱- ر.ک: شهرستانی، ملل و نحل، ملحقات آخر جلد دوم.

۲- کهف (۱۸): ۷۴.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۴- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۴۵، ح ۴۴۰.

۵- ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۷، ص ۵۱۴، ح ۳۷۶۴۲.

۶- شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۸۲؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۵، ح ۴۲۵؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی،

ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۵۹.

برخی گمان کرده اند مراد از نفس زکیه، محمد بن عبدالله بن حسن، معروف به نفس زکیه است که در زمان امام صادق علیه السلام در منطقه «احجار زیت» در نزدیکی مدینه کشته شد. این احتمال درست نیست، به چند دلیل:

۱. لازمه اش این است که پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام؛ بلکه پیش از آن که امامان از آن خبر دهند، این نشانه رخ داده باشد.

۲. در روایات تصریح شده است که «نفس زکیه»، بین رکن و مقام کشته می شود؛ حال آن که محمد بن عبدالله بن حسن در منطقه «احجار زیت» (در نزدیکی مدینه) کشته شده است.

۳. همان گونه که در روایات اشاره شده قتل نفس زکیه از نشانه های حتمی و متصل به ظهور است؛ حال آن که محمد بن عبدالله، سال ها پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام به قتل رسیده است. امام باقر علیه السلام فرمود:

بین قیام مهدی علیه السلام و کشته شدن نفس زکیه، بیش از پانزده شبانه روز فاصله نیست. (۱)

نیز ن.ک: نفس زکیه، نشانه های ظهور، ظهور.

قم

شهری با جایگاهِ اهـویـژَه در ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

قم یکی از شهرهای مشهور ایران است که در طول تاریخ شیعه، همواره از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است. از آن جا که در همان اوایل سلطه عرب ها بر این شهر، دوستان و محبان اهـل بیت علیهم السلام بدان جـا مهاجرت کـردند، سنگ نخستین اعتقاد مردمان آن، شیعی نهاده شد. این شهر رفته رفته یکی از پایگاه هـای شـنـاخـته شده تـر و یج فرهنگ شیعی در تاریخ ثبت شده

ص: ۳۸۶

۱- «لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَبَيْنَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ إِلَّا خَمْسَ عَشْرَةَ لَيْلَةً»، شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۴۵، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۹.

است. به دنبال آن، با تأسیس حلقه ها و مراکز علمی، این شهر در جایگاه مرکز زبسی ار مهم نشرف رهننگ

ص: ۳۸۷

اهل بیت علیهم السلام ایفای نقش کرده است؛ چنان که امروزه به عنوان پایتخت جهان تشیع، دانش و معارف از آن به تمام جهان نور افشانی می کند که مراجع و دانشمندان بزرگ جهان اسلام، از این جا فیوضات وجودی خویش را به مشتاقان در سراسر گیتی ارائه می دهند.

آنچه ای شهر را در فرهنگ «مهدویت» از برجستگی خِصی برخوردار کرده، روایاتی است که این شهر و اهالی آن را با موضوعات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام پیوند زده است. در برخی از این روایات، فلسفه نام گذاری این شهر به قم، با نام حضرت مهدی علیه السلام (قائم به حق) مناسب است و همچنین با قیام و به پا خاستن اهل قم و اطراف آن شهر، در زمینه سازی و یاری آن حضرت، تناسب دارد.

عقّان بصری روایت کرده است: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آیا می دانی از چه رو این شهر را قم می نامند؟» عرض کردم: «خدا و رسولش آگاه ترند.» فرمود: «همانا قم نام گذاری شده است برای این که اهل قم، اطراف قائم گرد آمده و با وی قیام می نمایند و کنار او ثابت قدم مانده و او را یاری می کنند.»^(۱)

ظاهر برخی روایات این است که امامان علیهم السلام به شهر قم، عنایت ویژه ای داشته و مفهومی را برتر و وسیع تر از یک شهر و توابع آن، به این شهر بخشیده اند.

در روایتی آمده است عده ای از بزرگان ری به حضور امام صادق علیه السلام رسیدند و عرض کردند: «ما از اهل ری هستیم که خدمت رسیده ایم.» حضرت فرمود: «خوش آمدند برادران قمی ما.» آنان عرض کردند: «ما اهل ری هستیم.» حضرت فرمود: «خوش آمدند برادران قمی ما.» باز عرض کردند: «ما اهل ری هستیم.» حضرت فرمود: «خوش آمدند برادران قمی ما.» دوباره عرض کردند: «ما اهالی ری هستیم.» امام نیز کلام اول خود را تکرار کرد. آنان گفته خود را چند بار یادآور شدند و امام نیز مانند اول آنان را پاسخ داد و چنین فرمود:

ص: ۳۸۸

۱- «انما سُمِّيَ قُمْ لِأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ وَ يَقُومُونَ مَعَهُ وَ يَشْتَرِيقُونَ عَلَيْهِ وَ يَنْصُرُونَهُ»، محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶، ح ۳۸.

خداوند سبحانه و تعالی دارای حرمی است که مکه است و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارای حرمی است و آن مدینه منوره است و امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی دارد که کوفه است. ما اهل بیت نیز دارای حرمی هستیم که آن، شهر قم است. به زودی بانویی از سلاله من به نام فاطمه علیها السلام در این شهر دفن خواهد شد. کسی که او را در قم زیارت کند، اهل بهشت می باشد. (۱)

راوی گفت: «این سخن را امام صادق علیه السلام زمانی فرمود که هنوز حضرت کاظم علیه السلام متولد نشده بود.»

در بحارالانوار دو روایت را، از امام صادق علیه السلام در باره آینده شهر قم و نقش مکتبی آن پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است:

۱. خداوند سبحانه و تعالی به وسیله شهر کوفه بر سایر شهرها استدلال می کند، همچنین به مؤمنان آن شهر بر سایر مؤمنان و به شهر قم بر سایر شهرها و به واسطه اهل قم بر جهانیان، اعم از جن و انسان. خداوند سبحانه و تعالی اهل قم را مستضعف فکری قرار نداده؛ بلکه همواره آنان را موفق و تأیید کرده است. سپس فرمود: دینداران در این شهر، در مضیقه زندگی می باشند. اگر غیر این باشد، مردم به سرعت به آن جا روی می آورند و آن جا خراب می گردد و اهل آن، تباه می شوند و آن گونه که باید نمی تواند بر سایر سرزمین ها حجّت باشد. زمانی که موقعیت قم بدین جا برسد، آسمان و زمین آرامش ندارد و ساکنان آن ها لحظه ای باقی نمی مانند. بلا و گرفتاری از قم و اهل آن دفع شده است.

به زودی زمانی خواهد رسید که قم و اهل آن، حجت بر مردم خواهند بود و این در زمان غیبت قائم ما و ظهور وی می باشد. اگر چنین نباشد، زمین، اهل خودش را فرو می برد. فرشته های الهی مأمور دور کردن بلاها از این شهر و اهل آن می باشند. هر ستمگری که درباره آنان اراده بد داشته باشد، خداوند سبحانه و تعالی که در هم کوبنده ستم پیشگان است، او را در هم می شکند. ا ب ه گ رفتاری و مصیبت یا دشمنی، مبتلا می کند. خداوند متعال نام قم و اهلیش را در زمان فرمانروایی ستمگران، از یاد

ص: ۳۸۹

۱- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶، ح ۴۱؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۸، ح ۱۲۱۹۶.

آنان می برد؛ آن گونه که آن ها یاد خدا را فراموش کردند. (۱)

ص: ۳۹۰

۱- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۲، ح ۲۲.

۲. به زودی شهر کوفه از مؤمنان خالی می شود و به گونه ای که مار در جایگاه خود فرو می رود، علم نیز این چنین از کوفه رخت برمی بندد و از شهری به نام قم آشکار می شود. آن سامان، معدن فضل و دانش می شود؛ به گـونه ای کـه در زمین کسی در استضعاف فکـری بـه سر نمی برد، حتی نو عروسان در حجله گاه خویش. این قضایا نزدیک ظهور قائم ما به وقوع می پیوندد. خداوند سبحان، قم و اهلش را برای رساندن پیام اسلام، قائم مقام حضرت حجت می گرداند. اگر چنین نشود، زمین اهل خودش را فرو می برد و در زمین حجتی باقی نمی ماند. دانش، از این شهر به شرق و غرب جهان منتشر می شود. بدین سان بر مردم اتمام حجّت می شود و یکی باقی نمی ماند که دین و دانش به وی نرسیده باشد. آن گاه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند و ظهور وی، باعث خشم و غضب خداوند سبحانه و تعالی بر بندگان می شود؛ زیرا خداوند سبحانه و تعالی از بندگان انتقام نمی گیرد، مگر بعد از آن که آنان وجود مقدس حضرت حجت را انکار کنند. (۱)

نیز ن. ک: قیام، یاران حضرت مهدی علیه السلام، زمینه سازان ظهور.

قیامت صغرا < رجعت

قیام های پیش از ظهور

شورش های مردمی پیش از ظهور

در روایات فراوانی، خاندان امامان علیهم السلام، به پرهیز از قیام پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سفارش شده اند. از جمله روایاتی که به بـرای مشروع نبودن تشکیل حکومت در عصر غیبت، مورد استفاده واقع شده، روایاتی است که به بـه ظاهر قیام مسلحانه را پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منع می کند و تأکید دارد که این گونه قیام ها به ثمر نمی رسد. روایات یاد شده را شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه گرد آورده است.

یک. برخی از این روایات، به طور عام، هر نوع قیام و برافراشتن هر پرچمی را پیش از ظهور حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف محکوم و پرچمدار آن را طاغوت یا مشرک معرفی می کنند. امام صادق علیه السلام فرمود:

هر پرچمی پیش از قیام قائم بر

ص: ۳۹۱

افراشته شود، صاحب آن، طاغوتی است که برابر خدا پرستش می شود. (۱)

برافراشتن پرچم، کنایه از اعلان جنگ با نظام حاکم و تلاش برای تأسیس حکومت جدید است. واژه «طاغوت» و جمله «يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ» در این حدیث به خوبی بیانگر آن است که مقصود از «پرچم برافراشته شده پیش از قیام قائم» پرچمی است که مقابل خدا و رسول و امام علیه السلام برافراشته شود و برافرازنده آن، مقابل حکومت خدا، حکومتی تأسیس کند و در پی آن باشد که به خواسته های خود جامه عمل بپوشاند.

بنابراین، نمی توان شخص صالحی را که برای حاکمیت دین، قیام و اقدام کرده است، طاغوت خواند؛ زیرا در این صورت، چنین پرچمی نه فقط مقابل پرچم قائم برافراشته نشده که در مسیر و طریق و جهت او خواهد بود. افزون بر این، اگر با استناد به این روایات، هرگونه قیام و نهضتی را محکوم و غیر مشروع بدانیم، ای ن گـ و نه بـ رداشت، بـ ا روایت های جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و نیز با سیره پیامبر و امامان مصوم علیهم السلام تعارض دارد و در مقام تعارض، باید از این روایات صرف نظر کرد.

دو. روایاتی که بیانگر ناکامی و موفق نشدن قیام هـ ای پیش از قیام مهدی علیه السلام است. این دسته از روایات، در ضمن، به مشروع نبودن تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی اشاره دارد؛ زیرا قیامی که بدون ثمر باشد، از دیدگاه عقل و عقلا ناپسند است. امام سجاد علیه السلام فرمود:

به خدا سوگند! هیچ یک از ما پیش از قیام قائم خروج نمی کند؛ مگر این که مثل او، مانند جوجه ای است که پیش از محکم شدن بال هایش از آشیانه پرواز کرده باشد. در نتیجه، کودکان او را گرفته و با او به بازی می پردازند. (۲)

ص: ۳۹۲

۱- «كُلُّ رَأْيَةٍ تَرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۵، ح ۴۵۲.

۲- «وَاللَّهِ لَا يَخْرُجُ أَحَدٌ مِّنَّا قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا كَانَ مَثَلُهُ مَثَلِ فَرْخٍ طَارَ مِنْ وَكْرِهِ قَبْلَ أَنْ يَسْتَوِيَ جَنَاحَاهُ فَآخَذَهُ الصَّبِيَانُ فَعَبَّتُوا بِهِ»، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۴؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۹، ح ۱۴.

از این روایت نتیجه گرفته اند که قیام برای تشکیل حکومت اسلامی، نه فقط بی نتیجه است که گرفتاری و ناراحتی اهل بیت علیهم السلام را نیز در پی دارد؛ بنابراین باید از تشکیل حکومت اسلامی پیش از قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چشم پوشید.

استناد به این روایت و مانند آن از جهاتی باطل است:

۱. این روایت، در صدد این نیست که اصل جواز قیام را رد کند؛ بلکه پیروزی را نفی می کند. اگر نفی جواز کند، قیام امام حسین علیه السلام برابر یزید و نیز قیام زید بن علی و حسین بن علی شهید فخر و... را محکوم کرده است، با این که بدون تردید، این قیام ها مورد تأیید امامان علیهم السلام بوده است.

۲. عدم پیروزی قیام، دلیل نفی تکلیف به قیام نیست؛ برای نمونه در جنگ صفین، شایع شد که معاویه مرده است. این خبر باعث شادی مردم شد. اما حضرت علی علیه السلام در مقابل شادی مردم، فرمود: «سوگند به آن خدا که جان من در قبضه قدرت او است! معاویه هلاک نمی شود تا مردم بر او هماهنگ شوند.» از آن حضرت پرسیدند: «بنابراین، چه را بیا او می جنگید؟» امام فرمود: «می خواهم بین خود و خدایم عذر داشته باشم.»^(۱)

این روایت و مانند آن، بیانگر این معنا است که انسان مسلمان، باید به تکلیف خود عمل کند و نباید انتظار داشته باشد به نتیجه مطلوب برسد.

۳. امکان دارد مقصود از جمله «مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» فقط امامان معصوم علیهم السلام باشد؛ زیرا شیعیان، از آنان انتظار خروج مسلحانه داشتند و ایشان با توجه به شرایط حاکم بر آن زمان، می خواستند با اخبار غیبی، آنان را قانع کنند که هر کس از ما پیش از قیام قائم خروج کند، به علت نبود امکانات لازم، پیروز نخواهد شد و مصلحت اقتضا می کند خروج مسلحانه نداشته باشند.

۴. در برخی روایات، به قیام های پیش از قیام قائم بشارت داده شده است که زمینه ساز حکومت مهدی علیه السلام هستند. بدون تردید، زمینه سازی آن ها، به لحاظ موفقیت آن قیام ها است. افزون بر این که ایجاد آمادگی، خود بزرگ تری نثم ره این قیام ها می باشد.

ص: ۳۹۳

۵. اگر بگوییم این روایات در بیان نهی از مبارزه با ستم و فساد است، با آیات جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و نیز با سیره امامان معصوم علیهم السلام ناسازگار است؛ از این رو باید به دور افکنده شود.

سه. روایاتی که بـ رای مشروع نبودن تلاش در راه ایجـاد حکومت اسلامی در دوره غیبت، بـ دان هـ استناد شده است. این روایات، مردم را به سکوت و سکون فرا می خواند و از مشارکت در هر قیام و مبارزه ای پیش از تحقق نشانه های ظهور باز می دارد. امام صادق علیه السلام فرمود:

ای سدید! در خانه بنشین و به زندگی بچسب. آرامش داشته باش، تا آن هنگام که شب و روز آرام هستند؛ اما هنگامی که خبر رسید که سفیانی خروج کرده به سوی ما بیا، اگرچه با پای پیاده باشد. (۱)

از دیدگاه برخی، مقتضای این روایات به سدید منحصر نیست؛ بلکه بر همه واجب است تا خروج سفیانی و دیگر نشانه ها و سرانجام تا قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، سکوت کرده و از قیام و خروج خودداری کنند.

در پاسخ گفتنی است تعمیم حکم به همه افراد، در همه زمان ها متوقف بر این است که آگاه باشیم شخص خاص یا مورد خاصی، مورد نظر امام نبوده است. در روایات یاد شده و مانند آن، نه فقط چنین علمی نداریم که خلاف آن برای ما ثابت است. (۲)

چهار. از روایاتی که بر مشروع نبودن ایجاد حکومت اسلامی در دوره غیبت بـ دان استنـاد شـده، روایاتی است که به صبر دعوت کرده و از شتاب، نهی کرده است. در برخی از این روایات، آمده است که انسان مسلمان، پیش از فرا رسیدن موعد فرج و زوال ملک ستمگر، نباید خود را به زحمت بیندازد و دنبال برقراری حکومت عدل باشد. امام علی علیه السلام فرمود:

به زمین بچسبید و بر بلاها صبر کنید. دست ها و شمشیرهایتان را در

ص: ۳۹۴

۱- «یا سدید الزم بیئتک و کن جلیساً من أخلاسه و اسکن ما سکن اللیل والنهار فإذا بلغک أنّ السّفیانی قد خرجَ فأرحلنا ولو علی رجلیک»، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۴، ح ۳۸۳.

۲- ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۴۲.

جهت خواست های زبانتان به حرکت در نیاورید و در آنچه خداوند سبحانه و تعالی برای شما در آن عجله قرار نداده، عجله نکنید. اگـر کسی از شمـا در رخت خواب بمیرد، ولی به خدا و رسول و اهل بیت رسول، شناخت و معرفت داشته باشد، شهید از دنیا رفته و اجر او با خدا است و آنچه را از اعمال نیک نیت داشته، پاداشش را خواهد برد و همان نیت خیر او در ردیف به کار گرفتن شمشیر است. بدانید که برای هر چیز مدت و سرآمدی است. (۱)

بدون تردید سخنان امام علی علیه السلام در ارتباط با مورد خاص و شرایط ویژه است. از طرفی روایاتی نیز از امامان علیهم السلام نقل شده که در آن، بسیاری از قیام های علویان و غیر آن، تأیید شده است. همچنین قیام هایی صورت گرفته است که شیعیان و عالمـان معـروف، در آن شرکـت داشته اند. این دسته از روایات، روایات پیشین را توضیح می دهند و تفسیر می کنند؛ از جمله محمد بن ادریس، در کتاب سرائر آورده است: فردی در محضر امام صادق علیه السلام سخن از قیام به میان آورد و از خروج کسانی پرسید که از اهل بیت قیام می کنند، سؤال کرد. حضرت فرمود:

پیوسته من و شیعیانم بر خیر هستیم، تا هنگامی که قیام کننده از آل محمد علیهم السلام قیام کند. چقدر دوست دارم کـه شخصی از آل محمد علیهم السلام قیـام کند و من مخارج خانواده او را پردازم. (۲)

نیز روایاتی که درباره سنگینی مسئولیت مسلمانان راستین و ارزش آنان در دوران غیبت وارد شده است که روایات پیشین را که در نهی از قیام مسلحانه وارد شده بود رد می کند.

افزون بر آنچه گفته شد، تأیید برخی از قیام ها _ از جمله قیام زید، قیام حسین بن علی شهید فخر و قیام

ص: ۳۹۵

۱- سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۲۳۳.

۲- «لا أزالُ أنا و شیعتی بخیر ما خرَج الخارِجی مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَوِ دَدْتُ أَنَّ الخَارِجِی مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ خَرَجَ وَعَلَى نَفَقَهُ عِیَالِهِ»، شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۴، ح ۱۹۹۷۵؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۷۲، ح ۲۱.

توابعین _ خود دلیلی بر تأویل روایات ناهی از قیام است. (۱)

نیز ن.ک: زمینه سازان ظهور، یاران حضرت مهدی علیه السلام، شرایط ظهور، نشانه های ظهور.

ص: ۳۹۶

۱- ر.ک: جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مقاله «حکومت اسلامی در عصر انتظار»، محمدصادق مزینانی، ص ۱۱۹ _ ۱۳۸.

از منابع روایی مهدویت

این کتاب، نگارش شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ق)، است.

شیخ طوسی، در ماه رمضان ۳۸۵ ق دیده به جهان گشود. از دوران کودکی و نوجوانی وی اطلاعی در دست نیست؛ ولی گفته شده است او در سال ۴۰۸ در حالی که بیست و سه سال بیش نداشت، رهسپار عراق شد و در بغداد ساکن گردید. وی در حالی وارد بغداد شد که زعامت مذهب جعفری در دست شیخ مفید بود. او برای دانش اندوزی آن مرجع بزرگ را همراهی می کرد. تا این که در سال ۴۱۳ ق شیخ مفید به دیار باقی شتافت. پس از رحلت شیخ مفید، زعامت شیعه در دستان شاگرد بزرگ وی، سید مرتضی علم الهدی قرار گرفت. شیخ طوسی نیز از دانش وی به فراوانی بهره مند شد. این بهره مندی که حدود ۲۳ سال طول کشید، سرانجام با رحلت آن سید بزرگوار به پایان رسید.

دانش فراوان شیخ و فضایل ارزشمند وی سبب شد پس از رحلت سید مرتضی، نگاه ها به سوی وی جلب شود. در این هنگام، منزل شیخ

در محله کرخ بغداد، پناهگاه مسلمانان بود. برای درک محضر او، دانشمندان فراوانی از سراسر سرزمین اسلامی، قصد بغداد می کردند، تا از خرمن دانش و فضیلت آن عالم بزرگوار توشه بگیرند.

با اسـفـشیـخ طوسی در حـالی رهبری دینی شیعه را پذیرفت که بنیان مذهب شیعه می رفت، تا در آتـش تعصب هـای کـور دشمنـان آسیب های شدیدی ببیند. اگر نبود جـز رخـداد آتش سـوزی خـانه و کتابخانه آن دانشمند بزرگ و سوختن میراثی بزرگ از اندیشه هـای مکتوب موجود در آن کتابخانه، کافی بود تا پرده از آن جنایت بزرگ بردارد.

بی گمـان از زیانبارتـرین حوادث تلـخ تاریـخ شیعه، آن آتش سـوزی بزرگ است؛ چرا که در آن حادثه، هزاران اثر بی مانند به خاکستر تبدیل شد و جهانی را از رشد علم و دانش محـروم کـرد. شیـخ طوسی، سوگمندان از حادثه پیش آمده و نگران برجان خویش به نجف اشرف مهاجرت کرد، تا در جـوار علم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بنیان مبارکـی را پایـه گذاری کند. خوشبختانه در پس آن تلاش های خالصانه، صدها سال است آن مکان مقدس پناهگاهی مطمئن برای اندیشمندان بزرگ شیعه به شمار می آید.

شیخ طوسی در شب دوشنبه ۲۲ محرم سال ۴۶۰ ق به رحمت ایزدی پیوست و در نجف اشرف در خانه خویش به خاک سپرده شد. وی نه فقط مرجعی بزرگ در زمان خویش بود که آثار ارزنده ای نیز برای آیندگان خود به ارمغان گذاشت. (۱) که از آن ها کتاب الغیبه است.

کتاب الغیبه از کـاملتـرین منـابع شیـعه در بـاره غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در این کتاب، به علت و انگیزه غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکمت الهی که موجب آن گردیده، اشاره شده است. شیخ طوسی در نگارش این اثر، شیوه ای نو و ابتکاری به کار گرفته و به جوانب مختلف غیبت حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده است. همچنین با استدلال به قرآن و روایات معصومان علیهم السلام و حکم عقل، به پاسخگویی به شبهات و اشکالات

ص: ۳۹۸

۱- شیخ طوسی، التبیان، مقدمه به قلم شیخ آقا بزرگ تهرانی، ص ۳ و ۲ (با تصرف).

این کتاب، شامل فضایل امام عصر علیه السلام و سیره و روش آن حضرت در زمان غیبت و هنگام ظهور است و بسیاری از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ذکر کرده است. از زمان نگارش آن تا کنون، پیوسته علمای شیعه بـ دان توجـ ه کـ رده و در نگارش های خود، به آن بسیار استناد کرده اند.

شیخ طوسی در مقدمه کتاب در باره انگیزه خود از نگارش این کتاب نوشته است:

من این کتاب را به در خواست شیخ بزرگوار که خداوند عمر ایشان را طولانی گرداند، نگاشتم. وی درخواست فرمود کتابی درباره غیبت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف املا نمایم و در آن، سبب غیبت آن حضرت و علت طول کشیدن آن و ... را بیان کنم و این که چرا آن حضرت ظهور نمی‌کند؟ آیا مانعی در کار هست؟ آن مانع چیست و چرا ما نیازمند به آن حضرت هستیم؟ من هم در خواست او را اجابت و امر وی را اطاعت کردم... (۱)

کتاب الغیبه با حدود پانصد روایت مشتمل بر هشت فصل است: کلام در غیبت، ولادت حضرت حجّت علیه السلام، مشاهده کنندگان حضرت مهدی علیه السلام در غیبت صغرا، بیان پاره ای از کرامات آن حضرت، برخی از موانع ظهور حضرت مهدی علیه السلام، روایات مربوط به بحث نیابت و وکالت، عمر طولانی حضرت مهدی علیه السلام، برخی فضایل و صفات و سیره آن حضرت.

طبق بررسی های انجام شده از میان حدود پانصد روایت این کتاب، نزدیک دویست و هفتاد روایت آن ارتباط تنگاتنگی با مباحث مهدویت دارد. بقیه روایات، یا این که ارتباط نزدیکی با مهدویت ندارد یا این که به طور اساسی با امام مهدی علیه السلام و موضوعات مرتبط با آن حضرت بی ارتباط است که صرفاً شاهد آورده شده است.

کشته شدن شیطان

حادثه ای مهم در عصر ظهور

روایات درباره سرانجام شیطان، متفاوت است؛ اما در برخی گفته شده است نابودی وی به دست

ص: ۳۹۹

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ خواهد داد.

از وهب بن جمیع نقل شده که گفت: از حضرت صادق علیه السلام درباره این گفته ابلیس پرسیدم که: «پروردگارا! پس مرا تا روزی که خلائق برانگیخته شوند، مهلت ده.» خداوند سبحانه و تعالی فرمود: «البته تو از مهلت داده شدگانی تا به روز و هنگام معلوم» آن، چه روزی خواهد بود؟ فرمود: «آیا گمان می کنی آن روز رستاخیز بزرگ است؟ هرگز! بلکه خداوند سبحانه و تعالی او را تا روزی که قائم ما قیام کند، فرصت داده است. آن گاه [قائم ما] از پیشانی اش او را گرفته، گردنش را خواهد زد. آن هنگام روز وقت معلوم است.» (۱)

بعید نیست مقصود از روایت، این باشد که با روشن شدن حقایق در عصر ظهور و رشد بسیار بالای عقلانی در آن عصر، دیگر مجالی برای اغوای شیطان باقی نخواهد ماند و عملاً خلع سلاح و نابود می شود و این، پایان مهلت او است. (۲)

البته در برخی روایات، هلاکت شیطان به دست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دانسته شده است. (۳)

نیز ن.ک: وقت معلوم.

کمال الدین و تمام النعمه

از منابع روایی مهدویت

نویسنده این کتاب، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، مشهور به «شیخ صدوق» است.

زمان ولادت وی در دست نیست، اما ابوجعفر محمد بن علی آسود _ از رابطان اهل قم با ناحیه مقدسه و با نایبان خاص امام زمان علیه السلام _ (۴) برای صدوق نقل کرده است: علی بن حسین بن موسی بن بابویه پس از مرگ محمد بن عثمان عمری از من خواست از ابوالقاسم روحی بخواهم از مولایمان صاحب الزمان علیه السلام بخواهد نزد خدای عزیز و جلیل دعا کند به او فرزند پسر عطا کند. محمد بن علی

ص: ۴۰۰

۱- طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۰.

۲- ر. ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲، ح ۵؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۶؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۱۵.

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۴۴، ح ۹۶.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، حدیث ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲.

اسود گوید: از او درخواست کردم و او

ص: ۴۰۱

آن را [به حضرت علیه السلام] رسانید. آن گاه سه روز پس از آن، آگاهم کرد که امام برای علی بن حسین دعا فرموده است و به زودی برای او فرزندی مبارک زاده خواهد شد که خداوند به سبب او [به اسلام و مسلمین] سود می رساند و بعد از او، فرزندان خواهد بود. (۱)

ابوجعفر، محمد بن علی اسود یادآور می شود که به دنبال دعای امام زمان علیه السلام، محمد بن علی یعنی شیخ صدوق برای علی بن حسین زاده شد؛ (۲) بنابراین صدوق در سال ۳۰۵ یا ۳۰۶ ق به دنیا آمده است؛ چرا که محمد بن عثمان عمری پس از حدود چهل سال، عهده داری نیابت خاص امام زمان علیه السلام، در جمادی الاولی سال ۳۰۵ یا ۳۰۴ ق از دنیا رفت. (۳) و حسین بـ ن روح نوبختی جانشین او شده است.

وی که به دعای حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف در خاندان دانش و پرهیزگاری در شهر قم چشم به جهان گشود، با گردآوری روایات اهل بیت علیهم السلام و نگارش کتاب های ارزشمند به اسلام و تشیع خدمات ارزنده ای کرد.

حاصل این تلاش ها، نگارش صدها جلد کـتاب نفیس در رشته هـای گوناگـون در علوم و فنـون اسلامی است، کـه هـر کـدام، گنجینه ای پایان ناپذیر است. (۴)

بیشتر نگارش های صدوق در طول تاریخ از بین رفته و فقط نامی از آن ها باقی مـانده است. یکی از کتاب هایی که شیخ صدوق به صورت ویژه درباره حضرت مهدی علیه السلام نگاشته، کمال الدین و تمام النعمه (۵) است. ایـن کتاب در واقع یکی از کتاب های مرجع و عمده در حـوزه مباحث مهدویّت است. کمتر نوشته و اثری در دوره

ص: ۴۰۲

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۶۹، حدیث ۳۲.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۶۹، حدیث ۳۲.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۶، حدیث ۳۴.

۴- ر.ک: احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۸۹، ش ۱۰۴۹، شیخ طوسی، الفهرست، ص ۲۳۷، ش ۷۱۰.

۵- برخی از این کتاب «اکمال الدین و اتمام النعمه» یاد کرده اند که درست نیست چون مؤلف در من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸۰ و علل الشرایع، ص ۲۶۶ و عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۲ و ۶۹، کمال الدین و تمام النعمه یاد کرده است.

های بعد یافت می شود ک__ه به نوعی از این مجموعه، ب__هره نبرده باشد.

این کتاب به دو بخش اصلی و یک مقدمه تقسیم شده است:

مقدمه کتاب که بیش از یک پنجم کتاب را در بر دارد، از چارچوب بحث روایی خارج و به شکل بحث کلامی در آمده است.

مؤلف در مقدمه به انگیزه نگارش کتاب و به دنبال آن، اهمیت و جایگاه خلافت در نظام آفرینش می پردازد. وی در پی این مطالب به لزوم ایمان به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته، ضرورت شناخت آن حضرت را مطرح می کند. و به سبب اهمیت غیبت حضرت مهدی علیه السلام، سخن خود را بر اثبات و حکمت آن متمرکز می نماید و در ابتدا یادآور می شود که غیبت حجت های الهی از عصر وفات آدم علیه السلام تا زمان حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است و حکمت غیبت آن امام همان حکمت غیبت پیامبران سابق است و قرآن کریم و روایات بر این مطلب دلالت دارد.

نگارنده پس از بیان دلایل قرآنی و روایی و کلامی خود بر مشابَهت پیامبران و امامان علیهم السلام به یکی از مهم ترین انحرافات مهدویت می پردازد و اشتباه در تطبیق غیبت حجت الهی در امت اسلام بر غیر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به بحث می گذارد. ابتدا از کیسانیه آغاز می کند که بر سایر گروه ها تقدم زمانی دارد. سپس ناووسیه و واقفیه را مطرح کرده، با نقل روایات و گزارش های تاریخی ادعاهای آن ه__ا را باطل می کند و یگانه غیبت وع__ده داده شده در روایات پیامبر و امام__ان معصوم علیهم السلام را بر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق می کند. سرانجام مقدمه کتاب با پاسخگویی به برخی اعتراضات پایان پذیرفته اصل کتاب شروع می شود.

اما مطالب اصلی کتاب در یک نگاه کلی در باب هایی با عناوین ذیل بیان شده است: نخست در هشت باب، از اول تا باب هشتم، در باره سابقه غیبت پیامبران و حجت های الهی پیشین روایاتی نقل کرده است. پس از آن در ۱۲ باب، از باب نهم تا بیستم، به شباهت وضعیت شیعیان منتظ__ر در دوران غیبت ام__ام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با داستان منتظران بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیش از تولد و بعثت آن حضرت پرداخته است. آن گاه در ۲۰ باب، از باب بیست و یکم تا باب چهلم، مسائل مربوط به امامت

امام و حجت الهی در همه زمان ها، تصریح خدا، پیامبر، و امامان معصوم علیهم السلام بر امامت و غیبت امام دوازدهم، منکران آخرین امام و این که امامت در یک زمان، در دو برادر جمع نمی شود، را آورده است. سپس مسائل مربوط به ولادت حضرت مهدی علیه السلام مانند سرگذشت مادر آن حضرت، ولادت آن حضرت و دیدارکنندگان با آن حضرت را در سه باب چهل و یکم تا چهل و سوم، علت غیبت را در باب چهل و چهارم، توقیعات حضرت مهدی علیه السلام باب چهل و پنجم، دراز عمری و دراز عمران نه باب (از باب چهل و ششم تا باب پنجاه و چهارم)، ثواب انتظار فرج، باب پنجاه و پنجم، نهی از نام بردن مهدی علیه السلام، باب پنجاه و ششم، نشانه های ظهور مهدی علیه السلام، باب پنجاه و هفتم، متفرقات، باب پنجاه و هشتم، مطالب کتاب را سامان داده است.

این کتاب بارها چاپ شده و نیز به دست افراد مختلفی به فارسی برگردان شده است. طبق بررسی های انجام شده، نزدیک ۳۷۰ روایت مربوط به حضرت مهدی علیه السلام و موضوعات مرتبط با ایشان است و بقیه روایات در موضوعات دیگر البته در ارتباط با مهدویت است.

کوفه

مرکز حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عصر ظهور

شهر کوفه در سال ۱۷ ق به دستور عمر بن خطاب و به دست سعد بن ابی وقاص فرمانده سپاه مسلمانان در جنگ با ایرانیان پی ریزی شد. هدف از تأسیس این شهر، بنیان گذاری یک پادگان نظامی در نزدیکی ایران، به منظور پشتیبانی نیروهای عمل کننده در داخل ایران بوده است. (۱) عمر دستور داده بود گنجایش مسجد این شهر، به گونه ای باشد که تمام جمعیت نظامی را در خود جای دهد و مسجدی که طبق این دستور ساخته شد، می توانست چهل هزار تن را در خود پذیرا باشد. (۲)

بنابراین شهر که کوفه، در آغز تأسیس، حدود چهل هزار جمعیت نظامی داشته است. با توجه به این که

ص: ۴۰۴

۱- محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۴۵.

۲- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۹۱.

بسیاری از این جمعیت، زن و فرزند خود را نیز همراه داشته اند، با احتساب حداقل یک زن و یک فرزند برای هر سرباز، به جمعیتی معادل ۱۲۰ هزار تن برای این شهر هنگام تأسیس دست می یابیم.

حضرت علی علیه السلام در سال ۳۶ ق این شهر را مرکز خلافت خود برگزید. از آن پس، این شهر در تاریخ پر فراز و نشیب خود، حوادث فراوانی را پشت سر گذاشته است.

مردم این شهر در طول تاریخ با وجود دارا بودن صفات برجسته و پسندیده، دارای صفات ناشایست و نکوهیده ای نیز بوده اند که در سخنان حضرت علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام به خوبی منعکس شده است.

از روایات استفاده می شود که کوفه، پس از ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پایتخت حکومتی و مرکز خلافت و مقر دولت آن بزرگوار خواهد بود. مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید: سرور من! خانه حضرت مهدی علیه السلام و محل اجتماع مؤمنان کجا خواهد بود؟ آن حضرت فرمود:

مقر حکومتش، کوفه و مجلس حکم فرمایی اش مسجد جامع آن و بیت المال و محل تقسیم غنایم مسلمانان، مسجد سهله خواهد بود و خلوتگاه او موضعی است که ریگ های سفید سر زمین نجف است. (۱)

روزی امام صادق علیه السلام در نقطه ای پشت کوفه دو رکعت نماز گزارد و به یار با وفایش ابان بن تغلب فرمود: اینجا محل خانه قائم علیه السلام است. (۲)

از امام باقر علیه السلام پرسیدند: «پس از مکه و مدینه، کدامین بقعه از بقاع پروردگار افضل است؟» فرمود: «کـوفـه» (۳). سپس ضمن شـمـارش ویزگی های کوفه فرمود:

عدالت خـداوند سبحانه و تعالی آن جـا ظاهر می شود، و قائم علیه السلام و دیگر قائمان قیام کنندگان به قسط که پس از او می آیند آن جا ساکن می شوند.

ص: ۴۰۵

۱- «دارُ مُلکِهِ الْکُوفَهَ وَ مَجْلِسُ حُکْمِهِ جَامِعُهَا وَ بَيْتُ مَالِهِ وَ مَقْسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ وَ مَوْضِعُ خُلَوَاتِهِ الذِّكْوَاتُ الْبَيْضِ مِنَ الْغَرَبِيِّنَ»، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲- «... وَ مَوْضِعُ مَنْزِلِ الْقَائِمِ»، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۷۱، ح ۲.

۳- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۱، ح ۱.

کوه رَضْوِی

محل زندگی امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت

«رَضْوِی» نخستین کوه از کوه های «تهامه»، در یک منزلی «ینبع» و هفت منزلی «مدینه» است. (۱) از این کوه در روایات سخن به میان آمده و آن جا جایگاه ارواح مؤمنان در عالم برزخ یاد شده است. (۲) همچنین در برخی روایات، محل زندگی حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت شمرده شده است. (۳)

افزون بر روایات، در فرازهایی از دعای ندبه نیز چنین می خوانیم:

ای کاش می دانستم کجا استقرار داری و در کدام سرزمین تو را بجویم؟ آیا در کوه رضوی هستی یا غیر آن؟... (۴)

همی ن ذهنی ت درب ااره غیب ت مهدی علیه السلام در این کوه، باعث شد کسانی که در مسأله «مهدویت» دچار انحراف شده اند، مهدی موهوم خود را در این کوه غایب بدانند.

کیسانیه

از نخستین گروه های منحرف در مهدویت

یکی از فرقه ها _ و شاید اولین فرقه ای که در مهدویت دچار انحراف بزرگ شد _ «کیسانیه» است. در باره علت نام گذاری این فرقه به کیسانیه، اختلاف نظر است؛ برخی نوشته اند: اینان پیروان کیسان آزاد شده امیرمؤمنان علیه السلام بودند. کیسان شاگرد محمد بن حنفیه بود؛ ولی از امام حسن و امام حسین علیهما السلام نیز علوم مختلف _ از جمله علم تأویل و باطن و علم آفاق و انفس _ آموخت. سپس به امامت محمد قائل شد و برای او مراتب و درجاتی دانست که خارج از حد وی بود. (۵) برخی نوشته اند: کیسانیه، پیروان مختار بن ابی عبیده ثقفی بودند؛ زیرا او ملقب به کیسان بود. شماری هم

ص: ۴۰۶

۱- ر.ک: طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۸۸.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۴۳.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۳.

۴- «لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ أَى أَرْضٍ تُقْلِكُ أَوْ تُرَى أَبْرَضْوَى أَمْ غَيْرِهَا...»، سید بن طاووس، الاقبال، ص ۲۹۸.

۵- شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۴۷.

نوشته اند: فرمانده پلیس (شرطه) مختار، کیسان نام داشت و کنیه اش ابوعمران بود. او در اعمال خود بسیار افراط می کرد و محمد را وصی حضرت علی علیه السلام می دانست و مختار را نایب او معرفی می کرد.^(۱)

در هر حال، این گروه قائل به امامت محمد بن حنفیه بودند. مختار، نخست برای پیشرفت کار خود، به علی بن الحسین علیه السلام و سپس به محمد حنفیه دعوت می کرد. البته کار او، مبتنی بر اعتقاد وی به اهل بیت علیهم السلام نبود؛ بلکه می خواست از آن بهره برداری سیاسی کند و چون کارش بالا گرفت، خود دعوی دریافت وحی از خداوند سبحانه و تعالی کرد و عباراتی مسجع و با قافیه، به تقلید از قرآن به زبان راند. محمد حنفیه از وی بیزاری جست و وقتی مختار وی را به کوفه دعوت کرد، او نپذیرفت.

کیسانیه پنداشته اند محمد حنفیه پس از کشته شدن برادرش حسین بن علی علیهما السلام، مختار را بر عراقین فرمانروایی داد و از او خواست از قاتلان آن حضرت، خون خواهی کند. کیسانیه، شش سال بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، قیام کرده، قائل به امامت محمد حنفیه شدند. آنان معتقد بودند: وی اسرار دین و علم تأویل و علوم باطنی را از دو برادرش حسن و حسین علیهما السلام فرا گرفته است. برخی از کیسانیه ارکان شریعت (مانند نماز و روزه) را تأویل کرده، قائل به تناسخ و حلول بودند.^(۲)

همه فرق کیسانیه، دارای بعضی عقاید مشترک هستند؛ از جمله:

الف. اعتقاد به امامت محمد بن حنفیه فرزند علی بن ابی طالب علیه السلام؛

ب. عقیده به مسأله بدا؛

ج. اعتقاد به تناسخ و حلول؛

د. اعتقاد به رجعت (با بیان خاص به خود)؛

ه. اعتقاد به نوعی غلو در حق امامان و پیشوایان خویش.

غیر از این ها هر یک از این فرقه ها، دارای اعتقادی خاص نیز هستند که در کتاب های مربوط، ذیل هر فرقه به آن اشاره شده است. کیسانیه پس از درگذشت محمد بن حنفیه، به دو شعبه تقسیم شدند؛ دسته ای مرگ محمد را انکار کرده، گفتند: وی نمرده و نمی میرد و زنده است؛ اما غایب شده و

ص: ۴۰۷

۱- نوبختی، فرق الشیعه، ص ۲۳ و ۲۴.

۲- محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۷۳.

در «کوه رضوی» پنهان است، تا روزی که به او امر شود و ظهور کند. این

دسته وی را همان امام منتظر می دانند؛ و هیچ کس را پس از وی امام نمی دانند. گروه دیگر، مرگ محمد را باور کرده، پس از وی ابوهاشم عبدالله بن محمد را به امامت برگزیدند و به حلول روح محمد در ابوهاشم اعتقاد یافتند.

شماری از کیسانیه نیز پس از مرگ محمد بن حنفیه، به امامت راستین اعتقاد یافته، مستبصر شدند.^(۱) از جمله اینان می توان سید اسماعیل حمیری را نام برد که نخست کیسانی مذهب بود، تا آن که به دیدار امام صادق علیه السلام نایل آمد و نشانه های امامت و وصایت را در او دید و از ایشان از امر غیبت پرسید. امام صادق علیه السلام فرمود: «آن، حق است؛ ولی غیبت در دوازدهمین امام واقع می شود. آن گاه سید را از مرگ محمد بن حنفیه آگاه فرمود و این که پدرش امام باقر علیه السلام شاهد به خاک سپردن او بوده است. حق بر سید روشن شد و از آن عقیده برگشت و استغفار کرد. پس به حق گرایید و به مذهب امامی در آمد.^(۲)

در مجموع درباره فرقه کیسانیه گفته شده است:

یکم. محمد بن حنفیه اصلاً ادعای مهدویت نداشته است.

دوم. مختار ثقفی هم مدعی مهدویت محمد بن حنفیه نبود. این، اتهامی است که عباسیان و برخی از دشمنان، با انگیزه های مختلف، به آن دامن زده اند.

سوم. این فرقه، منقرض شده است و کسی در عصر حاضر، به امامت محمد بن حنفیه اعتقاد ندارد.^(۳)

ص: ۴۰۸

۱- ر. ک: مقالات الاسلامیین، ص ۲۳.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، مقدمه.

۳- ر. ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، فصل ۱ (الدلیل علی فساد قول کیسانیه).

لباس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف < پیراهن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

لوح حضرت زهرا علیها السلام

از روایت های مهم درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش

در بین روایاتی که از معصومان علیهم السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل شده، حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام از جایگاه والایی برخوردار است از این رو این حدیث را بزرگان فراوانی در کتاب های روایی خود، نقل کرده اند.

شیخ صدوق، با ذکر سند از جابر جعفی از امام باقر علیه السلام از جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده است: «بر مولای خود فاطمه زهرا علیها السلام وارد شدم و در مقابل او لوحی بود که پرتو آن، چشم را خیره می کرد و در آن، دوازده نام بود.....»^(۱)

او روایتی مفصل دیگری نقل کرده که بخشی از آن چنین است: ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: پدرم به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: «نیازی به تو دارم، چه وقت بر تو آسان است تا با تو

ص: ۴۰۹

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۸، ح ۲.

خلوت کنم و آن را از تو بخواهم؟» جابر به او گفت: «هر وقت شما بفرمایید.» امام باقر علیه السلام با او خلوت کرد و گفت: «ای جابر! آن لوحی که در دست مادرم فاطمه زهرا علیها السلام دختر رسول خدا دیدی، چه بود و مادرم درباره آنچه در آن نوشته بود، چه فرمود؟» جابر گفت: «خدا را گواه می گیرم که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای تهنیت ولادت حسنی علیه السلام بـمـ ادرتـ ان فاطمه علیها السلام وارد شدم و در دست او لوح سبز رنگی دیدم که پنداشتم از زمره است و در آن، نوشته ای سپید و نورانی _ مانند نور آفتاب _ دیدم و گفتم: «ای دختر رسول خدا! پدر و مادرم فدایت! این لوح چیست؟» فرمود: «این لوح را خدای تعالی به رسولش هدیه کرده است و در آن، اسم پدر و شوهر و دو فرزندم و اسامی اوصیای از فرزندانم ثبت است. رسول خدا آن را به من عطا فرموده است تا بدان خوشحال شوم.»

جابر گوید: «مادر شما آن را به من عطا فرمود و آن را خواندم و از روی آن، نوشتم.» پدرم، امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «آیا می توانی آن را به من نشان دهی؟» گفت: «آری» و پدرم با او رفت تا به منزل جابر رسیدند. اوصحیفه ای از پوستی نازک نزد پدرم آورد. پدرم فرمود: «ای جابر! تو در کتابت بنگر، تا من آن را برایت بخوانم.» جـ ابر در کتـ ایش نگریست و پدرم آن را برایش خواند. به خدا سوگند! حرفی اختلاف نداشت. گفت: «بـ هـ خـ دا سوگـ ند! گواهی می دهم کـ ه در لـ و ح چنین نوشته بود:

بسم الله الرحمن الرحيم، این کتابی است از جانب خدای عزیز حکیم، برای محمد، نور و سفیر و حجاب و دلیل او، آن را روح الامین از جانب رب العالمین فرو فرستاده است. ای محمد! اسم های مرا بزرگ شمار و نعمت های مرا شکر گزار و آلائی مرا انکار مکن. من خدای یکتا هستم که هیچ معبودی جز من نیست....

در پایان روایت آمده است:

و از صلب او [=امام هادی] دعوت کننده به راه و خازن علم حسن را بیرون می آورم؛ سپس به سبب رحمتی بر عالمیان، سلسله اوصیا را به وجود فرزندش تکمیل خواهم کرد؛ کسی که کمال موسی، و بهاء عیسی و صبر ایوب را دارا است و دوستانم

ص: ۴۱۰

در زمان [غیبت] او خوار شده و سرهای آنان را هدیه می دهند؛ همچنان که سرهای ترک و دیلم را اهدا می کنند. آنان را می کشند و آتش می زنند و آنان ترسان و هراسان می باشند. زمین، از خونشان رنگین شود و صدای فریاد و ناله از زنانشان برخیزد. آنان، دوستان حقیقی من باشند و به واسطه آن ها هر فتنه کور ظلمانی را بر طرف سازم و سختی ها و ترس ها را بر طرف نمایم و بارهای سنگین و زنجیرها را از آنان بردارم. ایشان، کسانی اند که صلوات و رحمت پروردگار بر آنان است و ایشان، ره یافتگان راستین هستند. (۱)

این روایت، با اندک تفاوت هایی در منابع روایی دیگر نیز ذکر شده است. (۲)

ص: ۴۱۱

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۸، ح ۱.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷، ح ۳؛ نعمانی، الغیبه، ص ۶۲، ح ۵؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۱، ح ۲، ص ۴۶، ح ۵؛ قرطبی انصاری، القاب الرسول و عترته، ص ۱۳؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۶۲؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۴۳، ح ۱۰۸.

مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در کانون خانواده امام عسکری علیه السلام، آن بانوی گرامی را به نام های مختلفی از قبیل نرجس، سوسن، صقیل (یا صیقل)، حدیثه، حکیمه، ملیکه، ریحانه و خمط صدا می زدند.

از دیدگاه یکی از پژوهشگران، سبب تعدد نام های آن بانو، علاقه و محبت فراوان مالک او به وی بوده است که باعث شده بود با بهترین اسم ها و زیباترین نام ها، او را صدا بزنند؛ از این رو تمام نام های آن بانو، از اسامی گل ها و شکوفه ها است؛ چون مردم، این نام های مختلف را شنی_ده ب_ودند، می پنداشتند هم_ه این ها نام های آن بانوی بزرگوار است. دیگر آن که این بانوی گرامی، پس از اینک_ه وارد ک_انون خ_انواده امام علیه السلام شد، خط مشی و مسیر دیگری _بر خلاف سایر کنیزان _ داشت؛ زیرا او مادرِ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. او، فشار و ظلم ستمگران و حکومت ها را می دید و می دانست مدتی باید در زندان به سر برد. او می دانست باید برای حفظ خود و فرزند گرامی اش، نقشه هایی بیندیشد، تا حاکمان وقت، ندانند صاحب کدام نام را باید زندانی کنند و حامل نور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کدام است. بر این اساس، هر روز نامی تازه برای

خود می نهاد و در خانواده امام علیه السلام او را به این نام‌ها می خواندند، تا دشمنان خیال کنند این نام‌های مختلف، مربوط به چند نفر است و نفهمند همه مربوط به یک نفر است. (۱)

از سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن صریح و روشنی در دست نیست؛ اما طبق قول مشهور که از برخی روایات به دست می آید، آن بانو، کنیزی بود که در جنگ اسیر شد و پس از آن، به خانواده گرامی امام عسکری علیه السلام پیوست.

در مجموع می توان روایات مربوط به مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. روایاتی که آن بانوی بزرگوار را شاهزاده‌ای رومی معرفی کرده است؛

۲. روایاتی که آن بانوی بزرگ را تربیت شده خانه حکیمه خاتون دانسته است؛

۳. روایتی که علاوه بر تربیت وی، ولادت آن بانوی بزرگ را نیز در خانه حکیمه ذکر کرده است؛ (۲)

۴. روایاتی که مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بانویی سیاه پوست دانسته است.

یکی از روایت‌های مشهور، حکایت از آن دارد که مادر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شاهزاده‌ای رومی است که اعجاز گونه به بیت شریف امام عسکری علیه السلام راه یافته است.

شیخ صدوق در داستان مفصلی، حکایت مادر حضرت مهدی علیه السلام را نقل کرده است. (۳)

روایات دسته اول

این روایت، نخست از طریق شیخ صدوق، در کتاب کمال الدین و تمام النعمه نقل شده است. آن گاه محمد بن جریر طبری آن را با سندی متفاوت، در کتاب دلائل الامامه آورده و (۴) شیخ طوسی در کتاب الغیبه به نقل آن پرداخته است. (۵) وی، روایت را درست مانند روایت کمال الدین و

ص: ۴۱۴

۱- سید محمد صدر، پژوهشی در زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نگرشی به غیبت صغرا، ص ۲۰۴ و ۲۰۵.

۲- مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۷۲.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۱، ح ۱.

۴- محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۲۶۲.

۵- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۸، ح ۱۷۸.

تمام النعمه آورده است؛ اما سند وی با سند کتاب کمال الدین متفاوت است. قتال نیشابوری، ابن شهر آشوب، (۱) عبدالکریم نیلی (۲) و از متأخران صاحب إثبات الهداه فی النصوص و المعجزات از کسانی هستند که این حکایت را نقل کرده‌اند. علامه مجلسی نیز حکایت را، یک جا از کتاب الغیبه و در جای دیگر، از کمال الدین و تمام النعمه نقل کرده است. (۳)

برخی گفته‌اند: این حکایت پس از سال ۲۴۲ ق اتفاق افتاده است؛ در حالی که از سال ۲۴۲ ق به بعد، جنگ مهمی می‌ان مسلمانان و رومی‌ان، رخ نداده است تا نرجس خاتون اسیر مسلمانان شوند. (۴) در پاسخ گفته شده: در این دوران و پس از آن، درگ‌پری و جنگ‌هایی میان آن‌ان رخ داده است که در بسیاری از کتب‌های تاریخی، می‌توان نمونه‌هایی از این درگیری‌ها را یافت. (۵)

روایات دسته دوم

در بعضی از احادیث بدون اشاره به سرگذشت آن بانوی بزرگوار فقط به تربیت وی در بیت شریف حکیمه دختر امام جواد علیه السلام اشاره شده است. (۶) عموم روایات این دسته، با احادیث دسته نخست منافاتی ندارد؛ زیرا می‌توان روایات مربوط به نرجس خاتون را پس از ورود او به خانه آن بانوی بزرگ دانست.

روایت دسته سوم

مسعودی در اثبات

ص: ۴۱۵

-
- ۱- ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۴۴۰.
 - ۲- عبدالکریم نیلی، منتخب الانوار المضيئه، ص ۱۰۵.
 - ۳- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶.
 - ۴- جاسم حسین، تاریخ سیاسی امام دوازدهم، ص ۱۱۵.
 - ۵- ر.ک: محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۹، ص ۲۰۱؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۸۰، ۸۱، ۸۵، ۹۳؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۱۰، ص ۳۲۳، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۴۷؛ همچنین در مقدمه کتاب مهدی موعود علیه السلام، ص ۱۵۲ مطلب مستندی در رد کسانی که جنگ در آن دوران را منتفی دانسته‌اند، آورده است.
 - ۶- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۲.

الوصیه پس از نقل روایت پیشین، افزوده است: نرجس خاتون، علاوه بر این که در بیت شریف عمه امام عسکری علیه السلام تربیت یافته بود؛ در همان بیت شریف نیز به دنیا آمده بود. (۱)

شیخ طوسی این روایت را بدون جمله «ولدت فی بیتها»، نقل کرده است. (۲)

در سه دسته روایت یاد شده، چند مطلب مورد اتفاق است:

الف. آن بانوی شریف، کنیز بوده است؛

ب. او در خانه حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام بوده است؛

ج. حکیمه خاتون در موضوع ازدواج امام عسکری علیه السلام، از این کنیز سخن به میان آورده است.

روایات دسته چهارم

در این دسته _ بر خلاف روایات پیشین _ سخن از کنیزی سیاه پوست به میان آمده است و عده ای نیز با تمسک به این روایات، خواسته اند دیدگاه مشهور را خدشه دار سازند. طرفداران این دیدگاه به روایت زیر از کناسی (۳) استناد کرده اند. او می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

همانا در صاحب این امر، سنتی از یوسف علیه السلام است و آن این که او فرزند کنیزی سیاه است. خداوند سبحان و تعالی امرش را در یک شب اصلاح می فرماید. (۴)

علامه مجلسی با بیان این که این روایت، با بسیاری از روایات در باره مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مخالفت دارد؛ (۵) راه حل را این دانسته است که مقصود از روایت، می تواند مادر با واسطه یا مربی آن حضرت باشد. (۶)

در منابع معتبر، به سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ولادت

ص: ۴۱۶

۱- مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۷۲.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۴.

۳- قابل توجه این که این روایت در غیبت نعمانی از یزید کناسی و در کمال الدین و تمام النعمه از ضریس کناسی نقل شده است.

۴- ر. ک: نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۳؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۹، باب ۳۲، ح ۱۲.

۵- گفتنی است روایات فراوانی از سوی مدعیان مهدویت و طرفداران آن ها در طول تاریخ، جعل شده و به امامان معصوم علیهم السلام نسبت داده شده است.

٦- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ٥١، ص ٢١٩، باب ١٣.

آن حضرت هیچ اشاره ای نشده است. البته سخنی که در این باره نقل شده این است که:

ابوعلی خزیزرانی، کنیزی داشت که او را به امام حسن عسکری علیه السلام اهدا کرد و چون جعفر کذاب، خانه امام را غارت کرد؛ وی از دست جعفر گریخت و با ابوعلی ازدواج کرد. ابوعلی می گوید: او گفته است در ولادت سید حاضر بود و مادر او صقیل نام داشت. امام حسن

ص: ۴۱۷

عسکری علیه السلام صقیل را از آنچه بر سر خاندانش می آید، آگاه کرد و او از امام خواست از خدای تعالی بخواهد مرگ وی را پیش از آن برساند. او در حیات امام حسن عسکری علیه السلام در گذشت و بر سر قبر وی لوحی است که بر آن نوشته اند: این، قبر مادر محمد است. (۱)

متمهدی < مدعیان مهدویت

مثلث برمودا < جزیره خضرا

محدّث

از القاب حضرت مهدی علیه السلام

محدّث اسم مفعول از ریشه «حدّث، یحدّث» به معنای کسی است که حدیث و خبر تازه به او گویند و منظور، آن است که امامان علیهم السلام با فرشتگان رابطه دارند، سخن آنان را می شنوند و از آن ها حقایقی دریافت می کنند. این، کنایه از یک مقام معنوی است. این لفظ به این معنا، یکی از القاب ویژه امام علیه السلام است. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

امیر مؤمنان علیه السلام به ابن عباس فرمود: «همانا شب قدر در هر سال وجود دارد و همانا در آن، امر یک ساله نازل می شود که این امر، به امامان پس از پیامبر خواهد بود.» ابن عباس گفت: «آنان کیانند؟» فرمود: «من و یازده نفر از نسل من امامانی اند که همگی محدّث می باشند.» (۲)

محمد بن مسلم گوید:

کلمه محدّث نزد امام صادق علیه السلام ذکر شد، حضرت فرمود: «محدّث کسی است که صدا را بشنود و شخص را نبیند.» به حضرت عرض کردم: «قربانت گردم! امام از کجا می فهمد که آن، کلام فرشته است؟» فرمود: «آرامش و وقاری به او داده می شود که می فهمد آن کلام از فرشته است.» (۳)

نیز ن.ک: القاب حضرت مهدی علیه السلام .

ص: ۴۱۸

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۱، ح ۷.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۴۲، ح ۱۰۶.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، باب ان الائمة محدثون مفهمون، ح ۴.

محل بیعت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف < رکن و مقام

محل ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف < مسجد الحرام

محل قتل نفس زکیه < رکن و مقام

محمد

از نام های حضرت مهدی علیه السلام

حضرت مهدی علیه السلام بیشتر با لقب یاد می شود، در برخی روایات نام هایی برای آن حضرت ذکر شده است. یکی از این نام ها محمد است. بر خلاف معمول، در روایاتی چند گفته شده است نام بردن آن حضرت به این نام جایز نیست. البته این، در حالی است که برخی روایات به روشنی از آن حضرت با این نام یاد کرده است.

این روایات متعارض، سبب دیدگاه های مختلفی شده است؛ گروهی با استناد به روایات حرمت، بردن این نام را ممنوع و حرام دانسته اند؛ عده ای جواز را مقید به زمان غیر از تقیه و ترس دانسته و برخی نیز با استناد به روایاتی که در آن ها نام آن حضرت به صراحت ذکر شده است، قائل به جواز شده اند؛ بنابراین می توان مستند روایاتی دیدگاه های فوق را چنین بیان کرد:

۱. روایاتی که حرمت را مربوط به هر زمان و هر مکان دانسته است؛

۲. روایاتی که حرمت را تا زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام دانسته است؛

۳. روایاتی که نام بردن را فقط در شرایط تقیه و ترس بر آن حضرت جایز نمی داند؛

۴. روایاتی که بدون هیچ قیدی، نام بردن را جایز می داند و امامان علیهم السلام و یارانشان نیز در آن ها براه نام آن حضرت تصریح کرده اند.

انواع روایات درباره نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام محمد

یک. روایات عدم جواز به صورت مطلق

روایات دسته اول را می توان به گروه هایی چند تقسیم کرد:

۱-۱. نام بردن حضرت براه نام مخصوص برابری کفر است: ام صادق علیه السلام فرمود:

صاحب این امر، کسی است که جز کافر، نام او را به اسم خودش نبرد. (۱)

١- «صاحبُ هذا الأمرِ لا يسميه باسمه الأَكْفَرُ»، محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ١، ص ٣٣٣، ح ٤.

این حدیث را شیخ صدوق (۱) و مسعودی (۲) نیز نقل کرده اند و اگر در منابع بعدی نیز ذکر شده، به طور عمده از این منابع است. این روایت صریح در حرمت است؛ اگر چه عده ای آن را حمل بر مبالغه کرده اند. برخی از شارحان کافی، درباره این حدیث گفته اند:

شاید مراد از کافر در این روایت، کسی باشد که اوامر الهی را ترک و نواهی او را انجام می دهد؛ نه کسی که منکر پروردگار یا مشرک به او است. همچنین شاید این، مختص به زمان تقیه باشد؛ چرا که روایات فراوانی، به نام آن حضرت تصریح کرده است. (۳)

برخی دیگر از شارحان، همچنان بر استفاده حرمت از این گونه روایات پافشاری کرده اند. (۴)

۱-۲. نام بردن آن حضرت جایز نیست؛ همان گونه که ولادت او، مخفی است. امام کاظم علیه السلام فرمود:

او، فرزند سرور کنیزان است؛ کسی که ولادتش بر مردمان پوشیده و ذکر نامش بر آن ها روا نیست.... (۵)

۱-۳. نام بردن آن حضرت، جایز نیست؛ همان گونه که جسم او دیدنی نیست. داود بن قاسم جعفری گوید:

از امام هادی علیه السلام شنیدم که فرمود: «جانشین پس از من فرزندانم حسن است و شما با جانشین پس از جانشین من چگونه خواهید بود؟» گفتم: «فدای شما شوم! چرا؟» فرمود: «زیرا شما شخص او را نمی بینید و بردن نام او به اسمش بر شما روا نباشد.» گفتم: «پس چگونه او را یاد کنم؟» فرمود: «بگوید: حجت از آل محمد. صلی الله علیه و آله و سلم» (۶)

ص: ۴۲۰

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۸، ح ۱.

۲- مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۸۰.

۳- ر.ک: مولی صالح مازندرانی، شرح اصول الکافی، ج ۶، ص ۲۲۴.

۴- ر.ک: محمد باقر مجلسی، مرآه العقول، ج ۴، صص ۱۸-۱۶.

۵- «...ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدِهِ الْإِمَامِ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وِلَادَتُهُ، وَلَا يَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَتُهُ...»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۶.

۶- «الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي ابْنِي الْحَسَنِ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ؟ فَقُلْتُ: وَلِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ؟ فَقَالَ: لِأَنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ قُلْتُ فَكَيْفَ نَذْكُرُهُ؟ قَالَ: قُولُوا: الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۱، ح ۵؛ کتاب الغیبه، ص ۲۰۲، ح ۱۶۹؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۷۸؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۶۲؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱۳.

در این دسته از روایات نیز به سبب وجود ضمائر مخاطب در «يَغِيبُ عَنْكُمْ» و «لَا يَجِلُّ لَكُمْ»، ممکن است گفته شود: حرمت، فقط متوجه مخاطبان آن حضرت بود و این، به دلیل فشارهایی است که ظالمان به سبب نام بردن حضرت بر شیعیان وارد می کردند. (۱)

از این دسته روایات، به دلیل وجود احتمالات، نمی توان حرمت را برای همگان به طور قطعی استفاده کرد.

۱-۴. کسی که آن حضرت را بین مردم نام ببرد، ملعون است. با این مضمون، توقیعی از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده است که می فرماید:

لعنت خدا بر کسی که مرا در میان جمعی از مردم نام برد! (۲)

در این روایت نیز احتمالاتی وجود دارد. ممکن است مقصود روایت، دوران غیبت صغرا باشد؛ یعنی، زمانی که آن حضرت میان جمعی حضور می یافتند و اگر کسی نام او را افشا می کرد، موجب فاش شدن اسرار می شد و خطری متوجه آن حضرت می گردید؛ و گرنه صرف نام بردن _ بدون اشاره به وجود ظاهری آن حضرتایشان _ مایه ضرر و زیانی نخواهد شد. احتمال دیگر این که مقصود از «فی مجمع من الناس» مخالفان و اهل سنت باشد.

دو. روایات عدم جواز تا هنگام ظهور

محمد بن زیاد ازدی از امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره امام غایب علیه السلام نقل کرده است:

...کسی که ولادتش بر مردمان پوشیده و ذکر نامش بر آن ها روا نیست، تا آن گاه که خدای تعالی او را ظاهر ساخته و زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همان گونه که پر از

ص: ۴۲۱

۱- ر. ک: مولی صالح مازندرانی، شرح اصول الکافی، ج ۶، ص ۲۲۴.

۲- «مَنْ سَمَانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۳.

ظلم و جور شده باشد. (۱)

عبدالعظیم حسنی گوید:

... امام هادی علیه السلام فرمود: «... و پس از من، پسر من حسن است و مردم، با جانشین او چگونه باشند؟» گفتم: فدای شما شوم برای چه؟ فرمود: «زیرا شخص او را نمی بینند و بردن نام او روا نباشد، تا آن که قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید...» (۲)

سه. روایات جواز بدون بیم خطر

در این دسته از روایات، به علت نام نبردن حضرت اشاره شده است. در این صورت، اگر آن علت وجود نداشته باشد، نهی نیز ساقط است. امام باقر علیه السلام در پاسخ ابو خالد کابلی که از نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیده بود، فرمود:

به خدا سوگند ای اباخالد! پرسش سختی پرسیدی که مرا به تکلیف و زحمت می اندازد؛ همانا از امری پرسیدی که [هرگز آن را به هیچ کس نگفته ام و] اگر آن را به کسی گفته بودم، به طور مسلم، به تو می گفتم. همانا تو از من چیزی را پرسیدی که اگر بنی فاطمه او را بشناسند، حرص ورزند که او را قطعه قطعه کنند. (۳)

از این روایت استفاده می شود که اگر خطری برای حضرت پیش نیاید، دانستن و نقل نام آن حضرت، بی اشکال است. از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی آمده است:

پس به درستی که آنان اگر اسم را بدانند، آن را رایج ساخته و اگر بر مکان آگاهی یابند، آن را نشان

ص: ۴۲۲

۱- «... تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَا تَهْلِكُ وَلَا تَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَّتُهُ حَتَّى يَظْهَرَ اللَّهُ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۶.

۲- «... وَ مِنْ بَعِيدِي ابْنِي الْحَسَنِ فَكَيْفَ لِلنَّاسِ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعِيدِهِ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكُ قَالَ لِأَنَّهُ لَا يَرَى شَخْصَهُ وَ لَا يَحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا...»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۹، ح ۱.

۳- «... سَأَلْتَنِي وَاللَّهِ يَا أَبَا خَالِدٍ عَنْ سُؤَالٍ مُجْهِدٍ، وَلَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ أَمْرٍ مَا كُنْتُ مُجِدِّدًا بِهِ أَحَدًا وَ لَوْ كُنْتُ مُجِدِّدًا بِهِ أَحَدًا...»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۳۳، ح ۲۸۸. ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۳۳، ح ۲۸۸.

شیخ حر عاملی ذیل این روایت نوشته است: «این دلالت می کند نه ی، ب ه ت ر س و ت ر ت ب مفسده اختصاص دارد. (۲) این دسته از روایات، در مورد ترس و تقیه است و با منتفی شدن آن، حرمت نام بردن نیز منتفی خواهد شد.

چهار. روایات جواز نام بردن

در روایات فراوانی وقتی سخن از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به میان آمده، به نام آن حضرت تصریح شده است. در این جا به بعضی از این روایات، اشاره می کنیم:

شیخ صدوق از حضرت علی علیه السلام، نقل کرده است:

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، نام امامان بعد از حضرت علی علیه السلام را یکی پس از دیگری برای آن حضرت برشمرد، تا این که فرمود: «مهدی امتم [در میان ایشان] محمد است که زمین را از عدل و داد آکنده سازد...» (۳)

شیخ صدوق آورده است که حضرت علی علیه السلام بر فراز منبر درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

برای او دو نام است: یکی نهران و دیگری آشکار؛ اما نهران، احمد و نام آشکار، محمد است. (۴)

از موارد دیگری که قائلان به جواز نام بردن حضرت، بدان اشاره کرده اند، حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام است. (۵)

از امام عسکری علیه السلام در موارد فراوانی نقل شده که به نام آن حضرت تصریح کرده است. زمانی که مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ایشان حامله شد، امام عسکری علیه السلام به او فرمود:

ص: ۴۲۳

۱- «... فَإِنَّهُمْ إِنْ وَقَفُوا عَلَى الْإِسْمِ أَذَاعُوهُ وَإِنْ وَقَفُوا عَلَى الْمَكَانِ دَلُّوا عَلَيْهِ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۴، ح ۳۳۱.

۲- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۰.

۳- «... مَهْدِي أُمَّتِي مُحَمَّدٌ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا...»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۴، ح ۳۷.

۴- «... لَهُ إِسْمَانِ: إِسْمٌ يَخْفَى وَإِسْمٌ يَعلَنُ، فَأَمَّا الَّذِي يَخْفَى فَأَحْمَدُ، وَأَمَّا الَّذِي يَعلَنُ فَمُحَمَّدٌ...»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام

النعمه، ج ۲، ص ۶۵۳، ح ۱۷؛ ر.ک: طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۶۵؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۴.

۵- «... وَأَكْمَلُ ذَلِكَ بِإِيْنِهِ مُحَمَّدٌ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَبِهَاءُ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبَ...»، محمد بن یعقوب کلینی،

الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷، ح ۳.

تو حامل پسری هستی که نامش محمد است و او قائم پس از من است. (۱)

افزون بر روایت های یاد شده در دعاه ای فـراوانی نیز از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان محمد یاد شده است. (۲)

برخی از بزرگان معاصر، پس از نقل چهار گروه روایات یاد شده، نوشته است:

ص: ۴۲۴

۱- اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۵.

۲- سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۵۸.

شکی نیست که قول به منع نام بردن از روی تعیّد، خالی از تحقیق است؛ اگر چه برخی از بزرگان بدان تصریح کرده اند...
ظاهر این است که منع، دایر مدار وجود ملاک تقیه است. بنابراین نام بردن از آن حضرت به این نام در زمان ما هیچ منعی ندارد. به علاوه دسته چهارم روایات که بر جواز دلالت می کرد، از دسته های دیگر به مراتب، هم از نظر عدد بیشتر و هم از نظر دلالت اقوا است.

آن گاه نتیجه می گیرد:

حرمت تنها هنگام تقیه بوده و تنها راه جمع بین روایات همین قول است؛ و گرنه باید هر دو دسته روایت را قبول نکنیم و به اصطلاح، از اعتبار ساقط بدانیم یا قائل به تخیر شویم _ اگر بگوییم روایات ظنی هستند _ و حاصل این هم چنین می شود که به جواز قائل شویم.

در پایان قوی ترین قرینه بر نظر خود (جواز نام بردن) را همان دسته چهارم از روایات دانسته، احتیاط را نیز لازم نمی داند. (۱)

باتوجه به آنچه ذکر شد به نظر می رسد، در زمان غیبت کبرا اگر نام بردن آن حضرت موجب ضرر و زیان نشود، جایز است.

نیز ن.ک: احمد.

محمد بن عثمان بن سعید عمری

دومین نایب خاص حضرت مهدی علیه السلام در غیبت صغرا

دومین نایب از نواب چهارگانه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمد بن عثمان، فرزند نایب نخست است. وی پیش از آن، در زمان زندگی پدرش، از سوی امام عسکری علیه السلام به نیابت امام غایب معرفی شده بود. بدین صورت که آن حضرت، هنگامی که گروهی از شیعیان یمن در شهر سامرا به حضورش شرفیاب شدند، عثمان بن سعید را نزد خود فرا خواند و بر وکالت و وثاقت او تصریح کرد. سپس فرمود:

گ__واه باشید عثم__ان ب__ن سعید عمری، وکیل من است و فرزندش محمد بن عثمان وکیل فرزند من، مهدی شما است. (۲)

ص: ۴۲۵

۱- ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۵۰۴.

۲- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۶، ح ۳۱۷.

عثمان بن سعید هنگام مرگ خود، به دستور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیابت را به فرزند خود، محمد سپرد. افزون بر آن، حضرت ولی عصر علیه السلام نیز در توقیعاتی، به نیابت او تصریح فرمود. (۱) در بخشی از یکی از آن توقیع ها چنین می خوانیم:

... و اما محمد بن عثمان عمری، خداوند سبحانه و تعالی از او و پدرش خشنود و راضی باشد! _ همانا او مورد وثوق من و نوشته او، نوشته من است. (۲)

محمد بن عثمان، با وجود مخالفت هایی که از سوی مدعیان دروغی نیابت ب... صورت می گرفت و با وجود فشارهایی که از حاکمان و خلفای آن دوران بر وی وارد می شد، توانست جایگاه نیابت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به گونه ای شایسته نگه داشته، امور واگذار شده را به شایستگی انجام دهد. او نگذاشت غالیان با ترفندهای دروغین، شیعیان را متوجه خود سازند و نیابت او را متزلزل کنند؛ از این رو دستداران امامان علیهم السلام هیچ گاه درباره نیابت و وثاقت وی شک و تردید نکردند.

مدت نیابت نایب دوم حدود چهل سال به طول انجامید؛ از این رو توانست مسأله فقهی، که لامی، اجتماعی و... بیشتر از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیده، پاسخ ها را در اختیار مردم قرار دهد.

برخی ویژگی های نایب دوم

۱. وی فرزند نخستین نایب بود؛ از این رو از موقعیت نیابت به طور کامل آگاهی داشت؛

۲. همانند پدرش، از سوی دو امام به نیابت امام زمام علیه السلام نصب شده بود؛

۳. در مقایسه با دیگر نایبان، زمان بیشتری نایب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود؛

۴. وی مرجع و پناهگاه شیعیان در مسأله کلامی، فقهی، اجتماعی و... بود؛

۵. افزون ب... رسیدگی به امور شیعیان، از حساس ترین وظایف او در دوران نیابت، مب... ارزه با مدعیان دروغین نیابت بود.

ابوجعفر محمد بن عثمان، طبق دیدگاه مشهور، در سال ۳۰۵ ق در آخر ماه جمادی الاولی در گذشت.

ص: ۴۲۶

۱- ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۰، ح ۴۱؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۱.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۲، ح ۳۲۶.

آرامگاه وی کنار قبر مادرش، بر سر راه کوفه در محلی که خانه اش آن جا بود، واقع است. این محل در سمت غربی بغداد است. (۱)

نیز ن.ک: نیابت خاص، نواب خاص.

محمد بن علی بن هلال

از افراد منحرف در مهدویت

ابوطاهر محمد بن علی بن بلال در ابتدا نزد امام حسن عسکری علیه السلام فردی مورد اعتماد بود و روایاتی چند از آن حضرت نقل کرده است؛ ولی رفته رفته به سبب پیروی از هوای نفس، راه انحراف در پیش گرفت و مورد سرزنش خاندان وحی واقع شد. وی، ادعای کبر و کیل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. او نیابت نایب دوم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را منکر شد و درباره اموالی که نزد وی جمع شده بود تا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برساند، خیانت کرد. (۲)

نایب دوم، زمینه دیدار وی را با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم کرد. امام به وی فرمان داد اموال را به نایبشان برگرداند؛ اما او در دشمنی و کثرت خود باقی ماند. پایان کارش آن شد که توقیعی از ناحیه مقدسه، بر بیزاری از وی در ضمن افرادی دیگر از جمله حلاج و شلمغانی صادر شد. (۳)

محمد بن علی شلمغانی

از افراد منحرف در مهدویت

شلمغانی از یاران امام عسکری علیه السلام بود و در آغاز، انحرافی نداشت و بلکه از فقه ای بزرگ امامیه به شمه ار می رفت. اما پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام انتظار نیابت داشت و وقتی نیابت به حسین بن روح واگذار شد، حسد او شعله ور شده، کارشکنی بر ضد حسین بن روح را آغاز کرد. وی سخنانی از خود می ساخت و به حسین بن روح و دیگر نایبان نسبت می داد. (۴)

ص: ۴۲۷

۱- علی غفار زاده، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۲۳۰، به نقل از: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۶.

- ٢- ر.ك: شيخ طوسي، كتاب الغيبه، ص ٤٠٠.
- ٣- طبرسي، الاحتجاج، ح ٢، ص ٤٧٤.
- ٤- ر.ك: نعمت الله صفري فروشاني، غاليلان، ص ١٣٦.

وی پیش تر کتاب های بسیاری داشت و در آن ها، انبوه روایاتی را که از امامان علیهم السلام شنیده بود، گردآوری و دسته بندی کرده بود،^(۱) اما هنگامی که راه انحراف و ارتجاع در پیش گرفت و در اندیشه، عقیده و عمل دگرگون شد، در روایات تغییراتی پدید می آورد؛ هر چه می خواست بر آن ها می افزود و هر چه دلخواه او بود، کم می کرد. نجاشی در رجال خود درباره وی می نویسد:

ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی از پیروان مذهب امامیه بود؛ اما رشک و حسد بر جایگاه ابوالقاسم حسین بن روح، وی را بر آن داشت که ترک مذهب امامیه گوید و داخل کیش های مردود شود؛ تا بدان جا که از طرف امام غایب، توقیعاتی بر ضد او صادر شد. سرانجام به امر سلطان [= دولت] به دار آویخته شد.^(۲)

مردم پس از صدور لعن شلمغانی، نزد حسین بن روح رفته گفتند: «خانه های ما از آثار شلمغانی انباشته است؛ چه کنیم؟» وی گفت: «نظر من، درباره کتاب های او همان چیزی است که امام عسکری علیه السلام درباره کتاب های بنی فضال فرمود: "اعتقادات آنان را کنار گذارید و آنچه نقل کرده اند، بپذیرید."»^(۳)

شیخ طوسی سبب کشته شدن شلمغانی را چنین دانسته است: زمانی که ابوالقاسم حسین بن روح او را آشکارا نفرین کرد و همه جا شهرت یافت و مردم از وی دوری جستند، تمام شیعیان از او بر حذر بودند؛ به طوری که نتوانست به نیرنگ های خود ادامه دهد. روزی در محفلی که سران شیعه حاضر بودند و همه نفرین شلمغانی و دوری از او را از ابوالقاسم حسین بن روح نقل می کردند، شلمغانی به حاضران گفت: من و او [= حسین بن روح] را در جایی بخواهید، تا من دست او و او هم دست مرا بگیرد و در حق یک دیگر نفرین کنیم. اگر آتش نیامد و او را نسوزاند، هر چه او درباره من گفته، درست است.» این خبر در خانه ابن مقله اتفاق افتاد و از آن جا به گوش «الراضی بالله» خلیفه عباسی رسید. «راضی» هم دستور داد

ص: ۴۲۸

۱- احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی، ج ۲، ص ۲۳۹.

۲- احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی، ج ۲، ص ۲۹۴.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۸۷.

او را دستگیر کرده و به قتل رساندند؛ بدین گونه شیعیان از شرّ او راحت شدند. (۱) ای ناتف ااق، س ال ۳۲۳ ق رخ داد. (۲)

محمد بن نصیر نمیری

از مدعیان دروغین نیابت حضرت مهدی علیه السلام

محمد بن نصیر نمیری، یکی از رقبای محمد بن عثمان بود که نیابت وی را قبول نداشت و خود مدعی نیابت بود. شیخ طوسی، در اصحاب امام جواد علیه السلام دو بار از او نام برده و هیچ شرحی درباره او نداده است. (۳) و علامه حلی نیز، دو جا از او نام برده، می نویسد:

محمد بن نصیر نمیری کسی است که امام هادی علیه السلام او را لعن کرده است.

در جای دیگر می نویسد: ابن غضائری درباره او گفته است:

محمد بن نصیر از نگاه علمی، از فضلالی بصره بود [و از نظر عقیدتی] ضعیف بود. فرقه «نصیری» را او تأسیس کرده و به او منسوب است. (۴)

در رجال کشی نیز شرح حال او مطرح است. به نظر مرحوم کشی امام هادی علیه السلام سه نفر را لعن کرده که یکی از آن ها محمد بن نصیر نمیری است. (۵) در ج ای دیگ ر از عییدی نقل می کند:

امام عسکری علیه السلام بدون این که من چیزی از او بیرسم _ نامه ای برایم فرستاد و در آن نامه، از محمد بن نصیر نمیری و حسن بن محمد بن باباقمی، اعلان انزجار کرده، فرمود: «تو و همه دوستداران ما، از آنان دوری جوید و من آن ها را لعن می کنم و لعنت خدا نیز بر آن ها باد! آنان از نام ما سوء استفاده کرده و اموال مردم را می خورند و فتنه انگیزی می کنند. آنان ما و شیعیان ما را اذیت کردند. خداوند سبحانه و تعالی آن ها را اذیت کند و آنان را در فتنه ای که ایجاد کرده اند، مغلوب و نابود سازد.» (۶)

ص: ۴۲۹

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۰۶.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۱۲.

۳- شیخ طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۰۵، رقم ۷ و ص ۴۰۷ رقم ۲۳.

۴- علامه حلی، رجال العلامة، ص ۲۵۴ و ۲۵۷.

۵- کشی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۰۵.

٦- كشي، اختيار معرفه الرجال، ج ٢، ص ٨٠٥.

وی عقایدی کفرآمیز و الحادی داشت که سعی می کرد آن را در بین عامه مردم منتشر سازد. محمد بن موسی بن حسن بن فرات نیز اسباب کار او را فراهم و او را پشتیبانی می کرد.^(۱) ابن فرات از خاندان معروف بنوفرات بود. وی در بغداد و کوفه محدثی معروف بود و به نظر می رسد نخستین فرد از خاندان بنوفرات است که در حکومت عباسی مقامی به دست آورد.^(۲) از این جا نقش حکومت در حمایت و پشتیبانی از خطوط انحرافی روشن می شود. عقاید نمیری در کتاب الغیبه، رجال کشی و فرق الشیعه بیان شده است.

سعد بن عبـدالله اشعری گوید: محمد بن نصیر نمیری مدعی بود پیغمبر است و امام هادی علیه السلام او را مبعوث کرده است. عقیده به تناسخ داشت و معتقد به خدایی امام هادی علیه السلام بود، نزدیکی با محارم را جایز می دانست و....^(۳)

سعد بن عبدالله گوید: نمیری در آخر عمر بیمار شد و در آن حال مرد. در آن بیماری از وی پرسیدند: «جانشین تو کیست؟» او با زبان ضعیف و گرفته ای گفت: «احمد»؛ ولی کسی نفهمید احمد کیست؛ به همین سبب این حرف، موجب انشعاب پیروان او شد؛ عده ای گفتند: «مقصود نمیری، احمد فرزندش بوده است.» جمعی گفتند: «احمد بن محمد بن موسی بن فرات است.» و گروهی گفتند: «منظور وی احمد بن موسی بن فرات است.» و فرقه ای گفتند: «منظور وی احمد بن ابوالحسین بن بشر بن یزید است.» این انشعاب باعث پراکندگی اتباع او شد.^(۴)

ص: ۴۳۰

-
- ۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۸.
 - ۲- جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۶۹.
 - ۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۸، ح ۳۷۱؛ کشی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۰۵؛ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۱۰۳.
 - ۴- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۹، ح ۳۷۳.

پی—روان ام—امت محم—دب—رادر ام—ام عسکری علیه السلام و منحرف از امام مهدی علیه السلام

محمدیه طرفداران امامت محمد بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیهم السلام و یکی از گروه هایی بودند

که در مهدویت دچار انحراف شدند. وی، از سادات جلیل القدر علوی بود که زمان حیات پدرش درگذشت. قبرش امروز نزدیکی بلد در دو فرسنگی سامرا و زیارتگاه است و سید محمد خوانده می شود. گویند: محمد نه پسر داشت که چهار تن از ایشان به خوی و سلماس در آذربایجان مسافرت کرده و کشته شدند. پنج تن دیگر نیز به شهر لار رفتند و آن جا به قتل رسیدند.

طرفداران امامت او گفتند: وی نمرده و زنده است؛ زیرا پدرش او را به امامت نامزد کرد و یاران را به امامت وی پس از خود آگاه ساخت. چون نسبت دروغ بر امام جایز نیست و نیز نتوان گفت که بدار رخ داده، پس او جانشین پدر است. اگرچه در دیده و چشم مردمان نمودار گشت که او درگذشت؛ ولی او نمرده است و پدرش علی بن محمد از ترس مردم که ممکن بود به وی گزندی رسانند، او را ناپدید و غایب ساخت و او مهدی قائم است. (۱)

مدعیان بابت

دروغگویان مدعی باب مهدی بودن

بی گمان، هر چه باوری، ژرفای بیشتری داشته، به حقیقت نزدیک تر باشد و در دل ها جای گیرد، افراد سوداگر و سودنگر، بیشتر در پی بهره های ناپاک از آن، بر خواهند آمد.

آموزه های مهدویت، به سبب ویژگی های ممتاز و پرجاذبه خود و این که همواره در عمق قلب های توده انسان ها نفوذ کرده است، بیشتر مورد بهره جویی و استفاده نادرست افراد کزرو قرار گ—رفته است. پیشینه پ—ردامنه انحراف های پدید آمده در این عرص—ه به ویژه فرقه های منحرف در مهدویت که ب—ه ق—رن های نخست اسلام ب—از می گردد گواهی روشن بر این مدعا

ص: ۴۳۱

است. بررسی این انحراف ها و زمینه های پیدایی آن، می تواند در پیشگیری از فرو افتادن دوباره در این لغزش ها، نقش مهمی داشته باشد.

از آن جا که پس از شهادت امام عسکری علیه السلام و آغاز غیبت صغرا، ارتباط رودرروی مردم با پیشوای معصوم قطع شد، سفیران خاص به گونه ای ویژه، برای راهنمایی مردم، تلاش های پر دامنه ای را آغاز کردند. ایشان، از پراکندگی پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام جلوگیری کرده و رهبری شیعیان را به دست گرفتند. پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام رفته رفته، با این روش خو گرفته و کارهای خود را از راه سفیران چهارگانه پی گیری کردند و این خود، جایگاه بلندی را برای این سفیران رقم زد. در این میان، افرادی سست ایمان و کژاندیش برای رسیدن به اهدافی چند، به دروغ مدعی نیابت امام غایب شدند. در یک بررسی کوتاه برخی سرچشمه های این ادعاهای دروغین را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. سستی ایمان

یکی از عوامل مهم در چنین ادعاهای نادرستی، سستی باورهای دینی است؛ چرا که کسانی که دارای قوت مناسب ایمان هستند، هرگز برابر خواست پیشوای معصوم _ در پیروی از سفیران خود _ به بیراهه نمی روند. بیشترین افرادی که به دروغ چنین ادعایی کردند، از این کاستی برخوردار بودند که. یکی از این افراد شلمغانی بود. (۱)

۲. طمع در اموال امام

در زمان غیبت صغرا، برخی برای آن که اموال امام زمان علیه السلام را به وکیل و نماینده واقعی اش تحویل ندهند، ادعای نیابت و باییت کردند. (۲)

۳. رسیدن به شهرت

شهرت طلبی نیز از عوامل بسیار مهم در پیدایی باورهای خرافی و مذهب های ساختگی است. اشتیاق به بزرگ شدن و خودنمایی، از صفات نکوهیده اخلاقی است که انسان را به سوی کارهای خطرناک می کشاند. (۳)

۴. انگیزه های سیاسی

یکی دیگر از سبب های پدید آمدن مدعیان باییت، انگیزه های سیاسی است. دشمنان، گاهی به طور مستقیم و زمانی غیرمستقیم _ برای آن که باور شیعیان را سست کرده و آنان را در

ص: ۴۳۲

۱- احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی، ج ۲، ص ۲۳۹.

۲- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۰۰.

۳- ر.ک: سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الصغری، ص ۴۹۰.

پراکنندگی فرو برند _ برخی را تحریک می کنند تا ادعای بابت کنند. در این راه، برخی عناصر را به دلخواه خویش تربیت کرده، به آنان دستور دادند ادعای بابت کنند و آنان را با همه امکانات در این راه یاری کردند که برای نمونه می توان به علی محمد باب اشاره کرد.

نیز ن.ک: باب، بایه، بهائیت،

مدعیان مهدویت

دروغگویان مدعی مهدی بودن

کسانی که در تاریخ بدین عنوان شهرت یافته اند، به اعتباری بر سه گروه قابل تقسیم هستند:

۱. ک_سانی ک_ه دیگ_ران روی انگیزه های خ_اصی، آن_ان را مهدی نجات بخش خواندند؛

۲. کسانی که به انگیزه جاه طلبی و قدرت خواهی، چنین ادعای دروغینی داشتند؛

۳. کسانی که طبق نقشه استعمار و به اشاره بیدادگران، به چنین فریبی دست یازیدند و خود را مهدی نجات بخش، معرفی کردند.

گروه اول: این واقعیت از تاریخ به دست می آید که برخی کسانی که ادعای مهدویت به آن ها نسبت داده شده، نه از سوی خود آنان سرچشمه گرفته است و نه خود بدان راضی بوده اند؛ بلکه یاران و پیروانشان چنین ادعایی را به آن ها نسبت داده و این اندیشه را گسترش دادند. البته می بایست خود آنان، چنین ادعاهای دروغین و نسبت های نادرست را به شدت نفی می... کردند؛ اما روشن نیست چرا خود آنان، برابر این عنوان ساختگی، اعتراض نکردند و پیروانشان کوشیدند برخی نشانه های حضرت مهدی را به این چهره ها تطبیق و تفسیر کنند.

برای نمونه می توان به محمد حنفیه، زید فرزند امام سجاد علیه السلام و محمد بن عبدالله محض اشاره کرد.

گروه دوم: کسانی بودند که به انگیزه های فریب کارانه و جاه طلبانه، ادعای مهدویت نمودند و برای جلب عواطف و به دست آوردن قدرت، به دروغ، خود را مهدی نجات بخش معرفی کردند. از جمله این گروه، مهدی عباسی است. پدرش منصور دوانیقی ادعا کرد پسرش مهدی عباسی، همان مهدی موعود است. این در حالی است که خود او پیش از این ادعا، به محمد بن عبدالله محض _ به عنوان مهدی نجات بخش _ دست بیعت داده

بود و او را مهدی نجات بخش می دانست.

گروه سوم: عناصری بودند که بر اساس نقشه و خواست استعمارگران، ادعای مهدویت کردند. استعمار پلید، برای درهم کوبیدن اسلام و ایجاد اختلاف و کینه توزی در جامعه اسلامی، نقشه های خائنانه بسیاری کشید. از نقشه های شیطانی استعمار در این میدان، ساختن مرام ها و مسلک های رنگ_ارنگ می_ان مسلمانان و بازی با مفاهیم و اعتقادات دینی آنان بود، تا بدین وسیله، بی ایمانی و سست باوری و تزلزل دل ها را در جامعه اسلامی پدید آورد. از چیزهایی که در این میدان، از آن بهره بردند، اندیشه و عقیده به مهدی موعود بود. در این راه، برخی عناصر را به دلخواه خویش تربیت کرد و به آنان دستور داد ادعای مهدویت کنند و با همه امکانات در این راه به آنان یاری رساند.^(۱)

مرجع تقلید

نایب عام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت

یکی از اموری که در دوران غیبت کبرا اهمیت ویژه ای دارد، تقلید از مجتهد جامع شرایط است. علمای شیعه امامیه می گویند: عمل به تقلید، به دلایل عقلی و نقلی لازم و واجب است. عقل، دستور می دهد که فرد ناآگاه، از دانشمندی آگاه و دانا راهنمایی بجوید و از او تقلید کند.

مرجع تقلید، مجتهدی عادل و وارسته است که قوانین اسلام را بر اساس قرآن، سنت، اجماع و عقل استنباط می کند. سلسله مراجع بزرگ تقلید از رحلت چهارمین نایب ویژه (ابوالحسن علی بن محمد سمری) در سال ۳۲۹ ق به بعد آغاز شد. در این زنجیره، نام محمد بن یعقوب کلینی، محمد بن علی بن محمد بن ابویوسف محمد بن حسن طوسی، تا امام خمینی که همه از مجته دان شیعه و مراجع تقلید می باشند، قابل ذکر است.

نجف اشرف، از زمان شیخ طوسی، مرکز علمی شیعه قرار گرفت و مجتهدان بزرگ بیشتر، آن جا به تحصیل علم پرداختند. به نظر نمی رسد که نهاد مرجع تقلید، تا پیش از زمان شیخ محمدحسن اصفهانی نجفی (م ۱۲۶۶ق) جنبه مرکزیت عام یافته باشد. جانشین بلافصل او شیخ مرتضی انصاری

ص: ۴۳۴

۱- ر. ک: سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ص ۵۶۵_۵۷۲.

(م ۱۲۸۱ق) بزرگ ترین مجتهد زمان خود به شمار می رفت. از آخرین مراجع تقلید که به رحمت ایزدی پیوسته و در زمان خود نزد طبقات مختلف جامعه مقبولیت عمومی داشتند، سید ابوالحسن اصفهانی، حاج آقا حسین بروجردی (م ۱۳۴۰ش) و سید روح لله موسوی خمینی (م ۱۳۶۸ش) را می توان نام برد.

نیز ن.ک: ولایت فقیه، ولی فقیه،

مردان آخرالزمان < آخرالزمان

مرکز حکومت مهدی علیه السلام < مسجد کوفه

مرگ جاهلی

مردن بدون شناخت پیشوای حق

معاویه بن وهب گوید:

شنیدم از امام صادق علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هر کس بمیرد، در حالی که امام خودش را نمی شناسد، به مرگ جاهلی مرده است» (۱).

محمد بن عثمان عمری گوید: از پدرم شنیدم که می گفت: «من در حضور ابومحمد حسن بن علی علیهما السلام بودم. از آن حضرت درباره این خبر که: «زمین تا روز قیامت از حجت خداوند سبحانه و تعالی بر خلقش خالی نیست و هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.» پرسیده شد؛ فرمود: «إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ؛ به راستی این درست است؛ چنان که روز درست است.» به او عرض شد: «ای فرزند رسول خدا! حجت و امام بعد از شما کیست؟» فرمود: «پسرم، محمد او امام و حجت بعد از من است. هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است. آگاه باشید برای او غیبتی است که نادانان در آن سرگردان می شوند و اهل باطل در آن هلاک می گردند و کسانی که برای آن، وقت معین کنند، دروغ می گویند. سپس خروج می کند و گویی به پرچم های سپیدی می نگریم که بر بالای سر او در نجف

ص: ۴۳۵

۱- «مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً»، نعمانی، الغیبه، ص ۱۲۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹،

مرگ جاهلی، یعنی، مردن بدون شناخت خدا و رسول او صلی الله علیه و آله و سلم کسی که امام زمان خود را نشناسد، در واقع از گمراهی زمان جاهلیت که خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را نمی‌شناختند، خارج نشده است؛ بنابراین، اگر معرفت خدا و رسول او، به معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نینجامد، برای انسان سودی نخواهد داشت و او را دین دار نمی‌کند.

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: منظور از جاهلیت، جهل مطلق و در باره همه چیز است یا فقط نشناختن امام است؟ آن حضرت فرمود: «جَاهِلِيَّةَ كُفْرٍ وَ نِفَاقٍ وَ ضَلَالٍ؛ (۲) جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی است».

پس نتیجه عدم شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، کفر و نفاق و گمراهی است. البته ممکن است نشناختن، در اثر عدم معرفی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی خدا باشد (بدون کوتاهی خود شخص). این حالت ضلال نامیده می‌شود و مرادف با استضعاف است. در این حالت، شخص مقصر نیست؛ ولی به هر حال از هدایت الهی و دین داری محروم شده است. حالت کفر و نفاق، مربوط به شخصی است که معرفی الهی برایش صورت گرفته؛ ولی او در پذیرفتن آن کوتاهی کرده است. این، دو حالت دارد: یا انکار و عدم تسلیم خود را به صراحت ابراز می‌دارد که کفر نامیده می‌شود یا آن را مخفی می‌دارد که نفاق است. در هر سه صورت، شیخ ص، از مسیر عبودیت خداوند سبحانه و تعالی دور افتاده و سرانجام نیک نخواهد داشت؛ پس شناخت و پیروی از امامان معصوم علیهم السلام، نه از باب تعبد که به حکم عقل است؛ چرا که انسان خداشناس راهی به سوی خدا ندارد، مگر از طریقی که خود خداوند سبحانه و تعالی قرار داده است. جز از این راه، نمی‌تواند از خشم الهی آگاه شود. مراجعه مردم به ائمه اطهار علیهم السلام، از باب مراجعه نادان به دانا است. این یک حکم عقلی

ص: ۴۳۶

۱- «ابنِ مُحَمَّدٍ وَ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً أَمَا إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ»، شیخ صدوق، کمال

الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۸۱، ح ۸.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷.

است؛ همچنان که عاقل در امور مادی و دنیایی خود، به دانا و متخصص آن مراجعه می‌کند، در امور معنوی و غیر مادی نیز عقل همین گونه حکم می‌کند. (۱) البته در روایت های اهل سنت، به جای معرفت امام، داشتن امام ذکر شده است. آنان از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند که فرمود:

هر کس بمیرد و حال آن که امام نداشته باشد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است. (۲)

ص: ۴۳۷

۱- سید محمد بنی هاشمی، معرفت امام عصر علیه السلام، ص ۱۱۱ (با تصرف).

۲- الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۱۴۴.

مرگ سرخ

کشتار فراگیر در آستانه ظهور

در روایات فراوانی گفته شده است: در آستانه ظهور، جنگ های خونین فراوانی رخ خواهد داد که بسیاری از مردم، کشته خواهند شد. از این کشتار، به مرگ سرخ یاد شده است. حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:

در آستانه قیام قائم، مرگ سرخ، مرگ سفید و ملخ هایی به هنگام و ملخ هایی نابه هنگام سرخ، همچون خون خواهد بود؛ اما مرگ سرخ [کشته شدن با] شمشیر است و مرگ سفید به وسیله طاعون است. (۱)

نیز ن.ک: ظهور، نشانه های ظهور،

مرگ سفید

مرگ فراگیر در آستانه ظهور

در روایات، از آن به بیماری طاعون که باعث مرگ انسان های فراوانی می شود، یاد شده است.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

در آستانه قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ... مرگ سفید است ...؛ اما مرگ سفید، پس آن طاعون است. (۲)

نیز ن.ک: ظهور، نشانه های ظهور.

مستضعف

وعده داده شدگان حاکمیت زمین در عصر ظهور

واژه مستضعف از ریشه (ض ع ف) است و در باب استفعال، به معنای کسی است که او را به ضعف کشانده و در بند و زنجیر کرده اند. در فرهنگ دینی _ به طور عمده _ مقصود از مستضعف دو گروه هستند:

۱. مستضعف فکری و عقیدتی

از بررسی آیات و روایات استفاده می شود افرادی که از نظر فکری،

-
- ١- «بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ مَوْتُ أَحْمَرَ وَمَوْتُ أَيْضُ وَجَرَادٌ فِي حِينِهِ وَجَرَادٌ فِي غَيْرِ حِينِهِ أَحْمَرٌ كَالْوَانِ الدَّمِ فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ فَالسَّيْفُ وَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَيْضُ فَالطَّاعُونُ»، شيخ طوسي، كتاب الغيبة، ص ٤٣٨، ح ٤٣٠.
- ٢- شيخ طوسي، كتاب الغيبة، ص ٤٣٨، ح ٤٣٠.

بدنی یا اقتصادی آن چنان ضعیف باشند که قادر به شناسایی حق از باطل نشوند یا این که تشخیص عقیده صحیح بر اثر ناتوانی جسمی یا ضعف مالی و دیگر عوامل برای آن ها ممکن نباشد، مستضعف هستند.

۲. مستضعف عملی

ای ها کس انی ان د ک ه حق را تشخیص داده اند؛ اما خفقان محیط، اجازه عمل و اقدام را از آنان سلب کرده است. به تعبیر دیگر، کسانی اند که نیروهای بالفعل و بالقوه دارند اما از ناحیه ظالمان و جباران، سخت در فشار قرار دارند. با این حال برابر بند و زنجیر که بر دست و پای آنان نهاده اند، ساکت و تسلیم نیستند و پیوسته تلاش می کنند دست جباران و ستمگران را کوتاه سازند و آیین حق و عدالت را برپا کنند.

خداوند سبحانه و تعالی به چنین گروهی، وعده یاری و حکومت در زمین داده است و در قرآن کریم فرموده است:

((وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)) (۱)

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

بدون تردید هرگز در این آیات، سخن از یک برنامه موضعی و خصوصی مربوط به بنی اسرائیل نیست؛ بلکه بیانگر قانون کلی برای همه عصرها و قرن ها و همه اقوام و جمعیت ها است. این بشارتی برای همه انسان های آزاده و خواهان عدل است.

نمونه ای از تحقق این مشیت الهی، حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود و نمونه کامل تر آن، حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و یارانش بعد از ظهور اسلام بود؛ حکومت پابرهنه ها و تهیدستان با ایمان و مظلومان پاکدل که پیوسته از سوی فرعون های زمان خود، مورد تحقیر و استهزا و تحت فشار و ظلم و ستم بودند. سرانجام خداوند سبحانه و تعالی به دست همین گروه، دروازه های قصرهای کسرها و قیصرها را گشود و آنان را

ص: ۴۳۹

از تخت قدرت به زیر آورد و بینی مستکبران را به خاک مالید.

گسترده ترین نمونه آن ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین، به وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

است. این آیه از آیاتی است که به روشنی بشارت ظهور چنین حکومتی را می دهد؛ از این رو در روایات اسلامی می خوانیم اهل بیت علیهم السلام در تفسیر این آیه شریف، به آن ظهور بزرگ اشاره کرده اند. امام علی علیه السلام در این باره فرمود:

دنیا، پس از چموشی و سرکشی به ما روی می کند؛ چونان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد [پس آن حضرت آیه یاد شده را تلاوت فرمود].^(۱)

در حدیث دیگر آن امام بزرگوار در تفسیر آیه یاد شده فرمود:

این گروه، آل محمد هستند. خداوند سبحانه و تعالی مهدی آنان را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود، بر می انگیزد و به آن ها عزت می دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می کند.^(۲)

مسجد جمکران

مسجد منسوب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

از مکان هایی که امروزه علاقه مندان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به آن توجه دارند، مسجد جمکران است. طبق آنچه در برخی کتاب های معاصر و پیش از آن آمده، این مسجد به دستور حضرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ساخته شده است. نخستین کتابی که به صورت گسترده حکایت بنای مسجد را نقل کرده، کتاب نجم الثاقب است.

این حکایت به عنوان حکایت نخست در باب هفتم با عنوان «در ذکر احوال کسانی که در دوران غیبت کبرا خدمت آن جناب رسیده اند» این گونه نقل شده است:

شیخ فاضل حسن بن محمد بن حسن قمی،^(۳) معاصر صدوق،^(۴) در

ص: ۴۴۰

۱- سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

۲- «هُم آلُ مُحَمَّدٍ يَنْبَغُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَيُدِّلُّ عَدُوَّهُمْ»، کتاب الغیبه، ص ۱۸۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۴.

۳- در کتاب های رجالی متقدم و متأخر چنین نامی نیامده است.

۴- برخی گفته اند: با توجه به این که طبق این نقل، صاحب تاریخ قم، معاصر شیخ صدوق و نیز اتفاق یاد شده در زمان او رخ داده است، شایسته بود به جای نقل از کتاب صدوق حکایت را، از خود او و یا حسن بن مثله یا شاهدان این حادثه نقل می کرد.

تاریخ قم نقل کرده (۱) از کتاب مونس الحزین فی معرفه الحق و الیقین، (۲) از مصنفات شیخ ابی جعفر محمد بن بابویه قمی، (۳) به این عبارت در باب بنای مسجد جمکران از قول حضرت امام محمد (۴) مهدی علیه صلوات الله الرحمن که سبب بنای مسجد مقدس جمکران و عمارت آن به قول امام علیه السلام این بوده است که شیخ عقیف صالح حسن بن مثله جمکرانی رحمه الله می گوید: که من شب سه شنبه هفدهم ماه مبارک رمضان سنه ثلث و تسعین (۵) در سرای خود خفته بودم که ناگاه جماعتی مردم به در سرای من آمدند نصفی از شب گذشته مرا بیدار کردند گفتند برخیز و طلب امام محمد مهدی صاحب الزمان صلوات علیه را اجابت کن که تو را می خواند...

آنگاه حکایت رفتن و دیدار خود را شرح داده است.

تا اینکه نقل می کند: حضرت امام علیه السلام مرا به نام خود خواند و گفت برو و حسن مسلم را بگو که تو چند سال است که عمارت ای زمین می کنی و می کاری و مـاخـراب می کنیم و پنج سال است که زراعت می کنی و امسال دیگر باره باز گرفتی و

ص: ۴۴۱

-
- ۱- در تاریخ قم، نسخه سال ۱۰۰۱، تصحیح سید جلال الدین طهرانی به سال ۱۳۵۳ق، این حکایت وجود ندارد. ممکن است در نسخه در اختیار صاحب نجم الثاقب وجود داشته است (نرم افزار نور السیره ۲، تاریخ قم، توس، تهران).
 - ۲- در کتاب مستدرک از آن، با عنوان «مونس الحزین فی معرفه الدین و الیقین»، یاد شده است. (محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۷، ح ۳۹۶۱) و در مستدرک اشاره ای به کتاب تاریخ قم نشده است.
 - ۳- مرحوم نوری درباره این کتاب می نویسد: «و لم اجد الکتاب فی فهرس کتبه»، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۷.
 - ۴- بسیاری از علما، از جمله محدث نوری نام بردن حضرت را به این نام حرام می دانند.
 - ۵- روشن نیست ۲۹۳ است یا ۳۹۳.

عمارتش می کنی رخصت نیست که تو در این زمین دیگر باره زراعت کنی باید هر ارتفاع که از این زمین برگرفته رد کنی تا بدین موضع مسجد بنا کنند و بگو این حسن مسلم را که این زمین شریفی است و حق تعالی این زمین را از زمینهای دیگر برگزیده است و شریف کرده و تو با زمین خود گرفتی و دو پسر جوان خدای عز و جل از تو باز ستد و تو تنبیه نشدی و اگر نه چنین کنی آزار وی به تو رسد آنچه تو آگاه نباشی... (۱)

مردم را بگو تا رغبت بکنند بدین موضع و عزیز دارند و چهار رکعت نماز اینجا بگذارند دو رکعت تحیت مسجد در هر رکعتی یک بار الحمد و هفت بار قل هو الله احد و تسبیح رکوع و سجود هفت بار بگویند و دو رکعت نماز امام صاحب الزمان علیه السلام بگذارند (۲) بر این نسق چون فاتحه خواند به ((ایاک نعبد و ایاک نستعین))؛ رسد صد بار بگوید و بعد از آن فاتحه را تا آخر بخواند و در رکعت دوم نیز به همین طریق بگذارد و تسبیح در رکوع و سجود هفت بار بگوید و چون نماز تمام کرده باشد تهلیل بگوید و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام و چون از تسبیح فارغ شود سر به سجده نهد و صد بار صلوات بر پیغمبر و آلش صلوات الله علیهم بفرستد و این نقل از لفظ مبارک امام علیه السلام است که «فمن صلیهما فکانما صلی فی البیت العتیق»؛ (۳) یعنی هر که این دو رکعت نماز بگذارد همچنین باشد که دو رکعت نماز در کعبه گزارده باشد.

ص: ۴۴۲

۱- از این سخنان به دست می آید این زمین پیش تر مسجد بوده یا این که حد اقل ملک حسن مسلم نبوده است و او آن را غصب کرده است.

۲- ممکن است این بخش را محدث نوری افزوده باشد؛ چرا که نمازی که بزرگان به نام نماز امام زمان علیه السلام معرفی کرده اند، اندکی با این بیان متفاوت است. ر.ک: قطب الدین راوندی، الدعوات، ص ۸۹؛ سید بن طاوس، جمال الاسبوع، ص ۲۸۸؛ کفعمی، البلد الامین، ص ۱۶۴؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۸۴، ح ۱۰۳۷۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۱۸۹.

۳- پیش تر، چنین تشبیهی از هیچ یک از پیشوایان معصوم علیهم السلام برای هیچ مکانی ذکر نشده است.

حسن مثله جمکرانی گفت که من چون این سخن بشنیدم گفتم با خویشتن که گویا این موضع است که تو می پنداری انما هذا المسجد للامام صاحب الزمان ...

مولف گوید: در نسخه فارسی تاریخ قم و در نسخه عربی آن که عالم جلیل آقا محمد علی کرمانشاهی مختصر این قصه را از آن نقل ک کرده در حواشی رجال میر مصطفی در باب حسن تاریخ قصه را در ثلث و تسعین یعنی نود و سه بعد از دویت (۱) نقل کرده و ظاهراً بر ناسخ مشتبّه شده و اصل سبعین بوده که به معنی هفتاد است زیرا که وفات شیخ صدوق پیش از نود است. (۲)

آنچه در بالا آمد فقط بخش هایی از داستان نوشته مرحوم نوری در کتاب نجم الثاقب بود. لازم یادآوری است که محدث نوری در کتاب مستدرک الوسائل و نیز جنه المأوی به نقل این داستان با برخی تفاوت ها، پرداخته است. (۳)

مرحوم نوری در کتاب مستدرک سال این رخداد را ۳۹۳ ق، (۴) دانسته و در جنه

ص: ۴۴۳

۱- اگر حادثه در سال ۲۷۳ ق رخ داده باشد، سی سال و اگر در ۲۹۳ ق پدید آمده باشد، ده سال پیش از ولادت شیخ صدوق بوده و لازمه، آن این است که ایشان از کسی نقل کرده باشد، در حالی که به آن، هیچ اشاره ای نشده است. افزون بر آن، در این صورت می بایست ایشان در برخی آثار دیگر خود - همچون کمال الدین و تمام النعمه که ویژه امام زمان علیه السلام است - نیز به آن اشاره می کرد. نیز آن که می بایست در رخدادهای غیبت صغرا قرار می گرفت و نواب خاص هم بدان اشاره می کردند؛ بنابراین سال ۳۷۳ ق بهتر است.

۲- متن دارای اضطراب است؛ روشن نیست مقصود ۲۷۳ است یا ۳۷۳.

۳- برخی گفته اند: با توجه به اهمیت این داستان - به ویژه شفا یافتن انسان های بسیار در آن حادثه - شایسته بود در کتاب های فراوانی نقل شود.

۴- این تاریخ، نه فقط با توجه به سال رحلت شیخ صدوق (۳۸۱ ق)، دوازده سال پس از رحلت شیخ صدوق خواهد بود که با توجه به نگارش کتاب تاریخ قم (۳۷۸ ق) پانزده سال پس از آن کتاب است؛ بنابراین غیر قابل قبول است.

المأوی نیز بر آن تأکید کرده است. (۱)

این مسجد، در سده های اخیر، بارها نوسازی و بازسازی گردید و به تازگی مسجد قدیمی یکسره ویران و مسجد بسیار بزرگی با گنبد و گلدسته بر جای آن ساخته شد. در این اواخر بیرون مسجد، سردابی کنده اند که به تبعیت از سرداب سامرا نیازمندان و دردمندان از راه دریچه مشبکی به بیان نیاز خود می پردازند و یا خواسته های خود را در نامه ای نوشته از راه دریچه به درون آن می اندازند.

همچنین، دارای کتابخانه ای بسیار غنی از کتاب های مهدویّت است که در زمان های خاصی، به محققان و مهدی پژوهان خدمات رسانی می کند.

صرف نظر از برخی پرسش هایی که درباره این مسجد مطرح می شود و نیز صرف نظر از این که آیا پایه گذاری مسجد به دستور حضرت مهدی علیه السلام بوده، یا پیشتر از آن نیز مسجد بوده، و نیز این که آیا حکایت یاد شده در خواب، مکاشفه یا بیداری بوده، امروزه این مکان از محل های منسوب به آن حضرت و مورد توجه بسیاری از علاقه مندان و بزرگان است؛ پس لازم است به دور از هرگونه افراط و تفریط مورد احترام قرار گیرد.

نیز ن.ک: ملاقات، انتظار، نماز امام زمان علیه السلام .

ص: ۴۴۴

مسجد الحرام

محل ظهور حضرت مهدی علیه السلام

از مهم ترین مسجدهای روی زمین، مسجد الحرام است. این مسجد که محیط بر کعبه و قبله گاه مسلمانان است، بین مسلمین از جایگاه ویژه ای برخوردار است. این مسجد در طول تاریخ بعثت پیامبران الهی نیز از قداست و عظمت ویژه ای برخوردار بوده است. و به نیکی از آن پاسداری می کرده اند.

از آنجا که آغاز رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آن جا بوده و نیز همه مسلمانان به طرف آن نماز می گزارند، همچنان در نگاه مسلمین دارای عظمت است؛ به ویژه آن که در برخی روایات، محل آغاز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است. (۱) امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

همانا قائم، آن گاه که خروج کند، به مسجد الحرام داخل شده، در حالی که رو به کعبه کرده است به مقام تکیه می زند و
..... (۲)

نیز ن. ک: رکن و مقام، بیعت حضرت مهدی علیه السلام .

مسجد سهله

منزل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران ظهور

درباره محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت آن حضرت در عصر ظهور، روایات فراوانی وجود دارد. در این روایات، به طور عمده مسجد سهله را منزل آن حضرت و شهر کوفه را پایگاه حکومتی آن حضرت معرفی کرده اند. امیرمؤمنان، علی علیه السلام هنگام ترسیم خط سیر حضرت ولعی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در آستانه ظهور، فرمود:

گویی او را با چشم خود می بینم که از وادی السلام عبور کرده، بر فراز اسبی که سپیدی پاها و پیشانی اش همی درخشد، به سوی مسجد سهله در حرکت است و زیر لب زمزمه دارد و خدا را این گونه می خواند: لا اله الا الله حقاً حقاً... (۳)

امام صادق علیه السلام خطاب به یار با

ص: ۴۴۵

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۶، ح ۵۰۲.

۲- «إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا خَرَجَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَيَشْتَقِبُ الْكُعْبَةَ وَ يَجْعَلُ ظَهْرَهُ إِلَى الْمَقَامِ...»، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار،

ج ۵۱، ص ۵۹.

۳- طبری، دلائل الامامہ، ص ۲۴۳.

وفایش ابوبصیر فرمود: «ای ابا محمد! گویی فرود آمدن قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را با اهل و عیالش در مسجد سهله، با چشم خود می بینم.» ابوبصیر عرض کرد: «آیا محل اقامت دائمی آن حضرت، در مسجـد سهله خـواهد بـود؟» حضرت فرمود: «آری». سپس فرمود:

مسجد سهله، اقـامتگـاه حضرت ادریس علیه السلام بود. مسجد سهله اقامتگاه حضرت ابراهیم علیه السلام بود. خداوند سبحانه و تعالی، پیامبری را بر نیانگیخت، جز این که در مسجد سهله نماز گزارده است. مسجد سهله، پایگاه حضرت خضر علیه السلام است. کسی که در مسجد سهله اقامت کند، همانند کسی است که در خیمه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اقامت کند. مرد و زن با ایمانی یافت نمی شود، جز این که دلش به سوی مسجد سهله پر می زند....(۱)

نیز ن.ک: قیام، حکومت جهانی.

مسجد صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف < مسجد جمکران

مسجد کوفه

از مساجد مهم در عصر ظهور

از مکان هـ ای منسوب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مسجد کوفه است. این مکان بیشتر در روایات مربوط به عصر ظهور و حاکمیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شده است. از روایات استفاده می شود که این مسجد، در عصر ظهور از جایگاه و پایگاه مهم و برجسته ای برخوردار است که برخی از این قرار است:

۱. مرکز دادرسی؛ امام صادق علیه السلام در ایـن بـاره فرمود: مرکز حکومت مهدی علیه السلام کـوفه و مرکز قضاوت و دادرسی او مسجد اعظم کوفه است.(۲)

۲. مرکز تبلیغ دینی؛ حضرت صادق علیه السلام فرمود:

گویی به قائم می نگرم که بر فراز منبر مسجد کـوفه است. ۳۱۳ تن یارانش در اطراف او حلـقه زده اند. آنان پرچمداران و فرمانروایان خداوند بر فراز گیتی میان بندگان خدایند.(۳)

ص: ۴۴۶

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۳۵، ح ۳.

۲- «دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ وَمَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا...»، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۳- «كَانِي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى مَنبَرِ الْكُوفَةِ وَحَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ يَدْرِ وَهُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَهُمْ

حُكَاْمُ اللّٰهِ فِيْ اَرْضِهِ عَلٰى خَلْقِهِ ...»، شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، باب ٥٨، ح ٢٥.

امام باقر علیه السلام نیز در این باره فرمود:

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد کوفه می شود. سه گروه درگیر، در یک صف بر وی گرد آیند. او بر فراز منبر، خطبه می خواند و مردم، آن قدر اشک شوق می ریزند که متوجه سخنان او نمی شنوند. (۱)

۳. محل اقامه جمعه و جماعت؛ امام علی علیه السلام در خطبه ای طولانی، ویژگی های مسجد کوفه را چنین شمرده است:

ای اهل کوفه! خداوند سبحانه و تعالی به شما نعمت هایی داده که به هیچ کس نداده است. از برتری محل برگزاری نماز شما این است که این جا خانه آدم، خان ه نوح، خان ه ادری س، عبادتگاه حضرت ابراهیم خلیل و عبادتگاه برادرم حضرت خضر علیه السلام بود و امروز محل عبادت و مناجات من است.... برای مسجد کوفه زمانی فرا می رسد که محل برگزاری نماز مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از تبار من و محل عبادت هر مؤمن می شود. هیچ مؤمنی روی زمین نمی ماند، مگر این که به این مسجد بیاید، ی ا قلبش ب رای این مسجد پر بزند. (۲)

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود:

هنگامی که قائم آل محمد علیهم السلام قیام کند، پشت کوفه مسجدی بسازد کند که هزار در دارد، و خانه های کوفه به دو رود کربلا متصل می شود. (۳)

۵. محل برگزاری کلاس های آموزش آیات قرآن. حضرت علی علیه السلام فرمود:

گویی شیعیان خود را می بینم که در مسجد کوفه خیمه زده، به مردم قرآن را آن گونه که نازل شده آموزش می دهند. (۴)
از موارد یاد شده استفاده می شود مسجد کوفه در عصر ظهور، از جایگاه بسیار ارزشمندی برخوردار است. به علاوه، دارای گستره بسیار زیادی است که کارکردهای فوق به راحتی در آن امکان پذیر خواهد بود.

ص: ۴۴۷

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۶۸.

۲- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۶۹۶.

۳- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۰.

۴- «كَانَ أَنْظَرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ، فَذُ صَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنزِلَ»، نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۷، ح ۳.

امام باقر علیه السلام نیز در این باره فرمود:

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد کوفه می شود. سه گروه درگیر، در یک صف بر وی گرد آیند. او بر فراز منبر، خطبه می خواند و مردم، آن قدر اشک شوق می ریزند که متوجه سخنان او نمی شنوند. (۱)

۳. محل اقامه جمعه و جماعت؛ امام علی علیه السلام در خطبه ای طولانی، ویژگی های مسجد کوفه را چنین شمرده است:

ای اهل کوفه! خداوند سبحانه و تعالی به شما نعمت هایی داده که به هیچ کس نداده است. از برتری محل برگزاری نماز شما این است که این جا خانه آدم، خانۀ نوح، خانۀ ادریس، عبادتگاه حضرت ابراهیم خلیل و عبادتگاه برادرم حضرت خضر علیه السلام بود و امروز محل عبادت و مناجات من است.... برای مسجد کوفه زمانی فرا می رسد که محل برگزاری نماز مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از تبار من و محل عبادت هر مؤمن می شود. هیچ مؤمنی روی زمین نمی ماند، مگر این که به این مسجد بیاید، یا قلبش بر این مسجد باشد. (۲)

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود:

هنگامی که قائم آل محمد علیهم السلام قیام کند، پشت کوفه مسجدی بسازد کند که هزار در دارد، و خانه های کوفه به دو رود کربلا متصل می شود. (۳)

۵. محل برگزاری کلاس های آموزش آیات قرآن. حضرت علی علیه السلام فرمود:

گویی شیعیان خود را می بینم که در مسجد کوفه خیمه زده، به مردم قرآن را آن گونه که نازل شده آموزش می دهند. (۴)
از موارد یاد شده استفاده می شود مسجد کوفه در عصر ظهور، از جایگاه بسیار ارزشمندی برخوردار است. به علاوه، دارای گستره بسیار زیادی است که کارکردهای فوق به راحتی در آن امکان پذیر خواهد بود.

ص: ۴۴۸

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۶۸.

۲- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۶۹۶.

۳- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۰.

۴- «كَانِي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ، فَذُ صَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنزِلَ»، نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۷، ح ۳.

از القاب حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف

مضطّر در لغت به معنای کسی است که بیماری، فقر یا سختی های روزگار، او را ناگزیر به تضرّع در درگاه خداوند سبحانه و تعالى کرده است. (۱) در برخی روایات، این واژه، به عنوان یکی از القاب حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف شمرده شده و در قرآن مجید نیز مورد اشاره قرار گرفته است:

((أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ)) (۲)

ای کسی که دعای مضطّر را اجابت می کند و گـ رفتاری را بـ رطـ روف می سازد.

در برخی روایات، این آیه به حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف و قیام آن حضرت تطبیق شده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

این آیه درباره مهدى از آل محمد عليهم السلام نازل شده است. به خدا سوگند! مضطّر او است. هنگامی که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز به جا می آورد و دست به درگاه خداوند متعال برمی دارد، خداوند سبحانه و تعالى دعای او را اجابت می کند، ناراحتی ها را بر طرف می سازد و او را خلیفه روی زمین قرار می دهد. (۳)

بدون شك منظور از این تفسیر، منحصر ساختن مفهوم آیه، به وجود مبارک حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف نیست؛ بلکه آیه معنای گسترده ای دارد که یکی از مصداق های روشن آن، وجود حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف است. زمانی که همه جا را فساد می گیرد، درها بسته می شود، بشریت در بن بست سختی قرار می گیرد و حالت اضطرار در کل عالم نمایان می شود، این هنگام، حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف در مقدس ترین نقطه روی زمین، دست به دعا بر می دارد و تقاضای برطرف شدن سختی می کند. خداوند سبحانه و تعالى نیز این دعا را سرآغاز انقلاب مقدس جهانی او قرار

ص: ۴۴۹

۱- طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۷۳.

۲- نمل (۲۷): ۶۲.

۳- «تَزَلَّتْ فِي الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكَعَتَيْنِ وَ دَعَا اللَّهَ فَأَجَابَهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»، علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۲۹؛ نیز ر.ک: نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۴.

می دهد و به مصداق ((یجعلکم خلفاء

الارض))؛ او و یارانش را جانشینان روی زمین می کند. (۱)

معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف

از منابع روایی معاصر مهدویت

کتاب معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف ب ه وسیله جمع ی از ب زرگ ان و ف رهیختگ ان ح وزه علمیه قم، با اشراف استاد علی کورانی، جمع آوری شده و در سال ۱۴۱۱ ق در پنج جلد انتشار یافته که در نوع خود سابقه نداشته است.

این کتاب، حاوی بیش از دو هزار روایت در موضوعات مختلف و متنوع مربوط به حضرت مهدی علیه السلام است. این روایات، با نگاه به چهارصد منبع قدیم و جدید، چاپ شده و خطی و اعم از سنّی و شیعی گردآوری شده است. در مقدمه کوتاه کتاب شش مطلب یادآوری شده است:

۱. ضرورت نگارش کتاب و توضیح آن؛

۲. معرفی مجلدات کتاب؛

۳. ضرورت استفاده از رایانه در علوم حدیث؛

۴. میزان ارزش احادیث مهدویت؛

۵. بیان تفاوت بین نسخه های کتب حدیث و گله از دست بردن نااهلان در کتاب های حدیث؛

۶. روش استفاده از این معجم.

نویسندگان، درباره هدف خود از تدوین کتاب گفته اند:

ما می خواهیم کتابی پدید آوریم که هر جست و جوگر در موضوع امام مهدی علیه السلام از آن بی نیاز نبوده؛ ولی آن کتاب او را از هر کتاب دیگر بی نیاز کند. (۲)

از امتیازات چشمگیر کتاب، این است که نشان می دهد شیعه و اهل سنّت، هر دو بر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان توافق دارند و اختلاف این دو مذهب، در دو چیز است:

۱. شیعه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و از نسل امام حسین علیه السلام می دانند؛ ولی بیشتر اهل سنت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام می پندارند؛

ص: ۴۵۰

۱- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۲۱ و ۵۲۲.

۲- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۲۱ و ۵۲۲.

۲. شیعه معتقد است حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سال ۲۵۵ ق زاده شده و اکنون در حال غیبت به سر می برد؛ ولی بیشتر اهل سنت می گویند آن حضرت، هنوز متولد نشده است.

معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف مستندات اهل سنت را نشان داده و پاسخ آن و نقاط ضعف استدلال آن ها را روشن کرده است. این کتاب، روایات بسیاری در بیان اوصاف و نسب و شمایل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل کرده است که دیگر جایی برای شبهات اهل سنت باقی نمی گذارد.

از دیگر ویژگی های این کتاب، گستردگی و گوناگونی موضوعات آن است. افزون بر احادیث مربوط به دوازده گانه بودن امامان و احادیث لزوم شناخت امام زمان و...، روایات مقدمات و اَشْرَاطُ السَّاعَةِ، یأجوج و مأجوج، دابهلارض، رجعت و... نیز به صورت مفصل ذکر شده است. احادیث بیان کننده تاریخ آخِر الزمان و پیش از ظهور، شخصیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شمایل آن حضرت، حـرکت و چگـونگی ظهور و... از مهم ترین موضوعات کتاب است.

شاید مهم ترین امتیاز این کتاب، تتبع فراوان و استخراج هر حدیث از مصدرهای مختلف و متنوع است.

معمّرین

دراز عمرها و دلیلی بر امکان طول عمر حضرت مهدی علیه السلام

مُعْمَرین جمع معمر، به معنای انسان دراز عمر است. در منابع معتبر تاریخی، افراد فراوانی معرفی شده اند که از عمر بسیار طولانی برخوردار بوده و روزگاران درازی زیسته اند. (۱) در روایات، برخی از این افراد را این گونه بر شمرده شده اند:

یک. حضرت نوح (۲۵۰۰ سال زندگی کرد):

دو. در روایتی دیگر، آمده است: «عمرهای قوم نوح، سیصد سال بود.»

سه. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «... سلیمان بن داود ۷۱۲ سال زندگی کرد.» (۲)

چهار. روایت شده است: دَجَال زنده است، و در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز

ص: ۴۵۱

۱- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۱۳، روایت ۸۶ به بعد.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۰۲، باب ۵۰.

زنده بوده است و تا هنگام ظهور نیز زنده خواهد بود. در این باره روایات اهل سنت کمتر از شیعه نیست؛ حال چه استبعادی دارد که منکر طول عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شده اند؟ این، در حالی است که دجال، دشمن خدا

و مهدی علیه السلام دوست خدا است. (۱)

پنج. همچنین در روایات است که لقمان بن عاد، دراز عمرترین انسان بوده است. او ۳۵۰۰ سال زندگی کرده است. (۲)

در کتـاب های مربـوط، از افـراد فراوانی که دارای عمر زیـاد بوده اند، سخن به میان آمده است؛ بنابراین هیچ استبعادی ندارد که حضرت مهدی علیه السلام نیز دارای طول عمری غیرعادی باشد. به علاوه روایات فراوانی از معصومان علیهم السلام در دست است که وقتی شباهت حضرت مهدی علیه السلام به پیامبران گفته شده است، یکی از این شباهت ها، شباهت آن حضرت به نوح علیه السلام است. سعید بن جبیر می گوید از امام سجاد علیه السلام شنیدم فرمود:

در امام قائم، روشی است از نوح که آن طول عمر است. (۳)

البته این بدان معنا نیست که عمر حضرت مهدی علیه السلام به اندازه عمر نوح باشد.

نیز ن.ک: طویل العمر.

مَغیریه

گروهی منحرف از مهدویت

از فرقه هایی که انحراف آن ها، به نوعی با بحث مهدویت مرتبط است، مغیریه یا محمدیه است. (۴) این فرقه، از پیروان محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب هستند. که ملقب به «نفس زکیه» و «مهدی» و «ارقط» (دارای لکه سپید و سیاه در صورت) بود. آنان، کشته شدن او را باور ندارند و می گویند: وی در کوه حاجر در نجد پنهان است و تا فرمان خدا به وی نرسد، از آن جا بیرون نمی آید. (۵)

مغیره بن سعید

ص: ۴۵۲

۱- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۱۳، ح ۸۶.

۲- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۱۴، ح ۸۷.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۰۲، باب ۵۰.

۴- ر.ک: نعمت الله صفری فروشانی، غالیان، ص ۹۳.

۵- ر.ک: شهرستانی، الممل والنحل، ج ۱، ص ۱۹۴.

عجلی به یاران خویش می گفت: محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی مهدی آینده است؛ زیرا وی هم نام رسول خدا و پدرش نیز هم نام پدر پیامبر بود. آن ها گمان کرده اند در حدیثی از پیغمبر روایت شده که درباره مهدی فرموده است: «مهدی هم نام من و پدرش هم نام پدر من است.»

محمد بن عبدالله بن حسن در مدینه دعوت خویش را آشکار کرد و بر مکه و مدینه چیره شد. برادرش ابراهیم بن عبدالله بصره را گرفت و برادر دیگرش ادیس بن عبدالله به برخی شهرهای مغرب دست یافت؛ پس ابو جعفر منصور خلیفه عباسی، عیسی بن موسی را با سپاهی انبوه به جنگ او فرستاد. در مدینه نبردی روی داد و محمد در آن جنگ کشته شد. پس از آن منصور عیسی بن موسی را به جنگ ابراهیم بن عبدالله بن حسن بن حسن گسیل داشت....

گروهی کشته شدن او را راست دانستند و از مغیره بن سعید عجلی، بیزاری جستند. گروهی دیگر در دوستی و پیروی از مغیره بن سعید عجلی، استوار مانده، گفتند: محمد بن عبدالله هرگز کشته نشده و او مهدی آینده است. (۱)

مقتدای مسیح علیه السلام

از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همواره یکی از ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام که در روایات فراوانی نیز به آن تصریح شده، اقتدای حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام به آن حضرت در عصر ظهور است. برخی از این روایات چنین است:

۱. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

و از ذریه من، مهدی است. آن هنگام که ظهور کند، عیسی بن مریم برای یاری او نازل خواهد شد؛ پس مهدی را مقدم داشته، پشت سر او نماز می گزارد. (۲)

۲. همچنین آن حضرت به دختر بزرگوار خود فاطمه زهرا علیها السلام فرمود:

ای دخترم! و به خداوند سبحانه و تعالی که جز او پروردگاری نیست سوگند! مهدی این امت، از ما است؛ همو که عیسی بن

ص: ۴۵۳

۱- ر.ک: محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۹۳.

۲- «مِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِيِّ إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لُنُصْرَتِهِ فَقَدَّمَهُ وَ صَلَّى خَلْفَهُ»، شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۸۱، ح ۴.

۱- «وَمِنَّا وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِي يُصَلِّي خَلْفَهُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ»، شيخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۹۱، ح ۱۵۴.

ای ن مع نا، اف زون ب ر سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ف رمایش امام ان معصوم علیهم السلام نیز به چشم می خورد. (۱)

گفتنی است یکی از حکمت های این اقتدا، متابعت مسیحیان از آن پیامبر الهی در اقتدا به حضرت مهدی علیه السلام است. نیز ن. ک: نزول عیسی علیه السلام .

مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم عجل الله تعالی فرجه الشریف

از کتاب های مهدویت

این ک تاب ارزنده، به دست علامه میرزا محمدتقی موسوی اصفهانی، (۲) نگارش یافته است. طبق عنوان کتاب، موضوع آن، بررسی فواید دعا برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ اما فقط بخش عمده کتاب به این موضوع اختصاص دارد و نویسنده، به بحث های دیگر درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز پرداخته است. این کتاب، پژوهشی است درباره لزوم شناخت امام زمان علیه السلام و دعا برای آن حضرت و فواید دنیایی و آخرتی آن بر محور بیش از یک هزار حدیث فراهم آمده است. هدف نویسنده، حق گزاری و شکر نعمت وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دیدن خوابی در باره نوشتن این کتاب است. وی در باره انگیزه نگارش این اثر نوشته است:

به نظرم آمد کتاب مستقلی در موضوع فواید دعا برای امام زمان علیه السلام انتظار فرج، ابزار قرب به او و... بنویسم؛ اما مشکلات روزگار، مرا از این کار بازداشت؛ تا این که در خواب، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم که به من فرمود: «این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام آن را مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم بگذار.» وقتی از خواب

ص: ۴۵۵

۱- ر. ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۲.

۲- وی در سال ۱۳۰۱ ق در اصفهان زاده شد و زندگی خود را در تهذیب نفس، فراگیری و نشر علوم آل محمد علیهم السلام سپری کرد. اگرچه عمر نسبتاً کوتاهی داشت، آثار علمی ارزنده ای از خود به یادگار گذاشت که از جمله آن ها کتاب مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است. وی، سال ۱۳۴۸ وفات یافت و در تخت فولاد اصفهان در جوار پدرش مدفون شد.

بیدار شدم، تصمیم به نگارش آن گرفتم که توفیق یارم نشد؛ تا این که در سال ۱۳۳۰ ق به مکه مشرف شدم و وبا در آن جا گسترش یافت.

با خداوند عهد کردم اگر به سلامت بازگشتم، تصنیف این کتاب را آغاز کنم. به لطف خدا، با سلامتی بازگشتم و تدوین آن را آغاز کردم.»

نویسنده، مطالب کتاب را در هشت باب به شمار درهای بهشت، تنظیم کرده است:

۱. وجوب شناخت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛
۲. امام زمان ما حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛
۳. بخشی از حقوق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر ما؛
۴. ویژگی های حضرت که مستوجب دعای مردم در حق او است؛
۵. فواید دعا برای فرج صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛
۶. اوقات و حالاتی که در آن ها دعا برای حضرت و تعجیل فرج تأکید شده است؛
۷. چگونگی دعا برای تعجیل فرج و پاره ای از دعاهای مأثور؛
۸. در بقیه اموری که سبب قرب به حضرت می شود و حضرت را خوشحال می کند و نزد او پر ارزش است.

ملاحم و فتن

آزمایش هـ_ا و جنگ های مربوط به ظهور مهدی

ملاحم، جمع ملحمه به معنای جنگ و کشتار و فتن جمع فتنه به معنای امتحان و آزمایش است. این دو واژه، _ به ویژه در منابع اهل سنت _ فراوان به کار رفته است. ملاحم بیانگر رخدادهای خونینی است که در آخرین دوره زندگی انسان بر زمین و آستانه رستاخیز بزرگ پدید می آیند. و فتن آزمایش های بزرگی است که در دوران یاد شده، رخ می نماید. این دو واژه گاهی در کنار هم و گاهی به صورت مستقل به کار رفته است.

نکته قابل توجه این که ترکیب این دو واژه، عنوان آثار فراوانی(۱) _ به ویژه میان اهل سنت _ بوده است. این آثار، به طور عمده روایاتی را منعکس کرده که از جنگ های بزرگ و آزمایش های سخت، سخن به میان آورده است.

۱- الملاحم، اثر حافظ احمد بن جعفر بن محمد مشهور به ابن المنادی (م ۳۳۶ ق)؛ الفتن اثر حافظ نعیم بن حماد مروزی (م ۲۲۹ ق)؛ و الملاحم و الفتن، نگاشته سید علی بن موسی بن طاووس.

نیز ن.ک: اشراط الساعة، آستانه قیامت.

ملاقات با حضرت مهدی علیه السلام

از آن جا که در روایات، پنهان زیستی آن امام بزرگوار، رازی از رازهای خ—داوند سبحانه و تعالی دانسته شده و درب—اره چگونگی غیبت، دیدگاه های متفاوتی ذکر شده، درباره ملاقات با آن حضرت در عصر غیبت، نگاه های مختلفی ارائه شده است.

دانشوران شیعه، عمر آن حضرت را به چهار دوره متفاوت تقسیم کرده اند.

۱. دوران زندگی با پدر خود؛

۲. دوران غیبت صغرا؛

۳. دوران غیبت کبرا؛

۴. دوران ظهور.

از آن جا که دوره نخست و دوم و نیز دوره چهارم چندان محل مناقشه نیست، در این مجال، فقط به دوره سوم می پردازیم.

به دلیل وجود روایات و حکایات متعارض، در این بحث، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد:

۱. عدم امکان ملاقات به طور مطلق

این دیدگاه، به طور اساسی از روایاتی قابل استفاده است که از ناپیدایی آن حضرت در دوران غیبت سخن به میان آورده است؛ مانند:

— «تَرَى وَ لَا تُرَى؛ می بیند و دیده نمی شود.»(۱)

— «لَا يَرُونَهُ؛ او را نمی بینند.»(۲)

— «يَرَى النَّاسَ وَ لَا يَرُونَهُ؛ مردم را می بیند و مردم او را نمی بینند.»(۳)

— «لَا يَرَى جِسْمَهُ؛ جسم او دیده نمی شود.»(۴)

— «أَرَى الْخَلْقَ وَ لَا تُرَى؛ مردمان را می بینم و تو دیده نمی شوی.»(۵)

چنین روایاتی، باعث شده است ابن ابی زینب نعمانی _ در جایگاه نخستین کسی که به طور شایسته

ص: ۴۵۷

-
- ۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۴.
 - ۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱ ص ۳۳۷، ح ۶؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۵ ح ۱۴؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۱، ح ۱۱۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۴۶، ح ۳۳.
 - ۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱ ص ۳۳۹؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۵ ح ۱۴.
 - ۴- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۳؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۰.
 - ۵- سید بن طاووس، الاقبال، ص ۲۹۸.

روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گردآوری و بررسی کرده است _ در فصلی از کتاب خود، به روشنی مشاهده حضرت را در عصر غیبت جایز ندانسته و تحقیق در این زمینه را ممنوع و شیعیان را در ندیدن حضرت، معذور بداند. وی به این نکته مهم، این گونه اشاره کرده است:

... برای شیعیان، جست و جوی امام و کشف صاحب غیبت و در پی نام و محل سکونت و محل غیبت او بودن یا اشاره به ذکر او کردن، ممنوع است؛ چه رسد بر آن که بخواهند آشکارا او را ببینند. (۱)

با وجود آن که این دیدگاه، از روایات پیشین قابل استفاده است، و نیز به روایاتی که امام را بسان خورشید پس ابر معرفی کرده، نزدیک تر است، کسی به روشنی قائل به آن نشده و ملاقات را ممتنع ندانسته است؛ به دلیل آن که:

۱. برخی روایات، امکان ملاقات را ممتنع ندانسته، دیدن بدون شناخت را ممکن دانسته اند.

۲. شکی نیست در دوران غیبت صغرا که بخشی از دوران غیبت آن حضرت است، برخی شیعیان _ به ویژه نایبان خاص _ آن حضرت را ملاقات کرده اند؛ بنابراین شکی نیست که روایت های یاد شده، تخصیص خورده و ملاقات با آن حضرت امکان دارد.

درباره امکان ملاقات، برخی اندیشوران شیعه نیز چنین نوشته اند:

سید مرتضی می نویسد:

... همانا ممتنع نیست که امام برای برخی دوستانش آشکار شود؛ از افرادی که از سوی آن ها ترسی وجود ندارد. (۲)

شیخ طوسی نیز می نویسد:

ما با جزم و یقین نمی دانیم که آن محبوب دل ها از دیده همه دوستانانش نهان و غایب است؛ بلکه امکان دارد برای بیشتر آنان ظاهر شود. (۳)

سید بن طاووس نیز در این باره خطاب به فرزند خود نوشته است:

امام، اکنون از جمیع شیعیان غایب است؛ ولی ممتنع نیست گروهی از آنان به ملاقات حضرت مشرف شده،

ص: ۴۵۸

۱- ر.ک: نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۰.

۲- سید مرتضی، تنزیه الانبیاء، ص ۲۳۸.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۹۹.

از گفتار و کردار او استفاده کنند. (۱)

۲. امکان ملاقات بدون شناخت

در این دیدگاه _ بر خلاف دیدگاه نخست _ امکان ملاقات، مورد پذیرش است؛ ولی وقوع ملاقات همراه شناخت آن حضرت را در این دوران، غیر قابل پذیرش و آن را با فلسفه غیبت در تعارض می داند. در این دیدگاه، به طور عمده به روایاتی استنـاد می شود که در آن، سخن از دیده شدن حضرت به میان آمده است؛ اما تصریح شده که _ در آن دیـدار، هرگز شناختی از حـضرت صورت نمی گـیرد؛ بنابراین امکـان دیـدار هست؛ اما چون فـرد، آن حضـرت را نخـواهـد شناخت. شیخ صدوق با ذکـر سند از سدید نقـل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود:

در قائم، سنتی از یوسف است... چرا این مردم منکرند که خدای تعالی با حجت خود همان کند که با یوسف کرد؟ بین ایشان گردش کند و در بازارهای آن ها راه رود و بر بساط آن ها پا نهد و آن ها او را نشناسند، تا آن گاه که خدای تعالی به او اذن دهد که خود را به آن ها معرفی کند؛ همان گونه که به یوسف اذن داد... (۲)

سخن دیگر در تأیید این دیدگاه از نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محمد بن عثمان نقل شده است که می گوید:

به خدا سوگند! همانا صاحب این امر، هر سال در موسم حج حاضر می شود؛ مردم را می بیند و آن ها را می شناسد و مردم، او را می بینند؛ ولی نمی شناسند. (۳)

از این روایات، استفاده می شود نه فقط هنگام ملاقات که پس از آن هم، حضرت شناخته نمی شود. منطقی است گفته شود کسی که هنگام دیدار، آن حضرت را نشناخته

ص: ۴۵۹

۱- سید بن طاوس، الطرائف، ص ۱۸۵.

۲- «إِنَّ فِي الْقَائِمِ سُنَّةَ مَنْ يُوسُفَ... فَمَا تَنكَرَ هَذِهِ الْأَمَّةُ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ أَنْ يَكُونَ يَسِيرٌ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأُ بُسِيْطَهُمْ وَهُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَنْ يُعَرِّفَهُمْ نَفْسَهُ كَمَا أَدَانَ لِيُوسُفَ...»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۴۴، باب ۵، ح ۳.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۲؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

است، دلیلی وجود ندارد پس از آن بگویند آن کسی را که دیده، به طور حتم حضرت بوده است. چه بسا از ملازمان آن حضرت یا یکی از اولیای الهی بوده که به دستور آن حضرت، برای رفع مشکل او اقدام کرده است. این نکته، قابل تأمل است. حجم روایات این دیدگاه، بسیار کمتر از دسته نخست است؛ به هر حال می توان دیدگاه یاد شده را از آن به دست آورد. جمع بین دو دیدگاه یاد شده به این صورت است که آن حضرت، از نگاه عموم مردم پنهان است و اگر اراده کند کسی آن حضرت را ببیند، او را نخواهد شناخت.

۳. وقوع ملاقات همراه شناخت و عدم پذیرش ادعا

در این دیدگاه، نه فقط امکان و وقوع ملاقات مورد پذیرش است، بلکه ملاقات همراه با شناخت آن حضرت نیز پذیرفته شده است؛ اما آنچه مورد انکار این است این که ملاقات کننده، حق ندارد مشاهده خود را برای دیگران نقل نماید؛ به بیان دیگر، ادعای ملاقات نماید.

این دیدگاه، به طور عمده از توقیعی با این مضمون استفاده شده است. در این توقیع که شش روز پیش از مرگ علی بن محمد سمیری، واپسین سفیر خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از ناحیه آن حضرت صادر شده،^(۱) چنین آمده است:

... به زودی از شیعیان من، کسانی خواهند آمد که ادعای مشاهده بکنند. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحیه آسمانی ادعای مشاهده کند، او دروغگوی افترازننده است.^(۲)

این جا مدعی، اعم از این است که به ادعای خویش اطمینان داشته باشد یا به دروغ، ادعایی را مطرح کند یا بپندارد حق است. البته برخی بزرگان، اشکالاتی به توقیع وارد

ص: ۴۶۰

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶، ح ۴۴؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۵؛ قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۱۱۲۸؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۸؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۸؛ علی بن عبد الکریم نیلی نجفی، منتخب الانوار المضيئه، ص ۱۳۰، و ... این کثرت نقل، خود شاهدهی بر اعتماد نقل کنندگان بر مضمون روایت است.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶، ح ۴۴

این خبر، ضعیف و غیر آن خبر، واحد است که جز ظنی از آن حاصل نشود و مورث جزم و یقین نباشد؛ پس قابلیت ندارد که معارضه کند با وجدان قطعی که از مجموع آن قصص و حکایات پیدا می شود. هر چند از هر یک آن ها پیدا نشود؛ بلکه از جمله ای از آن ها که دارا بود کرامات و خارق عاداتی را که ممکن نباشد صدور آن ها از غیر آن جناب؛ پس چگونه روا است اعراض از آن ها به جهت وجود خبر ضعیفی که ناقل آن (شیخ طوسی) عمل نکرده به آن، در همان کتاب (۱) که در محل خود به صورت مفصل پاسخ داده شده است.

خلاصه آن که:

۱. توقیع مرسل نیست؛ چرا که شیخ صدوق در کمال الدین آن را با سند ذکر کرده است. افزون بر آن، شیخ طوسی این حدیث را از ابن بابویه نقل می کند و می گوید: «اخبارنا جماعه»؛ پس توقیع از یک طریق نیست.

۲. توقیع ضعیف نیز نیست؛ چرا که همه راویان آن، ثقه هستند.

۳. این که گفته شده است: «راوی آن، شیخ طوسی، به توقیع عمل نکرده است»، درست نیست؛ چرا که آنچه شیخ طوسی نقل کرده است، به دوران غیبت صغرا مربوط می شود و توقیع، نفی ادعای دیدن در دوران غیبت کبرا را مورد نظر دارد و مدعی دیدار در این زمان را باید تکذیب کرد.

۴. این که گفته اند: «از توقیع اعراض شده است» درست نیست؛ زیرا عالمان بزرگوار که پس از شیخ صدوق، به نقل توقیع پرداخته اند، به آن، باور داشته و در سند و دلالت آن، تردیدی نکرده اند.

ممکن است گفته شود منظور توقیع، مشاهده همراه با ادعای سفـارت یـا وکالت از جانب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و رساندن پیام به آن حضرت و گرفتن پاسخ از ایشان است.

این احتمال، خلاف ظاهر عبارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیع شریف است.

این جا لازم است به برخی سخنان بزرگان اشاره کنیم که در آن، ضمن پذیرش امکان ملاقات، گفته اند در صورت ملاقات، فرد ملاقات کننده

ص: ۴۶۱

پرده از راز دیدار خود بر نخواهد داشت و این، همان تکذیب ادعای ملاقات است:

۱. سید مرتضی، بدون آن که قاطعانه ملاقات با حضرت را بپذیرد، عدم امکان ملاقات را غیر قطعی دانسته، می نویسد:

ما قطع نداریم دست کسی به امام نمی رسد و بشر نمی تواند او را ملاقات کند. این، امری غیر معلوم است که راهی بر قطع به آن نیست. (۱)

آنگاه می نویسد:

... همانا ممتنع نیست که امام برای برخی دوستانش آشکار شود؛ از افرادی که از سوی آن ها ترسی وجود ندارد. پس به درستی که این، از اموری است که قطع بر امتناع و ارتفاع آن ممکن نیست. و هر یک از شیعیان حال خودش را می داند و راهی نیست برای آگاهی به حال دیگران. (۲)

۲. شیخ طوسی نیز آن مضمون را این گونه بیان کرده است:

ما با جزم و یقین نمی دانیم آن حضرت از دیده همه دوستانش نهان و غایب است؛ بلکه امکان دارد برای بیشتر آنان ظاهر شود و هر فرد، فقط از حالات خود خبر دارد. (۳)

این بیان، دیدن آن حضرت را ممکن می داند؛ اما درباره ادعای وقوع ملاقات، به نظر می رسد، آن را منتفی می داند.

۳. سید بن طاووس نیز خطاب به فرزند خود، در این باره نوشته است:

اگر امام اکنون از جمیع شیعیان غایب است؛ ولی ممتنع نیست گروهی از آنان به ملاقات حضرت مشرف شده، از گفتار و کردار او استفاده کنند و از دیگران پوشانند... (۴)

سخن سید بن طاووس مؤید دیدگاه تکذیب ادعای مشاهده است؛ چه این که پوشاندن تشریف هنگامی که در مقیاس کلی باشد، به معنای ردّ تمام ادعاهایی است که در دست است.

۴. محقق اربلی نیز پس از نقل کلامی از مرحوم طبرسی که گفته است: «ما قطع نداریم کسی در دوران غیبت به امام نمی رسد»،

ص: ۴۶۲

۱- سید مرتضی، تنزیه الانبیاء، ص ۲۳۵.

۲- سید مرتضی، تنزیه الانبیاء، ص ۲۳۸.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۹۹.

اظهار شکفتی کرده، نوشته است:

«مرحوم طبرسی چرا چنین گفته است؟ در حالی که باید قطع به این داشته باشد؛ چرا که با فاصله اندکی پیش از این، او توجیه نفی ادعای ملاقات را ذکر کرده بود».

محقق اربلی آن گاه دیدگاه خود را در توجیه سخن مرحوم طبرسی، این گونه بیان کرده است:

به طور حتم، او به این نکته نظر داشته است که افرادی که احیاناً به

دیدار نایل می شوند، هرگز آن دیدار را افشا نخواهند کرد و افرادی که به چنین ادعایی دست می زنند، دروغگویند. (۱)

۴. وقوع ملاقات و پذیرش ادعا

گروهی از دانشمندان شیعه بر این باورند که در غیبت کبرا، ملاقات های فراوانی با آن حضرت صورت گرفته است. این دیدگاه، بین متأخران شهرت بیشتری یافته است. این گروه بر قبول امکان، وقوع و ادعای ملاقات با حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت کبرا به حکایت هایی که در این باره در دست است، استناد کرده اند. ایشان بر این باورند که در کتاب های بسیاری، داستان های گوناگونی نقل شده که سخن از ملاقات با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به میان آورده است و هرگز انبوه این ادعاها را نمی توان انکار کرد. مهم ترین دلیل ایشان، این است که چگونه ممکن است این همه ادعای ملاقات دروغ باشد؟

باید توجه داشت ملاقات حضرت فضیلت بزرگی است؛ امّا آنچه مهم تر است، شناخت و معرفت آن بزرگوار و عمل به دستورهایی است که رضایت خداوند سبحانه و تعالی و آن حضرت را در پی دارد. فراموش نشود کم نبودند افرادی که همواره در زمان پیامبر و امامان علیهم السلام با آن بزرگواران دیدار می کردند؛ اما بهره معرفتی چندانی از آن ملاقات ها نمی بردند و گاهی هم مورد خشم و غضب ایشان واقع می شدند.

ملیکه < مادر حضرت مهدی علیه السلام

منتخب الاثر

از کتاب های روایی معاصر در مهدویت

کتاب منتخب الاثر فی

ص: ۴۶۳

١- علي بن عيسى اربلي، كشف الغمه، ج ٢، ص ٥٣٨.

الامام الثانی عشر، نوشته آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی یکی از مراجع تقلید حاضر است. در میان آثار مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، کتاب منتخب الاثر از جایگاه اهوی و بایب رخوردار است. نگارنده مهم ترین انگیزه خود را از نگارش این اثر باطل ساختن ادعای مدعیان مهدویت در عصر غیبت دانسته است بویژه در دوران معاصر که دشمنان همه تلاش خود را برای رخنه در صفوف مسلمانان و باورهای آن ها به کار گرفته اند. (۱) وی این کتاب را در ده فصل و یکصد باب به رشته نوشته و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام را با اسلوبی نو، تنظیم کرده است.

از امتیازهای این اثر آن است که ایشان متن کامل احادیث را بدون تقطیع، به صورت کامل و مستند از کتاب های چاپی و خطی مورد اعتماد و استناد، با دقت هر چه تمام تر نقل کرده است.

امتیاز دیگر این اثر، به اسلوب ابتکاری آن مربوط می شود. بدین گونه که به هنگام نقل هر حدیثی، قسمت های مختلف آن را بررسی کرده، یکی از آن ها را که گویاتر، رساتر و مهم تر تشخیص داده است برگزیده و متن کامل حدیث را در بابتی که رابطه نزدیک تر با محتوای قسمت برگزیده حدیث دارد، درج کرده است. سپس سند و متن و منبع آن را در آنجا ذکر کرده و قسمت های دیگر هر حدیثی را با ابواب صدگانه تطبیق داده است. در پایان هر بابتی نیز تذکر داده که احادیث یاد شده در فلان فصل و فلان باب نیز بر این موضوع دلالت دارد.

ویژگی این شیوه آن است که روایات از آسیب های تقطیع در امان مانده، حجم کتاب نیز افزایش نیافته و چیزی ناگفته نمانده است.

این امتیازها و مانند آن، سبب شده که در طول پنجاه سالی که از نگارش آن سپری شده، همواره پژوهشگران و مهدی پژوهان بدان توجه کنند و در کنار آثار ارزشمندی چون: غیبت نعمانی، کمال الدین صدوق و غیبت طوسی از کتاب های پایه و مرجع در مباحث مهدویت به شمار آید و

ص: ۴۶۴

به عنوان یک منبع مورد اعتماد و استناد شناخته شود.

برخی به استناد عنوان های یاد شده در این اثر، شمار روایات مهدویت را افزون بر شش هزار دانسته اند. در حالی که مجموع روایاتی که در این کتاب آورده شده، حدود ۹۳۰ روایت بیش نیست. و عنوان های استخراج شده از روایات، هرگز نمی تواند شمار روایات به شمار آید.

توجه ویژه پژوهشگران به این اثر ارزشمند، نگارنده بزرگوار را بر آن داشت که بار دیگر مجامع ح—دیشی

آن را ب—ررسی کند و یافته ه—ای جدیدی را در جای جای کتاب قرار دهد و آن را با گسترش و افزایش چشمگیری، به پژوهشگران تقدیم دارد. این کتاب اینک در سه مجلد با امتیازهای افزون تری، از جهت شمار روایات و بحث های ارائه شده، منتشر شده است.

منتظر

در فرهنگ مهدویت، منتظر به انسانی گفته می شود که با تمام وجود، در انتظار آمدن آخرین حجّت الهی به سر می برد. در روایات معصومان علیهم السلام به فضایل و نیز وظایف منتظران توجه شده است که به آن می پردازیم:

فضیلت منتظران

از نگاه آیات و روایات برترین انسان ها کسانی هستند که با رفتار خود اسباب رضایت و خشنودی پروردگار جهانیان را فراهم می آورند. از پاره ای روایات استفاده می شود به سبب شرایط ویژه ای که بر مردمان عصر انتظار حاکم است، اگر آن ها منتظر راستین باشند، مورد خشنودی خداوند بوده جایگاه بسیار ارزشمندی خواهند داشت. امام سجاد علیه السلام در این باره فرمود:

مردم زمان غیبت آن امام که به امامت و منتظر ظهور او معتقد هستند، از مردم هر زمانی برترند؛ زیرا خداوند سبحانه و تعالی، عقل و فهم و معرفتی به آن ها داده است که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است... (۱)

ص: ۴۶۵

۱- «... إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ وَ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِرْجَةَ الشَّرِيفِ أَفْضَلَ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ عَنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ...»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۲.

از مهم ترین آرزوهای تمام نیکان عالم، حضور در دورانی است که در آن، اثری از فساد، بیداد و تباهی نباشد. این فضیلت، آن گاه به کمال خود می رسد که در زمان ظهور در نزدیک ترین موضع به رهبر قیام، یعنی در جایگاه فرماندهی که همانا خیمه آن حضرت است، حاضر باشد. امام صادق علیه السلام در وصف منتظران راستینی که زمان ظهور را درک نمی کنند، فرمود:

هر کس از شما از دنیا برود، در حالی که بر منتظر این امر است، مانند کسی است که در خیمه گاه آن حضرت است. (۱)

از برترین عبادت ها، نماز و روزه است. از روایات استفاده می شود آن گاه که شخصی به انتظار روزگار سپری می کنند، بسان کسی است که در حال نماز و روزه است. (۲)

از توفیق های بی مانند آن است که کسی در جایگاهی نزدیک برترین انسان ها قرار گیرد. در میان انسان ها چه کسی شریف تر از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که اشرف پیامبران الهی و محبوب ترین موجودات نزد خداوند سبحانه و تعالی است. حال، کسی که در عصر انتظار، آن گونه که بایسته و شایسته است زندگی کند، گرامی ترین از امت پیامبر و در جوار آن بزرگوار خواهد بود. (۳)

همچنین از فضیلت هایی که برای منتظران شمرده شده، این است که ایشان را مانند کسانی دانسته است که به همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در راه خدا به جهاد برخاسته اند. (۴)

ص: ۴۶۶

-
- ۱- «مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِرًا كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي الْفُسْطَاطِ الَّذِي لِلْقَائِمِ»، ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۲، ح ۲؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۷؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰، ح ۱۵.
 - ۲- «وَأَعْلَمُوا أَنَّ الْمُنْتَظِرَ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ...»، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۲۲، ح ۴.
 - ۳- «... أَوْلِيكَ رُفَقَائِي وَأَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۳.
 - ۴- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸، ۳۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۳؛ ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲.

سرانجام آنچه شگفتی را به اوج می رساند، آن است که در برتری منتظران راستین و ثابت قدمان بر ولایت اهل بیت علیهم السلام سخن از پاداشی افزون بر هزار شهید از شهیدان صدر اسلام به میان آمده است. امام سجاد علیه السلام در این باره فرمود:

هر کس بر دوستی ما در دوران غیبت قائم ما ثابت و استوار بماند، خداوند سبحانه و تعالی پاداش هزار شهید از شهیدان بدر و احد به او ارزانی می دارد. (۱)

برخی از این فضایل در حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام نیز به بیانی زیبا یاد شده است. (۲)

وظایف منتظران

درباره وظایف و مسؤولیت های منتظران، سخن های بسیاری گفته شده است؛ اما به اختصار می توان گفت وظایف انسان ها در این دوران به دو دسته تقسیم می شود:

الف. وظایف عام

این وظایف، در سخنان معصومان علیهم السلام در شمار تکالیف عصر غیبت یاد شده است؛ اما ویژه این دوران نیست و لازم است در همه زمان ها انجام شود. شاید ذکر آن ها در شمار وظایف دوران غیبت برای تأکید بوده است. برخی از این وظایف، بدین قرار است:

۱. شناخت امام هر زمان

امام صادق علیه السلام خطاب به فضیل فرمود:

امام خود را بشناس که اگر شناختی، دیر و زود شدن این امر، آسیبی به تو نخواهد رساند.... (۳)

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره فرمود:

پیشوایان، مدیران الهی بر مردمند و رؤسای بندگان اویند. هیچ کس جز کسی که آن ها را بشناسد و آن ها نیز او را بشناسند وارد بهشت نخواهد

ص: ۴۶۷

۱- «مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ مَوْلَاتِنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمًا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَأُحُدٍ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۶.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۳، باب ۲۸، ح ۱.

٣- «اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمَ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرَهُ»، محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ١، ص ٣٧١، ح ٢.

شد و جز کسی که آن‌ها را انکار کند و آن‌ها نیز او را انکار کنند، داخل دوزخ نشود....(۱)و(۲)

۲. پایداری در محبت اهل بیت علیهم السلام

یکی از وظایف مهم ما در هر عصر و زمان، محبت و دوستی با اهل بیت پی—امبر صلی الله علیه و آله و سلم در جایگاه—اه دوستان خداوند—د سبحانه و تعالی است. در دوران غیبت واپسین پیشوای معصوم، به سبب پنهان زیستی امام، ممکن است عواملی انسان را از این وظیفه مهم دور سازد؛ از این رو در روایات، سفارش شده است که بر محبت به آن انوار مقدس پایدار باشیم.

فراموش نکنیم این محبت، دستور پروردگار متعال است. سال‌ها پیش از آن که آن حضرت، زندگی دنیایی خود را آغاز کند، انسان‌های پاک به او ابراز محبت کرده‌اند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، آن اشرف انبیا و واپسین فرستاده الهی، آن گاه که سخن از واپسین وصی خود به میان می‌آورد، در نهایت احترام، از بزرگ‌ترین واژگان محبت یعنی «بابی و امی؛ پدر و مادرم فدای او» بهره برده است؛ آن‌جا که فرمود:

پدر و مادرم فدایش باد! که او هم نام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است که بر او نورهایی احاطه دارد....(۳)

۳. پرهیزگاری

پروای الهی، در همه زمان‌ها لازم و واجب است؛ اما در دوران غیبت به دلیل شرایط خاص، اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که در این دوران، عوامل فراوانی دست به هم داده تا انسان‌ها را به بیراهه کشانده گمراه سازند. امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۴۶۸

۱- «...وَإِنَّمَا الْأَنْئِمَةُ قُورَامُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عُرْفَاؤُهُ عَلَى عِيَادِهِ وَ لَمَّا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ وَ لَمَّا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ...»، سید رضی، نهج البلاغه، ص ۲۱۲، خطبه ۱۵۲.

۲- یکی از کامل‌ترین متن‌های امام شناسی، زیارت معتبر و ارزشمندی است که از وجود مقدس امام هادی علیه السلام به ما رسیده و نام آن، زیارت جامعه کبیره است؛ یعنی بزرگ‌ترین و کامل‌ترین زیارتی که با آن، می‌شود همه معصومان علیهم السلام را زیارت کرد.

۳- «بَابِي وَ أُمِّي وَ سَمِي وَ شَيْبِي وَ شَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جُيُوبُ الثُّورِ...»، علی بن محمد خزاز قمی، کفایه الاثر، ص ۱۵۶.

هر کس شاد می شود از آن که از یاران قائم باشد، پس می بایست پرهیزکار بوده، نیکویی های اخلاقی را عمل کند؛ در حالی که منتظر است؛ پس اگر از دنیا برود و پس از آن، قائم قیام کند، پاداشی مانند آن کس که قائم را درک نماید، خواهد داشت؛ پس کوشش کنید و منتظر باشید. گوارایتان باد ای گروه مورد رحمت الهی واقع شده! (۱)

۴. پیروی از دستور های امامان علیهم السلام؛

از آن جا که همه امامان علیهم السلام، نور واحدی هستند، دستور ها و فرموده های ایشان نیز یک هدف را دنبال می کند؛ بنابراین، پیروی از هر کدام، پیروی از همه آن ها است. در زمانی که یکی از آن ها در دسترس نیست، دستور های دیگران چراغ راه هدایت است. امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که گفت: «شنیده ایم صاحب الامر غایب خواهد شد؛ پس چه کنیم؟» فرمود:

چنگ بزنید به آنچه [از پیشوایان قبل] در دستتان است، تا این که امر بر شما آشکار شود. (۲)

۵. دست گیری از ضعفا و فقیران

کمک به ضعفا و محرومان در همه زمان ها کاری بس ارزشمند است و در دین اسلام به آن سفارش شده است؛ اما به علت غیبت امام، در دوران غیبت ارزش بیشتری دارد. امام باقر علیه السلام فرمود:

...هر آینه بای دق وی شما ضعیفتان را کمک نماید و بای د ثروتمندان بر فقیرتان عطوفت نماید و فرد ب رای ب رادر دینی خ ود خیرخواهی نماید... پس اگر شخص در این حال از دنیا رفت پیش از آن که قائم ظهور کند، شهید از دنیا رفته است... (۳)

البته فقر، گاهی فقر اقتصادی و گاهی فقر فرهنگی و معنوی است.

ب. وظایف خاص

وظایف خاص، وظایفی است که به نوعی با غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ارتباط است که به شمارش آن ها می پردازیم:

۱. دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر

ص: ۴۶۹

- ٢- شيخ طوسي، كتاب الغيبه، ص ١٥٩، ح ٤ و ٥.
- ٣- محمد بن ابي القاسم طبري آملی، بشاره المصطفى، ص ١١٣.

محبت و دوستی با اهل بیت علیهم السلام و دشمنی با دشمنان ایشان تأکید شده و این مربوط به همه زمان ها است؛ اما در برخی روایات به صورت ویژه به دوستی با دوستان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دشمنی با دشمنان حضرت مهدی سفارش شده است. امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کند که فرمود:

خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کرده و در غیبت و پیش از قیامش پیرو او باشد؛ دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد؛ چنین کسی در روز قیامت، از رفقا و دوستان من و گرامی ترین امت من خواهد بود. (۱)

۲. صبر بر سختی های دوران غیبت

امروزه کم نیستند افرادی که به دلیل هایی، باور به آن امام غایب و یاد آن حضرت را بر نمی تابند و در این راه، از هرگونه ایجاد مانع و اذیت و آزار فرو نمی گذارند. از آن جا که یکی از آموزه های مهم دینی صبر بر مشکلات و مصیبت ها است، لازم است در این دوران، بیش از هر زمان دیگر برابر این مشکلات و مصیبت ها شکیبایی داشته باشیم. امام حسین بن علی علیهما السلام فرمود:

... کسی که در غیبت او بر اذیت و تکذیب صبر کند، بسان مجاهدی است که با شمشیر در رکاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با دشمنان مبارزه کند. (۲)

۳. دعا برای فرج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

دعا و نیایش، در فرهنگ اسلامی جایگاه والایی دارد. یکی از مصادیق دعا می تواند رفع گرفتاری های همه انسان ها باشد. در نگاه شیعه، این مهم تحقق نمی یابد، مگر آن زمانی که واپسین ذخیره الهی از پس پرده غیبت بیرون آمده جهان را به نور خود روشن سازد؛ از این رو است که در برخی روایات سفارش شده است

ص: ۴۷۰

۱- «طوبی لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَيَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَيُعَادِي أَعْدَاءَهُ، ذَلِكَ مِنْ رَفَقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَأَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۲.

۲- «أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَالتَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَمٍ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۳؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸، ح ۳۶.

برای فرج و گشایش دست به دعا برداریم. در روایت است که خود آن حضرت، در بخشی از توقیع شریف فرمود:

و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید. (۱)

۴. آماده باش دائمی

از مهم ترین وظایف دوران غیبت، آمادگی دائمی و راستین است. در این باره در کتاب های روایی روایات فراوانی وجود دارد. امام باقر علیه السلام ذیل آیه شریف ((اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا))؛ فرمود:

بر انجام واجبات شکیبایی کنید و برابر دشمنان، یک دیگر را یاری نمایید و برای یاری پیشوای منتظر، همواره آمادگی خود را حفظ کنید. (۲)

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود:

هر یک از شما برای ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ابزار جنگی فراهم کنید؛ اگر چه یک تیر باشد. امید است همین که کسی این نیت را داشته باشد، حق تعالی او را از اصحاب و یاوران او قرار دهد. (۳)

۵. بزرگداشت نام و یاد آن حضرت

یکی از مسؤولیت های شیعه برابر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ایـن دوران،

ص: ۴۷۱

۱- «وَ اكْتَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ»، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

۲- «اصْبِرُوا عَلَىٰ آدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عِدْوَكُمْ وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنْتَظَرَ»، نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۹.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۲۰، ح ۱۰.

بزرگ داشت نام وی و یاد آن حضرت است. ای بزرگ داشت، جلوه های فراوانی دارد؛ از تشکیل نشست های دعا و نیایش گرفته، تا اقدام های فرهنگی و ترویجی و از تشکیل حلقه های بحث و گفت و گو گرفته، تا پژوهش های بنیادین و سودمند، همه و همه می تواند در راستای بلندی بخشیدن به این نام بزرگ باشد.

۶. حفظ پیوند با مقام ولایت

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و تجدید دائمی عهد و پیمان، یکی دیگر از وظایف مهمی است که هر شیعه منتظر در عصر غیبت بر عهده دارد. امام باقر علیه السلام درباره ثابت قدمان بر امر ولایت فرموده است:

زمانی بر مردم آید که امامشان غیبت کند. خوشا بر افرادی که در آن زمان، بر امر ما ثابت بمانند! کمترین ثوابی که برای آن ها خواهد بود، این است که باری تعالی به آن ها ندا کرده و فرماید: «ای بندگان و ای کنیزان من! به نمان من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید؛ پس به ثواب نیکوی خود، شما را مژده می دهم. شما بندگان و کنیزان حقیقی من هستید. از شما می پذیرم و از شما در می گذرم و برای شما می بخشم و به واسطه شما باران بر بندگانم می بارم و بلا را از آن ها بگردانم. و اگر شما نبودید، بر آن ها عذاب می فرستادم....» (۱)

یکی از کارهایی که این پیوند را ناگسستنی می کند تجدید عهد هر روزه با آن یار سفر کرده است. (۲)

نیز ن.ک: انتظار، غیبت کبیرا.

منتظر

از القاب حضرت مهدی علیه السلام

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، منتظر است که در روایات فراوانی به آن اشاره شده است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خود نیز همانند دیگر انسان ها، منتظر است، تا روزی فرا رسد و اراده خداوند متعال، به برپایی حاکمیت جهانی عدل و قسط تعلق گیرد؛ اما آن حضرت، تنها کسی است که انتظار ظهورش کشیده می شود؛ از این رو

ص: ۴۷۲

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، باب ۳۱، ح ۱۵.

۲- ابراهیم بن علی کفعمی، المصباح، ص ۵۵۰؛ نیز ر.ک: شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان.

منتظر نیز نامیده شده است.

از امام جواد علیه السلام پرسیدند: «ای فرزند رسول خدا! مهدی، به چه دلیل منتظر نامیده شده است؟» فرمود:

به این علت که برای او غیبتی است که روزهایش زیاد می شود و مدتش بسیار طول می کشد؛ پس مخلصان، انتظار ظهورش را می کشند و اهل تردید او را نکار خواهند کرد... (۱)

نیز ن.ک: القاب حضرت مهدی علیه السلام .

مُنْتَقِم

از القاب حضرت مهدی علیه السلام

منتقم، به معنای انتقام گیرنده و یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. آن حضرت می فرماید:

من باقی مانده خدا در روی زمین و انتقام گیرنده از دشمنان او هستم. (۲)

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

چون حسین بن علی علیهما السلام به شهادت رسید، فرشتگان الهی ضجه سردادند و گفتند: «پروردگارا! با حسین چنین شد؛ درحالی که او صفی تو و فرزند پیامبر تو است؟!» پس خداوند سبحانه و تعالی نور قائم علیه السلام را به آنان نشان داد و فرمود: «به وسیله این [شخص] انتقام او را خواهم گرفت.» (۳)

البته در پاره ای از روایات نیز گفته شده است: آن حضرت انتقام گیرنده خون تمامی امامان علیهم السلام و مظلومان است. (۴)

ص: ۴۷۳

۱- «لَاِنَّ لَهُ غِيْبَةً يَكْتُرُ اَيَّامُهَا وَيَطْوُلُ اَمِيْدُهَا فَيَنْتَظِرُ خُرُوْجَهُ الْمُخْلِصُوْنَ وَيَنْكُرُهُ الْمُرْتَابُوْنَ...»، شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۳.

۲- «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ»، شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۱.

۳- «لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَ ضَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ بِالْبُكَاءِ وَقَالَتْ يُفْعَلُ هَذَا بِالْحُسَيْنِ صَفِيِّكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ قَالَتْ فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلًّا الْقَائِمِ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ وَقَالَ بِهِذَا أَنْتَقِمُ لَهُذَا»، محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۱، ص ۴۶۵، ح ۶؛ شيخ طوسي، الامالي، ج ۲، ص ۳۳.

۴- امام علي عليه السلام فرمود: «... وَ لَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُطَالِبُ بِدِمَائِنَا»، نعماني، الغيبة، ص ۱۴۰، ح ۱؛ ر.ك: محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۲، ص ۸، ح ۱.

نیز ن.ک: انتقام.

منصور

از القاب حضرت مهدی علیه السلام

در احادیث فراوانی رسیده است که «مهدی»، «مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ وَ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصِيرِ» است؛ یعنی هنگام ظهور، رعب او در دل قدرتمندان می افتد و نیروهای غیبی و نادیدنی به کمک او و یاران او می شتابند. البته آنچه درباره یاری آن حضرت به وسیله نیروهای غیبی گفته شده است، منافاتی با لزوم حضور مردم در صحنه ندارد و بایسته است که مردم آن حضرت را تا رسیدن به اهداف متعالیش یاری کنند. امام صادق علیه السلام فرمود:

انقلاب مهدی را سه سپاه یاری می کنند و در پیروزی آن حضرت شرکت دارند: سپاهی از فرشتگان، سپاهی از مؤمنان و سپاهی از رعب و وحشت. (۱)

نیز ن.ک: امدادهای غیبی.

موتور

از القاب مهدی علیه السلام

موتور از نظر لغت به کسی گویند که یکی از خویشاوندانش کشته شده؛ ولی خون بهای او گرفته نشده است. (۲) در برخی روایات، از حضرت مهدی علیه السلام با عنوان «موتور بوالده» (۳) یا «موتور بایه» (۴) یاد شده است؛ یعنی کسی که پدرش کشته شده و از خون او مطالبه و خونخواهی نشده است. مراد از پدر در این روایت، ممکن است امام حسن عسکری علیه السلام باشد و ممکن است مقصود امام حسین علیه السلام باشد یا این که جنس پدر است که شامل همه ام-ام-ان معصوم علیهم السلام باشد.

ص: ۴۷۴

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۸، ح ۹، ص ۲۴۳، ح ۴۳؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۹.

۲- طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۵۰۹.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۸، ح ۲۲.

۴- امام باقر علیه السلام فرمود: «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ هُوَ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمَوْتُورُ بِأَبِيهِ»، نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۹؛ محمد بن یعقوب

معتقدان به مهدی بودن امام کاظم علیه السلام

یکی از فرقه های منحرف در باب مهدویت، موسویه یا موسائیه هستند. آنان، طرفدار امامت موسی بن جعفر علیهما السلام و منتظر رجعت او بودند. این گروه را واقفه نیز می گویند. (۱)

از دیدگاه این گروه، امام موسی بن جعفر علیهما السلام نمرده و زنده است، تا این که شرق و غرب عالم از آن او گردد و جهان را پر از عدل و داد کند و او مهدی قائم است. به نظر آنان، هارون الرشید و یاران او، به دروغ بر مردم وانمود کردند آن حضرت مرده است؛ حال آن که وی زنده و روی از مردم نهفته است البته گروهی گفتند: او امام قائم است و از دنیا رفته و هیچ امامی جز وی نباشد؛ او پس از مرگ، رجعت می کند و در جایی پنهان می شود. یاران او با وی دیدار می کنند و او به ایشان امر و نهی می کند و در این باره روایتی از پدرش آورده اند که گفت: «بدان جهت قائم را قائم خوانند که پس از مرگ بر می خیزد.» (۲)

شیخ طوسی در کتاب الغیبه در ضمن بیان ده ها روایت از این دست، به همه آن ها پاسخ داده است.

موعود مسیحیت

کسی که در آموزه های مسیحیان، موعود یاد شده

دین مسیحیت _ به ویژه از دیدگاه مسائل معرفتی و شناختی _ ادامه دین یهود است. منبع اصلی دینی و فرهنگی آن، عهد عتیق است که همان کتاب مقدس یهودیان است؛ بنابراین هر چه درباره دین یهود گفته شود، تقریباً در باره دین مسیحیت نیز صدق می کند. افزون بر آنچه در متون یهودی مورد اشاره قرار گرفته، در کتاب های ویژه مسیحیت نیز، بشارت های بیشتر و روشن تری، در باره موعود آخرالزمان، نقل شده است؛ زیرا:

ص: ۴۷۵

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، الکلام علی الواقفه .

۲- ر. ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۸۳ و ۲۱۸ و ۴۷۱.

الف. با ظهور حضرت مسیح علیه السلام، زمان در مقیاس کلی، به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک تر شده است.

ب. تحریف کمتری در این آثار پدید آمده است؛ زیرا از دوره نزول آثار مقدس یهود، زمان بسیار بیشتری می گذرد، تا دوره کتاب مقدس مسیحیت. این امر، باعث شده است دست تحریف و پوشیده داری، در این آثار، به اندازه آثار یهود فرصت کار نیابد؛ اگر چه دانشمندان مسیحی نیز در این باره کوشش بسیار کردند و در تأیید یا رد انجیل ها، به این مسائل نیز توجه داشتند و انجیل برنابا را کمتر تأیید می کردند. (۱)

اکنون به چند کتاب که در آن ها بشارت هایی در باره ظهور منجی آمده است، اشاراتی می شود:

۱. انجیل متی

و چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد، با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگی خود قرار خواهد گرفت. همه قبایل نزد وی جمع خواهند شد و آن ها را از همدیگر جدا خواهد کرد؛ چنان که شبانی میس ها را از بزها جدا کند... (۲)

۲. انجیل لوقا

پس بایست که بسته باشد کمرهای شما و افروخته باشد چراغ های شما و خود باشید مانند آن کسانی که انتظار می کشند آقای خود را که کی از عروسی باز آید که چون آید و در زند، دفعتاً در را گشایند. خوشا به حال آن نوکران که چون آقا آید، بیدار یابد آن ها را و من به شما می گویم که به درستی کمر خود را بسته آن ها را نشانید و نزدشان آمده آنان را خدمت خواهد نمود. (۳)

۳. انجیل مرقس

و بر حقیقت آن روز و آن ساعت _ سوای پدر _ ن _ ه ملائکه آسمان و ن _ ه فرزند، هیچ کس مطلع نیست. احتیاط نمایید که با حذر باشید و دعا نمایید؛ زیرا از هنگام رسیدن آن زمان مطلع نیستید؛ چنانچه شخصی به سفر

ص: ۴۷۶

۱- محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۵۲ _ ۵۸. (با تصرف)

۲- کتاب مقدس، انجیل متی، باب بیست و پنجم، ص ۶۰، بندهای ۳۱_۳۳.

۳- کتاب مقدس، انجیل لوقا، ص ۱۵۴، باب دوازدهم، بند های ۳۵_۳۷.

بعیدی رفته و خانه خود را گذاشته و ملازمان خود را قدرت داده و هر کس را به شغل خاص مقرر فرموده و دربان را به بیدار بودن امر فرموده است. پس بیدار باشید از آن جا که نمی دانید بزرگ خانه چه وقت خواهد آمد. در شام یا نصف شب یا وقت بانگ خروس یا صبح؛ مبادا که ناگاه آمده، شما را در خواب یابد و آنچه من به شما می گویم، به همه می گویم بیدار باشید. (۱)

۴. مکاشفات یوحنا؛

چنانچه پدر در ذات خود زندگانی دارد، به پسر نیز داده است که او در ذات خود زندگانی داشته باشد و قدرت به او داده است که هم حکم رانی بکند، به علت آن که فرزند انسان است. (۲)

موعود یهود

کسی که در آموزه های یهودیان موعود یاد شده

یهودیان که خود را پیروان حضرت موسی علیه السلام می دانند، منتظر موعودند. در آثار دینی یهود و سفرهای تورات و دیگر کتاب های انبیای آنان، همواره به موعود اشاره شده است. از آن جایی که یهودیان، به حضرت مسیح علیه السلام ایمان نیاوردند، بالطبع موعود آنان هنوز ظهور نکرده است. اگر در آثار مقدس یهودی تأمل شود، چهره سه موعود، در آن ها ترسیم می گردد: ۱. حضرت مسیح علیه السلام ۲. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۳. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف .

با این حساب، انتظار، در یهودیت کیفیتی ویژه می یابد و چون این قوم، نه به حضرت مسیح علیه السلام و نه به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نگرویدند، باید برابر مسأله موعود و انتظار، بسیار حساس و نگران باشند و از این همه اشاره ها و بشارت های موجود در کتاب هایشان، به سادگی و غفلت نگذرند. آنان باید از دیگران منتظرتر باشند و بیشتر به انتظار و آمادگی برای ظهور فکر کنند. البته تکاپوی آشکار یهودیان در دوران حاضر و فعالیت های آن ها در بازسازی هیکل سلیمان و آماده ساختن بیت المقدس برای آمدن منجی، می تواند دلیلی بر این مدعا باشد؛ هر چند این دیدگاه، دارای انحرافی آشکار است!

اینک نام چند کتاب از کتاب های یهودیت و عهد عتیق که در آن ها سخنانی درباره موعود آمده است، همراه

ص: ۴۷۷

۱- کتاب مقدس، انجیل مرقس، باب سیزدهم، بندهای ۳۲ - ۳۷.

۲- کتاب مقدس، انجیل یوحنا، باب پنجم، بندهای ۲۶ - ۲۸.

بخش‌های مورد نظر ذکر می شود:[\(۱\)](#)

ص: ۴۷۸

۱- بخش‌های کتاب مقدس، مستقیم از کتاب مزبور و بدون هیچ کم و کاستی نقل شده است.

۱. کتاب دانیال پیامبر

در آن وقت سرور بزرگ میکائیلی _ که از جانب پسران قومت قائم است _ خواهد ایستاد و زمان تنگنایی که از بودن طوایف تا به این زمان نبوده است، واقع خواهد شد و در آن زمان قوم تو _ هر کسی که در کتاب مکتوب شده است _ نجات خواهد یافت و از خوابندگان در خاک، زمین بسیاری بیدار خواهند شد. بعضی جهت حیات ابدی و بعضی از برای شرمساری و حقارت ابدی...» (۱)

۲. کتاب حگی

خداوند لشکرها چنین می فرماید: هنوز وقت خیلی است که من آسمان ها و زمین و بحر و خشکی را به هیجان می آورم؛ بلکه تمامی طوایف را به هیجان می آورم و مرغوب تمامی طوایف خواهد آمد و خداوند لشکرها می فرماید: این خانه را مملو از جلال خواهم کرد.... (۲)

۳. کتاب صفیناه پیامبر

خداوند در اندرون آن عادل است، بی انصافی نمی کند. هر صبح بی نقصان حکم خود را به روشنایی بر می آورد؛ اما عاصی انفعال را نمی داند. طوایف را منقطع نمودم، برج های ایشان ویرانند. کوجه های ایشان را خراب کردم، به ح _ دی ک _ عب _ ور کننده نیست و شهر های ایشان بدون آدمی و ساکنی ویرانند و گفتم ک _ ه شای _ د از م _ ن ترسیده، تأدیب را قبول کنی تا آن که مسکن ایشان منقطع نشود. اما هر قدر که ایشان را عقوبت کردم، ایشان سحرخیزی نموده، تمامی اعمال خویشان را فاسد گردانیدند.... (۳)

۴. کتاب اشعیای پیامبر

و نهالی از تنه یشی بر آمده، شاخه از ریشه هایش قد خواهد کشید و روح خدا _ که روح حکمت و فطانت و روح مش _ ورت و جبروت و روح عل _ م و خشیت از خداوند است _ بر آن خواهد آرمد و او را در خشیت خداوند تیز هوش گردانیده، موافق منظور نظرش حکم و مطابق مسموع گوش هایش تنبیه نخواهد فرمود؛ بلکه ذلیلان را به

ص: ۴۷۹

۱- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب دانیال، ص ۱۵۶۷، فصل دوازدهم، بندهای ۱-۳.

۲- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب حگی، ص ۱۶۳۲، فصل دوم، بند های ۶-۸.

۳- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب صفینای نبی، ص ۱۶۲۹، فصل سوم، بندهای ۵-۸.

عدالت حکم و برای مسکینان زمین به راستی تنبیه خواهد نمود و زمین را به عصای دهانش زده به روح لب هایش شیر را خواهد کشت....(۱)

۵. کتاب زبور داود علیه السلام

در این کتاب نیز مطالبی ذکر شده است؛ چنان که قرآن کریم، به نقل از زبور، از غلبه صالحان سخن گفته است:

((وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)) (۲)

و در حقیقت، در زبور پس از ذکر [تورات] نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

با مراجعه به زبور، می توان با وجود تحریف های صورت گرفته، این بشارت را چنین یافت:

زیرا که شیران منقطع می شوند؛ اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد؛ اما متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد....(۳)

پس از حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام آمد و دین موسی علیه السلام را نسخ کرد. پس از حضرت عیسی علیه السلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، نیز مبعوث شده و دین مسیح را نسخ کرد. از زمان طلوع اسلام تا کنون و تا قیامت، تنها دین به حق روی زمین دین مقدس اسلام است و کتاب خـدا، در میـان خلق، همواره قرآن است. برای اساس موعود، همان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و بشارت ها و اشارت هایی که از پیامبران و دیگر بزرگان رسیده، در حق او صادق است و به ظهور او اشاره دارد.

مهدی

لقب مشهور امام زمان علیه السلام

یکی از مشهورترین القاب قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهدی است. مهدی اسم مفعول و به معنای رهیافته است. مهدویت نیز از همین ریشه است. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مشهورترین نام آن حضرت نزد شیعه و سنی است. البته گاهی نیز

ص: ۴۸۰

۱- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب اشعای نبی، ص ۱۲۲۰، فصل یازده، بند ۱-۱۰.

۲- انبیاء(۲۱): ۱۰۶.

۳- کتاب مقدس، مزامیر داود، مزمو سی و هفتم، بندهای ۹-۳۷.

در معنای فاعلی، به معنای هدایت کننده به کار می رود. محمد بن عجلان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

... و قائم را از آن رو مهدی گفته اند که مردم را به آیینی که از دست داده اند، هدایت می کند....(۱)

اما آنچه بیشتر در روایات آمده، همان معنای نخست است. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

به درستی که مهدی نامیده شد به سبب این که به امر مخفی هدایت می شود. او تورات و سایر کتاب های الهی را از غاری در انطاکیه بیرون خواهد آورد.(۲)

امام صادق علیه السلام نیز هنگامی که پرسیدند: «چرا مهدی، مهدی نامیده شده است؟» فرمود:

به دلیل این که به تمام امور پنهان هدایت می شود.(۳)

لقب مهدی به آخرین امام اختصاص ندارد و بقیه امامان علیهم السلام نیز مهدی هستند؛(۴) ولی فقط از آخرین پیشوا به مهدی یاد شده است.(۵)

مهدی سودانی

از مدعیان دروغین مهدویت

محمد احمد، فرزند عبدالله در سال ۱۸۴۸م در جزیره بنت سودان متولد شد. در کودکی نزد علمای خـارطوم دانش اندوخت. سپس به جزیره آبـ اـشتافت و پانزده سال در قعر چـاهی به ریاضت پـرداخت. محمد، پیوسته بر فسـاد مردم می گـریست و از شدت ریـاضت و

ص: ۴۸۱

- ۱- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۲.
- ۲- «فَإِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يُهْدَى لِأَمْرِ حَفِيِّ يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَّةَ»، شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۱، ح ۳؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۷، ح ۲۶.
- ۳- «لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى كُلِّ أَمْرٍ حَفِيِّ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۱؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۷.
- ۴- «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي»، شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸، ح ۳۶.
- ۵- ر.ک: الصنعانی، المصنّف، ج ۱۱، ح ۲۰۷۷۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۳۰، ح ۴۰۸۵، ۴۰۸۶، ۴۰۸۷، ۴۰۸۸؛ سنن ابوداود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۲۴۸۵.

روزه، بسی—ار نحی—ف شد. او، شیرین زب—ان و باع—اطفه می نمود و سودانیان استعمارزده را به فتح جهان و گسترش عدالت نوید می داد. اعضای قبیله بگارا— که مقتدرترین قبیله آن جا بود، او را تقدیس می کردند. محمد، همواره از مردی که جهان را از عدالت می آکند، سخن می گفت و ستمدیدگان را بشارت می داد. در چهل سالگی روزی کسی به او گفت: «ای بزرگوار! شاید تو خود مهدی موعودی؟» محمد نخست انکار کرد؛ ولی به تدریج خود را مهدی خوان—د. مردمی که از ب—رده ف—روشی و ستم مص—ریان و انگلیسیان، ب—ه ست—وه آمده بودند، ادعایش را پذیرفتند. محمد احمد با دخترانی از قبایل مختلف ازدواج کرد و پیوندهای بسیار پدید آورد. پیروان محمد احمد، وی را تا حد پرستش گرامی می داشتند.

در س—ال ۱۳۰۰ ق داعی—انی ن—زد شیوخ قبایل فرستاد و از آنان خواست به او که مهدی منتظر است و رسول خدا آمدنش را بشارت داده ایم—ان آورند. حاک—م خ—ارطوم نم—اینده ای ن—زد وی فرستاد. وقتی فرستاده حاکم، آمادگی پیروان محمد را مشاهده ک—رد، به پایتخت بازگشت و با پنجاه جنگاور به نبرد با مهدی روی آورد در این جنگ، نماینده حاکم خارطوم و همراهانش هلاک شدند و کار مهدی سودانی رونق فزون تر یافت. ژنرال گوردن از سوی دولت بریتانیا سمت محمد اح—م د—شت—افت؛ اما او نی—ز به قتل رسید. بدین ترتیب، خارطوم و تمام سودان به دست مهدی سودانی افتاد. او بارها با محمد سعید پ—اشا و عبدالقادر پاشا و افس—ران انگ—لیسی نبرد کرد. در تمام این جنگ ها پیروز شد و غنیمت بسیار به دست آورد. مهدی سودانی سرانجام در ۲۱ ژانویه ۱۸۸۵ م ب—ر ا—ر تبی شدی—د در گ—ذشت. او هنگ—ام مرگ عبدالله نعاشی را جانشین خ—ود ساخت؛ اما عبدالله به سرعت، تمام دستاوردهای مهدی را از کف داد.

نیز ن.ک: مدعیان مهدویت.

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

کتابی مفصل در مهدویت

این کتاب، ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار است که به قلم

ص: ۴۸۲

مرحوم استاد علی دوانی به فارسی برگردان شده است. این اثر، حاوی گزارش تفصیلی با محتوای تاریخی - حدیثی در زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ترجمه فارسی کتاب، با مقدمه و پاورقی هـ ای مبسوط مترجم همراه است. مقدمه و اضافات مترجم، با

افزودن قصاید و قطعاتی چند از آثار ادب فارسی، نگارش یافته است. مترجم، در جای ج ای کتاب، در ردّ شبهات فرقه بهائیه و بابیه، نهایت تلاش خویش را به کار برده است.

عنوان های مهم کتاب، از این قرار است:

۱. عناوین مقدمه های کتاب: شرح کامل زندگانی علامه مجلسی و آثار و آرای او؛ مواضع شـ ر ق شناسـ ان انگلیـ سی و صوفـ یه دربـ ا ره علامه مجلسی؛ فرقه های صوفیه شیعه و سنی؛ نکوهش صوفیه توسط دانشمندان بزرگ شیعه؛ مهدویت در اسلام و دیگـ ر ملـ ل و ادیـ ان؛ بهایی گری و منشأ پیدایش آن و کتاب های این فرقه.

۲. متن کتاب: تاریخ ولادت؛ نام و کنیه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ آیاتی که در روایات اهل بیت علیهم السلام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور آن حضرت تأویل شده است؛ روایاتی که از طریق شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است، همچنین اخباری که به وسیله کاهنان ذکر شده است؛ طرح بسیاری از مسایل کلامی به صورت پرسش و پاسخ؛ ارائه نظریات برخی دانشمندان بزرگ در موضوع مهدویت؛ مقایسه شباهت های آن حضرت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر پیامبران الهی علیهم السلام؛ اخبار معمرین (آنان که عمری طولانی داشته اند) و بررسی غیبت طولانی آن حضرت؛ کرامات آن حضرت؛ نواب خاص آن حضرت؛ مدعیان دروغین نیابت؛ تشریف یافتگان محضر آن بزرگوار؛ انتظار فرج؛ نشانه های ظهور؛ شیوه حکومت داری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ رویدادهای زمان آن حضرت؛ رجعت؛ جانشینان حضرت و سرانجام وقایع پس از آن حضرت و پایان تاریخ... فقط برخی از موضوعات مورد بحث این اثر ارزشمند است.

۳. پاورقی ها: شامل ده هـ ا موضوع متنوع تـ اریخی، کـ لامی، حـ دیتی، ملاحم، اشعار و مدایح است.

ایـ ن کتـ اب امـ روزه میان عموم علاقه مندان به مباحث مهدویت یکی

مهدویت

عنوان عمومی شامل مهدی علیه السلام و موضوعات مرتبط با آن حضرت

مهدویت از لحاظ لغوی، مصدر جعلی یا ساختگی است که پس از افزودن تاء تأنیث به اسمی که یای نسبت به آن اضافه شده است، ساخته می شود. اسم اصلی که می تواند اسم فاعل، اسم مفعول یا هر اسم دیگری باشد در معنای مصدر ساختگی، اثرگذار است و معنای مصدری آن را به سوی خود معطوف می کند؛ بنابراین مهدویت از لحاظ لغوی، به معنای مهدی بودن است و چون مهدی اسم مفعول است و معنای هدای ت شده را می دهد، مهدویت به معنای رهیافته بودن خواهد بود.

امروزه اصطلاح مهدویت با توجه به کاربردهای آن در سخنرانی ها، مقاله ها، کتاب ها، نشریه ها و مانند آن برای اشاره به آموزه ها و بحث هایی در نظر گرفته می شود که به گونه ای با حضرت مهدی علیه السلام ارتباط دارد.

مهدون < زمینه سازان ظهور

مهدویت پژوهی < آینده پژوهی

مهدی شخصی و مهدی نوعی

لفظ مهدی مفهوم عامی دارد و به کار بردن آن به هر فردی که خدا او را هدایت کرده باشد، جایز است. با این مفهوم، همه پیامبران و اوصیا علیهم السلام مهدی هستند. حتی به کار بردن این واژه درباره افراد دیگری که در مکتب آن بزرگواران تربیت و هدایت یافته اند، جایز است. با این حال، روشن است مقصود از مهدی که بر زبان مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم جاری شده، یک عنوان خاص و لقب شخصی معین و عزیز است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ظهور او بشارت داده و مسلمانان را فراخوانده است که در ردیف منتظران ظهور او باشند.

بر اساس اخبار معتبر، مهدی لقب موعود آخرالزمان است که حتی تبار و اوصاف او در احادیث معتبر مورد اشاره قرار گرفته است. این ویژگی ها بر هیچ کس، جز امام دوازدهم فرزند امام حسن عسکری علیه السلام قابل تطبیق نیست.

لقب مهدی به این معنا (مورد هدایت خدا و احیاگر اسلام و پرکننده جهان از عدل و داد و...) نخستین بار در باره آن حضرت به کار رفت و این، در

عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم انجام گرفت و مهدی به عنوان رهایی بخش، معرفی شد.

مهدی به مفهوم نوعی، فردی نامعین است که در زمانی مناسب، زاده خواهد شد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. این، از هیچ یک از روایات نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام قابل استفاده نیست.

از نظر منطق و برهان، «نوعی بودن مهدی» باطل و نادرست است؛ چرا که نقض غرض می شود. مقصود از قیام او، پر کردن جهان از عدل و داد است؛ ولی نوعی بودن مهدی، جهان را از ظلم و ستم پر خواهد کرد. در این صورت، هر قدرتمند دروغگویی، می تواند ادعا کند مهدی است و به نام عدالت گستری، به چپاول جهان پردازد. در این صورت وعده های قرآن و پیامبران، باطل و دروغ بوده یا وجود مهدی پس از ظهور، قابل انکار و تردید خواهد بود؛ چون دلیلی برای آن که او مهدی موعود است، وجود ندارد. در تاریخ اسلام، دیده شده است مدعیان مهدویت، بسیار آمدند و رفتند؛ اما چه خون ها که نریختند؛ چه ظلم ها و ستم ها که نکردند؛ پس بایستی، مهدی، شخص معینی باشد که شناختش برای مردم آسان باشد و اشتباهی در تشخیص او رخ ندهد.

نیز مهدی نوعی، با آموزه های اسلام منافات دارد؛ چون روایات متواتری وارد شده که آن منجی موعود، شخصی معین و زنده است. از طرفی این امر، مستلزم آن است که سال ها زمین، خالی از حجت باشد و این هم بر خلاف اصول و مبانی اسلام است. با این حال، مدعیان مهدویت، همگی از میان مسلمانان برخاسته اند؛ کسانی که از اصول و مبانی اسلام خبر نداشته اند یا حقیقت را به مسلمانان نگفته بودند.^(۱)

یکی از دانشمندان شیعه در این باره نوشته است:

موضوع مهدی، نه اندیشه چشم به راه نشستن کسی است که باید زاده شود و نه یک پیشگویی است که باید در انتظار مصداقش ماند؛ بلکه واقعیتی استوار و فردی مشخص است که خود نیز، در انتظار رسیدن هنگام فعالیتش

ص: ۴۸۵

۱- ر.ک: سید رضا صدر، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۶۳ و ۶۴ (با تصرف).

به سر می برد. در میان ما _ با گوشت و خون خویش _ زندگی می کند؛ ما را می بیند و ما نیز او را می بینیم] اما نمی شناسیم]. در فضای دردها، رنج ها و آرزوهای ما است و در اندوه و شادی ما شریک است ... در احادیث نیز، پیوسته به انتظار فرج و درخواست ظهور مهدی، سفارش شده است، تا مؤمنان همواره چشم به راه او باشند. این تشویق، تحقق همان همبستگی روحی و وابستگی وجدانی منتظران ظهور و رهبرشان است. این همبستگی و پیوند پدید نمی آید، مگر این که مهدی را هم اکنون انسانی تجسم یافته بشماریم. تجسم یافتن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحرک تازه ای به «فکر انتظار منجی» می بخشد و آن را از توانایی و آفرینندگی بیشتری برخوردار می کند.

گذشته از آن، در انسانی که به طرد ستم ها پرداخته و رهبر منتظر خود را نیز هم درد، هم رنج، همسان و وابسته به خویش احساس می کند و نوعی مقاومت و شکیبایی برابر دردهایی که در اثر محرومیت به او رسیده است، ایجاد می شود. (۱)

یکی از دانشمندان معاصر نیز بحث «مهدی نوعی» را بر اساس دیدگاه صوفیه چنین شرح کرده است:

صوفیه اعتقاد به ولایت عامه و مهدویت نوعیه دارند و اولیا را منحصر به دوازده امام نمی دانند. امروز هم بیشتر عقیده دارند که پیر آن ها در زمان خود، ولی است و هر قطبی، منصب ولایت دارد. کسانی امثال بایزید بسطامی، منصور حلاج، محی الدین عربی، احمد غزالی و جنید بغدادی را «ولّی» می دانند.

... عجب است که صوفیان شیعه با این عقیده که مخالف اساس معتقدات شیعه است، باز دم از تشیع و لاف محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می زنند و سایر شیعیان و علمای ربانی را اهل ظاهر و قشری و خود را با انکار ضمنی ولی الله المطلق و مهدی موعود جهان که بعد از امام عسکری علیه السلام جز او ولی و قطب و امامی نیست، اهل معنی و اهل لب و «اهل حق» می دانند.

گویی مولوی نیز در مثنوی چنین دیدگاه ناروایی را مطرح می کند:

پس به هر دوری ولیی قائم است

تا قیامت آزمایش دایم است

ص: ۴۸۶

۱- سید محمد باقر صدر، جست و جو و گفت و گو پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۶ _ ۸.

پس امام حیّ قائم آن ولی است

خواه از نسل عمر خواه از علی است

مهدی و هادی وی است ای راه جو!

هم نهان و هم نشسته پیش رو

او چه نور است و خرد جبریل اوست

و آن ولی کم از او قندیل اوست(۱)

بنابراین شیعه با ردّ این انگاره، فقط به مهدی شخصی معتقد است.

مهدیه

مکانی مذهبی نامیده شده به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

با روز افزون شدن علاقه عمومی مردم به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مکان هایی با عنوان مهدیه فراهم شده است؛ جایی که به طور معمول مراسم مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ویژه دعای ندبه در آن، از جایگاه بیشتری برخوردار است. این مکان، با انتسابش به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همواره محل گردهم آمدن دلدادگان آخَرین معصوم علیه السلام و زمزمه های عاشقانه آنان با آن یار سفر کرده است. بیشتر شهرها کم و بیش دارای این مکان ارزشمند هستند که در عصر غیبت می تواند محلی ارزشمند در ایجاد ارتباط روحی با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. یکی از مهدیه های بسیار معتبر در جهان تشیع، مهدیه تهران است که به از حرم ایت طاق فرسای مرحوم شیخ احمد کافی بنا شده، امروزه از فعال ترین مراکز مهدوی به شمار می آید.

نیز ن.ک: دعای ندبه.

میراث داری پیامبران

از ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور

از روایات استفاده می شود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور، برخی میراث های پیامبران

گذشته را همراه خواهد داشت. (۲) درباره این که این امـور بـه چـه هدفی نـزد حضرت جمع شده است، سخن روشنی در دست نیست؛ ولی با توجه به این که

ص: ۴۸۷

۱- محمد باقر مجلسی، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف (ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار)، ترجمه علی دوانی، ص ۳۴۰، پاورقی.

۲- فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۵۸۷.

نقش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نقش همه انبیا و اولیا است و آن حضرت آرزوی تمام پیامبران را پیاده خواهد کرد، می توان نتیجه گرفت تمام ابزار آنان در اختیار آن حضرت قرار خواهد گرفت.

دیگر این که آن حضرت وظیفه دارد پیروان همه ادیان را به دین راستین الهی (اسلام) دعوت کند و این میراث ها نشانه هایی از برحق بودن آن حضرت است؛ از این رو همان گونه که در روایات، از زنده ماندن حضرت مسیح علیه السلام، عامالهدایت مسیحیان و برگرداندن ایشان به پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شده است، می توان میراث های دیگر پیامبران علیهم السلام را ابزاری برای اتمام حجت بر آنان دانست.

برخی میراث ها که در روایات مورد اشاره قرار گرفته عبارت است از: پیراهن، (۱) عمامه، (۲) زره، (۳) سلاح، (۴) و پرچم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، (۵) سنگ، (۶) و عصای حضرت موسی (۷) و طشتی که وی در آن قربانی می کرد. (۸) و انگشتری حضرت سلیمان علیه السلام، (۹) امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

مهدی از فرزندانم، غیبت و حیرتی دارد که امت ها [در آن] گمراه شوند. او با ذخیره پیغمبران آید و زمین را از عدل و داد پر کند؛ چنان که از جور و ستم پر شده باشد. (۱۰)

ص: ۴۸۸

- ۱- نعمانی، الغیبه، ص ۳۵۰، ج ۴۲.
- ۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵.
- ۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵.
- ۴- نعمانی، الغیبه، ص ۳۴۹، ح ۴۰؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵؛ متقی هندیف کنز العمال، ح ۳۹۶۷۳.
- ۵- نعمانی، الغیبه، ص ۳۴۳، ح ۲۸ و ۴۳۵، ح ۱.
- ۶- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۳.
- ۷- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۱؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۸، ح ۲۸، شیخ صدوق کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷.
- ۸- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۲، ح ۱.
- ۹- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۴۳، ح ۲۷.
- ۱۰- «المَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضَلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ، يَأْتِي بِذَخِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَيَمْلُؤُهَا عِدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۵.

منطقه سکونت امام عسکری علیه السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و وابستگان به آن ها

ناحیه در لغت، به معنای جانب و جمع آن، نواحی است. در غیبت صغرا از حضرت مهدی علیه السلام به این واژه تعبیر شده است. (۱) گاهی نیز از آن حضرت و نایب خاص او با تعبیر ناحیه یاد شده است. این اصطلاح، همانند بـرخـی لقب هـای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، کنـایه از آن حضرت به کار رفته و در بیشتر موارد برای تفتیه استفاده شده است. این کلمه، بیشتر در کـلام کسـانی که به آن حضرت توقـیع نوشته و پـاسخ دریافت کرده اند، ذکر شده است؛ اگرچه در بـرخـی بیانـات نـورانی حضـرت مهدی علیه السلام نیز این کلمه به کار رفته است. (۲) اربلی آن را رمـزی بیـن شیعیـان و آن حضرت و اطرافـیان نزدیک او دانسته، می نویسد:

ص: ۴۸۹

۱- طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۱۰.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۰، ح ۴۹؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۸۴، ج ۱۰۰، ص ۱۸۲.

... و آن حضرت، ملقب است به حجت و قائم و مهدی و خلف صالح و صاحب الزمان و صاحب. و شیعه از آن حضرت در دوران غیبت صغرا به ناحیه مقدسه تعبیر می کرده و این، رمزی بود که شیعیان آن حضرت را با آن می شناختند. (۱)

نیز ن.ک: نواب خاص، توقیع.

نام های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف < محمد، احمد

ناوسیه

معتقدان به مهدی بودن امام صادق علیه السلام

ناوسیه برگرفته از اسم شخصی با نام ناووس از اهالی بصره است. (۲) برخی گفتند: او عبدالله بن ناووس یا عَجْـلان بن نـاووس نام داشت. وی می گفت: «حضرت علی علیه السلام برتـرین فرد امت اسلام بود و هـر کس او را تفضیل ندهد، کافر است.»

ناووسیه عقیده داشتند جعفر بن محمد علیهما السلام زنده است و نمی میرد. او مهدی آخرالزمان است. آشکار می شود و بر مردمان فرمانروایی می کند. آنان می پنداشتند از وی روایت شده است: «اگر کسی بر شما فراز آید و بگوید مرا بیمار یافته و مرده مرا شسته است، باور نکنید و بدانید من سرور شما و دارنده شمشیر هستم.» بـه سبب کلـمه شمشیر، ایـن طـایفه را صارمیه نیز خوانده اند. (۳)

روشن است این ادعا در باره امام صادق علیه السلام درست نیست و طبق شهادت مسلم تاریخ آن حضرت به شهادت رسیده است. (۴) امـام صادق علیه السلام خود فرمود:

هنگامی که سه اسم محمد، علی و حسن، به طور متوالی در امامان علیهم السلام جمع شد، چهارمین آنان قائم است.

مفضل بـن عمـر گـوید: بـر امام

ص: ۴۹۰

۱- «... ویلقب بالحجة والقائم والمهدی والخلف الصالح و صاحب الزمان، والصاحب و كانت الشيعة في غيبته الاولى تعبر عنه و

عن جنبته بالناحية المقدسه و كان ذلك رمزاً بين الشيعة يعرفونه به.»، علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۱۹.

۲- شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۸۴.

۳- ر. ک: محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۴۳۶.

۴- ر. ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، مقدمه.

صادق علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: «ای آقای من! کاش جانشین خودت را به ما معرفی می کردی.» فرمود:

ای مفضل! امام بعد از من فرزندان موسی است و امام خلف و موعود منتظر (محمد)، فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی است. (۱)

ای ن گ__روه، پ__س از چندی از بین رفتند. (۲)

نجبا

یاران حضرت مهدی علیه السلام از سرزمین مصر هنگام ظهور

حضرت علی علیه السلام فرمود:

نجبا از مصر بیرون می آیند... که راهبان شب و شی__ران روز هستند؛ دل ه__ایشان چون فولاد سخت است. میان رکن و مقام با او بیعت می کنند. (۳)

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

سیصد و چند نفر، به شمار اهل بدر بین رکن و مقام باقائم بیعت می کنند. بین آنان نجبا، از اهل مصر ... وجود دارند.... (۴)
نیز ن.ک: یاران حضرت مهدی علیه السلام .

ندای آسمانی

از نشانه ه__ای حتمی ظه__ور و قی__ام حضرت مهدی علیه السلام

ندا، بلند شدن صدا و ظاهر شدن آن است و گاهی فقط به صدا اطلاق می شود (۵) این جا منظور از ندای آسمانی، صدایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه مردم، آن را از آسمان می شنوند. (۶) روایاتی که

ص: ۴۹۱

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۴.

۲- ر. ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، فصل ۱، الدلیل علی فساد قول الناوسیة.

۳- «فَيَخْرُجُ النَّجْبَاءُ مِنْ مِصْرَ ... زُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ كَانَ قُلُوبُهُمْ زُبُرَ الْحَدِيدِ فَيَابِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ»، شیخ مفید،

الاختصاص، ص ٢٠٨.

٤- «يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثُمَائِهِ وَيُؤَيِّفُ عَمَدَهُ أَهْلَ يَدْرِ فِيهِمُ النُّجَبَاءُ مِنْ أَهْلِ مَضِيرٍ...»، شيخ طوسي، كتاب الغيبة، ص ٤٧٦، ح ٥٠٢.

٥- راغب، المفردات، ماده ندا.

٦- امام باقر عليه السلام: «يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ، فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَمَنْ بِالْمَغْرِبِ، لَا يَبْقَى رَاغِبٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ، وَلَا قَائِمٌ إِلَّا قَعِدَ، وَلَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَيْهِ فَرَعًا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ... وَهُوَ صَوْتُ جِبْرَائِيلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ»، نعماني، الغيبة، ص ٢٥٣، ح ١٣.

در باره مورد این نشانه ها از طریق شیعه و سنی رسیده فراوان، بلکه متواتر است. (۱) امام باقر علیه السلام فرمود:

ندا کننده ای از آسمان، نام قائم را ندا می کند؛ پس هر کس در شرق و غـرب است، آن را می شنود. از وحشت این صدا، خوابیده ها بیـدار، ایستادگان نشسته و نشستگان بر دو پای خویش می ایستند. رحمت خدا بر کسی که از این صدا عبرت گیرد و آن را اجابت کند! زیرا صدای نخست، صدای جبرئیل روح الامین است. (۲)

از مجموع روایات در این باره می توان چند نکته را استفاده کرد:

۱. ندای آسمانی، از نشانه های حتمی ظهور شمرده شده است و شیخ طوسی، نعمانی، شیخ مفید، شیخ صدوق، و... به حتمی بودن آن اشاره کرده اند. (۳)

۲. این صدا، از آسمان شنیده می شود؛ بـه گـونه ای که همه مردم کره زمین _ در شرق و غرب _ آن را می شنوند و به خود می آیند. از برخی روایات استفاده می شود هر جمعیتی آن صدا را به زبـان خـود خـواهد شنید. (۴)

۳. محتـوای این پیـام آسمانی، دعوت به حق و حمـایت از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیعت با آن حضـرت است. (۵)

۴. هم زمان با شنیده شدن این صـدا از آسمان یا کمی پس از آن، روی زمین نیـز صدایی شنیده می شود. ندادهنده آن، شیطان است که مردم را به گمراهی فرا می خواند و می کوشد با ایجاد تردید در مردم، آنان را از حمایت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اجابت دعوت آسمانی، باز دارد.

۵. جبرئیل، مردم را به حق فرا می خـواند و شیطان و نیروی شیطانی و پیروان سفیانی به باطل.

ص: ۴۹۲

۱- ر.ک: لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۵۹.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۵، ح ۱۳.

۳- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۵، ح ۴۲۵؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۰.

۴- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۶۶، ح ۵۴؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۸.

۵- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۵؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۲، ح ۱۴.

از ظاهر روایات، با توجه به ویژگی‌هایی که برای آن بیان شده است، فهمیده می‌شود که تحقق آن، طبیعی نخواهد بود. خداوند سبحانه و تعالی، برای آن که شروع این انقلاب جهانی را اعلان کند و به همگان برساند که

ص: ۴۹۳

انقلابی بزرگ در حال شکل گیری است و حق بودن حضرت مهدی علیه السلام را بنمایاند و به یاران و دوستان و علاق—ه
مندان به چنین رستاخی—زی خیر بدهد، صیحه آسمانی را معجزه آسا به گوش همگان می رساند.

این نشانه در روایات اهل سنت نیز مورد اشاره قرار گرفته است. (۱)

نیز ن.ک: نشانه های ظهور.

نرگس < مادر حضرت مهدی علیه السلام

نزول عیسی علیه السلام

از نشانه های نزدیک شدن رستاخیز در عصر ظهور

ف—رود آم—دن پی—امبر بزرگ خدا، عیسی بن مریم علیهما السلام هنگام قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه
الشریف، از دیدگاه همه مسلمانان— با وجود اختلاف در مذهب— یک واقعت ثابت و از اموری است که تردید در آن راه
ندارد. (۲) فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام، از شگفت انگیزترین حوادث تاریخ، مهم ترین رخدادها، بزرگ ترین نشانه
ها و پرشکوه ترین دلیل ها بر حقانیت امام مهدی علیه السلام است. آیا شگفت انگیز نیست انسانی، مدتی روی زمین زندگی
کند، آن گاه به آسمان ها عروج نماید و آن جا هزارها سال زندگی کند، و همگام با قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله
تعالی فرجه الشریف به خواست خدا و دستور او، فرود آید و ضمن تصدیق و اقرار به امامت آن حضرت، ب—ا او نم—از
بگذارد و حرکت نجات بخش و آسمانی آن حضرت را یاری کند؟

ابوبصیر گوید: [به امام صادق علیه السلام] عرض کردم: «ای پسر رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟» فرمود:

ای ابوبصیر! او پنجمین از فرزندان پسر مویسی است. او فرزند سرور کنیزان است و غیبتی کند که باطل جویان در آن شک
کنند. خدای تعالی او را آشکار کند و به دست او شرق و غرب عالم را بگشاید و روح الله عیسی بن مریم علیهما السلام فرود
آید و پشت سر او نماز گزارد و زمین به نور

ص: ۴۹۴

۱- ر.ک: مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۱۳۵، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۵۶۶ و ۵۶۹؛ متقی هندی، کنز العمال، ح ۱۴،
ص ۵۸۸، ح ۳۹۶۶۵.

۲- الملاحم و الفتن، ص ۱۵۹؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۲۷۴.

مسلمانان به پیروی از قرآن کریم عیسی بن مریم علیها السلام او را آن گونه که هست، بنده وارسته و شایسته خدا و پیامبر بزرگ او می‌شمارند و همان گونه که قرآن بارها او را به پاکی، طهارت و قداست و احترام یاد می‌کند، وی را تجلیل می‌کنند. به نظر می‌رسد به سبب اهمیت این موضوع و شکوه و شخصیت والای آن حضرت است که او _ به اراده خدا و ب_رای تقویت حرکت_ت_جه_انی و نجات بخش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف _ در عصر ظهور و قیام آن حضرت، از آسمان فرود می‌آید.

به دلیل اهمیت این موضوع است که_ه_روایات بسیاری در این باره از پیامبر_ر_صلی الله علیه و آله و سلم و خ_اندان وح_ی و رسالت علیهم السلام رسیده و در آن، به فرود آمدن عیسی علیه السلام و اقتدای او به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تصدیق و تأیید_د_آن اصلاح گر بزرگ عص_رها و نس_ل_ها، تصریح شده است.(۲)

بنابراین می‌توان گفت یکی از حکمت های فرود آمدن آن حضرت در قی_ام_ام_ام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تقوی_ت_حرکت جهانی آن حضرت و اعتراف و تصدیق به حقانیت آن وجود گرانبهایه و امامت او است؛ به ویژه که حضرت عیسی علیه السلام به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا می‌کند و به امامت او نماز می‌گزارد و امامت جهانی و آسمانی، او را تصدیق و تأیید می‌کند.

نشانه های آخرالزمان < آخرالزمان

ص: ۴۹۵

۱- «یا ابا بصیر هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِ مُوسَى، ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ، يَغِيبُ غَيْبَةً يَزْتَابُ فِيهَا الْمُبْطُلُونَ، ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَيَفْتِيحُ اللَّهُ عَلَى يَدِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، وَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بِنُ مَرْيَمَ فَيَصِلُ إِلَى خَلْفَتِهِ وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ح ۳۱.

۲- ر.ک: سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ص ۶۸۰_۶۷۸؛ همچین ر.ک: شیخ صدوق، الامالی، ص ۲۷۱، ح ۸؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۷۰؛ شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۱؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۴۹، ح ۱۰؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۲۷، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۳۱.

پدیده های پیشین، هم زمان و پس از ظهور و مرتبط با آن

نشانه های ظهور، (۱) عبارت است از آن دسته از رخدادها که بر اساس پیش بینی معصومان علیهم السلام، پیش از ظهور یا در آستانه آن، یا هم زمان یا پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام پدید می آید. پدید آمدن هر یک از آن نشانه ها نویدی از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نزدیک تر شدن قیام جهانی آن حضرت است.

نشانه های ظهور از یک نگاه، به چهار دسته تقسیم می شود:

۱. نشانه هایی که با فاصله زمانی قـ ابل توجـ هی پیـ ش از ظهور رخ می دهند؛

۲. نشانه هایی که با فاصله بسیار اندک، پیش از ظهور اتفاق می افتند (در آستانه ظهور)؛

۳. نشانه هایی که هم زمان با حادثه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ می دهند؛

۴. نشانه هایی که با فاصله ای اندک پس از ظهور و پیش از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اتفاق می افتند.

شمار نشانه ها؛

در منابع دینـی، انبـوهی از رخدادهای طبیعی و غیرطبیعی و دگرگونی های سیاسی ـ اجتماعی، از نشانه های ظهور شمرده شده است.

روشن است درجه اعتبار و درستی همه این نشانه ها یکسان نیست، برخی در منابع معتبر آمده و از نظر سند و دلالت استوار است. بعضی نیز در کتاب های غیر معتبر و به وسیله افراد غیر موثق یاد شده است. برخی از این نشانه ها، فقط نشانه ظهور است و بعضی، هم نشانه ظهور و هم نشانه برپایی قیامت می باشد. برخی نشانه هـ ا، کلی و محـوری است و

ص: ۴۹۶

۱- نگارنده، بحث را بر اساس آنچه امروزه مشهور است پی گرفته؛ اما بر این باور است که تعریف مشهور نشانه های ظهور نادرست می نماید؛ چرا که بیشتر کسانی که نشانه های ظهور را تعریف کرده اند به رخدادهای پیش از ظهور تفسیر کرده اند، در حالی که بررسی ها نشان می دهد همه نشانه های حتمی ظهور پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام رخ خواهد داد؛ از این رو نشانه های قیام یا نشانه های مهدی موعود را مناسب تر می دانند. یا این که گفته شود نشانه های ظهور به این معناست که حکایت از واقع شدن ظهور می کند.

بعضی بیانگِ مسائِل ریز و جزئی است که گاه، همه آن‌ها را می‌توان در عنوان واحدی گرد آورد؛ بنابراین به طور قطع نمی‌توان مشخص کرد نشانه‌های ظهور چه تعداد است. بر فرض هم که چنانچه چینی‌ها، اری ممکن باشد، اهمیتی ندارد. مهم این است که فراوانی روایات، به ما اطمینان می‌دهد که در آستانه قیام مهدی موعود علیه السلام، حُوداثی رخ خواهد داد که برخی چشمگیر و فراگیرند و بعضی نه چندان مهم و قابل توجه است.

انواع نشانه‌های ظهور

نشانه‌های ظهور، گوناگون است و بر شمردن همه این اقسام، نه چندان مفید است و نه لازم؛ چه آن که بسیاری از آن‌ها، نشانه‌های قطعی ظهور نمی‌باشد. افزون بر این، از نگاه سند و محتوا نیز دارای اشکال است و درستی و نادرستی آن‌ها، خیلی روشن نیست؛ از این رو در تقسیم نشانه‌ها فقط به موارد ذیل بسنده می‌کنیم:

یک. نشانه‌های حتمی و غیر حتمی

میان نشانه‌های ظهور، شماری از آن‌ها، علایم حتمی ظهور دانسته شده‌اند. منظور از نشانه‌های حتمی، مقابل نشانه‌های غیر حتمی است که پدیدار شدن آن‌ها بدون هیچ قید و شرطی قطعاً و الزامی خواهد بود؛ به گونگی که تا آن‌ها واقع نشود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور و قیام نخواهد کرد. البته باید توجه کرد که حتمی یا مسلم و قطعی بودن وقوع این نشانه‌ها، به این معنا نیست که پدید نیامدن آن‌ها، محال است؛ بلکه به حسب فراهم بودن شرایط و نبودن باریک‌نمایی‌ها، پدید آمدن آن‌ها قطعی خواهد بود.

از روایات فراوانی که در میان آن‌ها روایات صحیح نیز وجود دارد حتمی بودن نشانه‌های پنجگانه ذیل استفاده می‌شود: خروج سفیانی، قیام یمانی، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه و خسف در بیداء. (۱)

در باب رابری نشان‌های حتمی، نشانه‌های غیر حتمی قرار دارد؛ یعنی مقید و مشروط به اموری است که در صورت تحقق آن‌ها، پدید می‌آید. به

ص: ۴۹۷

۱- «خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ مِنَ الْعَلَمَاتِ الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ وَخُرُوجُ الْيَمَانِيِّ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۶، ح ۴۲۷.

عبارت دیگر، نشانه هـ ای غیر حتمی، شاید پدید آید و شاید بدون پیدایش آن هـ امـ امـ زمـ ان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند. پاره ای از نشانه هـ ای غیر حتمی از این قرار است:

۱. مرگ و میرها، زلزله ها و جنگ ها و آشوب های فراگیر؛

۲. خسوف و کسوف نابه هنگام؛

۳. بارش باران های فراوان و...

دو. نشانه های متصل و غیر متصل

بر اساس روایاتی چند، شماری از نشانه های ظهور، متصل به آن خواهد بود؛ به گونه ای که بین آن ها و ظهور حضرت مهدی علیه السلام فاصل هـ چنـ دانی نباشد. البته این که فاصله آن نشانه ها تا ظهور، چه مدت و یا چند روز است، به طور دقیق روشن نیست؛ ولی قدر مسلم آن است که فاصله زیاد نیست و احتمالاً مجموعه نشانه های متصل به ظهور، در همان سال ظهور یا سال پیش از آن، رخ می دهد. براین اساس تردیـ دی نیست کـ هـ شمـ اری از نشانه هـ ای ظهور، نزدیک ظهـ ور و متصل به آن واقع می شود. در مقابل، نشانه های غیرمتصل است که در طول تاریخ در دوران غیبت کبـ را اتفاق افتاده و خواهد افتاد.

سه. نشانه های عادی و غیر عادی

پدید آمدن نشانه های ظهور هـ همچون واقع شدن دیگر پدیده ها هـ به روال طبیعی و عادی است؛ ولی پیشگویی برخی از آن ها، به گونه ای در روایات بازتاب یافته که به نظر می رسد، واقع شدن آن ها به طور عادی، غیرممکن می نماید و تحقق آن ها به صورت غیرطبیعی در چهار چوب معجزه خـ واهد بـ ود؛ بـ رای نمـ ونه طلوع خورشید از مغرب و صیحه آسمانی، اگر همان معنای ظاهری آن ها مراد باشد، باید به گونه معجـ زه رخ دهد؛ زیرا پدیدار شدن چنین امـ وری، به طور عادی ممکن نیست. البته شاید بعضی از این نشانه ها، معنای کنایی و رمزی داشته باشد و به رخدادهایی اشاره کند که پیدایی آن ها به گونه عادی امکان دارد.

در پایان، گفتنی است در منابع روایی حدیث های فراوانی در باره نشانه هـ ای ظهور وجود دارد. اسناد این روایات، بیشتر ضعیف و غیرقابل اعتماد است. از نکـ اه دلالت نیز، هماهنگی و انسجـ ام لازم بین آن ها نیست و پـ اره ای از آن ها دگرگون و دستخوش تغییراتی شده اند.

اینک با انبوهی از روایات صحیح و

غیر صحیح در زمینه نشانه های ظهور، روبه رو هستیم که دست کم، شماری از آن ها از آفت جعل و تحریف مصون نمانده است. بدبختانه کتاب هایی نیز وجود دارد که در آن ها از سر جهل یا به عمد، به این امر دامن زده شده است. البته برخی با گردآوری این روایات، خواسته اند اصل آن ها محفوظ بماند و نیز بنمایانند که همگان، در اصل ظهور مهدی علیه السلام اتفاق نظر دارند؛ بنابراین التزام به درستی همه این روایات مشکل است و در بررسی نشانه های ظهور، احتمال جعل و تحریف و دسیسه های دست های پنهان سیاست را نباید نادیده گرفت.

ناگفته نماند وجود مواردی از جعل و تحریف، در نشانه های ظهور یا وجود مدعیان دروغین هیچ گاه دلیل نمی شود همه روایات از اعتبار بیفتد یا اصل همه نشانه ها زیر سؤال برود؛ زیرا دسته ای از این نشانه ها مسلم و قطعی است. همچنین وجوه پاره ای اشکالات و ضعف ها در نشانه های ظهور و احتمال تحریف و تغییر در آن ها از سوی دشمنان یا ادعاهای واهی برخی شیادان در باره اصل مهدویت، هیچ گاه به اصل مهدویت و اعتقاد باده ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف آسیبی نمی رساند؛ زیرا اعتقاد به مهدویت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام مورد اتفاق فریقین است و با تواتر ثابت شده است و هرگز خدشه ای در آن وارد نمی گردد. (۱)

از آن جا که در منابع دینی، قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یکی از نشانه های برپایی قیامت شمرده شده است؛ پاره ای از نشانه های ظهور، نشانه های قیامت نیز شمرده می شود. امام علی علیه السلام در این باره فرمود:

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «به ناگزیر ده چیز پیش از برپایی قیامت خواهد بود: سفیانی، دجّال، دود، دابّه، خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، طلوع خورشید از مغرب خود، فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام، فرو رفتن در مشرق و فرو رفتن در جزیره العرب و آتشی که از قعر عدن بیرون خواهد آمد، تا مردم را به سوی محشر سوق دهد.» (۲)

نیز ن.ک: ندای آسمانی، خروج سفیانی، خروج یمانی، خسف به بیداء، قتل نفس زکیه.

ص: ۴۹۹

۱- جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۵۸.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۶، ح ۴۲۶.

نفس زکيه

از مدعیان مهدویت

وی محمّد بـ عبدالله، مع روف به نفس زکيه، است. مادرش هند، دختر ابو عبیده بن عبدالله (۱) بود. بـ رخی از خاندان او و فرقه جارودیه، وی را مهدی موعود (۲) دانسته اند. او در سال ۱۴۵ ق (۳) ادعای مهدویت کرد و به وسیله منصور دوانیقی کشته شد. جالب این که پدر او نیز بـ ا پسرش به عنوان مهدی بیعت کرده است. (۴)

نفس زکيه، نخستین کسی از علویان است که در روزگار عباسیان، قیام کرد و معاصر امام صادق علیه السلام بود. (۵) وی از بیعت با منصور خودداری کـ رد. محمّد، میان خاندان خویش، از همه برتر و در علم و دانش کتاب خدا، از همگان داناتر بود. شجاعت، بخشش، صلابت و سایر مزایای او از همگان بیشتر بود؛ از این رو پیروانش شک نداشتند کـ ه او همان مهدی موعود است.

نیز ن. ک: مدعیان مهدویت.

نماز امام زمان علیه السلام

از برخی روایات استفاده می شود هر یک از معصومان علیهم السلام به نمازی خاص سفارش نموده، بدان تأکید می کردند؛ یکی از این نمازها، نماز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ ق) در الدعوات (۶) نماز حضرت حجت را همانند نماز صبح می داند؛ با این تفاوت که در هر رکعت ((إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ)) صد مرتبه تکرار می شود و پس از نماز صد

ص: ۵۰۰

- ۱- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۲۲۱.
- ۲- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۲۲۲.
- ۳- ابوحنیفه احمد بن داود، اخبار الطوال، ص ۳۸۵.
- ۴- سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ص ۵۷۰.
- ۵- حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۱۲۶.
- ۶- «رکعتان فی کل رکعه الحمد مره و مائه مره إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ و یصلی علی النبی صلی الله علیه و آله و سلم مائه مره بعد کل صلاه من هذه الصلوات ثم یسأل الله حاجته»، قطب الدین راوندی، الدعوات، ص ۸۹.

بار صلوات فرستاده می شود.

از سید بن طاوس (م ۶۶۴ ق) در جمال الاسبوع نیز این گونه نقل شده است.

... نماز حضرت حجت دو رکعت است که در هر رکعت، تا «ایاک نعبد» می خواند. آنگاه ((إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ)) را صد مرتبه می گوید و پس از آن، سوره اخلاص را یک مرتبه می خواند. بعد از نماز دعای اللّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ ... را می خواند. (۱)

ابراهیم بن علی عاملی کفعمی (م ۹۰۵ ق) نیز نماز آن حضرت را هم — انند جمال الاسبوع نقل کرده است. (۲) شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ ق) در وسائل الشیعه (۳) و نیز علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) در بحار الانوار (۴) به نقل از سید بن طاوس هم — از راه همان روش ذکر کرده اند.

محدث نوری (م ۱۳۲۰ ق) در این باره، دو نماز ذکر کرده است: نخست نمازی که یاد شد. (۵) دیگر نمازی است که منسوب به ناحیه مقدسه است. این نماز را محدث نوری در بابی که در آن، نمازهای مستحبی شب جمعه را نقل کرده، به عنوان روایتی منسوب به ناحیه مقدسه، این گونه آورده است:

هر کس که از خداوند سبحانه و تعالی خواسته ای دارد، شب جمعه غسل کند، بعد از نیمه شب به نمازگاه خود رفته، دو رکعت نماز بدین ترتیب بخواند: در رکعت نخست وقتی به ((إِيَّاكَ نَعْبُدُ))؛ رسید آن را یکصد بار بگوید و سوره توحید را یک بار خوانده، سپس ذکر رکوع و دو سجده

ص: ۵۰۱

۱- «... صَيِّمًا الْحُجَّهَ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ رَكَعَتَانِ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ إِلَى إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ثُمَّ يَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ثُمَّ يَقْرَأُ الْفَاتِحَةَ وَ يَقْرَأُ بِعِدَّهَا الْإِخْلَاصَ مَرَّةً وَاحِدَةً ثُمَّ يَدْعُو عَقِبَهَا يَقُولُ اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ وَ ...» سید بن طاوس، جمال الاسبوع، ص ۲۸۸.

۲- کفعمی، البلد الامین، ص ۱۶۴.

۳- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۸۴، ح ۱۰۳۷۴.

۴- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۱۸۹.

۵- محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۸۲، ح ۷۰۴۲ - ۱۰.

را هفت بار تکرار کند و رکعت دوم را نیز به همین ترتیب بخواند؛ خداوند سبحانه و تعالی حاجتش را برآورده خواهد کرد. (۱)

ناگفته نگذارم اگرچه امروزه نماز

ص: ۵۰۲

۱- «مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَغْتَسِلْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ وَيَأْتِي مُصَلِّيًا وَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ يَقْرَأُ فِي الرَّكَعَةِ الْأُولَى الْحَمْدَ فَإِذَا بَلَغَ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ يُكْرَرُهَا مِائَةَ مَرَّةٍ وَيُتِمُّ فِي الْمِائَةِ إِلَى آخِرِهَا وَيَقْرَأُ سُورَةَ التَّوْحِيدِ مَرَّةً وَاحِدَةً ثُمَّ يَرْكَعُ وَيَسْجُدُ وَيُسَبِّحُ فِيهَا سَبْعَةَ سَبْعَةٍ وَيُصَلِّي الرَّكَعَةَ الثَّانِيَةَ عَلَى هَيْئَتِهِ...»، محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۷۵. (البته وی در داستان مسجد جمکران این نماز را به گونه ای متفاوت از دو نماز یادشده ذکر کرده است.)

دوم، به عنوان نماز حضرت مهدی علیه السلام مشهور شده است، نقل های نخست از بزرگان نشان می دهد نماز امام زمان علیه السلام همان نمازی است که ابتدا قطب راوندی نقل کرده است و آنچه محدث نوری نقل کرده نماز مستحبی است که به ناحیه مقدسه منسوب است.

نیز ن.ک: مسجد جمکران.

نواب خاص

رهبران جامعه از سوی امام غایب در غیبت صغرا

در غیبت صغرا چهار سفیر یا نایب خـاص، درخواست های مردم را به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نیـز نامه هـا و توقیعـات آن حضرت را بـه مردم می رساندند و خود به زیارت ایشان نایل می شدند. در آغاز نیابت خاص، جایگـاه سفارت برای مردم روشن نبود. فقط عده اندکی از خواص و وکیـلان، بـه نایب آن حضرت در ارتباط بوده، مسایل مورد نیاز خود را با او در میان می گذاشتند؛ امـّا پس از گذشت زمان، با تلاش های خالصانه وکیـلان، نیابت خاص، حضرت نزد شیعیان، جایگاه خود را یافت. بنابراین ارتباط شیعیان با نواب خاص در دوره های نخست، به طـور عمدۀ به واسطه وکیلان بود. به این صورت که مردم، خواسته های خود را با وکیلان در میان می گذاشتند یا وجوهـات شرعی خـود را به آنان می پرداختند. وکیلان نیز آن ها را به سفیـر و نایب امـام عجل الله تعالی فرجه الشریف منتقل می کردند و با واسطه سفیر، از ناحیه مقدسه پـاسخ پرسش های خود را می گرفتند. با روشن شدن جایگـاه نواب خاص، برخی شیعیان به صورت پنهانی توانستند به طور مستقیم با آنان تماس برقرار کنند. این کار، به طور عمدۀ از زمان دومین نایب آغاز شد و ادامه یافت.

وظایف نایبان خاص

برخی فعالیت های نایبان خـاص بدین قرار بود:

۱. بر طرف کردن تردید شیعیان درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ولادت آخرین ذخیـره الهی به صورت پنهانی صورت گرفت و جز اندکی از شیعیان، آن حضرت را در دوران پدر بزرگوارش ندیده بودند و تردیدهایی میان شیعیان پدید آمده بود؛ از این رو، یکی از مسؤولیت های مهم و حساس نواب خاص، از میان بـردن تردیدهای موجود درباره

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. این تلاش ها، بیشتر در دوران نایبان اول و دوم انجام شد؛ ولی در مواقع مورد نیاز در دوره دیگر نواب نیز بدان توجه می شد.

از آن جا که این مسأله، بسیار مهم و حساس بود، افزون بر ارائه کراماتی از طرف نایبان خاص، خود حضرت در موارد لازم، با صدور توقیعاتی این امر را بر ایشان آسان می کرد. میان توقیعاتی که هم اکنون از آن حضرت در دست است، تعدادی درباره همین مسأله است.

۲. پنهان نگه داشتن مکان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از احادیث نقل شده توسط نواب خاص و توقیعات صادر شده از طرف امام زمان علیه السلام به دست آنان، (۱) دانسته می شود نواب وظیفه ای دوجانبه داشته اند: از سویی محل زندگی امام را نه فقط از دشمنان، بلکه از شیعیان پنهان نگه می داشتند و از سوی دیگر، به وکلای خود آموزش می دادند مبادا اسمی از آن حضرت به میان آورند؛ از این رو توانستند شیعیان را از خطر عباسیان مصون دارند.

۳. پاسخگویی به پرسش های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی

نایبان خاص، پرسش های فقهی و شرعی شیعیان را خدمت امام و پاسخ آن ها را به مردم می رساندند. به ویژه در دوره نیابت نایب دوم، محمد بن عثمان، پرسش های فقهی بسیاری مطرح شد و امام، ضمن توقیعات پرشماری به آن ها پاسخ داد. فعالیت های نایبان خاص به مسایل فقهی محدود نمی شد؛ بلکه وظیفه دیگر آنان حل مشکلات علمی و شرکت در بحث ها و مناظرات عقیدتی بود. (۲)

۴. سازماندهی و کیل های حضرت

یکی از تشکل های مهمی که در دوران امامان پیش از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل گرفت، تشکیلات وکالت بود. آن بزرگواران، این سازمان را برای آماده کردن هر چه بیشتر مردم، برای تحمل دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود آوردند؛ از این رو هر چه بیشتر می کوشیدند از مواجهه مستقیم، کم کرده، امور را بر عهده افراد شایسته

ص: ۵۰۴

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۲۲.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۶.

بگذارند. این تشکیلات، به طور رسمی در زمان امام کاظم علیه السلام پدید آمد؛ اما در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اوج خود رسید؛ بنابراین، سیاست تعیین و کیل برای اداره امور نواحی گوناگون و برقراری ارتباط میان شیعیان و امامان، از دوران هـ ام ای امامان پیشین وجود داشت. در عصر غیبت، این تماس با امام زمان، قطع شد و محور ارتباط و کیلان با امام، نایی بود که هـ ام ام زمان تعیین می کرد.

مناطق شیعه نشین به طور تقریبی مشخص بود و بنا به ضرورت در هر منطقه، و کیلی تعیین می شد. گاهی چند و کیل در مناطق کوچک تر، تحت سرپرستی و کیلی بودند که امام یا نایب خاص برای آن ها تعیین می کرد. در مواردی ممکن بود برخی از و کیلان برای یک بار امام زمان علیه السلام را ملاقات کنند؛ چنان که محمد بن احمد قطن (از و کیلان ابوجعفر، نایب دوم) به ملاقات امام نایل شد؛^(۱) اما به طور معمول، آنان زیر نظر نایب خاص امام، انجام وظیفه می کردند.

۵. آماده کردن شیعیان برای غیبت کبرا

یکی از مسؤولیت های نایبان خاص به ویژه آخرین نایب آماده کردن اذهان عمومی برای غیبت کبرا و عادت دادن تدریجی مردم به پنهان زیستی امام و جلوگیری از غافلگیر شدن در موضوع غیبت بود. غیبت ناگهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه بسا باعث انکار مطلق وجود آن حضرت و انحراف افکار عمومی می شد. نمایندگان خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت صغرا، به این هدف و غرض نایل شدند و افکار و اذهان عمومی را برای غیبت کبرا آماده کردند.

۶. رهبری دستداران و طرفداران امام زمان علیه السلام و حفظ مصالح اجتماعی شیعیان؛

امام زمان علیه السلام توانست به وسیله نایبان خاص، رهبری خویش را در جامعه اعمال کرده، خسارت های ناشی از عدم حضور مستقیم خود را جبران نماید. همچنین، کمبودی که به واسطه حاضر نبودن امام، در اجتماع شیعیان پیدا شده بود، پر کرده، مصالح اجتماع آن زمان و دستداران را در سخت ترین و پیچیده ترین شرایط اجتماعی و سیاسی حفظ کند و نگذارد

ص: ۵۰۵

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۴۲.

شیعیان منحرف شده و متلاشی شوند. (۱)

۷. جلوگیری از فرقه گرایی شیعیان

از مسؤولیت های مهم نایبان خاص، این بود که شیعیان را از پراکندگی بیشتر مصون دارند. ایشان همواره آن دسته از گفتارهای پیامبر و امامان علیهم السلام را بیان می کردند که دلالت داشت مجموع پیشوایان معصوم علیهم السلام به دوازده ختم می شود و واپسین آنان غیبت خواهد کرد. نواب خاص، در این مرحله، به پیروزی چشمگیری دست یافتند و توانستند انشعابات پدید آمده در مکتب تشیع را کمتر کرده در نهایت، به حداقل برسانند.

۸. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت

یکی از مسؤولیت های مهم نایبان خاص، مبارزه با مدعیان دروغین نیابت بود. این مبارزه به طور عمده، با هـ __ دایت های ام __ ام __ ب __ ا صدور توقیعات از طرف آن حضرت _ صورت می گرفت. (۲)

۹. گرفتن اموال متعلق به امام و مصرف آن در موارد لازم

هر کدام از نواب خاص امام، در دوران سفارت خود، وجوه و اموال متعلق به حضرت را تحویل می گرفت و در مواردی که امام دستور می داد، مصرف می کرد.

نیز ن.ک: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان بن سعید عمری، حسین بن روح نوبختی، علی بن محمد سمری.

نیابت خاص

رهبری جامعه از سوی امام غایب در غیبت صغرا

با توجـه __ ب __ ه و ویژگی های دوران غیبت صغرا، یکی از مباحث مهم در این دوران، بحث نیابت خاص است.

در دوره غیبت صغرا، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به واسطه چهار نفر نایبان خاص خود با شیعیان در رابطه بود و امور آنان را سر و سامان می داد. این امور، افزون بر مسایل مالی، شامل مسایل عقیدتی و فقهی نیز می شد.

رابطان میان آن حضرت و شیعیان، چهار نفر از اصحاب باسابقه و مورد اعتماد امامان پیشین بودند

ص: ۵۰۶

که یکی پس از دیگری این وظیفه مهم را بر عهده داشتند. آنان، به نواب خاص آن حضرت معروفند. این افراد، با وکیلان حضرت در دورترین نقاط شهرهای اسلامی در تماس بوده و نامه ها و خواسته های شیعیان را به محضر مقدس او می رساندند و در پاسخ، توفیقاتی از طرف آن حضرت صادر می شد.

نیابت خاص، بدان سان بود که امام، شخص معین و مشخصی را نایب خود قرار دهد و به اسم و خصوصیات، او را معرفی کند؛ همان گونه که پیش از آن امام حسن عسکری علیه السلام این کار را انجام داده و فرمود:

عمری و پسرش [= عثمان بن سعید، نایب اول و محمد بن عثمان، نایب دوم] مورد اعتماد هستند؛ هر چه آن ب... تو برساند، از من می رساند و آنچه به تو بگویند، از جانب من می گویند. (۱)

و در جای دیگر فرمود:

گواه و شاهد باشید که عثمان بن سعید عمری [= نایب اول] وکیل من و فرزندش محمد بن عثمان [= نایب دوم] وکیل فرزند من، مهدی شما است. (۲)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نایبان پس از عثم... ان بن سعید (نایب اول) را به وسیله نایب پیش از او معین و به مردم معرفی می کرد. (۳)

نیابت و سفارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت صغرا، از مسؤلیت های خطیری است که فقط برازنده کسانی است که وی... ژگی ها و ارزش های خاصی داشته باشند. برخی از این ویژگی ها چنین است:

— ایمانی استوار و خلل ناپذیر

— امانت داری به مفهوم واقعی آن

— تقوا پیشگی و پرهیزکاری

— رازداری و پوشیده داشتن اموری که باید نهان بماند

— دخالت ندادن رأی و نظر شخصی خویش در امور مخصوص به آن حضرت

— اجرای دستور های امام...

آنچه میان ویژگی های نواب، دارای

- ١- محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ١، ص ٣٢٩، ح ١؛ شيخ طوسي، كتاب الغيبة، ص ٢٤٣ و ص ٣٦٠.
- ٢- شيخ طوسي، كتاب الغيبة، ص ٣٥٥.
- ٣- ر.ك: علي غفارزاده، پژوهشي پيرامون زندگاني نواب خاص امام زمان عليه السلام، ص ٣٤.

اهمیت ویژه ای بود، رازداری آنان بود. عده ای از ابوسهل نوبختی پرسیدند: «چطور شد امر نیابت به ابوالقاسم حسین بن روح واگذار شد؛ ولی به تو واگذار نگردید؟» او پاسخ داد: «آنان [= امامان اطهار علیهم السلام] بهتر از هر کس می دانند چه کسی را به این مقام برگزینند. من آدمی هستم که با دشمنان رفت و آمد دارم و با ایشان مناظره می کنم. اگر آنچه ابوالقاسم بن روح درباره امام می داند، می دانستم، شاید در بحث هایم با دشمنان و جدال با آنان، می کوشیدم دلیل های بنیادی را بر وجود امام ارائه کنم و در نتیجه محل اقامت او را آشکار سازم؛ اما اگر ابوالقاسم، امام را در زیر جامه خود پنهان کرده باشد، و بدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند تا او را نشان دهد، هرگز چنین نخواهد کرد. (۱)

نیز ن.ک: غیبت صغرا، نواب خاص.

نیابت عام

رهبری جامعه از سوی امام غایب، در غیبت کبرا

پس از پایان دوران غیبت صغرا و نیابت خاص و با آغاز غیبت کبرا هدایت شیعیان با عنوان نیابت عام از سوی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل گرفت؛ به این صورت که امام، ضابطه ای کلی و صفات و مشخصاتی عام به دست داد که در هر عصر، فرد شاخصی که آن ضابطه از هر جهت و در همه ابعاد بر او صدق کند، نایب امام شناخته شود و به نیابت از او در امر دین و دنیا، سرپرست جامعه باشد؛ سخنش سخن امام و اطاعتش واجب و مخالفش حرام خواهد بود. در این باره روایاتی چند نقل شده است؛ از جمله:

۱. اسحاق بن یعقوب، درباره تکلیف شیعیان در غیبت کبرا از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسید و تویق ذیل در پاسخ او صادر شد:

... و اما در پیشآمدهایی که برای شما رخ می دهد، باید به راویان اخبار ما [= دانشمندان علوم دینی] رجوع کنید؛ ایشان حجّت من بر شما

ص: ۵۰۸

هستند و من، حجت خدا بر آنانم. (۱)

این روایت، از روشن ترین روایات در بیان ولایت عام است. بیشتر افرادی که به این روایت تمسک کرده اند، بیشتر به فقره دوم آن، «فَانَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» توجه داشته اند.

۲. امام عسکری علیه السلام از پسر بزرگوارش نقل کرده است که فرمود:

اگر نبود دانشمندانی که پس از غیبت قائم شما، به سوی او دعوت می کنند و به سوی او رهنمون می شوند و از دین او دفاع می کنند و بندگان ناتوان را از دام های شیطان و مریدهای شیطان — انی نجات می دهند، کسی باقی نمی ماند، مگر این که از دین خدا بگریزد؛ ولی این دانشمندان، زمام دل ضعیفان را به دست می گیرند؛ هم — ان گم — و نه ک — ه ملوان ها، زمام کشتی را به دست می گیرند و سرنشین های کشتی را از خطر مرگ نگه می دارند. این ها نزد خدای تبارک و تعالی برترین هستند. (۲)

۳. امام حسن عسکری علیه السلام درباره فقیهان راستین، ویژگی های آن ها و مسؤولیت جامعه برابر آن ها، فرموده است:

... و اما هر یک از فقیهان که بر نفس خود مسلط باشد و دین خود را حفظ کند، با هوای نفس خود مخالفت ورزد و امر خدا را اطاعت کند، بر همگان واجب است از او تقلید کنند. (۳)

ص: ۵۰۹

۱- «... وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

۲- «لَوْلَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبِهِ قَائِمِكُمْ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَالذَّالِّينَ عَلَيْهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَالْمُنْقِذِينَ لِضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شُبَّانِكِ إِبْلِيسَ وَمَرَدَّتِهِ وَمَنْ فَخَّاحِ النَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَلَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يَمَسُّ كُونَ أَرْوَاحَ قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يَمَسُّكَ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سَيِّكَانِهَا أَوْلَئِكَ هُمُ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»، طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۸ و ج ۲، ص ۴۵۵؛ لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۲۲۳.

۳- «... وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ...»، شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱، ح ۳۳۴۰۱.

۴. مرحوم کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی روایتی را که به «مقبوله عمر بن حنظله» معروف است، از امام صادق علیه السلام به مضمون ذیل نقل کرده اند:

... هر کدام از شما که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما صاحب نظر باشد و احکام ما را بداند، او را به حکومت برگزینند که من او را بر شما حاکم قرار دادم....(۱)

به راستی همین نایبان عام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند که در طول غیبت کبرا، دین مقدس اسلام را از انحراف نگه داشته اند، مسایل مورد نیاز را برای مسلمانان بی_ان ک_ رده اند و دل های شیعیان را بر اساس باورهای درست، استوار ساخته اند. تمام موفقیت های گوناگون، با مجاهدت و تلاش خستگی ناپذیر محدثان و فقیهان شیعه _ از اواخر غیبت صغرا تا به امروز _ بوده و حیات، شادابی و پویایی تشیع را کرده است.

یکی از دانشوران معاصر، درباره چگونگی نیابت عام و بروز اندیشه ولایت فقیه چنین نوشته است:

شیعیان، تا زمانی که امیدی به تشکیل حکومت نداشتند، به طور ارتکازی و با الهام گرفتن از امثال روایات عمر بن حنظله و ابو خدیجه و توقیع صادر از ناحیه مقدسه، نیازهای روزمره خود را با رجوع به فقهای بلاد برطرف می کردند... با گسترش این مباحث در میان توده ها، حکام و سلاطین شیعه برای مشروع جلوه دادن حکومتشان کوشیدند موافقت فقهای بزرگ را به دست آورند... ولی ظاهراً در هیچ عصری، هیچ سلطانی حاضر به تحویل دادن قدرت به فقیه واجد شرایط نبوده؛ چنان که هیچ فقیهی هم امیدی به دست یافتن به چنین قدرتی نداشته است. در واقع، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که عملاً ولایت فقیه به معنای واقعی کلمه تحقق یافت و نیاز

ص: ۵۱۰

۱- «... مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيُرْضُوا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا...»، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۷، ح ۱۰؛ شیخ طوسی، ال تهذیب، ج ۶، ص ۲۱۸، ح ۶.

به بررسی های دقیق درباره مبانی و فروع آن آشکار گشت. (۱)

نیز ن.ک: غیبت کبرا، حکومت اسلامی، ولایت فقیه، ولی فقیه،

ص: ۵۱۱

۱- محمد تقی مصباح یزدی، «اختیارات ولی فقیه در خارج از مرزها» فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۱.

شب ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نیمه شعبان اگرچه شرافتش را وامدار مولود خجسته ای است که در این روز زمین را با قدوم خویش متبرک ساخته است، در تقویم عبادی اهل ایمان، نیز از جایگاه و مرتبه والایی برخوردار است. در روایاتی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده، (۱) فضیلت های بسیاری برای عبادت و راز و نیاز در شب و روز خجسته نیمه شعبان بر شمرده شده است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هر کس شب عید و شب نیمه شعبان را با عبادت زنده بدارد، روزی که قلب ها همه بمیرند، قلب او نخواهد مرد. (۲)

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که پدر بزرگوارش _ در پاسخ کسی که از فضیلت شب نیمه شعبان پرسیده بود _ فرمود:

این شب، برترین شب ها پس از شب قدر است. خداوند سبحانه و تعالی در این شب، فضلش را بر بندگان جاری می سازد و از منت خویش، گناهان آنان را می بخشد. پس بکوشید در این شب به خداوند سبحانه و تعالی نزدیک شوید. هم_انا این شب، شبی است که خداوند سبحانه و تعالی ب_ه و ج_ود خود سوگند خورده است که در آن، درخواست کننده ای را _ تا آن گاه که درخواست گناه نداشته باشد _ از درگاه خود نراند. این شب، شبی است که خداوند سبحانه و تعالی آن را برای ما خاندان قرار داده است؛ همچنان که شب قدر را برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده است؛ پس بر دعا و ثنای خداوند تعالی بکوشید، که هر کس در این شب صد بار او را تسبیح گوید، و صد بار حمد الهی را بر زبان جاری سازد و صد بار زبان به تکبیر گشاید و صد بار بگوید: «لا اله الا الله»، خداوند سبحانه و تعالی از سر فضل و احسانی که بر بندگان دارد، همه گناهان او را بیامرزد و درخواست های دنیایی و آخرتی او را برآورده سازد؛ چه در خواست هایی که بر خداوند سبحانه و تعالی

ص: ۵۱۲

۱- ر.ک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۴۶۴، ح ۷۴۵۰، ۷۴۵۱، ۷۴۶۱؛ تفسیر القرطبی، ج ۱۲، ص ۱۶۷ و ...
۲- «مَنْ أَحْيَا لَيْلَةَ الْعِيدِ وَلَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ»، حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۷۸، ح ۹۹۰۳.

اظهار کرده و چه درخواست هایی که اظهار نکرده و خداوند سبحانه و تعالی با علم خود بر آن ها آگاه است. (۱)

بنابراین شایسته است افزون بر برپایی جشن و سرور در شب با عظمت نیمه شعبان، از بزرگی و عظمت آن شب غافل نشده، اعمال عبادی را به دقت انجام دهیم.

بر اساس روایت های بسیاری که از شیعه و برخی اهل سنت نقل شده، میلاد خجسته امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در شب نیمه شعبان ۲۵۵ ق واقع و باعث کامل شدن فضیلت این شب مبارک شده است. (۲)

نیز ن.ک: ولادت حضرت مهدی علیه السلام، شاهدان ولادت، حکیمه خاتون.

ص: ۵۱۳

-
- ۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۸۵، ح ۵؛ همچنین ر.ک: سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۷.
 - ۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۱۴؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲۴؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۴۷.

وقاتون < وقت ظهور

وقت ظهور

گاه ظهور آخرین حجت الهی برای برپایی حکومت واحد عدل جهانی

یکی از موضوعات مهم در مباحث مهدویت، وقت ظهور است؛ به گونه ای که ه حتی س ال ه ا پیش از ولادت حضرت مه دی عجل الله تعالی فرجه الشریف، درب ا ره آن، از معصومان علیهم السلام پرسش می شد. (۱) امامان معصوم علیهم السلام نیز همواره مسائل مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ویژه زمان ظهور آن حضرت را از رازهای الهی دانسته و وقت گ گ ذاران را تکذبی ب ک رده اند. با گذری کوتاه در سخنان ائمه اطهار علیهم السلام درباره وقت ظهور، به مطالب ذیل بر خواهیم خورد:

۱. آگاهی به زمان دقیق ظهور، فقط از آن خداوند سبحانه و تعالی است.

۲. معصومان علیهم السلام همواره مردم را از تعیین وق ت درب ا ره ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر حذر داشته، وقت گذاران را تکذیب کرده اند.

۳. روایات فراوانی ظهور را ناگهانی دانسته و احادیثی اصلاح امر فرج را

ص: ۵۱۵

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۲.

یک شب ذکر کرده است.

۴. اگر چه پنهان بودن زمان ظهور از رازهای الهی است و حکمت الهی اقتضای آن کرده این وقت نـزد مردم نامعلوم و پوشیده باشد، در بعضی روایات بـه پاره ای از حکمت های آن اشاره شده و تـا اندازه ای محدوده زمانی آن معین شده است.

۵. با نگاهی به کلام معصومان علیهم السلام می توان چگونگی آگاه شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از هنگـام ظهور را به راحتی به دست آورد.

همان گونه که بیان شد، در روایات فراوانی، از ظهور آن حضرت، حادثه ای ناگهانی یاد شده و روشن است ناگهانی بودن آن، با تعیین قبلی وقت منافات دارد؛ چرا که وقتی برای امری زمان مشخص شد، دیگر دفعی و ناگهانی بودن آن معنا نخواهد داشت. به طور مسلم، کسانی که تعیین وقت می کنند، سخنان خلاف این گروه روایات است. پاره ای از این روایات را این گونه می توان دسته بندی کرد:

الف. اصلاح امر ظهور در یک شب؛ امام علی علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مهدی از ما اهل بیت است که خداوند سبحانه و تعالی امر [فرج] او را در یک شب اصلاح می فرماید. (۱)

ب. آمدن همانند شهاب فروزان؛ امام باقر علیه السلام پس از بیان غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرمود:

او همـانند شهـابی شعله ور در تاریکی شب، آشکـار خواهد شد. (۲)

البته در برخی روایات، به صورت محدود، زمان هـایی برای رخداد این حادثه بزرگ ذکـر شده است. ایـن گونه روایات بـه چند دسته تقسیم می شود:

یک. روایاتی که جمعه را روز ظهور معرفی کرده است؛ (۳)

دو. روایاتی که روز ظهور را مصادف با روز عاشورا ذکر کرده است؛ (۴)

سه. روایاتی که هـ ظهور حضرت مهدی علیه السلام را در سال فرد ذکر کرده

ص: ۵۱۶

۱- «الْمَهْدِي مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُصْلِحُ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۵۲.

۲- «ثُمَّ يَبْدُو كَالشَّهَابِ الْوَقَادِ فِي ظُلْمَةِ اللَّيْلِ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۵۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۴.

٣- شيخ صدوق، الخصال، ح ٢، ص ٣٩٤.

٤- شيخ طوسي، تهذيب الاحكام، ج ٤، ص ٣٠٠.

چهار. برخی روایات نیز روز ظهور را شنبه ذکر کرده است. (۲)

اگـر چه قـرائنی چند بر ظهور حضـرت مهدی علیه السلام در روز جمعه وجود دارد؛ این روایت و امثال آن را می توان به این صورت توجیه کرد که نخستین روز ظهور، جمعه است و از آن جـا که قیام آن حضرت پس از ظهور است، قیام آن حضرت، روز شنبه رخ خواهد داد.

در باره چگونگی آگاه شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از وقت ظهور نیز روایات فراوانی ذکر شده است؛ مانند:

یک. الهام

بدون شک، معصومـان علیهم السلام مورد الهام خداوند سبحانه و تعالی قرار می گیرند وحی، به صورت رسمی با رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پایان گرفت؛ ولی در موارد فـراوانی به اهـل بیت علیهم السلام الهاماتی می شده و خواهد شد. برخی روایات چگونگی آگاه شدن حضرت مهدی علیه السلام از زمان ظهور را از راه الهام ذکر کرده است.

(۳)

دو. برافراشته شدن پرچم قیام

در روایاتی اشاره شده است که وقتی ظهور آن حضرت نزدیک شد، پرچمی که آن حضرت هنگام ظهور در دست خواهد داشت، به اذن و اراده الهی برافراشته شده، امام علیه السلام را به فرمان قیام آگاه خواهد کرد. (۴)

سه. بیرون آمدن شمشیر آن حضرت از غلاف

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

برای او شمشیری است در غلاف؛ هنگامی که وقت ظهورش فرا رسید، آن شمشیر از غلافش خارج می شود. خداوند سبحانه و تعالی آن شمشیر را به سخن در می آورد و شمشیر به حضرتش می گوید: «ای ولی خدا! خارج شو که دیگر نشستن مقابل [ستم] دشمنان

ص: ۵۱۷

۱- همو، کتاب الغیبه، ص ۴۵۳؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۶۳؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۵۹.

۲- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۳۳۳؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۳.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۳؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۴؛ محمد بن عمر کشی، رجال الکشی،

ص ١٩٢.

٤- ر.ك: شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ١، ص ١٥٥؛ راوندى، الخرائج والجرائح، ح ٢، ص ٥٥٠، كفايه الاثر،

ص ٢٦٦.

خ—دا ج—ایز نیست. پ—س او ظهور می کند.» (۱)

در پایان، گفتنی است مخفی بودن زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دارای حکمت های فراوانی است؛ از جمله:

۱. زنده نگه داشتن روح امید و انتظار در ج—امعه در ط—ول غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۲. معنا پیدا کردن امتحان شیعیان در عصر غیبت؛

۳. غافلگیر کردن مخالفان و دشمنان.

از آن ج—ا که یکی از دلی—ل های غیبت حض—رت مه—دی عجل الله تعالی فرجه الشریف ت—لاش دشمنان برای نابودی آن حضرت بود، روش—ن ب—ودن زم—ان ظه—ور، دشمنان را برای از بین بردن و مقابله با آن حضرت آماده می سازد؛ در ح—الی ک—ه نامعلوم بودن و ناگهانی بودن زمان ظهور، باعث غافلگیری دشمنان خواهد شد.

امام خمینی رهبر انقلاب نه فقط تعیین ادعای نزدیک بودن ظهور را پذیرفته اند بلکه به نوعی چنین ذهنیتی را نیز مردود دانسته اند:

از غیبت صغرا تا کنون که بیش از هزار سال می گذرد و ممکن است صد هزار سال دیگر بگذرد و مصلحت اقتضاء نکند که حضرت تشریف بیاورد، در طول این مدت مدید احکام اسلامی باید زمین بماند و اجراء نشود؟!... (۲)

مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی— یکی مراجع معاصر تقلید— نیز در این باره می گوید:

باید زمینه را مساعد کنید که اگر غیبت، صد هزار س—ال ه—م ط—ول بکشد، عقاید مردم خراب نشود. فردی بود هر روز می گفت: «حضرت می آید؛ ظهور نزدیک شده» یک بار گفت: «سه ماه دیگر حتماً آقا می آید.» سه ماه بعد گفتیم: «چه شد؟» گفت: «بداء حاصل شد!» (۳)

ناگفته نگذارم برخی با مطرح ک—ردن ظهور صغرا، ب—ر این باورند ظهور آن حضرت بسیار نزدیک است. همگان بر این امید هستیم که چنان باشد؛ اما هیچ دلیل روایی محکمی بر آن وجود ندارد. و تشبیه آن، با

ص: ۵۱۸

۱- همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۵۵.

۲- امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۲۷.

۳- شیخ جواد تبریزی در دیدار دانش پژوهان مرکز تخصصی مهدویت، فصلنامه انتظار، ج ۵، ص ۱۷.

غیبت صغرا نیز نا درست است.

نیز ن.ک: ظهور.

ص: ۵۱۹

پایان مهلت شیطان برای شیطنت

«وقت معلوم» یک بار در آیه ۳۸ سوره «حجر» و بار دیگر در سوره «ص»، آیه ۸۱ به کار رفته است؛ آن هنگام که ابلیس، مأمور به سجده بر آدم شد؛ ولی سجده نکرد. قرآ، در این باره می فرماید:

((قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسِيتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ))؛ (۱)

ای ابلیس! چه چیز مانع تو از سجده کردن بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم گردید؟ آیا تکبر کردی. یا از برترین ها بودی؟ گفت: من از او بهترم! مرا از آتش آفریده ای و او را از گل! فرمود: از آسمان ها [و از صفوف فرشتگان] خارج شو که تو راننده در گاه منی! و به طور مسلم نفرین من بر تو تا روز قیامت خواهد بود. عرض کرد: پروردگار من! مرا تا روزی که انسان ها برانگیخته می شوند، مهلت ده. فرمود تو از مهلت داده شد گانی؛ ولی تا روز و زمان معینی.

مفسران، در این که منظور از ((یوم الوقت المعلوم))؛ چه روزی است، گمانه های پرشماری ارائه کرده اند؛ بـرخى آن را پایـان ایـن جهان می دانند؛ چرا کـه در آن روز همه موجودات زنده می میرند، و فقط ذات خداوند سبحانه و تعالی می ماند. (۲) گـروهی احتمال داده اند منظور از آن، روز قیامت است؛ ولی این احتمال، نه با ظاهر آیات مورد بحث می سازد که لحن آن نشان می دهد با تمام خواسته او موافقت نشد و نه با آیات دیگر قرآن که از مرگ عموم زندگان در پایان این جهان خبر می دهد. این احتمال نیز وجود دارد که آیه یاد شده، به زمانی اشاره باشد کـه هیچ کس جز

ص: ۵۲۰

۱- ص (۳۸) آیات ۷۵ _ ۸۱.

۲- قصص (۲۸): ۸۸.

آنچه ای بن عبـارت را در بحث مهدویت وارد کرده؛ برخی روایات است که «یوم الوقت المعلوم» را دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته است. از وهب بن جمیع ـ آزاد شده اسحاق بن عمار ـ نقل شده است که گفت: از حضرت صادق علیه السلام درباره ای بن گفته ابلیس پرسیدم که هـ: «پروردگارا! پس مراتـا روزی که هـ خلاق برانگیخته شوند، مهلت ده» خداوند سبحانه و تعالی فرمود: «البته تو از مهلت داده شدگانی تا به روز و هنگام معین و معلوم» ـ آن چه روزی خواهد بود؟ فرمود:

وقت معلوم، روز قیام قائم آل محمد است. هرگاه خداوند سبحانه و تعالی او را برانگیزد، آن گاه که در مسجد کوفه است ابلیس نزد وی می آید؛ در حالی که بر زانوانش راه می رود و می گوید: «ای وای از این روزگارا!» آن گاه از پیشانی اش او را می گیرد و گردنش را می زند. آن هنگام، روز وقت معلوم است که مدت او به پایان می رسد.» (۲)

البته در برخی روایات، هلاکت او را به دست پیـامبر خـاتم صلی الله علیه و آله و سلم بر صخـره ای در بیت المقدس ذکـر کرده اند. (۳)

بعید نیست مقصود از روایت، این باشد که با روشن شدن حقایق در عصر ظهور و رشد بسیار بالای عقلانی انسان ها در آن عصر، دیگر مجالی برای اغوای شیطان باقی نخواهد ماند و عملاً خلع سلاح و نابود می شود و این، پایان مهلت او است. (۴)

پنهان نماند احتمال های دیگری در بیان مفسران آمده است که لکن

ص: ۵۲۱

۱- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۴۳.

۲- «الْوَقْتُ الْمَعْلُومُ يَوْمُ قِيَامِ الْقَائِمِ فَإِذَا بَعَثَهُ اللَّهُ كَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ جَاءَ إِبْلِيسُ حَتَّى يَجُثُّ عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَيَقُولُ يَا وَيْلَاهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَتِهِ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ فَذَلِكَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ مُنْتَهَى أَجَلِهِ»، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶، ح ۱۷۸؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۰.

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۴۴، ح ۹۶.

۴- ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲، ح ۵؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۶؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۱۵.

همین اختصار در این جا کافی به نظر می رسد.

وکلاى حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف

يکى از مجموعه هاىي که در دوران امامان پيش از حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف شکل گرفت، سازمان وکالت بود. آن امامان بزرگوار، اين تشکيلات را برای آماده کردن هرچه بيشتر مردم برای تحمل دوران غيبت حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف به وجود آوردند؛ از اين رو هـ ر چـ ه بيشتر می کوشيدند از رويارويى مستقيم، کاسته، امور را به عهده افراد شايسته بگذارند. اين تشکيلات، به گونه رسمى در زمان امام کاظم عليه السلام پديد آمد؛ اما در زمان حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف به اوج خود رسيد.

از آن جا که در عصر غيبت، تماس مستقيم با امام زمان قطع شد، به طور عمده، محور ارتباط وکيلان با امام، نايبى بود که امام زمان تعيين می کرد. برخى از اين وکيلان، عبارت بودند از:

۱. احمد بن اسحاق (وکیل در قم)؛

۲. محمد بن شاذان (وکیل در نيشابور)؛

۳. محمد بن حفص؛

۴. محمد بن صالح همدانى (وکیل در همدان)؛

۵. قاسم بن عمار (وکیل در آذربايجان)؛

۶. ابوالحسين محمد بن جعفر اسدى (وکیل در ری) (۱)؛

۷. ابراهيم بن محمد همدانى؛

۸. ابراهيم بن مهزيار (وکیل در اهواز)؛

۹. محمد بن ابراهيم بن مهزيار؛

۱۰. احمد بن حمزه بن يسع قمى؛

۱۱. داوود بن قاسم بن اسحاق؛

۱۲. محمد بن على بن بلال؛

۱۳. ابو محمد و جنائی؛

۱۴. عبدالله بن ابی غانم قزوینی؛

۱۵. حسین بن علی بزوفری؛

۱۶. احمد بن هلال عبرتائی؛

۱۷. حاجز بن یزید ملقب به «وشاء» و کیل در بغداد. (۲)

البته سه تن از این افراد محمد بن علی بن بـ لال، محمد بن صالح همدانی و احمد بن هلال منحرف و

ص: ۵۲۲

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۱۵، ح ۳۹۱؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ح ۲، باب ۴۳، ح ۱۶.

۲- ر.ک: محمد بن عمر کشی، رجال الکشی، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه.

از وکالت امام برکنار شدند.

نیز ن.ک: سازمان وکالت، نیابت خاص، نواب خاص.

ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از حـ وادث مهم در تـ اریخ بشر، ولادت آخرین ذخیره الهی و موعود امت‌ها، حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ولادت آن حضرت، از مسلمات تاریخ به شمـار می‌آید. نـه فقـط امامان معصوم علیهم السلام، دانشمندان و تـاریـخ نویسان شیعه به این مهم اشاره کرده‌اند؛ بلکه مورخان و محدثانی چند از اهل سنّت نیز به این حادثه بـزرگ تصـریح نموده، آن را یک واقعت دانسته اند.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ولادت شگفت آوری داشته و ایـن، بـرای بسیاری سؤال انگیز بوده است؛ از این رو، ترسیم و تصویر مقدمات ولادت و برخورد مخـالفان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام برابر این پدیده، ضروری می‌نماید.

جریان امامت پیشوایان معصوم علیهم السلام، پـس از رسـول خـدا صلی الله علیه و آله و سلم فراز و فرودهای فراوانی پیدا کرد. امامان معصوم علیهم السلام، بـا حفظ راهبرد کلی و خطوط اساسی امامت، در رابطه با حفظ مکـتب و ارزش هـای آن، روش هـای گـوناگونی را در بـرابر ستمگران، در پیش گرفتند. این فراز و نشیب هـا، تـا زمان امـامت علی بن موسی‌الرضا علیهما السلام، ادامـه داشت و امامان علیهم السلام تـا آن زمـان، هر یک به تناسب زمان و مکان و ارزیابی شرایط سیاسی و اجتماعی، موضعی ویـژه برمی‌گزیدند. پس از امام رضا علیه السلام، جریان امامت شکل دیگری یافت. امام جواد، هادی و عسکری علیهم السلام، در برابر دستگـاه حـاکم و خلفای عباسی موضعی یگانه برگزیدند. (۱)

پس از این که دو قرن و اندی از هجرت پیـامبر صلی الله علیه و آله و سلم سپری شد و امامت به آنـان رسید، اندک اندک میان حکومتهای مسلمین در مرکز خلافت، نگرانی‌هایی عمیق جان گرفت. این نگرانی‌ها مربوط به اخبار و احـادیث بسیاری بود که در آن‌ها اشاره شده از امام عسکری علیه السلام فرزندی تولد خواهد یافت که بر هم زننده اساس حکومت‌ها است. از این رو بر فشارها و سخت‌گیری‌ها بر امام حسن عسکری علیه السلام افـزوده شد؛ تا

ص: ۵۲۳

شاید با نابودی ایشان، از تولد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تداوم امامت جل و گیری شود. اما بر خلاف برنامه‌ریزی‌ها و

پیشگیری‌های دقیق و پی‌در پی دشمنان، مقدمات ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آم‌آمده شد و توطئه‌های ستمگران، راه‌ب‌ب‌جایی نبرد، بدین علت دورانی که آن حضرت در شکم مادر بزرگوار خود بود و سپس تولدش، همه و همه، از مردم پنهان بود و جز چند تن از نزدیکان، شاگ‌گردان و اصحاب‌خ‌اص امام عسکری علیه السلام، کسی او را پس از ولادت نمی‌دید. آنان نیز مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گاه‌گاه می‌دیدند؛ نه پیوسته و به صورت عادی. (۱)

درباره چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایشان مشهورترین نظ‌ر، سخنان ارزشمند بانوی بزرگوار، حضرت حک‌حکیمه علیها السلام عم‌عم‌ه‌ام‌ام عسکری علیه السلام است. شیخ صدوق، این حادثه بزرگ را از زبان او در روایتی مفصل یاد کرده است. (۲)

پنهانی بودن ولادت

یکی از ویژگی‌های ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پنهان بودن آن است که در سخن‌ان معصوم‌ان علیهم السلام نیز با تعبیر‌های متف‌اوت‌م‌ورد‌اش‌اره قرار گرفته است. امام سجاد علیه السلام فرمود: در قائم ما سنت‌هایی از پیامبران وجود دارد: ... و سنتی از ابراهیم ... و اما از ابراهیم پنهانی ولادت و کناره‌گیری از مردم ... (۳)

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

ولادت صاحب‌الامر بر این خلق پوشیده است تا چون ظهور کند، بیعت کسی بر گردنش نباشد. (۴)

فلسفه مخفی بودن ولادت

مهم‌ترین فلسفه غیبت در امان

ص: ۵۲۴

۱- محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۱-۲۲. (با تصرف)

۲- شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱؛ همچنین ر.ک: شیخ طوسی، کتاب‌الغیبه، ص ۲۳۸؛ اربلی، کشف‌الغمه، ج ۲، ص ۴۴۹.

۳- «فِي الْقَائِمِ مِمَّا سَنَّ مِنْ سُنَنِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ... وَ سُنَّةٍ مِنْ إِبْرَاهِيمَ ... وَ أَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخَفَاءُ الْوِلَادَةِ وَ اعْتِرَالُ النَّاسِ ...»، شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۵۶۷.

٤- «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ تَعْمَى وَوَلَادَتُهُ عَلَيَّ هَذَا الْخَلْقِ لِنَّا يَكُونُ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ يَبْعُهُ إِذَا خَرَجَ»، شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٤٧٩، ح ١.

ماندن آن حضرت از خطر نـ ابودی است. به این بیان که خداوند متعال، می دانست اگر امامان پیشین ظاهر شوند، از کشته شدن در امـ ان خواهند بود؛ برخـ لاف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که اگر ظاهر شود، کشته خواهد شد. اگر یکی از پدران مهدی کشته می شد، حکمت و تدبیر الهی اقتضا می کرد دیگری به جای او نصب شود؛ ولی اگر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کشته شود، مصلحت و تدبیر امور انسانها اقتضا نمی کرد که امام دیگری به جای او نصب گردد. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

ولادت صاحب الامر بر این مردم نهان است، تا چون خروج کند، بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد و خدای تعالی امر وی را در یک شب به سامان رساند. (۱)

مخفی بودن ولادت، درباره برخی از بزرگان نقل شده است که می توان از آن جمله به ولادت مخفیانه ابـ راهیم خلیـ ل علیه السلام از ترس کشته شدن به دست پادشاه زمانش و نیز بـ ه ولادت پنهـ انـ ی موسی بـ ن عمران علیه السلام از ترس کشته شدن به دست فرعون اشاره کرد.

به همین جهت شیخ طوسی، ولادت پنهانی حضرت مهدی علیه السلام را امـ ری عادی و معمولی دانسته، می نویسد:

این نخستین و آخرین حادثه نبوده و در طول تاریخ بشری، نمونه های فراوان داشته است. (۲)

این حقیقت را صاحب منتخب الاثر نیز به تفصیل بیان کرده است. (۳)

اثبات ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ولادت حضرت مهـ دی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بـ ه دلایلی پنهانی صورت گرفت و باعث شد برخی، آن را انکـ ار کنند؛ امـ ا شیعه برای اثبات ولادت آن حضرت، دلیل های فراوانی آورده است.

الف. نوید امام عسکری علیه السلام به ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام حسن عسکری علیه السلام گاهی، نوید مولودش را به یاران خاص می داد. (۴)

ص: ۵۲۵

۱- «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ تَغِيبُ وَلِدَاتُهُ عَنْ هَذَا الْخَلْقِ لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ وَ يَضِلُّحُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ»،

شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۰، باب ۴۴، ح ۵.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۷۷، ح ۱۰۵.

۳- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۳۵۳.

۴- «... سیرزنی الله ولداً بمنه و لطفه»، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۳.

و نیز در نویدی به همسر بزرگوار خود داد، چنین فرمود:

در آینده ای نزدیک دارای فرزندی خواهی شد. نامش محمد است. او قائم از بعد من است. (۱)

ب. خبر دادن امام عسکری علیه السلام از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام حسن عسکری علیه السلام برای یاران ویژه، ولادت فرزند خود را گزارش کرد. احمد بن اسحاق گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که فرمود:

سپاس از آن خدایی است که مرا از دنیا بُرد، تا آن که جانشین مرا به من نشان داد. او از نظر آفرینش و اخلاق، شبیه ترین مردم به رسول خدا است. خدای تعالی، او را در غیبتش حفظ فرماید؛ سپس او را آشکار کند. او زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همچنان که آکنده از جور و ستم شده باشد. (۲)

ابراهیم بن ادريس نیز گوید: امام عسکری علیه السلام گوسفندی به من داد و فرمود: «این را برای فرزندم فلان عقیقه کن و خود و نزدیکانت از آن بخورید.» سپس دو گوسفند داد و فرمود: «این دو گوسفند را از مولای خود عقیقه کن و بخور که خداوند سبحانه و تعالی بر تو گوارا نماید و به برادران دینی خود نیز از آن بده.» (۳)

ج. خبر حکیمه _ عمه امام عسکری علیه السلام _ از ولادت آن حضرت

حکیمه دختر امام جواد علیه السلام و عمه امام حسن عسکری علیه السلام، از زن _ ان والا مقام نزد امام _ ان علیهم السلام بود. وی به دستور مستقیم ام _ ام عسکری علیه السلام، شب ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور داشت و بخش فراوانی از روایات ولادت آن حضرت، از س _ وی این بانوی بزرگ _ وار نقل شده است.

ص: ۵۲۶

۱- «سَتَحْمِلِينَ وَلَدًا وَ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَ هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۸، ح ۴.
۲- «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ خَلْقًا وَ خُلُقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يَظْهَرُهُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۸، ح ۴.

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲؛ ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۵.

د. خیر نسیم و ماریه (خادمان بیت امامت)

ایشان، دو تن از خدمتگزاران خانه امام عسکری علیه السلام بودند و از برخی روایات استفاده می شود که آنان نیز در شب ولادت در خانه امام عسکری علیه السلام حضور داشته اند.^(۱)

ه. گزارش عده فراوانی از بزرگان شیعه

أبوالادیان، از خدمتکاران خانه امام حسن عسکری علیه السلام بود که علاوه بر حضور در بیت آن بزرگوار، سرپرست امور نامه های آن حضرت و بردن آن ها به شهرهای مختلف بود. او، یکی از کسانی است که روایت شهادت امام عسکری علیه السلام و نماز خواندن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر پیکر آن حضرت را ذکر کرده است.^(۲)

و. گزارش برخی از دانشمندان اهل سنت

بیشتر اهل سنت _ آن گونه که شیعه باور دارد _ اعتقادی به زاده شدن مهدی موعود ندارند؛ اما دانشمندانی چند از ایشان، علاوه بر تصریح یا اشاره به ولادت آن حضرت در سال ۲۵۵ ق، او را همان موعود در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دانسته اند. افرادی از اهل سنت که در نوشته های خود به ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره کرده اند، دو دسته هستند:^(۳)

یک. کسانی که ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گزارش کرده اند؛ ولی در باره موعود بودن او ساکت مانده اند.^(۴) ابن اثیر (م ۶۳۰ ق)، در الکامل فی التاریخ درباره حوادث سال ۲۶۰ ق چنین می نویسد:

در ای _ ن س _ ال، اب _ و محمد علوی عسکری وفات کرد. او یکی از دوازده امام مذهب امامیه و پدر محمد است

ص: ۵۲۷

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۰، ح ۵.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۵؛ باب ۴۳، ح ۲۵. همچنین ر. ک: نیلی نجفی، منتخب الانوار المضيئه، ص ۱۵۷؛ الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۰۱.

۳- اینجا فقط به موارد اندکی اشاره شده است. برای تفصیل بیشتر، ر. ک: سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۱۸۵ _ ۲۰۰؛ همو، در انتظار ققنوس، مهدی علیزاده، ص ۱۸۸ _ ۱۹۸.

۴- برخی اهل سنت که ولادت حضرت مهدی علیه السلام را گزارش کرده اند، فقط آن را از دیدگاه شیعه بیان کرده اند، در حالی که عده ای گمان کرده اند کسانی که ولادت آن حضرت را نقل کرده اند بر این باور هستند که آن حضرت به دنیا آمده است.

که معتقدند او منتظر می باشد. (۱)

ابن خلکان (م ۶۸۱ق) در وفيات الاعيان (۲) و ذهبی (م ۷۴۸ق) در كتاب العبر (۳) چنین گزارشی ارائه کرده اند.

دو. کسانی که علاوه بر گزارش ولادت آن حضرت، به موعود بودن آن حضرت تصریح کرده اند (البته این دسته کم شمارند):

کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (م ۶۵۲ق) در کتاب مطالب السؤل گوید:

ص: ۵۲۸

۱- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۱۸۶، به نقل از: ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۲۷۴ در پایان حوادث سال ۲۶۰ قمری.

۲- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۱۸۶، به نقل از: ابن خلکان، وفيات الاعيان، ج ۴، ص ۱۷۶، ح ۵۶۲.

۳- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۱۸۶، به نقل از: ابن خلکان، وفيات الاعيان، ج ۴، ص ۱۷۶، ح ۵۶۲.

ابوالقاسم محمد بن حسن خالص، پسر علی متوکل، پسر قانع، پسر علی رضا، پسر موسی کاظم، پسر جعفر صادق، پسر محمد باقر، پسر علی زین العابدین، پسر حسین زکی، پسر علی مرتضی امیرالمؤمنین، پسر ابوطالب، مهدی، حجت، خلف، صالح، منتظر علیهم السلام و رحمت و برکات خداوند سبحانه و تعالی بر او باد. (۱)

نور الدین علی بن محمد بن صباغ مالکی (م ۸۵۵ ق) فصل دوازدهم از کتاب الفصول المهمه را با این عنوان آورده است:

در شرح حال ابوالقاسم حجت، خلف صالح، پسر ابومحمد حسن خالص، او امام دوازدهم است. (۲)

زمان و مکان ولادت

مطابق روایت های بسیاری از شیعه (۳) و برخی از اهل سنت، میلاد خجسته امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شب نیمه شعبان ۲۵۵ ق، واقع و باعث مزید فضیلت این شب مبارک شده است. البته عده اندکی، زمان های دیگری را نیز نقل کرده اند. (۴) ابوالفضل حسین بن حسن علوی گوید:

در سامرا، به منزل امام حسن علیه السلام رفتم و ولادت سرورمان، صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به وی تبریک گفتم. (۵)

نیز ن.ک: شعبان، نیمه شعبان، شاهدان ولادت حضرت مهدی علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام، مادر حضرت مهدی علیه السلام .

ولایت فقیه

سرپرستی جامعه در امور دین و دنیا، به دست فقیه دینی در عصر غیبت

ولایت، واژه ای عربی است که از نگاه لغوی، از ریشه (ول ی) گرفته شده است و به کسر و فتح «واو» خوانده می شود. «ولی» در لغت عرب، به معنای آمدن چیزی است در پی چیز دیگر؛ بدون آن که

ص: ۵۲۹

۱- طلحه شافعی، مطالب السؤل، ج ۲، ص ۷۹، باب ۱۲.

۲- ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۲۸۷.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۱۴؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲۴؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۴۷.

۴- ر. ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۹؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۱.

٥- شيخ طوسى، كتاب الغيبه، ص ٢٢٩؛ محمد باقر مجلسى، بحار الانوار، ج ٥١، ص ١٧.

فاصله ای میان آن دو باشد؛ از این رو، این واژه در معانی دوستی، یاری، پیروی، تصدی امر غیر و سرپرستی استعمال شده که وجه مشترک همه این معانی، قرب معنوی است.

از میان این معانی، معنای سرپرستی و تصرف در کار دیگری، با آنچه از ولایت فقیه اراده می شود، همخوانی بیشتری دارد. کسی که عهده دار کاری می شود، بر آن ولایت یافته و مولا- و ولی آن امر محسوب می شود؛ بنابراین، کلمه ولایت و هم ریشه های آن (مانند ولی، تولیت، متولی و والی) بر معنای سرپرستی، تدبیر و تصرف، دلالت دارد.

واژه فقیه در لغت، به معنای کسی است که فهمی عمیق و دقیق دارد و از ریشه (ف ق ه) گرفته شده که به معنای غلبه علم و فهم و ادراک درباره چیزی است. در اصطلاح، فقیه کسی است که بتواند احکام شرعی را از آیات قرآن و سخنان معصومان علیهم السلام استنباط و استخراج کند.

مسئله ولایت فقیه که پیشینه آن، به آغاز فقه باز می گردد، یکی از مهم ترین مسایل جامعه شیعی است؛ به گونه ای که اندیشه سیاسی پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام در عصر غیبت کبرا- به ویژه دوران معاصر- با آن گره خورده است. از آن جا که در دوران معاصر، بزرگ ترین تحوّل اجتماعی در امت اسلامی، به نام انقلاب اسلامی ایران، بر این باور سترگ بنا شده، بحث درباره آن، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

از س-وی دیگ-ر، یگ-انه ف-ریاد ظلم ستیزی و مقابله با زیاده خواهی استکبار جهانی، برخاسته از این تفکر ارجمند و اصل مترقی است که دشمنی ه-ای ف-راوانی را از سوی ستمگ-ران و استکبار جهانی در پی داشته است. ای-ن خ-ود، اهمیت پرداختن به این بحث را دوچندان ساخته است.

ادله ولایت فقیه

ولایت فقیه هم از راه عقل و هم از راه روایات و احادیث ثابت است. از آن ج-ا که در مدخل نیابت عام، به برخی روایات در این باره اشاره شد، این جا به صورت مختصر به دلیل عقلی اشاره می کنیم:

از آن ج-ا ک-ه در عص-ر غیبت، دسترسی به پیشوای معصوم علیه السلام امکان پذیر نیست و تشکیل حکومت هم ضروری است، باید فردی ولایت و حکومت را بر عهده بگیرد. بدین

ص: ۵۳۰

منظور، سه راه پیش رو داریم: یا این که ولایت غیر فقیه را بپذیریم یا فقیه

غیر عادل یا ولایت فقیه عادل را.

عقل هر انسان حکم می کند غیر فقیه و فقیه غیر عادل شایسته ولایت و حکومت نیست؛ چرا که این جا تشکیل حکومت اسلامی مورد بحث است و برای پیاده کردن حکومت اسلامی و اجرای احکام دین، باید فردی زمام این امر را به عهده گیرد که به احکام اسلامی به طور ژرف و اسـی آشنا بوده و شیـوه اداره حکومت را هم بداند در عین حال، پرهیزگـار و متعهد باشد، تـامـر حکومت را فدای خواسته های نفسانی و امیال شیطانی خود نکند. افزون بر آن، این که نه فقط درباره حکومت اسلامی، بلکه درباره هر حکومتی، عقل حکم می کند جاهلان، جاه طلبان و هوسرانان شایستگی زمامداری را ندارند؛ بنابراین فقهی که به احکام اسلامی و اوضاع سیاسی ـ اجتماعی زمان خود آگاه بوده از تقوا و عدالت و تدبیر و مدیـریت و کمـالات لازم برخـوردار باشد، بـرای حکـومت، شایسته تر از دیگران است.

نیز ن.ک: نیابت عام، نواب عام، حکومت اسلامی.

ولی فقیه

سرپرست جامعه در امور دین و دنیا در دوران غیبت

در اصطلاح، ولی فقیه کسی است که عالم به سیاست های دینی و برقرارکننده عدالت اجتماعی میان مردم باشد. طبق اخبار، او دژ اسلام و وارث پیامبران و جانشین پیامبر خدا و همچون پیامبران بنی اسرائیل بوده، بهترین خلق خدا پس از امامان علیهم السلام است. مجـاری امـور و احکـام و دستورها، به دست او بوده و حاکم بر زمامداران است. (۱)

مسأله ولایت فقیه ریشه کلامی دارد؛ ولی جنبه فقهی آن سبب شده است فقیهان از روز نخست، در ابواب گوناگون فقهی از آن بحث کنند و موضوع ولایت فقیه را در هر یک از مسایل مربوط روشن سازند. در باب جهاد و تقسیم غنائم، خمس، گرفتن و توزیع زکات، سرپرستی انفال، نیز اموال غایبان و قاصران، باب امر به معروف و نهی از منکر، باب حدود و

ص: ۵۳۱

قصاص و تعزیرات و مطلق اجرای احکام انتظامی اسلام، فقها از مسأله ولایت فقیه و گستره آن بحث کرده اند؛^(۱) بنابراین در یک تقسیم بندی کلی، دو نوع ولایت تصور می شود:

قسم نخست: ولایت، از نوع سرپرستی و اداره امور مؤمنان است؛ همان ولایتی که به قرار دادن خداوند سبحانه و تعالی، رسول اکرم و امامان معصوم علیهم السلام و در عصر غیبت، فقیه عادل، از آن برخوردار است.

قسم دوم: ولایت، ناظر به تصدّی امور کسانی است که به سبب کوتاهی در فهم و شعور یا ناتوانی عملی از انجام کارهای خویش یا عدم حضور، نمی توانند حق خود را به طور کامل به دست آورند و لازم است که ولی از طرف آنان و به صلاحدید خودش به سرپرستی و اداره امور این افراد اقدام کند. ولایت پدر و جد پدری بر فرزندان صغیر یا سفیه و مجنون خود، ولایت اولیای مقتول (ولی دم) ولایت میت، نمونه هایی از این قسم ولایت است.^(۲)

غفلت از تفاوت اساسی میان این دو قسم ولایت و یکسان پنداشتن آن دو، منشأ خطایی شده است که برخی مخالفان ولایت فقیه بدان دچار شده و پنداشته اند ولایت فقیه، از سنخ ولایت بر محجوران و قاصران است و معنای ولایت فقیه، آن است که مردم همچون مجانین و کودکان و سفیهان محجور و نیازمند قیمنند، و ولی فقیه، قیم مردم است؛ پس ولایت فقیه، مستلزم نوعی تحقیر و اهانت به مردم و رشد آنان است.^(۳) به طور اساسی اضافه شدن ولایت به وصف عنوانی فقیه محدودیت آن را در چارچوب فقه می رساند. در واقع، فقه او است که حکومت می کند، نه شخص او، پس هیچ گونه قاهریت و حاکمیت اراده شخصی در کار نیست. از همین جا، مسؤولیت مقام رهبری در اسلام، در پیشگاه خدا و مردم روشن می شود. او در پیشگاه خدا مسؤول است احکام را به طور کامل اجرا نماید و مقابل مردم مسؤول است تا مصالح همگانی را به بهترین شکل ممکن تأمین کند و عدالت

ص: ۵۳۲

۱- محمد هادی معرفت، ولایت فقیه، مقدمه.

۲- احمد واعظی، حکومت اسلامی، ص ۱۱۸.

۳- پیشین، ص ۱۱۹.

اجتماعی را در همه زمینه ها و به صورت گسترده و بدون تبعیض اجرا کند و هرگز در این مسؤولیت کوتاه نیاید. (۱) این جا است که بحث حکومت اسلامی به رهبری فقیه عادل پیش می آید.

ص: ۵۳۳

۱- محمدهادی معرفت، ولایت فقیه، ص ۱۰ و ۱۱.

همسر و فرزند مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

سَرَب_____ و دَن پنه_____ اَن زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسی_____ اری از چگک_____ و نگی های زندگی آن حضرت را در هاله ای از ابهام و اختلاف دیدگاه، قرار داده است. از آن جا که روایت صریح و روشنی در ب_اره خ_____ انواده آن حضرت، در دست نیست و روایت ه_____ ای موج_____ و د نیز بیان های گوناگونی را ارائه می کنند، دیدگاه های متفاوتی بین دانشمندان شیعه پدید آمده است:

۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ازدواج کرده و دارای فرزندان نیز هست. (۱)

۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ازدواج نکرده است. (۲)

دیدگاه نخست: اثبات همسر و فرزند

کسانی که بر این باورند، اعتقاد دارند آن حضرت به طور قطع ازدواج کرده، و دارای فرزندان نیز هست.

ص: ۵۳۵

۱- محدث نوری، نجم الثاقب، ص ۴۰۲.

۲- البته برخی بزرگان، دیدگاه سومی را مطرح کرده اند که در آن، احتمال داده شده آن حضرت ازدواج کرده است؛ ولی دارای فرزند نیست. ر.ک: سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، مقدمه، ص ۲۳.

ایشان به طور عمد، دو دسته دلیل برای این ادعا ذکر کرده اند:

۱. ازدواج، امری مستحب است و ساحت حضرت ولی عصر علیه السلام از ترک این مستحب، مبرا می باشد.

۲. در کتـاب های روایـی، برخی روایت ها و ادعیه، بر همسر و فرزند داشتن حضرت دلالت دارد.

دلیل نخست: استحباب ازدواج

برخی افرادی که این احتمال را ترجیح داده اند، در پاسخ منکران وجود همسر و فرزند برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین نوشته اند:

چگونه تـرک خواهند کرد چنین سنّت عظیمه جدّ اکرم خود را با آن همه ترغیب و تحریص که در فعل آن و تهدید و تخویف در ترک آن شده، و سزاوارترین امت در اخذ به سنّت پیغمبر، امام هر عصر است، و تا کنون کسی ترک آن سنّت را از خصایص آن حضرت نشمرده است. (۱)

نیز یکی از دانشوران معاصر در این باره نوشته است:

بنابـراین آن حضرت، فرزندان و نوادگان زیادی خواهد داشت که شمـارش آن هـا به سادگی ممکن نیست. اگر در این زمینه (داشتن همسر و فرزند) هیچ نقل روایی وجود نداشت، و فقط همین مطلبی که آن حضرت با وجود سن زیاد از نظر جسمی جـوانی قوی البنیة است... و نیز می دانیم که آن حضرت به سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عمل می کند، در قبول این مطلب که آن جناب همسر و فرزندان دارد کافی بود. (۲)

بررسی این دیدگاه

استدلال پیشین، دارای دو مقدمه است:

۱. ازدواج، سنّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، و کاری شایسته و مستحب است.

۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ناگزیر این سنّت را انجام می دهد.

اما مقدمه نخست

شکی نیست که استحباب ازدواج از آیات (۳) و روایات (۴) فراوانی استفاده می شود.

ص: ۵۳۶

۲- علی سعادت پرور، ظهور نور، ص ۱۲۳.

۳- نساء (۴): ۳.

۴- «النَّكَاحُ سُنتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِّ فَلَيسَ مِنِّي»، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰.

با توجه به آیات و روایات و وجود کلمات امر، مانند «انکحوا» در آیات، و تشویق به ازدواج در روایات، و سفارش در عمل به سنت پیامبر خدا، استحباب شرعی ازدواج قابل استنباط است.

اما مقدمه دوم:

لزوم عمل امام علیه السلام به امر شرعی و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسش هایی را پدید می آورد؛ از جمله این که:

با توجه به انبوه کارهای مستحب، آیا امام علیه السلام بـ همه آن هـ عمل می کند؟ یا از آن امور انتخاب کرده و گزینشی عمل می کند؟

با توجه به دو مقدمه ای که گذشت، بـ برخی بر این باورند امام زمان علیه السلام در عصر غیبت ازدواج کرده و صاحب همسر و فرزند است.

در نقد این دلیل گفته شده است:

اگر انجام ازدواج را بر استحباب نیز حمل کنیم، نکته قابل توجه این است که این استحباب، با مسأله بسیـار مهم غیبت و فلسفه آن، در تعارض است.

این پرسش پیش می آید که هـ اهمیت ازدواج، در جایگـاه یک مستحب بیشتر است یا امر بسیار مهم امر به معروف و نهی از منکر؟ ناگزیر پاسخ داده خواهد شد: امر به معروف مهم تر است. حال آیا امام عصر علیه السلام از این همه منکری که رخ می دهد خبر دارد یا خیر؟ نیز گفته می شود: خبر دارد؛ پس چرا نهی از منکر نمی کند؟ خواهد گفت: با مقام غیبت حضرت در تعارض است. حال این پرسش پیش می آید که هـ آیا واجبی به این اهمیت در تعارض با غیبت ترک می شود؛ اما امر مستحب نه؟

نه فقط امر به معروف که بسیاری از شؤونات امام است که هـ به دلیـل غیبت او بـ صورت موقت تـرک می شود.

افزون بر این که روایت نبوی می گوید: «فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»؛ (۱) و آن، بدین معناست که با آن، به مخالفت برخیزد. بر ما روشن است که هر کس اگر به دلیل هایی نتوانست ازدواج کند، به این معنا نیست که با آن مخالف است.

دلیل دوم: برخی روایات و ادعیه

افزون بر دلیل پیشین که

مهم ترین دلیـل در ایـن باره است، دلیل ها ای دیگری بر فرزند دار بودن آن حضرت نیز بیان شده است:

شیخ طوسی از مفضل بن عمر نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

برای صاحب این امر، دو غیبت است که یکی از آن ها، به اندازه ای طولانی می شود که برخی از مردم گویند از دنیا رفته است؛ برخی گویند: کشته شده و برخی گویند: آمده و رفته است؛ جز اندکی از شیعیان، بر باور خود استوار نماند. کسی از فرزندان و غیر آنان، از اقامتگاه او آگاه نمی شود؛ جز کسی که متصدی امور او است. (۱)

بررسی کوتاه

استدلال به این روایت، از چند جهت محل تأمل است:

الف. نعمانی همین روایت را نقل کرده است؛ در حالی که به جای «من ولده»، «من ولی» آورده است.

با توجه به این که کتاب الغیبه نعمانی به مراتب بر کتاب الغیبه شیخ طوسی مقدم بوده و بخشی از سند هر دو کتاب مشترک است و نیز بین کلمه «ولی» و «ولد» از نظر نوشتار، نزدیکی وجود دارد، احتمال تصحیف، بسیار قوی می نماید؛ بنابراین، استدلال به این روایت، بی اعتبار خواهد شد.

یکی از دانشمندان معاصر پس از ذکر هر دو روایت می نویسد:

با وجود این اختلاف، استناد به نقل «غیبت شیخ» اطمینان بخش نیست؛ بلکه نقل «غیبت نعمانی» از برخی جهات، مانند علو سند و لفظ حدیث، معتبرتر به نظر می رسد. (۳)

یکی دیگر از اندیشه وران معاصر پس از اشاره به اختلاف نقل شیخ طوسی و نعمانی، در باره این روایت نوشته است:

ص: ۵۳۸

۱- «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ عَجَبَيْنِ إِحْدَاهُمَا تَطُولُ حَتَّى يَقُولَ بَعْضُهُمْ مَاتَ وَ يَقُولَ بَعْضُهُمْ قُتِلَ وَ يَقُولَ بَعْضُهُمْ ذَهَبَ حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَى أَمْرِهِ مِنْ أَضْيَاحِهِ إِلَّا نَفْرٌ يَسِيرٌ لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وُلْدِهِ وَ لَا غَيْرِهِ إِلَّا الْمَوْلَى الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۱.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۲.

۳- لطف الله صافی گلپایگانی، پاسخ ده پرسش، ص ۵۴.

کمترین احتمالی که در این باره وجود دارد، این است که مقصود از عبارت «هیچ یک از فرزندان و نه دیگران، از جای آن حضرت آگاه نیستند» مبالغه در شدت پنهانی باشد؛ بدین معنا که اگر هم بر فرض آن حضرت را فرزندی باشد، حتی او هم از شخصیت حقیقی حضرت آگاه نخواهد بود، تا چه رسد به دیگران و لذا _ چنان که واضح است _ این عبارت دلیلی بر وجود فرزند بالفعل نمی باشد. و همین اندازه که چنین معنایی برای روایت محتمل باشد، برای ساقط کردن استدلال بدان کفایت می کند؛ زیرا آن گاه که احتمال به میان آید، استدلال باطل است.»(۱)

ب. درباره روایت شیخ طوسی گفته می شود که مورد تحریف واقع شده است؛ زیرا در این روایت، ضمیر مفرد، به جای جمع استفاده شده است:

[در روایات] می گوید: «از فرزندان او و دیگری»؛ در حالی که صحیح این بود که بگوید «از فرزندان او و دیگران.» مگر این که کسی بگوید ضمیر «ها» در کلمه «ولده» از سوی نسخه نویسان اضافه شده است یا این که بگویند مقصود روایت اشاره به این مطلب است که امام علیه السلام فقط یک فرزند دارد. یا این که بگوید مراد از لفظ «ولد» اسم جنس است و برای مراعات این نکته ضمیر مفرد به کار رفته است.»(۲)

۲. حکایت جزیره خضرا که سخن از فرزندان حضرت در جزیره ای دور دست دارد. در آن داستان، ادعا شده است برخی فرزندان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در جزایری دور دست و ناشناخته، بر شهرهایی حکومت می کنند. این داستان، ابتدا به وسیله علامه مجلسی در بحار الانوار(۳) و پس از نزدیک دو قرن، به وسیله محدث نوری در کتاب نجم الثاقب(۴) شهرت

ص: ۵۳۹

-
- ۱- سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبرا، ترجمه سید حسن افتخار زاده، ص ۸۵.
 - ۲- سید جعفر مرتضی، جزیره خضرا در ترازوی نقد، ترجمه: محمد سپهری، ص ۲۱۸.
 - ۳- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹.
 - ۴- میرزا حسین طبرسی نوری، نجم الثاقب، باب هفتم، حکایت ۳۷. با وجود این که وی حکایت را از بحار الانوار نقل کرده است، ولی تفاوت های فراوانی با نقل علامه مجلسی دارد.

یافت.

در محل خود به ساختگی بودن این داستان اشاره شد (۱) از این رو استدلال به این داستان و مانند آن، بر این مسأله غیر قابل پذیرش است.

۳. علامه مجلسی می گوید: نگارنده کتاب مزار کبیر به اسناد خود از ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

گویی می بینم فرود آمدن قائم را در مسجد سهله، با اهل و عیالش. (۲)

این روایت برای آن حضرت همسر و فرزند اثبات کرده است؛ ولی هیچ دلالتی ندارد در دوران غیبت نیز دارای زن و فرزند است؛ چرا که احتمال دارد این زن و فرزند پس از ظهور برای او حاصل آید. به ویژه آن که فضای روایت مربوط به دوران ظهور است.

۴. در روایتی که ابن طاووس از امام رضا علیه السلام در صلوات بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل ک—رده است، عبارت زیر به چشم می خورد:

خدایا! به او و خاندان و فرزندان و نسل و تمام پیروانش، چیزی ببخش که مایه روشنی چشم و خوشحالی دل او شده و حکومت تمام حکومت های دور و نزدیک، عزیز و ذلیل را در اختیار او قرار دهد؛ به گونه ای که حکومت او، بر همه حکومت ها چیره و حق، بر همه باطل ها غلبه می کند. (۳)

برخی بزرگان درباره روایت پیشین نوشته اند:

اولاً: سند روایت قابل اعتماد نیست.

ثانیاً: بیشترین چیزی که از این دعای نقل شده از امام رضا علیه السلام که حدود پنجاه سال پیش از ولادت امام زمان علیه السلام فرموده اند، می توان استنباط کرد، این است که امت اسلام، دارای مهدی است و او دارای فرزندان

ص: ۵۴۰

۱- ر.ک: مدخل جزیره خضرا.

۲- «كَانَتْ أَرَى نُزُولَ الْقَائِمِ فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَ عِيَالِهِ»، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱، باب ۲۷.

۳- «... اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ وَ جَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ تَسُرُّ بِهِ نَفْسُهُ وَ تَجْمَعُ لَهُ مُلْكِ الْمُلْكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبَهَا وَ بَعِيدَهَا وَ عَزِيزَهَا وَ ذَلِيلَهَا حَتَّى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ يُغْلَبَ بِحَقِّهِ كُلُّ بَاطِلٍ...» سید بن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۵۰۶.

خواهد شد؛ اما در روایت اشاره ای به زمان ولادت فرزندان حضرت نشده است.

سیاق کلام، حاکی از آن است که این موضوع به عصر ظهور و قیام و حکومت ایشان مربوط می شود. (۱)

۵. روایت دیگری که سید بن طاووس نقل کرده است کـ __ رده است کـ ه امام رضا علیه السلام فرمود:

پروردگارا! درود فرست بـ ر والیان عهد وی و پیشوایان از فـ رزندان او... (۲)

این روایت نیز به دلایلی بر مدعا غیر قابل پذیرش است.

الف. روایت از نظر سند ضعیف است.

ب. این روایت بنابر تصریح خود ابن طاووس، دارای متن دیگری نیز می باشد که به این شکل است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَوَلَاهِ عَهْدِهِ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ...»؛ که در آن، کلمه «من ولده» نیست.

البته شیخ طوسی در کتاب مصباح المتعجد (۳) و کـ __ فعمی در مصبـ __ اح (۴) به همین صورت دوم نقل کرده اند.

ج. بر فرض هم که درستی روایت را بپذیریم، باز هم در روایت، نکته ای که حاکی از زمان ولادت فرزندان امام باشد، وجود ندارد و ممکن است به فرزندان آن حضرت پس از ظهور اشاره کرده باشد.

۶. میرزای نوری در نجم الثاقب با عنوان «دفع شبهه نبودن اولاد برای آن حضرت» آورده است:

سید بن طاووس در اواخر کتاب جمال الاسبوع (۵) گفته که: «من یافتم روایتی به سند متصل به این که از برای مهدی گروهی از اولاد است که والیاند در اطراف شهرها که در دریا است و ایشان داریند غایت بزرگی و صفات نیکان را.» (۶)

ص: ۵۴۱

۱- سید جعفر مرتضی، جزیره خضرا در ترازوی نقد، محمد سپهری، ص ۲۲۰.

۲- «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَوَلَاهِ عَهْدِهِ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ...»، سید بن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۵۱۲.

۳- شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص ۴۰۹.

۴- کفعمی، المصباح، ص ۵۴۸.

۵- سید بن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۵۱۲.

۶- میرزا حسین طبرسی نوری، نجم الثاقب، ص ۴۰۲.

در جمال الاسبوع، نه فقط سندی بر این ادعا نیاورده، بلکه مشخص نکرده این سخن از چـه کسی ذکـر شده است.

البته بـه روایـات دیگـی نیز استدلال شده که به نظر می رسد آنچه ذکر شد، اهمیت بیشتری دارد و آن هم که ملاحظه شد، قابلیت استدلال بر این موضوع را ندارند. افزون بر روایات، به برخی از ادعیه و زیارت نامه ها نیز استدلال شده که در آن ها نیز استدلال ناتمام است؛ زیرا استناد قطعی آن هـا بـه معصوم علیه السلام مورد تردید است.

یکی از بزرگان، درباره برخی از آنچه به عنوان دلیل قائلان به زن و فرزند دار بودن حضرت آمده است، می نویسد:

بعضی از روایات، مثل خبر «کمال الدین انباری» و خبر «زین الدین مازندرانی» از جهت غرابت و ضعف ظاهری که در متن آن ها است، قابل استناد نمی باشد و بعضی دیگر، همچون فقرات برخی از «ادعیه و زیارات» نیز صراحت ندارد و قابل حمل بر عصر ظهور می باشد. (۱)

پس دلیل دوم قائلان به ازدواج آن حضرت که روایات است، مخدوش می شود و جـای بـرای استفاده و استدلال به آن باقی نمی ماند؛ لذا نمی توانیم به آن روایات تمسک کنیم.

دیدگاه دوم: انکار همسر و فرزند

در این احتمال نیز به دو دلیل تمسک شده است:

الف. ازدواج با فلـسفه غیبـت منافات دارد؛

ب. روایاتی که به ازدواج نکـردن تصریح دارد.

دلیل نخست

در این احتمال، گفته شده همسر داشتن بـرای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با فلسفه غیبت در تعـارض است؛ چرا که فلسفه غیبت، دور و پنهان بودن از مردم است، تا این که گزندی به او نرسد، و از شر دشمنان در امان باشد؛ از این رو هر چیزی که خلاف آن باشد، بر آن حضرت روا نیست و ازدواج با این امر و فلسفه منافات دارد.

بنابراین ازدواج کاری مستحب،

ص: ۵۴۲

پسندیده و مهم است و حفظ اسرار و پنهان زیستی و حفظ جان از گزند دشمنان امری مهم تر است؛ پس هر گاه امری دایر شود بین مهم و مهم تر، عقل، مهم تر را برمی‌گزیند.

به عبارت دیگر، مصلحت فلسفه غیبت از مصلحت ازدواج بیشتر است؛ از این رو فلسفه غیبت، مانعی است برای ازدواج و می‌تواند از تحقق ازدواج جلوگیری کند. حال که ازدواج مانع دارد، ازدواج نکردن آن حضرت نمی‌تواند روگردانی از سنت به شمار آید؛ چون آن حضرت اعراض نکرده، بلکه امر مهم تر را برگزیده است.

دلیل دوم

این گروه، افزون بر آنچه یاد شد، به روایاتی نیز استدلال کرده اند:

۱. مسعودی در اثبات الوصیه نقل کرده است: علی بن حمزه و ابن سراج و ابن ابی سعید مکاوی به محضر امام رضا علیه السلام وارد شدند. علی بن ابی حمزه سخن را آغاز کرده، گفت: «برای ما از پدران نقل شده است که تمام وظائف امام، پس از رحلت به امامی مانند او منتقل می‌شود.» امام رضا علیه السلام به او فرمود: «خبر بده مرا از حسین بن علی علیهما السلام امام بود یا نه؟» گفت: «امام بود.» حضرت فرمود: «پس چه کسی جانشین او شد؟» عرض کرد: «علی بن حسین. علیهما السلام»

این پرسش و پاسخ ادامه یافت تا این که ابن ابی حمزه گفت: «برای ما روایت شده است که امام در نخواهد گذشت، تا این که جانشین و نسل خود را ببیند.»

امام رضا علیه السلام فرمود: «آیا در این روایت، بیش از این چیزی برای شما گفته نشده است؟» گفت: «نه.» حضرت فرمود:

«بلی و الله لقد رویتم فیہ إلا القائم...؛ بله؛ به خدا سوگند! برایتان روایت شده است، مگر قائم...»

ابن ابی حمزه (با حالتی شبیه اعتراض) گفت: «این قسمت در حدیث است؟»

امام رضا علیه السلام فرمود:

وای بر تو! چگونه جرأت کردی به چیزی که بخشی از آن را رها کرده‌ای، بر من احتجاج کنی؟ (۱)

افزون بر مسعودی، کشی نیز در

ص: ۵۴۳

۱- «ویلک کیف اجترأت علی بشیء تدع بعضه»، علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۰۸.

رجال خود(۱) این روایت را با اندک تفاوتی آورده است.

روشن است که این روایت نه فقط در دوران غیبت، بلکه در تمام عمر آن حضرت داشتن فرزند برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را منتفی می‌داند.

۲. شیخ طوسی در کتاب الغیبه نزدیک به همین مضمون را در روایتی دیگر آورده است.

حسن بن علی خزاز گفت: علی بن ابی حمزه بر امام رضا علیه السلام وارد شد و پرسید: «آیا تو امام هستی؟» حضرت فرمود: «آری.» علی بن ابی حمزه گفت: «از پدر بزرگ شما جعفر بن محمد شنیدم که امامی نیست، مگر این که فرزندی دارد.» امام فرمود: «آیا فراموش کردی یا خود را به فراموشی زدی؟ این چنین که گفتمی نفرمود. بلکه فرمود: امامی نیست، مگر این که فرزندی داشته باشد مگر امامی که حسین بن علی برای او خارج می‌شود [= رجعت می‌کند]؛ پس همانا او فرزندی نخواهد داشت.»(۲)

علی بن ابی حمزه گفت: «راست فرمودی. این چنین فرمود جدّ بزرگوارت.»

دو روایت پیشین در اثبات ادعا کافی است؛ ولی برخی امور دیگری را می‌توان شاهد آورد:

۳. روایاتی حضرت خضر را کسی معرفی کرده است که وحشت تنهایی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در دوران غیبت برطرف می‌سازد، در حالی که اگر آن حضرت زن و فرزند داشت، به ملازم و همراه نیازی نبود. امام رضا علیه السلام فرمود:

خضر علیه السلام از آب حیات نوشید و او زنده است... خداوند سبحانه و تعالی به واسطه او تنهایی قائم ما را در دوران غیبتش به انس تبدیل کند و غربت و تنهایی اش را با وصلت او مرتفع سازد. (۳)

۴. در روایات فراوانی از آن

ص: ۵۴۴

۱- محمد بن عمر کشی، رجال الکشی، ص ۴۶۵.

۲- «لَمَّا يَكُونُ الْإِمَامُ إِلَّا وَ لَهُ عَقَبٌ إِلَّا الْإِمَامَ الَّذِي يَخْرُجُ عَلَيْهِ الْحَسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ لَا عَقَبَ لَهُ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۲۴.

۳- «إِنَّ الْخَضِرَ شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ فَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ... وَ سَيُؤْنَسُ اللَّهُ بِهِ وَ حَشَهُ قَائِمًا فِي غَيْبَتِهِ»، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۹۰، ح ۴.

حضرت با القاب فرید (تک) و وحید (یگانه) یاد شده است و این، با زن و فرزند داشتن منافات دارد. (۱)

۵. دسته ای از روایات، ملازمان حضرتش را در دوران غیبت، فقط سی تن از یاران خاص آن حضرت ذکر کرده است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

صاحب این امر، از غیبتی ناگزیر است و در غیبت خود، ناچار از گوشه گیری و کناره جویی از دیگران است. طیبه [مدینه] خوش منزلی است و با وجود سی تن [یا به همراهی سی نفر] در آن جا وحشت و ترسی نیست. (۲)

علامه محمد تقی شوشتری درباره فرزنددار بودن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته است:

باید گفت: در هیچ خبری وارد نشده است که آن حضرت پیش از ظهور فرزند داشته باشد، و در خصوص فرزند دار شدن آن امام پس از ظهور هم اختلاف است. (۳)

در پایان، توجه به این نکته خالی از لطف نیست که با عنایت به این که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک به هفتاد سال از عمر خود را در دوران غیبت صغرا سپری کرده و محذورات این دوران در ازدواج کردن، به مراتب کمتر از دوران غیبت کبرا بوده است، و نیز این که در هیچ یک از منابع معتبر یا سخنان نواب خاص به این نکته اشاره ای نشده است، می توان دیدگاه زن و فرزند نداشتن را ترجیح داد. و خداوند سبحانه و تعالی آگاه تر است.

هیبت حضرت مهدی علیه السلام < شمایل حضرت مهدی علیه السلام

ص: ۵۴۵

-
- ۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱، باب ۲۶، ح ۱۳.
 - ۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۶؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۸.
 - ۳- جزیره خضراء افسانه یا واقعیت، ص ۲۲۶، به نقل از: الاخبار الدخیله، ج ۲، ص ۷۲.

از نشانه های نزدیک شدن قیامت در عصر ظهور

در دو سوره قرآن مجید، از یاجوج و ماجوج سخن به میان آمده است؛ یکی در آیات ۹۲ تا ۹۸ سوره کهف و دیگر در آیه ۹۶ سوره انبیاء. آیات قرآن به روشنی گواهی می دهد که این دو نام، متعلق به دو قبیله وحشی خونخوار بوده است که مزاحمت شدیدی برای ساکنان اطراف مرکز سکونت خود داشتند. در تورات، در کتاب حزقیل (فصل ۳۸ و ۳۹) و در کتاب رؤیای یوحنا (فصل ۲۰) از آن ها به گوگ و ماگوگ یاد شده است که معرب آن یاجوج و ماجوج است. به گفته صاحب المیزان، از مجموع گفته های تورات استفاده می شود که ماجوج یا یاجوج و ماجوج، گروه یا گروه های بزرگی بودند که در دوردست ترین نقطه شمـال آسیـا زندگی می کردند. آنان مردمی جنگجو و غارتگر بودند. (۱)

دلیل های فراوانی از تاریخ در دست است که در منطقه شمال شرقی زمین، در نواحی مغولستان در

ص: ۵۴۷

زمان های گذشته، گویی چشمه جوشانی از انسان وجود داشته است. مردم این منطقه به سرعت زاد و ولد می کردند و پس از کثرت و فزونی به سمت شرق، یا جنوب سرازیر می شدند و همچون سیل روانی این سرزمین ها را زیر پوشش خود قرار می دادند، و به تدریج در آن جا ساکن می گشتند.

به نظر می رسد یا جوج و مأجوج از همین قبایل وحشی بوده اند که مردم قفقاز، هنگام سفر کورش به آن منطقه، تقاضا کردند از آنان جلوگیری کند. او نیز به کشیدن سد معروف ذوالقرنین اقدام کرد. (۱)

اما ارتباط این ها با مهدویت از روایاتی به دست می آید که آن ها را یکی از اشراف الساعه دانسته است. (۲) البته برخی درباره حقیقت وجودی آن ها، خواسته اند با استفاده از روایات، در انسان بودن آن ها تردید کنند! (۳)

در روایاتی چند پراکنده شدن یا جوج و مأجوج بر روی زمین، در کنار خروج دجال و نزول حضرت عیسی علیه السلام ذکر شده است؛ (۴) بنابراین می توان این احتمال را مطرح کرد که این رخداد در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا در آستانه قیامت، رخ خواهد داد. (۵)

ممکن است گفته شود: مقصود از یا جوج و مأجوج، افراد شرور با ویژگی خاص نیست؛ بلکه می تواند این حقیقت در هر گروهی باشد که در آخر الزمان مقابل حق می ایستند و

ص: ۵۴۸

۱- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۵۱ - ۵۵۲.

۲- شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۳۱، ۴۴۶، ۴۴۹؛ همچنین ر.ک: سیوطی، الدرالمثور، ج ۳، ص ۵۹، ج ۴، ص ۲۵.

۳- ر.ک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۸۷.

۴- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَكُونَ عَشْرُ آيَاتٍ الدَّجَالُ وَ الدُّخَانُ وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَ دَابَّةُ الْأَرْضِ وَ يَأْجُوجُ وَ مَأْجُوجُ وَ ثَلَاثَةُ حُسُوفٍ حَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَ حَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ وَ حَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَ نَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَعْرِ عَدَنِ تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الْمُحْشَرِّ»، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۳؛ حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۶۶.

۵- ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۹۹.

اقدام به شرارت می کنند.

نیز ن.ک: اشراط الساعة، آستانه قیامت.

یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران وی—ژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سیصد و سی—زده نف—رند. احادیث فراوانی در ستایش این گروه ممتاز وارد شده و در قرآن کریم آیاتی است که تأویل به آنان شده است:

۱. از امام باقر و صادق علیهما السلام در تأویل سخن خدای متعال: ((وَلَيُنْ أَخْرُنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّه مَعْدُودَه...))؛ (۱) «هر آینه اگر از آنان عذاب را تا مدتی معین [یا تا فراهم آمدن دسته ای به تعداد مشخص] به تأخیر اندازیم...» نقل شده که فرمودند:

مراد از امت معدود، یاران مهدی در آخرالزمانند؛ سیصد و سیزده نفر به شمار افراد جنگ بدر. آنان، در ساعتی جمع شوند؛ مانند ابرهایی که در پاییز جمع می شوند. (۲)

۲. امام صادق علیه السلام در وصف یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

مردانی که گویی قلب هایشان مانند پاره های آهن است. هیچ چیز نتواند دل های آنان را در باره ذات خداوند گرفتار شک سازد. سخت تر از سنگ هستند. اگر بر کوه ها حمله کنند، آن ها را از هم خواهند پاشید... گویی که بر اسبان خود، مانند عقاب هستند. بر زمین اسب امام دست می کشند و از این کار برکت می جویند. گرد امام خویش چرخیده، در جنگ ها، جان خود را سپر او می سازند و هر چه را بخواهد برایش انجام می دهند. مردانی که شب ها نمی خوابند؛ در نمازشان همه ای چون صدای زنبور عسل دارند. شب ها بر پای خویش ایستاده و صبح بر مرکب های خود سوارند. پارسایان شبند و شیران روز. اطاعت آنان برابر امامشان، از اطاعت کنیز برای آفایش زیادتر است. مانند چراغ ها هستند...

ص: ۵۴۹

۱- هود (۱۱): ۸.

۲- «... أُمَّه مَعْدُودَه يَغْنَىٰ عِدَّةَ كَعِدَّةِ بَدْرٍ قَالَ يَجْمَعُونَ لَهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ فَرَعًا كَفَرَعَ الْخَرِيفِ»، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۵، ح ۴۲؛ نیز: ر.ک: نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۱.

گویی که دل هایشان قندیل است. از ترس خدا بیمناک و خواهان شهادتند. تمنایشان شهید شدن در راه خدا است. شعارشان این است: «ای مردم! برای خون خواهی حسین به پا خیزید.» وقتی حرکت می کنند، پیشاپیش آنان به فاصله یک ماه وحشت حرکت کند. آنان، دسته دسته به سوی مولا می روند. خدا به وسیله آنان امام راستین را یاری می فرماید. (۱)

فرق بین یاران خاص و یاوران

بین یاران ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاوران آن حضرت تفاوتی هست؛ اصحاب و یاران خاص سیصد و سیزده نفرند. آنان کسانی اند که حضرات امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام از آنان به پرچم داران تعبیر فرموده اند و هر یک از این یاران خاص، نقش عظیمی در فرماندهی سپاه و گشودن شهرها و اداره امور و... دارند.

یاوران، مؤمنان صالحی اند که به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مکه و غیر آن ملحق می شوند. زیر پرچمش گرد می آیند و با دشمنان خدا و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می جنگند.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مکه خارج نخواهد شد؛ مگر آن که همراه او ده هزار نفر از یاوران خواهند بود. (۲) البته این شمار، گروهی از یاوران ایشانند، نه همه آنان، برای نمونه فقط سید هاشمی با دوازده هزار نیرو در عراق به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ملحق می شوند... این همه، غیر از یاورانی است که از فرشتگانند. آنان نیز یاوران حضرت بوده و اوامر آن بزرگوار و آموزه هایش را فرمانبردار خواهند بود.

ویژگی های یاران خاص

بیشتر یاران خاص حضرت در سن جوانی اند و بزرگسالان میان آنان کم هستند. این یاران، دارای افکاری متحد و آرایی یکنواخت بوده و دل های شان به هم پیوسته است. حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:

همانا یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف همگی جوانند و پیر میانشان نیست؛ مگر به اندازه سرمه در چشم یا به قدر نمک در توشه راه و کمترین چیز در توشه

ص: ۵۵۰

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۱.

لازم یادآوری است در تشکیل هسته اصلی آن پیکار بزرگ و جهاد مقدس، زنان نیز نقش بسزایی دارند و طبق تعبیر برخی از احادیث، حدود پنجاه زن، از یاران اصلی امام و همراه هسته مرکزی آن قیام می‌باشند. این موضوع، دو نکته را روشن می‌سازند:

۱. زنان که در طول تاریخ، از حقوق خویش محروم بودند و شخصیت آنان تحقیر گشته بود، در دوران آن انقلاب بزرگ، شخصیت واقعی خویش را باز خواهند یافت و به عنوان کارگزاران اصلی آن تحوّل عظیم، در جامعه جهانی شرکت خواهند داشت. این موضوع، اهمیت ویژه‌ای دارد که ارزش واقعی و پایه قدرت و توانمندی نوع زن و ارزشیابی استعدادهای او را - در صورتی که خود را ساخته باشد - مشخص می‌سازد.

۲. زنان اگر در جهاد و رویارویی مستقیم شرکت نکنند، در دیگر پست‌ها و مسؤولیت‌ها و سازندگی‌ها، می‌توانند مشارکت داشته باشند. همچنین - ن در گ - سترش ف - رهنگ اسلامی، تبیین خطوط اصلی دین، آموزش معارف الهی و جایگزین ساختن معیاره - ا و اص - ول انقلاب مهدوی، می‌توانند ک - ارامد باشند و نقش‌های اصلی و ب - رجسته‌ای را برعهده گیرند. در مسائل پشت جبهه و دیگر مسائل اجتماعی، فرهنگی و تربیتی نیز می‌توانند نقش سازنده‌ای داشته باشند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

... به خدا سوگند سیصد و چند تن از مردان نزد او می‌آیند، که با آنان پنجاه زن نیز هست... (۲)

این موضوع، ارجمندی جایگاه زن و بلندای رشد و تکامل او را روشن می‌کند. اثر تربیتی این موضوع مهم، در جامعه کنونی - که جامعه منتظر است - می‌تواند خ - و د آیی زن - ان و

ص: ۵۵۱

۱- «انَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا - كَهَوْلَ فِيهِمْ إِلَّا - كَالْكَخِيلِ فِي الْعَيْنِ، أَوْ كَالْمِلْحِ فِي الرَّادِ، وَأَقْلَبُ الرَّادِ الْمِلْحُ»، نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۵، ح ۱۰.

۲- «وَيَجِيءُ ءُ وَاللَّهِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَبِضْعَةِ عَشْرٍ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً»، عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۵.

بازشناسی تـوان رشـد و بازیـابی شخصیت آنان باشد.

برای شرکت در آن دگرگونی و انقلاب بزرگ و جهانی، زنان از هم اکنون باید با معیارهای دقیق اسلامی و اخلاقی، شخصیت خود را بسازند و در بعد علم و عمل تکامل یابند، و بدانند که هم اکنون و در آینده، مسؤولیت های بزرگی بر عهده دارند و در آینده نقش های اصولی تری را به انجام خواهند رساند. پس ناگزیر از هم اکنون به شناخت دقیق و درست اسلام پردازند و در تربیت خویش بکوشند، تا پیش از ظهور، در جامعه زنان منتظر قرار گیرند، و در دوران ظهور شایستگی شرکت در آن حرکت بزرگ و کمک رساندن به داعی حق را داشته باشند. (۱)

نیز ن.ک: ابدال، اختیار، اوتاد، عصائب، زمینه سازان ظهور.

یا لثارات الحسین علیه السلام!

شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام

ثار در لغت به معنای خون خواهی است. (۲) یا لثارات الحسین علیه السلام شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام است که به خون خواهی امام حسین علیه السلام، هنگام قیام آن حضرت سر خواهند داد. به این معنا که «کجایند قاتلان حسین؟» (۳) یا به این معنا که «کجایند خون خواهان حسین؟».

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

یـاران مـهدی... فـقـط از خـدا می ترسند و فریاد «لا اله الا الله» آنان بلـند است (۴) و همـواره در آرزوی شهادت و کشته شدن در راه خدایند. شعار آنان «یا لثارات الحسین» است. به هر سو که روی آورند، ترس از آنـان، بـه اندازه

ص: ۵۵۲

۱- محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۵۷ - ۷۶ (با تصرف).

۲- ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۹۷؛ کتاب العین، ج ۸، ص ۲۳۶؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۳۴.

۳- ر.ک: مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۳۵.

۴- «... وَهُمْ مِنْ خَشِيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَيَتَمَنُونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ شِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا سَارُوا يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهُمْ مَسِيرَةَ شَهْرٍ»، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۴، ح ۱۲۵۶۵.

یک ماه مسیر _ پیشاپیش در دل مردم افتد. (۱)

در برخی روایات، این عبارت، شعار فرشتگان، به هنگام یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یاد شده است. (۲)

البته روشن است چون حسین بن علی علیهما السلام تم—ام آینه حق و حقیقت است و دشمنان وی در آن زمان تمام نمای باطل، انتقام از خون امام حسین علیه السلام انتق—ام از خ—ون همه

ص: ۵۵۳

-
- ۱- ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، باب ۲۶.
 - ۲- امام رضا علیه السلام: «فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَشِعَارُهُمْ يَا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ»، عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۲۹۹؛ صدوق، ألامالی، ص ۱۲۹.

مظلومان در طول تاریخ خواهد بود و آن حکومت عدل جهانی، برآورنده آرزوی همه فرودستان جهان در طول تاریخ.

به امید آن روز نورانی

والسلام

ص: ۵۵۴

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند.
۲. سید رضی (م ۴۰۶ ق)، نهج البلاغه، قم، انتشارات دارالهجره، بی تا.
۳. ابن ابی عاصم (م ۲۸۷ ق)، کتاب الاوائل، کویت، دار الخلفاء للکتاب الاسلامی، بی تا.
۴. ابن اثیر (م ۶۳۰ ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۶ ق.
۵. ابن بطریق، یحیی بن حسن حلّی (م ۵۸۸ ق)، العمده، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۱ ق.
۶. ابن حبان (م ۳۵۴ ق)، صحیح ابن حبان، بی جا، موسسه الرساله، ۱۴۱۴ ق.
۷. ابن حجر (م ۵۸۲ ق)، تهذیب التهذیب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ق.
۸. ابن خلدون (م ۸۰۸ ق)، تاریخ ابن خلدون، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۹. ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق)، مناقب آل ابی طالب، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق.
۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی (م ۶۶۴ ق)، اقبال الاعمال، دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ق.
۱۱. ابن طاووس، علی بن موسی، جمال الاسبوع، قم، رضی، بی تا.

۱۲. ابن كثير (م ۷۷۴ ق)، الفتن و الملاحم، بی جا، دار الكتب الحديثه، بی تا.
۱۳. ابن كثير، تفسير ابن كثير، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۱۴. ابن منظور، محمد بن مكرم (م ۷۱۱ ق)، لسان العرب، بيروت، دار احياء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۱۵. ابن منادی، الملاحم، قم، دارالسیره، ۱۴۱۸ ق.
۱۶. ابوالحسين احمد بن فارس (م ۳۹۵ ق)، معجم مقاييس اللغه، قم، مكتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۷. ابو داود (م ۲۷۵ ق)، كتاب السنن، بی جا، دار احياء السنه النبويه، بی تا.
۱۸. احسائي، ابن ابی جمهور (م ۸۸۰ ق)، عوالی اللئالی، قم، سیّد الشهداء، ۱۴۰۵ ق.
۱۹. اربلی، علی بن عیسی (م ۶۹۳ ق)، كشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، تبریز، مكتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۲۰. اسفراینی، طاهر بن محمد، تاج التراجم، تهران، میراث مكتوب، ۱۳۷۵ ق.
۲۱. اصفهانی، ابوالفرج (م ۳۵۶ ق)، مقاتل الطالبیین، نجف اشرف، المكتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.
۲۲. الهامی، داود، آخرین امید، دوم، قم، مكتب اسلام، ۱۳۷۱ ش.
۲۳. امین، سید محسن (م ۱۳۷۱ ق)، اعیان الشیعہ، بیروت، دارالتعارف، بی تا.
۲۴. امینی، ابراهیم، داد گستر جهان، نوزدهم، قم، شفق، ۱۳۷۹ ش.
۲۵. امینی (م ۱۳۹۲ ق)، الغدير، بیروت، دارالكتاب العربی، ۱۳۹۷ ق.
۲۶. ایازی، سیّد محمد علی، شناختنامه تفاسیر، رشت، كتاب مبين، ۱۳۷۸ ش.
۲۷. بحرانی، سیّد هاشم، البرهان، مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ ق.
۲۸. بحرانی، سیّد هاشم، المحججه فيما نزل فی القائم الحججه علیه السلام، قم، مؤسسه الوفاء، ۱۳۷۸ ش.
۲۹. بحرانی، سیّد هاشم، سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، سیّد مهدی حایری قزوینی، سوم، تهران، نشر آفاق، ۱۳۷۶ ش.

۳۰. بخاری، محمد بن اسماعیل (۲۵۶ ق)، صحیح البخاری، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق.
۳۱. بدری، سید سامر، پاسخ به شبهات احمد الکاتب، ناصر ربیعی، قم، انوار الهدی، ۱۳۸۰ ش.
۳۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد (م ۲۷۴ ق)، المحاسن، دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ق.
۳۳. برنجکار، رضا، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۸ ش.
۳۴. بغدادی، ابو منصور عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، محمد جواد مشکور، انتشارات اشراقی.
۳۵. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی التفسیر والتأویل، دارالفکر، ۱۴۰۵ ق.
۳۶. بنی هاشمی سید محمد، معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، نیک معارف، ۱۳۸۳ ش.
۳۷. بیضاوی، ناصرالدین ابو سعید (م ۶۸۲ ق)، انوارالتنزیل و اسرار التأویل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
۳۸. بهشتی، محمد، ادیان و مهدویت، مرآتی، بی تا.
۳۹. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان علیهم السلام، قم، مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۲ ش.
۴۰. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴۱. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم السلام، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۴۲. توفیقی، حسین، هزاره گرای در فلسفه تاریخ مسیحیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۴۳. تهرانی، آقابزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، دوم، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.

۴۴. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، سید محمد تقی آیت اللهی، دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷ ش.
۴۵. جعفر مرتضی، جزیره خضراء در ترازوی نقد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.
۴۶. جعفریان، رسول، جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۴۷. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه السلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۴۸. جمعی از نویسندگان، فصلنامه انتظار، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۱ ش، (ادامه دارد).
۴۹. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات و گفتارها پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دبیرخانه اجلاس دوسالانه ابعاد وجودی حضرت مهدی علیه السلام، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۵۰. جمعی از نویسندگان، مشعل جاوید، محمدعلی مهدوی راد، قم، دلیل ما، ۱۳۸۰ ش.
۵۱. جمعی از نویسندگان، نور مهدی علیه السلام، تهران، آفاق، ۱۴۰۱ ق.
۵۲. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه ولایت فقاها و عدالت، قم، اسراء، ۱۳۷۹ ش.
۵۳. جوهری (م ۳۹۳ ق)، الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
۵۴. جوینی خراسانی، علی بن محمد، فرائد السمطین، قم، مؤسسه محمودی، ۱۴۰۰ ق.
۵۵. حاجی خلیفه، کشف الظنون، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۵۶. حداد عادل، غلامعلی و همکاران، دانشنامه جهان اسلام، اول، تهران، بنیاد دائره المعارف اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۵۷. الحرائی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.

۵۸. حسن زاده آملی، حسن، نهج الولایه، قم، قیام، ۱۳۷۹ ش.

۵۹. حسنی البرزنجی، سید محمد بن رسول، الاشاعه لاشراط الساعه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ ق.

۶۰. حکیمی، محمد، در فجر ساحل، بیست و یکم، تهران، آفاق، ۱۳۷۸ ش.

۶۱. حکیمی، محمد، عصر زندگی، بیست و یکم، تهران، آفاق، ۱۳۷۸ ش.

۶۲. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، شانزدهم، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش.

۶۳. حلّی، حسن بن علی بن داود، رجال ابن داود، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.

۶۴. حلّی، حسن بن یوسف (م ۷۲۶ ق)، رجال، قم، دار الذخایر، ۱۴۱۱ ق.

۶۵. حلّی، علی بن یوسف، العدد القویه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۸ ق.

۶۶. حموی، یاقوت بن عبدالله (م ۶۲۶ ق)، معجم البلدان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ ق.

۶۷. خادمی شیرازی، محمد، مجموعه فرمایشات بقیه‌الله عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، رسالت، ۱۳۷۷ ش.

۶۸. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق.

۶۹. خسروشاهی، سید هادی، مصلح جهانی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اهل سنت، دوم، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴ ش.

۷۰. خویی، ابوالقاسم (م ۱۴۱۱ ق)، معجم رجال الحدیث، ۱۴۱۳ ق.

۷۱. دوانی، علی، دانشمندان عامّه و مهدی موعود علیه السلام، سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱ ش.

۷۲. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.

۷۳. دیلمی، حسن بن ابی الحسن (م ۸۴۱ ق)، الارشاد القلوب، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.

۷۴. رازی، ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان، تهران، اسلامی، ۱۳۴۶ ش.

۷۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (م ۵۰۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، دوم، بی جا، دفتر نشر کتاب، بی تا.
۷۶. راوندی، قطب الدین (م ۵۷۳ ق)، الخرائج والجرائح، قم، موسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۷۷. رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۴ ش.
۷۸. سجستانی، سلیمان بن اشعث (م ۲۷۵ ق)، سنن ابی داود، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ ق.
۷۹. سعادت پرور، علی، ظهور نور، سید محمد جواد وزیری فرد، تهران، احیاء کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۸۰. سلیمان، خدامراد، بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴ ش.
۸۱. سمرقندی، ابواللیث، تفسیر سمرقندی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۸۲. سیوطی شافعی، جلال الدین عبد الرحمن (م ۹۱۱ ق)، الحاوی للفتاوی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۸۳. سیوطی شافعی، جلال الدین عبد الرحمن، الدر المنثور، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
۸۴. شوشتری، محمد تقی و دیگران، جزیره خضرا افسانه یا واقعیت؟، ابوالفضل طریقه دار، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۸۵. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم (م ۵۴۸ ق)، الملل و النحل، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۹۸ م.
۸۶. شیبانی، احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق)، مسند احمد، مصر، موسسه قرطبه، بی تا.
۸۷. صادقی تهرانی، محمد، بشارات عهدین، اول، تهران، امید فردا، ۱۳۸۲ ش.
۸۸. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، موسسه سیده المعصومه علیها السلام، ۱۴۱۹ ق.

۸۹. صافی گلپایگانی، لطف الله، فروغ ولایت در دعای ندبه، قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۵۷ ش.
۹۰. صافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۷ ش.
۹۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، پیرامون معرفت امام، قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۵ ش.
۹۲. صدر حاج سید جوادی، احمد و دیگران، دایره المعارف تشیع، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۱ ش.
۹۳. صدر، سید رضا، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۸ ش.
۹۴. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الصغری، سید حسن افتخارزاده، تهران، نیک معارف، ۱۳۷۱ ش.
۹۵. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الكبرى، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین، ۱۴۰۲ ق.
۹۶. صدر، سید محمد، تاریخ ما بعد الظهور، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین، بی تا.
۹۷. صدر، سید محمد باقر (م ۱۴۰۲ ق)، رهبری بر فراز قرون، تهران، موسسه موعود، ۱۳۷۹ ش.
۹۸. صدوق، محمد بن علی (م ۳۸۱ ق)، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۹۹. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ق.
۱۰۰. صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ ش.
۱۰۱. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۱۰۲. صدوق، محمد بن علی، ثواب الاعمال، قم، شریف رضی، ۱۳۶۴ ش.
۱۰۳. صدوق، محمد بن علی، الامالی، کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.

۱۰۴. صدوق، محمد بن علی، الخصال، دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
۱۰۵. صفری فروشانی، نعمت الله، غالیان، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ ش.
۱۰۶. صنعانی، عبدالرزاق بن همام (م ۲۱۱ ق)، المصنف، حیب الرحمان الاعظمی، بی جا، بی تا.
۱۰۷. طاهری، حیب الله، سیمای آفتاب، قم، زائر، ۱۳۸۰ ش.
۱۰۸. طباطبایی، محمد حسین (م ۱۴۰۲ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، یازدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۱۰۹. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، دوم، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، بی تا.
۱۱۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، بی جا، دارالحرمین، ۱۴۱۵ ق.
۱۱۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۱۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۱۱۳. طبرسی، میرزا حسین، نجم الثاقب، دوم، قم، مسجد جمکران، ۱۳۷۷ ش.
۱۱۴. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، قم، دارالذخائر، بی تا.
۱۱۵. طبری، محمد بن جریر بن رستم، تاریخ الامم والملوک، بیروت، موسسه الاعلمی، بی تا.
۱۱۶. طبری، محمد بن جریر بن رستم، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۱۱۷. طبری آملی، محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشیعہ المرتضی، نجف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۳ ق.
۱۱۸. طبسی، محمدرضا، شیعه و رجعت، بی جا، محمد میرشاه ولد، بی جا، دارالنشر اسلام، بی تا.
۱۱۹. طبسی، محمد جواد، با خورشید سامرا، عباس جلالی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۱۲۰. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

١٢١. طوسی، محمد بن حسن (م ٤٦٠ ق)، کتاب الغیبه، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ١٤١١ ق.
١٢٢. طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، نجف، انتشارات حیدریه، ١٣٨١ ق.
١٢٣. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بی جا، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
١٢٤. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بیروت، مؤسسه فقه شیعه، ١٤١٠ ق.
١٢٥. طوسی، محمد بن حسن، رساله العقاید الجعفریه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
١٢٦. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ١٣٧٥ ش.
١٢٧. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دارالثقافه، ١٤١٤ ق.
١٢٨. العاملی، محمد بن حسن (م ١١٠٤ ق)، الايقاظ من الهجعه فی اثبات الرجعه، احمد جنتی، تهران، نوید، ١٣٦٢ ش.
١٢٩. العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ١٤٠٩ ق.
١٣٠. عسکری، ابوهلال (م ٣٩٥ ق)، الفروق اللغویه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤١٢ ق.
١٣١. العکبری، محمد بن محمد (شیخ مفید) (م ٤١٣ ق)، الاختصاص، علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، ١٤١٣ ق.
١٣٢. العکبری، محمد بن محمد (شیخ مفید)، اربع رسالات فی الغیبه، قم، کنگره شیخ مفید، ١٤١٣ ق.
١٣٣. العکبری، محمد بن محمد، الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ١٤١٣ ق.
١٣٤. العکبری، محمد بن محمد، الرسائل فی الغیبه، بیروت، دار المفید، ١٤١٤ ق.
١٣٥. علم الهدی، سید مرتضی، جوابات المسائل التبتانیات (رسائل الشریف)، قم، دارالقران الکریم، بی تا.

۱۳۶. علم الهدی، سید مرتضی، الانتصار، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.

۱۳۷. علیا نسب، سید ضیاء الدین، جریان شناسی انجمن حجّتیّه، قم، زلال کوثر، ۱۳۸۵ ش.

۱۳۸. علی بن حسام الدین، البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، مصر، دارالغدیر الجدید المنصوره، ۱۴۲۵ ق.

۱۳۹. عمیدی، سید ثامر هاشم، در انتظار ققنوس، مهدی عزیزه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۵ ش.

۱۴۰. عمیدی، سید ثامر هاشم، مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی، محمد باقر محبوب القلوب، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۰ ش.

۱۴۱. عیاشی، محمد بن مسعود (م ۳۲۰ ق)، تفسیر العیاشی، بیروت، منشورات اعلمی، ۱۴۱۷ ق.

۱۴۲. غفار زاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاصّ امام زمان علیه السلام، قم، انتشارات نبوغ، ۱۳۷۵ ش.

۱۴۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بی جا، مؤسسه دار الهجره، ۱۴۰۹ ق.

۱۴۴. فقیه ایمانی، مهدی، الامام المهدی علیه السلام عند اهل السنه، قم، مجمع جهانی اهل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۸ ق.

۱۴۵. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر القرطبی، قاهره، دارالشعب، ۱۳۷۲ ق.

۱۴۶. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، حسین فریدونی، تهران، آفاق، ۱۳۷۹ ش.

۱۴۷. قزوینی، محمد بن یزید (م ۲۷۳ ق)، سنن ابن ماجه، بیروت، دار الفکر، بی تا.

۱۴۸. قشیری، مسلم بن الحجاج (م ۲۶۱ ق)، صحیح مسلم، محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۱۴۹. قمی، ابن قولویه (م ۳۶۷ ق)، کامل الزیارات، نجف، مرتضویه، ۱۳۵۶ ش.

۱۵۰. قمی، شیخ عباس، منتهی الامال، تهران، پیام آزادی، ۱۳۷۹ ش.

۱۵۱. قمی، شیخ عباس، تتمه المنتهی، تهران، پیام آزادی، ۱۳۷۹ ش.

۱۵۲. قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، دوم، قم، رضی، ۱۳۶۳ ش.

۱۵۳. کارگر، رحیم، آینده جهان، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۳ ش.

۱۵۴. کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، بیروت، مکتبه المثنی، بی تا.

۱۵۵. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.

۱۵۶. کفعمی، ابراهیم بن علی (م ۹۰۵ ق)، المصباح، قم، رضی، ۱۴۰۵ ق.

۱۵۷. کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الامین، بی جا، بی تا.

۱۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.

۱۵۹. کنجی شافعی، ابو عبدالله محمد، البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام، مهدی حمد الفتلاوی، بیروت، دارالمحججه البيضاء، ۱۴۲۱ ق.

۱۶۰. کورانی، علی، عصر ظهور، عباس جلالی، تهران، چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.

۱۶۱. کورانی و دیگران، علی، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، قم، موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۱۶۲. کوفی، ابن ابی شیبہ (م ۲۳۵ ق)، المصنف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.

۱۶۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات، بی جا، موسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ ق.

۱۶۴. مازندرانی، مولی محمد صالح، شرح اصول کافی، بی جا، بی تا.

۱۶۵. مازندرانی، محمد بن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق)، مناقب آل ابی طالب، سید هاشم رسولی محلاتی، قم، موسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ش.

۱۶۶. مالکی، ابن صباغ (م ۸۵۵ ق)، الفصول المهمه فی معرفه الائمه، قم، دارالحديث للطباعه و النشر، ۱۴۲۲ ق.

۱۶۷. متقی هندی، علاء الدین علی (م ۹۷۵ ق)، کنز العمال، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.

۱۶۸. المتقی الهندی، علاء الدین علی، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، بی جا، بی تا.

۱۶۹. مجلسی، محمد باقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۱۷۰. مجلسی، محمد باقر، حق الیقین، بی جا، کانون پژوهش، ۱۳۸۰ ش.
۱۷۱. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایره المعارف قرآن کریم، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۸۲ ش.
۱۷۲. مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۴ ق.
۱۷۳. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم، موسسه انصاریان، ۱۴۱۷ ق.
۱۷۴. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، سوم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ ش.
۱۷۵. مشکور، محمد جواد، تاریخ شیعه و فرقه های اسلام، ششم، بی جا، انتشارات اشراقی، بی تا.
۱۷۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۱۷۷. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹ ش.
۱۷۸. مظفر، محمدرضا (م ۱۳۸۱ ق)، عقاید الامامیه، علیرضا مسجد جامع، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۱۷۹. معرفت، محمد هادی، ولایت فقیه، قم، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۷ ش.
۱۸۰. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، قم، انتشارات ناصح، ۱۴۱۶ ق.
۱۸۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چهلهم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
۱۸۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، قم، مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
۱۸۳. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، قم، مدرسه الامام امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۴۱۱ ق.

۱۸۴. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی (م ۱۳۴۸ ق)، مکیال المکارم، سید مهدی حائری قزوینی، بدر، ۱۳۷۹ ش.
۱۸۵. موصلی، ابویعلی، مسند ابی یعلی، بی جا، دار المأمون للتراث، بی تا.
۱۸۶. نجاشی، احمد بن علی (م ۴۵۰ ق)، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.
۱۸۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ ق.
۱۸۸. نعیم بن حماد، الفتن، مصر، المکتبه التوفیقیه، بی تا.
۱۸۹. نوری، میرزا حسین (م ۱۳۲۰ ق)، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۱۹۰. نیشابوری شافعی، حاکم (م ۴۰۵ ق)، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
۱۹۱. نیشابوری، محمد بن حسن فتال (م ۵۰۸ ق)، روضه الواعظین، قم، انتشارات رضی، بی تا.
۱۹۲. النیلی النجفی، علی بن عبدالکریم، منتخب الانوار المضيئه، قم، خیام، ۱۴۰۱ ق.
۱۹۳. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام، دوم، قم، پرهیزکار، ۱۳۸۰ ش.

یادداشت

ص: ۵۶۸

یادداشت

ص: ۵۶۹

یادداشت

ص: ۵۷۰

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

